۲۴

ترجمه بحار الأنوار

الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار

از محدث کبیر شیعه علامه محمد باقر مجلسی ره



ترجمه بحار الانوار

ترجمه بحارالانوار جلد 24: کتاب امامت - 2

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، 1037 - 1111ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، 1392 -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.1 : 978-600-7150-67-2 ؛ ج.2 : 978-600-7150-68-9 ؛ ج.3 : 978-600-7150-69-6 ؛ ج.4 : 978-600-715070-2 ؛ ج.5 : 978-600-7150-71-9 ؛ ج.6 : 978-600-7150-72-6 ؛ ج.7 : 978-600-7150-73-3 ؛ ج.8 : 978-600-7150-74-0 ؛ ج.10 : 978-600-7150-76-4 ؛ ج.11 : 978-600-7150-83-2 ؛ ج.12 : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.13 : 978-600-7150-85-6 ؛ ج.14 : 978-600-7150-86-3 ؛ ج.15 : 978-600-7150-87-0 ؛ ج.16:978-600-7150-88-7 ؛ ج.17:978-600-7150-89-4 ؛ ج.18: 978-600-7150-90-0 ؛ ج.19:978-600-7150-91-7 ؛ ج.20:978-600-7150-92-4 ؛ ج.21: 978-600-7150-93-1 ؛ ج.22:978-600-7150-94-8 ؛ ج.23:978-600-7150-95-5

مندرجات : ج.1. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.2. کتاب توحید.- ج.3. کتاب عدل و معاد.- ج.4. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. 5. تاریخ پیامبران.- ج.6. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.7. کتاب امامت.- ج.8. تاریخ امیرالمومنین.- ج.9. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.10. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.11. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.12. کتاب آسمان و جهان - 1.- ج.13. آسمان و جهان - 2.- ج.14. کتاب ایمان و کفر.- ج.15. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.16. کتاب مواعظ و حکم.- ج.17. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.18. کتاب ادعیه.- ج.19. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.20.

کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.2 - 8 و 10 - 16 (چاپ اول: 1392) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 11ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP135/م3ب3042167 1392

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 3348985

ص: 1

اشاره

ترجمه

بحار الانوار

جلد 24

کتاب امامت - 2

ترجمه: گروه مترجمان

ص: 3

نام کتاب: ترجمه بحارالانوار،جلد 24

مولف: علامه محمد باقر مجلسی

مترجم: گروه مترجمان

ناشر: نهاد کتابخانه های عمومی کشور

تمام حقوق این اثر برای نهاد کتابخانه های عمومی کشور محفوظ است

آدرس نهاد: تهران - بلوارکشاورز - خیابان فلسطین - کوچه شهید ذاکری

ص: 4

فهرست

{ادامه باب های جلد 23 }

باب بیست و سوم: ائمه علیهم السلام ابرار و متقین و سابقون و مقربین و شیعیان آنها اصحاب یمین و دشمنانشان فجار و اشرار و اصحاب شمالند..... 9

باب بیست و چهارم: ائمه علیهم السلام سبیل و صراط هستند و ایشان و شیعیانشان در راه و صراط استوارند...... 19

باب بیست و پنجم: استقامت در راه ولایت است..... 36

باب بیست و ششم: ولایت ائمه علیهم السلام صدق است و صادقین و صدیقین و شهداء و صالحین آنهایند...... 41

باب بیست و هفتم: در تأویل آیه أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ......53

باب بیست و هشتم: حسنه و حسنی ولایت است و سیئه دشمنی و عداوت با ائمه علیهم السّلام است..... 55

باب بیست و نهم: ائمه علیهم السلام نعمت خدایند و ولایت داشتن، شکر این نعمت است و آنها فضل و رحمت اویند و نعیم همان ولایت است. نعمت بزرگ خدا بر مردم به وسیله آنها است...... 63

باب سی ام: ائمه علیهم السلام نجوم و علامات هستند. در این باب غرائبی از تفسیر در مورد آنها و دشمنانشان ذکر می شود...... 84

باب سی و یکم: ائمه حبل اللَّه متین و دستاویز استوار هستند و آنها به خدا چنگ زده اند. 99

باب سی و دوم: حکمت، معرفت امام است..... 103

باب سی و سوم: ائمه علیهم السلام صافون و مسبحون و صاحب مقام معلوم و حاملین عرش و سفرای کرام هستند...... 105

باب سی و چهارم: ائمه علیهم السلام اهل رضوان و درجات عالی هستند و دشمنانشان مستوجب سخط و عقوبتها هستند..... 111

باب سی و پنجم: ائمه علیهم السّلام معنی «الناس» در قرآن هستند..... 114

باب سی و ششم: ائمه علیهم السّلام دریا و لؤلؤ و مرجانند.....117

باب سی و هفتم: ائمه علیهم السّلام ماء معین و بئر معطله و قصر مشیدند. ابر و باران و سایه و میوه جات و سایر منافع ظاهری به علم و برکات آنها تفسیر شده است.....120

باب سی و هشتم: تأویل نحل (زنبور عسل) در قرآن به ائمه علیهم السّلام.....131

باب سی و نهم: ائمه علیهم السّلام سبع مثانی هستند..... 135

باب چهلم: ائمه علیهم السّلام اولی النهی (خردمندان) هستند.....140

باب چهل و یکم: ائمه علیهم السّلام علماء در قرآنند و شیعیان آنها اولوا الالباب..... 142

باب چهل و دوم: ائمه علیهم السّلام متوسمین هستند و تمام زندگی مردم را با دیدن آنها می دانند..... 146

باب چهل و سوم: آیه «وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ تا وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً» در باره آنها نازل شده است..... 155

باب چهل و چهارم: ائمه علیهم السّلام در قرآن شجره طیبه هستند و دشمنان آنها شجره خبیثه...... 160

باب چهل و پنجم: ائمه علیهم السّلام هدایت و هدی و هادیان در قرآنند..... 167

باب چهل و ششم: ائمه علیهم السلام «خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» هستند و امام در قرآن دو نوع است..... 178

باب چهل و هفتم: سلم یعنی ولایت ائمه علیهم السلام و شیعیان اهل تسلیم هستند.....185

باب چهل و هشتم: ائمه علیهم السّلام خلفای خداوند و کسانی هستند که هر گاه در روی زمین قدرت یابند اقامه حق کنند..... 190

باب چهل و نهم: ائمه علیهم السّلام مستضعفینی هستند که به آنها وعده پیروزی از جانب خدا داده شده.....195

ص: 6

باب پنجاهم: ائمه علیهم السلام «کلمات اللَّه» هستند و ولایت آنها کلم طیب است.....203

باب پنجاه و یکم: ائمه علیهم السّلام «حرمات اللَّه» هستند..... 216

باب پنجاه و دوم: ائمه علیهم السّلام و ولایت آنها عدل و معروف و احسان و قسط و میزان است و ترک ولایت آنها و ولایت دشمنانشان، کفر و فسوق و عصیان و فحشا و منکر و بغی است...... 218

باب پنجاه و سوم: ائمه علیهم السلام جنب اللَّه و وجه اللَّه و ید اللَّه هستند..... 223

باب پنجاه و چهارم: کسانی که در قرآن مورد رحمت خدا قرار گرفتهاند، ائمه و شیعیان آنهایند..... 236

باب پنجاه و پنجم: آیات قرآنی که حاکی از دوستی ملائکه با ائمه علیهم السّلام و استغفار برای شیعیان آنها است..... 240

باب پنجاه و ششم: ائمه علیهم السلام حزب اللَّه و بقیه اللَّه و کعبه و قبله و باقی مانده از علم (پیشینیان) همان علم اوصیاء است..... 244

باب پنجاه و هفتم: آنچه در باره ائمه نازل شده، شامل تعبیرهایی مانند حق و صبر و رباط و عسر و یسر..... 247

باب پنجاه و هشتم: ائمه علیهم السّلام مظلوم هستند؛ آیاتی که شاهد ظلم به آنها است..... 255

باب پنجاه و نهم: در تأویل آیه سِیرُوا فِیها لَیالِیَ وَ أَیَّاماً آمِنِینَ......268

باب شصتم: ایام و ماهها به ائمه تأویل شده است..... 275

باب شصت و یکم: نهی از گرفتن هر بطانه و ولیجه و ولیّ به جز خدا و حجت او......280

باب شصت و دوم: ائمه علیهم السّلام اهل اعراف هستند که خدا در قرآن فرموده: داخل بهشت نمی شود مگر کسی آنها را بشناسد و آنها او را بشناسند..... 284

باب شصت و سوم: آیاتی که دلالت بر مقام ائمه و نجات شیعیان در آخرت و سؤال از ولایت ایشان دارد.....294

باب شصت و چهارم: آیاتی که در باره پیوند با ائمه علیهم السلام و ادای حقوق ایشان نازل شده.....319

باب شصت و پنجم: تأویل سوره بلد در باره ائمه علیهم السّلام...... 322

باب شصت و ششم: ائمه علیهم السّلام در باطن قرآن نماز و زکات و حج و روزه و سایر طاعات هستند و دشمنانشان فواحش و معاصی می باشند..... 329

باب شصت و هفتم: جوامع تأویل آنچه در باره ائمه علیهم السّلام نازل شده......351

باب بیست و سوم: ائمه علیهم السلام ابرار و متقین و سابقون و مقربین و شیعیان آنها اصحاب یمین و دشمنانشان فجار و اشرار و اصحاب شمالند

1. کنز الفوائد: جابر بن یزید از حضرت باقر علیه السلام در باره آیه: «فَسَلامٌ لَکَ مِنْ أَصْحابِ الْیَمِینِ»(1) {از یاران راست بر تو سلام باد} نقل کرد که اصحاب یمین شیعه هستند.

خداوند به پیامبرش می فرماید: «فَسَلامٌ لَکَ مِنْ أَصْحابِ الْیَمِینِ»، {تو از اصحاب یمین در سلامت و آسایشی. فرزندانت را نمی کشند.(2) }

2. کنز الفوائد: محمّد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند که در باره آیه: «وَ أَمّا إِنْ کانَ مِنْ أَصْحابِ الْیَمِینِ * فَسَلامٌ لَکَ مِنْ أَصْحابِ الْیَمِینِ»(3) فرمود: آنها شیعیان و محبین ما هستند.(4)

3. کنز الفوائد: فضل بن شاذان سند را به حضرت باقر علیه السلام می رساند که فرمود: خداوند عزیز میفرماید، هیچ دعاکننده ای متوجه درگاه من نشده که نزد من محبوبتر باشد از آن کسی که دعا میکند و از من به حق محمّد و اهل بیتش کلماتی را درخواست مینماید که آدم از خداوند تلقی نمود، (و آن) این بود که گفت: «اللّهم أنت ولیی فی نعمتی، و القادر علی طلبتی، و قد تعلم حاجتی فأسألک بحق

1- . واقعه / 91
2- . کنز الفوائد : 327
3- . واقعه / 90 و 91
4- . کنز الفوائد : 327

محمّد و آل محمّد إلا ما رحمتنی و غفرت زلتی». {خدایا ! تو ولیّ من در نعمتم هستی و بر برآورده کردن خواسته ام توانایی و حاجتم را می دانی، پس به حق محمد و آل محمد صلوات الله علیهم تو را سوگند می دهم که به من رحم نمایی و لغزشم را ببخشایی }

خداوند به آدم خطاب نمود: آدم ! من ولی نعمت تو هستم و قادر بر انجام درخواستت می باشم و حاجتت را نیز میدانم، اما چه شد که از من به حق محمّد و آل او درخواست نمودی؟

عرض کرد: پروردگارا، وقتی روح در من دمیدی، سر به جانب عرش بلند کردم، دیدم در اطراف عرش نوشته است: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ». فهمیدم محمّد گرامی ترین مخلوق نزد تو است. آنگاه که اسماء بر من عرضه شد، در میان گروهی از اصحاب یمین که از پیش من عبور کردند، آل محمّد و پیروان آنها را مشاهده کردم و فهمیدم آنها مقربترین مردم در نزد تو هستند. فرمود: راست گفتی ای آدم !(1)

4. شیخ طوسی رحمه اللَّه علیه(2) به اسناد خود از جابر، از حضرت باقر علیه السلام و آن جناب از پدر و از جدش نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: تویی آن کس که خداوند به وسیله تو در ابتدای آفرینش انسانها وقتی که آنها را به صورت شبح در آورد احتجاج کرد و به ایشان فرمود: من پروردگار شما نیستم؟ گفتند چرا. فرمود: محمّد رسول خدا است؟ گفتند: آری گفت علی امیر المؤمنین است؟ تمام مردم از روی تکبر و عناد ولایت تو را رد کردند مگر گروه کمی که بسیار کمند آنها و هم ایشان اصحاب یمین هستند.(3)

1- . همان : 327 و 328
2- . امالی طوسی : 146
3- . کنز الفوائد : 327 و 328

5. کنز الفوائد: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السلام در باره آیه: «إِنَّ الْأَبْرارَ لَفِی نَعِیمٍ * وَ إِنَّ الْفُجَّارَ لَفِی جَحِیمٍ»(1) {قطعا نیکان به بهشت اندرند و بی شکّ بدکاران در دوزخند} نقل کرد که فرمود: ابرار ما هستیم و فجار دشمنان ما.(2)

6. کنز الفوائد: سعید بن عثمان خزاز گفت، از ابو سعید مدائنی شنیدم میگفت: «کَلَّا إِنَّ کِتابَ الْأَبْرارِ لَفِی عِلِّیِّینَ * وَ ما أَدْراکَ ما عِلِّیُّونَ * کِتابٌ مَرْقُومٌ»(3) {نه چنین است. در حقیقت کتاب نیکان در علیون است و تو چه دانی که علیون چیست؟ کتابی است نوشته شده.} نامه علیین به خیر و نیکی رقم یافته، در آن رقم به محبت محمّد و آل محمّد صلّی اللَّه علیه و آله زده اند.(4)

7. کنز الفوائد: جابر بن عبد اللَّه از پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله در باره آیه: «وَ مِزاجُهُ مِنْ تَسْنِیمٍ»(5)، {و

ترکیبش از [چشمه] تسنیم است.} نقل کرد که فرمود: عالی ترین آشامیدنی است که در بهشت وجود دارد که محمّد و آل محمّد صلّی اللَّه علیه و آله از آن مینوشند. همانها مقربین و سابقون هستند: رسول اللَّه و علی بن ابی طالب و ائمه و فاطمه و خدیجه صلوات اللَّه علیهم و فرزندان آنها که در ایمان پیرو ایشان بوده اند. این نهر از فراز خانه های بهشتیشان بر آنها فرو می ریزد.(6)

8. و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است: تسنیم بهترین آشامیدنی موجود در بهشت است که محمّد و آل محمّد از خالص آن می نوشند، اما برای اصحاب یمین و سایر ساکنان بهشت مخلوط و آمیخته می شود.(7)

9. مناقب آل ابی طالب: محمّد بن حنفیه از حسن بن علی علیه السلام نقل کرد که فرمود: هر چه در قرآن مجید با لفظ: «ان الابرار» آمده است، به خدا سوگند جز علی بن ابی طالب و فاطمه و من و حسین کسی دیگری را منظور نکرده اند؛ زیرا

1- . انفطار / 13 و 14

2- . كنز الفوائد : 373
3- . مطففين / 18 - 20
4- . كنز الفوائد : 375
5- . مطففين / 27
6- . كنز الفوائد : 377
7- . همان

ما پاکان و نیکان از نظر پدرها و مادرانیم و دلهای ما شیفته اطاعت خدا و نیکوکاری است و از دنیا و علاقه به آن بیزار است و در تمام فرائض و واجبات خدا را اطاعت نموده ایم و به یکتایی او ایمان داریم و پیامبرش را تصدیق نموده ایم.(1)

10. امام باقر علیه السّلام در باره آیه «کَلَّا إِنَّ کِتَابَ الْأَبْرَارِ» تا «الْمُقَرَّبُونَ»(2) {نه چنین است در حقیقت کتاب نیکان در علیون است و تو چه دانی که علیون چیست. کتابی است نوشته شده. مقربان آن را مشاهده خواهند کرد.} فرمود: منظور رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم است.(3)

11. حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ»(4)، {و سبقت گیرندگان مقدمند. آنانند همان مقربان [خدا].} فرمود: ماییم سابقون و ما هستیم آخرون.(5)

12. حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در باره آیه «کَلَّا إِنَّ کِتابَ الفُجَّارِ لَفِی سِجِّینٍ»(6)، {نه چنین است [که می پندارند] ، کارنامه بدکاران در سجین است.} فرمود: فجار کسانی هستند که در حق ائمه علیهم السّلام تبهکاری کردند و بر آنها ستم روا داشتند.(7)

13. کنز الفوائد: شیخ طوسی رحمه اللَّه علیه(8) از ابن عباس نقل می کند که گفت: از پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله در مورد آیه: «وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ» پرسیدم، فرمود: جبرییل به من گفت، آنها علی و شیعه او هستند که سبقت به بهشت می گیرند و مقرب پیشگاه پروردگارند و مورد لطف و عنایت او قرار دارند.(9)

1- . مناقب آل ابی طالب 3 : 170 و 171
2- . مطففین / 18 - 21
3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 170 و 171
4- . واقعه / 10 و 11
5- . مناقب آل ابی طالب 3 : 403
6- . مطففین / 7
7- . مناقب آل ابی طالب 3 : 403

8- . امالی طوسی : 44

9- . کنز الفوائد : 322

14. کنز الفوائد: محمّد بن زید از پدر خود نقل کرد که از حضرت باقر علیه السلام از آیه: «فَأَمّٰا إِنْ کٰانَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ * فَرَوْحٌ وَ رَیْحٰانٌ وَ جَنَّةُ نَعِیمٍ»(1)، {و اما اگر [او] از مقربان باشد [در] آسایش و راحت و بهشت پر نعمت [خواهد بود]. } پرسیدم، فرمود: این آیه در باره امیر المؤمنین و ائمه پس از اوست صلوات اللّٰه علیهم اجمعین.(2)

15. کنز الفوائد: محمّد بن حمران گفت: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم معنی آیه: «فَأَمّٰا إِنْ کٰانَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ» چیست فرمود: مقربین کسانی هستند که در نزد امام منزلت و مقامی دارند. گفتم: این آیه «وَ أَمّٰا إِنْ کٰانَ مِنْ أَصْحٰابِ الْیَمِینِ»(3)، {و اما اگر از یاران راست باشد. } فرمود: کسانی هستند که پشتیبان امامت هستند. در مورد این آیه پرسیدم: «وَ أَمّٰا إِنْ کٰانَ مِنَ الْمُکَذِّبِینَ الضّٰالِّینَ»(4)

، {و اما اگر از دروغزنان گمراه است. } فرمود: مکذبین و گمراهان کسانی هستند که منکر امامند.(5)

16. تفسیر قمی: از کلبی و او از حضرت باقر علیه السلام در باره آیه «کَلاّٰ إِنَّ کِتٰابَ الْفُجّٰارِ لَفِی سِجِّینٍ» {نه چنین است [که می پندارند] ، کارنامه بدکاران در سجین است. } فرمود: منظور فلانی و فلانی است «وَ مٰا أَدْرٰاکَ مٰا سِجِّینٌ»(6)،

{و تو چه دانی که سجین چیست!} تا «الَّذِینَ یُکَذِّبُونَ بِیَوْمِ الدِّینِ»(7)، {آنان که روز جزا را دروغ می پندارند. } مراد اولی و دومی است. «وَ مٰا یُکَذِّبُ بِهِ إِلاّٰ کُلُّ مُعْتَدٍ أَثِیمٍ * إِذٰا تُتْلیٰ عَلَیْهِ آیٰاتُنٰا قٰالَ أَسٰاطِیرُ الْأَوَّلِینَ»(8)،

{و جز هر تجاوزپیشه گناهکاری، آن را به دروغ نمی گیرد [همان که] چون آیات ما بر او خوانده شود گوید، [اینها] افسانه های پیشینیان است. } منظور اولی و دومی هستند که پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله را

1- . واقعه / 88 و 89
2- . کنز الفوائد : 328
3- . واقعه / 90
4- . همان / 92

5- . كنز الفوائد : 328
6- . مطففين / 8
7- . همان / 11
8- . همان / 12 و 13

تکذیب می کردند تا این قسمت آیه «ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِیمِ»(1) ، {آنگاه به یقین آنان به جهنم درآیند.} این دو نفرند «ثُمَّ یُقالُ هذَا الَّذِی کُنْتُمْ بِهِ تُکَذِّبُونَ»(2) ، {سپس [به ایشان] گفته خواهد شد: این همان است که آن را به دروغ می گرفتید.} یعنی رسول خدا صلی اللهِ علیه و آله را. و (این) خطاب به اولی و دومی و پیروان آنها است. «کَلَّا إِنَّ کِتابَ الْأَبْرارِ لَفِی عِلِّیِّینَ * وَ ما أَدْراکَ ما عِلِّیُّونَ * کِتابٌ مَرْقُومٌ * یَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ» تا این قسمت آیات «عَیْناً یَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ»(3) {چشمه ای که مقربان [خدا] از آن نوشند} فرمود منظور پیامبر اکرم و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین هستند. «إِنَّ الَّذِینَ أَجْرَمُوا» {[آری در دنیا] کسانی که گناه می کردند} مجرمین در این آیه، اولی و دومی و پیروان آنهایند «کانُوا مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا یَضْحَکُونَ * وَ إِذا مَرُّوا بِهِمْ یَتَغامَزُونَ»(4)

. {آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می گرفتند و چون بر ایشان می گذشتند، با هم با چشم و ابرو اشاره می کردند.} آنها در مورد پیامبر اکرم به هم چشمک می زدند. این آیات در باره اولی و دومی است.(5)

17. تفسیر قمی: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: خداوند ما را از بالاترین مرتبه علیین آفرید و دلهای شیعیان ما را از سرشت ما آفرید اما بدنهای ایشان را از مرتبه ای پائین تر. دلهایشان هوادار ما است چون از سرشت ما آفریده شده است. سپس این آیه را تلاوت نمود: «کَلَّا إِنَّ کِتابَ الْأَبْرارِ لَفِی عِلِّیِّینَ * وَ ما أَدْراکَ ما عِلِّیُّونَ» تا «یَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ»(6) «یُسْقَوْنَ مِنْ رَحِیقٍ مَخْتُومٍ * خِتامُهُ مِسْکٌ»(7)،

{از باده ای مهر شده نوشانیده شوند [باده ای که] مهر آن مشک

1- . همان / 16
2- . همان / 17
3- . همان / 28
4- . همان / 29 و 30
5- . تفسیر قمی : 716 و 717
6- . مطففین / 18 - 21
7- . همان / 25 و 26

است.} فرمود: آبی است که وقتی مؤمن می آشامد بوی مشک از آن استشمام می کند.(1)

18. حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس شرابخواری را برای غیر خدا ترک کند خداوند او را از رحیق مختوم می آشاماند. عرض کرد یابن رسول اللَّه، هر که ترک شرابخواری برای غیر خدا هم بکند؟! فرمود: آری به خدا قسم (حتی) اگر برای حفظ جان خویش ترک کند. «وَ فِی ذلِکَ فَلْیَتَنافَسِ الْمُتَنافِسُونَ»(2)

، {و در این [نعمتها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند.} گفت: در چنین ثواب و پاداشی که ذکر کردیم که مؤمنین جویای آن هستند «وَ مِزاجُهُ مِنْ تَسْنِیمٍ» {و ترکیبش از [چشمه] تسنیم است.} فرمود: عالی ترین آشامیدنی اهل بهشت است که از بالای قصرهای بهشتیان بر آنها فرو میریزد و آن چشمه ایست که مقربین از خالص آن می آشامند و مقربین آل پیامبر هستند که خدا میفرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُوْلَئِکَ الْمُقَرَّبُونَ» و رسول خدا و خدیجه و علی بن ابی طالب و بازماندگان آنهایند که ملحق به ایشان می شوند، چنانچه در این آیه می فرماید: «أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ».(3)، {فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد.} فرمود: مقربین از خالص نهر تسنیم می آشامند، اما بقیه مؤمنین از مخلوط آن. علی بن ابراهیم می گوید: سپس مجرمین را معرفی می کند که مؤمنین را استهزاء می کنند و بر آنها می خندند و چشمک می زنند. فرموده است «إِنَّ الَّذِینَ أَجْرَمُوا کانُوا مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا یَضْحَکُونَ» تا «فَکِهِینَ»(4)

فرمود: مسخره میکنند «وَ إِذا رَأَوْهُمْ» یعنی وقتی مؤمنین را می بینند «قالُوا إِنَّ هؤُلاءِ لَضالُّونَ»(5)

{و چون مؤمنان را می دیدند می گفتند اینها [جماعتی] گمراهند} خداوند می فرماید: «وَ ما أُرْسِلُوا عَلَیْهِمْ حافِظِینَ»(6) ، {و حال آنکه آنان برای بازرسی [کار]شان فرستاده نشده بودند.} سپس می فرماید «فَالْیَوْمَ» یعنی روز قیامت «الَّذِینَ

1- . تفسیر قمی : 716 و 717

2- . مطففین / 26
3- . طور / 21
4- . مطففین / 31
5- . همان / 32
6- . همان / 29 - 31

آمَنُوا مِنَ الْکُفَّارِ یَضْحَکُونَ * عَلَی الْأَرائِکِ یَنْظُرُونَ * هَلْ ثُوِّبَ الْکُفَّارُ آیا کفار را به سزای کردارشان رسانیده اند «ما کانُوا یَفْعَلُونَ». (1) {و[لی] امروز مؤمنانند که بر کافران خنده می زنند بر تختها[ی خود نشسته] نظاره می کنند [تا ببینند] آیا کافران به پاداش آنچه می کردند رسیده اند. }(2)

19. اصول کافی: ادریس بن عبد اللّه از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که از تفسیر آیه «ما سَلَکَکُمْ فِی سَقَرَ * قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ»(3)

، {چه چیز شما را در آتش [سقر] درآورد، گویند از نمازگزاران نبودیم } پرسیدم، فرمود: منظور این است که ما از پیروان ائمه که در این آیه اشاره می فرماید نبودیم «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ». مگر نه این است که هر کس زودتر خود را به محل اجتماع اسبدواني برساند، مردم به او مصلی می گویند؟ ! پس منظور از «لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ» یعنی ما از اتباع و پیروان سابقین نبودیم. (4)

توضیح: الحلبه بالتسکین گروهی اسب که برای مسابقه گرد هم می آیند و مصلی آن کسی است که سرش را در موازات استخوان پشت اسب پیشین قرار میدهد. و صلوان یعنی دو استخوان سمت راست و چپ دم اسب. راغب در مفردات خود می گوید معنی «لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ» یعنی از پیروان پیامبران.

20. کنز الفوائد: ابن عباس در باره آیه «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» {یا [مگر] کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند} منظور علی و حمزه و عبیده است «کَالْمُفْسِدِینَ فِی الْأَرْضِ» {چون مفسدان در زمین می گردانیم } مانند تبهکاران در زمین مراد عتبه و شیبه و ولید است «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِینَ» یعنی علی و یارانش «کَالْفُجَّارِ»(5)، {یا پرهیزگاران را چون پلیدکاران قرار می دهیم. } مانند تبهکاران منظور فلانی و یاران او است. (6)

1- . همان / 34 - 36
2- . تفسیر قمی : 717 و 718
3- . مدثر / 42 و 43
4- . اصول کافی 1 : 419

5- . ص / 28
6- . كنز الفوائد : 264

21. کنز الفوائد: ابن عباس گفت: سبقت گیرندگان سه نفرند: حزقیل مؤمن آل فرعون که سبقت به سوی موسی گرفت. و حبیب دوست یاسین که سبقت بسوی عیسی گرفت. و علی بن ابی طالب که سبقت به سوی محمّد صلی اللّه علیه و آله گرفت و هم او بهترین سبقت گیرندگان است. (1)

22. کنز الفوائد: سلیم بن قیس از حسن بن علی علیهما السلام از پدر بزرگوارش نقل کرد که در باره آیه «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولئِکَ الْمُقَرَّبُونَ» فرمود: من جلوتر از تمام سبقت گیرندگان به سوی خدا و پیامبرم و من مقرب ترین مقربان خدا و پیامبرم.(2)

23. کنز الفوائد: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السلام در باره آیه «کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ رَهِینَهٌ * إِلَّا أَصْحابَ الْیَمِینِ»(3) ، {هر کسی در گرو دستاورد خویش است به جز یاران دست راست. } فرمود: آنها شیعیان ما اهل بیت پیمبرند.(4)

24. کنز الفوائد: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السلام از پدرانش نقل کرد که پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی، آیه «کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ رَهِینَهٌ * إِلَّا أَصْحابَ الْیَمِینِ * فِی جَنَّاتٍ یَتَساءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِینَ * ما سَلَکَکُمْ فِی سَقَرَ»(5)

{هر کسی در گرو دستاورد خویش است به جز یاران دست راست. در میان باغها از یکدیگر درباره مجرمان می پرسند که چه چیز شما را در آتش [سقر] درآورد؟ } مجرمین در آیه کسانی هستند که منکر ولایت تواند «قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ * وَ لَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکِینَ * وَ کُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخائِضِینَ»(6)، {گویند از نمازگزاران نبودیم و بینوایان را غذا نمی دادیم با هرزه درایان هرزه درایی می کردیم. } اصحاب یمین به آنها میگویند: ای بدبختان! نه، به واسطه آنچه میگویید ساکن جهنم نشده اید! بگویید چه چیز باعث سکونت در جهنم برای شما شده است؟

1- . همان : 369 نسخه رضویه
2- . همان
3- . مدثر / 38 و 39

4- . كنز الفوائد : 358
5- . مدثر / 38 - 42
6- . همان / 43 - 45

میگویند: «و كُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ * حَتَّى أَتانَا الْيَقِينُ»(1)، {و روز جزا را دروغ می شمردیم تا مرگ ما در رسید.} اصحاب یمین میگویند، همین موجب جهنمی شدن شما شده، ای شقاوتمندان. یوم الدین همان روز میثاق است؛ چون منکر شدند و تکذیب ولایت تو را کردند و بر تو ستم روا داشته، تکبر ورزیدند.(2)

25. مولف: طبرسی می نویسد: حضرت باقر علیه السلام فرمود: ما و شیعیانمان اصحاب یمین هستیم.(3)

1- . همان / 46 و 47
2- . کنز الفوائد : 358
3- . همان، مجمع البیان 10 : 391

باب بیست و چهارم: ائمه علیهم السلام سبیل و صراط هستند و ایشان و شیعیانشان در راه و صراط استوارند

1. تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام، معانی الاخبار: شیخ صدوق با اسناد خود به امام حسن عسکری علیه السلام می گوید که در باره آیه «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ»(1) فرمود: منظور این است که پیوسته ما را نسبت به آنچه در گذشته توفیق داده ای موفق بدار تا از دستور تو در آینده از عمر خود اطاعت کنیم. و صراط مستقیم دو نوع است: یکی صراط دنیا و دیگری صراط آخرت؛ اما صراط مستقیم در دنیا آن روشی است که نه غلو و زیادی داشته باشد و نه کوتاهی نماید. میانه رو باشد و گرایش به باطل نداشته باشد. اما طریق دیگر، همان راه مؤمنین است به جانب بهشت که مستقیم است و انحراف به جانب جهنم ندارند و نه به جای دیگری غیر جهنم؛ فقط مستقیم رهسپار بهشت می شوند. حضرت صادق علیه السلام در باره آیه «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ» فرمود: یعنی ما را راهنمایی کن به راه مستقیم که منظور راهنمایی کن به راهی که ما را به محبت تو و دینت برساند و از آنکه پیرو هوای نفس خویش باشیم یا از آراء خود پیروی کنیم و هلاک گردیم، باز دارد.(2)

2. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، معانی الاخبار: از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در باره آیه: «صِراطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»(3) نقل میکند: یعنی بگوئید ما را هدایت فرما به راه کسانی که به توفیق در راه دین و فرمانبرداری

1- . فاتحه / 6

2- . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام : 15 و 16، معانی الاخبار : 14

3- . فاتحه / 7

از خود به ایشان نعمت دادی و آنها کسانی هستند که خداوند در این آیه معرفی کرده است: «وَ مَنْ یُطِعِ اللّٰهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصّٰالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً.»(1)

، {و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند. }(عین همین مطلب از امیر المؤمنین علیه السّلام نیز نقل شده است.) آنگاه فرمود: اینها کسانی نیستند که به آنها نعمت مال و صحت بدن داده شده، گر چه همه اینها از نعمت های آشکار خدا است. مگر نه این است که گروهی از کسانی که مشمول نعمت مال و سلامتی بدن هستند، کافر یا فاسقند. شما را تشویق به تقاضای راهنمایی شدن به راه چنین اشخاصی را نکرده اند، بلکه امر شده اید به تقاضای راهنمایی به راه کسانی که نعمت ایمان به خدا و تصدیق پیامبر و ولایت محمد و آل پاک او دارند و همچنین اصحاب برگزیده و نیکو کارش. و تقیه نیکو نمایید تا از شر مردم و جنایات دشمنان خدا و کفر آنها در امان باشید؛ به این صورت که با ایشان مدارا نمایید و آنها را وادار نکنید که در پی آزار شما باشند و حقوق برادران مؤمن خویش را بشناسید. همانا هر بنده خدا از زن و مرد که ولایت نسبت به محمّد و آل او صلّی الله علیه و آله و اصحابش داشته باشد و دشمن دشمنان ایشان باشد، خود را از عذاب خدا در حصن و دژی محکم قرار داده و هر بنده ای از زن و مرد که با بندگان خدا به بهترین وجه مدارا کند، مشروط بر اینکه با این مدارا داخل در کار باطل نگردد و حقی را از دست ندهد، خداوند نفس او را تسبیح قرار خواهد داد و عملش را پاک میکند و به او بینایی و بصیرت در کتمان سرّ ما خواهد داد. او خشم خود را وقتی سخنی ناهنجار از دشمنان ما میشنود فرو میبرد. چنین کسی ثواب کسی را خواهد برد که در خون خود در راه خدا غوطه ور شود. هر بنده ای که به حقوق برادران مؤمن خود توجه داشته باشد و با تمام کوشش حقوق ایشان را ادا نماید و تا حد امکان نسبت به ایشان کوتاهی نکند و از آنان گذشت کرده و آنها را عفو نماید، و از خطا و لغزش آنها پی گیری ننماید و چشم پوشی کند، خدا در روز

1- . نساء / 69

قیامت به او میفرماید: بنده من، تو حقوق برادرانت را ادا کردی و از خطا و لغزش آنها پی گیری نکردی؛ من در این باره کریمتر و باسخاوت تر و شایسته ترم. من داوری را در مورد وعده پاداشی که به تو داده ام به خودت واگذار میکنم و از فضل خویش (به آن) اضافه مینمایم و از کوتاهی تو در مورد حقوق خویش پی گیری نخواهم کرد. فرمود: خداوند آنها را به محمّد و آل صلّی الله علیه و آله و اصحاب او ملحق میکند و از بهترین شیعیان ایشان قرارشان میدهد.(1)

3. معانی الاخبار: مفضل گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به صراط پرسیدم، فرمود: صراط راهی به سوی معرفت و شناخت خدا است و دو نوع صراط داریم، یکی در دنیا و دیگری در آخرت. صراط دنیا امام است که اطاعت او واجب است. هر کس او را بشناسد و از دستوراتش پیروی نماید، از صراط آخرت که پلی است بر روی جهنم خواهد گذشت و هر کس او را نشناسد، پایش در صراط جهنم خواهد لغزید و در جهنم خواهد افتاد.(2)

4. معانی الاخبار: از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ.» نقل شده است که فرمود: منظور امیر المؤمنین و معرفت اوست. دلیل بر اینکه مراد امیر المؤمنین است، این آیه است: «وَ إِنَّهُ فِی أُمِّ الْكِتابِ لَدَيْنا لَعَلِیٌّ حَكِيمٌ»(3)، {و همانا که آن در کتاب اصلی [= لوح محفوظ] به نزد ما سخت والا و پر حکمت است.} که امیر المؤمنین علیه السّلام در ام الکتاب ذکر شده است، در آیه «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ.»(4)

5. معانی الاخبار: ثمالی از حضرت علی بن الحسین نقل کرد که فرمود: بین خدا و حجتش پرده ای نیست و نه از برای خدا در مقابل حجتش حجابی است. ما ابواب خدا و صراط مستقیم و گنجینه دانش او و مترجم وحی خداییم. ما پایه های توحید خدا و جایگاه اسرار اوییم.(5)

1- . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام : 17 و 18، معانی الاخبار : 15
2- . معانی الاخبار : 13 و 14
3- . زخرف / 4

4- . معانی الاخبار : 14
5- . همان

6. معانی الاخبار: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که راجع به این آیه پرسیدم: «وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ»(1) ، {و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید. } فرمود: میدانی راه خدا چیست؟ گفتم: نه به خدا، مگر از شما بشنوم. فرمود: راه علی و فرزندان - علیهم السلام - او است. هر که در راه ولایت او کشته شود، در راه خدا کشته شده و هر که با ولایت علی بمیرد، در راه خدا مرده است.(2)

توضیح: سبیل الله مبتدا و جمله شرطیه خبر آن است. که آن را برای تفسیر آیه و تطبیق آن بر این معنا ذکر کرده است و در تفسیر عیاشی(3) عبارت سبیل الله نیست و به جای آن فَمَن قُتِلَ آمده که این اظهر است.

7. معانی الاخبار: حنان بن سدیر از جعفر بن محمّد علیه السلام در این آیه از سوره حمد: «صِراطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ» نقل کرد که فرمود: منظور محمّد صلی اللّه علیه و آله و ذریه او است.(4)

8. تفسیر قمی: آیه «أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ» فرمود: صراط مستقیم امام است، از او پیروی کنید. «وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ» و پیروی از غیر امام نکنید. «فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ»(5) که موجب اختلاف و تفرقه شما در باره امام خواهد شد.

9. ابو بصیر: از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه: «هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ»، {و [بدانید] این است راه راست من پس از آن پیروی کنید و از راه ها[ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می سازد پیروی مکنید. } فرمود: ما راه مستقیم هستیم. هر که از راه ما امتناع ورزید، آن راه های دیگر است (که موجب کفر می شود). آنگاه خداوند میفرماید: «ذلِکُمْ وَصَّاکُمْ

1- . آل عمران / 157
2- . معانی الاخبار : 53، عبارت و سبیل الله در منبع اصلی نیامده است.
3- . تفسیر عیاشی 1 : 202
4- . معانی الاخبار : 15
5- . انعام / 153

بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (1)، {اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است. باشد که به تقوا گرایید. } یعنی تا تقوا پیشه کنید.(2)

10. تفسیر قمی: «إِنَّ اللَّهَ لَهادِ الَّذِینَ آمَنُوا إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ»(3)، {به راستی خداوند کسانی را که ایمان آورده اند به سوی راهی راست راهبر است. } می نویسد: منظور (راه) امام است که مستقیم است.(4)

11. تفسیر قمی: «إِلی صِراطِ الْعَزِیزِ الْحَمِیدِ»(5)، { به سوی راه آن شکست ناپذیر ستوده. } مینویسد: صراط راه واضح است و امامت ائمه علیهم السّلام.(6)

12. تفسیر قمی: ابن رئاب گفت: امام (صادق علیه السلام) فرمود: به خدا قسم ماییم که خداوند مردم را به اطاعت ما ملزم نموده، هر کس میخواهد از هر طرف برود، چاره ای جز در خانه ما ندارد. به خدا قسم ما همان راهی هستیم که خدا شما را امر کرده که از آن پیروی کنید. سوگند به خدا ما صراط مستقیم هستیم.(7)

13. تفسیر قمی: «وَإِنَّکَ لَتَدْعُوهُمْ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ»(8) ، {و در حقیقت این تویی که جدا آنها را به راه راست می خوانی. } فرمود: به سوی ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام «وَ إِنَّ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ» (9) ، {و به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند از راه [درست] سخت منحرفند. } یعنی از امام انحراف دارند.(10)

1- . همان
2- . تفسیر قمی : 208 و 209
3- . حج / 54
4- . تفسیر قمی : 442
5- . ابراهیم / 1
6- . تفسیر قمی : 344
7- . همان : 425
8- . مومنون / 73
9- . همان / 74
10- . تفسیر قمی : 448

14. تفسیر عیاشی: سعد از حضرت باقر علیه السلام نقل میکند: «وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ»(1) فرمود: آل محمّد صلی اللّٰه علیه و آله آن راهی هستند که خداوند به آن راهنمایی میکند.(2)

15. تفسیر فرات: ابی برزه گفت: در خدمت پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله نشسته بودیم. آن جناب به سوی علی علیه السّلام اشاره نموده، این آیه را خواند «وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ» تا آخر آیه. مردی عرض کرد: یا رسول اللّٰه، مگر منظور از آیه این نیست که خدا این راه را بر تمام راهها برتری داده (یعنی اسلام را). پیامبر اکرم فرمود: این ستمی است که تو (در باره علی) روا می داری. اما آنچه گفتی که خداوند اسلام را بر غیرش برتری داده، صحیح است اما این آیه «هَذَا صِرَاطِی مُسْتَقِیمًا» موقعی نزول یافت که من از جنگ تبوک اول بازمی گشتم. عرض کردم پروردگارا، من علی را همچون هارون برادر موسی در میان امت خود به جانشینی گذاشتم جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. خداوندا، گفتار مرا تصدیق کن و وعده مرا تمام نما و نام علی را در قرآن ذکر کن چنانچه نام هارون را بردهای. آنگاه پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله آیه ای را از قرآن خواند و فرمود: خداوند سخن مرا با این آیه «هذا صِراطٌ عَلَیَّ مُسْتَقِیمٌ»(3) { فرمود این راهی است راست [که] به سوی من [منتهی می شود].} تصدیق کرد. او همین است که نزد من نشسته است. نصیحتش را بشنوید و (به او) گوش کنید. هر که مرا دشنام دهد خدا را دشنام داده و هر که علی را دشنام دهد به من دشنام داده است.(4)

توضیح: «فقرأ آیه» یعنی رسول خدا صلّی الله علیه و آله یکی از آیاتی که هارون در آن ذکر شده است را قرائت فرمود.

16. تفسیر فرات: ابو مالک اسدی گفت: به حضرت باقر علیه السّلام گفتم: منظور از این آیه چیست: «وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ» تا

1- . انعام / 153
2- . تفسیر عیاشی 1 : 384
3- . حجر / 41
4- . تفسیر فرات : 43

آخر آیه. امام علیه السّلام دست چپ خود را گشود و با دست راست دایره ای در آن ایجاد کرد، آنگاه فرمود: ما راه مستقیم هستیم، از آن پیروی کنید، از راههای دیگر نروید که شما را به طرف راست و چپ منحرف میکند. آنگاه با دست خود خط کشید.(1)

17. تفسیر فرات: حمران گفت، از حضرت باقر علیه السّلام در باره این آیه «وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ» شنیدم، فرمود: علی بن ابی طالب و ائمه علیهم السّلام از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام هستند که راه خدایند؛ هر که از آنها روی برگرداند داخل در سایر راهها شده است.(2)

18. مناقب آل ابی طالب: عبد اللَّه بن عباس در باره آیه: «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ» گفت: یعنی ای بندگان، بگویید خدایا، ما را راهنمایی کن به محبت پیامبر اکرم و اهل بیتش.

19. تفسیر ثعلبی: و کتاب ابن شاهین از مسلم بن حبان و او از ابی بریده در باره آیه «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ» نقل می کند که آن صراط، محمّد و آل اوست.

20. اعمش از ابو صالح و او از ابن عباس در مورد آیه «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ»، {زودا که بدانید یاران راه راست کیانند و چه کسی راه یافته است.} گفت: به خدا قسم منظور محمّد و اهل بیت اوست «وَ مَنِ اهْتَدی»(3) مراد اصحاب محمّد است.

21. الخصائص: اصبغ از علی علیه السّلام نقل کرد و در کتابهای ما جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که در باره آیه «وَ إِنَّ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ» فرمود: یعنی از ولایت ما انحراف دارند.

22. حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «افَمَنْ یَمْشِی مُکِبًّا عَلی وَجْهِهِ أَهْدی» ، {پس آیا آن کس که نگونسار راه می پیماید هدایت یافته تر است.} یعنی

1- . همان : 44

2- . همان : 41
3- . طه / 135

دشمنان آل محمّد. «أَمَّنْ يَمْشِى سَوِيًّا عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ»(1) ، {يا آن کس که ایستاده بر راه راست می رود. } فرمود: منظور سلمان و مقداد و عمار و یارانش هستند.

23. در تفسیر است که «وَ أَنَّ هذا صِراطِى مُسْتَقِيماً» منظور قرآن و آل محمّدند صلی اللّه علیه و آله.(2)

24. کشف الغمه: از مطالبی که عز المحدث حنبلی در باره آیه: «اهْدِنَا الصِّراطَ المُستَقيم» نوشته است، این است که بریده از صحابه پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله گفت: آن راه محمّد و آل اوست.(3)

الطرائف: ثعلبی از مسلم بن حیان از ابو بریده همین روایت را نقل کرده است.(4)

25. کنز الفوائد: ابو بصیر از امام باقر علیه السلام در باره آیه «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِى مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ» فرمود: منظور راه امامت است، پس از آن پیروی کنید «وَلاَ تَتَّبِعُواْ السُّبُلَ» منظور راه های غیر آن است.(5)

26. کنز الفوائد: علی بن یوسف بن جبیر در کتاب نهج الایمان مینویسد: صراط مستقیم علی بن ابی طالب علیه السّلام است زیرا ابراهیم ثقفی در کتاب خود سند به بریده اسلمی میرساند که پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود: «أَنَّ هذا صِراطِى مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» من از خدا درخواست کردم این راه را اختصاص به علی بن ابی طالب دهد، پس پذیرفت.(6)

27. کنز الفوائد: هشام بن حکم گفت: حضرت صادق این آیه را «هذا صِراطُ(7)

عَلىٍّ مُسْتَقِيم» خواند.(8)

1- . ملک / 22
2- . مناقب آل ابی طالب 2 : 271
3- . کشف الغمه : 91
4- . الطرائف : 31

5- . کنز الفوائد : 84
6- . همان
7- . صراط را به علی اضافه نمود.
8- . کنز الفوائد : 124

28. حریز از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه «یا لَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلاً»(1) ، {ای کاش با پیامبر راهی برمی گرفتم. } فرمود: منظور علی بن ابی طالب علیه السّلام است.(2)

29. ثمالی از امام باقر علیه السّلام نیز همین روایت را نقل کرده است.(3)

30. تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام: پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله فرمود: هر بنده ای از مرد و زن که در ظاهر با امیر المؤمنین علی علیه السّلام بیعت کند ولی در باطن آن بیعت را بشکند و بر نفاق خویش باقی بماند، موقعی که عزرائیل برای قبض روح او می آید، شیطان و یارانش و جهنم با تمام عذابهای گوناگونش در مقابل دیدگان و دل او و جایگاههای او در تنگناهای آن مجسم میگردد. همچنین بهشت را نیز با تمام منازلش می بیند، (اگر بر ایمان و عقیده اش در باره علی علیه السّلام ثابت میماند.) ملک الموت به او میگوید: به بهشت نگاه کن که هیچ کس جز خدا قدر خوشی و شادی و سرورش را نمی داند و برای تو آماده بود اگر بر ولایت علی علیه السّلام برادر پیامبر ثابت میماندی و روز قیامت رهسپار آنجا می شدی اما چون بیعت را شکستی و مخالفت نمودی، اینک جهنم و عذابهای گوناگون آن و لهیب های فروزان و مارهای کام گشاده و عقربهای دم برافراشته و درندگان با پنجه های گشاده و دیگر عذابهای آن جایگاه تو است و باید بدان سوی روی، در این هنگام میگوید: «یا لَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلاً» ای کاش دستور پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و ولایت علی علیه السّلام را می پذیرفتم و (بهشت را) از دست نمی دادم.(4)

توضیح: «مقاعده» عطف بر «النیران» است و ضمیر آن به «الناکث» برمیگردد و ضمیر در «مضائقها» به «النیران» برمیگردد.

ص: 27

1- . فرقان / 27
2- . کنز الفوائد : 191
3- . همان
4- . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام : 50

31. کنز الفوائد: ابو الخطاب از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: به خدا قسم خداوند در کتاب خود با کنایه نفرموده، حتی در این آیه «یا وَیْلَتی لَیْتَنِی لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَلِیلاً»(1)، {ای وای کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم.} و همانا این آیه در مصحف علی علیه السّلام چنین است: «یا ویلتا لیتنی لم اتخذ الثانی خلیلا» {ای وای کاش دومی را دوست خود نگرفته بودم.}و روزی آشکار خواهد شد.(2)

32. کنز الفوائد: از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که فرمود: «یَوْمَ یَعَضُّ الظّالِمُ عَلی یَدَیْهِ یَقُولُ یا لَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلاً * یا وَیْلَتی لَیْتَنِی لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَلِیلاً»(3)

، {و روزی است که ستمکار دستهای خود را می گزد و می گوید، ای کاش با پیامبر راهی برمی گرفتم. ای وای کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم.} فرمود: این حرف را اولی به دومی می گوید.(4)

33. روضه کافی: به اسناد خود از جابر نقل می کند که حضرت باقر علیه السّلام از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرد که در ضمن خطبه ای فرمود: جامه خلافت را آن دو شقی و بدبخت بر تن خود آراستند و آنچه را که حق ایشان نبود از من گرفتند و از روی گمراهی و نادانی رهسپار این راه شدند. آینده ای بسیار بد در پیش دارند و چه خطرها که برای خود آماده کردند. یکدیگر را لعنت خواهند نمود و از هم بیزار می شوند. وقتی همدیگر را ملاقات کنند، به دوست خود می گوید: کاش من از تو به قدر فاصله مشرق و مغرب دور می بودم، چقدر دوست بدی بودی. آن بدبخت نابکار در جوابش میگوید: کاش ترا به دوستی برنمی گزیدم. مرا از راه علی علیه السلام بعد از اینکه بر آن راه راهنمائیم کردند، منحرف کردی. شیطان انسان را خوار میکند. فرمود: من همان ذکری هستم که از آن گمراه شد و راهی که از آن منحرف گردید و ایمانی که نسبت بآن کافر شد و قرآنی که از آن فاصله گرفت و

1- . فرقان / 28
2- . کنز الفوائد : 191 و 192
3- . فرقان / 27 و 28
4- . کنز الفوائد : 192

دینی که آن را تکذیب کرد و صراطی که از آن منحرف شد، تا آخر خطبه که در روضه کافی نقل شده است.(1)

34. تفسیر قمی: حریز از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که این آیه را چنین خواند: «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ * صِراطَ مَن أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ و غیر الضالین»(2) فرمود: «مغضوب علیهم» ناصبیان هستند و «ضالین» یهود و نصاری.(3)

35. تفسیر قمی: در روایت دیگر که ابن اذینه از امام صادق علیه السلام در باره آیه «غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ و غیر الضالین» نقل میکند، میفرماید: مغضوب علیهم ناصبیان اند و ضالین کسانی هستند که شک در امام دارند و عارف به امام نیستند.(4)

36. تفسیر قمی: جابر جعفی گفت: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله این آیه را چنین نازل کرد: «و قال الظالمون» ستمگران حق آل محمّد گفتند: «إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلاً مَسْحُوراً * انْظُرْ کَیْفَ ضَرَبُوا لَکَ الْأَمْثالَ فَضَلُّوا فَلا یَسْتَطِیعُونَ سَبِیلاً»(5)

، {جز مردی افسون شده را دنبال نمی کنید. بنگر چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند، در نتیجه نمی توانند راهی بیابند.} یعنی راهی به سوی ولایت علی علیه السّلام ندارند و آن راهی که در این آیه اشاره شده، علی علیه السّلام است. (6)

عثمان بن زید از جابر مانند همین روایت را نقل کرده است.(7)

1- . روضه کافی : 27 و 28
2- . این روایت از روایات شاذ است چون برخلاف اعتقاد شیعیان مبنی بر عدم تحریف قرآن است و با توجه به روایات زیادی که موافق قرآن است، آنچه به نظر می رسد این است که امام علیه السلام در صدد بیان معنای آیه است نه اینکه به این صورت نازل شده باشد، همانطور که راوی گمان کرده است.
3- . تفسیر قمی : 26
4- . همان

5- . فرقان / 8 و 9
6- . تفسیر قمی : 463 و 464
7- . همان

37. مناقب آل ابی طالب: از حضرت صادق در باره آیه: «وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ» نقل شده که فرمود: ما سبیل و راه هستیم برای کسی که پیرو ما باشد، و ما راهنمای به سوی بهشتیم و ما دستاویزهای اسلامیم.(1)

38. و باز از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «وَ الَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا»(2) {و کسانی که در راه ما کوشیده اند به یقین راه های خود را بر آنان می نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است} نقل شده که فرمود: این آیه در باره آل محمّد و پیروان آنها است.(3)

39. و نیز از حضرت صادق علیه السّلام در معنی آیه: «وَ اتَّبِعْ سَبِیلَ مَنْ أَنابَ إِلَیَ»(4)، {و راه کسی را پیروی کن که توبه کنان به سوی من بازمی گردد.} فرمود: راه محمّد و علی علیهما السّلام را پیروی کن.(5)

40. مناقب آل ابی طالب: محمّد بن مسلم از حضرت صادق در مورد آیه: «إِنَّ الَّذِینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا»، {در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند.} بر ائمه طاهرین یکی پس از دیگری: «تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلائِکَهُ»(6) ، {فرشتگان بر آنان فرود می آیند.} تا آخر آیه.(7)

41. مناقب آل ابی طالب: زید بن علی در باره آیه: «وَ عَلَی اللَّهِ قَصْدُ السَّبِیلِ»(8) ، {و نمودن راه راست بر عهده خداست.} گفت، راه ما أهل بیت راه میانه است و راه آشکار و واضح است.(9)

42. اصول کافی: سلام بن مستنیر از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه «قُلْ هذِهِ سَبِیلِی أَدْعُوا إِلَی اللَّهِ عَلی بَصِیرَهٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِی»(10)

، {بگو این است راه من

1- . مناقب آل ابی طالب 3 : 403
2- . عنکبوت / 69
3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 403
4- . لقمان / 15
5- . مناقب آل ابی طالب 3 : 403

6- . فصلت / 30
7- . مناقب آل ابی طالب 3 : 403
8- . نحل / 9
9- . مناقب آل ابی طالب 3 : 443
10- . يوسف / 108

که من و هر کس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم. } فرمود: منظور پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و امیر المؤمنین و اوصیاء بعد از آن دو است.(1)

مناقب آل ابی طالب همین روایت را از سلام بن مستنیر نقل کرده است. (2)

توضیح: دعوت کننده پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله است و مراد از تابعین در آیه، «وَ مَنِ اتَّبَعَنِی» امیر المؤمنین و اوصیا هستند که در گفتار و کردار پیرو پیامبر صلی اللّه علیه و آله بودند.

43. کنز الفوائد: زید بن موسی از پدر خود از موسی بن جعفر، از آباء گرام خود در باره آیه: «وَ إِنَّ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ» فرمود: از ولایت ما اهل بیت انحراف دارند.(3)

44. کنز الفوائد: ابن نباته از علی علیه السلام در باره آیه «وَ إِنَّ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ» می فرماید: از ولایت ما انحراف دارند.(4)

45. کنز الفوائد: فضیل بن یسار از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که این آیه را خواند: «أَ فَمَنْ یَمْشِی مُکِبًّا عَلی وَجْهِهِ أَهْدی أَمَّنْ یَمْشِی سَوِیًّا عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ»(5)،

{پس آیا آن کس که نگونسار راه می پیماید هدایت یافته تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می رود. } فرمود: به خدا قسم منظور علی و اوصیای او هستند.(6)

توضیح: بیضاوی مینویسد، مکبا یعنی پیوسته به خاطر ناهمواری راه و پستی و بلندی میلغزد و به صورت بر زمین می افتد. به همین جهت در مقابل آن سویا آورده یعنی کسی که ایستاده و آسوده و محفوظ از افتادن است، بر صراط مستقیم که از هر نظر هموار است راه میرود.

1- . اصول کافی 1 : 425

2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 486

3- . كنز الفوائد : 181
4- . همان : 182
5- . ملک / 22
6- . كنز الفوائد : 345

برای موحد و مشرک، دو نفر را مثال زده که در این دو راه در حرکت هستند، بعضی گفته اند مکب شخص کور است که به واسطه نابینایی به زمین میخورد و سویا شخص بینا و بعض دیگر نیز می گویند، مراد از «یَمْشِی مُکِبًّا» شخصی است که به رو در آتش می افتد و «یَمْشِی سَوِیًّا» کسی است که با دو پای خود به جانب بهشت رهسپار می شود.(1)

46. تفسیر فرات: حسین بن سعید به اسناد خود از جعفر بن محمّد علیهما السّلام در مورد آیه «قُلْ هذِهِ سَبِیلِی أَدْعُوا إِلَی اللّٰهِ عَلی بَصِیرَهٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِی» فرمود: ولایت ما اهل بیت است که غیر از گمراه آن را انکار نمی کند و بر علی علیه السّلام خرده نمی گیرد مگر شخص گمراه.(2)

47. تفسیر فرات: زید بن علی گفت: پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله در باره آیه: «قُلْ هذِهِ سَبِیلِی أَدْعُوا إِلَی اللّٰه» فرمود: من و کسانی که پیرو من باشند از اهل بیتم که پیوسته یکی پس از دیگری مردم را دعوت بسوی راه و روشی که من داشته ام مینمایند.(3)

48. اصول کافی: ثمالی از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که خداوند به پیامبرش وحی نمود: «فَاسْتَمْسِکْ بِالَّذِی أُوحِیَ إِلَیْکَ إِنَّکَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ»(4) ، {پس به آنچه به سوی تو وحی شده است چنگ در زن که تو بر راهی راست قرار داری. } فرمود: یعنی تو بر ولایت علی هستی و علی همان صراط مستقیم است.(5)

49. اصول کافی: هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «هَذَا صِرَاطٌ عَلَیَّ مُسْتَقِیمٌ»(6)

توضیح: قراء سبعه صراط را با تنوین و حالت رفع خوانده اند و (علی) را بفتح لام. اما یعقوب و ابو رجاء و ابن سیرین و قتاده و ضحاک و مجاهد و قیس بن عباده

1- . انوار التنزیل 2 : 536
2- . تفسیر فرات : 70
3- . همان
4- . زخرف / 43

5- . اصول کافی 1 : 416 و 417
6- . همان 1 : 424

و عمرو بن میمون (علی) را به کسر لام و حالت رفع یا تنوین خوانده اند تا صفت باشد برای صراط.

و مرحوم طبرسی در مجمع البیان روایت را به حضرت صادق داده(1)

نسبت داده و (علیّ) خوانده است. اگر منظورش این روایت بوده، خلاف ظاهر روایت است اما ظاهر روایت این است که علی به خاطر اضافه صراط به آن مجرور است.

50. این مطلب را آنچه در طرائف آمده، تأیید میکند. از محمّد بن مؤمن شیرازی به اسناد خود از قتاده از حسن بصری نقل شده که گفت، آیه را این طور میخواند: «هذا صِراطٌ عَلَیَّ مُسْتَقِیمٌ». به حسن گفتم معنایش چیست؟ گفت، می گوید این راه علی بن ابی طالب و دینش راه و دین مستقیم است، از آن پیروی کرده و بآن چنگ بزنید که راهی آشکار و بدون انحراف است.(2)

51. کنز الفوائد: حسین بن جبیر به اسناد خود از حمزه بن عطا از امام باقر علیه السلام در باره آیه «هَلْ یَسْتَوِی هُوَ وَمَن یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ»(3)، {آیا او با کسی که به عدالت فرمان می دهد و خود بر راه راست است یکسان است.} نقل کرد که فرمود: منظور امیر المؤمنین علیه السّلام است که به عدالت رفتار می کند و بر صراط مستقیم است.(4)

52. کنز الفوائد: حماد بن عیسی نقل میکند که یکی از اصحاب از امیر المؤمنین علیه السّلام در باره آیه: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یُجادِلُ فِی اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ لا هُدیً وَ لا کِتابٍ مُنِیرٍ ثانِیَ عِطْفِهِ لِیُضِلَّ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ»(5)، {و از [میان] مردم کسی است که در باره خدا بدون هیچ دانش و بی هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می پردازد [آن هم] از سر نخوت تا [مردم را] از راه خدا گمراه کند.} نقل کرده که ایشان فرمود: منظور اولی است که روی خود را به طرف دومی بر میگرداند. و جریان چنین بود وقتی پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله امیرالمؤمنین را به عنوان امام

1- . مجمع البیان 6 : 336

2- . الطرائف : 24
3- . نحل / 76
4- . كنز الفوائد : 129
5- . حج / 8 و 9

برای مردم معرفی نمود، او گفت، به خدا قسم هرگز در این (امر) به او وفا نخواهیم کرد.(1)

53. کنز الفوائد: ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل میکند که آیه را این گونه خواند «وَقَالَ الظَّالِمُونَ» ظالمان در حق پیامبر صلی اللّه علیه و آله «إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا»(2)، {و ستمکاران گفتند، جز مردی افسون شده را دنبال نمی کنید.} منظورشان محمد است. سپس خدا به رسولش فرمود: «انظُرْ کَیْفَ ضَرَبُوا لَکَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا یَسْتَطِیعُونَ» {بنگر چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند، در نتیجه نمی توانند راهی بیابند} به ولایت علی علیه السلام «سَبیلاً»(3)،

و علی سبیل است.(4)

54. کنز الفوائد: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ لکِنْ جَعَلْناهُ نُوراً نَهْدِی بِهِ مَنْ نَشاءُ مِنْ عِبادِنا»(5) ، {ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می نماییم.} فرمود: منظور علی بن ابی طالب علیه السّلام است و در باره آیه: «إِنَّکَ لَتَهْدِی إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» فرمود» تو با ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام(6) هدایت میکنی.

55. کنز الفوائد: جابر بن یزید از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه «فَاسْتَمْسِکْ بِالَّذِی أُوحِیَ إِلَیْکَ» نقل کرد که فرمود: یعنی به آنچه به تو در باره علی بن ابی طالب(7) وحی شده، چنگ بزن.

56. کنز الفوائد: ضحاک گفت، وقتی قریش دیدند پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام را بزرگ مینماید و پیوسته به او احترام میکند، شروع به بدگویی از آن جناب نمودند و گفتند، محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم دیوانه علی شده است. خداوند این آیات را نازل کرد: «ن وَ الْقَلَمِ وَ ما یَسْطُرُونَ»، {نون سوگند

1- . کنز الفوائد : 169
2- . فرقان / 8
3- . همان / 9

4- . كنز الفوائد : 189
5- . شورى / 52
6- . كنز الفوائد : 288
7- . همان : 292

به قلم و آنچه می نویسند.} قسمی است که خدا میخورد «ما أَنْتَ بِنِعْمَهِ رَبِّکَ بِمَجْنُونٍ * وَ إِنَّ لَکَ لَأَجْراً غَیْرَ مَمْنُونٍ»(1) {[که] تو به لطف پروردگارت دیوانه نیستی} تا «إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِیلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ»(2) ، {پروردگارت خود بهتر می داند چه کسی از راه او منحرف شده و [هم] او به راه یافتگان داناتر است.} مراد از سبیل در این آیه علی بن ابی طالب علیه السّلام است.(3)

1- . قلم / 1 - 3
2- . همان / 7
3- . کنز الفوائد : 411

1. کنز الفوائد: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا»، {در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند.} نقل کرد که فرمود: یعنی کسانی که پیروی از خدا و پیامبر را با ولایت آل محمّد تکمیل نمودند و بر این راه استوار بودند «تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلائِكَةُ»، {فرشتگان بر آنان فرود می آیند [و می گویند]. } بر آنها در روز قیامت ملائکه نازل می شوند: «أَلَّا تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِی كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.»(1) ، {هان بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید. } آنها کسانی هستند که وقتی در روز قیامت برانگیخته شدند، همین که وحشت زده میشوند، ملائکه پیش آنها می آیند و به ایشان می گویند، نترسید و محزون نباشید. ما در دنیا با شما بودیم، اینک نیز به همراه شما هستیم تا وارد بهشت شوید. مژده باد شما را به بهشتی که وعده داده شدید.(2)

2. کنز الفوائد: محمّد بن مسلم از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: «إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا» تا آخر آیه نقل کرد که فرمود: استوار در راه ائمه علیهم السّلام، یکی پس از دیگری باشند.(3)

اصول کافی: این روایت را از ابو ایوب نقل کرده است.(4)

ص: 36

1- . فصلت / 30
2- . کنز الفوائد : 281
3- . همان
4- . اصول کافی 1 : 220

3. کنز الفوائد: ابو بصیر گفت، از حضرت باقر علیه السّلام راجع به آیه: «إِنَّ الَّذِینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا» پرسیدم، فرمود: به خدا قسم آیه همان راهی را می گوید که شما می پیمائید و این هم اشاره به همان است: «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً»(1)، {و اگر [مردم] در راه درست پایداری ورزند قطعا آب گوارایی بدیشان نوشانیم. }
گفتم، ملائکه چه وقت بر آنها نازل میشوند و میگویند نترسید و اندوهگین نباشید و مژده باد شما را به بهشتی که در انتظار شما است، ما دوستان شماییم در دنیا و آخرت. فرمود: هنگام مرگ و روز قیامت.(2)

4. تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام مینویسد: امام علیه السّلام از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله نقل کرد که فرمود: مؤمن پیوسته از عاقبت بد بیمناک است و یقین ندارد که آیا مقام خشنودی و رضای خدا را دریافت خواهد کرد یا نه، تا هنگام مرگ و آمدن ملک الموت.

جریان چنین است که ملک الموت در هنگام شدت بیماری و کمال ناراحتی او از رها کردن اموال و خانواده و گرفتاریهای دیگر می آید. مؤمن به واسطه جدا شدن از زن و زندگی حسرت و اندوه فراوان دارد، چون آرزوهایش نقش بر آب شده. ملک الموت به او میگوید، این چه اندوه و ناراحتی است که داری؟ می گوید، از اضطراب احوالم و جدا شدن از آرزوهایم. ملک الموت می گوید، آیا عاقل به واسطه از دست دادن پشیزی بی ارزش ناراحت میشود، در صورتی که به جای آن میلیونها برابر دنیا به او ارزانی داشته اند؟ در پاسخ میگوید: نه. ملک الموت به او اشاره میکند که به بالای سرت نگاه کن. محتضر درجات بهشت و قصرهایی را که از حد آرزو هم بالاتر است می بیند. فرشته مرگ به او می گوید، اینجا منزل تو است و نعمت پایدار و اموال و خانواده و خویشاوندانت در اینجا هستند. هر کدام از خویشاوندان و خانواده ات صالح باشند، در اینجا با تو خواهند بود. آیا راضی هستی به جای مال و ملک دنیا این نعمت ها را دریابی، میگوید، به خدا قسم مشتاقم و حاضرم. فرشته مرگ به او میگوید: اینک تماشا کن. محتضر نگاه میکند و محمّد و

1- . جن / 16
2- . کنز الفوائد : 281

علی و پیشوایان معصوم علیهم السلام از فرزندان پیامبر و علی را در اعلی علیین مشاهده میکند. فرشته به او میگوید: آیا نمی بینی آنها را که پیشوایان و رهبران تو هستند، آنها در آنجا همنشین و مأنوس با تو خواهند بود، حالا حاضری به جای کسانی که اکنون در دنیا از آنها جدا میشوی، این همنشین ها را انتخاب کنی؟ میگوید: به خدا سوگند آری. این است تفسیر آیه ای که خداوند میفرماید: «إِنَّ الَّذِینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلائِکَهُ أَلَّا تَخافُوا»، ملائکه به آنها میگویند: از آینده ناراحت نباشید ما رفع نگرانیهای شما را کرده ایم، «وَ لا تَحْزَنُوا» و از زن و بچه های خود و اموالی که میگذارید اندوهگین نباشید، آنچه در بهشت مشاهده میکنید به جای آنها است که در دنیا میگذارید، «وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّهِ الَّتِی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ»(1) ، {و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.} مژده باد شما را به بهشتی که در انتظارتان است. این است قصرهای بهشتی و اینها همنشین و مأنوس با شما خواهند بود (ائمه گرام علیهم السّلام): «نَحْنُ أَوْلِیاؤُکُمْ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ فِی الْآخِرَهِ وَ لَکُمْ فِیها ما تَشْتَهِی أَنْفُسُکُمْ وَ لَکُمْ فِیها ما تَدَّعُونَ * نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِیمٍ»(2)، {در زندگی دنیا و در آخرت ما دوستان شماییم و هر چه دلهایتان بخواهد در [بهشت] برای شماست و هر چه خواستار باشید در آنجا خواهید داشت؛ روزی آماده ای از سوی آمرزنده مهربان. }(3)

توضیح: مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه: «إِنَّ الَّذِینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ» میگوید: یعنی کسانی که موحد و خدا شناسند به زبان اعتراف می کنند و انبیا را تصدیق می کنند؛ «ثُمَّ اسْتَقامُوا» یعنی پایدار در راه توحید یا اطاعت پروردگارند.

محمّد بن فضیل گفت: از حضرت رضا علیه السّلام راجع به استقامت پرسیدم، فرمود: همان راهی است که شما می پیمایید.

«تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلائِکَهُ» یعنی هنگام مرگ. از حضرت صادق علیه السّلام نیز روایت شده و بعضی گفته اند: موقعی که از قبرها خارج میشوند و مژده خداوند را به

1- . فصلت / 30
2- . همان / 31 و 32

3- . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام : 96

ایشان ابلاغ میکنند (یعنی در قیامت) ملائکه به استقبال آنها می آیند. و بعضی هنگام مرگ و در قبر و بعد از بر انگیخته شدن «أَلّا تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا» و به آنها میگویند، از عقاب خدا نترسید و مبادا به خاطر دست دادن پاداش و ثواب اندوهگین باشید.

بعضی معنی کرده اند که از آینده بعد از مرگ نترسید و بر زن و فرزند و اموالی که میگذارید محزون نباشید «نَحْنُ أَوْلِیاؤُکُمْ» یعنی ما یاران و دوستان شما هستیم «فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا» که عهده دار رسانیدن لطف و عنایات پروردگاریم به شما «وَ فِی الْآخِرَهِ» و از شما جدا نمی شویم تا داخل بهشت شوید. بعضی گفته اند، از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده است که در دنیا و هنگام مرگ و در آخرت، شما را حفظ میکنیم.(1)

مولف: در باب نزول ملائکه بر ائمه علیهم السلام تأویل دیگری در مورد آیه خواهد آمد.

5. کنز الفوائد: سماعه گفت: از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً» شنیدم که میفرمود: یعنی اگر پایدار باشند بر ولایت در عالم اشباح، هنگامی که خداوند از فرزندان آدم میثاق گرفت. «لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً» یعنی از آب صاف خوشگوار به آنها می آشامانیم.(2)

توضیح: یعنی بر سرشت و طینت آنها آب صاف خوشگوار میافشانیم نه آب شور و تلخ، چنانچه در اخبار طینت گذشت.

6. کنز الفوائد: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً» شنیدم که فرمود: یعنی آنها را به علم و دانش مدد میکنیم علمی که از ائمه علیهم السّلام بیاموزند.(3)

7. کنز الفوائد: برید عجلی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به آیه «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ» پرسیدم، فرمود: یعنی بر ولایت: «لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً» یعنی میچشانیم به آنها علم زیادی را که از ائمه علیهم السّلام می آموزند.

1- . مجمع البيان 9 : 12 و 13
2- . كنز الفوائد : 355 و 356
3- . همان

گفتم: پس معنی این قسمت چیست: «لِنَفْتِنَهُمْ فِیهِ»، (فرمود:) یعنی تا در این مورد منافقین را بیازماییم.(1)

8. و جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً لِنَفْتِنَهُمْ فِیهِ» فرمود: خداوند میفرماید: اشباح آنها را درون آب پاک و نیکو می گذاریم تا آنها را در باره علی علیه السّلام بیازماییم و در این آزمایش منافقین به آنچه خدا در باره ولایت علی علیه السّلام دستور داد، کفر ورزیدند.(2)

توضیح: مرحوم طبرسی می نویسد: «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ» یعنی طریق ایمان «لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً» یعنی آب زیاد از آسمان؛ این مطلب بعد از آن بود که هفت سال از باران محروم بودند. بعضی گفته اند، آب گوارا را به عنوان مثالی فرموده، یعنی در دنیا نعمت را بر آنها توسعه میدهیم «لِنَفْتِنَهُمْ فِیهِ» یعنی تا آنها را به این وسیله بیازماییم. و در تفسیر اهل بیت آمده که ابو بصیر در تفسیر آیه «إِنَّ الَّذِینَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: به خدا قسم همان راهی است که شما بر آنید و اگر در راه درست پایداری ورزند، قطعا آب گوارایی بدیشان نوشانیم.

برید عجلی از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که در تفسیر آیه فرمود: ما آنها را از علم زیاد بهره مند میکنیم، اگر از ائمه علیهم السّلام بیاموزند. پایان ...(3)

استعاره گرفتن لفظ آب برای علم معمول است زیرا علم سبب حیات روح است همان طور که آب سبب حیات بدن است.

1- . همان : 421 و 422
2- . همان
3- . مجمع البیان 10 : 371 و 372

باب بیست و ششم : ولایت ائمه علیهم السلام صدق است و صادقین و صدیقین و شهداء و صالحین آنهایند

آیات

- یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ.(1)، {ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و با راستان باشید. }

تفسیر: مرحوم طبرسی مینویسد: در مصحف عبد اللّه و قرائت ابن عباس، من الصادقین است همین نیز از حضرت صادق علیه السلام نقل شده، سپس میگوید: یعنی کسانی که در گفتار راستگویند و دروغ نمیگویند. معنای آیه این است که بر مذهب کسانی باشید که در گفتار و کردار خود دروغ نمیگویند و با آنها مصاحبت و همنشینی کنید. خداوند راستگویان را در سوره بقره توصیف نموده است: «وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ» تا «أُولئِکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.»، (2) {نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارانند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند، آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند. }

1- . توبه / 119
2- . بقره / 177

خداوند دستور داده از آنها پیروی کنید. بعضی گفته اند: منظور از صادقین کسانی هستند که خداوند در این آیه آنها را ستوده است: «رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ»، {از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند.} که منظور حمزه بن عبد المطلب و جعفر بن ابی طالب «وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ»(1)

{برخی از آنها در [همین] انتظارند.} علی بن ابی طالب علیه السّلام است.

کلبی از ابو صالح از ابن عباس در تفسیر «کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ» نقل میکند: یعنی با علی و اصحاب او باشید.

جابر از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند: «کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ» یعنی با آل محمّد باشید.(2)

1. تفسیر قمی: «وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً»(3) ،{و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند.} فرمود: منظور از نبیین، پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و صدیقین، علی علیه السّلام و شهداء، حسن و حسین علیهما السّلام و صالحین، ائمه علیهم السلام «وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً» قائم آل محمّد صلی اللّٰه علیه و آله.(4)

2. کنز الفوائد: شیخ طوسی رحمه اللّٰه علیه در کتاب مصباح الانوار به اسناد خود از انس نقل میکند: روزی با پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله نماز صبح را خواندیم، در این موقع آن جناب رو به سوی ما برگردانید. من عرض کردم: یا رسول اللّٰه، برای ما این آیه را تفسیر بفرمائید: «فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً» فرمود: منظور از پیامبران

1- . احزاب / 23

2- . مجمع البيان 5 : 80 و 81
3- . نساء / 69
4- . تفسير قمى : 131

منم و صدیقین برادرم علی، اما شهداء عمویم حمزه و صالحین دخترم فاطمه و اولاد او حسن و حسین علیهم السلام تا آخر روایت.(1)

3. بصائر الدرجات: برید عجلی گفت: از حضرت باقر علیه السّلام معنی: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ» را پرسیدم، فرمود: از صادقین ما را قصد کرده است.(2)

4. مناقب آل ابی طالب: جابر انصاری از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ» نقل میکند که فرمود: منظور از صادقین آل محمد است.(3)

5. بصائر الدرجات: احمد بن محمّد گفت: از حضرت رضا علیه السّلام تفسیر آیه: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ» را پرسیدم، فرمود: صادقین ائمه علیهم السّلام هستند که گفتارشان با عمل در فرمانبرداری خدا برابر است.(4)

6. تفسیر فرات: اصبغ بن نباته گفت: علی بن ابی طالب علیه السّلام به من فرمود: من میخواهم حدیثی را بگویم. عرض کردم: پس چرا نمی فرمایید ای امیر المؤمنین! فرمود: این حرف را برای گفتن همان حدیث زدم، آنگاه فرمود: وقتی خداوند تمام جهانیان از گذشتگان و آیندگان را جمع کند، بر ترین آنها از ما فرزندان عبد المطلب هفت نفرند. از همه مردم گرامی تر پیامبرانند که پیامبر ما گرامی ترین انبیاء علیهم السّلام است. بعد از انبیاء، بهترین افراد اوصیاء هستند که وصی پیامبر ما گرامی ترین اوصیاء است. بعد از آنها شهداء برتر از همه هستند. حمزه سید الشهداء است و جعفر که با دو بال خود به همراه ملائکه پرواز میکند که به هیچ شهیدی قبل از او این امتیاز داده نشده، این مقامی است که خداوند به محمّد صلی اللَّه علیه و آله عنایت فرموده است. آنگاه این آیه را قرائت کرد: «فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً * ذلِکَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَ کَفی بِاللَّهِ عَلِیماً» آنگاه دو سبط پیامبر اکرم حسن و حسین و مهدی علیهم

1- . کنز الفوائد : 67
2- . بصائر الدرجات : 10

3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 314
4- . بصائر الدرجات : 10

السّلام، آن جناب را از نژاد کسی که خدا خواسته است، از اهل بیت پیامبر قرار داده.(1)

7. تفسیر فرات: سلیمان دیلمی گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم که ابو بصیر داخل شد و نفس نفس میزد؛ همین که در جای خود قرار گرفت حضرت صادق علیه السّلام به او گفت: ابو محمّد! این نفسهای بلند از چیست؟ عرض کرد: فدایت شوم یابن رسول اللّه، سنم زیاد شده و ناتوان و فرتوت شده ام، اجلم نزدیک است نمی دانم عاقبت کار در آخرت چگونه خواهم بود. امام علیه السّلام فرمود: ابا محمّد تو هم این حرف را میزنی؟ عرض کرد: چطور این حرف را نزنم؟ و سخنی را عرض کرد؛ امام علیه السّلام فرمود: خداوند در کتاب خود میفرماید: «فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً» منظور از نبیین رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و ما در این آیه صدیقین و شهداء و شما صالحین هستید. خود را به زیور صلاح و پاکی بیارایید؛ همان طور که خداوند به شما این لقب را عنایت نموده است.(2)

8. مناقب آل ابی طالب: تفسیر ابو یوسف: یعقوب بن سفیان از ابن عمر نقل میکند که گفت: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ» خداوند به صحابه دستور می دهد که از خدا بترسید «وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ» یعنی با محمّد و اهل بیتش باشید.(3)

9. مولف: گروهی به اسناد خود از جابر بن عبدالله انصاری در باره آیه «وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ» نقل کردهاند که گفت: یعنی با محمّد و اهل بیتش (علیهم السلام).(4)

10. مولف: سید بن طاوس می نویسد: در تفسیری که منسوب به حضرت باقر علیه السّلام است دیدم که در باره آیه: «وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ» می فرماید: با علی بن ابی طالب و آل محمّد صلوات اللّه علیهم باشید. در این قسمت آیه که می فرماید:

1- . تفسیر فرات : 35 و 36
2- . همان : 36
3- . مناقب آل ابی طالب 2 : 288

4- . همان

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضى نَحْبَهُ» منظور حمزه بن عبد المطلب است «وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» علی بن ابی طالب علیه السّلام است. خداوند می فرماید: «وَ ما بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» و می فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» که منظور در اینجا آل محمّدند، صلی اللَّه علیهم.(1)

توضیح: استدلال به این آیه برای اثبات امامت ائمه معصومین علیهم السّلام در بین شیعه معروف است.

محقق طوسی در کتاب تجرید نقل کرده است: طریق استدلال چنین است که خداوند تمام مؤمنین را امر می کند که با صادقین باشند و این مطلب معلوم است که منظور این نیست که در میان صادقین از نظر بدن و جسم باشید، بلکه منظور این است که طریقه و روش آنها و عقاید و افعال و گفتارشان را در پیش بگیرید. این مسلم است که خداوند دستور عمومی نمی دهد، از کسی پیروی کنند که ممکن باشد کار ناپسند و فسق و معصیت از او سر بزند، با اینکه خود از چنین کارهایی نهی نموده است. به ناچار باید صادقین در این آیه معصوم و محفوظ از خطا باشند تا بتوان در تمام امور پیرو آنها شد. و نیز تمام امت اجماع دارند بر اینکه خطاب قرآن عمومیت برای تمام زمانها دارد و اختصاص به یک زمان مخصوص ندارد. پس لازم است در هر زمان معصومی وجود داشته باشد تا مؤمنین آن زمان پیرو او باشند. اگر گفته شود، شاید مؤمنین به پیروی از صادقین زمان پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله امر شده اند و در این صورت لزوم بودن معصوم در هر زمان ثابت نمی شود. در جواب می گوئیم، لازم است که صادقین که در قرآن به لفظ جمع ذکر شده، متعدد باشند نه یک نفر؛ و وقتی قائل به تعدد صادقین شدیم، باید همان اعتقاد شیعه امامیه را بپذیریم. زیرا بین امامیه کسی معتقد نیست که در زمان پیامبر معصومین متعدد بوده اند و سایر زمانها از معصوم خالی بوده است. و چنین احتمالی از ظاهر لفظ آیه هم بعید است. دنباله این استدلال در بخش نصوص بر امیر المؤمنین علیه السّلام خواهد آمد.

جای تعجب از امام و پیشوای اهل سنت فخر رازی است که همین مطلب را قبول کرده و سپس طفره رفته و اثبات بعید بودن آن را می کند. سپس حمله مینماید

1- . سعد السعود : 122

و باز اقرار می کند. دو مرتبه انکار می نماید و اصرار می ورزد. آنجا که در تفسیر این آیه می نویسد: «خداوند به مؤمنین دستور داده که با صادقین باشند. وقتی بودن با صادقین واجب شد، به ناچار باید صادقین وجود داشته باشند زیرا بودن با چیزی، فرع وجود داشتن آن چیز است.

این دلیلی است بر وجود صادقین در هر زمان و همین مطلب نیز ثابت می کند که تمام امت هرگز بر باطل نیستند و به ناچار بر هر چه اطباق و اجماع نمودند، باید حق باشد و همین دلیل بر حجت بودن اجماع است.

اگر گفته شود چرا نمیتوان گفت که معنی: «کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ» این باشد که روش صالحین را از پیش بگیرید چنانچه شخصی به فرزندش می گوید با صالحین باش، همین معنی را دارد. ما این حرف را قبول داریم ولی می گوییم این امر فقط در زمان پیامبر صلی اللَّه علیه و آله وجود داشته و معنی آیه این می شود که با پیامبر باشید و دیگر دلالت بر وجود صادقی در سایر زمانها ندارد. این را هم قبول میکنم اما چرا جایز نیست آن صادق همان معصومی باشد که طبق عقیده شیعه، زمان تکلیف هرگز خالی از وجود او نیست. جواب از اشکال اول این است که «کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ» امر به موافقت صادقین و نهی از مفارقت آنها است. این مطلب نیز مشروط به وجود صادقین است، هر چند واجب تکمیل نشود مگر به آن چیز که آن هم واجب است.

پس این آیه دلالت بر وجود صادقین دارد و اما آنچه مدعی شد: که آیه معنیش این است که روش صادقین را بپذیرید، می گوییم، این خارج شدن بدون دلیل از ظاهر لفظ آیه است.

اما آنکه ادعا کرد که آیه اختصاص به زمان پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله دارد، در جواب می گوییم این مطلب به چند دلیل باطل است:

اوّل اینکه با تواتر آشکار از آئین پیامبر صلی اللَّه علیه و آله ثابت شده که تکلیف های قرآن متوجه تمام مکلفین است تا روز قیامت. امر و دستور این آیه هم مانند سایر دستورات است.

دوّم، صیغه و شکل آیه شامل تمام اوقات است و استثناء صحیح نیست.

سوّم، چون زمان معینی در آیه ذکر نشده، نمی توان گفت حمل کردن آیه بر یک زمان معین، بهتر و صحیح تر است از حمل آن بر سایر زمانها، و یا باید گفت مربوط به هیچ زمانی نیست که در این صورت معنی آیه تعطیل می شود و این باطل است، یا مربوط به تمام زمانها است که منظور ما نیز همین است.

چهارم، این قسمت آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ» آنها را به تقوی امر می کند و این امر شامل کسی می شود که می تواند غیر متقی هم باشد و در صورتی غیر متقی است که جایز الخطا باشد.

پس آیه دلالت می کند که شخص جایز الخطا باید از کسی پیروی کند که عصمت او واجب است و آنها همان کسانی هستند که آیه به ایشان صادقین لقب داده و حکم این دستور دلالت دارد بر اینکه واجب است جایز الخطا پیرو معصوم باشد تا این پیروی او از معصوم مانع از خطایش گردد، این حکم در تمام زمانها است پس لازم است که صادقین نیز در هر زمانی باشند.

در جواب ادعای او که گفت چرا بودن مؤمن با معصوم در هر زمان جایز نیست، در جوابش می گوئیم ما نیز اعتراف داریم به اینکه باید در هر زمانی معصومی وجود داشته باشد جز اینکه ما معتقدیم، معصوم مجموع امت هستند ولی شما می گوئید آن معصوم یکی از امت است.

ما می گوئیم: قسم دوم (معصوم یک نفر باشد) باطل است. زیرا خداوند بر هر یک از مؤمنین واجب کرده که با صادقین باشند و این کار در صورتی برایش امکان دارد که صادق را بشناسد. زیرا کسی که نمی داند صادق کیست، اگر به او امر کنند صادق باش، این تکلیف به چیزی است که از قدرتش خارج است، چون ما یک شخص معینی را نمی شناسیم که متصف به صفت عصمت و علم باشد و این مطلب را نیز نمی دانیم که چنین فردی حتما هست. پس ثابت می شود که «کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ» امر به بودن با شخص معینی نیست.

وقتی این مطلب باطل شد، میماند همان نظری که ما گفتیم که با تمام امت باشیم و دلیل است بر اینکه قول تمام امت صحیح و حق است و از این که می گوئیم حجت اجماع است، منظورمان همین است.» پایان کلام فخر رازی.(1)

ستایش خدایی را سزا است که حق و واقعیت را بر قلم دشمنان خود جاری می کند. ملاحظه فرمودید چگونه ادعای امامیه را با تمام کوشش و جدیت اثبات نمود و به چه دلیل آن را به عقیده خود ناصحیح شمرد و خود را از این استدلال به نادانی زد. کار او شبیه کسی است که خود را میان دریائی ژرف و خروشان بیاندازد، به این امید که برای نجات خود چنگ به شیارهای موج خواهد زد. اینک ما به مقداری از یاوه سرائی ها و انحرافش اشاره می کنیم. گفتار او به چند دلیل باطل است:

اول، خود اعتراف نمود که خداوند این دستور را داده تا امت از خطا در هر زمانی محفوظ باشند. اگر آنچه مدعی شده که معنی آیه اجماع است صحیح باشد، چگونه می توان در زمانهایی که دانشمندان در شهرها پراکنده هستند، علم به اجماع پیدا کرد. آیا هیچ عاقلی اطلاع بر عقاید یکایک از مسلمانان را در چنین زمانی تجویز می کند؟ اگر بگوید منظور اجماعی است که در زمانهای سابق به دست آمده است، این نیز باطل است به دلیل آنکه گفت، باید در هر زمان معصومی وجود داشته باشد که از خطا محفوظ باشد.

دوم، ما این مطلب نادرست را که اجماع به وجود می آید و در همه زمانها هم می توان علم به آن پیدا کرد قبول می کنیم، ولی باز این اجماع تحقق نمی یابد مگر در مقدار کمی از مسائل. پس چگونه می توانند از خطا در امان باشند.

سوم، این مطلب از آیه کاملاً مشهود است: آنهایی که باید با صادقین باشند غیر از خود صادقین هستند، بنا بر آنچه او مدعی شد، هر دو یکی هستند.

چهارم، اگر منظور از صادق در آیه کسی است که فی الجملة صادق باشد، شامل تمام مسلمانان می شود. زیرا آنها در کلمه توحید «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» صادقند به ناچار، یا مراد کسی است که در تمام گفتار صادق باشد که این صحیح نیست به دلیل آنکه لازم می آید مأمور به پیروی از یک یک مسلمانان باشند، چنانچه از ظاهر جمع

ص: 48

1- . مفاتيح الغيب 4 : 1760 و 1761

با الف و لام «الصادقین» استفاده می شود. به ناچار باید قسم دوم صحیح باشد و آن هم موجب عصمت خواهد بود. اما آنچه او مدعی شد که منظور از صادقین مجموع مسلمانان از نظر مجموع بودن است، زیرا آنها از جهت اجتماع دروغگو نیستند، این احتمال را حتی کردی هم که به زبان عرب آشنا نیست، نمی دهد.

پنجم- دلیلی که برای بطلان ادعای شیعه در معرفت امام نقل کرد، مردود بودن آن کاملا ظاهر است زیرا هر نادان و گمراه و دین سازی می تواند همین ادعا را برای عدم لزوم پی گیری از حق و گردن نهادن به شرایع بکند. یهودیان می توانند بگویند، اگر محمّد صلی اللّٰه علیه و آله پیامبر می بود ما به نبوت او پی می بردیم، اما ما چنین علمی را نداریم؛ همین طور سایر کفار و گمراهان. این یاوه سرائیها فقط از تعصب و دشمنی و تقصیر در پی گیری از حق به وجود می آید. اگر پرده های تعصب و دشمنی را از روی چشم کنار بزنند و در دلائل امامت ائمه علیهم السّلام و معجزات و اخلاق پسندیده و شخصیت عالی آنها دقت کنند، به حق و واقعیت پی خواهند برد و جای شک و تردیدی برای ایشان نمی ماند. همین یک آیه با همان استدلالی که خود فخر رازی بر لزوم امام در هر عصر و زمانی کرد، کافی است.

11. امالی طوسی: برادر دعبل از حضرت رضا علیه السّلام و آن جناب از آباء گرام خود از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ كَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جاءَهُ»(1)، {پس

کیست ستمگرتر از آن کس که بر خدا دروغ بست و [سخن] راست را چون به سوی او آمد دروغ پنداشت.} فرمود: صدق در این آیه، ولایت ما اهل بیت است.(2)

مناقب آل ابی طالب: از امیر المؤمنین چنین روایتی نقل شده است.(3)

توضیح: شاید منظور امام علیه السّلام، مهمترین مورد از مصادیق صدق از دستوراتی که پیامبر آورده باشد نه اینکه صدق فقط اختصاص به ولایت دارد.(4)

1- . زمر / 32

2- . امالی طوسی : 232

3- . مناقب آل ابی طالب 2 : 288

4- . همه گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله از مصادیق صدق است پس هر کس که یکی از آنها را قبول نکند تکذیب صدق کرده است.

12. کنز الفوائد: ابو ایوب انصاری گفت: پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله فرمود: صدیقین سه نفرند: حزقیل مؤمن آل فرعون و حبیب صاحب یاسین و علی بن ابی طالب علیه السّلام علی از همه آنها بهتر است.(1)

13. کنز الفوائد: عباد بن صهیب از جعفر بن محمّد علیهما السّلام از آباء گرام خود نقل کرد که فرمود: فرشته ای به نام محمود بر پیامبر نازل شد که دارای بیست هزار سر بود. پیامبر اکرم از جای حرکت کرد تا دستش را ببوسد، فرشته گفت: نه نه! یا محمّد، تو در نزد خدا گرامیتر از تمام اهل آسمانها و زمین هستی. پیامبر اکرم دید بین دو کتف او نوشته است: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ علی الصدیق الاکبر»

پیامبر اکرم پرسید محمود! از چه وقت این نوشته بر شانه تو هست؟ گفت: دوازده هزار سال قبل از خلقت پدرت آدم.(2)

14. مولف: مرحوم طبرسی از عیاشی نقل می کند که منهال قصاب گفت، به حضرت صادق عرض کردم دعا کن خدا شهادت را روزی من نماید. فرمود: مؤمن شهید است بعد این آیه را خواند: «وَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ»(3)، {و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده اند آنان همان راستینانند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود [و] ایشان راست اجر و نورشان. }

15. حارث بن مغیره نیز گفت، خدمت حضرت باقر علیه السّلام بودیم فرمود: کسانی که از شما عارف به این امر هستند و منتظرند و آرزوی پاداش نیک دارند، به خدا قسم مانند آن کسی است که به همراه قائم آل محمّد جهاد کرده است. بعد فرمود: بخدا قسم مانند کسی است که با پیامبر اکرم به وسیله شمشیرش جهاد نموده است. برای مرتبه سوم فرمود: به خدا قسم مانند کسی است که در خیمه پیامبر اکرم به درجه شهادت رسیده است. در باره شما یک آیه در قرآن هست. عرض کردم کدام آیه فرمود: «وَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ

1- . کنز الفوائد : 383

2- . همان

3- . حديد / 19

رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ» آنگاه فرمود: به خدا قسم، شما در نزد خدا از صادقین و شهداء محسوب می شوید.(1)

16. امالی صدوق: مبارک غلام حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که آن جناب فرمود: مؤمن به درجه کمال ایمان نمیرسد مگر اینکه در او سه خصلت باشد: یک خصلت از پروردگارش و یکی از پیامبر و دیگری از امامش. اما روشی که از خدا باید داشته باشد، کتمان سرّ و راز پوشیدن است. خداوند در این آیه می فرماید: «عالِمُ الْغَیْبِ فَلا یُظْهِرُ عَلی غَیْبِهِ أَحَداً * إِلَّا مَنِ ارْتَضی مِنْ رَسُولٍ»(2)، {دانای نهان است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند جز پیامبری را که از او خشنود باشد.} روش پیامبر مدارا کردن با مردم است، فرموده: «خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِینَ»،(3) {گذشت پیشه کن و به [کار] پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب.} اما روش امام شکیبایی در گرفتاریها و ناراحتی ها است، خداوند می فرماید: «وَ الصَّابِرِینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِینَ الْبَأْسِ أُولئِکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَ أُولئِکَ هم المتقون»،(4) {و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند؛ آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند.}(5)

17. عیون اخبار الرضا علیه السّلام: ابن ابی الدلهاث غلام امام رضا علیه السّلام همین روایت را از ایشان نقل کرده است.(6)

اصول کافی: همین روایت را از سهل بن حارث دلهاث غلام امام رضا علیه السّلام از ایشان نقل کرده است.(7)

توضیح: آیه در قرآن چنین است: «لَیْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلائِکَهِ وَ الْکِتابِ وَ النَّبِیِّینَ وَ آتَی

1- . مجمع البیان 9 : 238

2- . جن / 26 و 27

3- . اعراف / 199

4- . بقره / 177

5- . امالی صدوق : 198

6- . عيون اخبار الرضا عليه السّلام : 142
7- . اصول كافى 2 : 241 و 242، در اصول كافى «سهل بن حارث از دلهاث» آمده است.

الْمالَ عَلى حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ وَ السَّائِلِینَ وَ فِی الرِّقابِ وَ أَقامَ الصَّلاهَ وَ آتَی الزَّکاهَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصَّابِرِینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ.»(1)، {نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد، و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد، و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارانند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند؛ آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند.} این خبر دلیل است که آیه در باره آنها نازل شده و اخبار گذشته نیز آن را تأیید می کند.

1- . بقره / 177

«أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ»(1)

1. تفسیر قمی: ابراهیم بن عمر یمانی از حضرت صادق علیه السّلام در تفسیر آیه: «قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ» ، {برای آنان نزد پروردگارشان سابقه نیک است.} نقل کرد که فرمود: منظور پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام هستند.(2)

تفسیر عیاشی از یمانی همین روایت را نقل کرده است.(3)

کافی: علی از پدرش مانند همین روایت را نقل کرده است.

توضیح: شاید منظور ولایت ائمه علیهم السلام یا شفاعت آنها باشد یا معنی قدم، کسی که از نظر عزت و شرافت مقدم است که تأیید همان معنی اول است.

2. کلینی: از یونس نقل می کند که حضرت صادق در باره آیه: «وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ» فرمود: ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام است.(4)

3. مرحوم طبرسی مینویسد: ابن اعرابی گفته قدم: کسی که در شرافت مقدم باشد، ابو عبیده و کسایی گفته اند، هر کس در کار خوب یا بد بر دیگران سبقت بگیرد، در نزد عرب او دارای قدم است، می گویند فلانی قدمی در اسلام دارد؛ سپس گفته است «أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ» یعنی بواسطه اعمالی که پیش فرستادهاند، پاداش نیکو و مقامی بلند دارند. بعضی گفته اند، منظور شفاعت حضرت محمّد صلی اللّٰه علیه و آله است در قیامت و همین از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده است.

ص: 53

1- . یونس / 2
2- . تفسیر قمی : 284
3- . تفسیر عیاشی 2 : 120
4- . اصول کافی 1 : 422

روایت دیگری نیز هست که می گوید معنای آیه این است که در ذکر اول برای آنها سعادت و خوشبختی یاد شده.(1)

4. تفسیر عیاشی: از یونس و او از کسی در باره قول خدا «وَ بَشِّرِ الَّذِینَ آمَنُوا» تا آخر آیه می گوید، منظور ولایت است.(2)

1- . مجمع البیان 5 : 88 و 89

2- . تفسیر عیاشی 2 : 119

باب بیست و هشتم : حسنه و حُسنی ولایت است و سیئه دشمنی و عداوت با ائمه علیهم السّلام است

1. تفسیر عیاشی: شریف گفت، از حضرت باقر علیه السّلام که چون او در میان فرزندان محمّد صلی اللّٰه علیه و آله ندیده ام در مورد آیه: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها»(1)، {هر کس کار نیکی بیاورد ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت.} شنیدم فرمود: حسنه ای که در این آیه فرموده، ولایت ما اهل بیت است و سیئه عداوت و دشمنی با ما خانواده.(2)

2. کنز الفوائد: ابو عبد اللّٰه جدلی گفت، امیر المؤمنین علیه السّلام به من فرمود: یا ابا عبد اللّٰه، میدانی حسنه ای که هر کس دارای آن باشد از وحشت روز قیامت در امان است و هر که سیئه ای را کسب کند به رو در آتش افکنده می شود، چیست؟ گفتم: نه، فرمود: حسنه دوستی ما خانواده است و سیئه عداوت با ما اهل بیت.(3)

3. کنز الفوائد: ابو عبد اللّٰه جدلی در روایت دیگری از امیر المؤمنین نقل می کند که میفرماید: حسنه دوستی با ما خانواده و سیئه بغض و کینه با ما است.(4)

مولف: این روایت را ابن بطریق در عمده از تفسیر ثعلبی و در مستدرک از حافظ ابو نعیم نقل میکند.

1- . انعام / 160
2- . تفسیر عیاشی 1 : 386
3- . کنز الفوائد : 211
4- . همان

4. کنز الفوائد: عمار ساباطی گفت، خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم. عبد اللَّه بن ابی یعفور از این آیه سؤال کرد: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْها وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» ، {هر کس نیکی به میان آورد پاداشی بهتر از آن خواهد داشت و آنان از هراس آن روز ایمنند.} فرمود: میدانی حسنه چیست؟ حسنه معرفت امام و اطاعت اوست که اطاعت او از جانب خدا واجب شده است.(1)

5. با همین سند از عمار نقل شده که امام فرمود: حسنه ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام است.(2)

6. کنز الفوائد: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسید: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْها وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ * وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَهِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النَّارِ»(3)، {هر کس نیکی به میان آورد پاداشی بهتر از آن خواهد داشت و آنان از هراس آن روز ایمنند، و هر کس بدی به میان آورد به رو در آتش [دوزخ] سرنگون شوند.} فرمود: حسنه ولایت علی علیه السّلام و سیئه بغض و دشمنی با اوست.(4)

7. امالی طوسی: از عمار ساباطی نقل میکند که به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم، ابو امیه یوسف بن ثابت برایم نقل کرد که شما فرموده اید: «لا یضر مع الایمان عمل و لا ینفع مع الکفر عمل» با داشتن ایمان عمل زیان نمیرساند و با کفر نیز عمل سودی ندارد. فرمود: ابو امیه نپرسید که منظورم از این حرف چیست؟ منظورم از این سخن آن بود که هر کس عارف به مقام امام از آل محمّد باشد و او را دوست بدارد، سپس هر چه مایل است برای خود از اعمال خیر انجام دهد از او پذیرفته می شود و چندین برابر به او پاداش خواهند داد. منظورم این بود که او با معرفت از کار خوب بهره مند می شود. همین طور است که خداوند اعمال مردم را در صورتی که دوستدار و طرفدار امام ستمگری باشند که از جانب خدا

1- . کنز الفوائد : 211
2- . همان : 211 و 212
3- . نمل / 89 و 90
4- . کنز الفوائد : 211 و 212

تعیین نشده، نخواهد پذیرفت. عبد اللَّه بن ابی یعفور گفت، مگر خداوند در این آیه نمیفرماید: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنْها وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ یَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» پس چگونه کسی که با وجود دوست داشتن پیشوایان جور عمل صالحی انجام دهد، سودی نخواهد برد؟ حضرت صادق علیه السّلام فرمود: میدانی منظور از حسنه ای که در آیه است چیست؟ یعنی معرفت امام و اطاعت از او. خداوند در این آیه فرموده: «وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَکُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا ما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»(1) {و هر کس بدی به میان آورد به رو در آتش [دوزخ] سرنگون شوند آیا جز آنچه می کردید سزا داده می شوید} و منظورش از سیئه، انکار امامی است که از جانب خدا تعیین شده است. آنگاه حضرت صادق علیه السّلام فرمود: هر کس روز قیامت با ولایت امام ستمگر وارد محشر شود، بستگیای با خدا ندارد و منکر حق و ولایت ما خاندان است؛ خداوند او را در آتش جهنم سرازیر میکند.(2)

مناقب آل ابی طالب: مانند همین روایت را به صورت مرسل نقل کرده است.(3)

8. تفسیر قمی: عبد الاعلی از ابو الخطاب نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطی وَ اتَّقی * وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنی»(4)، {اما آنکه [حق خدا را] داد و پروا داشت و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد.} فرمود: یعنی تصدیق ولایت کند «فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْیُسْری * وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنی * وَ کَذَّبَ بِالْحُسْنی»، {به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت. و اما آنکه بخل ورزید و خود را بی نیاز دید و [پاداش] نیکوتر را به دروغ گرفت.} یعنی تکذیب ولایت کند. «فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْعُسْری.»(5) ، {به زودی راه دشواری به او خواهیم نمود.}(6)

ص: 57

1- . نمل / 90
2- . امالی طوسی : 266 و 267
3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 522
4- . لیل / 5 و 6
5- . همان / 7 - 10
6- . تفسیر قمی : 728 و 729

بصائر الدرجات: عبد الاعلی به واسطه شخص دیگری، همین روایت را از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است.(1)

توضیح: شاید بنا به تفسیر امام علیه السّلام، منظور از حُسْنی عقیده نیکو است. بیشتر مفسرین آن را وسیله و ثواب تفسیر نموده اند.

9. مناقب آل ابی طالب: به اثبات رسیده است که امام حسن علیه السّلام در ضمن سخنرانی خود فرمود: ما از خانواده ای هستیم که خداوند مودت ما را بر هر مسلمانی واجب نموده است. در این آیه میفرماید: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی»، {بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی در باره خویشاوندان.} و این آیه «وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً»(2)، {و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود.} اقتراف و به دست آوردن حسنه، مودت ما خانواده است.

10. عکبری در فضائل الصحابه از ابن عباس نقل میکند که گفت: به دست آوردن حسنه، مودت و محبت با آل محمّد صلی اللّه علیه و آله است.(3)

11. حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام در مورد آیه «بَلی مَنْ کَسَبَ سَیِّئَهً» فرمود: یعنی کسی که کینه با ما داشته باشد، «وَ أَحاطَتْ بِهِ خَطِیئَتُهُ»(4)

فرمود: یعنی شرکت در خون ما کند.(5)

12. حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ» فرمود: حسنه حب ما و معرفت حق ما است، و سیئه بغض و ادا نکردن حق ما است.(6)

13. زید بن علی و ابو عبد الله جدلی نقل می کنند که امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: منظور از «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ» حب ما و «وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَهِ» بغض ماست.(7)

1- . بصائر الدرجات : 151
2- . شوری / 23

3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 171
4- . بقره / 81
5- . مناقب آل ابی طالب 3 : 403
6- . همان
7- . همان 3 : 444

14. سلیمان بن عبدالله بن حسن از پدرش، از آباء گرامیش در باره آیه «وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَةً» فرمود: منظور مودت آل محمد (علیهم السلام) است.[(1)]

15. تفسیر فرات: اسحاق بن عمار گفت: حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلا یُجْزی إِلَّا مِثْلَها»، {هر کس کار نیکی بیاورد ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت، و هر کس کار بدی بیاورد جز مانند آن جزا نیابد.} فرمود: حسنه و سیئه چیست، عرض کردم شما بفرمایید، فرمود: حسنه پنهان نمودن و سیئه افشا و پرده دری از حدیث ما است.[(2)]

16. تفسیر فرات: عبد اللَّه بن الحسین گفت: «وَ أَحاطَتْ بِهِ خَطِیئَتُهُ» یعنی پرده دری از حدیث ما «وَ مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ» حب و علاقه به ما است و سیئه بغض و کینه با ما خانواده است.[(3)]

17. تفسیر فرات: حضرت صادق علیه السّلام این آیه را قرائت نمود: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها» و فرمود: در صورتی که کار نیک را با ولایت انجام دهد ده برابر می شود و اگر گناهی انجام دهد، معادل همان کیفر می شود. و اما این آیه: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنْها وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ یَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» حسنه ولایت و حب ما است «وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَکُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النَّارِ» نیز کینه ما اهل بیت است که از آنها هیچ عملی را از خیر و خوبی نمی پذیرد و در آتش جهنم پیوسته خواهند بود و عذابشان تخفیف داده نمیشود.[(4)]

18. تفسیر فرات: از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «وَ کَذَّبَ بِالْحُسْنی» نقل کرد، یعنی تکذیب ولایت علی نمود: «فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْعُسْری» یعنی آتش «ما یُغْنِی عَنْهُ مالُهُ إِذا تَرَدَّی» ، {و چون هلاک شد [دیگر] مال او به کارش نمی آید.} یعنی وقتی بمیرد، علمش او را سودی نخواهد بخشید. «إِنَّ عَلَیْنا لَلْهُدی»، {همانا هدایت بر ماست.} یعنی علی راه هدایت است «وَ إِنَّ لَنا لَلْآخِرَهَ وَ الْأُولی *

1- . همان

2- . تفسیر فرات : 42

3- . همان
4- . تفسیر فرات : 45

فَأَنْذَرْتُكُمْ ناراً تَلَظَّی»، {و در حقیقت دنیا و آخرت از آن ماست، پس شما را به آتشی که زبانه می کشد هشدار دادم.} فرمود: وقتی قائم آل محمّد با شمشیر قیام کند، از هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را میکشد «لا یَصْلاها إِلَّا الْأَشْقَی * الَّذِی کَذَّبَ»، {جز نگون بخت تر[ین مردم] در آن درنیاید، همان که تکذیب کرد و رخ برتافت} کسی که تکذیب ولایت کند «وَ تَوَلَّی» ،{و رخ برتافت} و از آن گریزان باشد: «وَ سَیُجَنَّبُهَا الْأَتْقَی»، {و پاک رفتارتر[ین مردم] از آن دور نگاه داشته خواهد شد.} یعنی مؤمن «الَّذِی یُؤْتِی مالَهُ یَتَزَکَّی»، {همان که مال خود را می دهد [برای آنکه] پاک شود.} آن کسی که علم را به اهلش می رساند: «وَ ما لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَهٍ تُجْزی»، {و هیچ کس را به قصد پاداش یافتن نعمت نمی بخشد.} احدی را نزد او مکافات نیست، قصدش فقط نزدیک شدن به خدا است. «وَ لَسَوْفَ یَرْضی»(1) ،{و قطعا به زودی خشنود خواهد شد.} فرمود: وقتی پاداش را مشاهده کند.(2) امام صادق علیه السلام فرمود «وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَی» منظور ولایت و «وَکَذَّبَ بِالْحُسْنَی» منظور ولایت است.(3)

19. کنز الفوائد: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطی» یعنی خمس، «وَ اتَّقی» از حکومت و دوستی با طاغوتها بپرهیزد، «وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنی» تصدیق ولایت کند، «فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْیُسْری» یعنی هر کار خوبی را که تصمیم بگیرد برایش فراهم میشود: «وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ»، {و اما آنکه بخل ورزید.} یعنی در خمس بخل بورزد: «وَ اسْتَغْنی»، {و خود را بی نیاز دید.} یعنی خود رأی باشد و به اولیاء خدا مراجعه نکند، «وَ کَذَّبَ بِالْحُسْنی» تکذیب ولایت کند. «فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْعُسْری» یعنی هر کار بدی را که تصمیم بگیرد، برایش آماده میشود. اما این قسمت آیه: «وَ سَیُجَنَّبُهَا الْأَتْقَی»، پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود: هر کس پیرو او باشد: «الَّذِی یُؤْتِی مالَهُ یَتَزَکَّی» فرمود: امیر المؤمنین است و این آیه به او نظر دارد.

1- . لیل / 9 - 21

2- . تفسیر فرات : 214 و 215

3- . همان : 215

«وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ» (1) ، {و در حال رکوع زکات می دهند.} و این قسمت آیه «وَ ما لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَهٍ تُجْزی» (2) او پیامبر اکرم است که احدی را نزد او نعمتی نیست که باید پاس او را بدارد بلکه نعمت او بر تمام جهانیان جاری است. (3)

20. کنز الفوائد: محمّد بن فضیل از موسی بن جعفر علیهما السّلام نقل کرد که در مورد آیه: «وَ لا تَسْتَوِی الْحَسَنَهُ وَ لَا السَّیِّئَهُ» (4)، {و نیکی با بدی یکسان نیست.} پرسیدم، فرمود: حسنه ما خانواده ایم و سیئه بنی امیه. (5)

21. کنز الفوائد: سوره بن کلیب از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود این آیه بر پیغمبر اکرم نازل شد: «ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ عَداوَهٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ.» (6) {[بدی را] با آنچه بهتر است دفع کن، آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد.} رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به من دستور تقیه دادند. ده سال پنهانی ارشاد میکرد تا دستور دادند آشکارا امر رسالت را اعلان کند. علی علیه السّلام نیز همین طور دستور داشت پنهانی انجام دهد تا امر به اعلان نمودند، سپس هر یک از امامان به امام دیگری همین سفارش را میکرد و آنها در تقیه بودند تا قائم ما قیام نماید که در آن موقع دیگر تقیه نخواهد بود و شمشیر از نیام کشیده می شود. نه چیزی از مردم میگیرد و نه به آنها چیزی میدهد مگر با شمشیر. (7)

22. مولف: ابن بطریق در عمده از تفسیر ثعلبی به اسناد خود از ابن عباس در باره آیه «وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً» فرمود: مودت با آل محمّد صلی اللّه علیه و آله است. (8)

1- . مائده / 55
2- . لیل / 19
3- . کنز الفوائد : 468 نسخه رضویه
4- . فصلت / 34
5- . کنز الفوائد : 282
6- . فصلت / 34
7- . کنز الفوائد : 282

8- . العمده : 27

23. ابن مغازلی نیز از سدی روایت کرده همین روایت را روایت کرده، فقط در آخر آن افزوده است: «وَ لَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضی»(1)، {و به زودی پروردگارت تو را عطا خواهد کرد تا خرسند گردی.} رضایت و خشنودی محمّد صلی اللّه علیه و آله این است که اهل بیتش را داخل بهشت نماید.

1- . ضحی / 5

باب بیست و نهم: ائمه علیهم السّلام نعمت خدایند و ولایت آنها شکر این نعمت است و آنها فضل و رحمت اویند و نعیم همان ولایت است. نعمت بزرگ خدا بر مردم به وسیله آنها است

آیات

- أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْراً وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ * جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَها وَ بِئْسَ الْقَرارُ.(1) ، {آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی [در آن سرای هلاکت که] جهنم است [و] در آن وارد می شوند و چه بد قرارگاهی است. }

«ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ.(2)»، {سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد. }

تفسیر

مرحوم طبرسی در آیه: «بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ» آورده است: ممکن است منظور این باشد که آیا کفاری را که نعمت خدا را به محمّد صلی اللّٰه علیه و آله شناختند یعنی حضرت محمّد را با نبوت شناختند و بعد به او کافر شدند توجه نمیکنی که با این کار خود، به جای سپاس و شکر ، کفر ورزیدند؟

1- . ابراهیم / 28 و 29
2- . تکاثر / 8

از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود: به خدا قسم ما نعمت خدا هستیم که بر بندگان ارزانی داشته، هر که رستگار شود به وسیله ما رستگار شده است.

ممکن است منظور تمام نعمت های خدا به طور عموم باشد که به بدترین وجه آن را تبدیل کرده اند. در اینکه آیه مربوط به چه اشخاصی است، اختلاف کرده اند. از امیر المؤمنین و ابن عباس و ابن جبیر و دیگران نقل شده که آنها کفار قریش بوده اند که پیامبرشان را تکذیب کردند و آغاز جنگ و دشمنی با او نمودند.

مردی از امیر المؤمنین علیه السّلام راجع به این آیه پرسید، فرمود: منظور دو گروه تبهکار قریشند، بنی امیه و بنی مغیره؛ اما بنی امیه که تا مدتی خواهند بود ولی بنی مغیره در جنگ بدر کارشان ساخته شد.

«وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ» یعنی قوم خود را به ورطه هلاک کشاندند که آنها را بجنگ بدر کشاندند. بعضی به واسطه اینکه آنها را دعوت به کفر کردند، هلاکت را به معنی آتش جهنم گرفته اند.

و در باره آیه: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» بعضی گفته اند، منظور از نعمت ها خوراکی و آشامیدنی و چیزهای دیگر از احتیاجات است. بعضی گفته اند، امنیت و صحت است. این معنی از حضرت باقر و صادق علیهما السّلام روایت شده.

عیاشی: به اسناد خود در حدیث طویلی گفته است: ابو حنیفه از حضرت صادق علیه السّلام راجع به همین آیه پرسید، امام فرمود: به نظر تو نعمت چیست؟ ابو حنیفه گفت: خوراکی و آب سرد. فرمود: اگر خدا ترا در روز قیامت نگه دارد و از هر خوراک و آشامیدنی که مصرف کرده ای یک یک سؤال کند، باید مدت زیادی آنجا توقف کنی. عرض کرد: پس نعیم در آیه چه معنی دارد؟ فرمود: ما اهل بیت آن نعمتی هستیم که خدا بر مردم ارزانی داشته، به وسیله ما با یکدیگر الفت گرفتند، با اینکه قبلا با هم اختلاف داشتند، و به وسیله ما دلهای آنها را به هم نزدیک نمود و با هم برادر شدند با اینکه قبلا دشمن یکدیگر بودند، و به وسیله ما آنها را به اسلام

هدایت کرد. این است نعمت پایدار، خداوند از آنها راجع به این نعمت که به آنها داده و آن پیامبر و عترت اوست، خواهد پرسید. پایان کلام طبرسی.(1)

مولف: راوندی در کتاب دعوات این روایت را نقل کرده است.

زمخشری: در تفسیر خود راجع به آیه: «بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ کُفْراً» یعنی سپاس نعمت خدا را تبدیل به کفر نمودند، زیرا به جای شکری که بر آنها واجب بود، کفر ورزیدند. یا منظور این است که خود نعمت را کفران کردند، یعنی از بین بردند؛ به این معنی که وقتی کفران آن نعمت نمودند، (در واقع آن را) از بین برده اند و به واسطه کفر خود بدون نعمت شدند. سپس خبری را که طبرسی از امیر المؤمنین علیه السّلام راجع به دو گروه تبهکار بنی امیه و بنی مغیره نقل کرد، عینا از عمر نقل کرده، جز اینکه بنی مغیره را بر بنی امیه در تفصیل مقدم داشته، و لفظ جهنم دار البوار را توضیح میدهد.(2)

1. عیون اخبار الرضا علیه السّلام: ابراهیم بن عباس صولی گفت، روزی در خدمت علی بن موسی الرضا علیه السّلام بودیم. آن جناب فرمود: در دنیا نعمت حقیقی وجود ندارد. بعضی از دانشمندان حاضر در مجلس گفتند چگونه خداوند میفرماید: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» و این نعیم در دنیا آب سرد است. حضرت رضا علیه السّلام با صدای بلند فرمود: شما این طور آیه را تفسیر میکنید و چند قسم نعمت را میشمارید. بعضی میگویند: آب سرد. دیگری غذای خوب میداند و گروهی آن را خواب خوش میشمارند.

پدرم از پدر خود حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد: موقعی که اقوال مختلف شما در مورد نعمت در آیه: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» خدمتش عرض شد، آن جناب غضبناک شده فرمود: هرگز خدا از بندگان خود در مورد چیزی که به آنها تفضل نموده نمیپرسد و منت بر آنها نمیگذارد. منت گذاردن برای نعمت از طرف مردم زشت است، چگونه میتوان چیزی را به خدا نسبت داد که انجام آن از مردم پسندیده نیست. اما نعیم حب ما خانواده و موالات ما است که خدا بعد از

1- . مجمع البيان 10 : 534 و 535
2- . الكشاف 2 : 432

توحید و نبوت از آن سؤال میکند، زیرا وقتی بنده حق این نعمت را به جا آورد، او را به جانب بهشت جاوید می برد. پدرم از پدر خود از محمّد بن علی علیهما السلام و ایشان از پدرش علی بن الحسین علیهما السلام و آن جناب از پدرش حسین بن علی علیهما السلام و آن جناب از پدرش علی علیه السلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: یا علی، اول چیزی که بعد از مرگ از شخص می پرسند، شهادت «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ و مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» است و اینکه تو به واسطه مقامی که خدا و من به تو داده ایم، ولی مؤمنینی. هر که چنین اعترافی داشته باشد و زندگی خود را بر آن اساس ادامه دهد، به بهشت رهسپار می شود؛ نعمتی که زوال ندارد. ابن ذکوان پیش از اینکه من چیزی بگویم گفت: من این حدیث را به چند جهت برای تو گفتم: یکی اینکه از بصره پیش من آمده ای. دوم اینکه پسر عمویت این حدیث را به من ارزانی داشته. سوم اینکه من پیوسته اشتغال به علم لغت و اشعار داشتم و اعتنایی به چیز دیگری نداشتم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم، مردم به ایشان سلام میکردند، جواب میداد. وقتی من سلام کردم جواب نداد. عرض کردم: مگر من از امت شما نیستم؟ فرمود: چرا، ولی چرا حدیث نعیم را که از ابراهیم شنیده ای برای مردم نمیگویی. صولی گفت: این حدیث را مردم از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله نقل کرده اند، جز اینکه لفظ نعیم و آیه و تفسیر آن نیست.

روایت کرده اند: اول چیزی که روز قیامت از بنده سؤال میکنند، شهادت به توحید و نبوت و موالات با علی بن ابی طالب علیه السّلام است.(1)

2. تفسیر قمی: عثمان بن عیسی از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ کُفْراً» پرسیدم، فرمود: این آیه در باره دو گروه تبهکار قریش، بنی امیه و بنی مغیره است؛ اما بنی مغیره در جنگ بدر کارشان ساخته شد ولی بنی امیه مدتی خواهند بود. سپس فرمود: به خدا قسم ما نعمت خدا هستیم که بر بندگان ارزانی داشته، هر کس رستگار گردیده، به وسیله ما رستگار شده است.(2)

1- . عیون اخبار الرضا علیه السّلام : 270 و 271
2- . تفسیر قمی : 347

3. تفسیر قمی: «یَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ یُنْکِرُونَها»(1)، {نعمت خدا را می شناسند اما باز هم منکر آن می شوند.} فرمود: نعمت اللّه ائمه علیهم السّلام هستند و دلیل بر این مطلب آیه: «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ کُفْراً» است. حضرت صادق علیه السّلام فرمود: به خدا قسم ما نعمت خدا هستیم که بر بندگان ارزانی داشته، هر کس رستگار گردیده، به وسیله ما رستگار شده است.(2)

4. مناقب آل ابی طالب: حضرت صادق و باقر علیهما السّلام در باره آیه: «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ کُفْراً» فرمودند: نعمت خدا پیامبر است زیرا امت خود را متوجه ائمه علیهم السّلام میکند که سبب ارشاد آنها میشوند: «وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ»(3) {و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند} این معنی فرمایش پیامبر اکرم است که فرمود: مبادا بعد از من کافر شوید و به جان یکدیگر بیفتید. و دین بر پیروی از پیامبر صلی اللّه علیه و آله بنا شده است «قُلْ إِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی»(4)، {بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید.} و پیروی از کتاب خدا به دلیل این آیه: «وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ»(5)، {و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند.} و پیروی از ائمه علیهم السّلام از اولاد پیامبر به دلیل: «وَ الَّذِینَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسانٍ»(6)، {و

کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند.} پس پیروی از پیامبر موجب محبت می شود: «یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ»(7) و پیروی از قرآن موجب سعادت: «فَمَنِ اتَّبَعَ هُدایَ فَلا یَضِلُّ وَ لا یَشْقی»(8)، {هر کس از هدایتم پیروی کند، نه گمراه می شود و نه تیره بخت.} پیروی از ائمه سبب بهشت می شود.(9)

ص: 67

1- 3. نحل / 83
2- . تفسیر قمی : 363
3- . ابراهیم / 28
4- . آل عمران / 31
5- . اعراف / 157
6- . توبه / 100
7- . آل عمران / 31
8- .[8] طه / 123

9- . مناقب آل ابی طالب 3 : 404

5. امالی طوسی: عمر بن راشد از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در باره «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» فرمود: ما نعیم هستیم و در باره آیه: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً»(1)، {و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید.} فرمود: ما حبل و ریسمان پیوسته به خداییم.(2)

6. تفسیر قمی: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» یعنی از ولایت، و دلیل بر این مطلب آیه: «وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ»(3) ، {و بازداشتشان نمایید که آنها مسؤولند.} یعنی از ولایت بازخواست می شوند.

احمد بن ادریس از احمد بن محمّد از مسلمه بن عطا از جمیل از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که من از آیه: «لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» پرسیدم، فرمود: این امت از آنچه به ایشان به وسیله پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سپس اهل بیت آن جناب ارزانی شده، بازخواست خواهند شد.(4)

7. تفسیر قمی: جابر گفت: مردی خدمت حضرت باقر علیه السّلام این آیه را خواند: «وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَ باطِنَةً»(5)، {و نعمتهای ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است.} فرمود: اما نعمت ظاهری پیامبر اکرم و آنچه برای مردم از معرفت خدا و توحید آورده، و اما نعمت باطنی ولایت ما خانواده و پیوند محبت با ما است. گروهی اعتقاد به نعمت ظاهر و باطن هر دو داشتند و گروهی نعمت ظاهری را معتقد بودند اما به نعمت باطنی اعتقاد نداشتند، خداوند این آیه را نازل کرد: «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ لا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قالُوا آمَنَّا بِأَفْواهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ»(6)،

{ای پیامبر، کسانی که در کفر شتاب می ورزند تو را غمگین نسازند [چه] از آنانکه با زبان خود گفتند ایمان آوردیم و حال آنکه دلهایشان ایمان نیاورده

1- . آل عمران / 103
2- . امالی طوسی : 171
3- . صافات / 24
4- . تفسیر قمی : 738
5- . لقمان / 20

6- . مائده / 41

بود.} پیامبر اکرم از نزول این آیه شادمان گردید زیرا خداوند بزرگ ایمان آنها را نپذیرفت مگر با پیمان ولایت و محبت اهل بیت.(1)

8. اکمال الدین: محمّد بن زیاد ازدی گفت: از مولایم موسی بن جعفر علیهما السّلام راجع به آیه: «وَ أَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَ باطِنَةً» پرسیدم، فرمود: نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غائب است.(2)

9. محاسن: عمرو بن ابی نصر گفت: مردی از بصریها نقل کرد، حسین بن علی علیهما السّلام و عبد اللّٰه بن عمر را دیدم که طواف خانه کعبه میکردند. از پسر عمر پرسیدم، معنی «وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ»(3) ، {و از نعمت پروردگار خویش [با مردم] سخن گوی.} چیست؟ گفت: خداوند دستور میدهد که هر نعمتی را که به تو دادیم، برای مردم بازگو کن. سپس همین سؤال را از حسین بن علی علیهما السّلام کردم، فرمود: امر کرده که نعمت هایی را که خدا به واسطه دین داده، برای دیگران بازگو کند.(4)

10. محاسن: ابو حمزه گفت: با چند نفر خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودیم. دستور داد غذا آوردند. تاکنون چنان غذایی از نظر طعم و خوشبویی ندیده بودم، خوردیم تا سیر شدیم. بعد بر ایمان خرما آوردند، از صفا و زیبایی خرما به یکدیگر نگاه میکردیم. مردی گفت: فردای قیامت از شما به خاطر این نعمتی که در خدمت فرزند پیغمبر صلی اللّٰه علیه و آله استفاده کردید، بازخواست خواهد شد. حضرت صادق علیه السّلام فرمود: خدا بزرگتر و کریم تر از آن است که نعمتی به شما عنایت نماید و گوارایتان گردد، آنگاه از شما بازخواست نماید؛ ولی از نعمتی که بر شما به وسیله محمّد و آل محمّد صلوات اللّٰه علیهم ارزانی داشته است، بازخواست خواهد کرد.(5)

1- . تفسیر قمی : 509
2- . اکمال الدین : 209
3- . ضحی / 11
4- . المحاسن : 218
5- . المحاسن : 400

ابو خالد قماط نیز از ابو حمزه مانند این روایت را نقل کرده است.(1)

مولف: این روایت را در باب اطعمه به سند دیگری آورده ایم.

11. تفسیر عیاشی: محمد بن سلیمان از پدرش و او از امام صادق علیه السّلام در باره آیه: «وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَهٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها»،(2) {و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید.} یعنی به واسطه محمد (صلی الله علیه و آله)(3)

12. تفسیر عیاشی: علی بن محمد بن میثم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: مژده باد شما را به بزرگترین نعمت خدا بر شما. نجات بخشی از آتش در این آیه: «وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَهٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها» لطفی است از جانب خدا و هرگز خداوند هبه و بخشش خود را باز پس نمیگیرد.

13. تفسیر عیاشی: ابن هارون گفت: هر وقت حضرت صادق علیه السّلام نام پیامبر صلی اللّه علیه و آله را میبرد میفرمود: پدر و مادر و خویشاوندان و فامیلم فدایش باد. در شگفتم از عرب چگونه ما را بر دوش خود بر نمیدارند با اینکه خداوند در این آیه میفرماید: «وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَهٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها» به خدا سوگند به واسطه وجود پیامبر نجات یافتند.(4)

14. مناقب آل ابی طالب: حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» فرمود: یعنی امنیت و سلامتی و ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام.(5)

15. التنویر فی معانی التفسیر: نقل میکند که حضرت باقر و صادق علیهما السّلام فرمودند: «نعیم» ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام است.(6)

1- . همان
2- . آل عمران / 103
3- . تفسیر عیاشی 1 : 149
4- . همان 1 : 194 و 195

5- . مناقب آل ابی طالب 2 : 153
6- . همان

16. امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ أَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَهً وَ باطِنَهً» فرمود: نعمت ظاهری پیامبر و آنچه که در باره توحید و معرفت خدا آورده است می باشد، اما نعمت باطنی، ولایت ما اهل بیت و پیمان مودت ماست.(1)

17. محمد بن مسلم از امام کاظم علیه السّلام نقل می کند که فرمود: منظور از نعمت ظاهری امام ظاهر و باطنی امام غائب است.(2)

18. تفسیر عیاشی: اصبغ بن نباته گفت که امیر المؤمنین علیه السّلام در باره آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ کُفْراً» فرمود: ما نعمت خداییم که بر بندگان ارزانی داشته است.(3)

19. تفسیر عیاشی: ذریح گفت، از امام صادق علیه السّلام شنیدم که میفرمود: ابن کوّا نزد امیر المؤمنین آمد و در باره آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ کُفْراً وَأَحَلُّواْ قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ» پرسید، فرمود: منظور قریش است که نعمت خدا را کفران نموده و پیامبرش را در جنگ بدر تکذیب کردند.(4)

20. تفسیر عیاشی: محمد بن حاتم گفت، در کتاب ابو حمزه زیّات از عمرو بن مره یافتم که گفته است، ابن عباس به عمر گفته است ای امیر المؤمنین، منظور این آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ کُفْراً وَأَحَلُّواْ قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ» چیست؟ گفت منظور دو گروه تبهکار قریشند، دایی های من و عموهای تو. اما دایی های من، خدا در جنگ بدر نابودشان کرد و اما عموهای تو، خدا به آنها تا مدتی فرصت داده است.(5)

21. تفسیر عیاشی: عمرو بن سعید گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به این آیه پرسیدم: «الَّذِینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ کُفْراً وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ» فرمود: شما در باره تفسیر آن چه میگویید؟ گفتم: منظور دو گروه تبهکار از قریش هستند، بنی امیه و بنی مغیره. فرمود: صحیح است، آنها تمام قریشند خداوند به پیامبر خود

ص: 71

1- . همان 3 : 314
2- . همان

3- . تفسير عياشى 2 : 292
4- . همان 2 : 229
5- . همان 2 : 230

خطاب کرد که من قریش را بر سایر عرب برتری دادم و نعمت خود را به آنها ارزانی داشتم و پیامبر را به جانب ایشان ارسال نمودم. (آنان) نعمت مرا تبدیل کردند و پیامبرم را تکذیب نمودند.(1)

22. زید شحام گفت به امام صادق علیه السّلام عرض کردم، شنیده ام که از امیر المؤمنین درباره همین آیه پرسیده شد و فرمود: منظور دو گروه تبهکار قریش است امیه و مخزوم. اما مخزوم که خدا در جنگ بدر نابودشان کرد و امیه که تا مدتی خواهند بود. پس امام صادق علیه السّلام فرمود: به خدا سوگند منظور خدا تمام قریش است، کسانی که با پیامبر دشمنی کردند و با او به جنگ پرداختند.(2)

23. روضه کافی: حارث نضری از امام باقر علیه السّلام مانند حدیث اول را نقل کرده است.(3)

24. تفسیر عیاشی: علی بن جعفر نقل می کند که از برادرش امام کاظم علیه السّلام در باره آیه «یَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللّهِ»(4) پرسیده شد، فرمود: شناختندش و سپس انکارش کردند.(5)

25. کنز الفوائد: ابو حفص صائغ از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» نقل می کند که فرمود: به خدا سوگند منظور از نعیم طعام و شراب نیست بلکه ولایت ما اهل بیت است.(6)

26. همچنین ابو حفص صائغ از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که در باره آیه «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» فرمود: نعیم ماییم.(7)

1- . همان 2 : 229
2- . همان
3- . روضه کافی : 103
4- . نحل / 83
5- . تفسیر عیاشی 2 : 266
6- . کنز الفوائد : 405 تا 490 نسخه رضویه
7- . همان : 490 نسخه رضویه

27. همچنین گفت: نجیح یمانی گفت به امام صادق علیه السّلام عرض کردم، معنای آیه «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» چیست؟ فرمود: منظور نعمت ولایت ماست که خدا بر شما ارزانی داشته و حب محمد و آل محمد (علیهم السلام) است.(1)

28. همچنین گفت: ابن ابی عمیر از امام کاظم علیه السّلام در باره آیه «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» نقل کرد که فرمود: ما نعیم مؤمن هستیم و علقم کافر.(2)

توضیح: «العلقم» یعنی گیاه حنظل و هر چیز تلخ.

29. کنز الفوائد: ابن نباته از علی علیه السّلام نقل کرده که در باره آیه «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» فرمود: منظور از نعیم ماییم.(3)

30. همچنین گفت ابو خالد کابلی گفت، خدمت حضرت باقر علیه السّلام رسیدم، برایم غذایی آورد که خوشبوتر از آن نخورده بودم. فرمود: غذای ما چگونه بود؟ عرض کردم: فدایت شوم چقدر خوشبو و لذیذ بود، جز اینکه در اندیشه یک آیه از قرآن شدم و گوارایم نشد. فرمود کدام آیه؟ گفتم: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» فرمود: به خدا قسم از این غذا بازخواست نخواهید شد. امام علیه السّلام چنان خندید که دندانهای مبارکش آشکار شد و فرمود: میدانی نعیم چیست؟ گفتم: نه. فرمود ما آن نعیمی هستیم که از شما راجع به آن بازخواست خواهند کرد.(4)

توضیح: «نغصته» فعل مجهول است یعنی عیشش مکدّر گردیده شد. فیروز آبادی گفته است، «تنغصت معیشته» یعنی مکدر شد و إفترّ یعنی خنده شیرینی کرد.

31. تفسیر فرات: ابو حفص صائغ گفت، از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» شنیدم، فرمود: ما نعیم هستیم که در قرآن ذکر شده، آنگاه این آیه را قرائت کرد: «وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِی أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِ وَ أَنْعَمْتَ

1- . همان : 405 و 490 نسخه رضویه

2- . همان
3- . همان : 406 و 491
4- . همان

عَلَيْهِ»(1) ، {و آنگاه که به کسی که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی می گفتی. }(2)

32. تفسیر فرات: حنان بن سدیر گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم، غذا آوردند خوردم، اما تا آن وقت غذایی بدین مطبوعی نخورده بودم. فرمود: سدیر غذای ما چگونه بود؟

عرض کردم پدر و مادرم فدایت یا ابن رسول اللَّه، مانند این غذا تاکنون نخورده بودم و خیال نمیکنم بعد از این هم نصیبم گردد؛ در این موقع اشک اطراف چشمم را فرا گرفت و شروع به گریه کردم. فرمود: چرا گریه میکنی؟

عرض کردم، به یاد یک آیه از قرآن افتادم. فرمود: کدام آیه؟ گفتم: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» ترسیدم که خداوند از همین غذا مرا بازخواست کند. امام چنان خندید که دندانهایش آشکار شد. آنگاه فرمود: سدیر، هرگز از غذای خوب و لباس نرم و بوی خوش از شما بازخواست نخواهند کرد، اینها برای ما خلق شده است و ما مأموریم که با استفاده از این نعمتها فرمان بردار خدا باشیم.

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت، پس نعیم چیست؟

فرمود: حب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و خاندانش. خداوند روز قیامت از آنها بازخواست خواهد کرد که چگونه سپاس نعمتی که بر شما ارزانی داشتم، از حب علی و عترتش، به جا آوردید.(3)

33. تفسیر فرات: ابو حفص صائغ گفت که عبدالله بن حسن به من درباره آیه «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ» فرمود: سوگند به خدا، منظور از نعیم ولایت ماست.(4)

34. کنز الفوائد: محمّد بن سائب کلینی گفت، وقتی حضرت صادق علیه السّلام به عراق آمد در حیره منزل کرد. ابو حنیفه خدمت امام علیه السّلام رسید و چند سؤال کرد، از آن جمله پرسید، فدایت شوم امر به معروف چیست؟

1- . احزاب / 37
2- . تفسیر فرات : 229
3- . همان : 230
4- . همان

فرمود: ابو حنیفه! معروف آن کسی است که در میان اهل آسمان معروف و در میان اهل زمین معروف است و او امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است. عرض کردم: فدایت شوم، منکر چیست؟ فرمود: آن دو نفر که به او در مورد حقش ستم روا داشتند و مقام او را گرفتند و مردم را بر دوش او سوار کردند. ابو حنیفه گفت: مگر منکر این نیست که ببینی شخصی مشغول معصیت خدا است و او را بازداری؟ امام صادق علیه السّلام فرمود: این امر بمعروف و نهی از منکر نیست، این کار خوبی است که انجام داده. ابو حنیفه: گفت تفسیر این آیه را برایم بفرمایید: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ». فرمود: به نظر تو چیست؟ ابو حنیفه پاسخ داد، امنیت راه و صحت بدن و خوراک حاضر. فرمود: یا ابا حنیفه! اگر خدا ترا در روز قیامت نگه دارد و از هر خوراکی که خورده ای و هر آبی که آشامیده ای بپرسد، خیلی باید آنجا بایستی. عرض کرد، پس نعیم چیست؟

فرمود: نعیم ما هستیم که خداوند به واسطه ما مردم را از گمراهی نجات بخشید و از کوری بینا کرد و از نادانی خارج نمود. عرض کرد فدایت شوم، چگونه قرآن پیوسته تازه است؟

فرمود: زیرا برای یک زمان مخصوص قرار داده نشده که موجب کهنگی آن شود، اگر چنین بود قرآن قبل از فنای عالم از میان می رفت.(1)

35. کنز الفوائد: داود رقی از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ»(2) ، {پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید. } نقل کرد که فرمود: یعنی شما دو نفر کدام دو نعمت مرا تکذیب می کنید ؟ نعمت محمّد و یا علی را؟ به واسطه آن دو، بر بندگان نعمت ارزانی داشته ام.(3)

36. اصول کافی: ابو یوسف بزاز گفت، حضرت صادق علیه السّلام این آیه را تلاوت نمود: «فَاذْکُرُوا آلاءَ اللَّهِ»(4) ، {پس نعمتهای خدا را به یاد آورید. } و فرمود:

1- . کنز الفوائد : 491 و 492 نسخه رضویه
2- . الرحمن / 13
3- . کنز الفوائد : 320

4- . اعراف / 69

میدانی آلاء خدا چیست؟ عرض کردم نه. فرمود: آنها بزرگترین نعمت های خدایند بر خلق و آن ولایت ما است.(1)

37. اصول کافی: معلّی در روایتی مرفوعه در باره آیه «فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ» می گوید، به پیامبر یا به وصیش؟ در سوره الرّحمن است.(2)

38. مولف: سید بزرگوار محمّد بن حسن حسینی در روایت صحیفه کامله به اسناد خود از متوکل بن هارون از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده که خداوند به پیامبر اطلاع داد که اهل بیت و دوستان آنها و شیعیان، چه از بنی امیه در موقع حکومت ایشان خواهند دید، و این آیه را در باره آنها نازل کرد: «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ کُفْراً وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ * جَهَنَّمَ یَصْلَوْنَها وَ بِئْسَ الْقَرارُ»(3)، {آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی [در آن سرای هلاکت که] جهنم است [و] در آن وارد می شوند و چه بد قرارگاهی است} نعمت خدا محمّد و اهل بیت او هستند. حب و دوستی آنها ایمان است و موجب بهشت می شود و کینه و نفاق با آنها کفر است که موجب آتش می گردد.(4)

توضیح: شاید منظور امام علیه السّلام از تفسیری که می فرماید این است که نعمت، محمّد و اهل بیت او صلوات اللّه علیهم هستند و حب و دوستی با آنها شکر این نعمت است و کینه با آنها کفران نعمت، پس آنها نعمت را تبدیل به کفر کردند. و شاید فرمایش امام که فرمود حب و دوستی با آنها ایمان است، توضیح همین مطلب باشد که آل محمّد نعمت هستند و نعمت در آیه به آنها اطلاق شده است و معنی آیه چنین می شود که آنها به جای نعمتی که (محمّد و آل او هستند) دشمنانشان را قرار دادند که ریشه کفر و بی دینی بودند و راضی شدند که آنها خلیفه باشند، پس از آنها به کفر تعبیر شد تا مبالغه در کفر آنها باشد.

1- . اصول کافی 1 : 217
2- . همان
3- . ابراهیم / 28 و 29
4- . الصحیفه الکامله : 17

39. محاسن: بعضی از اصحاب در روایتی مرفوعه در باره آیه: «وَ لِتُکَبِّرُوا اللَّهَ عَلی ما هَداکُمْ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ»(1) ، {و خدا را به پاس آنکه رهنمونیتان کرده است به بزرگی بستایید و باشد که شکرگزاری کنید.} گفت، شکر معرفت است و در این آیه «وَ لا یَرْضی لِعِبادِهِ الْکُفْرَ وَ إِنْ تَشْکُرُوا یَرْضَهُ لَکُمْ»(2)، {و برای بندگانش کفران را خوش نمی دارد و اگر سپاس دارید آن را برای شما می پسندد.} گفت، کفر در این آیه خلاف ائمه رفتار کردن است و شکر ولایت و معرفت امام است.(3)

40. تفسیر عیاشی: زراره از امام باقر علیه السّلام و حمران از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ» نقل می کند که فرمود: فضل خدا پیامبر است و رحمت او ولایت ائمه علیهم السلام. (4)

مولف: به زودی در بخش های آیات نازله در باره امیر المؤمنین علیه السّلام اخبار زیادی در این مورد خواهد آمد.

41. اصول کافی: محمّد بن فضیل از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که گفتم: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذلِکَ فَلْیَفْرَحُوا هُوَ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ»(5)،

{بگو به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند و این از هر چه گرد می آورند بهتر است.} در تفسیر آن فرمود: به ولایت محمّد و آل او شاد باشید که این بهتر از هر ثروتی است که دشمنان آنها جمع می کنند. (6)

42. تفسیر عیاشی: ابن نباته گفت، امیر المؤمنین علیه السّلام در باره آیه: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذلِکَ فَلْیَفْرَحُوا» فرمود: شیعیان ما باید به خاطر وجود ما شادی کنند، این نعمت از طلا و نقره ای که دشمنان ما گرد هم آورده اند بهتر است.(7)

43. مناقب آل ابی طالب: گفته اند فضل و عنایت بر سه قسم است:

1- . بقره / 185
2- . زمر / 7

3- . المحاسن : 149
4- . تفسير عیاشی 1 : 260
5- . یونس / 58
6- . اصول کافی 1 : 423
7- . تفسير عیاشی 2 : 124

1. فضل خدا به دلیل این آیه: «وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ»

2. فضل پیامبر به دلیل این آیه «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ». ابن عباس گفته، منظور از فضل در این آیه پیامبر است و رحمت، امیر المؤمنین علیه السّلام.

3. فضل اوصیاء و ائمه. حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»(1) ، {بلکه به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می ورزند. } فرمود: مردم در این آیه ما هستیم که مورد رشک دیگرانیم و آیه در باره ما نازل شده است.(2)

44. ابو الورد از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ یَزِیدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ»(3)

{و از فضل خود به ایشان افزونتر می بخشد} نقل کرد که فرمود: ولایت آل محمّد است.(4)

45. کنز الفوائد: حماد بن عثمان از حضرت رضا علیه السّلام از پدرش، از جد بزرگوارش جعفر بن محمّد علیه السّلام در باره آیه «اللَّهُ یَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ یَشاءُ»،(5)

{خدا هر که را خواهد به رحمت خود اختصاص میدهد. } فرمود: کسانی که رحمت خدا به آنها اختصاص دارد، پیامبر اکرم و وصی اوست صلوات اللّه علیهما. خداوند صد رحمت آفریده، نود و نه قسمت آن برای حضرت محمّد و علی و عترت آنها ذخیره است و یک رحمت را برای سایر مردم گشوده. (6)

46. مناقب آل ابی طالب: حضرت باقر و صادق علیهما السّلام در باره آیه: «ذلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشاءُ»(7)، {این فضل خداست، آن را به هر که بخواهد می دهد. } و آیه: «وَ لا تَتَمَنَّوْا ما فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَکُمْ عَلی بَعْضٍ»(8)

، {و زنهار آنچه را

1- . نساء / 54
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 315
3- . نساء / 173، نور / 38، شوری / 26
4- . مناقب آل ابی طالب 3 : 522
5- . بقره / 105
6- . کنز الفوائد: 33 و 37 نسخه رضویه
7- . مائده / 54، حدید / 21، جمعه / 4
8- . نساء / 32

خداوند به [سبب] آن بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید.} فرمودند: این دو آیه در باره ائمه علیهم السّلام نازل شده است. (1)

47. تفسیر عیاشی: زراره از حضرت باقر و حمران از حضرت صادق علیهما السّلام نقل می کنند: در باره «لَوْ لا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ» فرمودند: فضل اللّٰه پیامبر و رحمت ولایت ائمه علیهم السلام است.(2)

48. تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام: «يا بَنِي إِسْرائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ»(3)، {ای فرزندان اسرائیل، از نعمتهایم که بر شما ارزانی داشتم یاد کنید.} موسی و هارون را برای اجداد شما به پیامبری مبعوث نمودم، آنها را به نبوت محمّد صلی اللّٰه علیه و آله و جانشینی علی و امامت عترت پاکش هدایت کردند. در این مورد از شما پیمانهای محکم گرفتم که اگر به آن پیمان عمل کردید فرمانروایان بهشت باشید و شایسته کرامت و خشنودی خدا شوید «وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعالَمِينَ»(4)، {و اینکه من شما را بر جهانیان برتری دادم.} یعنی این کار را نسبت به اجداد شما کردم (و آنها را) از نظر دین و دنیا برتری دادم. اما برتری دینی به واسطه پذیرفتن نبوت حضرت محمّد و ولایت علی و خاندانش، و برتری در دنیا به این صورت که طور که بر سر آنها سایه میافکند و برایشان گزانگبین و بلدرچین فرستادم و از یک سنگ، آب گوارا برای آشامیدن آنها خارج کردم و دریا را شکافتم؛ آنها را نجات بخشیدم و دشمنانشان، فرعون و همدستانش را، غرق کردم. با این کار آنها را بر مردم زمان خود که مخالف ایشان و مانع پیشرفت آنها بودند برتری بخشیدم.

سپس خداوند میفرماید: وقتی نسبت به اجداد شما به واسطه قبول ولایت محمّد و آلش چنین کنم، شایسته است که به شما افزون بدهم زیرا شما به پیمان و عهدی که داشتید وفا کردید.(5)

1- . مناقب آل ابی طالب 2 : 294
2- . تفسیر عیاشی 1 : 260
3- . بقره / 47
4- . همان

5- . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام : 96 و 97

49. اصول کافی: احمد بن عیسی از جعفر بن محمّد از پدر بزرگوارش از جدش صلوات الله علیهم در باره آیه: «یَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ یُنْکِرُونَها»(1)،

{نعمت خدا را می شناسند اما باز هم منکر آن می شوند.} نقل کرد که وقتی آیه «إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاةَ وَ هُمْ راکِعُونَ»(2)، {ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.} نازل شد، گروهی از اصحاب پیامبر در مسجد مدینه جمع شده، گفتند در باره این آیه چه می گوئید؟

بعضی از آنها گفتند، اگر به این آیه کافر شویم، به همه آیات کافر هستیم و اگر ایمان آوریم، این یک خواری و ذلت است که علی بن ابی طالب بر ما مسلط شود. گفتند، ما میدانیم هر چه محمّد می گوید راست است، ما او را دوست می داریم ولی از علی در مورد دستوری که به ما داده اطاعت نمی کنیم. بعد این آیه نازل شد: «یَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ یُنْکِرُونَها» یعنی ولایت علی علیه السّلام را می دانستند. «وَ أَکْثَرُهُمُ الْکافِرُونَ» بیشتر آنها به ولایت علی کافر بودند.(3)

توضیح: اکثر مفسرین می گویند: معنی آیه این است که مشرکین نعمت های خدا را برای آنها احصا نموده و غیر آن (آنها را که احصا نکرده) را می دانستند و اعتراف داشتند که از جانب خدا است، سپس منکر آن نعمت ها شدند چون غیر خدا را میپرستیدند و می گفتند این نعمت ها به واسطه شفاعت خدایان ما است.

سدی می گوید یعنی محمّد را میشناختند که یکی از نعمت های خدا است، ولی بعد تکذیبش نمودند: «وَ أَکْثَرُهُمُ الْکافِرُونَ» یعنی بیشتر آنها از روی عناد منکر شدند. اینکه فرمود اکثر آنها، یا به واسطه آن است که بعضی به خاطر نقصان عقل عارف به حق نبودند و یا دعوت به آنها نرسیده بود. بعضی گفته اند اکثر آنها یعنی امت و گفته شده اکثر آنها کافر به نبوت محمّد صلی اللّه علیه و آله بوده اند ولی خبری که ذکر شد موافق این معنی نیست و تفسیر او نزدیک به قول سدی است و

1- . نحل / 83
2- . مائده / 55
3- . اصول کافی 1 : 427

شکی نیست که ولایت از بزرگترین نعمت های خدا بر بندگان است زیرا به وسیله ولایت امور دنیا و آخرت آنها تنظیم می شود. اگر گفته شود: آیه اول از سوره نحل است که مکی است و آیه دوم از سوره مائده است که مدنی است با اینکه خبر دلیل است بر اینکه آیه اول بعد از دومی نازل شده، در جواب گفته می شود که مرحوم طبرسی نقل کرده که چهل آیه از اول سوره مکی است و بقیه از آیه: «وَ الَّذِينَ هاجَرُوا فِی اللَّهِ مِنْ بَعْدِ ما ظُلِمُوا» تا آخر سوره، مدنی است. پس این آیه هم مدنی خواهد بود با اینکه اعتمادی بر ضبط آنها در این مورد نیست.

50. کنز الفوائد: محمّد بن فیض بن مختار از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: روزی پیامبر اکرم از منزل سواره خارج شد. علی علیه السّلام نیز به همراه ایشان پیاده راه میرفت. پیامبر اکرم فرمود: یا علی، موقعی که من سوارم سوار شو و وقتی من پیاده ام پیاده باش و وقتی من نشسته ام بنشین، مگر در بعضی از مأموریتهای خدایی که چاره ای از قیام و قعود در آن نداری. خداوند هر فضیلت و امتیازی به من داده، به تو نیز مانند آن را داده است. مرا ممتاز به نبوت و رسالت نموده، ترا ولی و جانشین من در این امر کرده که باید به این کار قیام کنی و این مأموریت دشوار را به انجام رسانی.

قسم به آن خدایی که مرا به نبوت مبعوث نموده است، به من ایمان نیاورده کسی که منکر تو باشد و اقرار به نبوتم ندارد کسی که مخالف تو باشد و کافر به تو به خدا نیز ایمان ندارد. فضل تو از فضل من و فضل من از فضل خدا است.

این آیه شاهد همین مطلب است « قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذلِکَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» فضل خدا نبوت پیامبر شما است و رحمتش ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام «فَبِذلِکَ» یعنی به نبوت و ولایت «فَلْيَفْرَحُوا» شیعه باید شاد باشد «هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» این اعتقاد بهتر است از قبیله و عشیره و مال و فرزندی که مخالفین علی در دنیا بر هم انباشته می کنند. «و اللّه یا علی ما خلقت الا لیعبد بک و لتعرف بک معالم الدین و یصلح بک دارس السبیل». به خدا سوگند یا علی، آفریده نشده ای مگر برای راهنمایی مردم به پرستش خدا و آشنایی آنها به مسائل مذهبی و هموار نمودن راه فرسوده و نابسامان زندگی مردم گمراه. هر که تو را به رهبری

نپذیرفته و هر که تو راهنمایش نباشی و به ولایت تو اقرار نداشته باشد، راهی به سوی خدا نخواهد یافت. این آیه شاهد همین معنی است: «وَ إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی»(1)، {و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست راهسپر شود.} یعنی به ولایت هدایت می کند. خداوند مرا مأمور کرده که آن حقی که برای خودم واجب است برای تو نیز واجب بگردانم. حق تو بر هر کس به من ایمان آورده باشد لازم است. اگر تو نبودی دشمن خدا شناخته نمی شد. هر که خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند با دست خالی به پیشگاه او رفته، خداوند این آیه را بر من نازل کرد: «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ»، {ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن.} یعنی ابلاغ ولایت علی: «وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»(2)، {و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای.} اگر تبلیغ آن دستور را در مورد ولایت تو نمی رساندم، عملم از میان میرفت و هر کس خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند عملش از میان رفته و عملش موجب فاصله او از خدا می شود. من آن چه می گویم از جانب خدا است و آنچه میگویم، خدا در باره تو نازل کرده است.

51. از آن جمله فرمایش حضرت عسکری علیه السّلام است که در تفسیر خود بیان کرده است: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود: خداوند به علم(3) برتری بخشیده چون توفیق موالات محمّد و آل پاکش و دشمنی با دشمنان این خاندان را پیدا کرده است. چطور این مقام از آنچه دشمنانشان جمع کرده اند بالاتر نباشد، زیرا این بهای بهشت است و عارف به مقام علی و اولادش شایسته شرفیابی به خدمت حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و آلش می شود که این مقام بهتر از بهشت است زیرا محمّد و آلش بهترین زینت بهشت هستند.(4)

1- . طه / 82
2- . مائده / 67
3- . در نسخه دیگری، عالم است.
4- . کنز الفوائد : 109 و 110

52. کنز الفوائد: مرازم از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «ما یَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنّٰاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلا مُمْسِکَ لَها»(1)، {هر رحمتی را که خدا برای مردم گشاید بازدارنده ای برای آن نیست.} فرمود: این رحمت مطالبی است که بر زبان امام علیه السّلام جاری می شود.(2)

53. کنز الفوائد: عمر بن جبیر از جعفر بن محمّد علیه السّلام در باره آیه: «وَ لکِنْ یُدْخِلُ مَنْ یَشاءُ فِی رَحْمَتِهِ»(3) ، {لیکن هر که را بخواهد به رحمت خویش درمی آورد.} نقل کرد که امام علیه السلام فرمود: رحمت، ولایت علی بن ابی طالب است.(4)

54. کنز الفوائد: در تأویل باطن آیه از اهل بیت علیهم السّلام در حدیث احمد بن ابراهیم راجع به آیه: «وَ تَجْعَلُونَ رِزْقَکُمْ» ، {و تنها نصیب خود را قرار می دهید.} نقل شده، یعنی شکر شما نسبت به نعمتی که روزی شما شده و منتی که خدا به واسطه محمّد و آل محمّد بر شما نهاده «أَنَّکُمْ تُکَذِّبُونَ» شما وصی و جانشین پیامبر را تکذیب میکنید «فَلَوْ لا إِذا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ * وَ أَنْتُمْ حِینَئِذٍ تَنْظُرُونَ»، {پس چرا آنگاه که [جان شما] به گلو می رسد و در آن هنگام خود نظاره گرید.} آن وقت خواهید دید علی بن ابی طالب دوستانش را بشارت و مژده به بهشت میدهد و دشمنانش را وعده جهنم: «وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْکُمْ»، {و ما به آن از شما نزدیکتریم.} ما به امیر المؤمنین علیه السّلام از شما نزدیکتریم «وَ لکِنْ لا تُبْصِرُونَ»(5) ، {ولی نمی بینید.} شما نمی شناسید.(6)

1- . فاطر / 2
2- . کنز الفوائد : 250
3- . شوری / 8
4- . کنز الفوائد : 283
5- . واقعه / 82 - 85
6- . کنز الفوائد : 322 و 323

باب سی ام : ائمه علیهم السلام نجوم و علامات هستند. در این باب غرائبی از تفسیر در مورد آنها و دشمنانشان ذکر می شود

آیات

- وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ.(1) {و نشانه هایی [دیگر نیز قرار داد] و آنان به وسیله ستاره [قطبی] راه یابی می کنند}

تفسیر: مرحوم طبرسی مینویسد: یعنی برای شما علاماتی قرار داده، نشانه هایی که به وسیله آنها راه را میشناسید. بعضی گفته اند منظور از علامات کوهها است که در روز به وسیله آنها راه یابی می شوید: «وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ» در شب با ستاره راه را پیدا میکنند. منظور ستاره جدی است که راهنمای به سوی قبله است.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ما علامات هستیم، ستاره پیامبر اکرم است. پیغمبر اکرم فرمود: خداوند ستارگان را امان برای اهل آسمان قرار داده و خانواده مرا امان برای اهل زمین ... پایان گفتار طبرسی(2)

مولف: بنا بر این تفسیر، ضمیر «هم» و فاعل «یهتدون» برگشت به علامات دارد که ائمه علیهم السّلام هستند، همان طور که ظاهر بعضی از روایات است.

1. تفسیر قمی: حسین بن خالد از حضرت رضا علیه السّلام در باره آیات«الرَّحْمنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ» ، {[خدای] رحمان قرآن را یاد داد.} فرمود: خداوند به محمّد صلی اللّه علیه و آله قرآن را آموخت. گفتم: «خَلَقَ الْإِنْسانَ» معنی انسان را

1- . نحل / 16
2- . مجمع البیان 6 : 354

آفرید چیست؟ فرمود: منظور از انسان امیر المؤمنین علیه السّلام است. گفتم: «عَلَّمَهُ الْبَیانَ»، {به او بیان آموخت.} فرمود: به او شرح هر چیزی را که مردم به آن نیازمندند آموخت. پرسیدم «الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ بِحُسْبانٍ»، {خورشید و ماه بر حسابی [روان]اند.} فرمود: منظور اولی و دومی است که به عذاب خدا گرفتارند.

عرض کردم: آقا! خورشید و ماه عذاب می شوند؟ فرمود: چیزی پرسیدی درست دقت کن. خورشید و ماه دو موجود از آفریده های خدایند که به دستور او در گردشند و از او اطاعت میکنند. نور آنها از نور عرش و حرارت آن دو از حرارت جهنم است. روز قیامت نور آن دو به عرش بر میگردد و حرارت آنها به آتش جهنم. دیگر خورشید و ماهی نخواهد بود. از این آیه آن دو ملعون را قصد نموده، مگر نشنیده ای که مردم از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله نقل کرده اند که فرموده است: خورشید و ماه دو نورند در آتش. گفتم چرا. مگر باز نشنیده ای طرفداران آنها می گویند فلان و فلان خورشید این امتند و پرتو آن دو؟ در این صورت آن دو اهل جهنمند و سوگند به خدا که جز این دو را از آیه قصد نکرده. گفتم: «وَ النَّجْمُ وَ الشَّجَرُ یَسْجُدانِ»(1)

، {و بوته و درخت چهره سایانند.} فرمود: نجم پیامبر است که در چند مورد از آن جناب به نجم تعبیر شده، یکی در این آیه: «وَ النَّجْمِ إِذا هَوی»(2) {سوگند به اختر [= قرآن] چون فرود می آید.}و آیه «وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ» علامات اوصیاء پیامبرند و نجم خود پیامبر صلی اللّه علیه و آله. گفتم معنی «یَسْجُدانِ» چیست؟ فرمود: یعنی پرستش می کنند و این آیه: «وَ السَّماءَ رَفَعَها وَ وَضَعَ الْمِیزانَ»، {و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت.} منظور از سماء پیامبر است که به جانب خود بلندش نموده و میزان امیر المؤمنین است که برای مردم قرار داده است. گفتم معنی: «أَلَّا تَطْغَوْا فِی الْمِیزانِ»، {تا مبادا از اندازه درگذرید.} فرمود: یعنی مخالفت با امام نکنید. گفتم معنی: «وَ أَقِیمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ» ، {و وزن را به انصاف برپا دارید.} فرمود: از امام عادل پشتیبانی کنید. از معنی: «وَ لا تُخْسِرُوا الْمِیزانَ»، {و در سنجش مکاهید.} پرسیدم، فرمود: یعنی در حق امام کوتاهی نکنید

1- . الرحمن / 1- 6

-2 . نجم / 1

و به او ستم روا مدارید. آیه «وَ الْأَرْضَ وَضَعَها لِلْأَنامِ»، {و زمین را برای مردم نهاد.} یعنی زمین را برای مردم قرار داده؛ «فِيها فاكِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذاتُ الْأَكْمامِ»، {در آن میوه [ها] و نخلها با خوشه های غلاف دار.} خرما در بن شکوفه بزرگ می شود آنگاه از آن جدا میگردد و معنی آیه: «وَ الْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَ الرَّيْحانُ»، {و دانه های پوست دار و گیاهان خوشبوست.} حب گندم و جو و حبوبات است. عصف، کاه است و ریحان یعنی آنچه که از اینها خورده می شود. معنی «فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ»(1) شما دو نفر کدام نعمت خدای خود را تکذیب میکنید؟ در ظاهر خطاب به جن و انس است ولی در باطن خطاب به فلان و فلان است.(2)

توضیح: بنا بر این تفسیر، تعبیر به شمس و قمر از اولی و دومی به جهت استهزاء آن دو به خاطر شهرت آنها در بین مخالفین خورشید و ماه است و مراد از بحسبان، عذاب و بلا و شر است همان طور که فیروز آبادی گفته است و همان طور که خدا فرموده است: «حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ».(3)، {آفتی از آسمان.}

بیضاوی گفته است: ریحان بوئیدنی و توشه و روزی است. میگویند «خرجت اطلب ريحان اللّه» و نجم گیاهی است که از زمین میروید و ساقه ندارد.(4)

2. تفسیر قمی: ابو بصیر گفت، از حضرت صادق علیه السّلام معنی آیه «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ»(5) ، {پروردگار دو خاور و پروردگار دو باختر.} را پرسیدم، فرمود: مشرقین رسول خدا و امیر المؤمنین علیهما السّلام و مغربین حسن و حسین علیهما السّلام هستند و مانند چنین تعبیری در بسیاری از آیات هست مانند: «فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ» که منظور از آلاء محمّد و علی هستند.(6)

توضیح: عبارت «وَ أمثالهما تجری» یعنی مانند تعبیر به مشرق و مغرب از ائمه در بسیاری از آیات وجود دارد مثل خورشید و ماه و ستاره یا اینکه منظور این

1- . الرّحمن / 7 - 13
2- . تفسیر قمی : 658 و 659

3- . کهف / 40
4- . انوار التنزيل 2 : 483 و 484
5- . الرحمن / 17
6- . تفسیر قمی : 659

است که مثل این دو تعبیر، آیه «فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ» تفسیر می شود. یا اینکه منظور این است که این آیه در باره سایر ائمه نیز مانند محمد و علی علیهما السّلام صدق می کند، زیرا هر امام ناطقی مشرق انوار علوم است و هر امام صامتی مغرب آن است. و معنای اول اظهر است.(1)

3. تفسیر قمی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ السَّماءِ وَ الطّارِقِ»(2) ، {سوگند به آسمان و آن اختر شبگرد. } نقل کرد که فرمود: منظور از سماء در این آیه امیر المؤمنین علیه السّلام است و مراد از طارق ملک و فرشته ایست که از جانب پروردگار نزد ائمه علیهم السّلام می آید و حوادث شبانه روز را می آورد و کمکی برای آنها است. گفتم: « النَّجْمُ الثّاقِبُ»(3)، {آن اختر فروزان } چیست؟ فرمود: پیامبر اکرم است.(4)

توضیح: بنا بر این تفسیر، حمل نجم بر طارق یعنی ذو النجم مجاز است زیرا همراه با آن است یا اینکه به سبب آن برایشان حاصل شده است.

4. تفسیر قمی: ابو بصیر گفت، از حضرت صادق علیه السّلام معنی این آیه را پرسیدم: «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها»، {سوگند به خورشید و تابندگی اش. } فرمود: شمس پیامبر اکرم است که به وسیله او خدا دینش را آشکار نموده، گفتم «وَ الْقَمَرِ إِذا تَلاها»، {سوگند به ماه چون پی [خورشید] رود. } فرمود: امیر المؤمنین علیه السّلام است. گفتم معنی «وَ النَّهارِ إِذا جَلّاها»، {سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند. } فرمود: امام از فرزندان فاطمه علیها السّلام است که (هنگامی که)از آنها راجع به دین پیامبر سؤال شود، آشکار میکنند و برای سئوال کننده توضیح میدهند. گفتم معنی آیه «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشاها»، {سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد. } فرمود:

1- . شاید منظور از امثال مشرقین و مغربین (پیامبر و امیر المؤمنین و ائمه صلوات الله علیهم) علوم و حجج و اقوال آنها باشد که در هر زمانی وجود دارد که شیعیان ناطق و صامت آنها را دریافت می کنند همان طور که خورشید و ماه وجود دارند و از مشرق طلوع و در مغرب غروب می کنند و همه قوم ها یکی پس از دیگری از نور آنها بهره می برند.
2- . طارق / 1
3- . طارق / 3

4- . تفسیر قمی : 720

منظور پیشوایان جور و ستم است که مقام ائمه را به خود اختصاص داده اند و جایی را که شایسته امام است گرفته اند. آنها با ظلم و ستم بر روی دین پیامبر پرده کشیده اند. این است معنی «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشاها»، {تاریکی شب روشنایی روز را میپوشاند.} «وَ نَفْسٍ وَ ما سَوَّاها»، {سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد.} فرمود: یعنی آن را آفرید و صورت بخشید. آیه: «فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها» ، {سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد.} یعنی به او کار زشت و زیبایش را شناساند و سپس او را مخیر گردانید تا هر راهی را خواست اختیار کند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَکَّاها»، {که هر کس آن را پاک گردانید قطعا رستگار شد.} یعنی کسی که نفس خویش را پاک کند رستگار است. «وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسَّاها»(1)،

{بدبخت است کسی که نفس خود را به گمراهی وادارد.}(2)

کنز الفوائد: از سلیمان دیلمی همین حدیث را نقل میکند جز اینکه در تفسیر: «وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها» میفرماید: منظور قائم آل محمّد است و روایت را به این جا رسانده است که دین خدا را با ظلم و جور پوشاندند و خدا هم در این آیه «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشاها» عمل آنها را حکایت می کند.(3)

توضیح: بنا بر این تفسیر، شاید قسم به شب، به جهت استهزاء است و عبارت «عَن دین رسول الله» منافاتی با اینکه منظور از خورشید پیامبر است ندارد زیرا روشنگری دین، روشنگری پیامبر است و فیروز آبادی «دَسَّاها» را اَغواها ترجمه کرده است.

بیضاوی در معنی «دَسَّاها» میگوید: یعنی او را ناقص نمود و نفس خود را در پرده جهل و فسق قرار داد.(4)

5. تفسیر قمی: محمّد بن مسلم گفت، از حضرت باقر علیه السّلام معنی: «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشی»(5) ، {سوگند به شب چون پرده افکند.} را پرسیدم، فرمود: لیل در این

1- . شمس / 1 – 4 و 7 - 10
2- . تفسیر قمی : 726 و 727
3- . کنز الفوائد : 390

4- . تفسیر بیضاوی 2 : 665
5- . لیل / 1

آیه دومی است که بر امیر المؤمنین در مقامی که متعلق به او بود ستم روا داشت و آن جناب دستور داشت که صبر کند تا دولت آنها منقضی گردد. فرمود: «وَ النَّهارِ إِذا تَجَلّٰی»(1)، {سوگند

به روز چون جلوه گری آغازد.} منظور از نهار قائم از ما خانواده است. وقتی قیام کند بر دولتهای باطل پیروز می شود. قرآن برای مردم مثال میزند و خطاب به پیامبر و ما است و معنی آن را جز ما نمی دانند.(2)

توضیح: غشّ شاید به معنی غشی باشد مثل امللت و املیت یا اینکه برای بیان حاصل معنی باشد، و اظهر غشی است همان طور که در بعضی از نسخه ها آمده است.

6. کنز الفوائد: فضل بن عباس از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: در «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها» منظور از شمس امیر المؤمنین است «وَ ضُحاها» نور بخشی قیام قائم است «وَ الْقَمَرِ إِذا تَلاها» حسن و حسین هستند «وَ النَّهارِ إِذا جَلّاها» قیام قائم «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشاها» ابو بکر و عمر است که پرده بر روی حق کشیدند.

اما آیه: «وَ السَّماءِ وَ ما بَناها»، {سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت.} آسمان محمّد صلی اللّٰه علیه و آله است که مردم به خاطر علم به سوی او میروند و آیه: «وَ الْأَرْضِ وَ ما طَحاها»، {سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد.} منظور از ارض شیعه است «وَ نَفْسٍ وَ ما سَوّاها» مؤمنی است که از جور مخالفین پنهان است اما عقیده اش درست است: «فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها» آشنا به حقیقت است و از باطل تمیز میدهد «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَکّاها» رستگار است نفسی که خدا آن را پاک قرار داده «وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسّاها» بیچاره است کسی که خدا او را گمراه نموده.

و معنی این آیه: «کَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْواها»، {[قوم] ثمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند.} فرمود: ثمود گروهی از شیعه هستند.

1- . همان / 2

2- . تفسیر قمی : 727 و 728

خداوند در این آیه می فرماید: «وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَیْناهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمی عَلَی الْهُدی فَأَخَذَتْهُمْ صاعِقَةُ الْعَذابِ الْهُونِ»(1)، {و

اما ثمودیان، پس آنان را راهبری کردیم و[لی] کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند؛ پس صاعقه عذاب خفت آور آنان را فروگرفت. }

منظور شمشیر است وقتی که قائم قیام کند، این آیه: «فَقالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ» منظور پیامبر اکرم است. «ناقَةَ اللَّهِ وَ سُقْیاها»، {زنهار ماده شتر خدا و [نوبت] آب خوردنش را [حرمت نهید]. } مراد از ناقه اللّه امام است که فهم و علم او از خدا است و «وَ سُقْیاها» یعنی در نزد امام چشمه گوارای علم است. «فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوها فَدَمْدَمَ عَلَیْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاها»، {و[لی] دروغزنش خواندند و آن [ماده شتر] را پی کردند و پروردگارشان به [سزای] گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک یکسان کرد. } منظور در رجعت خواهد بود «وَ لا یَخافُ عُقْباها»(2) ، {و از پیامد کار خویش بیمی به خود راه نداد. } فرمود: اگر مانند آن تکرار شود، نمی ترسد.(3)

توضیح: حبتر یعنی ابوبکر و دلام یعنی عمر، همان طور که در کتاب فِتَن خواهد آمد. این نوع تأویلها از بطن آیات جای استبعاد نیست زیرا قصه های ذکر شده در قرآن برای آن است که مردم متوجه شوند و شبیه آن(حوادث) تکرار نشود و یا مردم را تحریض به کارهای خوب کند. در روایتی که فرمود گروهی از شیعه هستند، منظور غیر دوازده امامی ها از قبیل زیدیها است.

7. روضه کافی: ابو بصیر: از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها» پرسیدم، فرمود: منظور از شمس پیامبر است، خدا به واسطه او دین مردم را واضح نمود. گفتم و منظور از «وَ الْقَمَرِ إِذا تَلاها»، فرمود: امیر المؤمنین است که بعد از پیامبر آمد و علمش را به او داد. گفتم منظور از «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشاها»، فرمود: منظور ائمه جور است که نسبت به امر آل پیامبر استبداد ورزیدند و در جایگاهی نشستند که خاندان پیامبر اولی به آن جایگاه بودند و دین خدا را با ظلم و ستم

1- . فصلت / 17

2- . شمس / 1 – 11 و 13 - 15
3- . كنز الفوائد : 389 و 390 و 465 نسخه رضويه

پوشاندند، پس خدا هم کار آنها را در آیه «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشاها» حکایت می کند. گفتم «وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها»، فرمود: امام از فرزندان فاطمه است که از دین پیامبر سؤال کرده و آن را برای خواهان آن آشکار می کند، سپس خدا می فرماید «وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها».(1)

توضیح: نفث یعنی نفخ (دمیدن)؛ منظور کنایه از افاضه علوم بر او به صورت پنهانی است و جابجایی در سؤال از شب و روز، دلالتی بر تغییر آیات ندارد با اینکه بُعدی در آن نیست.

8. مناقب آل ابی طالب: حضرت صادق و باقر علیهما السّلام در توضیح «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها» فرمودند: شمس پیامبر اکرم «وَ الْقَمَرِ إِذا تَلاها» علی بن ابی طالب است. «وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها» امام حسن و امام حسین و آل محمّدند «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشاها» ابو بکر (عتیق) و عمر (ابن الصهاک) و بنی امیه و پیروان آنهایند.(2)

9. معانی الاخبار: جابر بن عبد اللَّه گفت، پیامبر اکرم فرمود: پیرو خورشید باشید، وقتی غائب شد از ماه پیروی کنید، وقتی ماه غائب شد پیرو زهره، پس از زهره پیرو فرقدان. عرض کردند یا رسول اللَّه، خورشید و ماه و زهره و فرقدان کیانند؟

فرمود: خورشید منم و علی ماه است و فاطمه زهره و فرقدان حسن و حسین هستند.(3)

10. معانی الاخبار: انس بن مالک می گوید، نماز صبح را با پیامبر خواندیم، بعد از نماز رو به ما کرد و فرمود: ای مردم، وقتی خورشید غائب شد از ماه پیروی کنید. وقتی ماه غائب شد پیرو زهره، پس از زهره پیرو فرقدان باشید. عرض کردند یا رسول اللَّه، خورشید و ماه و زهره و فرقدان کیانند؟

1- . روضه کافی : 50
2- . مناقب آل ابی طالب 1 : 243
3- . معانی الاخبار : 39

فرمود: خورشید منم و علی ماه است و فاطمه زهره و فرقدان حسن و حسین هستند. (اهل بیت) و کتاب خدا از هم جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.(1)

معانی الاخبار: زهری از انس مانند این روایت را نقل کرده است.(2)

توضیح: شاید تقدیر کتاب الله، «معهم کتاب الله» باشد یا اینکه کتاب الله مبتدا باشد و لایفترقان خبر آن و در بعضی نسخه ها «فی کتاب الله» است و این اظهر است و مؤید این خواهد آمد.

11. امالی طوسی: جابر بن عبد اللّٰه انصاری گفت، نماز صبح را با پیامبر خواندیم، بعد از نماز رو به ما کرد و فرمود: ای مردم، کسی که خورشید از دست می دهد متمسک به ماه می شود و هر کس ماه را از دست بدهد متمسک به فرقدان می شود. گفت من و ابو ایوب انصاری و انس بن مالک ایستادیم و گفتیم ای پیامبر، خورشید کیست؟ فرمود: من. سپس مثلی برای ما زد و گفت همانا خدای متعال ما را خلق کرد؛ پس ما را به منزله ستارگان آسمان قرار داد که هر وقت یکی غایب شود دیگری طلوع می کند. من خورشید هستم. وقتی من رفتم به ماه تمسک بجویید. گفتیم ماه کیست؟ فرمود: برادر و وصی و وزیر و قاضی دین و پدر فرزندان و جانشینم در خاندانم. گفتیم فرقدان کیانند؟ فرمود حسن و حسین. سپس مکث طولانی کرد و فرمود این ها و فاطمه که زهره است، عترت و اهل بیت من هستند. آنها با قرآنند و از آن جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.(3)

12. تفسیر قمی: «وَ النَّجْمِ إِذا هَوی»(4)، {سوگند به اختر [= قرآن] چون فرود می آید.} فرمود: نجم پیامبر اکرم است «إِذا هَوی» وقتی در شب او را به آسمان سیر دادند و او در هوا قرار داشت.(5)

1- . همان
2- . همان
3- . امالی طوسی : 329
4- . نجم / 1
5- . تفسیر قمی : 650 و 651

13. کنز الفوائد: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم فرمود: مثل من میان شما همچون خورشید است و مثل علی مانند ماه؛ وقتی خورشید غروب کرد به وسیله ماه راهنمایی می شوید.(1)

14. کنز الفوائد: مجاهد از ابن عباس در باره آیه «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها» نقل کرد که شمس پیامبر اکرم است «وَ الْقَمَرِ إِذا تَلاها» علی بن ابی طالب است «وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها» حسن و حسین «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشاها» بنی امیه هستند.

سپس ابن عباس گفت: پیامبر اکرم فرمود: وقتی خدا مرا به نبوت مبعوث نمود پیش بنی امیه رفتم و آنها را به رسالت خود دعوت کردم. گفتند دروغ میگویی، تو پیامبر نیستی. بعد نزد بنی هاشم رفتم و به آنها نیز گفتم من پیامبرم. علی بن ابی آشکارا و پنهان طالب به من ایمان آورد و ابو طالب از من آشکارا حمایت کرد و پنهانی ایمان آورد. آنگاه خداوند پرچم خویش را توسط جبرئیل فرستاد و در میان بنی هاشم به زمین کوبید و شیطان پرچم خود را فرستاد و در میان بنی امیه کوبیده شد. پیوسته آنها با ما دشمنند و پیروان ایشان دشمن پیروان ما هستند تا روز قیامت.(2)

15. تفسیر قمی: «هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِها فِی ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ»(3)، {و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا راه یابید.} گفته است، نجوم، آل محمّد(علیهم السلام) هستند.(4)

16. کنز الفوائد: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «فَلا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ»(5) ،{[هرگز] به پروردگار خاوران و باختران سوگند یاد می کنم.} نقل کرد که فرمود: مشارق انبیاء هستند و مغارب اوصیاء.(6)

1- . کنز الفوائد : 466 و 467 نسخه رضویه
2- . همان
3- . انعام / 97
4- . تفسیر قمی : 199
5- . معارج / 40

6- . كنز الفوائد : 355

توضیح: از انبیاء به مشارق تعبیر شده زیرا پرتو هدایت آنها بر اهل دنیا میدرخشد و اوصیاء به مغارب تشبیه گردیده اند. زیرا بعد از وفات انبیاء، دانش آنها در دل اوصیاء غروب می کند. مردم به اندازه قابلیت و استعداد خود از دل آنها استفاده میبرند.

17. کنز الفوائد: ابن نباته از علی علیه السّلام نقل کرد که روزی ابن کوّاء از این آیه سؤال نمود: «فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ»، {نه نه، سوگند به اختران گردان.} فرمود: خداوند به هیچ کدام از آفریده های خود قسم نمی خورد، اما خنّس چنین است. خداوند گروهی را ذکر کرده که پرده بر روی علم اوصیاء کشیدند و مردم را دعوت به دشمنی آنها نمودند. و معنی (خنسوا) یعنی پوشاندند.

ابن کوّاء گفت، « الْجَوارِ الْکُنَّسِ» ، {[کز دیده] نهان شوند و از نو آیند.} فرمود: یعنی ملائکه علم را به جانب پیامبر می برند. آن علم را اوصیاء که اهل بیت علیهم السلام هستند جمع میکنند به طوری که بر آنها احدی جز خودشان اطلاع ندارد و معنی «کنسه» یعنی بر می دارند و پنهان می کنند. گفت: «وَ اللَّیْلِ إِذا عَسْعَسَ»، {سوگند به شب چون پشت گرداند} فرمود: یعنی شب با تیرگی اش روی آورد. این مثال را خداوند نسبت به کسی زده است که ولایت را برای خود ادعا نماید و از صاحبان اصلی جلوگیری کند. گفت این آیه، «وَ الصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ»(1) ، {سوگند به صبح چون دمیدن گیرد.} فرمود: منظور اوصیاء هستند یعنی علم آنها درخشان تر و آشکارتر از دمیدن صبح است.(2)

توضیح: شاید امام علی علیه السّلام «لا» را برای نفی قسم قرار داده است نه برای تأکید، همان طور که تأکید مشهور است. و شاید تفسیر «خنس» به «ستر» مجاز باشد. زیرا تأخیر و تأخّر همان طور که به این دو تفسیر شده است برای پوشاندن شی است خودش یا دیگری را، کما اینکه «کنس» نیز این چنین است زیرا به معنای اختفاء و مخفی کردن است. و کسی که چیزی را با وجود کثرت طالب آن، برای خود به تنهایی بر می دارد، آن را مخفی می کند. شاید منظور از «من کنس

1- . تکویر / 15 - 18
2- . کنز الفوائد : 372

البیت» کنایه از برداشتن تمام آن است ولی معنای اول اوفق است. ظاهر در قرائت اهل بیت، همراه با حرف عاطفه بودن است و در قرائات شاذ بدون حرف عطف است که توجیه آن با تکلف همراه است. اکثر مفسرین خنس را به سیاراتی غیر از ماه و خورشید که زیر نور خورشید پنهان می شوند، تفسیر نموده اند. و عسعس یعنی با تاریکی شروع کرد یا برگشت. و تنفس الصبح کنایه از روشنایی آن است.

18. کنز الفوائد: ام هانی گفت، از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم: «فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ * الْجَوارِ الْكُنَّسِ» فرمود: منظور امامی است که خود را در سال 260 پنهان می کند. سپس مانند شهاب درخشنده در شب تاریک ظهور خواهد کرد. اگر زمان او را درک کنی، چشمت روشن می شود ام هانی!(1)

19. کنز الفوائد: جابر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «وَ الْفَجْرِ» {سوگند به سپیده دم} نقل کرد که فرمود: منظور قائم است. «وَلَيَالٍ عَشْرٍ» {و به شبهای دهگانه} شبهای ده گانه ائمه علیهم السّلام هستند، از امام حسن تا امام حسین «وَ الشَّفْعِ» {و به جفت} امیر المؤمنین است با فاطمه علیها السّلام «وَ الْوَتْرِ» {و تاق} خدای یکتا است که شریکی ندارد «وَ اللَّيْلِ إِذا يَسْرِ»(2) {و به شب وقتی سپری شود.} حکومت حبتر (کنایه از ابا بکر) که تا دامنه قیام قائم ادامه دارد.(3)

توضیح: شاید اینکه ائمه علیهم السّلام را تعبیر به لیالی کرده اند، از جهت مخفی بودن ایشان و مغلوب شدنشان در حکومتهای ظلم باشد.

20. تفسیر فرات: عکرمه در باره آیه «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها * وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا * وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا * وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» گفت، منظور از خورشید محمد رسول خدا و از ماه امیر المؤمنین و منظور از روز آل محمد، حسن و حسین و منظور از شب بنی امیه است. ابن عباس نیز همین طور گفته است. امام باقر علیه السلام نیز همین طور فرمودهاند. حارث اعور به امام حسین علیه السّلام عرضه می دارد، ای پسر رسول خدا، فدایت شوم، در باره آیه «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها» بفرمایید.

ص: 95

1- . همان : 372 و 373

2- . فجر / 1 - 4
3- . كنز الفوائد : 385

فرمود: وای بر تو ای حارث! منظور از خورشید محمد است و منظور از ماه امیر المؤمنین است که به دنبال پیامبر می آید و منظور از روز، قائم آل محمد است که زمین را از عدل و داد پر می کند و منظور از شب بنی امیه است. ابن عباس گفت، رسول خدا فرمود: خدا مرا به پیامبری مبعوث کرد، پس به سراغ بنی امیه آمدم و گفتم ای بنی امیه، من رسول خدا به سوی شمایم. گفتند دروغ می گویی تو فرستاده خدا نیستی. فرمود: سپس به سراغ بنی هاشم رفتم و گفتم ای بنی هاشم من فرستاده خدا به سوی شمایم. پس مؤمن آنها علی بن ابی طالب به من ایمان آورد و کافر(1) آنها ابوطالب حمایتم نمود. ابن عباس گفت، رسول خدا فرمود: سپس خداوند جبرییل را با پرچمی فرستاد و آن را در میان بنی هاشم کوبید و شیطان را با پرچمش در میان بنی امیه فرستاد که در میان بنی امیه کوبید و این ها پیوسته دشمنان مایند و پیروان آنها دشمنان شیعیان ما تا روز قیامت هستند.(2) «وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» یعنی امامان از ما اهل بیت که در آخر الزمان وارث زمین می شوند و آن را از عدل و داد پر می کنند. یاور آنها یاور موسی است علیه فرعون و یاری رسان بر ضد اهل بیت، یاور فرعون علیه موسی است.(3)

21. تفسیر قمی: معلی بن خنیس از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ» پرسید، فرمود: ستاره پیامبر خدا و علامات امامان هستند.(4)

1- . یعنی کافر ظاهری؛ همان طور که گذشت، ابوطالب مخفیانه ایمان آورد و آشکارا حمایت کرد. مصدر اصلی کلمه کافر را ندارد.
2- . اینجا حدیث پایان می پذیرد و ما بعد آن حدیث دیگری است که در این جا آمده است و حدیث دیگری را نیز انداخته است و آنچه در مصدر آمده این گونه است: عکرمه در باره آیه «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها» گفت، منظور محمد رسول خداست و «وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا» امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است و «وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» آل محمد حسن و حسین هستند. فرات گفت، امام صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها» فرمود: یعنی رسول خدا و «وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا» یعنی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و «وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا».
3- . تفسیر فرات : 211 و 213
4- . تفسیر قمی : 357 و 358

22. امالی طوسی: ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ» پرسید، فرمود: ستاره پیامبر خدا و علامات امامان بعد از او هستند.(1)

تفسیر عیاشی: همین روایات را از ابو بصیر نقل می کند.(2)

23. تفسیر عیاشی: مفضل بن صالح از بعضی از اصحاب از امام باقر یا صادق علیهما السلام در باره آیه «وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ» پرسید، فرمود: منظور امیر المؤمنین است.(3)

24. تفسیر عیاشی: معلی بن خنیس از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ» پرسید، فرمود: ستاره پیامبر خدا و علامات اوصیاء که مردم به سبب ایشان هدایت می شوند.(4)

تفسیر فرات: زهری در روایتی مرفوعه از امام صادق علیه السّلام همانند این روایت را نقل کرده است.(5)

25. تفسیر عیاشی: ابو مخلد حناط از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ» پرسید، فرمود: ستاره محمد و علامات اوصیاء هستند.(6)

26. تفسیر عیاشی: محمد بن فضیل از ابی الحسن علیه السّلام در باره آیه «وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ» پرسید، فرمود: علامات ماییم و ستاره پیامبر خداست.(7)

27. تفسیر عیاشی: اسماعیل بن ابو زیاد از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ» پرسید، فرمود: این آیه ظاهر و باطنی دارد،

1- . امالی طوسی : 101 و 102
2- . تفسیر عیاشی 2 : 256
3- . همان 2 : 255
4- . تفسیر عیاشی 2 : 255
5- . تفسیر فرات : 84

6- . تفسیر عیاشی 2 : 256
7- . همان

ظاهر آن ستاره جدی است که قبله به واسطه آن مشخص می شود و با آن، اهل خشکی و دریا هدایت می شوند زیرا دائماً وجود دارد.(1)

28. مناقب آل ابی طالب: ابو الورد از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ» پرسید، فرمود: منظور از ستاره ماییم.(2)

29. هیتی و داود جصاص از امام صادق علیه السّلام و وشاء از امام رضا علیه السّلام: ستاره رسول خداست و علامات ائمه هستند.(3)

30. حضرت رضا علیه السّلام فرمود: پیامبر اکرم به علی علیه السّلام فرمود، تو نجم بنی هاشمی.(4)

31. حضرت رضا علیه السّلام فرمود: پیامبر اکرم به علی علیه السّلام فرمود، تو یکی از علامات هستی.(5)

32. عبایه گفت، علی علیه السّلام فرمود: مثل اهل بیت مثل ستارگان است، هر زمان که یکی غروب کند دیگری طلوع می کند.(6)

1- . همان
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 313
3- . همان
4- . همان
5- . همان
6- . همان

باب سی و یکم: ائمه علیهم السلام حبل اللّٰه متین و دستاویز استوار هستند و آنها به خدا چنگ زده اند

آیات

- فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطّٰاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللّٰهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی لَا انْفِصامَ لَها(1)، {پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است. }

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا(2)»، {و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. }

«ضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذِّلَّهُ أَیْنَ ما ثُقِفُوا إِلّٰا بِحَبْلٍ مِنَ اللّٰهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النّٰاسِ»(3)، {هر کجا یافته شوند به خواری دچار شده اند مگر آنکه به پناه امان خدا و زینهار مردم [روند]. }

تفسیر

طاغوت شیطان و بتها و هر معبودی جز خدا و هر فرمانروای باطلی غیر اولیاء خدا است. ائمه علیهم السّلام در بیشتر روایات و زیارات از دشمنان خود با عنوان جبت و طاغوت و لات و عزی تعبیر کرده اند. در بخش جوامع آیات نازل شده در باره ائمه علیهم السّلام خواهد آمد که حضرت صادق علیه السّلام میفرماید:

1- . بقره / 256
2- . آل عمران / 103
3- . همان / 112

دشمن ما در قرآن مجید به نامهای فحشاء و منکر و بغی، و اصنام و اوثان و جبت و طاغوت نامیده شده است. عروه دستاویز و انفصام قطع شدن است.

مرحوم طبرسی مینویسد: در معنی حبل اللَّه چند قول نقل شده:

یکی حبل اللَّه قرآن است. دیگری دین اسلام. و سومی آنچه ابان بن تغلب از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده که فرمود: ما حبل اللَّه هستیم که در این آیه ذکر شده: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً». بهتر است حبل را بر تمام این معانی حمل کنیم و آنچه این مطلب را تأیید میکند روایتی است که ابو سعید خدری از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله نقل میکند که فرمود: مردم! میان شما دو ریسمان گذارده ام، اگر پس از من به آن دو چنگ بزنید، گمراه نخواهید شد. یکی از دیگری بزرگتر است. کتاب خدا که ریسمان پیوسته از آسمان به زمین است و عترت من اهل بیتم. آن دو از یکدیگر جدا نمیشوند تا در حوض بر من وارد شوند.(1)

طبرسی: در تفسیر آیه «إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ» مینویسد: یعنی به عهدی از جانب خدا و عهدی از مردم.(2)

مولف: در کتاب احوال امیر المؤمنین علیه السّلام خواهد آمد که منظور از حبل در هر دو آیه امیر المؤمنین علیه السّلام است.

1. کنز الفوائد: صاحب نهج الایمان در تأویل آیه: «فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی»،، حدیثی را از کتاب نخب المناقب به حضرت رضا علیه السّلام نسبت میدهد و مینویسد: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود: هر که دوست داشته باشد به دست آویز محکمی چنگ بزند، به حب علی بن ابی طالب چنگ بزند.(3)

2. در همان کتاب از حسین بن جبیر نقل میکند و سند را به حضرت باقر علیه السّلام میرساند که در آیه «إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ» فرمود: حبل خدا قرآن است و حبل مردم علی بن ابی طالب علیه السّلام.(4)

1- . مجمع البيان 2 : 482
2- . همان 2 : 488
3- . كنز الفوائد : 44
4- . همان : 58

3. العمده: از ابان بن تغلب نقل میکند که حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ما حبل اللّه هستیم که در این آیه فرمود: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا».(1)

مناقب آل ابی طالب: مانند همین روایت را از ابان نقل کرده است.(2)

4. مناقب آل ابی طالب: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام و زید بن علی در باره آیه: «فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی» نقل کرد که فرمود: مودت ما اهل بیت است.(3)

5. امالی طوسی: ابو حفص صائغ از حضرت صادق علیه السّلام، در باره: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» فرمود: ما حبل اللّه هستیم.(4)

مناقب آل ابی طالب: مانند همین روایت را از ابو حفص نقل می کند.(5)

6. تفسیر قمی: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً» گفت توحید و ولایت است.

در روایتی ابی الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در مورد «وَ لا تَفَرَّقُوا» نقل میکند که فرمود: چون خداوند میدانست امت پس از پیامبر اختلاف خواهند کرد و متفرق میشوند، به همین جهت از تفرقه نهی کرد چنانچه امت های پیش را نیز نهی نموده بود و به آنها دستور داد که اجماع در ولایت آل محمّد کنند و متفرق نشوند.(6)

7. کنز الفوائد: حصین بن مخارق از امام کاظم علیه السّلام از پدرانش در باره آیه «فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی» پرسید، فرمود: مودت ما اهل بیت است.(7)

8. و با همین اسناد از زید بن علی نقل می کند که گفت: العروه الوثقی مودت آل محمد است.(8)

1- . العمده : 35
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 343
3- . همان 3 : 170 و 171
4- . امالی طوسی : 171

5- . مناقب آل ابی طالب 2 : 273
6- . تفسیر قمی : 98
7- . کنز الفوائد : 226
8- . همان

9. تفسیر عیاشی: جابر از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: آل محمد ریسمان الهی هستند که امر به چنگ زدن به آنها شده است. سپس فرمود «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا».(1)

مولف: روایات حُجزه در کتاب توحید و غیر آن آمد و بعداً نیز خواهد آمد.

1- . تفسیر عیاشی 1 : 194

1. تفسیر قمی: علی بن قصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که عرض کردم فدایت شوم، تفسیر این آیه چیست: «وَ لَقَدْ آتَیْنا لُقْمانَ الْحِکْمَهَ»(1)، {و به راستی لقمان را حکمت دادیم.} فرمود: یعنی معرفت امام زمان خودش.(2)

2. محاسن: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام در مورد این آیه سؤال کردم: «وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَهَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً»(3) ، {و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است.} فرمود: اطاعت و فرمانبرداری از خدا و معرفت امام است.(4)

اصول کافی: از ابو بصیر مانند این روایت را نقل کرده است.(5)

تفسیر عیاشی: از ابو بصیر مانند این روایت را نقل کرده است.(6)

3. تفسیر عیاشی: ابو بصیر گفت از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم، در تفسیر آیه «وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَهَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً» فرمود: معرفت امام و پرهیز از گناهان کبیره ای که خداوند وعده آتش داده.(7)

4. تفسیر عیاشی: سلیمان بن خالد از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: حکمت عبارت است از معرفت و تفقّه در دین. هر کدام از شما فقیه در دین

1- . لقمان / 12
2- . تفسیر قمی : 505
3- . بقره / 269
4- . المحاسن : 148
5- . اصول کافی 1 : 185
6- . تفسیر عیاشی 1 : 151
7- . همان

باشد حکیم است. شیطان از مردن هیچ کس در جهان به اندازه مردن یک فقیه خوشحال نمیشود.(1)

مولف: مانند این روایات همراه با شرح و توضیح در کتاب العلم آمد.

1- . تفسیر عیاشی 1 : 151

باب سی و سوم : ائمه علیهم السلام صافون و مسبحون و صاحب مقام معلوم و حاملین عرش و سفرای کرام هستند

1. تفسیر قمی: یحیی بن مسلم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه: «وَ ما مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقامٌ مَعْلُومٌ»(1) ، {و هیچ یک از ما [فرشتگان] نیست مگر [اینکه] برای او [مقام و] مرتبه ای معین است.} فرمود: این آیه در باره ائمه و اوصیاء از آل محمّد صلوات اللَّه علیهم نازل شده.(2)

مناقب آل ابی طالب: مانند همین روایات را از یحیی بن محمد فارسی نقل کرده است.(3)

تفسیر فرات: مانند این روایت را از فزاری با اسنادش از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است.(4)

2. تفسیر قمی: شهاب بن عبد ربه گفت، از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میفرمود: شهاب! ما شجره نبوت و گنجینه رسالت و محل رفت و آمد ملائکه و پیمان و تعهد خداییم. ما ودیعه های خدا و حجت اوییم. ما صفوف درخشانی از نور در اطراف عرش بودیم. ما خدای را تسبیح میکردیم و اهل آسمانها از تسبیح ما تسبیح می نمودند تا به سوی زمین آمدیم.

1- . صافات / 164
2- . تفسیر قمی : 56
3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 443
4- . تفسیر فرات : 131

در اینجا ما نیز تسبیح خدای را نمودیم، اهل زمین از تسبیح ما به تسبیح مشغول شدند. ما صافون و مسبحون هستیم. هر که به عهد و پیمان ما وفا کند، به عهد و پیمان خدا وفا کرده و هر که با ما پیمان شکنی کند با خدا پیمان شکنی کرده.(1)

توضیح: اینکه دو آیه بعد از ذکر ملائکه آمده، منافات با نزول آن دو برای اهل بیت علیهم السّلام ندارد زیرا نظیر آن در قرآن بسیار است. با وجود اینکه آنها از شخصیت های مقدس روحانی هستند و در عالم سایهها با ملائکه اختلاط داشتهاند، اطلاق ملائکه بر آنها به صورت مجاز بعید نیست.

3. کنز الفوائد: علی بن ابی طالب علیه السّلام در ضمن خطبه ای فرمود: ما آل محمّد انواری در اطراف عرش خدا بودیم. به ما دستور داد تسبیح کنیم، ما که تسبیح کردیم، ملائکه از تسبیح ما به تسبیح مشغول شدند.

سپس به زمین آمدیم. باز خدا به ما دستور تسبیح داد، شروع به تسبیح کردیم، اهل زمین از تسبیح ما به تسبیح مشغول شدند. ما صف زنندگان و مسبحین هستیم.(2)

4. کنز الفوائد: ابن مهران از عبد اللّٰه بن عباس تفسیر این آیه را پرسید: «وَ إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ * وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ.»(3)، {و در حقیقت ماییم که [برای انجام فرمان خدا] صف بسته ایم و ماییم که خود تسبیح گویانیم. }

ابن عباس گفت، ما در خدمت پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله بودیم که علی بن ابی طالب علیه السّلام وارد شد؛ همین که چشم پیامبر اکرم به او افتاد در چهره اش تبسم نمود و فرمود: مرحبا به کسی که خدا او را چهل هزار سال قبل از آدم آفرید. عرض کردم یا رسول اللّٰه، آیا ممکن است پسر قبل از پدر باشد.

فرمود: آری، خداوند من و علی را به فاصله همین مدت، قبل از آدم آفرید.

1- . تفسیر قمی : 560 و 561
2- . کنز الفوائد : 261
3- . صافات / 165 و 166

قبل از آفرینش تمام اشیاء، نوری آفرید و به دو قسمت تقسیم نمود. مرا از نیم آن و علی را از نیم دیگر آفرید، سپس اشیاء را آفرید و آنها تاریک بودند، نور آنها از نور من و علی است.

سپس ما در طرف راست عرش قرار گرفتیم و بعد ملائکه را آفرید. ما تسبیح کردیم ملائکه بعد (از ما) تسبیح نمودند. ما تهلیل گفتیم، بعد آنها به تهلیل مشغول شدند. ما تکبیر گفتیم، سپس آنها تکبیر گفتند. این تسبیح و تهلیل و تکبیر ملائکه به واسطه تعلیم من و علی بود. این مطلب در علم سابق خدا بود که دوستدار من و علی داخل جهنم نشود و کینه توز من و علی داخل بهشت نگردد.

خداوند ملائکه ای را آفرید که در دست آنها ظرف هایی پر از آب حیات از بهشت است. ههگامی که یک از شیعیان علی که دارای طهارت ولادت و پدر و مادری طاهر است و پرهیزگار پاکیزه و مؤمن به خدا، تصمیم دارد با همسر خود بیامیزد، فرشته ای از آن فرشتگان که ظرف های آب بهشت را در دست دارند می آید و از آن آب در ظرفی که آنها آب می نوشند می ریزد. آنها از این آب می آشامند و ایمان در دل آنها مانند روئیدنیها میروید. آنها دارای قدرت ایمانی نسبت به خدا و پیامبر و جانشین او علی و دخترم زهرا و حسن، سپس حسین و آنگاه پیشوایان از فرزندان حسین علیه السّلام هستند.

عرض کردم یا رسول اللّه، ائمه علیهم السّلام کیانند؟ فرمود: یازده نفر از فرزندان منند که پدر آنها علی بن ابی طالب علیه السّلام است. سپس پیامبر اکرم فرمود: ستایش خدای را که محبت علی و ایمان به ولایت او را سبب دو چیز قرار داده: سبب دخول در بهشت و سبب نجات از آتش.(1)

5. تفسیر قمی: «الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ»، {کسانی که عرش [خدا] را حمل می کنند} یعنی رسول خدا و اوصیاء بعد از او که حامل علم خدایند «وَ مَنْ حَوْلَهُ» {و آنها که پیرامون آنند} یعنی ملائکه «یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا» {به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده اند طلب آمرزش می کنند} تسبیح به حمد خدا

1- . كنز الفوائد : 261 و 262

می کنند و ایمان به او دارند و برای شیعیان آل محمّد استغفار می کنند: «رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تابُوا» {پروردگارا رحمت و دانش [تو بر] هر چیز احاطه دارد کسانی را که توبه کرده } از ولایت فلان و فلان و بنی امیه برگشتند: «وَ اتَّبَعُوا سَبِیلَکَ» {و راه تو را دنبال کرده اند ببخش} و پیرو ولایت ولی خدا شدند «وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحِیمِ * رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّیَّاتِهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ»، {و آنها را از عذاب آتش نگاه دار. پروردگارا آنان را در باغهای جاوید که وعده شان داده ای، با هر که از پدران و همسران و فرزندانشان که به صلاح آمده اند داخل کن، زیرا تو خود ارجمند و حکیمی. }

منظور از خویشاوندان صالح در آیه کسانی است که دوستدار علی هستند «وَ قِهِمُ السَّیِّئاتِ وَ مَنْ تَقِ السَّیِّئاتِ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ»، {و آنان را از بدیها نگاه دار و هر که را در آن روز از بدیها حفظ کنی، البته رحمتش کرده ای } منظور روز قیامت است «وَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ» {و این همان کامیابی بزرگ است. } برای کسی که خدا او را از ولایت فلان و فلان نجات داده.

سپس میفرماید: «إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا» یعنی بنی امیه «یُنادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَکْبَرُ مِنْ مَقْتِکُمْ أَنْفُسَکُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَی الْإِیمانِ» {کسانی که کافر بوده اند مورد ندا قرار می گیرند که قطعا دشمنی خدا از دشمنی شما نسبت به همدیگر سخت تر است، آنگاه که به سوی ایمان فرا خوانده می شدید} یعنی دعوت به ولایت علی کردند «فَتَکْفُرُونَ».(1) و (2)

توضیح: اخبار زیادی بر اطلاق عرش بر علم خواهد آمد، ان شاء الله.

6. کنز الفوائد: ابو ایوب حذاء از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: «بِأَیْدِی سَفَرَهٍ * کِرامٍ بَرَرَهٍ».(3) {به دست فرشتگانی ارجمند و نیکوکار} نقل کرد که فرمود: آنها ائمه علیهم السّلام هستند.(4)

1- . غافر / 7 - 10
2- . تفسیر قمی : 583
3- . عبس / 15 و 16
4- . کنز الفوائد : 370

7. تفسیر قمی: «کَلَّا إِنّها تَذْکِرَهٌ»(1) {زنهار [چنین مکن] این [آیات] پندی است} یعنی قرآن «فِی صُحُفٍ مُکَرَّمَهٍ» {در صحیفه هایی ارجمند} «مَرْفُوعَهٍ» بلند است نزد خدا: «مُطَهَّرَهٍ» {پاک شده} «بِأَیْدِی سَفَرَهٍ» در دست ائمه است «کِرامٍ بَرَرَهٍ».(2) و (3)

توضیح: بیضاوی «سَفَرَهٍ» را نویسندگان از ملائکه یا انبیاء می شمارد. (4)

8. کنز الفوائد: محمّد بن مسلم گفت: از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم میفرمود: آیه: «الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ» یعنی محمّد و علی و حسن و حسین و ابراهیم و اسماعیل و موسی و عیسی صلوات اللّٰه علیهم اجمعین.(5)

9. تفسیر قمی: «إِنَّ الَّذِینَ عِنْدَ رَبِّکَ» یعنی انبیاء و رسل و ائمه علیهم السّلام «لا یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِهِ وَ یُسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ یَسْجُدُونَ»(6)

{به یقین کسانی که نزد پروردگار تو هستند از پرستش او تکبر نمی ورزند و او را به پاکی می ستایند و برای او سجده می کنند.}(7)

توضیح: مشهور بین مفسرین در مورد این آیه ملائکه است ولی این تأویل نیز جای استبعاد ندارد. زیرا بودن ملائکه نزد پروردگار به واسطه قرب معنوی است که این درجه در انبیاء و ائمه علیهم السّلام کاملتر است.

10. کنز الفوائد: جابر جعفی گفت، از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم میفرمود: «وَ قالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمنُ وَلَداً سُبْحانَهُ بَلْ عِبادٌ مُکْرَمُونَ» {و گفتند [خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده. منزه است او بلکه [فرشتگان] بندگانی ارجمندند.} در این موقع امام با دست اشاره به سینه خود نمود و فرمود: «لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ» {که

1- . عبس / 11
2- . همان / 13 - 16
3- . تفسیر قمی : 712
4- . انوار التنزیل 2 : 585
5- . کنز الفوائد : 351

6- . اعراف / 206
7- . تفسیر قمی : 234

در سخن بر او پیشی نمی گیرند} تا این قسمت آیه «وَ هُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ»(1)، {و خود از بیم او هراسانند.}

توضیح: بنا بر این تأویل، شاید اشاره به عقیده کسانی است که معتقد به خدایی امیر المؤمنین و ائمه علیهم السّلام شدند، با اینکه آنها دارای فرزند بودند.

منظور از «عِبادٌ مُكْرَمُونَ» همان کسانی هستند که آنها به خدایی ایشان اعتقاد داشتند.

ممکن است چنین معنی شود که آنها ادعا می کردند خدا ملائکه را فرزند خود قرار داده؛ سپس خویش را منزه از این نسبت نموده، آنگاه می فرماید: بلکه خدا بندگانی گرامی دارد که آنها را برگزیده و ایشان کمال اطاعت و انقیاد و کوچکی را دارند. در این صورت ممکن است منظور از عباد یا ائمه باشند و یا علاوه بر ائمه علیهم السلام شامل سایر مکرمون یعنی ملائکه و پیامبران و اوصیاء نیز می شود.

11. اعتقادات صدوق: اما حاملان عرش (که عبارت از علم است) از پیشینیان چهار نفر و از دیگران نیز چهار نفرند: از پیشینیان: نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السّلام است؛ اما چهار نفر دیگر: حضرت محمّد و علی و حسن و حسین علیهم السّلام می باشند. با سندهای صحیح از ائمه علیهم السّلام چنین روایت شده است.(2)

1- . انبیاء / 26 - 28

2- . اعتقادات صدوق : 82

باب سی و چهارم : ائمه علیهم السلام اهل رضوان و درجات عالی هستند و دشمنانشان مستوجب سخط و عقوبت ها هستند

1. مناقب آل ابی طالب: عمار ساباطی گفت، از حضرت صادق علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم: «أَ فَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوانَ اللَّهِ کَمَنْ باءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِیرُ * هُمْ دَرَجاتٌ عِنْدَ اللَّهِ.»(1) ، {آیا کسی که از خشنودی خدا پیروی می کند، همچون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است و چه بد بازگشتگاهی است. [هر یک از] ایشان را نزد خداوند درجاتی است.} فرمود: کسانی که پیرو خشنودی خدا بودند ائمه علیهم السّلام هستند. عمار! به خدا قسم آنها درجات برای مؤمنینند. به مقدار ولایت و معرفت ایشان نسبت به ما، پاداش آنها چندین برابر می شود و خدا درجات آنها را عالی تر می نماید.(2)

اصول کافی: هشام بن سالم از عمار همین روایت را نقل کرده.(3)

2. کنز الفوائد: جابر بن یزید گفت: از حضرت باقر علیه السّلام معنی این آیه را پرسیدم: «ذلِکَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا ما أَسْخَطَ اللَّهَ وَ کَرِهُوا رِضْوانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمالَهُمْ»(4)، {زیرا آنان از آنچه خدا را به خشم آورده پیروی کرده اند و خرسندیش را خوش نداشتند پس اعمالشان را باطل گردانید.} فرمود: علی را که پیرو رضای خدا و پیامبر بود و خدا ولایت او را در روز بدر و حنین و بطن نخله و روز ترویه واجب

1- . آل عمران / 162 و 163
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 314
3- . اصول کافی 1 : 430
4- . محمد / 28

نمود، دوست نداشتند. و در باره او بیست و دو آیه، در آن حجی که جلو پیامبر را در جحفه گرفتند و نگذاشتند انجام دهد و در غدیر خم، نازل شد.(1)

روضه الواعظین نیز همین روایت را نقل کرده است.(2)

3. تفسیر قمی: «ذلِکَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا ما أَسْخَطَ اللَّهَ» یعنی موالات فلان و فلان ستمگران به امیر المؤمنین علیه السّلام «فَأَحْبَطَ أَعْمالَهُمْ» یعنی کارهای نیک آنها از میان رفت.(3)

4. کنز الفوائد: جابر نقل کرد که از حضرت باقر علیه السّلام از این آیه «لَقَدْ رَضِیَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِینَ إِذْ یُبایِعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَهِ»(4)، {به

راستی خدا هنگامی که مؤمنان زیر آن درخت با تو بیعت می کردند از آنان خشنود شد.} پرسیدم که آنها چند نفر بودند؟ فرمود هزار و دویست نفر. گفتم علی علیه السّلام در میان ایشان بود؟ فرمود: آری علی اشرف و سرور ایشان بود.(5)

5. کنز الفوائد: عبد الرحمن بن سالم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که آیه: «یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ * ارْجِعِی إِلی رَبِّکِ راضِیَهً مَرْضِیَّهً * فَادْخُلِی فِی عِبادِی * وَ ادْخُلِی جَنَّتِی»(6)، {ای نفس مطمئنه خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد و در میان بندگان من درآی و در بهشت من داخل شو.} در باره علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شده.(7)

6. ابن فرقد گفت، حضرت صادق علیه السّلام فرمود: سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید زیرا آن سوره حسین علیه السّلام است. به آن سوره کمال اشتیاق را داشته باشید، خدا شما را رحمت کند. ابو اسامه که حضور داشت عرض کرد، چه شد که این سوره اختصاص به حضرت حسین علیه السّلام

1- . کنز الفوائد : 303
2- . روضه الواعظین 1 : 128

3- . تفسير قمى : 631
4- . فتح / 18
5- . كنز الفوائد : 305
6- . فجر / 27 - 30
7- . كنز الفوائد : 386

یافت؟ فرمود: مگر این آیه را در آن سوره نشنیده ای: «یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ * ارْجِعِی إِلی رَبِّکِ راضِیَهً مَرْضِیَّهً * فَادْخُلِی فِی عِبادِی * وَ ادْخُلِی جَنَّتِی» منظور از نفس مطمئنه حسین علیه السّلام است، چون او دارای نفس مطمئن و راضی و مرضی بود. و اصحاب او از آل محمّد علیهم السلام از خدا راضیند و خداوند نیز روز قیامت از ایشان راضی است. این سوره در باره حسین بن علی علیهما السّلام و پیروان او و پیروان آل محمّد است. هر که بر خواندن سوره فجر مداومت کند، در بهشت در همان درجه ای که او هست، با حضرت حسین علیه السّلام خواهد بود. خداوند عزیز و حکیم است.(1)

7. صدوق: به اسناد خود از سدیر نقل می کند که به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم آقا فدایت شوم، آیا مؤمن از مردن کراهت دارد؟ فرمود: نه. وقتی فرشته مرگ برای قبض روح او می آید ناراحت می شود، ملک الموت به او میگوید، ای دوست خدا! ناراحت نباش. به آن خدایی که محمّد را به حق برانگیخته، من به تو از پدر مهربان مهربانترم. چشم بگشا و نگاه کن. در این موقع پیامبر اکرم و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و ائمه علیهم السّلام برایش مجسم میشوند. میگوید اینها رفیق های تو هستند. آنها را مشاهده میکند، آنگاه به نفس او خطاب می شود: «یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ» ای نفسی که اطمینان به محمّد و اهل بیت او داشتی: «ارْجِعِی إِلی رَبِّکِ راضِیَهً» بر ولایت «مرضیه» خوشحال از ثواب: «فَادْخُلِی فِی عِبادِی» محمّد و اهل بیت «وَ ادْخُلِی جَنَّتِی» در آن موقع چیزی برایش بهتر از این نیست که هر چه زودتر روحش خارج شود و به آن صدا برسد.(2)

1- . همان

2- . همان : 386 و 387

1. تفسیر فرات: حسین بن علوان از امام صادق علیه السلام و او از پدرش از جد بزرگوارش نقل کرد که مردی برخاست و از علی علیه السّلام درخواست نمود که ناس و اشباه ناس و نسناس را تفسیر کند. حضرت علی علیه السّلام رو به امام حسن نموده فرمود: جواب او را بده. امام حسن فرمود: سؤال از ناس کردی، رسول خدا ناس است به دلیل اینکه خداوند در این آیه میفرماید: «ثُمَّ أَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النَّاسُ»(1)، {پس از همان جا که [انبوه] مردم روانه می شوند شما نیز روانه شوید. } منظور پیامبر اکرم است و ما از او هستیم. از اشباه ناس پرسیدی، آنها شیعیان ما هستند و ایشان از ما هستند و شبیه مایند.

اما سؤال از نسناس کردی، آنها این جمعیت انبوهند که افراد این آیه به شمار میروند: «أُولئِکَ(2) کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُ سَبِیلا»(3) ، {آنان جز مانند ستوران نیستند بلکه گمراه ترند. }(4)

توضیح: مرحوم طبرسی در باره آیه: «ثُمَّ أَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النَّاسُ» مینویسد: بعضی گفته اند منظور از ناس سایر عربند، همین مطلب از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده. و بعضی گویند مراد ابراهیم است چون او امام و پیشوا بود و به منزله امت است که به تنهایی لفظ ناس در باره اش گفته شده. بعضی نیز ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و پیامبران بعد از ایشان را گفته اند. این از حضرت صادق علیه

1- . بقره / 199
2- . در منبع اصلی إن هم إلا کالأنعام آمده است و این صحیح است.
3- . فرقان / 44
4- . تفسیر فرات : 8

السّلام روایت شده. بعضی نیز گفته اند، منظور آدم است. قولی دیگر نیز هست که مراد، دانشمندان عالم به دین هستند که مردم را تعلیم میدهند.(1)

2. روضه کافی: سعید بن مسیب گفت، از امام سجاد علیه السّلام شنیدم که می فرمود: مردی خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام آمد و عرض کرد مرا از ناس و اشباه الناس و نسناس آگاه کن. امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: یا حسین جوابش را بده. امام حسین علیه السّلام فرمود: گفتی از ناس آگاهم کن، ما ناس هستیم به همین خاطر خداوند در این آیه میفرماید: «ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفاضَ النَّاسُ» منظور پیامبر اکرم است که با مردم راهی شد. اما اینکه گفتی اشباه الناس، آنها شیعیان و دوستداران ما هستند و آنها از ما هستند و به همین خاطر ابراهیم فرمود «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي»(2) ، {پس هر که از من پیروی کند بی گمان او از من است. } اما گفته تو در مورد نسناس، پس آنها این جمعیت انبوهند و با دستش به جمعیت اشاره کرد سپس گفت «إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلاً».(3)

توضیح: جزری گفته: گفته شده منظور از نسناس یأجوج و مأجوج است و گفته اند، گروهی هستند به صورت مردم که در یک جهت شبیه و در یک جهت مخالف (مردم هستند)، آنها از بنی آدم نیستند و بعضی میگویند از بنی آدمند. از قبیل حدیثی که نقل شده است: دسته ای از قوم عاد با پیامبر خود مخالفت کردند. خداوند آنها را مسخ نموده و به صورت نسناس در آورد. هر مرد آنها دارای یک دست و یک پا است. از یک طرف بدن مانند پرنده نوک به زمین میزنند و چون چهار پایان چرا می کنند. نون نسناس مکسوره است که گاهی فتحه داده می شود. پایان(4)

اما اینکه گفت پیامبر آن کسی است که با مردم راهی شد، بنا بر این تفسیر ظاهر این است که مراد از ناس در اینجا غیر از آن است که در آیه آمده و منظور از

1- . مجمع البیان 2 : 296

2- . ابراهیم / 36

3- . روضه کافی : 244 و 245

4- . النهایه 4 : 150

ناس پیامبر و اهل بیتش صلوات الله علیهم هستند، همان طور که گذشت؛ زیرا خدای تعالی در آن آیه خطاب به عموم مردم فرمود: «ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفاضَ النَّاسُ» و آنها اطاعت امر خدا را کردند و با پیامبر راهی شدند و آنها ناس حقیقی هستند و احتمال بعید دارد که منظور از ناس در اینجا و در آیه، اهل بیت علیهم السّلام باشند به این صورت که پیامبر امر کرده که با اهل بیت راهی شوند. فیروز آبادی می گوید، منظور از سواد، عموم مردم است.

3. تفسیر قمی: نوشته است: «وَ قالَ الْإِنْسانُ ما لَها»(1) ، {و انسان گوید [زمین] را چه شده است؟} مراد از انسان امیر المؤمنین علیه السّلام است.(2)

ص: 116

1- . زلزال / 3
2- . تفسیر قمی : 732

1. کنز الفوائد: جابر از حضرت صادق علیه السّلام در آیه: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ»، {دو دریا را [به گونه ای] روان کرد [که] با هم برخورد کنند.}

فرمود: علی و فاطمه است «بَيْنَهُما بَرْزَخٌ لا يَبْغِيانِ» (1) ، {میان آن دو، حد فاصلی است که به هم تجاوز نمی کنند.} فرمود: یعنی علی علیه السّلام بر فاطمه ستم روا نمیدارد و نه فاطمه بر علی «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ» (2) ، {از هر دو [دریا] مروارید و مرجان برآید.} یعنی حسن و حسین علیهما السّلام. (3)

2. کنز الفوائد: ابو سعید خدری در باره آیه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ» گفت: منظور علی و فاطمه علیهما السّلام است و علی بر فاطمه ستم روا نمیدارد و نه فاطمه بر علی «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ» گفت: منظور حسن و حسین علیهما السّلام است. (4)

3. کنز الفوائد: ابن عباس در باره آیه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ * بَيْنَهُما بَرْزَخٌ لا يَبْغِيانِ» گفت: منظور از بحرین علی و فاطمه علیهما السّلام و منظور از برزخ پیامبر صلّی الله علیه و آله است. «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ» منظور حسن و حسین علیهما السّلام است. (5)

1- . الرحمن / 19 و 20
2- . همان / 22
3- . کنز الفوائد : 320
4- . همان : 366 نسخه رضویه
5- . همان

4. کنز الفوائد: ابوذر غفاری در باره آیه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ» گفت: منظور علی و فاطمه علیهما السّلام است. «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ» منظور حسن و حسین علیهما السّلام است. چه کس مانند این چهار نفر، علی و فاطمه و حسن و حسین، را دیده است؟

دوستدار آنها نیست مگر مؤمن و کینه توز آنها نیست مگر کافر. مؤمن به حب اهل بیت باشید. مبادا به کینه اهل بیت کفر پیشه کنید که مستوجب آتش خواهید شد.(1)

توضیح: مرحوم طبرسی مینویسد: دو دریا یعنی دریای شور و شیرین که با هم برخورد می کنند ولی یکی در دیگری مخلوط نمی شود. معنی مَرَجَ یعنی فرستاد و گسیل داشت.

از سلمان فارسی و سعید بن جبیر و سفیان ثوری نقل شده که دو دریا علی و فاطمه علیهما السّلام هستند و بین آن دو برزخ است که محمّد صلی اللَّه علیه و آله می باشد. «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ» حسن و حسین علیهما السّلام هستند.

جای تعجب نیست که علی و فاطمه به خاطر گسترش فضل آنها و کثرت خیرشان، دو دریا باشند. دریا را به واسطه وسعتش دریا نامیده اند. روزی پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله سوار اسبی شد و او را راه برد و بعد از او تعریف کرد و فرمود: این اسب را دریایی یافتم.(2)

مولف: لا غرو یعنی تعجب ندارد.

5. خصال: سعید قطان گفت که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ * بَيْنَهُما بَرْزَخٌ لا يَبْغِيانِ» علی و فاطمه دو دریای علمند که بسیار عمیقند که هیچ کدام بر دیگری تجاوز و ستم روا نمی دارند. «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ» حسن و حسین علیهما السّلام هستند.(3)

1- . همان

2- . مجمع البیان 9 : 201

3- . خصال 1 : 34

تفسیر قمی: همین روایت را از سعد نقل می کند.(1)

6. مناقب آل ابی طالب: ابو صالح از ابن عباس نقل کرد که فاطمه زهرا علیها السّلام از گرسنگی و بی لباسی گریه کرد: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود: فاطمه جان قدر شوهر خویش را بدان، به خدا قسم او آقای دنیا و آخرت است و بین آن دو را اصلاح نمود. خداوند این آیه را نازل کرد «مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیانِ» یعنی من که خدایم، دو دریا را (علی بن ابی طالب دریای علم و فاطمه زهرا دریای نبوت) گسیل داشتم، هر دو به هم متصل شدند. من این اتصال را بین آنها به وجود آوردم.

بعد میفرماید: «بَیْنَهُما بَرْزَخٌ» بین آن دو، پیامبر اکرم فاصله و مانع است که جلوگیری از حزن و اندوه علی برای دنیا و از ستیزه نمودن فاطمه علیها السّلام با شوهرش برای دنیا میکند «فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما» ای گروه جنیان و انس «تُکَذِّبانِ» تکذیب می کنید ولایت علی بن ابی طالب و حب فاطمه زهرا را. لؤلؤ حسن و مرجان حسین است زیرا دانه های لؤلؤ بزرگتر از دانه های مرجان است.(2)

7. العمده: سفیان ثوری درباره آیه «مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیانِ * بَیْنَهُما بَرْزَخٌ لا یَبْغِیانِ» گفت: منظور فاطمه و علی علیهما السّلام و «یَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ» منظور حسن و حسین علیهما السّلام هستند.

ثعلبی همین را از سعید بن جبیر نقل کرده و گفته است: «بَیْنَهُما بَرْزَخٌ» یعنی حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله.(3)

1- . تفسیر قمی : 659
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 101
3- . العمده: 210

باب سی و هفتم: ائمه علیهم السّلام ماء معین و بئر معطّله و قصر مشیدند. ابر و باران و سایه و میوه جات و سایر منافع ظاهری به علم و برکات آنها تفسیر شده است.

1. تفسیر قمی: در آیه: «قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُكُمْ غَوْراً فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِماءٍ مَعِينٍ» (1) ، {بگو به من خبر دهید، اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد.} نوشته است: یعنی اگر امام شما غائب شود چه کسی میتواند امامی مانند او بیاورد.

محمّد بن جمهور از فضاله بن ایوب نقل میکند که از حضرت رضا علیه السّلام راجع به آیه: «قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُكُمْ غَوْراً فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِماءٍ مَعِينٍ» پرسیده شد، فرمود: ماؤکم یعنی ابواب شما که منظور ائمه علیهم السّلام است که ابواب اللّه بین خدا و خلقند «فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِماءٍ مَعِينٍ» یعنی چه کسی برای شما علم امام را می آورد. (2)

2. غیبه طوسی: علی بن جعفر از برادر خود موسی بن جعفر علیهما السّلام تأویل آیه: «قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُكُمْ غَوْراً فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِماءٍ مَعِينٍ» را پرسید، فرمود: اگر امام خود را نیابید و دیگر از سرچشمه زلال او آب ننوشید چه میکنید؟! (3)

1- . ملک / 30
2- . تفسیر قمی : 690
3- . غیبه طوسی : 110 و 111

3. کنز الفوائد: از یحیی حلبی نقل شده است که حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ» فرمود: اگر امام شما غائب شد چه کسی امامی جدید برای شما می آورد؟(1)

توضیح: آب که کنایه از علم است به جهت اشتراک این دو در علت بودن برای زندگی است؛ زیرا آب سبب زندگی جسم و علم سبب زندگی روح است. این کنایه بُعدی ندارد. معین در آیه یعنی آب جاری روی زمین.

4. مناقب آل ابی طالب: عبد العظیم حسنی به اسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه: «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً»(2) {و اگر [مردم] در راه درست پایداری ورزند قطعا آب گوارایی بدیشان نوشانیم} فرمود: اگر بر ولایت علی علیه السلام پایدار باشند، دلهای آنها را از آب ایمان شاداب میکنیم. طریقه، ولایت علی بن ابی طالب و اوصیاء است.(3)

5. تفسیر قمی: «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَهٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ»(4) ، {وچاههای متروک و کوشکهای افراشته.} مینویسد: این مثالی برای آل محمّد است. «بِئْرٍ مُعَطَّلَهٍ» چاهی است که آب از آن برداشته نشود و آن امامی است که غائب باشد که از نور علم او تا وقت ظهور استفاده نمیشود و قصر مشید یعنی کاخ بلند که مثلی برای امیر المؤمنین و ائمه علیهم السّلام و فضائل منتشر آنها در دو جهان است که مشرف بر دنیاست و اشاره به این آیه است: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ»(5) ، {تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند.}

بِئْرٍ مُعَطَّلَهٍ وَ قَصْرٍ مشرف

مثل لآل محمد مستطرف

فالقصر مجدهم الذی لایرتقی و البئر علمهم الذی لاینزف و(6)

ص: 121

1- . کنز الفوائد : 410 نسخه رضویه
2- . جن / 16

3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 443
4- . حج / 45
5- . توبه / 33، فتح / 28، صف / 9
6- . تفسیر قمی : 441

چاه واگذار شده و قصر بلند مثلی است که برای آل محمد زده شده. قصر شکوه و جلال آنها است که دست نیافتنی است و چاه هم علمشان است که کشیده نمی شود.

6. معانی الاخبار: ابراهیم بن زیاد گفت: از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ» پرسیدم، فرمود: بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ امام صامت و قَصْرٍ مَشِيدٍ امام ناطق است.(1)

7. بصائر الدرجات: نصر بن قابوس از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل می کند.(2)

منتخب البصائر: از علی بن اسماعیل همین روایت را نقل میکند.(3)

معانی الاخبار: از نصر بن قابوس از امام صادق علیه السّلام مانند این روایت را نقل کرده است.(4)

8. اصول کافی: از علی بن جعفر از امام کاظم علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(5)

عمرکی از علی بن جعفر همین روایت را نقل کرده است.(6)

9. معانی الاخبار: صالح بن سهل گفت: قصر مرتفع امیر المؤمنین و بئر معطله فاطمه زهرا و فرزندانش علیهم السّلام هستند که از خلافت آنها جلوگیری شد.

محمّد بن حسن بن ابی خالد اشعری که ملقب به شنبوله است، این شعر را سروده:

بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مشرف مثل لآل محمّد مستطرف

فالناطق قصر مشید منهم و الصامت البئر التی لا تنزف(7)

1- . معانی الاخبار : 38
2- . بصائر الدرجات : 148 و 149

3- . مختصر البصائر : 57
4- . معانی الاخبار : 38
5- . اصول کافی 1 : 427
6- . همان
7- . معانی الاخبار : 38

کنز الفوائد: از صالح بن سهل مانند این روایت را نقل کرده است.(1)

10. حسین بن جبیر در کتاب نخب المناقب در حدیثی مرفوعه از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که در باره تفسیر آیه «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ» فرمود: رسول خدا فرمود، منظور از قصر مشید و بئر معطله علی علیه السّلام است.

بهترین چیزی که در تأویل این آیه گفته شده،، این شعر است:

بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مشرف مثل لآل محمّد مستطرف

فعلیّ القصر المشید منهم و البئر علمهم الذی لا ینزف(2)

توضیح: ابتدای آیه چنین است: «فَکَأَیِّنْ مِنْ قَرْیَهٍ أَهْلَکْناها وَ هِیَ ظالِمَهٌ فَهِیَ خاوِیَهٌ عَلی عُرُوشِها وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَهٍ»(3)، {و چه بسیار شهرها را که ستمکار بودند هلاکشان کردیم و [اینک] آن [شهرها] سقفهایش فرو ریخته است و [چه بسیار] چاههای متروک و کوشکهای افراشته را. }

بیضاوی: گفته است، بئر معطله عطف است بر قریه، یعنی بسا چاه های آبادی که به واسطه هلاک شدن مردم آنجا در بیابانها رها شده و آب از آنها کشیده نمیشود و بسا کاخ های بلندی که خالی از ساکنین است.

بعضی گفته اند: مراد از چاه همان چاهی است که در کنار کوه حضرموت بود و منظور از قصر همان قصری که در قله آن کوه قرار داشت که هر دو متعلق به حنظله بن صفوان از باقی ماندگان قوم صالح بود. وقتی صالح را کشتند خداوند آنها را هلاک کرد و آن قصر و چاه رها شد. پایان کلام بیضاوی.(4)

مولف: بنا بر تأویل ائمه علیهم السّلام، ممکن است منظور از هلاک اهل قریه هلاک معنوی باشد یعنی گمراه شدن آنها که از امام صامت و ناطق بهره نمیبردند. وجه تشبیه نیز آشکار است. زیرا زندگی معنوی را به زندگی ظاهری تشبیه نموده و منافع روحی را به منافع جسمی.

1- . کنز الفوائد : 175

2- . همان
3- . حج / 45
4- . انوار التنزيل 2 : 106

یک احتمال بعید نیز هست که واو (و بئر معطله) برای قسم باشد یعنی قسم به امام صامت. اما وجه اول بهتر است.

تاکنون بارها توضیح داده شده که آنچه در امتهای گذشته به وقوع پیوسته، نظیر آن در این امت هم خواهد بود. پس هر چه در آن امت ها از هلاک و مسخ اتفاق افتاده، در این امت هلاک معنوی و گمراهی و محروم بودن از علم و کمالات و مردن دلها و مسخ عقاید آنها است. گرچه به صورت انسان هستند اما چون چهارپایانند بلکه گمراه تر و گرچه به ظاهر در میان زندگانند، اما مرده هستند و شعور ندارند چون گوش به حق فرا نمیدهند و نمی بینند و فهم و درک حق را ندارند و از آنها کاری سر نمیزند که سودی برای آخرتشان داشته باشد.

بنا بر این تحقیق، منافاتی بین این تأویلها و تفسیر ظاهر آیات نیست و این توجیه در بیشتر روایاتی که مشتمل بر غرائب تأویل است جاری است.

11. بصائر الدرجات: نصر بن قابوس گفت: از حضرت صادق علیه السّلام معنی آیه: «وَ ظِلٍّ مَمْدُودٍ * وَ ماءٍ مَسْكُوبٍ * وَ فاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ * لا مَقْطُوعَةٍ وَ لا مَمْنُوعَةٍ»(1) {و سایه ای پایدار و آبی ریزان و میوه ای فراوان نه بریده و نه ممنوع} را سؤال کردم، فرمود نصر! آن طور که مردم خیال می کنند نیست؛ منظور عالم است و آنچه از او تراوش می کند.(2)

منتخب البصائر: از علی بن اسماعیل همین روایت را نقل کرده است.(3)

توضیح: این از تأویل های غریبه است. شاید منظور این است: آن طور که مردم خیال میکنند که بهشت منحصر به همان بهشت صوری آخرت است نیست بلکه برای دوستان ائمه علیهم السّلام در دنیا نیز بهشت های روحانی است در ظل حمایت آنها و لطف گسترده ایشان در دنیا و آخرت، و آبهای روان از دانش واقعی که موجب زندگی جان و مال آنها است، و میوه های زیاد از معارف ائمه علیهم السّلام که فناپذیر نیست و مانعی برای شیعیان از بهره برداری آنها نمی باشد، و جایگاههای

1- . واقعه / 30 - 33

2- . بصائر الدرجات : 148

3- . مختصر بصائر الدرجات : 57

بلند که موجب لذت ایشان می شود، از حکمت و آداب ائمه علیهم السّلام؛ بلکه مقربین در آخرت نیز در همان بهشت اخروی لذتی نمی برند مگر با همین لذت های معنوی که در دنیا به آن متنعم بوده اند.

چنانچه بعضی از اخبار شاهد آن است و در کتاب معاد به آن اشاره شد و در کتاب عین الحیاه کامل توضیح داده ایم.

12. تفسیر قمی: «وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ * وَ طُورِ سِینِینَ * وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ» {سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و این شهر امن [و امان]} گفت: تین پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله است و زیتون امیر المؤمنین علیه السّلام «وَ طُورِ سِینِینَ» حسن و حسین علیهما السّلام «وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ» ائمه علیهم السّلام هستند. و «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ» {[که] به راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم.} [آیه بعد] در بارۀ اولی نازل شده «ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِینَ * إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» {سپس او را به پست ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم مگر کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند} یعنی امیر المؤمنین علیه السّلام «فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ» {که پاداشی بی منت خواهند داشت.} یعنی در پاداشی که به آنها داده می شود منتی گذارده نخواهد شد.

سپس خطاب به پیامبر الله علیه و آله میکند: «فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ» {پس چه چیز تو را بعد [از این] به تکذیب جزا وامی دارد؟} آنگاه به امیر المؤمنین علیه السّلام میگوید: «أَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَحْکَمِ الْحاکِمِینَ».(1)

{آیا خدا نیکوترین داوران نیست؟}.(2)

13. کنز الفوائد: ابن دراج گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم می فرمود: «وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ» تین حضرت امام حسن و زیتون حضرت حسین علیهما السلام است.(3)

1- . تین / 1 - 8
2- . تفسیر قمی : 730
3- . کنز الفوائد : 393

14. کنز الفوائد: ابو الربیع شامی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه «وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ * وَ طُورِ سِینِینَ» فرمود: تین و زیتون امام حسن و امام حسین و طور سینین علی بن ابی طالب است. پرسیدم: «فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ» فرمود: دین در آیه، ولایت علی بن ابی طالب است.(1)

15. کنز الفوائد: محمّد بن فضیل از حضرت رضا علیه السّلام درباره آیه «وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ» تا آخر سوره پرسید، فرمود: تین و زیتون حسن و حسین هستند. در باره «طُورِ سِینِینَ» پرسیدم، فرمود: آن طُورِ سِینِینَ نیست بلکه طور سیناء است سپس گفتم وَ طور سیناء؟ فرمود: بله منظور امیر المؤمنین است. گفتم «وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ» فرمود: پیامبر اکرم است که وقتی مردم از او اطاعت کنند در امانند. گفتم تفسیر «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ»؟ فرمود: او ابو فصیل (ابابکر) است. چون خدا از او به خدایی خود و نبوت حضرت محمّد و ولایت اوصیاء پیمان گرفت، اقرار کرد. مگر توجه نمی کنی که در آیه بعد می فرماید: «ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِینَ».

سپس موقعی که پیمان را شکست و نسبت به محمّد و آل او آن اعمال را انجام داد، او را به پست ترین جاها انداختیم.

عرض کردم، معنی «إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ»، فرمود: به خدا قسم منظور امیر المؤمنین علیه السّلام و شیعه او است: «فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ». عرض کردم «فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ»؟ فرمود: نه نه این طور نگو، این کفر است. به خدا نه ! به خدا هرگز پیامبر خدا را یک چشم به هم زدنی تکذیب نکرده است. عرض کردم، پس چگونه است؟ فرمود: «فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ» که منظور از دین امیر المؤمنین است: «أَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَحْکَمِ الْحاکِمِینَ».(2)

توضیح: بنا بر تأویل ائمه علیهم السّلام، نام تین (انجیر) استعاره برای امام حسن علیه السّلام آورده شده، چون لذیذترین و بهترین میوه است و روایت شده که از میوه های بهشت است و دارای منافع و فواید زیادی است. امام حسن علیه السّلام

1- . همان

2- . همان : 393 و 394

نیز از میوه های بهشت است چون از غذای بهشتی تولد یافته و به علم و دانش او دلهای مقربین تقویت و نیرو میگیرد.

نام زیتون نیز برای حسین علیه السّلام استعاره آورده شده چون زیتون یک میوه و غذا و دوا است. روغن سودبخش و مفیدی دارد. حسین علیه السّلام نیز میوه قلب مقربین و علوم او قدرت دلهای مؤمنین است و به نور فرزندانش تمام هدایت یافتگان هدایت شده اند. خداوند نور خود را به انوار آنها مثل زده چنانچه در اخبار زیادی آمده است.

نام طور برای امیر المؤمنین علیه السّلام است، یا به جهت آنکه صاحب طور است زیرا خداوند فضل علی و اولاد و شیعیانش را برای موسی بیان کرد، یا اینکه علی را به جهت استحکام و پایداری او در امر دین و ثباتش در راه حق و بلندی مقامش، تشبیه به کوه طور نموده، چنانچه حضرت خضر باو گفت: کنت کالجبل لا تحرکه العواصف (همچون کوه پایداری که طوفانهای شدید لرزش بر پیکرش نمیرساند) یا از این جهت که علی علیه السّلام پایگاهی است برای زمین و به وجودش زمین استوار است، مانند کوهها که پایه های زمین هستند؛ چنانچه روایت شده: علی علیه السّلام پایه استوار زمین مسکون است. یا به جهت این که محل درخشش انوار خدا و تجلی و افاضه فیض او است همچنان که کوه طور نیز چنین بوده. یا به جهت اینکه علی علیه السّلام منشأ وجود امام حسن و امام حسین علیهما السّلام بوده است چنانچه از طور آن دو درخت به وجود آمده. بلد امین تفسیر به مکه شد و اشاره به نام پیامبر است چون او صاحب مکه و شرافت دهنده به آن سرزمین است، یا به جهت شرافت پیامبر بین مقربین و مقدسان عالم مانند شرافت مکه بر سایر سرزمینها یا به جهت آنکه هر کس به پیامبر و اهل بیت او صلوات الله علیهم ایمان بیاورد، از گمراهی در دنیا و عذاب آخرت در امان است، چنانچه هر کس داخل مکه شود ایمن است. ایشان فرموده است: «انا مدینه العلم و علی بابها» من شهر علمم و علی در آن

میتوانیم همین توضیحی را که دادیم، در مورد روایت علی بن ابراهیم نیز اجرا کنیم و اگر چه تشبیه در غیر آن تمام تر است.

ص: 127

اما تأویل انسان به ابی بکر محتمل است، باین جهت که او اکمل افراد و مصداق انسان در ظهور این شقاوت از او است و موجب شقاوت دیگران شده، چنانچه «إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا» به حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام تفسیر شده زیرا او مورد نزول آیه و کاملترین فرد مؤمنین است. احتمال تخصیص نیز در هر دو مورد آیه انسان و «إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا» نیز هست که در این صورت استثناء منقطع خواهد بود و جمع برای تعظیم است، یا داخل بودن سایر ائمه علیهم السّلام در آن.

بیضاوی: در باره «فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ» چه چیز ترا تکذیب میکند ای محمّد! چه کلامی بعد از ظهور این دلائل در جزاء و قیامت. بعضی گفتهاند، ما به معنی مَن است یعنی چه کسی. برخی نیز گفته اند خطاب به انسان است بنا بر التفات. معنی آیه این است، چه چیز ترا وادار به کذب میکند؟. (1)

16. تفسیر فرات: محمد بن فضیل بن یسار از امام رضا علیه السّلام در باره آیه «وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ» پرسیدم، فرمود: تین حسن و زیتون حسین است. گفتم «وَ طُورِ سِینِینَ» فرمود: آن طُورِ سِینِینَ نیست بلکه طور سیناء است و منظور امیر المؤمنین است. گفتم «وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ» فرمود: منظور رسول خداست. سپس مدتی سکوت کرد و بعد فرمود: سؤالاتت را کامل نپرسیدی! گفتم، پدر و مادرم به فدایت «إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» فرمود: امیر المؤمنین و تمام شیعه او هستند «فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ». (2)

17. حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام در تفسیر آیه: «وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ» فرمود: بلد امین پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله است و ما راه آن بلد هستیم. خداوند مردم را در راه آنها از عذاب در امان قرار داده، در صورتی که از پیامبر اطاعت نمایند. (3)

1- . این مطالب را در تفسیر بیضاوی نیافتیم و آنچه موجود است مخالف این است. ر.ک: انوار التنزیل 2 : 667.
2- . تفسیر فرات : 217
3- . همان : 218

18. تفسیر قمی: «إِنَّ اللَّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوی»(1)، {خدا شکافنده دانه و هسته است.} حب این است که علم تراوش از ائمه علیهم السّلام کند. نوی مطالبی است که از آنها فاصله داشته باشد.(2)

19. تفسیر قمی: «وَ الْبَلَدُ الطَّیِّبُ یَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ»، {و زمین پاک [و آماده] گیاهش به اذن پروردگارش برمی آید.}

این مثلی است برای ائمه علیهم السّلام که علم آنها به اذن خدا بروز میکند «وَ الَّذِی خَبُثَ» {و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است مثلی است برای دشمنان اهل بیت علیهم السّلام «لا یَخْرُجُ إِلَّا نَکِداً»(3) {[گیاهش] جز اندک و بی فایده برنمی آید.} علمشان بروز نمیکند مگر آلوده و فاسد.(4)

توضیح: مرحوم طبرسی مینویسد: «وَ الْبَلَدُ الطَّیِّبُ» یعنی زمینی که خاکش خوب است، گیاه و کشت و کار آن بسیار خوب و پر رشد و پاکیزه، بدون رنج و تعب به امر خدا خارج می شود. (به امر خدا را) از آن جهت فرموده تا بهتر بر عظمت و نفوذ اراده بدون رنج و تعب دلالت کند.

«وَ الَّذِی خَبُثَ لا یَخْرُجُ إِلَّا نَکِداً» یعنی زمینی که شوره زار و دارای خاکی بد است، گیاه در آن نمیروید مگر بسیار کم که قابل استفاده نیست. پایان.(5)

مولف: بنا بر تأویل امام علیه السّلام، این آیه مثالی است برای طینت پاک که منشأ علوم و معارف و طاعات و خیرات است و طینت ناپاکی که از آن توقع سودی نیست. این مطلب را روایتی که مرحوم طبرسی از ابن عباس و مجاهد و حسن نقل نموده تأیید میکند که این آیه مثلی است برای مؤمن و کافر و توجه میدهد که تمام زمین از یک جنس است، جز اینکه بعضی از آنها با باران نرم می شود و از آن گیاه خوب میروید و محصول خوب میدهد و بعضی از سرزمین ها شوره زار است که چیزی نمیروید؛ اگر گیاهی نیز بروید قابل استفاده نیست. همچنین تمام دلها گوشت

1- . انعام / 95
2- . تفسیر قمی : 199
3- . اعراف / 58
4- . تفسیر قمی : 219

5- . مجمع البيان 4 : 432

و خون است، بعضی نرم است که موعظه می پذیرد و بعضی سخت و سنگین است که پند و اندرز نمی پذیرد. هر که دلی نرم و ملایم در یاد خدا دارد، خدای را سپاسگزاری کند.(1)

20. تفسیر عیاشي: مفضل گفت: از حضرت صادق علیه السّلام این آیه را پرسیدم: «فالِقُ اَلْحَبِ وَ النَّوی» فرمود: حب مؤمن است و این آیه نیز همان است «وَ أَلْقَیْتُ عَلَیْکَ مَحَبَّةً مِنِّی»(2) {و مهری از خودم بر تو افکندم. } اما نوی کافر است که دور است از حق و آن را نمی پذیرد.(3)

تفسیر عیاشی: صالح بن رزین در روایتی مرفوعه از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(4)

توضیح: از این روایت چنین معلوم می شود که حب صفت مشبهه از محبت است که در کتابهای لغت موجود ثبت نشده است. در کتابهای لغت نوشته شده: (الحب به کسر به معنی محبوب است و به فتح، حب جمع حبه (دانه). بعید نیست که در اینجا جمع حبه باشد به معنی حبه القلب) که سویدای قلب را گویند و اینکه سویدای قلب چون جایگاه محبت است، به این اسم نامیده شده است.

و نوی با واو، فاصله و بُعد است مانند نأی با همزه. شاید منظور اشتقاق نباشد و تفسیری باشد برای نوی به (معنی) همان فاصله ای که در قلب کافر از قبول حق است. با اینکه احتمال دارد در اصل با همزه بوده که در اثر تخفیف با واو تلفظ شده و ابدال گردیده است، گرچه لغویها ذکر نکرده اند.

21. اصول کافی: حضرت باقر علیه السّلام در آیه «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً» فرمود: یعنی اگر استوار بر ولایت علی علیه السّلام باشند، دلهای آنها را مشروب از آب ایمان کنیم. الطریقه در آیه، ولایت علی بن ابی طالب و اوصیاء علیهم السّلام است.(5)

1- . همان
2- . طه / 39
3- . تفسیر عیاشی 1 : 370

4- . همان
5- . اصول کافی 1 : 419

1. تفسیر قمی: حریز از حضرت صادق علیه السّلام در این آیه: «وَ أَوْحی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ» نقل کرد که فرمود: ما نحلی هستیم که خداوند به او وحی کرد «أَنِ اتَّخِذِی مِنَ الْجِبالِ بُیُوتاً» به ما دستور داد،، از مردم عرب برای خود شیعه برگزینیم «مِنَ الشَّجَرِ» و از غیر عرب «وَ مِمَّا یَعْرِشُونَ»(1)، {و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [=الهام غریزی] کرد که از پاره ای کوهها و از برخی درختان و از آنچه داربست [و چفته سازی] می کنند، خانه هایی برای خود درست کن.} و از بردگان آزاد. و آشامیدنی رنگارنگ همان علمی است که از ما برای شما بروز می کند.(2)

2. کنز الفوائد: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه: «وَ أَوْحی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِی مِنَ الْجِبالِ بُیُوتاً وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا یَعْرِشُونَ» فرمود: زنبور چه موقعیتی دارد که به او وحی شود؟ این آیه در باره ما نازل شده، ما آن زنبور عسلیم، ما در زمین به امر خدا اقامت داریم و جبال شیعیان ما و شجر زنان مؤمنند.(3)

3. گفت: این وجه را زیارت جامعه ای که در کتاب مزاری در نجف اشرف دیدم تأیید می کند، با این جملات:

1- . نحل / 68
2- . تفسیر قمی : 362
3- . کنز الفوائد : 127

«اللهم صل علی الفئه الهاشمیه. و المشکاه الباهره النبویه و الدوحه المبارکه الاحمدیه، و الشجره المیمونه الرضیه، التی تنبع بالنبوه و تتفرع بالرساله و تثمر بالامامه، و تغذی ینابیع الحکمه و تسقی من مصفی العسل، و الماء العذب الغدق الذی فیه حیاه القلوب، و نور الابصار الموحی الیه باکل الثمرات، و اتخاذ البیوتات من الجبال وَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا یَعْرِشُونَ السالک سبل ربه التی من رام غیرها ضل و من سلک سواها هلک یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ فِیهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ المستمع الواعی القائل الداعی».(1)
{خداوندا درود فرست بر گروه هاشمی و چراغدان درخشنده نبوی و سایبان بزرگ احمدی و درخت مبارک رضیهای که به سبب نبوت میروید و به رسالت شاخه شاخه میشود و به امامت میوه میدهد و چشمههای حکمت را تغذیه میکند و از صافترین عسل نوشانده میشود و آب گوارای فراوانی که حیات دلها و نور چشمهایی است که به آن، خوردن میوهها و درست کردن خانه هایی از کوهها و از درخت و از آنچه داربست می کنند، وحی شده است. سالک راههای پروردگارش که هر کس غیر آنها را قصد کرد گمراه شد و هر کس راه غیر آنها را رفت هلاک شد از درون شکم آن شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می آید در آن برای مردم درمانی است؛ ای مستمع آگاه گوینده دعوت کننده!}

توضیح: قبلا به استناد اخبار فراوانی که آنچه در قرآن مربوط به غذای جسم و نمو بدن و لذتهای جسمی است، به وضوح گذشت که باطن این آیات در نیروی دل و غذای روح و کمالات نفسی است؛ مانند تأویل آب و نور و روشنایی به علم و حکمت. پس جای تعجب نیست که از ائمه علیهم السّلام تعبیر به زنبور عسل کرده باشند، به جهت ستمی که بین مردم بر آنها کرده اند و پنهان بودن آنچه در دل آنها است از علوم که شفای دلها و دوای سینه ها و غذای ارواح است.

از آنها انواع علوم و معارف و حکمت مختلف که از شمارش خارج است بروز می کند. استبعادی نیز ندارد که از عرب به جبال تعبیر شود، به واسطه استقامت و پافشاری آنها و اجتماع قبایل و همچنین استعاره آوردن از غیر عرب به شجر چون متفرقند و منافع زیاد دارند و کاملا مطیع و با استعدادند. همین طور استعاره مِمَّا

1- . همان

يَعْرِشُونَ برای بردگان، زیرا آنها دنباله رو هستند و گویا ساخته شده اند [برای کار و خدمت دهی] و جهات دیگری که مخفی نیست و همچنین تعبیر از زنان به درخت و شجر، وجهش آشکار است.

4. وجه اول را روایتی که کلینی به اسناد خود از ابن ابی یعفور از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند تأیید میکند که فرمود: در دین خود بترسید و با تقیه دین خود را پنهان نمایید. همانا کسی که تقیه نکند ایمان ندارد. شما مانند زنبور عسل در میان پرندگان، بین مردم هستید؛ اگر پرنده بدانند چه در شکم زنبور عسل است آن را می خورد و اگر مردم هم بدانند چه در دلهای شما است - از محبت به اهل بیت پیامبر- با زبان شما را نابود می کنند و در پنهان و آشکار وسایل نابودی شما را فراهم میکنند. خدا رحمت کند بنده ای را که در ولایت ما استوار است.(1)

5. تفسیر عیاشی: حضرت صادق علیه السّلام بمسعده بن صدقه فرمود: «وَ أَوْحی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِی مِنَ الْجِبالِ بُیُوتاً وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا یَعْرِشُونَ * إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَةً لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ» نحل ائمه هستند و جبال عرب و شجر بردگان آزاد شده «وَ مِمَّا یَعْرِشُونَ» اولاد و برده هایی که آزاد نشده اند، در صورتی که دوستدار خدا و رسول و ائمه باشند.

و آشامیدنی رنگارنگ انواع علم است که ائمه به شیعیان خود می آموزند که «فِیهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ» یعنی در علم شفا برای مردم است که منظور از ناس شیعیان هستند، دیگران خدا می داند چه هستند.

اگر آن طور که خیال میکنند، منظور همان عسلی باشد که مردم میخورند، باید هر بیماری که آن را می خورد شفا یابد، چون خداوند میفرماید: «فِیهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ» هرگز خدا وعده خلاف نمی دهد.

بلکه شفا در علم قرآن است به دلیل این آیه «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ»(2)، {و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم.} پس قرآن برای اهلش بدون شک و تردید شفا و رحمت است و اهل

1- . اصول کافی 2 : 218

2- . اِسراء / 82

قرآن ائمه هدی هستند که در این آیه ذکر شد: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الَّذِینَ اصْطَفَیْنا مِنْ عِبادِنا.»(1)، {سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم به میراث دادیم.}(2)

6. در روایت ابو الربیع شامی از حضرت صادق علیه السّلام در تفسیر «وَ أَوْحی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ» آمده که فرمود: پیامبر است «أَنِ اتَّخِذِی مِنَ الْجِبالِ بُیُوتاً» یعنی ازدواج کن با قریش «وَ مِنَ الشَّجَرِ و در عرب «وَ مِمَّا یَعْرِشُونَ» و در بردگان «یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ»(3) {از درون [شکم] آن شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می آید.} فرمود: انواع علوم «فِیهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ».(4)

7. تفسیر فرات: محمّد بن فضیل گفت که از امام رضا علیه السّلام در باره آیه «وَ أَوْحی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِی مِنَ الْجِبالِ بُیُوتاً» پرسیدم، فرمود: یعنی از قریش. گفتم «وَ مِنَ الشَّجَرِ» فرمود: یعنی از عرب «وَ مِمَّا یَعْرِشُونَ» یعنی از بردگان. گفتم، «فَاسْلُکِی سُبُلَ رَبِّکِ ذُلُلاً»(5)، {راههای پروردگارت را فرمانبردارانه بپوی.} فرمود: منظور راهی است که ما آن را از دین خدا می پیماییم. گفتم، «فِیهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ» فرمود: یعنی آنچه که از علم امیر المؤمنین بروز می کند، آن شفا است همان طور که خدا در این آیه می فرماید: «وَ شِفَاء لِّمَا فِی الصُّدُورِ»(6)، {درمانی برای آنچه در سینه هاست.}(7)

1- . فاطر / 32

2- . تفسیر عیاشی 2 : 263 و 264

3- . نحل / 69

4- . تفسیر عیاشی 2 : 263 و 264

5- . نحل / 69

6- . یونس / 57

7- . تفسیر فرات : 84

1. تفسیر قمی: سوره بن کلیب از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: ما مثانی هستیم که خدا به پیامبر عطا نموده و ما وجه اللّه هستیم که روی زمین بین شما رفت و آمد میکنیم. میشناسد ما را آن کس که شناخته و آنکه به حق ما جاهل است نادان است. هر که ما را بشناسد، در آینده «هنگام مرگ» بهره مند می شود و هر که جاهل به حق ما باشد، به استقبال آتش سوزان میرود.(1)

توضیح: امام فرمود: هر که ما را بشناسد در آینده بهره مند می شود؛ یا منظور هنگام مرگ است که منافع محبت و ولایت آشکار میگردد، یا معرفتی که با دلیل برایش حاصل شده را در هنگام مرگ با چشم مشاهده میکند و برایش یقین محض حاصل میگردد، یا به ثواب های واقعی میرسد.

اما اینکه فرمود ما مثانی هستیم، اشاره است به این آیه: «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ»(2) {و به راستی به تو سبع المثانی [=سوره فاتحه] و قرآن بزرگ را عطا کردیم } که مشهور بین مفسرین این است که سبع مثانی سوره حمد است.

بعضی گفتهاند: هفت سوره بزرگ و بعضی تمام قرآن را گفته اند که به هفت قسمت شده است. مثانی توضیح سبع است و از تثنیه یا ثناء گرفته شده. تمام قرآن مثنی است یعنی الفاظ و قرائت یا قصه ها و مواعظ آن تکرار می شود و یا دارای دو جهت اعجاز و بلاغت است و به صفات عالی و اسماء حسنی، ثنای پروردگار را

1- . تفسیر قمی : 353
2- . حجر / 87

میکند. میتوانیم منظور از مثانی را قرآن بگیریم یا تمام کتب آسمانی، در این صورت «من» به معنی تبعیض آمده است.

اما این قسمت آیه «وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ»، اگر منظور از سبع، آیات یا سوره باشد، عطف کل بر بعض است یا عام بر خاص، اما اگر مراد اجزاء هفتگانه قرآن باشد، عطف صفتی بر صفت دیگر می شود.

این بود آنچه راجع به تفسیر ظاهر آیه گفته شده که بعضی از اخبار نیز شاهد بر آن است.

اما تأویل امام علیه السّلام راجع به بطن آیه، شاید به اعتبار اسمهایشان که دارای هفت اسمند - اگر مکررات را حساب نکنیم - سبعا و هفت نامیده شده، یا به اعتبار اینکه اکثر علوم از هفت نفر آنها (امامان) منتشر شده، به همین جهت خداوند هفت نفر را یاد نموده. در هر صورت مثانی یا از ثناء است که آنها (امامان) خدا را به اندازه طاقت بشری واقعاً ستایش میکنند و یا از تثنیه است که آنها با قرآن، دو امانت پیامبرند - همان طور که مرحوم صدوق گفته است - یا با خود پیامبر؛ و یا اینکه دارای دو جهت هستند، یکی جنبه تقدس و روحانیت و ارتباط خاص با خدا و دیگری ارتباط با مردم به واسطه بشر بودن؛ و شاید تعبیر به سبع شده اند، چون اگر سبع (هفت) دو برابر شود، چهارده خواهد شد که مطابق با عدد معصومین است. یا به این صورت که بین کسی که به او سبع مثانی داده شده (که پیامبر است) با آن چه داده شد که همان سبع مثانی است، مغایرت اعتباری فرض کنیم؛ از جهت نبوت و کمالاتی که خدا به او عنایت کرده معطی است و با قطع نظر از این جهت معطی له است؛ یا واو در «وَ الْقُرْآنَ» بمعنی مَعَ است یعنی با قرآن چهارده می شود، اما در این وجه اشکالی است. ممکن است منظور از سبع در این تأویل نیز سوره باشد و منظور این اخبار آن است که خداوند بر پیامبر به دادن این سوره در مقابل تمام قرآن منت نهاد، چون این سوره مشتمل بر وصف ائمه علیهم السّلام است و ستایش طریقه ایشان و بدگویی از دشمنانشان در آیه: «صِراطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ» تا آخر سوره. پس معنی این است که منظور از مثانی ما هستیم. و از بعضی اخبار احتمال داده

می شود که سبع تفسیر مثانی باشد. در این صورت (مِن) به معنی (مَعَ) یا مِن تعلیلیه است وَ اللّٰهُ یَعْلَمُ و حججه.

2. تفسیر فرات: سماعه گفت: از حضرت صادق علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم: «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ»، فرمود: به خدا قسم ما سبع مثانی هستیم و وجه اللّٰه که میان شما قرار داریم. هر که ما را بشناسد و نشناسد، پیش روی او مرگ خواهد بود.(1)

3. توحید: ابو سلام از بعضی از اصحاب از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: ما مثانی هستیم که خدا به پیامبر عطا نمود و ما وجه الله هستیم که در میان شما در روی زمین در رفت و آمدیم. هر کس ما را بشناسد شناخته است و هر کس نشناسد مرگ در پیش روی اوست.(2)

بصائر الدرجات: همین روایت را از سوره بن کلیب از امام باقر علیه السّلام نقل می کند.(3)

تفسیر عیاشی: همین روایت را از سوره بن کلیب نقل کرده است.(4)

مرحوم صدوق می گوید: معنای نحن المثانی یعنی ما مثانی هستیم، یعنی ما را پیامبر قرین قرآن قرار داده و سفارش نموده که چنگ به قرآن و به ما بزنید و اطلاع داده که از یکدیگر جدا نمیشوند تا در کوثر مرا ملاقات کنند.(5)

4. بصائر الدرجات: هارون بن خارجه گفت: ابوالحسن علیه السّلام به من فرمود: ما مثانی هستیم که به رسول خدا داده شده و ما وجه الله هستیم که در میان شما در رفت و آمدیم. هر کس ما را بشناسد شناخته است و هر کس ما را نشناسد مرگ در پیش روی اوست.(6)

1- . تفسیر فرات : 81
2- . توحید صدوق : 140
3- . بصائر الدرجات : 20
4- . تفسیر عیاشی 2 : 249 و 250
5- . توحید صدوق : 140

6- . بصائر الدرجات : 20

5. بصائر الدرجات: ابو سلام از بعضی اصحاب از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: ما مثانی هستیم که خدا به پیامبرمان عطا کرد و ما وجه الله هستیم که در میان شما در روی زمین در رفت و آمدیم.(1)

6. تفسیر عیاشی: یونس بن عبد الرحمن در روایتی مرفوعه گفت: از حضرت صادق علیه السّلام در تفسیر آیه: «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ» نقل شده: ظاهر آیه حمد است و باطن آن فرزند است و هفتم از آنها قائم است.(2)

7. حسان گفت: از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ» پرسیدم، فرمود: این طور نازل نشده(3) آیه چنین است «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبعَ مَثانِی»(4) که ما همان هستیم «وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ» فرزند فرزند است.(5)

8. تفسیر عیاشی: قاسم بن عروه از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ» نقل کرده که فرمود: هفت امام و قائم.(6)

9. تفسیر عیاشی: سماعه از ابو الحسن علیه السّلام در باره آیه: «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ» نقل کرده که فرمود: (سبع مثانی) به پیامبران داده نشد به جز محمد صلی الله علیه و آله و منظور هفت امامی است که فلک بر حول آنها می گردد «وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ» محمد است.(7)

توضیح: در روایات فوق بیشتر احتمالاتی که در روایت اول این باب ذکر شد وجود دارد، گرچه بعضی از آنها بعید به نظر می رسد و ممکن است این روایات از اخبار واقفه یا بدائیه باشد و در بعضی از روایات ممکن است مراد از سابع، هفتمین امام از امام صادق علیه السّلام به بعد باشد. فلا تغفل.

1- . همان

2- . تفسیر عیاشی 2 : 250

3- . یعنی معنا آن چیزی که تو فکر کردی نیست.

4- . در مصدر اصلی سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی است.
5- . تفسیر عیاشی 2 : 250
6- . همان
7- . همان 2 : 251

10. تفسیر فرات: حسان عامری گفت: از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی» پرسیدم، فرمود: آیه به این صورت نازل نشده بلکه این گونه است «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبعَ مَثانِی»(1) ما هستیم فرزند فرزند و قرآن عظیم علی بن ابی طالب است.(2)

1- . در مصدر اصلی سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی است.
2- . تفسیر فرات : 82

1. تفسیر قمی: عمار از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که از این آیه پرسیدم: «إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِأُولِی النُّهی»(1)، {قطعا در اینها برای خردمندان نشانه هایی است. } فرمود: به خدا قسم ما اولی النهی هستیم، عرض کردم فدایت شوم معنی اولی النهی چیست؟ فرمود: یعنی همان مطالبی که خدا به پیامبرش اطلاع داد که پس از در گذشت او چه کس ادعای خلافت میکند: اولی و بعد دومی و بعد از آنها سومی و بنی امیه.

پیامبر اکرم این جریانها را به علی علیه السّلام اطلاع داد و تمام آنها مطابق اخبار خدا و پیامبر و آنچه علی علیه السّلام به ما فرموده بود واقع شد که خلافت را بعد از او چه کس از بنی امیه و دیگران میگیرند. این است تفسیر همان آیه که در قرآن ذکر شده: «إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِأُولِی النُّهی» ما اولی النهی هستیم که علم این جریانها به ما منتهی شده و به واسطه دستور خدا صبر کردیم، ما ارکان خدا در میان مردم و نگهبانان دین او هستیم که از دشمنان خود حفظ می کنیم و پنهان مینماییم چنانچه پیامبر پنهان بود تا اجازه هجرت به او دادند و با مشرکین جهاد کرد. ما نیز پیرو راه پیامبریم تا خدا اجازه به اظهار دین دهد و با شمشیر مردم را دعوت به دین میکنیم و در این راه شمشیر به کار میبریم چنانچه پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله در ابتدای اسلام به کار برد.(2)

بصائر الدرجات: از ابن محبوب همین روایت را نقل کرده است.(3)

ص: 140

1- . طه / 54
2- . تفسیر قمی : 419 و 420
3- . بصائر الدرجات : 152

کنز الفوائد: از ابن محبوب همین روایت را نقل کرده است.(1)

مناقب آل ابی طالب: از عمار بن مروان همین روایت را نقل کرده است.(2)

توضیح: مشهور این است که نهی جمع نهیه بضم است به معنی عقل. «اولی النهی» یعنی صاحبان عقل، چون عقل صاحب خود را از کار زشت باز می دارد.

اما از روایت چنین معلوم می شود که از (انتها) مشتق شده و استبعادی ندارد، شاید منظور مفهوم آیه است نه مأخذ اشتقاق.

1- . کنز الفوائد : 174 نسخه رضویه
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 343

1. بصائر الدرجات: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در آیه: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ»(1) ، {بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که پندپذیرند.} نقل کرد که فرمود: ما کسانی هستیم که دارای علمیم و دشمنان ما نادانند و شیعیان ما اولوا الالباب (خردمندان).(2)

2. بصائر الدرجات: محمد بن مروان: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم، «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ» تا آخر آیه، مثل همان را فرمود.(3)

کنز الفوائد: مجاهد از جابر از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(4) و با سند دیگر یوسف بن یعقوب از جابر همین روایت را نقل کرده است.(5)

تفسیر فرات: از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(6)

3. بصائر الدرجات: علی بن اسباط از پدر خود نقل کرد که گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودیم، مردی از اهالی هیت معنی آیه: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي

1- . زمر / 9
2- . بصائر الدرجات : 17
3- . همان
4- . کنز الفوائد : 289 نسخه رضویه
5- . همان
6- . تفسیر فرات : 137

الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ» را پرسید، فرمود: ما کسانی هستیم که می دانیم و دشمنان ما نادانند و شیعیان ما خردمندان.(1)

مناقب آل ابی طالب: از امام باقر و امام صادق علیهما السّلام همین روایت را نقل کرده است.(2)

4. بصائر الدرجات: ابو بصیر گفت: از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ» تا آخر آیه پرسیدم، فرمود: ما کسانی هستیم که می دانیم و دشمنانمان نادانند و شیعیان ما خردمندان.(3)

بصائر الدرجات: با همین سند از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(4)

5. بصائر الدرجات: اسباط بن سالم از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(5)

بصائر الدرجات: بطائنی از ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(6)

6. بصائر الدرجات: عبد الله بن عمید از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(7)

7. بصائر الدرجات: جابر جعفی از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(8)

8. کافی: عمار ساباطی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام این آیه را پرسیدم: «وَ إِذا مَسَّ الْإِنْسانَ ضُرٌّ دَعا رَبَّهُ مُنِيباً إِلَيْهِ»، {و چون به انسان آسیبی رسد

1- . بصائر الدرجات : 17
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 343
3- . بصائر الدرجات : 17

4- . همان
5- . همان
6- . همان
7- . همان
8- . همان

پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت کننده است می خواند.}
فرمود: در باره ابو الفصیل (ابوبکر) نازل شده، او پیامبر اکرم را ساحر میدانست و وقتی مبتلا به بیماری میشد (اذا مسّه الضر) با زاری و تضرع خدا را میخواند و از عقیده خود نسبت به پیامبر توبه میکرد، «ثُمَّ إِذا خَوَّلَهُ نِعْمَهً مِنْهُ» {سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطا کند} اما وقتی خوب میشد، «نَسِیَ ما کانَ یَدْعُوا إِلَیْهِ مِنْ قَبْلُ» {آن [مصیبتی] را که در رفع آن پیشتر به درگاه او دعا می کرد فراموش می نماید} توبه خود راجع به ساحر خواندن پیامبر را فراموش می کرد، به همین جهت خداوند میفرماید: «قُلْ تَمَتَّعْ بِکُفْرِکَ قَلِیلاً إِنَّکَ مِنْ أَصْحابِ النّارِ» {بگو به کفرت اندکی برخوردار شو که تو از اهل آتشی} یعنی به چند روز خلافت بدون استحقاق بر مردم.

آنگاه حضرت صادق علیه السّلام فرمود: خداوند سخن را به جانب علی و فضل و مقامش در نزد خدا برمیگرداند و میفرماید: «أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّیْلِ ساجِداً وَ قائِماً یَحْذَرُ الْآخِرَهَ وَ یَرْجُوا رَحْمَهَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ» {[آیا چنین کسی بهتر است] یا آن کسی که او در طول شب در سجده و قیام اطاعت [خدا] می کند [و] از آخرت می ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد. بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند.} کسانی که میدانند محمّد رسول خدا است وَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ و کسانی که نمیدانند محمد رسول خداست [آیا یکسانند؟] و اینکه او را ساحر و دروغگو میدانند «إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ»(1) فرمود: تأویل آیه چنین است.

توضیح: خواهد آمد که از ابا بکر به ابی الفصیل تعبیر شده چون معنی بکر و فصیل به هم نزدیک است. سید شریف در بعضی تعلیقات خود نوشته است، در کنیه گاهی معانی اصلی در نظر گرفته می شود، چنانچه نقل شده که در بعضی از جنگها، مشرکین ابا بکر را ابو الفصیل صدا میزدند. پایان

1- . زمر / 8 و 9

باید توجه داشت که این آیه از بزرگترین دلیلها بر امامت ائمه ما است به جهت اتفاق تمام امت بر اینکه آنها عالم ترین افراد در زمان خود، مخصوصا نسبت به خلفای هم عصر خود بوده اند.

9. کنز الفوائد: فضیل از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ وَ ما یَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ»(1)

، {و این مثلها را برای مردم می زنیم و[لی] جز دانشوران آنها را درنیابند} فرمود: ما عالمون هستیم.(2)

10. تفسیر عیاشی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ ما أُوتِیتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِیلًا»(3)، {و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.} نقل کرد که فرمود: تفسیر آیه در باطن این است که علم داده نشده، مگر به اندکی از مردم. سپس فرمود: «وَ ما أُوتِیتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِیلًا» یعنی به اندکی از شما.(4)

توضیح: بنا بر این تفسیر، استثناء از ضمیر مخاطب است.

11. کنز الفوائد: برید از حضرت باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ»(5)، {بلکه

[قرآن] آیاتی روشن در سینه های کسانی است که علم [الهی] یافته اند} نقل کرد که فرمود: ما را قصد نموده.(6)

12. کنز الفوائد: ابن عباس در آیه «إِنَّما یَخْشَی اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ»(7)، {از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می ترسند.} گفت: منظور علی است که عالم به خدا بود و از او از او میترسید و مراقب پروردگار بود و عمل به واجبات مینمود، و در راه خدا جهاد میکرد، و پیرو تمام دستورات بود، و جویای خشنودی خدا و پیامبر بود.(8)

1- . عنکبوت / 43
2- . کنز الفوائد : 240 نسخه رضویه
3- . اِسراء / 85
4- . تفسیر عیاشی 2 : 317

5- . عنكبوت / 49
6- . كنز الفوائد : 240 نسخه رضويه
7- . فاطر / 28
8- . كنز الفوائد : 251

آیات

- إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ * وَ إِنّها لَبِسَبِیلٍ مُقِیمٍ.(1)، {به یقین در این [کیفر] برای هوشیاران عبرتهاست و [آثار] آن [شهر] هنوز بر سر راهی [دایر] برجاست. }

تفسیر: این آیه بعد از قصه لوط واقع شده. مرحوم طبرسی نوشته است: در داستان لوط و هلاک شدن قوم او نشانه هایی است برای اندیشمندان. بعضی گفته اند برای هوشیاران.

متوسّم کسی است که با علامت و نشانه مطالبی را درک میکند: «توسم فیه الخیر» یعنی علامت خوبی و نیکی در او دیده شد و مجاهد گفته است: به خبر صحیح از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله رسیده که فرمود: «اتقوا فراسه المؤمن فإنه ینظر بنور اللّه» از هوشیاری مؤمن بترسید که او با نور خدا میبیند و فرموده است: خدا بندگانی دارد که مردم را با توسم و یک نگاه میشناسند، بعد همین آیه را قرائت نمود.

از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده که فرمود: ما متوسمین هستیم و راه در میان ما قرار داده شده و سبیل در آیه، راه بهشت است «وَ إِنّها لَبِسَبِیلٍ مُقِیمٍ» معنی آیه این است که شهر لوط راهی دارد که مردم از آن راه در پی نیازهای خود میروند

1- . حجر / 75 و 76

و توجه به آثار آن شهر نموده، عبرت میگیرند. منظور شهر سدوم است. قتاده گفته، قریه های لوط بین مدینه و شام قرار دارد.(1)

1. بصائر الدرجات: عبد الرحمن بن کثیر گفت: در خدمت حضرت صادق علیه السّلام به حج رفتم. در بین راه بر فراز کوه رفت و مردم را تماشا کرده فرمود: چقدر داد و فریاد زیاد است ولی حاجی کم است. داود رقی عرض کرد، یابن رسول اللّه! آیا دعای این جمعیت که میبینم مستجاب می شود؟

فرمود: وای بر تو ابا سلیمان! خداوند کسی را که شریک برایش قرار دهد نمی آمرزد؛ منکر ولایت علی مانند بت پرست است.

عرض کردم فدایت شوم، شما دوستان و دشمنان خود را میشناسید؟

فرمود: ابا سلیمان! هر بنده ای که متولد شود، در پیشانی او نوشته است: مؤمن یا کافر. شخص پیش ما می آید مدعی ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما است و در پیشانی او نوشته است: مؤمن است یا کافر. خداوند در این آیه میفرماید: «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» ما دوست را از دشمن تشخیص میدهیم.(2)

الاختصاص: همین روایت را از عبد الرحمان بن کثیر نقل کرده است.(3)

2. الاختصاص، بصائر الدرجات: هشام از سلیمان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که مردی سؤال کرد: آیا به امام آن مطالبی که به سلیمان پیامبر داده شده بود، داده شده است؟ فرمود: آری و جریان چنین است که مردی از او سؤالی کرد، جوابش را داد. بعد مرد دیگری همان سؤال را نمود، جوابی غیر از جواب اول داد. به شخص سوم که سؤال از همان مسأله کرد، جوابی غیر از دو جواب اول داد. (این تغییر جوابها به واسطه تغییر اعتقادی سئوال کننده بود که هر کدام مذهبی داشته اند به همین جهت امام به این آیه استدلال میکند).

سپس فرمود: «هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَعطِ(4)

بِغَیْرِ حِسابٍ»(5)، {[گفتیم]

این بخشش ماست [آن را] بی شمار ببخش یا نگاه دار.} در قرائت علی علیه السلام

1- . مجمع البیان 6 : 342 و 343
2- . بصائر الدرجات : 105
3- . الاختصاص : 303
4- . در الاختصاص آیه این گونه آمده است «هذا عَطاؤُنا فَامْسِک أَوْ أَعطِ بِغَیْرِ حِسابٍ» و قرائت مشهور این گونه است «هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِکْ بِغَیْرِ حِسَابٍ».
5- . ص / 39

همین گونه است. عرض کردم: آقا! زمانی که این جواب را به آنان داد، امام آنان را میشناسد؟ فرمود: سبحان اللّه مگر این آیه را نشنیده ای: «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» که متوسمین ائمه هستند «وَ إنّها لَبِسَبِیلٍ مُقِیمٍ» که از ائمه علیهم السّلام هرگز خارج نمیشود.

سپس فرمود: آری، وقتی امام چشم به شخصی بیاندازد، او را میشناسد که دارای چه مذهب و عقیدهای است؛ اگر صدایش را از پشت دیوار بشنود باز میداند صاحب صدا چه مذهبی دارد. زیرا خداوند میفرماید: «وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافُ أَلْسِنَتِکُمْ وَ أَلْوانِکُمْ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْعالِمِینَ»(1)، {و از نشانه های [قدرت] او، آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای شما و رنگهای شماست. قطعا در این [امر نیز] برای دانشوران نشانه هایی است. } که آنها علماء هستند. امام صدای هر شخص و لهجه هر که را بشنود، می فهمد او اهل نجات است یا هلاکت به همین جهت جواب هر کدام را مطابق راهی که میرود میدهد.(2)

توضیح: تعبیر «أَوْ أَعطِ» بنا بر این قرائت، المَنّ به معنی قطع است همانطور که در این آیه گفته شده است «لَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ».(3) بعد از عبارت لا یخرُجُ، یا مِنها آمده که منظور آیات از سبیل است، یا مِنّا آمده که منظور سبیل از ائمه علیهم السّلام است، و اظهر مِنّا است.

3. بصائر الدرجات: محمّد بن مقرن از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که فرمود: ما دارای چشمهایی هستیم که شبیه چشم مردم نیست و نوری در چشم ما است که شیطان نمیتواند در آن رخنه کند.(4)

1- . روم / 22
2- . بصائر الدرجات : 106، الاختصاص : 306
3- . فصلت / 8
4- . بصائر الدرجات : 124

4. تفسیر عیاشی: عبد الرحمن بن سالم در آیه: «لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» فرمود: آنها اوصیاء از آل محمّدند.(1)

5. تفسیر عیاشی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: در امام علاماتی است برای متوسمین و اوست راه استوار که به نور خدا می بیند و از جانب خدا سخن میگوید. چیزی که بخواهد از او مخفی نیست.(2)

توضیح: عبارت إنّ فی الإمام یعنی آیه «لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» در باره او نازل شده است و او صاحب راه استوار است (بنا بر حذف مضاف) یا اینکه مراد از ذلک اشاره به امام است و در او نشانههایی است که بر امامت او برای متوسمین از شیعیانش دلالت می کند و آیات در امامی است که راه به سوی خداست که تغییر نمی کند و باطل نمی گردد.

6. الاختصاص: عمرو بن شمر از جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که روزی امیر المؤمنین علیه السّلام در مسجد کوفه بو، زنی وارد شد و از شوهر خود شکایت نمود. علی علیه السّلام به نفع شوهر حکم کرد. زن با خشم تمام گفت، به خدا قسم در این قضاوت حق را رعایت نکردی و به عدالت در بین مردم رفتار ننمودی و مساوات را در نظر نگرفتی، خدا از چنین قضاوتی راضی نیست. علی علیه السّلام به دقت در او نگاه کرده فرمود: دروغ گفتی! زن بی حیا و بد زبان و تندخو؛ زنی که مانند سایر زنان باردار نمیشود.

از شنیدن این سخنان زن با ترس و واویلا گویان برگشت با خود میگفت، پرده مرا که مستور بود گشادی ای پسر ابو طالب! عمرو بن حریث(3) از پی آن زن رفت و به او گفت، سخنی با علی گفتی که مرا شاد کرد اما او در جواب ترا چنان سرزنش نمود که با واویلا برگشتی و فرار کردی.

گفت: به خدا قسم علی واقع را بیان کرد و خبر از مطلبی داد که من آن را از شوهرم از وقتی با من ازدواج کرد پنهان داشته بودم و همچنین از پدر و مادرم.

1- . تفسیر عیاشی 2 : 247 و 248

2- . همان 2 : 247

3- . مخزومی از مخالفین علی علیه السّلام بود.

عمرو بن حریث به خدمت علی علیه السّلام آمد و سخنان زن را نقل نموده گفت، من سابقه کهانت از شما نداشتم.

علی علیه السّلام فرمود: وای بر تو! این کهانت نیست. خداوند ارواح را دو هزار سال قبل از بدنها آفرید. وقتی روح ها را در بدن ها ترکیب نمود، در پیشانی آنها رقم زد که مؤمن است یا کافر، و آنچه گرفتار خواهند شد، و هر کار خوب یا بدی که انجام می دهند در یک سطح کوچکی به اندازه گوش یک موش. آنگاه در این مورد آیهای بر پیامبر اکرم نازل کرد: «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» پیامبر اکرم متوسم بود من نیز بعد از او متوسم هستم و ائمه از فرزندان من متوسمین هستند. وقتی دقت کردم، از چهره و پیشانیش متوجه آنچه در این زن بود شدم.(1)

توضیح: «السلفع» یعنی بدکاره تندخو. این را فیروز آبادی ذکر کرده و گفته است «سلقه بالکلام» یعنی اذیت کرد او را و «سلق فلانا» یعنی به او طعنه زد و فیروز آبادی این را ذکر نکرده است. و همچنین السلسع که در خبر بعدی آمده را ذکر نکرده است. عبارت «نَزَع لک» استعاره از «نَزَع فی القوس» زمانی که کمان را بکَشد، است و در خبر بعدی عبارت نَزَغک است. نَزَغه یعنی به او طعنه زد.

7. کنز الفوائد: عمار بن ابی مطروف از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: در پیشانی هر کسی نوشته شده مؤمن است یا کافر، اما کسی جز ائمه و اوصیاء اطلاع ندارند و از ایشان پوشیده نیست. بعد این آیه را تلاوت نمود: «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» و فرمود: ما متوسمین هستیم. به خدا سوگند هر کس پیش ما بیاید، با همین علامت او را میشناسیم.(2)

8. مناقب آل ابی طالب: از امیر المؤمنین علیه السّلام در مورد آیه: «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» نقل شده که فرمود: پیامبر اکرم متوسم بود و ائمه از ذریه من متوسمین هستند تا روز قیامت «وَ إِنّها لَبِسَبِیلٍ مُقِیمٍ» آن سبیل مقیم وصی پیامبر است صلی اللّٰه علیه و آله. پایان خبر.(3)

1- . الاختصاص : 302
2- . کنز الفوائد : 125

3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 404

9. امالی طوسی: امام هادی علیه السّلام از پدرانش علیهم السّلام از امام باقر علیه السّلام نقل میکند که فرمود: از هوشیاری مؤمن بترسید که او با نور خدا میبیند سپس این آیه را تلاوت کرد: «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ». (1)

10. تفسیر قمی: «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ * وَ إِنّها لَبِسَبِیلٍ مُقِیمٍ» فرمود: ما متوسمین هستیم و راه در میان ما قرار داده شده و سبیل راه بهشت است. (2)

11. مناقب آل ابی طالب: همین روایت را بیّاع الزطی و اسباط بن سالم (3) و عبد الله بن سلیمان از امام صادق علیه السّلام و محمد بن مسلم و جابر از امام باقر علیه السّلام نقل کرده اند.

12. داود از امام باقر علیه السّلام سؤال کرد: آیا شما دوستان و دشمنان خود را می شناسید؟

فرمود: آری داود، دشمنمان پیش ما نمی آید مگر اینکه در پیشانی او نوشته است کافر و نه دوست ما مگر اینکه میبینیم که در پیشانی او نوشته شده است مؤمن.

این است تفسیر آیه: «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» ما متوسمین هستیم داود! (4)

13. عیون اخبار الرضا علیه السّلام: حسن بن جهم از حضرت رضا علیه السّلام پرسید: از چه راه شما خبر میدهید که چه در دل مردم هست؟ فرمود: مگر این فرمایش پیامبر را نشنیده ای: اتقوا فراسه المؤمن فإنه ینظر بنور اللَّه از هوشیاری مؤمن بترسید که او با نور خدا میبیند. عرض کرد: چرا.

فرمود: هر مؤمنی دارای فراست و هوشیاری مخصوصی است که به نور خدا می بیند. او به اندازه ایمان و مقدار بینش و دانش خود میبیند. خداوند آنچه بین تمام مؤمنین منتشر نموده، به ائمه علیهم السلام همه آنها را داده و در قرآن فرموده است:

1- . امالی طوسی : 184
2- . تفسیر قمی : 353
3- . ظاهرا اسباط بن سالم و بیاع الزطی یک نفر هستند.
4- . مناقب آل ابی طالب 3 : 344

«إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» اولین متوسم پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله بود. سپس علی بن ابی طالب، بعد از او آنگاه حسن و حسین علیهما السّلام و بعد ائمه از فرزندان حسین علیه السّلام تا روز قیامت ...(1)

14. بصائر الدرجات: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: روزی امیر المؤمنین علیه السّلام در حالی که به شمشیرش تکیه زده بود و سپر خود را به پشت انداخته بود، در مسجد کوفه نشسته بود. زنی وارد شد و از شوهر خود شکایت نمود. علی علیه السّلام به نفع شوهر حکم کرد. زن با خشم تمام گفت، به خدا قسم در این قضاوت حق را رعایت نکردی و به عدالت در بین مردم رفتار ننمودی و مساوات را در نظر نگرفتی، خدا از چنین قضاوتی راضی نیست. علی علیه السّلام خشمگین شد و به دقت در او نگاه کرده فرمود: دروغ گفتی، زن بی حیا و بد زبان تندخو. ای سلسع (زنی که مانند سایر زنان حیض نمیشود). از شنیدن این سخنان زن با ترس و واویلا گویان برگشت. عمرو بن حریث از پی آن زن رفت و به او گفت، سخنی با علی گفتی که مرا شاد کرد اما او در جواب ترا چنان سرزنش نمود که با واویلا برگشتی و فرار کردی. زن گفت: به خدا قسم علی واقع را بیان کرد. به خدا سوگند من مانند سایر زنان حیض نمی بینیم. عمرو بن حریث به خدمت علی علیه السّلام آمد و گفت، من سابقه کهانت از شما نداشتم. علی علیه السّلام فرمود: وای بر تو، این کهانت نیست. خداوند ارواح را دو هزار سال قبل از بدنها آفرید سپس در پیشانی آنها رقم زد که مؤمن است یا کافر، آنگاه در این مورد آیه بر پیامبر اکرم نازل کرد: «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» پیامبر اکرم از متوسمین بود، من نیز بعد از او متوسم هستم و ائمه از فرزندان من متوسمین هستند.(2)

15. تفسیر عیاشی: جابر جعفی از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(3)

1- . عیون اخبار الرضا علیه السّلام : 324

2- . بصائر الدرجات : 104

3- . تفسیر عیاشی 2 : 248 و 249. بین این روایت و روایتی که از بصائر الدرجات نقل شده است اختلافاتی وجود دارد.

16. الاختصاص، بصائر الدرجات: ابو بکر حضرمی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: هر انسانی در پیشانیش نوشته است: مؤمن است یا کافر، این مطلب از دیده شما پنهان است ولی ائمه از آل محمّد صلی اللّه علیه و آله آن را می بینند.

هر کس وارد بر آنها شود، آنها میشناسند که مؤمن است یا کافر. بعد این آیه را خواند: إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ ائمه علیهم السّلام متوسمین هستند.(1)

17. الاختصاص، بصائر الدرجات: بیاع الزطی گفت، خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم. مردی از اهل هیت وارد شده و از این آیه: «إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ * وَ إِنّها لَبِسَبِیلٍ مُقِیمٍ» سؤال کرد، حضرت فرمود: ما متوسمین هستیم و سبیل و راه در ما استوار است.(2)

بصائر الدرجات: علی بن اسباط از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(3)

توضیح: شاید معنی کلام حضرت این باشد که این علامات در راه استواری حاصل می شوند که ثابت در ماست که منظور همان امامت است، یا مشتمل بر این راه استوار است، یا اینکه علامات بر راه ثابت قرار دارند که منظور راه به سوی خدا و دین حق است. بنا بر هر کدام از این احتمالات، شاید ذٰلِکَ اشاره به قرآن باشد.

18. الاختصاص، بصائر الدرجات: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» نقل می کند که فرمود: منظور ائمه است رسول خدا فرمود: از هوشیاری مؤمن بترسید زیرا او با نور خدا می بیند. (در تفسیر آیه «إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ».(4))

توضیح: عبارت فی قوله را برای تفسیر این آیه آورده است.

1- . الاختصاص : 302، بصائر الدرجات : 103
2- . الاختصاص : 303، بصائر الدرجات : 104
3- . بصائر الدرجات : 104

4- . الاختصاص : 306 و 307، بصائر الدرجات : 104

بصائر الدرجات: از حماد مانند این روایت را نقل کرده است، فقط در آخر آن عبارت لقول الله دارد.(1)

تفسیر عیاشی: از محمد بن مسلم همین روایت را نقل کرده است.(2)

19. بصائر الدرجات: معروف بن خربوذ از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» نقل کرد که فرمود: منظور ما هستیم.(3)

20. بصائر الدرجات: اسباط بن سالم گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم. مردی از اهل هیت وارد شده گفت: خدا خیرخواه شما باشد، این آیه چه معنی دارد: «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» فرمود: ما متوسمین هستیم و سبیل و راه در ما استوار است.(4)

تفسیر عیاشی: از اسباط همین روایت را نقل کرده است.(5)

توضیح: هیت بالکسر شهری است در کنار فرات.

21. بصائر الدرجات: سلمان فارسی رحمه اللّه علیه گفت: شنیدم امیر المؤمنین علیه السّلام در تفسیر آیه: «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ» میگفت: پیامبر اکرم به چهره اشخاص که نگاه میکرد آنها را می شناخت و من بعد از او متوسم هستم، ائمه از ذریه من متوسمین هستند تا روز قیامت.(6)

1- . بصائر الدرجات : 104
2- . تفسیر عیاشی 2 : 247
3- . بصائر الدرجات : 104
4- . همان
5- . تفسیر عیاشی 2 : 247
6- . بصائر الدرجات : 104

باب چهل و سوم: آیه «وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ تا وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً» در باره آنها نازل شده است

مولف: مرحوم طبرسی در تفسیر آیه: «یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً»(1) {روی زمین به نرمی گام برمی دارند} یعنی با سکینه و وقار و فرمانبردار، نه با خودخواهی و خودپسندی و تکبر و تبهکاری.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: هو الرجل الذی یمشی بسجیه التی جبل علیها لا یتکلف و لا یتبختر. یعنی شخصی است که در موقع راه رفتن طبق سرشت و طینت خود راه میرود، نه راه رفتن ساختگی و از روی تکبر.

بعضی گفتهاند: بردباران و دانشمندان که نادانی نمیکنند گر چه بر آنها نادانی شود: «وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا قُرَّهَ أَعْیُنٍ» {و کسانی اند که می گویند پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد}(اگر) ببینیم مطیع خدایند، در دنیا با خوبی و کردار نیک آنها خوشحال میشویم و در آخرت با به بهشت رفتن ایشان. «وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً»(2)، {ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.} یعنی خدایا ما را از کسانی قرار ده که پرهیزگاران از ما بیاموزند. و در قرائت اهل بیت علیهم السّلام، و اجعل لنا من المتقین اماما است.(3)

1. مناقب آل ابی طالب: سعید بن جبیر در باره آیه: «وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا» گفت: این آیه اختصاص به امیر المؤمنین علی علیه السّلام

1- . فرقان / 63
2- . همان / 74
3- . مجمع البیان 7 : 179 تا 181

دارد. ایشان در بیشتر دعاهای خود میگفت: «رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا» یعنی فاطمه زهرا علیها السلام «وَ ذُرِّیّاتِنا» حسن و حسین علیهما السّلام «قُرَّةَ أَعْیُنٍ». امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: به خدا قسم از خدا فرزند زیبا و خوش قد و قامت نخواستم ولی تقاضا کردم فرزندی مطیع خدا و بیمناک و پرهیزگار عنایت فرماید تا هر وقت چشمم به او افتاد که فرمانبردار خدا است خرسند شوم.

گفته است: «وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً» فرمود: پیروی کنیم از پرهیزگاران پیش از ما و پرهیزگاران بعد از ما، از ما پیروی کنند : «أُوْلئِکَ یُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِما صَبَرُوا»(1) {اینانند که به پاس آنکه صبر کردند غرفه[های بهشت را] پاداش خواهند یافت.} یعنی علی بن ابی طالب و حسن و حسین و فاطمه.

«ویُلَقَّوْنَ فِیها تَحِیَّةً وَ سَلاماً * خالِدِینَ فِیها حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاماً»(2)،

{و در آنجا با سلام و درود مواجه خواهند شد، در آنجا جاودانه خواهند ماند؛ چه خوش قرارگاه و مقامی.}(3)

2. تفسیر قمی: «وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً» در باره ائمه علیهم السّلام نازل شده است. زراره از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در مورد:

«وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً» فرمود: ائمه در زمین از ترس دشمنان خود با آرامش راه میروند.(4)

3. تفسیر قمی: سلیمان بن جعفر گفت: از حضرت ابو الحسن علیه السّلام در مورد آیه: «وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً وَ إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً * وَ الَّذِینَ یَبِیتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّداً وَ قِیاماً»(5)، {و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند و آنانند که در حال سجده یا ایستاده

1- . فرقان / 75

2- . همان / 75 و 76
3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 152 و 153
4- . تفسیر قمی : 467
5- . فرقان / 63 و 64

شب را به روز می آورند.} فرمود: آنها ائمه هستند که از راه رفتن خود روی زمین بیمناک هستند.(1)

4. تفسیر قمی: جعفر بن ابراهیم از حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السّلام نقل کرد که فرمود: آیه: «وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا قُرَّهَ أَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً» در خدمت حضرت صادق علیه السّلام خوانده شد، آن جناب فرمود: چیز بزرگی از خدا خواسته اند که پیشوای متقین باشند. عرض کرد چگونه یابن رسول الله؟

فرمود: چون خداوند این طور نازل کرده: «وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا قُرَّهَ أَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً».(2)

5. تفسیر قمی: ابان بن تغلب گفت، از حضرت صادق علیه السّلام این آیه را پرسیدم: «وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا قُرَّهَ أَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً» فرمود: ما آن اهل بیت هستیم.

دیگری روایت کرده: «أَزْواجِنا» خدیجه «ذُرِّیّاتِنا» فاطمه «قُرَّهَ أَعْیُنٍ» حسن و حسین «وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً» علی بن ابی طالب است.(3)

تفسیر فرات: با اسناد خود از ابان بن تغلب همین روایت را تا عبارت اهل البیت نقل کرده است.(4)

توضیح: از ظاهر خبر چنین استفاده می شود که این دعای پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله بوده، در این صورت علی بن ابی طالب علیهما السّلام تفسیر متقین است. احتمال میرود که دعا از هر دو باشد که در خبر با دعای پیامبر تطبیق شده، اما دعای حضرت علی علیه السّلام را به جهت آشکار بودن ذکر نکرده چون همسرش فاطمه و ذریه اش حسن و حسین و سایر ائمه صلوات الله علیهم هستند؛ اما

1- . تفسیر قمی : 467
2- . همان : 468 و 469
3- . همان : 469
4- . تفسیر فرات : 106

چون امامت در پیامبر صلی اللَّه علیه و آله آشکار بود، مسأله امامت را در مورد حضرت علی علیه السّلام ذکر نمود.

جای استبعاد نیست که این تأویل بنا بر قرائت اهل بیت باشد که وَ اجْعَلْ لَنا است، اگر حکایت کلام پیامبر صلی اللَّه علیه و آله باشد، منظور این است که برای من از میان متقین وصی و جانشینی قرار بده و احتمال عمومیت نیز هست تا شامل بقیه مؤمنین نیز بشود، و اینکه پیامبر صلی اللَّه علیه و آله را نام برده به جهت ذکر اکمل افراد بوده است.

6. کنز الفوائد: ابن عباس در باره آیه «وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا» تا آخر آیه گفت: در باره علی بن ابی طالب علیهما السّلام نازل شده است.(1)

7. کنز الفوائد: ابو الجارود از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا تا وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً» نقل می کند که فرمود: منظور هدایت شدگانی است که به واسطه ما هدایت می شوند و این هدایت فقط برای آل محمد صلوات الله علیهم است.(2)

8. کنز الفوائد: ابو بصیر گفت: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم، «وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً» فرمود: سوال بزرگی از پروردگارت پرسیدی، همانا این آیه این گونه است وَ اجْعَلْ لَنا مِن المُتَّقِینَ إِماماً و منظور ما هستیم.(3)

9. کنز الفوائد: ابو سعید خدری در باره آیه «رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیَّاتِنا قُرَّةَ أَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً» از پیامبر نقل می کند که به جبریل فرمود: منظور از «مِنْ أَزْواجِنا» کیست؟ گفت خدیجه علیها السّلام. فرمود وَ ذُرِّیَّاتِنا؟ گفت فاطمه علیها السّلام. فرمود «قُرَّةَ أَعْیُنٍ»؟ گفت حسن و حسین علیهما السّلام. فرمود «وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً»؟ گفت علی بن ابی طالب علیه السّلام.(4)

1- . کنز الفوائد : 214 نسخه رضویه
2- . همان
3- . همان
4- . همان

تفسیر فرات: علی بن حمدون به اسناد خودش از ابو سعید همین روایت را نقل کرده است.(1)

توضیح: شاید تفسیر «قُرَّةَ أَعْيُنٍ» به حسنین علیهما السّلام به این جهت است که یکی از اسباب قره العین بودن فاطمه علیها السّلام برای پیامبر صلی اللّه علیه و آله، ولادت حسنین علیهما السّلام از فاطمه علیها السّلام است. یا اینکه «مِن» برای ابتدا باشد نه برای تبعیض؛ یعنی به ما نور چشمانی به سبب همسران و فرزندانمان ببخش.

10. کنز الفوائد: محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: آیات از وَ عِبادُ الرَّحْمنِ تا «حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاماً»(2)

اختصاص به اوصیاء دارد.(3)

11. اصول کافی: محمّد بن نعمان از سلام نقل کرد که از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْناً» پرسیدم، فرمود: آنها اوصیاء هستند که از ترس دشمنان خود چنین راه میروند.(4)

ص: 159

1- . تفسیر فرات : 106
2- . فرقان / 63 - 76
3- . کنز الفوائد : 212 نسخه رضویه
4- . اصول کافی 1 : 427

باب چهل و چهارم: ائمه علیهم السّلام در قران شجره طیبه و دشمنان آنها شجره خبیثه هستند

آیات

- «أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ * تُؤْتِی أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ * وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ(1)»،

{آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است میوه اش را هر دم به اذن پروردگارش می دهد و خدا مثلها را برای مردم می زند شاید که آنان پند گیرند و مثل سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد. }

تفسیر: مرحوم طبرسی در مجمع البیان مینویسد: «كَلِمَةً طَيِّبَةً» توحید است، بعضی گفتهاند، هر کلامی که خدا به آن امر کرده، آن را طیبه نامیده، چون پاک و پر برکت است و برای صاحب آن موجب خیرات و برکات می شود. «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ» یعنی درخت پربرکت که ریشه هایش به اعماق زمین رفته و شاخه ها و میوه هایش به آسمان بر آمده. منظور مبالغه در بلندی آن است که اصل درخت و ریشه آن در زمین و شاخه های آن به آسمان بالا رفته، جز اینکه از ریشه میتوان به شاخه رسید. بعضی گفته اند منظور درخت خرما است. بعضی گفته اند درختی است در بهشت.

1- . ابراهیم / 24 - 26

ابن عقده از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرده که شجره پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله است و حدیث را مطابق آنچه به روایت جابر خواهد آمد، ادامه داده.

سپس مینویسد: از ابن عباس روایت شده که جبرئیل به پیامبر اکرم گفت: تو درختی و علی شاخه آن و فاطمه برگش و حسن و حسین میوه اش.

بعضی گفته اند: منظور درختی است که دارای چنین مزایایی است گر چه در دنیا وجود نداشته باشد اما صفت آن معلوم است، و گفته اند: منظور از کلمه طیبه ایمان و شجره طیبه مؤمن «تُؤْتِی أُکُلَها» یعنی این درخت میوه خود را «کُلَّ حِینٍ» در هر شش ماه خارج میکند؛ حضرت باقر علیه السّلام فرموده، در هر سال یا در هر وقت.

گفته اند: معنی «تُؤْتِی أُکُلَها کُلَّ حِینٍ بِإِذْنِ رَبِّها» منظور مطالبی است که ائمه علیهم السّلام برای شیعیان خود در حلال و حرام فتوی میدهند «وَ مَثَلُ کَلِمَهٍ خَبِیثَهٍ» کلمه شرک است، بعضی گفته اند، هر کلامی که در معصیت خداست «کَشَجَرَهٍ خَبِیثَهٍ» درخت ناپاک که درخت حنظل است. بعضی گفته اند، درختی است که دارای چنین صفتی باشد که در زمین پایدار نیست. بعضی گفته اند، پیچک است که ریشه در زمین ندارد و به درخت و گیاه می پیچد.

ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرده که این مثلی است برای بنی امیه.

«اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ» یعنی قطع شده و از ریشه کنده شده و دائما از زمین جدا است «ما لَها مِنْ قَرارٍ» یعنی ثبات و بقایی ندارد. ابن عباس گفته، چنین درختی را خدا نیافریده بلکه مثلی است که خدا زده است.(1)

1. معانی الاخبار: عمرو بن شمر از جابر نقل کرد که گفت: از حضرت باقر علیه السّلام پرسیدم «کَشَجَرَهٍ طَیِّبَهٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ * تُؤْتِی أُکُلَها کُلَّ حِینٍ بِإِذْنِ رَبِّها» فرمود: شجره پیامبر اکرم و تنه آن علی و شاخه هایش فاطمه دختر پیامبر اکرم و میوه آن اولاد فاطمه زهرا است و برگهایش شیعیان ما هستند. آنگاه

1- . مجمع البيان 6 : 312 و 313

فرمود: هر گاه یکی از شیعیان مؤمن از دنیا برود برگی از درخت فرو میریزد و اگر فرزندی از شیعیان ما به دنیا آید، یک برگ بر درخت میروید. (1)

2. تفسیر قمی: سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السّلام نقل میکند که در باره آیه «أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً» تا آخر آیه پرسیدم، فرمود: شجره رسول خدا و نسب اوست که در بنی هاشم ثابت است و فرع علی بن ابی طالب و شاخه فاطمه و میوه آن امامان از نسل علی و فاطمه است و شیعیان آنان برگهای آنند. همانا هر گاه یکی از شیعیان مؤمن از دنیا برود برگی از درخت فرو میریزد و اگر فرزندی از شیعیان ما به دنیا آید، یک برگ بر درخت میروید. گفتم، آیه «تُؤْتِی أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها» فرمود: فتواهایی که ائمه علیهم السّلام به شیعیان در هر حج و عمره از حلال و حرام میدهند. (2)

بصائر الدرجات: از ابن محبوب همین روایت را نقل کرده است. (3)

3. بصائر الدرجات: ثمالی از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ * تُؤْتِی أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها» نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: من ریشه آن درختم و علی تنه درخت و ائمه علیهم السّلام شاخه های درخت و علم ما میوه آن و شیعیان ما برگهای درخت، دیگر از درخت چیزی باقی ماند ابو حمزه؟ گفتم: نه به خدا، اضافه ای در درخت نمی بینم. فرمود: به خدا قسم ابا حمزه! فرزندی از شیعیان ما که متولد شود بر درخت یک برگ میروید و اگر یک نفر از شیعیان ما بمیرد برگی از آن می افتد. (4)

توضیح: اینکه امام علیه السّلام فرمود، دیگر چیزی از درخت باقی نماند، یعنی مخالفین خارج از شجره طیبه هستند و غیر از آنچه که ذکر شد به پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله ملحق نمی شود و مخالفین جزء شجره خبیثه هستند.

1- . معانی الاخبار : 113

2- . تفسیر قمی : 345 و 346

3- . بصائر الدرجات : 18

4- . همان

4. بصائر الدرجات: سلام بن مستنیر: از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ * تُؤْتِی أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها» پرسیدم، فرمود: شجره رسول خدا و نسب او که ثابت در بنی هاشم است و فرع علی بن ابی طالب و اصل درخت فاطمه و شاخه های آن امامانند و شیعیان برگهای آنند. همانا هر گاه یکی از شیعیان مؤمن از دنیا برود برگی از درخت فرو میریزد و اگر فرزندی از شیعیان ما به دنیا آید، یک برگ بر درخت میروید. گفتم فدایت شوم، آیه «تُؤْتِی أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها» فرمود: مطالبی که از ائمه علیهم السّلام به شیعیان در هر سال از حلال و حرام میرسد.(1)

5. بصائر الدرجات: سلیمان گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به «سِدْرَةِ الْمُنْتَهی» پرسیدم، گفت(2) اصل آن ثابت است و فرعش در آسمان است، فرمود: پیامبر اکرم اصل آن درخت است و علی علیه السّلام قسمت بالای درخت و فاطمه تنه آن و ائمه علیهم السّلام شاخه های درخت و شیعیان برگ درختند. عرض کردم فدایت شوم، پس معنی (المنتهی) چیست؟ فرمود: به خدا قسم دین به آن منتهی میگردد، هر که از آن شجره نباشد نه مؤمن است و نه شیعه ما.(3)

توضیح: الجذر ریشه هر چیزی است در بعضی از نسخه ها با دال آمده که جمع جدار است، شاید تصحیف باشد. و در بعضی از نسخه ها جذیها آمده و این اظهر است. فیروز آبادی گفته است، الجذیه بالکسر یعنی ریشه درخت. و جذی الشیء یعنی اصل آن.

6. بصائر الدرجات: عمر بن یزید گفت: از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ» پرسیدم، فرمود: رسول خدا ریشه آن و امیر المؤمنین قسمت بالای درخت(4) و فاطمه تنه آن و ائمه از فرزندانش شاخه های آن و علم امامان میوه آن است و شیعیان آنان برگ های آن هستند. آیا چیز دیگری در آن

1- . همان

2- . در مصدر اصلی «و قوله: اصلها ثابت» است.

3- . بصائر الدرجات : 18

4- . در مصدر اصلی امیر المؤمنین فرع درخت (تنه) و ائمه از فرزندان آن دو ذکر شده است.

می بینی؟ گفتم نه. سپس فرمود: به خدا سوگند، همانا هر گاه مؤمنی از دنیا برود برگی از درخت فرو میریزد و اگر مؤمنی به دنیا آید، یک برگ بر درخت میروید. گفتم، آیه «تُؤْتِی أُكُلَها كُلَّ حِینٍ بِإِذْنِ رَبِّها» فرمود: مطالبی که از علم امام به مردم در هر زمانی که از آن سؤال شود، میرسد.(1)

تفسیر فرات: اسماعیل بن ابراهیم به اسناد خودش از عمر بن یزید همین روایت را نقل کرده است.(2)

تفسیر عیاشی: از ابن یزید مانند همین روایت را نقل کرده است.(3)

بصائر الدرجات: سیف از پدرش از عمر بن یزید(4) همین روایت تا عبارت «و اگر مؤمنی به دنیا آید بر درخت یک برگ میروید» را نقل می کند.(5)

7. اکمال الدین: عمر بن یزید سابری(6) گفت، از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ» پرسیدم، فرمود: پیامبر اکرم اصل و ریشه و امیر المؤمنین تنه آن و حسن و حسین میوه آن هستند و نُه نفر از ائمه از فرزندان امام حسین شاخه های آن و شیعیان برگ های آن هستند. به خدا سوگند، همانا هر گاه یکی از شیعیان از دنیا برود برگی از درخت فرو میریزد. گفتم آیه «تُؤْتِی أُكُلَها كُلَّ حِینٍ بِإِذْنِ رَبِّها» فرمود: مطالبی که از علم امام به شما در هر حج و عمره میرسد.(7)

8. تفسیر عیاشی: زراره و حمران از حضرت باقر و صادق علیهما السّلام نقل می کند که در باره آیه: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها

1- . بصائر الدرجات : 18
2- . تفسیر فرات : 79 و 80
3- . تفسیر عیاشی 2 : 224
4- . در مصدر اصلی محمد بن یزید آمده است.
5- . بصائر الدرجات : 18
6- . در مصدر اصلی عمر بن صالح سابری آمده است.
7- . اکمال الدین : 197 و 198

فِی السَّماءِ» فرمود: یعنی پیامبر و ائمه بعد از او علیهم السّلام که آنها اصل ثابت هستند و فرع ولایت است برای کسی که داخل آن شود.(1)

بصائر الدرجات: از محمد حلبی از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(2)

توضیح: فرع آن ولایت است؛ یعنی ائمه علیهم السّلام اصل درخت هستند و فرع آن اعتقاد به امامت کسی است که داخل در اصل شجره است. هر که به فرع درخت چنگ بزند، به اصل آن میرسد و به جانب آسمان بلند می شود و ممکن است ولایت در ابتدای کلام باشد. پس معنا این می شود که آنها اصل و فرع درختند و ولایت برای کسی که داخل در آن شود واجب و لازم است.

9. تفسیر عیاشی: سالم اشل از پدرش و او از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد، در مورد آیه «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً کَلِمَةً طَیِّبَةً» تا آخر آیه فرمود: این مثلی است که خدا برای اهل بیت پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله زده و برای دشمنان ایشان این آیه است: «مَثَلُ کَلِمَةٍ خَبِیثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبِیثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ».(3)

10. تفسیر فرات: عمر بن یزید گفت که از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «کَشَجَرَةٍ طَیِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ» پرسیدم، فرمود: به خدا سوگند رسول خدا ریشه آن، امیر المؤمنین تنه آن و شیعیانشان برگ آنند. آیا چیزی دیگری هم می بینی؟ گفتم نه.(4)

11. تفسیر فرات: ابو سلمه سراج(5) گفت: از عبد اللّٰه بن حسن راجع به این آیه پرسیدم، «أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ» گفت: ما همانها هستیم. گفتم «تُؤْتِی أُکُلَها کُلَّ حِینٍ بِإِذْنِ رَبِّها» گفت: از ما خانواده هر چند گاه یک نفر قیام میکند و کشته میشود.(6)

1- . تفسیر عیاشی 2 : 224
2- . بصائر الدرجات : 18
3- . تفسیر عیاشی 2 : 225
4- . تفسیر فرات : 79

5- . در مصدر ابی مسکین آمده است.
6- . تفسیر فرات : 80 و 81

12. اصول کافی: عمرو بن حریث گفت: از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «کَشَجَرَهٍ طَیِّبَهٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ» پرسیدم، فرمود: رسول خدا. فرمود: من اصل آن هستم و امیر المؤمنین فرع آن و ائمه از فرزندان ایشان شاخه های آن و علم امامان میوه آن است و شیعیان مؤمن برگ های آن هستند. آیا چیزی دیگری هم می بینی؟ گفتم نه به خدا. فرمود: به خدا سوگند همانا اگر مؤمنی به دنیا آید بر درخت یک برگ میروید و هر گاه مؤمنی از دنیا برود برگی از درخت فرو میریزد.(1)

13. مولف: در مستدرک: از کتاب فردوس به اسناد خود از ابن عباس نقل میکند که پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله فرمود: من درختم و فاطمه بار آن است و علی قدرت تولید کننده درخت و حسن و حسین ثمر و میوه درخت و دوستان اهل بیت برگ آن درختند از بهشت، حقیقتاً حقیقتاً.

از کتاب سمعانی نیز همین روایت نقل شده.(2)

ص: 166

1- . اصول کافی 1 : 428

2- . نسخه مستدرک و فردوس و سمعانی را نیافتیم.

1. محاسن: بعضی از اصحاب در مورد آیه: «وَ لِتُکَبِّرُوا اللَّهَ عَلی ما هَداکُمْ»(1)، {و خدا را به پاس آنکه رهنمونتان کرده است به بزرگی بستایید. } گفت: تکبیر یعنی تعظیم خدا و هدایت، ولایت است.(2)

2. قرب الاسناد: از بزنطی در یک قسمت از نامه ای که حضرت رضا علیه السّلام برای او نوشت: خداوند میفرماید: «فَإِنْ لَمْ یَسْتَجِیبُوا لَکَ فَاعْلَمْ أَنَّما یَتَّبِعُونَ أَهْواءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَیْرِ هُدیً مِنَ اللَّهِ»(3) ، {پس اگر تو را اجابت نکردند بدان که فقط هوسهای خود را پیروی می کنند و کیست گمراه تر از آنکه بی راهنمایی خدا از هوسش پیروی کند. } فرمود: یعنی کسی که هوای نفس را دین خویش قرار دهد بی آنکه پیرو ائمه هدی باشد، تا آخر روایت.(4)

کافی: از بزنطی مانند همین روایت را نقل کرده است.(5)

3. تفسیر قمی: «وَ الَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا»(6) ، {و کسانی که در راه ما کوشیده اند، به یقین راه های خود را بر آنان می نماییم. } در روایت ابی الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل شده که این آیه اختصاص به آل محمّد و پیروان آنها دارد.(7)

1- . بقره / 185
2- . المحاسن : 142
3- . قصص / 50
4- . قرب الاسناد : 152 و 153
5- . اصول کافی 1 : 374
6- . عنکبوت / 69
7- . تفسیر قمی : 498

توضیح: شاید منظور اکمل افراد تحت این آیه است، همین طور است بیشتر روایاتی که در این ابواب آمده.

4. تفسیر قمی: «وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ»(1)

، {و از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق هدایت می کنند و به حق داوری می نمایند. } این آیه اختصاص به آل محمّد و پیروان آنها دارد.(2)

5. تفسیر عیاشی: حمران از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ» فرمود: آنها ائمه هستند.(3)

6. محمد بن عجلان از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: ما ایشان هستیم.(4)

7. تفسیر عیاشی: یعقوب بن یزید نقل میکند، امیر المؤمنین علیه السّلام در باره آیه «وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ» فرمود: یعنی امت محمّد صلی اللّه علیه و آله.(5)

8. توضیح: مرحوم طبرسی در مجمع البیان در تفسیر همین آیه از ابن جریح از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله نقل می کند که فرمود: آیه متعلق به امت من است که به حق میگیرند و به حق می دهند. به این گروه که در مقابل شما هستند نیز مانند همین را داده اند «وَ مِنْ قَوْمِ مُوسی أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ»(6)

، {و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می کنند و به حق داوری می نمایند. }(7)

9. ربیع بن انس گفت: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله همین آیه را قرائت نمود و فرمود: گروهی از امت من بر حق هستند تا عیسی بن مریم فرود آید.(8)

1- . اعراف / 181
2- . تفسیر قمی : 231

3- . تفسیر عیاشی 2 : 42 و 43
4- . همان
5- . همان
6- . اعراف / 159
7- . مجمع البیان 4 : 503
8- . همان

10. عیاشی به اسناد خود از امیر المؤمنین علی علیه السّلام نقل کرده که فرمود: قسم به آن کس که جان علی در دست اوست، این امت به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شوند که همه آنها در آتشند به جز این فرقه: «وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ» اینهایند که نجات می یابند.(1)

11. حضرت باقر و صادق علیهما السّلام فرمودند: ما آنها هستیم.(2)

12. بصائر الدرجات: علاء بن سیابه از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: «إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَهْدِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ»(3)، {قطعا این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می نماید.} فرمود: به سوی امام هدایت می کند.(4)

توضیح: یعنی راه امام و امت امام پایدارتر است.

13. تفسیر عیاشی: فضیل از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَهْدِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ» فرمود: به ولایت هدایت میکند.(5)

14. از ابو اسحاق نقل کرده که گفت: به سوی امام هدایت می کند.(6)

15. تفسیر قمی: در روایت ابی الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «أَ فَمَنْ یَهْدِی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لا یَهِدِّی إِلَّا أَنْ یُهْدی فَما لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ»(7)، {پس آیا کسی که به سوی حق رهبری می کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی نماید مگر آنکه [خود] هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می کنید؟} فرمود: کسانی که راهنمای به سوی حق هستند، محمّد و پس از آن جناب آل محمّدند، اما کسانی که راه را نمی دانند مگر اینکه راهنمایی شوند، مخالفین اهل بیت پیامبر از قریش و سایر مردمند.(8)

1- . تفسیر عیاشی 2 : 42 و 43
2- . همان
3- . اِسراء / 9
4- . بصائر الدرجات : 141
5- . تفسیر عیاشی 2 : 282 و 283

6- . همان
7- . یونس / 35
8- . تفسیر قمی : 287

توضیح: این آیه از بزرگترین دلیلها بر امامت ائمه ما علیهم السّلام است برای کسی که واقع بین باشد و گوش به حق و حقیقت دهد. به دلیل اتفاق امت بر فضل و مقام آنها که داناترین افراد زمان خود بوده اند، مخصوصا امیر المؤمنین علیه السّلام که داناتر بودن ایشان غیر قابل انکار است.

16. تفسیر عیاشی: عباس بن هلال از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که مردی در سباله(1)

پیش عبد اللَّه بن حسن رفت و مسائلی از حج پرسید. عبد اللَّه به او گفت، جعفر بن محمّد آنجا ایستاده است، برو و از او سؤال کن که او خود را حائز این مقام میداند.

آن مرد خدمت حضرت صادق علیه السّلام آمده سؤال کرد. امام علیه السّلام به او فرمود: دیدم پیش عبد اللّه بن حسن ایستاده بودی، به تو چه گفت؟ عرض کرد، از او سؤال کردم گفت خدمت شما بیایم و گفت، اینک جعفر بن محمّد آنجاست و خود را شایسته مقام امامت میداند. فرمود: آری من از کسانی هستم که خداوند در قرآن میفرماید: «أُولئِکَ الَّذِینَ هَدَی اللَّهُ فَبِهُداهُمُ اقْتَدِهْ»(2)، {اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است پس به هدایت آنان اقتدا کن.} اکنون هر چه مایلی بپرس. مرد سؤالهای خود را نمود و (امام) تمام آنها را جواب داد.(3)

17. اصول کافی: عبد الله بن سنان گفت: از امام صادق علیه السلام در باره آیه «وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ» پرسیدم، فرمود: آنها ائمه صلوات الله علیهم هستند.(4)

مناقب آل ابی طالب: از ابن سنان همین روایت را نقل کرده است.(5)

بصائر الدرجات: محمد بن حمران از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(6)

1- . محلی است بین بصره و مدینه.
2- . انعام / 90
3- . تفسیر عیاشی : 368 و 369

4- . اصول کافی 1 : 414
5- . مناقب آل ابی طالب 3 : 505
6- . بصائر الدرجات : 11

18. کنز الفوائد: زاذان از امیر المؤمنین علیه السّلام نقل می کند که فرمود: این امت به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شود که همه در آتشند به جز یک گروه که در بهشتند و آنان کسانی هستند که این آیه در باره ایشان میفرماید: «وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ» آنگاه فرمود: آنها من و شیعیانم هستند.(1)

19. اصول کافی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ»(2) ، {و می گویند ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود و اگر خدا ما را رهبری نمی کرد ما خود هدایت نمی یافتیم. } فرمود: روز قیامت پیامبر اکرم و امیر المؤمنین علیه السّلام و ائمه از فرزندانش را می آورند و در جایی که مردم مشاهده میکنند قرار میگیرند. همین که چشم شیعیان به آنها می افتد میگویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ» یعنی به ولایت آنها.(3)

20. مناقب آل ابی طالب: ابو حمزه از حضرت سجاد علیه السّلام و ابو الجارود و ابو الصباح از امام صادق علیه السّلام در باره آیه: «ثُمَّ اهْتَدی»(4) نقل کرد که فرمود: یعنی هدایت یافت به سوی ما اهل بیت.(5)

21. در باره آیه «وَ مِمَّنْ هَدَیْنا وَ اجْتَبَیْنا»(6) {و از کسانی که [آنان را] هدایت نمودیم و برگزیدیم}، امام زین العابدین علیه السّلام فرمود: منظور ما هستیم.(7)

22. زید بن علی در مورد آیه «وَ الَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا» فرمود: ما آنها هستیم.(8)

1- . کنز الفوائد : 96
2- . اعراف / 43
3- . اصول کافی 1 : 418
4- . طه / 82
5- . مناقب آل ابی طالب 3 : 273
6- . مریم / 58

7- . مناقب آل ابی طالب 3 : 273
8- . همان 2 : 485

23. هم ایشان نیز در باره آیه «أَ فَمَنْ یَهْدِی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لا یَهِدِّی إِلَّا أَنْ یُهْدی» فرمود: در باره ما نازل شده.(1)

24. علی بن عبد اللَّه گفت: مردی از حضرت صادق علیه السّلام این آیه را پرسید: «فَمَنِ اتَّبَعَ هُدایَ فَلا یَضِلُّ وَ لا یَشْقی»(2)، {هر

کس از هدایتم پیروی کند نه گمراه می شود و نه تیره بخت. } فرمود: یعنی کسی که معتقد به ائمه باشد و پیرو دستورات آنها و از اطاعت ایشان سرپیچی نکند.(3)

توضیح: آیه در سوره طه چنین است: «قالَ اهْبِطا مِنْها جَمِیعاً بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا یَأْتِیَنَّکُمْ مِنِّی هُدیً فَمَنِ اتَّبَعَ هُدایَ»(4)، {فرمود: همگی از آن [مقام] فرود آیید در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است. پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد، هر کس از هدایتم پیروی کند. } منظور از هدی پیامبر و کتابی است که در هر امت فرستاده می شود و پیروی از هدا متابعت اوصیا است و مصداق آن در این امت ائمه علیهم السّلام هستند. کسی که معتقد به امامت آنها باشد و سرپیچی از اطاعت آنها ننماید، در دنیا از راه حق گمراه نمیشود و در آخرت نیز به واسطه عذاب بدبخت نمیگردد. (هدی) مصدر است که یا معنی مصدری آن منظور است و یا اسم فاعل است به جهت مبالغه.

25. کنز الفوائد: محمّد بن مسلم از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: حضرت زین العابدین علیه السّلام وقتی به این آیه از سوره مریم میرسید: «وَ مِمَّنْ هَدَیْنا وَ اجْتَبَیْنا إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُ الرَّحْمنِ خَرُّوا سُجَّداً وَ بُکِیًّا»(5)، {و از کسانی که [آنان را] هدایت نمودیم و برگزیدیم [و] هر گاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می شد سجده کنان و گریان به خاک می افتادند. } سجده میکرد و میفرمود: منظور ما هستیم که برگزیده و منتخب میباشیم.(6)

1- . همان 3 : 504 و 505
2- . طه / 123
3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 504 و 505
4- . طه / 123

5- . مريم / 58
6- . كنز الفوائد : 152

26. کنز الفوائد: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ إِنِّی لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی»(1)

، {و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست راهسپر شود.} فرمود: یعنی به ولایت ما هدایت پیدا کند.(2)

27. کنز الفوائد: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ إِنِّی لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی» فرمود: هدایت به ولایت امیر المؤمنین پیدا کند.(3)

28. تفسیر قمی: زراره از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه «ثُمَّ اهْتَدی» فرمود: به سوی ما هدایت می شود.(4)

29. توضیح: مرحوم طبرسی مینویسد: «لِمَنْ تابَ» کسی که از شرک توبه کند وَ آمَنَ ایمان به خدا و پیامبرش آورد «وَ عَمِلَ صالِحاً» یعنی واجبات را انجام دهد ثُمَّ اهْتَدی سپس در ایمان پایدار باشد تا بمیرد؛ بعضی گفته اند شک در ایمانش پیدا نشود (از ابن عباس نقل شده). و بعضی «ثُمَّ اهْتَدی» را چنین معنی کرده اند، پیرو سنت پیامبر باشد و به راه بدعت گذاران نرود (از ابن عباس نقل شده). و حضرت باقر علیه السّلام فرمود: سپس هدایت به ولایت ما پیدا کند. به خدا قسم اگر مردی تمام عمر خود را بین رکن و مقام به عبادت به سر برد و بدون ولایت ما بمیرد، او را با سر در آتش میاندازند.

حاکم ابو القاسم حسکانی به اسناد خود این روایت را نقل نموده و عیاشی در تفسیر خود از چند طریق آورده است.(5)

30. کنز الفوائد: عیسی بن داود نجار از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام نقل کرد که آن جناب از پدر خود این آیه را پرسید: «فَمَنِ اتَّبَعَ هُدایَ فَلا

1- . طه / 82
2- . کنز الفوائد : 158 و 175 نسخه رضویه

3- . همان
4- . در تفسیر قمی یافت نشد. اما در کنز الفوائد صفحه 158 از علی بن ابراهیم آن را نقل کرده است. شاید مصنف به نقل او اعتماد کرده یا اینکه رمز از جانب نساخ اضافه شده است.
5- . مجمع البیان 7 : 23

یَضِلُّ وَ لا یَشْقی» فرمود: پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله فرمود: مردم! پیرو هدایت خدا باشید تا هدایت شوید و راه یابید و آن راه من و راه این شخص علی ابن ابی طالب است، هر که در حیات من و بعد از مرگم پیرو علی باشد، پیرو من بوده و پیرو من پیرو خدا است و هر کس پیرو خدا باشد گمراه و بدبخت نمیشود. فرمود: «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَهً ضَنْکاً وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ أَعْمی * تا وَ کَذلِکَ نَجْزِی مَنْ أَسْرَفَ» {و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم و این گونه هر که را به افراط گراییده سزا می دهیم} هر که در عداوت آل محمّد اسراف ورزد «وَ لَمْ یُؤْمِنْ بِآیاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذابُ الْآخِرَهِ أَشَدُّ وَ أَبْقی» {و به نشانه های پروردگارش نگرویده و قطعا شکنجه آخرت سخت تر و پایدارتر است} سپس خداوند فرموده: «أَ فَلَمْ یَهْدِ لَهُمْ کَمْ أَهْلَکْنا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ یَمْشُونَ فِی مَساکِنِهِمْ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِأُولِی النُّهی»(1)، {یا برای هدایتشان کافی نبود که [ببینند] چه نسلها را پیش از آنان نابود کردیم که [اینک آنها] در سراهای ایشان راه می روند، به راستی برای خردمندان در این [امر] نشانه هایی [عبرت انگیز] است.} منظور ائمه علیهم السّلام هستند و هر چه مانند آن در قرآن وجود دارد.(2)

توضیح: منظور از آنچه مانند آن در قرآن وجود دارد از قبیل اولی الالباب و اولی النهی و امثال اینها اشاره به ائمه علیهم السّلام است.

31. اصول کافی: سیاری از علی بن عبد الله نقل می کند که مردی از او در باره آیه «فَمَنِ اتَّبَعَ هُدایَ فَلا یَضِلُّ وَ لا یَشْقی» سؤال کرد، گفت: منظور کسانی هستند که معتقد به امامت ائمه هستند و از دستور ایشان پیروی می کنند و از اطاعت آنها سرپیچی نمی کنند.(3)

1- . طه / 123 - 128
2- . کنز الفوائد : 160 و 161
3- . اصول کافی 1 : 414

32. کنز الفوائد: جابر گفت: امام باقر علیه السّلام در باره آیه «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ وَ مَنِ اهْتَدی»(1) ، {زودا که بدانید یاران راه راست کیانند و چه کسی راه یافته است. } فرمود: به ولایت ما هدایت می شوند.(2)

33. کنز الفوائد: جابر از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ وَ مَنِ اهْتَدی» فرمود: علی صاحب صراط راست است و منظور از «اهْتَدی» یعنی به ولایت ما اهل بیت هدایت می شوند.(3)

34. کنز الفوائد: موسی بن جعفر علیهما السّلام در باره آیه «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ وَ مَنِ اهْتَدی» از پدر خود نقل کرد: صراط سوی قائم آل محمّد است و هدی کسی که راه به اطاعت از او پیدا کند. شبیه این آیه در قرآن آیه «وَ إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی» است، یعنی به ولایت ما هدایت پیدا کند.(4)

35. کنز الفوائد: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در آیه: «وَ الَّذِینَ جاهَدُوا فِینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ» فرمود: در باره ما نازل شده.(5)

الاختصاص: همین روایت را مرسلا نقل کرده است.(6)

36. کنز الفوائد: همین آیه را از زید بن علی نقل میکند که گفت، ما آنها هستیم. راوی میگوید: من گفتم: اگر شما نباشید پس کیست؟(7)

37. تفسیر فرات: روایتی در مورد همین آیه نقل می کند که حضرت باقر علیه السّلام فرمود: در باره ما نازل شده.(8)

1- . طه / 135
2- . کنز الفوائد : 162
3- . همان
4- . همان
5- . همان : 223

6- . الاختصاص : 127
7- . كنز الفوائد : 223
8- . تفسير فرات : 118

38. تفسیر فرات: محمّد بن فضیل از خیثمه نقل کرده که گفت: خدمت حضرت باقر علیه السّلام رسیدم، فرمود: خیثمه! شیعیان ما اهل بیت دلهایشان جایگاه محبت ما خانواده می شود و به محبت ما الهام میشوند. شخص به ما علاقه و محبت دارد و آنچه در فضل ما میشنود را می پذیرد، با اینکه ما را ندیده و سخن ما را نشنیده؛ چون خدا برای او خیر و خوبی را خواسته است و این آیه اشاره به آن است: «وَ الَّذِینَ اهْتَدَوْا وَ زادَهُمْ هُدیً وَ آتاهُمْ تَقْواهُمْ»(1) ، {و[لی] آنان که به هدایت گراییدند [خدا] آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید و [توفیق] پرهیزگاری شان داد. } یعنی هر کس ما را بیند و کلام ما را بشنود، خداوند بر هدایت او میافزاید.(2)

39. تفسیر عیاشی: عبد اللَّه بن سنان از حضرت صادق علیه السّلام در باره: «وَ مِنْ قَوْمِ مُوسی أُمَّهٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ» فرمود: قوم موسی اهل اسلامند.(3)

توضیح: شاید منظور امام این است که نظیر این در باره آنها نیز جاری است یا اینکه نام آنها از باب مثال در آیه ذکر شده، چنانچه چند مرتبه توضیح داده شد.

40. تفسیر عیاشی: از بعضی اصحاب در باره آیه: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا وَ ما أُنْزِلَ إِلی إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ وَ إِسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ»(4) ، {بگویید ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده ایمان آورده ایم. } منظور از قولوا یعنی ای آل محمّد و

«فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا»(5) ، {پس اگر آنان [هم] به آنچه شما بدان ایمان آورده اید ایمان آوردند، قطعا هدایت شده اند. } منظور سایر مردمند.(6)

41. تفسیر عیاشی: سلام: امام باقر علیه السّلام در باره آیه «آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا» فرمود: منظور از آیه علی و حسن و حسین و فاطمه و سایر ائمه است و فرمود، سپس خطاب به مردم بازمیگردد و می فرماید فَإِنْ آمَنُوا یعنی مردم، بِمِثْلِ ما

1- . محمد / 17
2- . تفسیر فرات : 158
3- . تفسیر عیاشی 2 : 31 و 32
4- . بقره / 136
5- . همان / 137
6- . تفسیر عیاشی 1 : 61 و 62

آمَنْتُمْ بِهِ یعنی ایمان علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه بعد از ایشان، فَقَدِ اهْتَدَوْا وَّ إِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّمَا هُمْ فِی شِقَاقٍ.(1)، {پس اگر آنان [هم] به آنچه شما بدان ایمان آورده اید ایمان آوردند، قطعا هدایت شده اند ولی اگر روی برتافتند، جز این نیست که سر ستیز [و جدایی] دارند. }(2)

42. اصول کافی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ»، فرمود: روز قیامت پیامبر اکرم و امیر المؤمنین و ائمه از فرزندانش را می آورند و در جایی که مردم مشاهده میکنند قرار میگیرند، همین که چشم شیعیان به آنها می افتد میگویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ» یعنی به ولایت امیر المؤمنین و ائمه از فرزندانش.(3)

43. کنز الفوائد: معلی بن خنیس: امام صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَیْرِ هُدیً مِنَ اللَّهِ» فرمود: یعنی کسی که هوای نفس را دین خویش قرار دهد بی آنکه پیرو ائمه هدی باشد.(4)

بصائر الدرجات: از قاسم بن سلیمان همین روایت را نقل کرده است.(5)

1- . بقره / 136 و 137
2- . تفسیر عیاشی 1 : 61 و 62
3- . اصول کافی 1 : 418
4- . کنز الفوائد : 217
5- . بصائر الدرجات : 5

باب چهل و ششم: ائمه علیهم السلام «خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» هستند و امام در قرآن دو نوع است

1. تفسیر عیاشی: یکی از اصحاب از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد: در قرائت علی علیه السّلام «کنتم خیر ائمه اخرجت للناس» است و فرمود: آنها آل محمّد صلی اللّٰه علیه و آله هستند.(1)

2. تفسیر عیاشی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که این آیه به خدا قسم این طور بر پیامبر اکرم در باره اوصیاء نازل شده:«- کنتم خیر ائمه- أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ». به خدا قسم جبرئیل این چنین آورده و جز محمّد و اوصیاء او علیهم السّلام را قصد نکرده است.(2)

3. تفسیر عیاشی: زبیری از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که در باره آیه «کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»(3) ، {شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید. } فرمود: یعنی همان امتی که دعای ابراهیم شامل ایشان می شود. آنها همان امتی هستند که خداوند در میان ایشان و از ایشان پیامبر را انتخاب نمود و به سوی ایشان کتاب آسمانی را فرستاد و امت وسطی همین امت است که بهترین امت از میان مردم است.(4)

4. تفسیر قمی: ابی الجارود: حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ لْتَکُنْ مِنْکُمْ أُمَّهٌ یَدْعُونَ إِلَی الْخَیْرِ» فرمود: این امتیاز متعلق به آل محمّد و پیروان آنها است

1- . تفسیر عیاشی 1 : 195

2- . همان

3- . آل عمران / 110

4- . تفسیر عیاشی 1 : 195

که دعوت به نیکی میکنند «وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ»(1) ، {و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند. }(2)

5. مولف: مرحوم طبرسی از حضرت صادق علیه السّلام روایت میکند: «و لتکن منکم ائمه» و «کنتم خیر ائمه اخرجت للناس»(3)

6. تفسیر قمی: ابن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که این آیه را بر آن جناب خواندم: «کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ»، فرمود: بهترین امت بودید که امیر المؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهم السّلام را کشتید؟ گفتم فدایت شوم چگونه نازل شده؟ فرمود: «کنتم خیر ائمه اخرجت للناس». مگر ملاحظه نمیکنی که خداوند آنها را با این امتیازها میستاید: «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»(4)، {به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید و به خدا ایمان دارید. }(5)

7. تفسیر عیاشی: ابی عمرو زبیری گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم، امت محمّد صلی اللّه علیه و آله را به من معرفی فرما. فرمود: امت محمّد صلی اللّه علیه و آله فقط بنی هاشم هستند. گفتم: به چه دلیل فقط خویشاوندان پیامبرند و دیگران نیستند؟

فرمود: به دلیل این آیه: «وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْراهِیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْماعِیلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ * رَبَّنا وَ اجْعَلْنا مُسْلِمَیْنِ لَکَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِنا أُمَّهً مُسْلِمَهً لَکَ وَ أَرِنا مَناسِکَنا وَ تُبْ عَلَیْنا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ»(6)، {و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه [کعبه] را بالا می بردند [می گفتند] ای پروردگار ما، از ما بپذیر که در حقیقت تو شنوای دانایی. پروردگارا ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما امتی فرمانبردار خود [پدید آر] و آداب دینی ما را به ما نشان ده و بر ما

1- . آل عمران / 104
2- . تفسیر قمی : 98
3- . مجمع البیان 2 : 484
4- . آل عمران / 110
5- . تفسیر قمی : 99 و 100

6- . بقره / 127 و 128

ببخشای که تویی توبه پذیر مهربان.} وقتی خداوند دعای ابراهیم و اسماعیل را اجابت نمود و از نژاد آن دو امتی مسلمان قرار داد و میان ایشان پیامبری از خودشان بر انگیخت که کتاب خدا را بر ایشان بخواند و آنها را پاک نماید و کتاب و حکمت بیاموزد، دعای اول ابراهیم به دعای دیگرش که از خداوند خواست آنها را از شرک و بت پرستی پاک دارد تا دستور خدا در میان آنها عمل شود و پیرو دیگری نباشند می پیوندد. فرمود: «وَ اجْنُبْنِی وَ بَنِیَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنامَ * رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ کَثِیراً مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی وَ مَنْ عَصانِی فَإِنَّکَ غَفُورٌ رَحِیمٌ»(1) ، {و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار. پروردگارا آنها بسیاری از مردم را گمراه کردند، پس هر که از من پیروی کند بی گمان او از من است و هر که مرا نافرمانی کند، به یقین تو آمرزنده و مهربانی.}

این دو آیه دلیلی واضح است بر آنکه ائمه و امت مسلمه ای که خداوند پیامبر را به سوی آنها بر انگیخت، جز از اولاد ابراهیم نیستند، به دلیل این آیه: «وَ اجْنُبْنِی وَ بَنِیَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنامَ»(2)

8. مناقب آل ابی طالب: از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند: «کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» فرمود: ما آنها هستیم.(3)

9. ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد: «وَ إِنَّ هذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّهً واحِدَهً»(4) ، {این است امت شما که امتی یگانه است.} که فرمود: آل محمّد صلی اللّه علیه و آلهاند.(5)

توضیح: مرحوم طبرسی مینویسد: این دین شما دینی است واحد؛ بعضی گفته اند معنایش این است: جماعت واحدی هستید که مخلوق و مملوک خدا هستید.

1- . ابراهیم / 35 و 36
2- . تفسیر عیاشی 1 : 60 و 61
3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 274
4- . انبیاء / 92
5- . مناقب آل ابی طالب 3 : 174

بعضی گفته اند معنایش این است: پیامبرانی که قبلا نام آنها را ذکر کردیم راهنمایانی هستند که باید از آنها پیروی کنید که تمامشان اجتماع بر حق دارند.(1)

مولف: بنا بر تأویل امام علیه السّلام، منظور از امت، ائمه هستند. بعضی گفته اند: خطاب در آیه به ائمه علیهم السّلام است زیرا شیعیان آنها بر یک طریق هستند. اما معنی اول اظهر است.

10. مناقب آل ابی طالب: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: «خَیْرَ أُمَّهٍ» یعنی اهل بیت پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله.(2)

11. محمّد بن منصور گفت: اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم بهترین اهل بیت هستند که برای مردم قرار داده شده اند.(3)

12. مناقب آل ابی طالب: حضرت باقر علیه السّلام این آیه را با الف خواند یعنی این گونه:«أنْتُم خَیْرُ أُمّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاس» تا آخر آیه. جبرییل آیه را این گونه آورد و منظور از آن، محمد و علی و اوصیاء از فرزندان او هستند.(4)

13. تفسیر قمی: طلحه بن زید از حضرت صادق علیه السّلام و آن جناب از پدر بزرگوار خود نقل کرد که فرمود: ائمه(5) در کتاب خدا دو نوع هستند: خداوند در قرآن میفرماید: «وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ(6)

أَئِمَّهً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا»(7)، {برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند.} به امر ما هدایت میکنند نه به امر مردم، امر خدا را بر کار خود و حکم خدا را بر حکم خود مقدم میدارند.

باز در این آیه میفرماید: «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّهً یَدْعُونَ إِلَی النّارِ»(8)

، {و آنان را پیشوایانی که به سوی آتش می خوانند گردانیدیم.} یعنی کار خود را بر کار خدا

1- . مجمع البیان 7 : 62
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 274

3- . همان
4- . همان 3 : 170
5- . در مصدر: امام و رهبر عادل و پیشوا و رهبر ستمگر آمده است.
6- . در الاختصاص و بصائر الدرجات «وَ جَعَلناهُم» (انبیاء / 73) آمده است.
7- . سجده / 24
8- . قصص / 41

مقدم میدارند و حکم خود را بر حکم خدا مقدم کرده و خواهش نفس خود را بر خلاف کتاب خدا به کار میبرند.(1)

بصائر الدرجات: همین روایت را از محمد بن الحسین نقل می کند.(2)

الاختصاص: محمد بن سنان از طلحه همین روایت را نقل کرده است.(3)

توضیح: اشکالی ندارد که قبل از آیه مدح ائمه علیهم السلام، ذکر موسی و بنی اسرائیل است و در جای دیگر از سایر انبیاء یاد شده و قبل از آیه ذم پیشوایان جور، فرعون و سپاهش ذکر شده و در عین حال بگوییم، آیه اولی در باره ائمه علیهم السّلام و آیه دوم اشاره به دشمنان ایشان است. زیرا بارها توضیح دادیم که قصه های قرآن برای توجه این امت است و برای اشاره به کسانی که با خوبان از گذشتگان موافق بودند و انذار برای کسانی که از اشقیای از گذشتگان تبعیت کردند. ظاهر آیات مربوط به گذشتگان است ولی تأویل و باطن آن مربوط به این امت است، چنانچه در خبر رسیده که منظور از فرعون، هامان و قارون، سه غاصب خلافتند زیرا آنها نظیر همین سه نفر در امت اسلام بوده اند؛ اولی و دومی گوساله و سامری این امتند. با اینکه در قرآن کریم آیاتی هست که ابتدای آن مربوط به یک دسته است و آخر آیه مربوط به دسته دیگر.

14. بصائر الدرجات: طلحه بن زید از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که در کتاب پدرم خواندم که ائمه در کتاب خدا دو نوعند: امام هدایت و امام گمراهی. امامان هدایت امر خدا را مقدم بر امر خود می کنند و حکم خدا را بر حکم خود، ولی ائمه گمراهی امر خود را بر امر خدا و حکم خود را بر حکم خدا مقدم می دارند و خواهش نفس خود را تبعیت می کنند و بر خلاف کتاب خدا عمل می کنند.(4)

15. بصائر الدرجات: حسین بن ابی العلاء از ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که شنیدم میفرمود: در دنیا پیوسته دو امام وجود دارد، نیکوکار و

-1 . تفسیر قمی : 513
-2 . بصائر الدرجات : 10

3- . الاختصاص : 21
4- . بصائر الدرجات : 10

تبهکار. امام نیکو کار کسی است که این آیه میفرماید: «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا»(1) اما پیشوای تبهکار، کسی که این آیه اشاره به او است: «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ لا یُنْصَرُونَ»(2)

16. بصائر الدرجات: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: زیبنده مردم نیست مگر دو پیشوا: امام عادل و امام فاجر، خداوند در این آیه میفرماید: «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا» و فرموده: «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ»(3)

17. بصائر الدرجات: ربیعه بن ناجد از علی علیه السّلام نقل کرد که فرمود: پیشوایان نیکوکار قریش امام نیکوکاران آنهایند و پیشوایان ستمگر رهبران تبهکار آنها، بعد این آیه را خواند: «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ لا یُنْصَرُونَ»(4)

18. تفسیر فرات: محمّد بن علی از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً»(5)، {و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم.} فرمود: ما امت وسط و شهداء خدای بر خلق و حجت او در زمین هستیم.(6)

19. تفسیر فرات: حضرت باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا» فرمود: در باره اولاد فاطمه علیهم السّلام نازل شده است.(7)

20. تفسیر فرات: احمد بن محمد به اسناد خود از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً» فرمود: فقط در باره فرزندان فاطمه علیهم السلام نازل شده و آنها را خداوند ائمه ای قرار داده که به امر خدا رهبری میکنند.(8)

1- . انبیاء / 73
2- . بصائر الدرجات : 10
3- . همان
4- . همان
5- . بقره / 143

6- . تفسیر فرات : 13
7- . همان : 120 و 121
8- . همان

21. کنز الفوائد: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا» فرمود: یعنی ائمه از فرزندان فاطمه علیهم السّلام، به وسیله روح در دلهایشان به آنها وحی می شود.(1)

22. کنز الفوائد: ابو الجارود از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ إِنَّ هذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً واحِدَةً» فرمود: منظور آل محمد صلی اللّه علیه و آله است.(2)

23. کنز الفوائد: جابر جعفی از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: آیه «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ»(3) فقط در باره فرزندان فاطمه علیهم السلام نازل شده است.(4)

24. کنز الفوائد: صالح بن سهل گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میخواند: «وَ كُلَّ شَيْ ءٍ أَحْصَيْناهُ فِي إِمامٍ مُبِينٍ»(5)، {و هر چیزی را در کارنامه ای روشن برشمرده ایم.} و فرمود: یعنی در امیر المؤمنین.(6)

ص: 184

1- . کنز الفوائد : 164 و 165
2- . همان : 180
3- . سجده / 24
4- . کنز الفوائد : 229
5- . یس / 12
6- . کنز الفوائد : 255

1. تفسیر عیاشی: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میفرمود: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّةً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ»(1) ، {ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی به اطاعت [خدا] درآیید و گامهای شیطان را دنبال مکنید.}

فرمود: میدانی سلم چیست؟ عرض کردم شما بهتر میدانید. فرمود: ولایت علی و ائمه و جانشینان بعد از اوست و فرمود: «خُطُواتِ الشَّیْطانِ» به خدا قسم ولایت فلانی و فلانی است.(2)

2. تفسیر عیاشی: محمّد بن مسلم از حضرت باقر و صادق علیهما السّلام نقل کرد که در باره آیه: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّةً» فرمودند: یعنی مردم مأمور به معرفت ما خانواده هستند.(3)

3. تفسیر عیاشی: جابر: امام باقر علیه السّلام در باره آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّةً» فرمود: سلم آل محمّدند و مردم مأمورند داخل در ولایت آنها شوند.(4)

4. تفسیر عیاشی: ابو بکر کلبی از امام صادق علیه السّلام از پدرش در باره آیه «ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّةً» نقل کرد که فرمود: آن ولایت ماست.(5)

1- . بقره / 208
2- . تفسیر عیاشی 1 : 102
3- . همان
4- . همان
5- . همان

5. تفسیر عیاشی: محمّد حلبی از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها»(1) ، {و اگر به صلح گراییدند تو [نیز] بدان گرای. } نقل کرد که سؤال کردند، معنی سلم چیست؟ فرمود: وارد شدن در آنچه تو اعتقاد داری (امامت ائمه علیهم السّلام).(2)

توضیح: مرحوم طبرسی می نویسد: «ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّةً» یعنی همگی داخل در اسلام شوید. بعضی گفته اند، در اطاعت و فرمانبرداری و این معنی عمومیت بیشتری دارد و داخل در همین معنی است. آنچه اصحاب نقل کرده اند که مراد از سلم ولایت است، یعنی همه داخل در فرمانبرداری و رهبری ائمه علیهم السّلام شوید وَ لا «تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ» یعنی پیرو وساوس و آثار شیطان نشوید، زیرا ترک یکی از دستورات اسلام، پیروی شیطان است. پایان.(3)

مشهور در تفسیر آیه دومی «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ» این است که منظور میل و گرایش به مصالحه و ترک جنگ است و آنچه در تفسیر این آیه ذکر شد، یکی از بطون تأویل آن است که معنی ظاهری نیز مخالف آن تأویل نیست.

6. اصول کافی: عبد الله بن عجلان از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه فرمود: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّةً» یعنی وارد در ولایت ما شوید.(4)

7. دیلمی در ارشاد القلوب: از جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند: سلم یعنی ولایت امیر المؤمنین و ائمه علیهم السّلام.

مولف: اخبار در این مورد در بخش آیات نازل شده در باره امیر المؤمنین علیه السّلام خواهد آمد.

1- . انفال / 61
2- . تفسیر عیاشی 2 : 66
3- . مجمع البیان 2 : 302
4- . اصول کافی 1 : 417

8. کنز الفوائد: ابو خالد کابلی گفت: از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم: «وَ رَجُلًا سَلَماً لِرَجُلٍ» فرمود: مرد فرمانبردار برای مردی دیگر، علی و شیعه او است.(1)

9. روضه کافی: ابو خالد کابلی از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكاءُ مُتَشاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَماً لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيانِ مَثَلًا»،(2) {خدا مثلی زده است مردی است که چند خواجه ناسازگار در [مالکیت] او شرکت دارند [و هر یک او را به کاری می گمارند] و مردی است که تنها فرمانبر یک مرد است آیا این دو در مثل یکسانند} نقل کرد که فرمود: شخصی که چند نفر در او شریک هستند، آن اولی است (ابو بکر) که گروهی مختلف را به ولایت خویش ترغیب نموده، هر دسته ای دسته دیگر را لعنت میکنند و از هم بیزارند؛ اما مردی که پیرو یک نفر است، آن مرد امیر المؤمنین علیه السّلام و شیعیان اوست.(3)

توضیح: مرحوم طبرسی در مورد آیه: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا» می نویسد: خداوند برای کافر و بت پرستی او مثالی زده: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكاءُ مُتَشاكِسُونَ» یعنی خداوند مثال میزند: یک نفر چند مالک دارد و مالکان او اشخاص بداخلاقی هستند. این مثل را برای سایر مشرکین نیز زده ولی یک فرد را با مشخصاتی بیان کرده که آن مشخصات در سایر مشرکین نیز وجود دارد، پس این مثل هر دو را در برمیگیرد و منظور از این قسمت آیه: «رَجُلًا فِيهِ شُرَكاءُ» یعنی چند خدا را می پرستد که آنها بر سر او نزاع دارند و سخت میگیرند. یکی امر به چیزی میکند، دیگری از آن نهی می نماید و هر کدام مایلند که او را به خدمت خود اختصاص دهند و هر یک کار خود را به دیگری واگذارد و آن دومی به سومی، بالاخره این شخص در این میان بی بهره میماند و این حال کسی است که گروهی را که نظرات و خواهش های مختلف دارند خدمت می کند و این مثل کافر است.

1- . کنز الفوائد : 270

2- . زمر / 29

3- . روضه کافی : 224

آنگاه مثالی برای مؤمن موحد میزند: «رَجُلاً سَلَماً لِرَجُلٍ» یعنی شخصی که تنها یک خدا را میپرستد و در پرستش خود دیگری را شریک قرار نمی دهد و به دیگری نیز امیدوار نیست. چنین کسی البته بهره خدمت خویش را خواهد دید مخصوصاً وقتی مولا و سرور او حکیم و قادر و بخشنده باشد. (1)

10. حاکم ابو القاسم حسکانی به اسناد خود از علی علیه السّلام نقل میکند که فرمود: من آن مرد هستم که پیرو پیامبر اکرم هستم.

11. عیاشی به اسناد خود از ابو خالد از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: مرد فرمانبردار برای مردی دیگر، علی و شیعه او است.(2)

تعبیر «فلان الاوّل» یعنی ابو بکر، زیرا به خاطر گمراهی و پیروی نکردن از پیامبر صلّی الله علیه و آله، شرکای در ولایتش اختلاف پیدا کردند که بعضی گروه دیگر را لعن می کردند و با این وجود عامه می گویند، همه اینها بر حقند و اهل بهشت. عبارت «فإنّه الاوّل حقّا» منظور امیر المؤمنین علیه السّلام است زیرا حقیقتاً او امام اول است و منظور از «رجل ثانی» پیامبر صلّی الله علیه و آله است. دو احتمال در این عبارت وجود دارد: اول اینکه منظور از رجل اول امیر المؤمنین علیه السّلام باشد و رجل ثانی پیامبر صلّی الله علیه و آله و روایت حاکم که گذشت مؤید آن است. مقابله بین دو رجل به این خاطر است که نزاع بین پیروان به خاطر عدم فرمانبرداری رهبر آنها از پیامبر صلّی الله علیه و آله است و نگرفتن علمی که پیروان او به آن احتیاج دارند؛ پس ذکر شیعه در این جا استطرادی است برای بیان اینکه شیعه علی علیه السّلام وقتی فرمانبردار او هستند، فرمانبردار پیامبر صلّی الله علیه و آله نیز می باشند. و احتمال دوم این است که منظور از رجل اول هر یک از شیعیان باشند و رجل ثانی امیر المؤمنین علیه السّلام، که معنی آن این است که شیعه به خاطر تبعیت از امامشان، نزاعی در اصل دین ندارند. پس عبارت «الاوّل حقّا» توضیح برای رجل ثانی و عبارت «شیعته» توضیح برای رجل اول است و مقابله در

1- . مجمع البیان 8 : 497
2- . همان

آیه بین مردی است که شریک دارد و رجل ثانی است؛ ولی احتمال اول اظهر در حدیث است و دومی اظهر در آیه است.

12. اصول کافی: ابن مسکان از حلبی و او از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها» نقل کرد که پرسیدم، سلم چیست؟ فرمود: داخل شدن در ولایت ما.(1)

توضیح: جنوح یعنی میل و سلم به کسر سین و فتح بمعنی صلح است. بعضی گفته اند آیه منسوخ است و گفته شده در باره قراردادهای اهل کتاب است. بنا بر تأویل امام علیه السّلام، معنی این می شود: اگر منافقین در ظاهر اظهار ولایت علی علیه السّلام را نمودند از آنها بپذیر، گرچه میدانی ایشان منافق هستند.

13. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در باره آیه: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا» تا آخر آیه میگوید: این مثلی است که خداوند برای امیر المؤمنین علیه السّلام و شریکهای او که غصب حقش را نموده و به او ستم روا داشته اند، زده است. «مُتَشاكِسُونَ» یعنی بر یکدیگر خشم دارند و از هم متنفرند و «رَجُلاً سَلَماً لِرَجُلٍ» یعنی امیر المؤمنین علیه السّلام که تسلیم پیامبر اکرم بود.(2)

14. معانی الاخبار: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: توجه داشته باشید، خداوند در قرآن مرا به نامهایی اختصاص داده است، بپرهیزید از اینکه اختصاص های مرا به خویش نسبت دهید که در دین گمراه میشوید. من همان شخصم که سلم و پیرو پیامبرم، خداوند در این آیه میفرماید: «وَ رَجُلاً سَلَماً لِرَجُلٍ» تا آخر خبر.(3)

1- . اصول کافی 1 : 415
2- . تفسیر قمی : 577
3- . معانی الاخبار : 22

باب چهل و هشتم: ائمه علیهم السّلام خلفای خداوند و کسانی هستند که هر گاه در روی زمین قدرت یابند، اقامه حق می کنند.

1. کنز الفوائد: مجاهد گفت: آیه «أَ فَمَنْ وَعَدْناهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لاقِیهِ»(1)، {آیا کسی که وعده نیکو به او داده ایم و او به آن خواهد رسید. } در باره علی و حمزه نازل شده.(2)

2. مؤید آن، آن چیزی است که حسن بن ابو الحسن دیلمی از حضرت صادق علیه السّلام در باره همین آیه نقل میکند که فرمود: آن کسی که به او وعده داده اند، علی بن ابی طالب است که خداوند وعده داد انتقامش را از دشمنان در دنیا بگیرد و برای او و دوستانش در آخرت وعده بهشت داده است.(3)

3. کنز الفوائد: ابراهیم از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «سَنُرِیهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّی یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»(4)، {به زودی نشانه های خود را در افقها[ی گوناگون] و در دلهایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است. } فرمود: کاستی و کم شدن نعمتها به ضرر آنان و در درون خودشان به مسخ شدن، تا معلوم شود بر آنها که او قائم عجل اللّٰه له الفرج است.(5)

1- . قصص / 61
2- . کنز الفوائد : 217 و 218
3- . همان
4- . فصلت / 53
5- . کنز الفوائد : 283

4. کنز الفوائد: زراره گفت، از حضرت باقر علیه السّلام این آیه را پرسیدم: «هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِیَهُمْ بَغْتَةً»(1) ، {آیا جز [این] انتظار می برند که رستاخیز ناگهان بر آنان در رسد. } فرمود: ساعت (قیام) قائم است که ناگهان برای آنها آشکار می شود.(2)

5. مناقب آل ابی طالب: زید بن علی در آیه: «ثُمَّ جَعَلْناکُمْ خَلائِفَ»(3) {آنگاه شما را پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم } گفت: ما آن جانشینان هستیم.(4)

6. حمران از حضرت باقر علیه السّلام و ابو الصباح از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: «الَّذِینَ إِنْ مَکَّنّٰاهُمْ فِی الْأَرْضِ» آورده که فرمودند: آنها ما هستیم.(5)

7. کنز الفوائد: حصین بن مخارق از موسی بن جعفر از پدرانش(6) علیهم السّلام در باره آیه: «الَّذِینَ إِنْ مَکَّنّٰاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّکاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ»(7) ، {همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند. } نقل میکند که فرمود: ما آنها هستیم.(8)

8. کنز الفوائد: عیسی بن داود از موسی بن جعفر علیهما السّلام نقل کرد که فرمود: روزی خدمت پدرم در مسجد بودم، مردی مقابل ایشان ایستاده و گفت، یک آیه مرا عاجز نموده، تفسیر آن را از جابر بن یزید پرسیدم مرا خدمت شما فرستاد. فرمود: کدام آیه؟ گفت: آیه «الَّذِینَ إِنْ مَکَّنّٰاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّکاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ» فرمود: آری این آیه در باره ما نازل شده.

1- . زخرف / 66
2- . کنز الفوائد : 297
3- . یونس / 14
4- . مناقب آل ابی طالب 3 : 522 و 523
5- . همان
6- . در مصدر عن أبیه عن آبائه آمده است.

7- . حج / 41
8- . كنز الفوائد : 174

و جریان چنین است: فلانی و فلانی و گروهی که با آنها بودند - و آنها را نام برد - در خدمت پیامبر اجتماع کرده، پرسیدند خلافت بعد از شما به که خواهد رسید؟ به خدا سوگند اگر به یکی از خویشاوندان شما برسد، ما بر جان خود بیمناکیم؛ شاید اگر به دیگری بسپاری، ازآنها به ما مهربانتر باشند. از شنیدن این حرف پیامبر اکرم سخت خشمناک شد.

فرمود: به خدا قسم اگر ایمان به خدا و پیامبر داشته باشید، هرگز دشمن خویشاوندان من نمیشوید زیرا دشمنی با آنها دشمنی با من است و دشمنی با من کفر به خدا است. آنگاه شما خبر از مرگ من دادید!

به خدا سوگند اگر خداوند به آنها در زمین قدرت دهد، نماز را در وقت آن به پای میدارند و زکات را به محلش می رسانند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند. خدا دماغ کسانی را که من و خانواده ام را دشمن می دارند به خاک خواهد مالید.

خداوند این آیه را نازل کرد: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ» تا «وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ». مردم آن را نپذیرفتند.

خداوند این آیه را نازل کرد: «وَ إِنْ يُكَذِّبُوکَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عادٌ وَ ثَمُودُ * وَ قَوْمُ إِبْراهِيمَ، وَ قَوْمُ لُوطٍ * وَ أَصْحابُ مَدْيَنَ وَ كُذِّبَ مُوسى فَأَمْلَيْتُ لِلْكافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كانَ نَكِيرِ»(1) ، {و اگر تو را تکذیب کنند، قطعا پیش از آنان قوم نوح و عاد و ثمود [نیز] به تکذیب پرداختند و [نیز] قوم ابراهیم و قوم لوط و [همچنین] اهل مدین و موسی تکذیب شد، پس کافران را مهلت دادم؛ سپس [گریبان] آنها را گرفتم. بنگر عذاب من چگونه بود؟ }(2)

9. کنز الفوائد: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ» تا آخر آیه نقل کرد که فرمود: این آیه اختصاص به آل محمّد دارد، حضرت مهدی و اصحابش که خداوند آنها را مالک شرق و غرب میکند و دین را به وسیله او بر تمام ادیان پیروز مینماید و باطل و

1- . حج / 42 - 44

2- . كنز الفوائد : 174 و 175

دین های ساختگی را به همت او و یارانش از میان بر میدارد. چنانچه پیش از ظهور او سفاهت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت کشیده شده است. عدالت طوری گسترش می یابد که اثری از ظلم باقی نمی ماند. امر به معروف و نهی از منکر میکنند. عاقبت امور در اختیار خداست.(1)

10. تفسیر فرات: از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: به خدا سوگند آیه «الَّذِینَ إِنْ مَکَّنّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ» تا آخر آیه در باره ما نازل شده است.(2)

11. مناقب آل ابی طالب: از موسی بن جعفر و امام حسین علیهم السّلام مانند همین روایت را نقل کرده است.(3)

12. تفسیر فرات: ابن عباس در باره آیه: «وَعَدَ اللّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ»(4)، {خدا

به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتما آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد} تا آخر آیه، گفت: در باره آل محمّد صلی اللّه علیه و آله نازل شده.(5)

13. تفسیر فرات: قاسم بن عون گفت از عبد اللّه بن محمّد شنیدم میگفت، آیه: «وَعَدَ اللّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ» تا آخر آیه مربوط به ما خانواده است.(6)

14. اقبال از کتاب محمّد بن ابی قره به اسناد خود از محمّد بن عثمان عمری از حضرت قائم علیه السّلام نقل میکند، در دعای شبهای ماه رمضان: «اللهم انی افتتح الثناء بحمدک» خدایا ستایش را با سپاس تو آغاز میکنم. تا «اللهم و صل علی ولی امرک القائم المؤمل» خدایا بر سرپرست امر خود، قیام کننده مایه امید

1- . همان : 175
2- . تفسیر فرات : 98
3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 207
4- . نور / 55

5- . تفسیر فرات : 102 و 103
6- . همان

درود فرست. تا این قسمت دعا «استخلفه فی الارض کما استخلفت الذین من قبله مکن له دینه الذی ارتضیته له ابدله من بعد خوفه امنا یعبدک و لا یشرک بک شیئا».(1) او را در زمین جانشین قرار ده همانطور که کسانی را که پیش از او بودند جانشین قرار دادی. او را بر دینش که برای او پسندیدی مسلط کن. تغییر ده آن را برای او پس از ترسش به امنیتی که تو را پرستش کند و چیزی را شریک تو نسازد.

مولف: مانند این دعا در زیارات و ادعیه زیاد است.

1- . الاقبال 58 و 60

باب چهل و نهم: ائمه علیهم السّلام مستضعفینی هستند که به آنها وعده پیروزی از جانب خدا داده شده است

آیات

«وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ * وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ نُرِیَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ (1)»، {و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم و در زمین قدرتشان دهیم و [از طرفی] به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از جانب آنان بیمناک بودند بنمایانیم.}

تفسیر

مرحوم طبرسی در مجمع البیان مینویسد: «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ» به معنی این است که فرعون تصمیم داشت بنی اسرائیل را از میان بردارد و بکشد، ما تصمیم داریم بر آنها منت گذاریم: «وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً» ایشان را پیشوا و رهبر قرار دهیم در کارهای نیک یا فرمانروا و پادشاه «وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ» آنها را وارث ملک و مال فرعون و قوم او کنیم.

روایت صحیح از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام رسیده که فرمود: به آن خدایی که دانه را میشکافد و جان در کالبد می دمد، دنیا بعد از این پشت نمودن و تنفری که از ما دارد به ما رو خواهد آورد، همانند ماده شتری که به بچه خود خیلی

1- . قصص / 5 و6

علاقه دارد و از او حمایت می کند. پس از آن این آیه را خواند: «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ»

عیاشی به اسناد خود از ابو صباح کنانی نقل می کند که گفت: امام باقر علیه السّلام به امام صادق علیه السّلام نگاه کرده فرمود: به خدا سوگند این از کسانی است که آیه «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ» شامل او میشود.

حضرت زین العابدین علیه السّلام فرمود: به آن خدایی که محمّد صلی اللّه علیه و آله را برانگیخت، مژده دهنده و هراسنده، همانا نیکان از ما خانواده و شیعیان آنها مانند موسی و پیروان او هستند و دشمنان ما و پیروان آنها، مانند فرعون و هواداران او هستند.(1)

مولف: روایات زیادی رسیده که منظور از فرعون و هامان در آیه، ابو بکر و عمرند.

1. معانی الاخبار: مفضل گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله نگاهی به علی و حسن و حسین علیهم السّلام نموده گریه کرد و فرمود: شما مستضعفین پس از من هستید. عرض کردم یا ابن رسول اللّه، معنی این فرمایش پیامبر چیست؟ فرمود: معنای آن این است که شما بعد از من پیشوا و امام مردمید. خداوند در این آیه می فرماید: «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ» این آیه در باره ما اهل بیت جاری است تا روز قیامت.(2)

2. امالی صدوق: اعشی ثقفی از ابو صادق نقل کرد که علی علیه السّلام فرمود: این آیه «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ» برای ماست یا در باره ما(3) نازل شده است.(4)

1- . مجمع البیان 7 : 239
2- . معانی الاخبار : 28
3- . تردید از راوی است.
4- . امالی صدوق : 286 و 287

3. تفسیر قمی: «نَتْلُوا عَلَیْکَ مِنْ نَبَإِ مُوسی وَ فِرْعَوْنَ» تا «إِنَّهُ کانَ مِنَ الْمُفْسِدِینَ»(1)، {[بخشی] از گزارش [حال] موسی و فرعون را برای [آگاهی] مردمی که ایمان می آورند به درستی بر تو می خوانیم. فرعون در سرزمین [مصر] سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت. طبقه ای از آنان را زبون می داشت، پسرانشان را سر می برید و زنانشان را [برای بهره کشی] زنده بر جای می گذاشت. وی از فسادکاران بود.} خداوند در این آیات از ناراحتیهایی که موسی و اصحابش از فرعون دیدند - از کشته شدن و ظلم - خبر میدهد تا تذکار این مطلب موجب تسلی و تسکین پیامبر اکرم راجع به ناراحتی هایی که اهل بیت او و از امتش می بینند گردد. پس از این تسلی به او مژده داد که خاندانش بر دشمنان پیروز می شوند و آنها را در روی زمین خلیفه و امام بر امت قرار خواهد داد.

آنها با دشمنانشان به دنیا باز میگردند تا از آنها انتقام بگیرند. (خداوند) فرموده است: «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ * وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ نُرِیَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ» یعنی از قتل و عذاب؛ و اگر این آیه در باره موسی و فرعون نازل شده بود باید میفرمود: «وَ نُرِیَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُ ما کانُوا یَحْذَرُونَ» یعنی از موسی؛ ضمیر را مفرد می آورد - مِنه - نه مِنهُم. وقتی می فرماید، تصمیم داریم بر کسانی که ضعیف شمرده شده اند در زمین منت گذاریم و آنها را امام قرار دهیم، متوجه میشویم که خطاب به پیامبر است و وعده ای که خدا به او داده، مربوط به بعد از آن جناب است و ائمه از فرزندان او هستند.

خداوند این مثل را برای آنها در مورد موسی و بنی اسرائیل و دشمنان آنها فرعون و هامان و سپاه آن دو آورده و فرموده است، فرعون شروع به کشتار بنی اسرائیل کرد و به آنها ستم نمود.

خداوند موسی را بر او پیروز کرد تا آنجا که موجب هلاکت فرعون گردید. همچنین اهل بیت پیامبر از دشمنان خود ستم هایی از کشته شدن و غصب مقام

1- . قصص / 3 و 4

دیدند، در آینده خداوند آنها را به دنیا برمیگرداند و دشمنان ایشان را نیز می آورد تا آنها را بکشند.

امیر المؤمنین علیه السّلام در باره دشمنان خود مثلی آورده، مانند مثالی که خدا به فرعون و هامان زده و فرموده است: ای مردم، اول کسی که ستمگری را در زمین شروع کرد، عناق دختر آدم بود.

خداوند برای او بیست انگشت آفرید، در هر انگشت او دو ناخن قرار داشت و هر کدام به اندازه ی دو داس بزرگ بود و یک جریب زمین محل نشستن او می شد. وقتی ستمکاری را در پیش گرفت، خداوند شیری به اندازه فیل و گرگی به اندازه شتر و عقابی مانند الاغ برای نابودی او فرستاد. اینها آفریده های اول بودند. خداوند شیر و گرگ و عقاب را بر آن زن مسلط گردانید، او را کشتند.

دقت نمائید! خداوند فرعون و هامان را کشت و قارون را در زمین فرو برد. این مثالی است از برای دشمنان خدا که حقش را غصب نمودند و خدا آنها را هلاک کرد.

سپس امیر المؤمنین علیه السّلام بعد از این مثل فرمود: مرا حقی بود که اشخاص نا اهل آن را غصب کردند، با اینکه شریک در آن امر نبودند و نمیتواند از این عمل توبه نماند، مگر از جانب خدا آیه ای نازل شود و یا پیامبری ارسال گردد. چگونه میتواند پس از پیامبر اکرم محمّد مصطفی پیامبری بیاید با اینکه نبوت به او ختم شده و چطور توبه میکند با اینکه در برزخ قیامت به سر میبرد و فریب آرزوهای خود را خورده و گمراه شده، اینک بر فراز آتشی سهمگین قرار گرفته که او را به داخل جهنم پرتاب میکند. خداوند ستمگران را هدایت نخواهد کرد.(1) چنین است مثل قائم در غیبت و فرار از اجتماع و پنهان زیستن مانند موسی که ترسان و پنهان میزیست؛ تا خداوند اجازه ظهور و استرداد حق و کشتن دشمنانش را بدهد که در این آیه میفرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍ»(2)

{به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل ،

1- . تا اینجا گویا سخنان امیر المؤمنین علیه السّلام پایان می یابد و بقیه از قمی صاحب تفسیر است.
2- . حج / 39 و 40

شده رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست، همان کسانی که بناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند [آنها گناهی نداشتند]. }

خداوند مثلی برای حسین بن علی علیهما السّلام نیز راجع به ناراحتی هایی(1) که از دشمنان دید، در بنی اسرائیل دارد.

4. در تفسیر قمی از ابن حمید از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که منهال بن عمرو خدمت علی بن الحسین زین العابدین علیهما السّلام رسید و عرض کرد آقا! حال شما چطور است؟ فرمود: و ای بر تو، نمیدانی حال ما چطور است؟ ما در میان ملتی هستیم مانند بنی اسرائیل در میان فرعونیان که فرزندان آنها را میکشتند و زنان را زنده نگه میداشتند، تا آخر خبر.(2)

5. کنز الفوائد: از ربیعه بن ناجد نقل میکند که از علی علیه السّلام شنیدم، پس از خواندن آیه «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ» فرمود: دنیا بما رو می آورد مانند ماده شتری که به فرزند خود روی می آورد.(3)

6. با همین اسناد از ابو صالح از علی علیه السّلام نقل می کند که فرمود: به آن خدائی که دانه را میشکافد و جان در کالبد می دمد، دنیا به ما رو می آورد، مانند ماده شتر که به فرزند خود روی می آورد.(4)

توضیح: جوهری گفته است: ضَرَسَهم الزّمان یعنی سخت شد بر آنها و ناقه ضروس یعنی شتر بد خلقی که دوشنده خود را گاز می گیرد و عبارت «هی بِجنّ ضِراسها» از این قبیل است یعنی به گرفتاریهای فرزندش و حال که چنین است از فرزندش پشتیبانی می کند و بعضی گفته اند، الضروس یعنی ناقه ای که فرزندش می میرد یا ذبح می شود و پوستش کنده می شود، پس ناقه نزدیک آن شده و به آن روی می آورد.

1- . در مصدر به جای إداله (ناراحتی)، بذلّتهم (خواری) آورده است.
2- . تفسیر قمی : 482 و 483
3- . کنز الفوائد : 231

4- . همان

7. تفسیر فرات: به اسناد خود از ابن مغیره گفت که علی علیه السّلام فرمود: آیه «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ» تا آخر آیه، در باره ما نازل شده است.(1)

8. تفسیر فرات: ثویر بن ابی فاخته گفت: زین العابدین علیه السّلام به من فرمود: قرآن میخوانی؟ عرض کردم: آری. فرمود: بخوان: طسم سوره موسی و فرعون را. من چهار آیه از اول سوره را خواندم تا به این آیه رسیدم: «وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ» فرمود: کافی است. به آن خدایی که محمّد را به حق بشیر و نذیر برانگیخته، همانا نیکان از ما خانواده و شیعیان ما مانند موسی و پیروان او هستند.(2)

9. تفسیر فرات: حسین بن سعید به اسناد خود از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل میکند که فرمود: هر که مایل است وضع ما و این قوم را بداند، همانا ما و شیعیانمان در آن روز که خدا آسمانها را آفرید شبیه موسی و پیروان او هستیم و دشمنانمان شبیه فرعون و پیروانش. آیات اول سوره قصص تا «یَحْذَرُونَ» در باره ما نازل شده، قسم به آن خدایی که دانه را شکافت و به انسان جان داد و کتاب آسمانی بر محمّد به راستی و عدالت نازل نمود، قدرت و حکومت به سوی شما باز خواهد گشت، مانند ماده شتری که به فرزند خود توجه دارد.(3)

10. تفسیر فرات: زید بن سلام جعفی گفت: خدمت حضرت باقر علیه السّلام رسیده عرض کردم، آقا، خدا خیرتان دهد، خیثمه جعفی از شما نقل کرد که فرموده اید: «وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ» ائمه در این آیه شما هستید و وارثین نیز شمایید. فرمود: به خدا قسم خیثمه راست گفته، همین طور به او گفته ام.(4)

11. تفسیر عیاشی: حمران از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «الْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَهِ

ص: 200

1- . تفسیر فرات : 116
2- . همان
3- . همان : 116 و 117

4- . همان

الظَّالِمِ أَهْلُها» تا «نَصِیراً»(1) {و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی جنگید، همانان که می گویند پروردگارا ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یاوری برای ما تعیین فرما. } نقل کرد که فرمود: ما همان گروه هستیم.(2)

12. تفسیر عیاشی: سماعه گفت: از حضرت صادق علیه السّلام تفسیر مستضعفین را پرسیدم، فرمود: آنها اهل ولایت هستند. عرض کردم منظور شما کدام ولایت است؟ فرمود: منظور ولایت دینی نیست، اما ازدواج و ارث و رفت و آمد با آنها صحیح است؛ ولی گروهی که امید نجات آنها در آخرت است، نه مؤمن و نه کافرند.

اما مستضعفینی که در این آیه قرار دارد «...وَ الْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَهِ تا نَصِیراً» ما هستیم.(3)

توضیح: لفظ مستضعفین در دو آیه سوره نساء قرار دارد: اول: «وَ ما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَهِ الظّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصِیراً»

دوم: «إِنَّ الَّذِینَ تَوَفّاهُمُ الْمَلائِکَهُ ظالِمِی أَنْفُسِهِمْ قالُوا فِیمَ کُنْتُمْ قالُوا کُنّا مُسْتَضْعَفِینَ فِی الْأَرْض * تا إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ لا یَسْتَطِیعُونَ حِیلَهً وَ لاَ یَهْتَدُونَ سَبِیلاً»(4)، {کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده اند [وقتی] فرشتگان جانشان را می گیرند می گویند، در چه [حال] بودید؟ پاسخ می دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می گویند مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟ پس آنان جایگاهشان دوزخ است و [دوزخ] بد سرانجامی است مگر آن مردان و زنان و کودکان فرودستی که چاره جویی نتوانند و راهی نیابند. }

1- . نساء / 75
2- . تفسیر عیاشی 1 : 257
3- . همان

4- . نساء / 97 و 98

امام علیه السّلام آیه اولی را به ائمه علیهم السّلام تفسیر نموده زیرا خداوند آنها را قرین خویش قرار داده و پیکار در راه آنها را مانند پیکار در راه خود میداند و آیه دوم راجع به کسانی است که ایمان کامل ندارند و عذرشان پذیرفته شده و تطبیق آیه بر آنها روشن است.

13. مناقب آل ابی طالب: ابو الصباح گفت: حضرت باقر علیه السّلام نگاهی به حضرت صادق نموده فرمود: به خدا قسم این از آنهایی است که خداوند فرموده: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ»(1)

ص: 202

1- . مناقب آل ابی طالب 3 : 343

باب پنجاهم : ائمه علیهم السلام «کلمات اللَّه» هستند و ولایت آنها کلم طیب است

آیات

«قُلْ لَوْ کانَ الْبَحْرُ مِداداً لِکَلِماتِ رَبِّی لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ کَلِماتُ رَبِّی وَ لَوْ جِئْنا بِمِثْلِهِ مَدَداً.(1)» {بگو اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد، قطعا دریا پایان می یابد؛ هر چند نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم. }

«وَ لَوْ أَنَّ ما فِی الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَهٍ أَقْلامٌ وَ الْبَحْرُ یَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَهُ أَبْحُرٍ ما نَفِدَتْ کَلِماتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ.(2)» {و اگر آنچه درخت در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد. قطعا خداست که شکست ناپذیر حکیم است. }

«وَ أَلْزَمَهُمْ کَلِمَهَ التَّقْوی.(3)» {و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت. }

تفسیر

در معنی کلمات خدا گفته شده است، مقدرات اوست، بعضی علوم خدا را گفته اند؛ بعضی وعده ثواب برای نیکان و عقاب برای متمرّدان را گفته اند. بنا بر تفسیر اهل بیت، که مراد از کلمات ائمه علیهم السّلام باشد، منظور از تمام نشدن یعنی فضائل و مناقب و علوم آنها تمام شدنی نیست. کلمه التقوی را بیشتر مفسرین به کلمه

1- . کهف / 109
2- . لقمان / 27
3- . فتح / 26

توحید تفسیر کرده اند. بعضی ثبات و پایداری و وفای به عهد دانسته اند و در تفسیر اهل بیت علیهم السّلام منظور ولایت است که به وسیله آن میتوان از آتش جهنم پرهیز نمود، یا به این جهت که اعتقاد به ائمه، عقیده اهل تقوی است.

تفسیر علی بن ابراهیم از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه «قُلْ لَوْ کانَ الْبَحْرُ مِداداً لِکَلِماتِ رَبِّی» میفرماید: خداوند اطلاع میدهد که کلام خدا پایان ندارد و پیوسته و پایدار است.(1)

مولف: این تفسیر نیز بازگشت به فضائل و مناقب آنها دارد زیرا ائمه علیهم السّلام پایگاه کلمات و علوم خدایند.

1. مناقب آل ابی طالب، تحف العقول، الاحتجاج: یحیی بن اکثم از حضرت ابو الحسن علیه السّلام پرسید: هفت دریا «سَبْعَةُ أَبْحُرٍ ما نَفِدَتْ کَلِماتُ اللَّهِ» که در این آیه میفرماید کدام است؟ فرمود: چشمه کبریت و چشمه یمن و چشمه برهوت و چشمه طبریه و چشمه آب گرم ماسبذان(2) و آب گرم آفریقا و آب گرم ماجروان.(3) فرمود: ما کلمات خدا هستیم که فضائل و مناقب ما درک پذیر و پایان پذیر نیست.(4)

توضیح: الحَمّه چشمه آب گرمی که بیماران با آن مداوا می شوند. فیروز آبادی این را نقل کرده است.

2. تفسیر قمی: «وَ لَوْ لا کَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ»(5)،

{و اگر فرمان قاطع [در باره تاخیر عذاب در کار] نبود مسلما میانشان داوری می شد.} نوشته است: کلمه در آیه امام است و دلیل بر این مطلب، این آیه مبارکه است: «وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ»(6)، {و او آن را در پی خود سخنی جاویدان کرد. باشد که آنان

1- . تفسیرقمی : 407
2- . در ناحیه اسفرایین است.
3- . شاید باجروان صحیح باشد. یاقوت گفته است شهری است از نواحی باب الابواب نزدیک شروان.

4- . مناقب آل ابی طالب 3 : 508، تحف العقول : 477 و 479، الاحتجاج : 252

5- . شوری / 21

6- . زخرف / 28

[به توحید] بازگردند.} یعنی امامت را در فرزندان او قرار داد. سپس میفرماید: «إِنَّ الظّٰالِمِینَ» یعنی کسانی که ستم بر این کلمه روا داشتند «لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ».

آنگاه میفرماید: «تَرَی الظّٰالِمِینَ» یعنی می بینی ستمگران حق آل محمّد را «مُشْفِقِینَ مِمّٰا کَسَبُوا» {از آنچه انجام داده اند هراسناک می بینی} از کاری که کرده اند بیمناکند «وَ هُوَ واقِعٌ بِهِمْ» {و [جزای عملشان] به آنان خواهد رسید} آن ناراحتی ایشان را فراخواهد گرفت. سپس خداوند کسانی را که ایمان به کلمه آورده و پیرو آنها شده اند ذکر میکند و میفرماید: «وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰالِحاتِ فِی رَوْضاتِ الْجَنّٰاتِ» {و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در باغهای بهشتند} تا «ذٰلِکَ الَّذِی یُبَشِّرُ اللّٰهُ بِه عِبادَهُ الَّذِینَ آمَنُوا» {این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند [بدان] مژده داده است} این بشارتی است که خدا به کسانی که ایمان به کلمه آورده اند میدهد «وَ عَمِلُوا الصّٰالِحاتِ»(1) و آنچه را دستور دادند، عمل کرده اند.(2)

3. تفسیر قمی: «لا تَبْدِیلَ لِکَلِماتِ اللّٰهِ»(3) ، {وعده های خدا را تبدیلی نیست.} یعنی تغیری در امامت نیست.(4)

مولف: اخبار زیادی در بخشهای احوال آدم و ابراهیم علیهما السّلام گذشت که آنها کلمات اللّٰه هستند.

4. روضه کافی: به اسناد خود از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که فرمود: پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله به دشمنان خدا و پیروان شیطان که اهل تکذیب و انکارند فرمود: «قُلْ ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفِینَ»(5)،

{بگو مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی کنم و من از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم و به خدا نسبت دهم.} در مورد چیزی که شایستگی ندارید به زور

1- . شوری / 21 - 23

2- . تفسیر قمی : 601
3- . یونس / 64
4- . تفسیر قمی : 290
5- . ص / 86

وادارتان نمیکنم. در این موقع بعضی از منافقین به دیگران گفتند، مدت بیست سال است که محمد بر ما حکومت می کند کافی نیست که حالا تصمیم دارد خویشاوندان خود را بار بر گردن ما نماید؟ اگر کشته شود یا بمیرد، حکومت را به خویشاوندانش نخواهیم داد. دیگر نخواهیم گذاشت حکومت به این خانواده بر گردد. خداوند خواست پیامبرش از آنچه ایشان تصمیم گرفته اند و با خود پنهانی گفتگو کردند مطلع باشد، این آیه را فرستاد: «أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً فَإِنْ یَشَأِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ» {آیا می گویند بر خدا دروغی بسته است؟ پس اگر خدا بخواهد بر دلت مهر می نهد} (آنها) بر خدا دروغ بسته اند. اگر خداوند تصمیم بگیرد وحی را از تو قطع نماید، دیگر خبر از فضائل و مودت اهل بیت خود نخواهی داد. خدا می فرماید «وَ یَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ وَ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ» حق را خواهد گفت و ولایت متعلق به اهل بیت تو است «إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ»(1) ، {و خدا باطل را محو و حقیقت را با کلمات خویش پا برجا می کند، اوست که به راز دلها داناست.} او از دشمنیهایی که منافقین با خویشاوندان تو دارند اطلاع دارد. و می داند بعد از این چه ستمی بر آنها وارد میکنند.(2)

5. تفسیر قمی: محمّد بن مسلم از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه «فَإِنْ یَشَأِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ» اگر خدا بخواهد، در صورتی که تو دروغ بر او ببندی، وحی را از تو قطع می نماید «وَ یَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ» خدا باطل را از میان می برد «وَ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ» و حق را به وسیله کلمات خود یعنی ائمه علیهم السلام و قائم از آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله استوار میدارد.(3)

6. امالی طوسی: عمر بن علی از حضرت باقر علیه السّلام از آباء گرام خود علیهم السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله فرمود: خداوند با من پیمانی بست. عرض کردم بارالها، برای من توضیح بده. فرمود: گوش کن. عرض کردم گوش فرا داشتم. فرمود: یا محمّد، علی پرچم هدایت پس از تو است و پیشوای

1- . شوری / 24
2- . روضه کافی : 379 و 380
3- . تفسیر قمی : 601 و 602

دوستان من و نور درخشان برای فرمانبرداران، و اوست همان کلمه ای که بر متقین و پرهیزگاران واجب کرده ام. هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که با او دشمن باشد با من دشمن شده. این مژده را به آنها بده.(1)

7. بصائر الدرجات: عبد اللّه بن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد در باره آیه «وَ لَقَدْ عَهِدْنا إِلی آدَمَ مِنْ قَبْلُ» با آدم در مورد کلماتی در باره محمّد و علی و حسن و حسین و ائمه از نژاد آنها قراردادی بستیم «فَنَسِیَ»(2) {و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم و[لی آن را] فراموش کرد} فرمود: به خدا چنین بر محمّد نازل شد.(3)

مناقب آل ابی طالب: از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(4)

8. اکمال الدین: مفضل بن عمر نقل کرد که از حضرت صادق علیه السّلام راجع به آیه «وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَ»(5)، {و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید.} پرسیدم که کلمات در این آیه چیست؟

فرمود: همان کلماتی است که آدم از پروردگار خود فرا گرفت و پس از آن توبه اش را پذیرفت و آن چنین بود که گفت: «خدایا، از تو بحق محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین درخواست میکنم که از من درگذری. خداوند توبه اش را پذیرفت «إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ»

عرض کردم، پس منظور خداوند که میفرماید: «فَأَتَمَّهُنَ» آنها را به پایان رسانید چیست؟ فرمود: یعنی آنها را (دوازده امام که نه نفر از اولاد حسین هستند) به وسیله قائم تکمیل کرد. مفضل گفت: عرض کردم یابن رسول اللّه، پس تفسیر این آیه

1- . امالی طوسی : 154
2- . طه / 115
3- . بصائر الدرجات : 21
4- . مناقب آل ابی طالب 3 : 102

5- . بقره / 124

را بفرمایید: «وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ» فرمود: یعنی امامت را تا قیامت در اولاد حسین قراردادم.

عرض کردم: چرا امامت به اولاد حضرت حسین علیه السّلام رسید و نه به فرزندان امام حسن با اینکه هر دو فرزند پیامبر و نواده او و سرور جوانان بهشت بودند؟ فرمود: موسی و هارون هر دو پیامبر مرسل و برادر بودند، خداوند پیامبری را در نژاد هارون قرار داد، موسی و دیگری را جای اعتراض نیست که چرا؟ همچنین امامت خلافت خدا در زمین است. کسی نمیتواند بگوید چرا خدا در اولاد امام حسین قرار داده و در اولاد امام حسن قرار نداده؟ زیرا او در کارهایش حکیم است و هیچ کاری را جز بر مصلحت نمیکند؛ از کار خدا نمی توان بازخواست کرد، مردم مورد بازخواست قرار می گیرند.(1)

توضیح: بعضی از مفسرین کلمات را به دستورات دین و بعضی به سنن ابراهیمی و معانی دیگر کرده اند ولی پوشیده نیست که تفسیر امام از تمام آنها روشنتر است زیرا معلوم است که این قسمت آیه: «إِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ» مجمل است که آن را این قسمت آیه تفسیر میکند: «إِنِّی جاعِلُکَ» تا آخر آیه. حاصل معنی این است که خداوند ابراهیم علیه السّلام را به کلماتی که امامت یا ائمه است امتحان کرد و سپس او را به امامت گرامی داشت و آنها را تکمیل نمود. چون ابراهیم علیه السّلام امامت را برای فرزندان خود تقاضا کرد، خداوند تقاضای او را پذیرفت، اما (فقط) در فرزندان معصومش که آخر آنها حضرت قائم علیه السّلام است. تقاضای ابراهیم علیه السّلام «وَ مِنْ ذُرِّیَّتِی»، تفسیر است از برای «فَأَتَمَّهُنَ» بنا بر این وجه ممکن است ضمیر مستتر در «فَأَتَمَّهُنَ» به خداوند برگردد، یعنی خدا امامت را به دعای حضرت ابراهیم علیه السّلام تکمیل کرد؛ اما وجه اول اظهر است. جای تردیدی نیست که تمام آیه بنا بر این تفسیر، بر معنی ای که ذکر شد، بدون نارسایی و اشکالی منطبق می شود.

9. بصائر الدرجات: یونس بن ظبیان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که شنیدم میفرمود: وقتی خداوند تصمیم بگیرد امامی را از امام دیگر بیافریند،

1- . اکمال الدین : 204 و 205

فرشته ای را میفرستد که آبی از زیر عرش بگیرد و سپس آن آب را به امام میرساند یا به او وامی گذارد. چهل روز در رحم میماند بدون اینکه چیزی بشنود و پس از چهل روز می شنود.

وقتی مادر او را زائید، خداوند همان فرشته را میفرستد و بر بازوی راست او مینویسد: «وَ تَمَّتْ کَلِمَهُ رَبِّکَ صِدْقاً وَ عَدْلًا لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِهِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ»(1)، {و سخن پروردگارت به راستی و داد سرانجام گرفته است و هیچ تغییردهنده ای برای کلمات او نیست و او شنوای داناست. }(2)

10. تفسیر عیاشی: جابر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام راجع به تفسیر این آیه پرسیدم: «یُرِیدُ اللَّهُ أَنْ یُحِقَّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ وَ یَقْطَعَ دابِرَ الْکافِرِینَ»، {و[لی] خدا می خواست حق [=اسلام] را با کلمات خود ثابت و کافران را ریشه کن کند. } فرمود: تفسیر این آیه در باطن این است که خدا اراده دارد، یعنی هنوز انجام نداده است. و معنی «یُحِقَ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ» یعنی احقاق حق آل محمّد را کند اما «بِکَلِماتِهِ» در باطن، علی کلمه اللّه است «وَ یَقْطَعَ دابِرَ الْکافِرِینَ» منظور بنی امیه است که خداوند دمار از روزگار آنها میکشد و اینکه فرموده: «لِیُحِقَّ الْحَقَ» یعنی تا احقاق حق آل محمّد را هنگام قیام حضرت قائم بکند «وَ یُبْطِلَ الْباطِلَ» یعنی وقتی قائم قیام کرد، باطل بنی امیه را از میان میبرد؛ این است معنی آیه «لِیُحِقَّ الْحَقَ وَ یُبْطِلَ الْباطِلَ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُجْرِمُونَ»(3)، {تا حق را ثابت و باطل را نابود گرداند هر چند بزهکاران خوش نداشته باشند. }(4)

توضیح: مراد از «لِیُحِقَّ الْحَقَ» در انتهای آیه، قیام قائم است که حق را برپا می کند.

11. کنز الفوائد: سلیم بن قیس گفت: روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام وارد مسجد شد، ما اطراف آن جناب را گرفتیم، فرمود: از من بپرسید قبل از

1- . انعام / 115
2- . بصائر الدرجات : 130
3- . انفال / 7 و 8
4- .[4] تفسیر عیاشی 2 : 50

اینکه مرا نیابید. از قرآن بپرسید، در قرآن دانش پیشینیان و آیندگان هست، جای ایرادی برای کسی نگذاشته و تأویل آن را جز خدا و راسخین در علم نمیدانند و راسخین یک نفر نیستند و پیامبر اکرم یکی از راسخین است که خداوند به او تعلیم کرده و او به من آموخته. سپس پیوسته در اولاد او خواهد بود تا روز قیامت. بعد این آیه را تلاوت کرد: «وَ بَقِیَّةٌ مِمَّا تَرَکَ آلُ مُوسی وَ آلُ هارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلائِکَةُ»،(1) {و بازمانده ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون [در آن] بر جای نهاده اند، در حالی که فرشتگان آن را حمل می کنند.} من نسبت به پیامبر مانند هارون هستم نسبت به موسی، به جز مقام نبوت، و دانش او در نسل ماست تا دامنه قیامت. بعد این آیه را تلاوت نمود: «وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ»

بعد فرمود: پیامبر اکرم عقبه و بازمانده ابراهیم است و ما اهل بیت نیز از بازماندگان ابراهیم و محمّد هستیم.(2)

12. کنز الفوائد: ابو بصیر: حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ» فرمود: این مقام (امامت) در حسین است، پیوسته پس از انتقال به حسین علیه السّلام، از پدر به پسر منتقل می شود، نه به برادر و عمو و هر کدام از امامها قبل از اینکه از دنیا برود، دارای فرزند است. اما عبد اللّٰه بن جعفر (عبد اللّٰه افطح) از دنیا رفت در حالی که فرزندی نداشت و یک ماه میان هواداران خود زندگی کرد.(3)

توضیح: دنباله خبر، رد بر طرفداران عبد اللّٰه افطح فرزند حضرت صادق علیه السّلام است که فطحی مذهبان او را امام میدانستند.

در ضمن باید توجه داشت که این آیه پس از قصه ابراهیم علیه السّلام است در آنجا که میفرماید: «إِذْ قالَ إِبْراهِیمُ لِأَبِیهِ وَ قَوْمِهِ إِنَّنِی بَراءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ * إِلَّا الَّذِی فَطَرَنِی فَإِنَّهُ سَیَهْدِینِ»(4)

، {و چون ابراهیم به [نا]پدری خود و قومش گفت، من واقعا

1- . بقره / 248
2- . کنز الفوائد : 290
3- . همان

4- . زخرف / 26 و 27

از آنچه می پرستید بیزارم مگر [از] آن کس که مرا پدید آورد و البته او مرا راهنمایی خواهد کرد. } بعد این آیه را ذکر نموده.

بیضاوی گفته است: قرار داد ابراهیم یا خدا کلمه توحید را پایدار و در نژاد خود که پیوسته در میان آنها کسانی هستند که خدای را به یگانگی می پرستند و دعوت بتوحید او میکنند: «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» یعنی شاید کسی که مشرک شده، به واسطه دعوت موحدین از نژاد ابراهیم، برگردد .

مرحوم طبرسی می نویسد: کلمه باقیه امامت است که تا روز قیامت در نژاد ابراهیم علیه السّلام است. این معنی از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده در نژاد ابراهیم علیه السّلام که چه کسانی هستند، اختلاف کرده اند. بعضی گفته اند، فرزندان ابراهیم علیه السّلام تا روز قیامت. (این قول) از حسن نقل شده است. و بعضی می گویند آل محمّدند (از سدی نقل شده).(1)

13. کنز الفوائد: مالک بن عبد اللَّه گفت: به مولایم حضرت رضا علیه السّلام عرض کردم، معنی: «وَ أَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوى» چیست؟ فرمود: ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام است.(2)

14. کنز الفوائد: غالب جهنی از حضرت باقر علیه السّلام، از آباء گرام خود از علی علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم به من فرمود: وقتی مرا به آسمان بردند، وقتی به سدره المنتهی رسیدم و در مقابل پروردگار ایستادم، فرمود: یا محمّد! عرض کردم: بلی. فرمود: تو مردم را آزمایش کرده ای، کدام یک بیشتر پیرو تو بودند؟ گفتم: خدایا علی! فرمود: درست است، آیا برای خود جانشینی گرفته ای که دنباله مأموریت ترا بگیرد و کتاب مرا به مردم بیاموزد؟ عرض کردم: نه.

عرض کردم: خدایا تو انتخاب کن که منتخب تو به صلاح من است. فرمود: من علی را برگزیدم، او را جانشین و وصی خود قرار ده. من علم و حلم خویش را به او بخشیدم، او واقعاً امیر المؤمنین است و این مقام را کسی قبل از او نداشته و بعد از او نخواهد داشت. یا محمّد! علی پرچم هدایت و پیشوای فرمانبرداران و روشنی

1- . مجمع البيان 9 : 76
2- . كنز الفوائد : 305

بخش دل دوستان و او کلمه تقوی است که بر متقین واجب نموده ام؛ هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته. این بشارت را به او بده.

پیامبر اکرم این بشارت را به علی علیه السّلام داد. علی گفت: من بنده خدا و در اختیار اویم، اگر مرا کیفر کند از خطای من است نه اینکه به من ستم روا داشته باشد و اگر وعده خود را انجام دهد، او شایسته چنین کاری نسبت به من است.

پیامبر اکرم گفت: خدایا دل او را بزرگ دار و ایمان به خود را روشنی بخش دلش قرار ده. فرمود: این خواسته ترا مستجاب کردم جز اینکه او را امتیاز بخشیدم به گرفتاریهایی که هیچ یک از اولیاء خود را چنین امتیازی نداده ام. عرض کردم: خدایا او برادر و مصاحب من است.

فرمود: در علم من چنین گذشته که او گرفتار خواهد شد، اگر علی نبود دوستان من و پیامبرم شناخته نمی شدند.(1)

15. کنز الفوائد: علی بن منذر از مسکین رحال عابد که در باره او می گوید چهل سال سرش را به سوی آسمان بلند نکرده است، و همچنین از ابی برزه نقل می کند که گفت: از پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله شنیدم که فرمود: خدا در باره علی با من عهدی بست، گفتم خدایا آن را برای من آشکار کن. گفت بشنو. گفتم خدایا شنیدم. خدا فرمود: به علی برسان که او امیر المؤمنین و سرور مسلمانان و اولای به مردم از خودشان و کلمهای است که آن را بر متقین واجب کردم.(2)

16. تفسیر قمی: «إِنَّ الَّذِینَ حَقَّتْ عَلَیْهِمْ کَلِمَتُ رَبِّکَ لا یُؤْمِنُونَ * وَ لَوْ جاءَتْهُمْ کُلُّ آیَهٍ حَتَّی یَرَوُا الْعَذابَ الْأَلِیمَ»(3)

، {در حقیقت کسانی که سخن پروردگارت بر آنان تحقق یافته، هر گونه آیتی برایشان بیاید ایمان نمی آورند، تا وقتی که عذاب دردناک را ببینند. } فرمود: یعنی کسانی که ولایت امیر المؤمنین را انکار کردند و آیه

1- . همان

2- . همان : 342 نسخه رضویه
3- . یونس / 96 و 97

«إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ» يعنى ولايت امير المؤمنين بر آنها عرضه شد و ايمان به آن واجب گشت ولى ايمان نياوردند.(1)

توضيح: بنا بر تأويل امام عليه السّلام، كلمه به ولايت تفسير شده، يعنى حجت بر آنها تمام شود.

بعضى از مفسران گفته اند: يعنى خدا خبر داده كه آنها ايمان نمى آورند. بعضى نيز مى گويند يعنى بر آنها خشم و غضب خدا لازم شده.

17. مناقب آل ابى طالب: عمار بن يقظان اسدى: حضرت صادق عليه السّلام در باره آيه: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»(2)، {سخنان

پاكيزه به سوى او بالا مى رود و كار شايسته به آن رفعت مى بخشد.} فرمود: ولايت ما خانواده است - اشاره به سينه خود كرد - هر كه ولايت ما را نداشته باشد، عمل صالحى از او پذيرفته نيست.(3)

18. سدى در آيه: «وَ جَعَلَها كَلِمَةً باقِيَةً فِى عَقِبِهِ» گفت: يعنى در آل محمّد، منظور اين است كه تا روز قيامت دوست آنها هستيم، و با دشمنان آنها تا قيامت دشمنيم، و از دشمنانشان تا روز قيامت تبرى مى جويم.(4)

19. مناقب آل ابى طالب: يحيى بن عبد اللّه بن حسن: حضرت صادق عليه السّلام در مورد آيه: «وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنا لِعِبادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ»(5)، {و قطعا فرمان ما در باره بندگان فرستاده ما از پيش [چنين] رفته است كه آنان [بر دشمنان خودشان] حتما پيروز خواهند شد.} فرمود: ما آنهاييم.(6)

توضيح: شايد منظور امام اين است كه ما همان كلمه اى هستيم كه براى عباد مرسلين ذكر كرده، يا (منظور) ولايت ماست، در صورتى كه جمله: «إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ» ارتباطى به قبل نداشته باشد. شايد منظور اين است كه ما داخل در آن

1- . تفسير قمى : 293

2- . فاطر / 10

3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 171
4- . همان 3 : 206
5- . صافات / 171 و172
6- . مناقب آل ابی طالب 3 : 243

عدهای هستیم که خدا وعده نصرت به آنها داده، چون پیروزی ایشان پیروزی پیامبر صلّی الله علیه و آله است.

20. تفسیر قمی: ذکر ائمه علیهم السّلام را نموده و این آیه را آورده: «وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ». منظور این است که ائمه به دنیا باز خواهند گشت (رجعت).(1)

21. العمده: ابن عباس گفت: از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله پرسیده شد، کلماتی که آدم از خدا گرفت چه بود؟

فرمود: از خدا خواست به حق محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام که توبه اش را بپذیرد، خدا نیز پذیرفت.(2)

22. اصول کافی: از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که فرمود: تفسیر امور، در هر سال به سوی ولی امر نازل می شود.(3) در مورد خودش دستور می رسد که چنین و چنان کند و در مورد مردم نیز چنین و چنان کند؛ اما برای ولی اللّه و امام، غیر از این نیز در هر روز علم خاص خدا و مستور و عجیب و پنهانش نیز به وجود می آید مانند آنچه در امشب اتفاق می افتد، بعد این آیه را خواند: «وَ لَوْ أَنَّ ما فِی الْأَرْضِ» تا آخر آیه.(4)

23. تفسیر قمی: «وَ لَوْ أَنَّ ما فِی الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَهٍ» گفت: توضیح آیه چنین است که یهودیان از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله راجع به روح سؤال کردند، فرمود: «الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّی وَ ما أُوتِیتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلاّ قَلِیلاً»(5)، {روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.} گفتند، فقط به ما یهودیان یا به تمام مردم؟ فرمود: به تمام مردم. گفتند این دو چطور جمع می شوند؟ ای محمّد! تو مدعی هستی که علم کمی داده شده، با اینکه به شما قرآن و به ما

1- . تفسیر قمی : 609
2- . العمده : 197
3- . در مصدر چنین آمده: «در شب قدر نازل می شود».
4- . اصول کافی 1 : 248
5- . إسراء / 85

تورات داده شده و در قرآن میخوانی «وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَهَ» یعنی تورات: «فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً»(1)، {و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است.}

خداوند این آیه را نازل نمود: «وَ لَوْ أَنَّ ما فِی الْأَرْضِ» تا آخر آیه و میگوید، علم خدا بزرگتر از اینها است. آنچه به شما داده شَده، در نظر شما زیاد است ولی نزد خدا کم است.(2)

24. الخصال: ابن عباس از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله نقل کرد که در خطبه خود فرمود: ما کلمه تقوی و راه هدایت هستیم.(3)

25. توحید: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که امیر المؤمنین در خطبه خود فرمود: من عروه الوثقی و کلمه تقوی هستم.(4)

26. اکمال الدین: از حضرت رضا علیه السّلام نقل می کند که فرمود: ما کلمه تقوی و عروه الوثقی هستیم.(5)

1- . بقره / 269
2- . تفسیر قمی : 509
3- . الخصال 2 : 52
4- . توحید : 154
5- . اکمال الدین : 117

باب پنجاه و یکم : ائمه علیهم السّلام حُرمات اللَّه هستند

آیات

«وَ مَنْ یُعَظِّمْ حُرُماتِ اللَّهِ فَهُوَ خَیْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ.(1)»، {و هر کس مقررات خدا را بزرگ دارد، آن برای او نزد پروردگارش بهتر است. }

تفسیر

بعضی گفتهاند، منظور از حرمت چیزی که هتک آن حرام است، در این آیه، مناسک حج است و بیت الحرام و بلد حرام و ماه حرام و مسجد الحرام نیز گفته اند.

آنچه در اخبار خواهد آمد قابل اعتماد است. شک نیست که احترام ائمه علیهم السّلام و بزرگداشت مقام آنها در حیات و بعد از وفاتشان واجب است، همچنین احترام به آنچه نسبت به این خاندان دارد از قبیل حرمهای منوره و اخبار و آثار و فرزندانشان و دانشمندانی که حمل اخبار و علوم ایشان را نموده اند.

1. معانی الاخبار، الخصال، امالی طوسی: عبد اللَّه بن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: خدا را سه حرمت است که نظیر ندارند: کتاب خدا که حکمت و نور او است، و خانه خدا که قبله مسلمانان جهان است و از هیچ کس پذیرفته نمی شود که روی به جانب دیگر کند، و عترت پیامبرتان.(2)

2. الخصال: ابو سعید خدری گفت: پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله فرمود: خدا دارای سه حرمت است، هر کس آنها را حفظ کند خداوند امر دین و دنیایش را

1- . حج / 30
2- . معانی الاخبار : 40، الخصال 1 : 71، امالی طوسی : 175، در الخصال این روایت را با سند دیگری ذکر شده است.

حفظ میکند، و هر کس حفظ نکند خداوند چیزی برای او حفظ نمیکند: حرمت اسلام و حرمت خودم و حرمت عترتم.(1)

3. الخصال: جابر گفت: از پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله شنیدم میفرمود: روز قیامت سه چیز به شکایت می آیند: قرآن و مسجد و عترت. قرآن میگوید: خدایا مرا تحریف نمودند و پاره پاره ام کردند. مسجد میگوید: خدایا مرا تعطیل کردند و ضایع نمودند. عترت میگوید: خدایا ما را کشتند و تبعید نمودند و طرد کردند. من برای دادخواهی روی دو زانو می نشینم. خداوند میفرماید من شایسته این کارم.(2)

4. روضه کافی: علی بن شجره از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد: خدا را در زمین پنج حرمت است: حرمت پیامبر، و حرمت آل او، و حرمت کتاب خدا، و حرمت کعبه، و حرمت مؤمن.(3)

5. کنز الفوائد: عیسی بن داود از امام موسی بن جعفر علیهما السّلام، از پدرش در مورد آیه: «وَ مَنْ یُعَظِّمْ حُرُماتِ اللَّهِ فَهُوَ خَیْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ» فرمود: سه حرمت است که واجب است، هر کس قطع حرمت یکی از آنها را بنماید به خدا مشرک شده است. اول، هتک حرمت خدا در بیت الحرام. دوم، تعطیل کتاب و عمل به غیر او. و سوم، قطع آنچه خدا واجب نموده که عبارت است از مودت ما و اطاعت از ما.(4)

6. مولف: ابن بطریق در مستدرک از کتاب فردوس به اسناد خود از جابر نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: سه چیز روز قیامت به شکایت می آیند: قرآن و مسجد و عترت. قرآن میگوید: خدایا مرا تحریف نمودند و پاره پاره ام کردند. مسجد میگوید: خدایا مرا خراب و تعطیل کردند و ضایع نمودند. عترت میگوید: خدایا ما را کشتند و تبعید نمودند و طرد کردند. و روی دو زانو برای دادخواهی می نشینند. خداوند میفرماید: من شایسته این کارم (یعنی دادخواهی).(5)

1- . الخصال 1 : 71
2- . همان 1 : 83
3- . روضه کافی : 107
4- . کنز الفوائد : 171

5- . مستدرک مخطوط که نسخه آن در نزد ما نبود.

و ولایت دشمنانشان کفر و فسوق و عصیان و فحشا و منکر و بغی است

1. کشف الیقین: عیسی بن داود نجار از ابو الحسن موسی بن جعفر علیهما السّلام از پدر بزرگوارش در باره آیه: «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ کانَ مَسْؤُلاً * وَ أَوْفُوا الْکَیْلَ إِذا کِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِیمِ»(1) ، {و به پیمان [خود] وفا کنید زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد و چون پیمانه می کنید پیمانه را تمام دهید و با ترازوی درست بسنجید.} فرمود: عهد همان پیمانی است که پیامبر اکرم از مردم گرفت راجع به مودت ما و اطاعت امیر المؤمنین که با او مخالفت نکنند و او را مقدم بدارند و رابطه خویشاوندیش را قطع نکنند و به آنها اطلاع داد که از این امر و همچنین از کتاب خدا بازخواست خواهند شد.

اما قسطاس در آیه امام است که عادلترین فرد روی زمین است و قسطاس همان حکم ائمه علیهم السّلام است. خداوند در این آیه میفرماید: «ذلِکَ خَیْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِیلاً»(2)، {که این بهتر و خوش فرجام تر است.} خداوند فرموده: امام به تأویل قرآن و آنچه حکم میکند و قضاوت می نماید، داناتر است.(3)

1- . إسراء / 34 و 35
2- . همان / 35
3- . الیقین فی إمره امیر المؤمنین : 88

2. تفسیر قمی: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُما أَبْكَمُ لا يَقْدِرُ عَلى شَيْ ءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلى مَوْلاهُ أَيْنَما يُوَجِّهْهُ لا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ.»(1) ، {و خدا مثلی [دیگر] می زند: دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او برنمی آید و او سربار خداوندگارش می باشد و هر جا که او را می فرستد خیری به همراه نمی آورد، آیا با کسی که به عدالت فرمان می دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟} آیا این شخص و آن کسی که امر به عدل می کند یعنی امیر المؤمنین و ائمه علیهم السّلام، مساوی هستند.(2)

3. تفسیر عیاشی: عبد الاعلی از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: «خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِينَ»(3) ، {گذشت پیشه کن و به [کار] پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب.} فرمود: یعنی به ولایت.(4)

4. اصول کافی: ابراهیم همدانی در روایتی مرفوعه از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: «وَ نَضَعُ الْمَوازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ»(5) ، {و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می نهیم.} فرمود: میزانهای قسط و دادگری، انبیا و اوصیا هستند.(6)

توضیح: شاید منظور این است که آنها صاحبان میزان و در هنگام ارزشیابی اعمال داورند.

5. تفسیر عیاشی: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: جبرییل برای حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله این آیه را آورد: «الظَّالِمِينَ» یعنی ستمگران حق آل محمّد «إِلَّا خَساراً»(7)

جز زیان نخواهند دید.(8)

1- . نحل / 76
2- . تفسیر قمی : 362 و 363
3- . اعراف / 199
4- . تفسیر عیاشی 2 : 43
5- . انبیاء / 47

6- . اصول كافى 1 : 419
7- . إسراء 82
8- . تفسير عياشى 2 : 315

6. تفسیر قمی: «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی وَ یَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ الْبَغْیِ»(1)، {در

حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد: } فرمود: عدل گواهی به یکتایی خدا و رسالت پیامبر است و احسان امیر المؤمنین است. فحشاء (کار زشت) و منکر (عمل بد) و بغی (ستم) فلان و فلان است.(2)

7. ارشاد القلوب: از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه: «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ» فرمود: عدل گواهی به یکتایی خدا و رسالت پیامبر و احسان، ولایت امیر المؤمنین و پیروی از آن دو است «وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی» حسن و حسین و ائمه از نسل حسین علیهم السّلام است «وَ یَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ الْبَغْیِ» هر کس به آنها ستم روا دارد و ایشان را بکشد و از حقوقشان جلوگیری بنماید.(3)

8. تفسیر عیاشی: اسماعیل جریری گفت: به حضرت صادق علیه السّلام گفتم، «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی وَ یَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ الْبَغْیِ» فرمود: این طور که من میخوانم بخوان: «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی (4) - حقّه - وَ یَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ الْبَغْیِ» عرض کردم فدایت شوم، ما در قرائت زید این طور نمی خوانیم. فرمود: ما این طور میخوانیم و در قرائت علی علیه السّلام چنین است. پرسیدم، معنی عدل در آیه چیست؟ فرمود: شهادت به لا اله الا اللّه. گفتم: احسان؛ فرمود: شهادت به پیامبری حضرت محمّد. گفتم، معنی دادن حق خویشاوندان چیست؟ فرمود: سپردن هر امام امامت را به امام دیگری پس از امام پیشین. (پرسیدم،) «وَ یَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ»؛ فرمود: ولایت فلان و فلان.(5)

1- . نحل / 90
2- . تفسیر قمی : 363 و 364
3- . ارشاد القلوب
4- . در مصدر بعد از ذی القربی «حَقّه» آمده است.
5- . تفسیر عیاشی 2 : 267

9. غیبه نعمانی: محمّد بن منصور گفت از حضرت صادق علیه السّلام راجع به این آیه پرسیدم: «وَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً قالُوا وَجَدْنا عَلَيْها آباءَنا وَ اللَّهُ أَمَرَنا بِها قُلْ إِنَّ اللَّهَ لا يَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ»(1)،

{و چون کار زشتی کنند می گویند، پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است. بگو قطعا خدا به کار زشت فرمان نمی دهد. آیا چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت می دهید.} آیا دیده ای یک نفر بگوید خدا او را به زنا و شرابخواری یا یکی دیگر از حرامها واداشته؟ گفتم: نه. فرمود: پس این کار زشتی که مدعی هستند خدا به آنها امر کرده، چیست؟

گفتم خدا و امام بهتر میدانند. فرمود: این مطلب مربوط به پیروان پیشوایان ستمگر است که ادعا میکنند خدا به آنها امر کرده پیرو ایشان باشند. خداوند ادعای آنها را رد میکند و اطلاع می دهد که آنها بر خدا دروغ بسته اند و این کار آنها را فاحشه نام نهاده است.(2)

10. محمّد بن منصور گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام این آیه را پرسیدم: «إِنَّما حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ»(3) ، {پروردگار من فقط زشتکاریها را چه آشکار [باشد] و چه پنهان، حرام گردانیده است.} فرمود: قرآن دارای ظاهر و باطن است. همه آنچه در قرآن حرام نموده، طبق ظاهر قرآن حرام است؛ همان طور که در ظاهر و باطن این گونه است. از آن حرامها، پیشوایان جورند. و آنچه خداوند در قرآن حلال نموده، حلال است و آن ظاهر و باطن است؛ از جمله حلال ها ائمه هدی هستند.(4)

1- . اعراف / 28
2- . غیبه نعمانی : 64
3- . اعراف / 33
4- . غیبه نعمانی : 64

11. کنز الفوائد: محمّد بن حنفیه از پدرش علی علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه: «وَ إِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ»(1)،

{و در حقیقت خدا با نیکوکاران است.} میفرمود: من آن محسن هستم.(2)

12. تفسیر فرات: حسین بن سعید به اسناد خود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرده و گفت، من در خدمتش بودم فرمود: خداوند میفرماید: «إِنَّ اللّٰهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی» عدل رسول خدا است و احسان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است «وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی» فاطمه علیها السّلام است.(3)

13. تفسیر عیاشی: از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند: عدل شهادت به لا اله الا اللّٰه است، و احسان ولایت امیر المؤمنین، «فحشاء» اولی است، منکر دومی و بغی سومی.(4)

14. در روایت سعد اسکاف نقل شده که فرمود: یا سعد! خداوند امر به عدل میکند و عدل محمّد است، هر که از او اطاعت کند عدالت به کار برده، و احسان علی است، هر که او را دوست بدارد کار نیکو انجام داده و نیکوکار در بهشت است. «وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی» قرابت و خویشاوندی ما است، خداوند به بندگان دستور به مودت ما و فرزندانمان داده و از فحشاء و منکر و بغی یعنی هر کس به ما اهل بیت ستم روا داشته و دعوت به سوی غیر ما نموده نهی نموده است..(5)

1- . عنکبوت / 69
2- . کنز الفوائد : 241 نسخه رضویه
3- . تفسیر فرات : 83
4- . تفسیر عیاشی 2 : 268
5- . همان

باب پنجاه و سوم: ائمه علیهم السلام جنب اللَّه و وجه اللَّه و ید اللَّه هستند

1. مناقب آل ابی طالب: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه «ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ»(1)، {در حضور خدا کوتاهی ورزیدم. } فرمود: جنب اللّه ما هستیم.(2) از حضرت صادق علیه السّلام مانند همین روایت نقل شده.(3)

2. ابوذر در خبری از پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله نقل می کند که فرمود: ای ابوذر، منکر مرا روز قیامت می آورند در حالی که کور و لال است و در تاریکیهای روز قیامت سرنگون می شود؛ فریاد میزند وای که چقدر در راه خدا از دست دادم (زیان کردم).(4)

3. حضرت صادق و باقر و سجاد علیهم السّلام در مورد این آیه فرمودند: جنب اللّه علی است که در روز قیامت حجت خدا بر خلق است.(5)

4. حضرت رضا علیه السّلام در تفسیر «فِی جَنْبِ اللَّهِ» فرمود: در ولایت علی علیه السّلام.(6)

5. امیر المؤمنین فرموده است: من صراط اللَّه و جنب اللَّه هستم.(7)

ص: 223

1- . زمر / 56
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 314
3- . همان 3 : 403
4- . همان 3 : 64، در ذیل این روایت «در گردن او طوقی از آتش است» آمده است.
5- . همان
6- . همان
7- . همان 3 : 64

6. در باره آیه «وَ یَبْقی وَجْهُ رَبِّکَ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ»(1)،

{و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند.} حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ما وجه اللّه هستیم.(2)

7. ابو حمزه از امام باقر علیه السّلام و ضریس کناسی از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ»(3) ، {جز ذات او همه چیز نابودشونده است.} فرمود: ما وجه خداییم که باید از آن سمت به سوی خدا رفت.(4)

8. کنز الفوائد: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده که از آباء گرام خود نقل نموده، در مورد آیه «یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ»(5)، {دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم.} فرمود: خداوند مرا یکی از جنب اللّه ها قرار داده و این آیه اشاره به همان است: «یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ» یعنی در راه ولایت علی علیه السّلام.(6)

9. سدیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم، در جواب مردی که از او این آیه را سؤال کرد: «یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ» میفرمود: به خدا قسم، ما هستیم که خداوند از نور جنب اللّه آفریده. این سخن شخص کافر است، وقتی در قیامت به پایگاه دادرسی میرسد و فریاد میزند، افسوس که چقدر در جنب خدا از دست دادم؛ یعنی ولایت محمّد و آل محمّد علیهم السّلام را.(7)

10. کنز الفوائد: سوید سائی از حضرت ابو الحسن علیه السّلام در باره آیه: «یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ» فرمود: جنب اللّه امیر المؤمنین علی بن

1- . الرحمن / 27
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 63، در ادامه فرموده است ما آیات و بینات و حدود خدا هستیم.
3- . قصص / 88
4- . مناقب آل ابی طالب 3 : 343
5- . زمر / 56

6- . کنز الفوائد : 272 و 273

7- . همان، به سند دیگری از امام باقر علیه السّلام در باره همین آیه نقل کرده است که علی علیه السّلام فرمود من جنب الله هستم و من همان کسی هستم که مردم در روز قیامت به خاطر آن حسرت می خورند.

ابی طالب است؛ همچنین اوصیاء بعد از او در مقامی بس بلند هستند تا منتهی به آخرین وصی شود و دیگر خدا میداند بعد چه خواهد شد.(1)

بصائر الدرجات: از ابن عیسی همین روایت را نقل کرده است.(2)

11. کنز الفوائد: سلام بن مستنیر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام این آیه را پرسیدم «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلّا وَجْهَهُ»، فرمود: به خدا قسم ما وجه اللّه هستیم که تا روز قیامت پایدار است. امری که خداوند در مورد ولایت و فرمانبرداری از ما نموده است، معنی وجه اللهی است که فرمود: «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلّا وَجْهَهُ» هر کدام از ما بمیرد، یک نفر از فرزندان او جانشینش می شود، تا روز قیامت.(3)

12. کنز الفوائد: صالح بن سهل از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که شنیدم در باره آیه «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلّا وَجْهَهُ» فرمود: ما وجه الله هستیم.(4)

13. تفسیر قمی: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلّا وَجْهَهُ» فرمود: همه چیز از بین میرود و فقط وجه پروردگار باقی میماند. خدا منزه است از اینکه به داشتن صورت توصیف شود ولی معنای آن این است: هر چیزی از بین رفتنی است به جز دین خدا و ما وجه خداییم که از آن به سوی خدا می آیند. تا وقتی که خداوند به بقای مردم نیازی داشته باشد ما در میان آنها خواهیم بود، هر گاه صلاحی در بودنشان ندید ما را به جانب خود میبرد و آنچه مایل باشد در باره ما انجام خواهد داد. گفتم فدایت شوم، رویه که فرمودید چیست؟ فرمود: حاجت و نیاز (یعنی تا خدا صلاح در بقای مردم بداند).(5)

توضیح: رویه با تشدید به معنای تفکر است، زیرا هر کسی که نیاز به دیگری داشته باشد در اصلاح امور او تفکر می کند. و بدون تشدید یعنی نظر رحمت و اظهر

1- . کنز الفوائد : 272 و 273
2- . بصائر الدرجات : 19
3- . کنز الفوائد : 219

4- . همان
5- . تفسير قمى : 494

این است که بالباء (الروبه) باشد. فیروز آبادی گفته است، الروبه یعنی حاجت و بنا بر هر کدام از احتمالات، منظور کنایه از اراده بقا و خیر و صلاح آنهاست.

14. تفسیر قمی: (در باره) «وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ»(1) ، {نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل آمده است پیروی کنید.} مینویسد: عبارت است از قرآن و ولایت امیر المؤمنین و ائمه علیهم السّلام. دلیل بر این مطلب این آیه است: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يا حَسْرَتى عَلى ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ» یعنی در راه امام، به دلیل فرموده حضرت صادق علیه السّلام که ما جنب اللّٰه هستیم.(2)

15. تفسیر قمی: آیه چنین است «مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لا تَشْعُرُونَ أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ» تا آخر آیه. چون حضرت صادق علیه السّلام جنب اللّٰه را به ائمه علیهم السّلام تفسیر نموده، دلالت می کند که آنچه را خداوند دستور داده، پیروی نمایند و در آیه قبل، شامل ولایت است. پس دقت کن.(3)

16. بصائر الدرجات: هاشم بن ابی عمار گفت: از امیر المؤمنین علیه السّلام شنیدم میفرمود: من عین اللّٰه و جنب اللّٰه و ید اللّٰه و باب اللّٰه هستم.(4)

17. بصائر الدرجات: مالک جهنی گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم فرمود: ما شجرهای از جنب الله هستیم. هر که به ما توجه کند خدا به او توجه می نماید، سپس این آیه را خواند «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يا حَسْرَتى عَلى ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ وَ إِن كُنتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ».(5)

توضیح: در بعضی نسخه ها به جای شجره، «شجنه» آمده است. جزری می گوید، رحم شجنهای از رحمان است یعنی خویشاوندی شدید مثل در هم بودن رگ

1- . زمر / 55
2- . تفسیر قمی : 579

3- . نسخه خطی از این روایت خالی است و در سوره زمر از تفسیر نیز نیافتم.
4- . بصائر الدرجات : 19
5- . همان

هاست. و این تعبیر مجاز است و اصل شجنه با ضمه و کسره، بخشی از یکی از شاخههای درخت است.

مولف: بنا بر هر یک از این دو تقدیر، این تعبیر کنایه از نزدیکی به خداست و هر کس متمسک به اهل بیت شود به خدا می رسد.

18. بصائر الدرجات: عبد الله بن سلیمان گفت: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم آیه «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ» را. فرمود: علی جنب الله است.(1)

19. الاحتجاج: در یک روایت مفصل ذکر میکند، مردی از کفار خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام رسید و از آیات قرآن که برایش مشکل بود سؤال نمود و خیال میکرد این آیات تناقض دارد. حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام جوابش را میداد تا بالاخره مسلمان شد. از جمله سؤالهایی که کرد این بود که گفت، در قرآن آمده: «یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ» «فَأَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»(2) ، {پس به هر سو رو کنید آنجا روی [به] خداست. } و «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ» «وَ أَصْحابُ الْیَمِینِ ما أَصْحابُ الْیَمِینِ * وَ أَصْحابُ الشِّمالِ ما أَصْحابُ الشِّمالِ»(3) {و یاران راست، و کدامند یاران راست؟ و یاران چپ، کدامند یاران چپ؟ } معنی جنب و وجه و یمین و شمال چیست؟ واقعا معنی اینها مشکل است.

امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: منافقین، بسیاری از قرآن را تغییر و تحریف نموده اند و نام گروهی از اوصیاء را که خدا ذکر کرده بود و نام گروهی از منافقین را از میان بردند؛ اما خدا دیدگانشان را کور کرد. آنها بسیاری از آیات را به جای گذاشتند که دلالت بر فضل و مقام و وجوب اطاعت اولیاء و اوصیاء مینمود. در این موقع علی علیه السّلام مقدار زیادی از آن آیات را ذکر کرد تا اینکه فرمود: خداوند برای توضیح بیشتر و اثبات حجت در مورد اوصیاء و اولیای خود فرموده است:

1- . همان
2- . بقره / 115
3- . واقعه / 27 و 41

«أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ» که تعبیر از ائمه به جنب به واسطه قرب و نزدیکی آنها به خداست، مگر نه این است که میگویی فلانی پهلوی فلان کس است و منظورت این است که به او نزدیک است؟ خداوند این اسرار و رموز را در کتاب خود قرار داده که جز او و انبیاء و حجج الهی در روی زمین کسی نمیداند زیرا می دانست تحریف کنندگان در مورد قرآن چه خواهند کرد. نامهای اوصیاء را از میان می برند و بر مردم مشتبه میکنند تا در هدف باطلی که دارند از مردم کمک بگیرند، به همین جهت (خداوند) رموزی را در قرآن قرار داده و چشم سر و دل آنها را از توجه به آن رموز که شاهد بدعت های آنها در دین است، کور کرد.

نگهبانان قرآن و مطلعین از ظاهر و باطن آن را از شجره ای قرار داد که ریشه آن ثابت است و شاخه هایش در آسمان و هر زمان میوه خود را به اذن خدا میدهد، یعنی علم قرآن برای جویندگان - گاه و بیگاه - آشکار می شود. و دشمنان قرآن را از شجره ملعونه قرار داد، آنهایی که خواستند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند. خداوند مانع میشود تا نور خود را تکمیل کند.

آنگاه امیر المؤمنین علیه السّلام با توضیح کامل، مطلب را برای او روشن نمود تا آنجا که فرمود: اما آیه «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ»، یعنی هر چیزی ناپایدار است جز دین خدا، زیرا محال است که از خدا چیزی هلاک شود و صورت او باقی بماند. خداوند منزه و بزرگتر و گرامی تر از این نسبتها است. چیزهای دیگر هلاک شدنی است، مگر نمی بینی میفرماید: «کُلُّ مَنْ عَلَیْها فانٍ * وَ یَبْقی وَجْهُ رَبِّکَ»(1)،

{هر چه بر [زمین] است فانی شونده است و ذات پروردگارت باقی خواهد مان.د } پروردگار بین سایر موجودات و وجه خود فرق گذاشته است.(2)

20. تفسیر قمی: ابن طریف از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «تَبارَکَ اسْمُ رَبِّکَ ذِی الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ»(3)، {خجسته باد نام پروردگار شکوهمند و

1- . الرحمن / 26 و 27

2- . الاحتجاج : 129 و 133 و 134
3- . الرحمن / 78

بزرگوارت. } نقل کرده، فرمود: ما جلال اللّه و کرامت او هستیم که مردم را به واسطه اطاعت از ما گرامی داشته.(1)

21. اکمال الدین: ضریس کناسی از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ» نقل می کند که فرمود: ما وجه خداییم که از آن به سوی خدا می آیند.(2)

22. توحید صدوق: از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: ما مثانی هستیم که خدا به پیامبر بخشیده و ما وجه اللّه هستیم که در میان شما رفت و آمد داریم؛ هر که ما را شناخت، شناخته است و هر که جاهل به مقام ما بود، مرگ در پیش روی اوست.(3)

23. توحید صدوق: خیثمه گفت از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ» پرسیدم، فرمود: یعنی دینش. پیامبر اکرم و امیر المؤمنین دین اللّه و وجه او و عین اللّه در میان مردم بودند و زبانی که با آن سخن میگوید و دست خدا در میان مردم، و ما وجه اللّه هستیم که باید از جانب ما به خدا نزدیک شد. تا خداوند را به وجود مردم نظری است، پیوسته در میان بندگان او هستیم. گفتم رویه(4)

چیست؟ فرمود: یعنی حاجت. وقتی چشم از وجود آنها برداشت، ما را به جانب خود می برد و آنچه خواست انجام می دهد.(5)

24. توحید صدوق: مروان بن صباح گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: خداوند ما را به بهترین وجه آفرید و به ما بهترین صورت را بخشید. ما را نماینده خود میان مردم قرار داد و زبان گویا میان خلق و دست گشاده به رأفت و رحمت و وجهی که از آن جانب به خدا نزدیک شوند و بابی که به سوی خدا هدایت می کند و گنجینه هایی در آسمان و زمین. به برکت ما درخت میوه میدهد و میوه ها قابل

1- . تفسیر قمی : 660 و 661
2- . اکمال الدین : 134
3- . توحید صدوق : 140

4- . در مصدر «رؤیه» آمده است. مصنف در چند صفحه قبل گفت، صحیح «رؤبه» است.
5- . توحید صدوق : 140

استفاده می شود و جویها جاری میگردد و به برکت ما باران از آسمان می بارد و روئیدنیها بر روی زمین میروید و به واسطه عبادت ما، خدا پرستیده شد؛ اگر ما نبودیم مردم خدا پرست نمی شدند.(1)

توضیح: عبارت «به واسطه عبادت ما، خدا پرستیده شد» یعنی ما راه عبادت و آداب آن را به مردم آموختیم، و یا عبادت کامل انجام نمی شود مگر از ما، و یا ولایت ما شرط قبول عبادت است، توجیه دومی اظهر است.

25. توحید صدوق: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: من علم اللّه و قلب اللّه آگاه هستم و زبان گویای خدا و چشم بینای او و جنب اللّه و ید اللّه ام.(2)

26. بصائر الدرجات: از عبد الرحمان همین روایت را نقل کرده است.(3)

صدوق رحمه اللّه علیه میگوید: معنی «انا قلب اللّه الواعی» یعنی آن قلبی که خداوند آن را گنجینه علم خود قرار داده و به سوی فرمانبرداری خود سوق داده است. البته چنین قلبی مخلوق و آفریده خداست همان طوری که امیر المؤمنین عبد اللّه است و گفته می شود قلب اللّه ،همان طور که گفته می شود عبد اللّه و بیت اللّه و جنه اللّه و نار اللّه؛ اما معنی «عین اللّه»: منظورش این است که حافظ دین خدایم. خداوند در قرآن فرموده: «تَجْرِی بِأَعْیُنِنا»(4) ، {[کشتی] زیر نظر ما روان بود.} یعنی به حفظ و نگهبانی ما حرکت می کند؛ همچنین آیه دیگر: «وَ لِتُصْنَعَ عَلی عَیْنِی»(5) {تا زیر نظر من پرورش یابی.} یعنی به حفظ و توجه من.

27. معانی الاخبار، توحید صدوق: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام در خطبهای فرمود: من هادی و مهتدی و پدر یتیمان و بیچارگان و شوهر بیوه زنان و پناه هر ضعیف و ملجا هر ترسان و رهبر

1- . همان : 140 و 141
2- . همان : 154 و 155
3- . بصائر الدرجات : 19

4- . قمر / 14
5- . طه / 39

مؤمنین به سوی بهشت و حبل اللَّه متین و عروه الوثقی و کلمه تقوی و عین اللَّه و زبان صادق خدا و دست او و جنب اللهی هستم که می فرماید: «یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ»، و من دست گشاده خدا بر بندگانش به رحمت و مغفرت هستم، و من باب حطه هستم، هر که مرا بشناسد و قدر و مقام مرا بداند خدای را شناخته چون من وصی پیامبر او و حجت خدا بر خلقم؛ منکر این مقام نیست مگر کسی که انکار خدا و پیامبر نماید.

صدوق رحمه اللَّه علیه مینویسد: جنب در لغت عرب به معنی طاعت است. میگوید: «هذا صغیر فِی جَنْبِ اللَّهِ» یعنی این در راه اطاعت خدا کوچک است. پس معنی فرمایش امیر المؤمنین که من جنب اللَّه هستم، یعنی ولایت من اطاعت از خدا است، خداوند میفرماید: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ» یعنی در اطاعت خدا.(1)

28. بصائر الدرجات: مالک جهنی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم فرمود: من درختی از جنب اللَّه هستم یا قطعه ای از آن. هر که به ما توجه کند، خدا به او توجه می نماید.(2)

توضیح: الجذوه به کسر یعنی قطعه ای از گوشت. این را فیروز آبادی گفته است. «ما أحسن شجره ضرع ناقه» یعنی اندازه و شکل آن یا رگها و پوست و گوشتش. ظاهراً تردید از راوی است.

29. بصائر الدرجات: حارث بن مغیره گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم، مردی از آیه: «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ» سؤال کرد، فرمود: چه معنی میکنند؟ عرض کردم، می گویند هر چیزی از بین میرود جز وجه و صورت خدا.(3)

فرمود: سبحان اللَّه، چه حرف عظیمی میزنند! منظورش این است که هر چیزی از

1- . معانی الاخبار : 10، توحید صدوق : 155 و 156
2- . بصائر الدرجات : 19 و 20

3- . ظاهرا منظور آنها این بوده است که همه چیز خدا هلاک می شود مگر وجه او.

میان میرود مگر وجه خدا، آن وجهی که از آن جانب به سوی خدا راه هست و ما همان وجهیم.(1)

30. بصائر الدرجات: سلام بن مستنیر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام معنی این آیه را پرسیدم: «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ» فرمود: به خدا قسم ما همان وجه اللّه هستیم. روز قیامت هرگز هلاک نمی شود کسی که با فرمان برداری از ما و ولایت ما به پیشگاه پروردگار بیاید. این است همان وجهی که در آیه: «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ» می فرماید. هر یک از ما بمیرد، جانشینی از فرزندانش به جای او هست تا روز قیامت.(2)

31. بصائر الدرجات: ابو حمزه گفت: به امام باقر علیه السّلام عرض کردم، فدایت شوم، در باره آیه «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ» آگاهم نما. فرمود: ای فلانی! همه چیز هلاک می شود و وجه خدا باقی می ماند. خدا بزرگتر از آن است که به وجه توصیف شود؛ بلکه معنای آیه این است که هر چیزی از بین می رود مگر دین خدا. ما وجهی هستیم که از آن جانب به سوی خدا راه است. تا خداوند را به وجود مردم نظری است، ما پیوسته در میان بندگان او هستیم. گفتم فدایت شوم، رویه چیست؟ فرمود: یعنی حاجت. وقتی چشم از وجود آنها برداشت، ما را به سوی خود می برد و آنچه خواست انجام می دهد.(3)

توحید صدوق و معانی الاخبار: از منصور همین روایت را نقل کرده است.(4)

اکمال الدین: از ابن بزیع همین روایت را نقل کرده است.(5)

32. توحید صدوق: صفوان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در تفسیر آیه: «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ» فرمود: هر کس با فرمانبرداری از محمّد صلی اللّه علیه و آله و ائمه بعد از او به پیشگاه خدا بیاید، این همان وجه است که

1- . بصائر الدرجات : 19 و 20
2- . همان : 20
3- . همان

4- . توحید صدوق : 139، معانی الاخبار : 9
5- . اکمال الدین : 134

منتهی به هلاکت نمی شود. بعد این آیه را قرائت نمود: «مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللّٰهَ»(1)، {هر کس از پیامبر فرمان برد، در حقیقت خدا را فرمان برده.}(2)

33. به اسناد خود از صفوان: امام صادق علیه السّلام فرمود: ما همان وجه خداییم که منتهی به هلاکت نمی شود.(3)

34. محاسن: حارث نضری گفت: از حضرت صادق علیه السّلام معنی آیه: «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلّا وَجْهَهُ» را پرسیدم، فرمود: هر چیزی نابود شده و هالک است مگر کسی که از راهی که شما میروید برود.(4)

35. عیون اخبار الرضا علیه السّلام: ابا صلت از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که گفتم: یابن رسول اللّٰه، معنی خبری که نقل میکنند: ثواب «لا إِلهَ إِلَّا اللّٰهُ» نگاه کردن به وجه خداست، چیست؟

فرمود: ابا صلت، هر که خدا را به یکی از صورتها تشبیه کند کافر است؛ اما وجه خدا انبیا و پیامبران و حجتهای خدایند، کسانی که به وسیله آنها متوجه به خدا و دین و معرفت او می شوند و خداوند در این آیه می فرماید: «کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلّا وَجْهَهُ»(5)

نگاه کردن به انبیاء و پیامبران و حجج الهی در درجاتی که دارند، برای مؤمنین در روز قیامت ثواب بزرگی دارد. پیامبر اکرم فرموده است: هر که با اهل بیت و عترت من به دشمنی برخیزد، در روز قیامت نه مرا خواهد دید و نه من او را می بینم.(6)

توضیح: در کتاب توحید تأویل این آیات گذشت که به واسطه تکرار از توضیح مجدد صرف نظر می شود، اما خلاصه این است که چنین تعبیرات و مجازها

1- . نساء / 80
2- . توحید صدوق : 139
3- . همان
4- . المحاسن : 219

5- . در مصدر این گونه آمده است: «کُلّ مَنْ عَلَیْهَا فَانٍ وَ یَبْقَی وَجْهُ رَبِّکَ» و قال الله عزّ و جلّ «کُلُّ شَیْ ءٍ».
6- . عیون اخبار الرضا علیه السّلام : 65

در کلام عرب معمول است. میگویند فلانی نزد مردم وجهه ای دارد و فلان کس بر فلانی دستی دارد و از این قبیل تعبیرها.

وجه اطلاق به جهت و جانب هم می شود، پس ائمه آن جهت و جانبی هستند که خداوند دستور داده مردم به آن جهت توجه کنند، و هر چیزی نابودشدنی است جز دین و راه و فرمانبرداری از آنها، و ائمه علیهم السّلام عین اللَّه هستند یعنی نگهبان بر بندگان، همان طور که شخص با چشمش می نگرد تا از کارهای خود اطلاع یابد، خداوند ائمه علیهم السّلام را نیز خلق کرد تا گواه بر مردم باشند و ناظر بر کارهای آنها و «عین» به جاسوس و به بهترین افراد یک چیز نیز گفته می شود. جزری در حدیث عمر نقل می کند که مردی در طواف به تماشای زنان مسلمان مشغول بود، علی علیه السّلام به او یک سیلی زد. آن مرد از علی به عمر شکایت نمود. عمر گفت، حق داشته تو را زده، یکی از عیون خدا تو را مشاهده کرده، یکی از خواص پروردگار و یک ولیّ از اولیای خدا. پایان کلام(1)

اطلاق (ید) بر نعمت و رحمت و قدرت شایع است و ائمه علیهم السّلام در نعمت کامل و رحمت گسترده او هستند و مظهر قدرت کامل خدایند.

جنب به معنی جانب و ناحیه است. آنها آن جهت و جانبی هستند که مردم باید به آن سو توجه کنند. به امیر نیز جنب می گویند و ممکن است کنایه از این باشد که قرب به خدا حاصل نمی شود مگر با تقرب به آنها، همان طوری که مقربین پادشاه همانهایی هستند که پهلوی او و در جنب اویند.

.36

کفعمی از حضرت باقر علیه السّلام در تفسیر این کلام نقل کرده که معنای آن این است که چیزی به خدا نزدیکتر از پیامبر نیست و چیزی به پیامبر نزدیکتر از وصیش نیست، پس او در قرب و نزدیکی مانند پهلو است. خداوند در این آیه بیان می کند: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللَّهِ» یعنی در ولایت اولیای خدا.

امام علیه السّلام در معنی باب اللَّه فرمود: معنایش این است که خداوند از دیدگاه مردم پنهان است. پیامبر و وصی خود را در میان ایشان قرار داده و

1- . النهایه 3 : 163

احتیاجهای علمی مردم را به ایشان واگذار نموده است. و وقتی پیامبر اکرم به علی علوم و حکمت را آموخت، فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها»

خداوند بر مردم توجه به جانب علی را واجب کرده، در این آیه: «ادْخُلُوا الْبابَ سُجَّداً وَ قُولُوا حِطَّهٌ نَغْفِرْ لَکُمْ خَطایاکُمْ وَ سَنَزِیدُ الْمُحْسِنِینَ»(1)،

{سجده کنان از در [بزرگ] درآیید و بگویید [خداوندا] گناهان ما را بریز تا خطاهای شما را ببخشاییم و [پاداش] نیکوکاران را خواهیم افزود.} و در آیه دیگر می فرماید: «وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِها»(2)، {و به خانه ها از در [ورودی] آنها درآیید.} یعنی ائمه علیهم السّلام که بیوت علم خدا و گنجینه دانش اویند، تا روز قیامت ابواب اللّه و داعیان به بهشت و راهنمایان به رستگاری هستند.(3)

1- . بقره / 58
2- . همان / 189
3- . کتاب کفعمی در نزد من موجود نبود.

باب پنجاه و چهارم: کسانی که در قرآن مورد رحمت خدا قرار گرفته اند، ائمه علیهم السلام و شیعیان آنهایند

1. تفسیر قمی: ابو الجارود: حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ لا یَزالُونَ مُخْتَلِفِینَ» {در حالی که پیوسته در اختلافند} در دین: «إِلّا مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ» {مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده} یعنی آل محمّد و پیروان ایشان: «وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ»(1)، {و برای همین آنان را آفریده است.} فرمود: یعنی اهل رحمت اختلاف در دین ندارند.(2)

توضیح: امام علیه السّلام اسم اشاره «لذلک» را به رحم برگردانده، چنانچه مفسرین محقق نیز همین طور معنی کرده اند. بعضی از مفسرین اشاره را به اختلاف برگردانده اند و لام را برای عاقبت.

2. تفسیر عیاشی: عبد اللّه بن غالب از پدر خود از مردی نقل کرد که گفت، از حضرت زین العابدین علیه السّلام معنی این آیه را پرسیدم: «وَ لا یَزالُونَ مُخْتَلِفِینَ» فرمود: منظور کسانی از این امت است که مخالف با ما هستند و تمام آنها در دینشان با یکدیگر اختلاف دارند: «إِلّا مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ» آنها دوستان ما از مؤمنین هستند، به همین جهت آنها را از طینت پاک آفریده است، مگر گفتار ابراهیم را نشنیده ای: «رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللّهِ» {پروردگارا این [سرزمین] را شهری امن گردان و مردمش را، هر کس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد، از فرآورده ها روزی بخش} فرمود: منظورش ما و

1- . هود / 118 و 119
2- . تفسیر قمی : 315

اولیای او و پیروان و شیعیان وصیش هستیم، گفته است: «وَ مَنْ کَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِیلاً ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلی عَذابِ النَّارِ»(1)، {و[لی] هر کس کفر بورزد اندکی برخوردارش می کنم سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش [دوزخ] می کشانم. } منظور کسانی هستند که منکر وصی پیغمبرند و از او پیروی نمی کنند.

به خدا قسم حال امت چنین است.(2)

تفسیر عیاشی: از سعید بن مسیب از امام زین العابدین علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(3)

3. اصول کافی: زید شحام گفت: ما در شب جمعهای در خدمت حضرت صادق علیه السّلام در راه بودیم. حضرت صادق علیه السّلام فرمود: شب جمعه است قرآن بخوان. من این آیه را خواندم: «إِنَّ یَوْمَ الْفَصْلِ کانَ مِیقاتُهُمْ أَجْمَعِینَ * یَوْمَ لا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئاً وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ.»(4) ، {در حقیقت روز جدا سازی موعد همه آنهاست، همان روزی که هیچ دوستی از هیچ دوستی نمی تواند حمایتی کند و آنان یاری نمی شوند مگر کسی را که خدا رحمت کرده است. } حضرت صادق علیه السّلام فرمود: به خدا قسم ما کسانی هستیم که مورد رحمت خداییم و ما را استثنا نموده، اما ما شیعیان خود را حمایت می کنیم.(5)

توضیح: «إِنَّ یَوْمَ الْفَصْلِ» یعنی روز قیامت که روز تمیز بین محق و مبطل با ثواب و عقاب و مانند اینها است. «مِیقاتُهُمْ» یعنی وعده گاه آنها؛ ضمیر «هُم» به کفار برمی گردد. کانَ در قرآن نیست شاید از جانب نساخ اضافه شده است. «لا یُغْنِی» یعنی هیچ مکروهی را دفع نمی کند. «مَوْلًی عَنْ مَوْلًی» یعنی رهبری از پیروش و احتمال تمام معانی اول داده میشود. «شَیْئاً» نائب مفعول مطلق است یعنی «شَیْئاً» من غناء (چیزی از بی نیازی). «وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ» ضمیر به مولای اول برمیگردد و

1- . بقره / 126
2- . تفسیر عیاشی 2 : 164
3- . همان 2 : 164 و 165
4- . دخان / 40 - 42

5- . اصول کافی 1 : 423

جمع بودن آن به اعتبار معنی یا اعم بودن است. «إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ» استثنای از مولای اولی است و مفرد آمدن الّذین همان طور که در بعضی نسخه ها وجود دارد، به خاطر موافقت با لفظ «مَنْ» است. و ضمیر هم در عنهم، شیعه است.

4. کنز الفوائد: شعیب از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «يَوْمَ لا يُغْنِى مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئاً وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ» نقل می کند که فرمود: به خدا قسم ما کسانی هستیم که مورد رحمت خداییم و ما را استثنا نموده و ولایت ما پیروان مان را بی نیاز می کند.(1)

5. کنز الفوائد: یعقوب بن شعیب از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «يَوْمَ لا يُغْنِى مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئاً وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ» نقل می کند که فرمود: ما اهل رحمتیم.(2)

6. کنز الفوائد: زید شحام گفت: در شب جمعهای ما در خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودیم. حضرت فرمود: قرآن بخوان. پس خواندم. حضرت فرمود: ای شحام قرآن بخوان، زیرا شب جمعه، شب قرآن است. پس خواندم تا به این آیه رسیدم «يَوْمَ لا يُغْنِى مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئاً وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ» فرمود: ایشان.(3) عرض کردم «إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ» فرمود: ما قومی هستیم که مورد رحمت خداییم و ما را استثنا نموده، اما ما شیعیان خود را حمایت می کنیم.(4)

7. الاحتجاج: از علی علیه السّلام نقل می کند: وقتی ابو بکر خطبه خود را پایان داد، ابی بن کعب از جای برخاست و چنین گفت: ای گروه مهاجر! سپس تمام سخنان او را که در مورد خلافت علی علیه السّلام بر ابابکر استدلال مینماید نقل می کند، تا آنجا که می گوید: سوگند به خدا، چقدر شما اهمال کردید و ندیده گرفتید! برای شما راهنمایی قرار داد که حلال را از حرام تمیز می دهد، اگر پیرو او بودید اختلاف نداشتید و از یکدیگر فاصله نمی گرفتید و به جنگ با یکدیگر نمیرفتید و از

1- . کنز الفوائد : 299

2- . همان

3- . در مصدر «هی» آمده است.

4- . كنز الفوائد : 299

یکدیگر برائت نمی جستید. به خدا قسم شما پس از او در احکام(1) خود اختلاف خواهید داشت و با پیامبر اکرم پیمان شکنی کرده اید، شما در باره عترتش اختلاف کردید. اگر این از کسی(2) که نمی داند سؤال شود، به رأی خود فتوا میدهد. شما دور شدید و با هم بودید و خیال کردید که اختلاف رحمت است.

افسوس، چنین چیزی را قرآن نمی پذیرد. در این آیه می فرماید: «وَ لا تَکُونُوا کَالَّذِینَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَیِّناتُ وَ أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ»(3)، {و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است.} سپس در این آیه از اختلاف شما خبر داده است: «وَ لا یَزالُونَ مُخْتَلِفِینَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ» یعنی برای رحمت آنها را آفرید و آنها آل محمّد هستند، تا آخر روایت.(4)

8. تفسیر قمی: آیه: «یَوْمَ لا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئاً» فرمود: هر که غیر اولیای خدا را دوست داشته باشد، نمی تواند از دیگری حمایت کند. سپس با این جمله: «إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ» کسانی را که دوستدار آل محمّد باشند استثنا نموده است.(5)

9. روضه کافی: محمّد بن سلیمان از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که به ابو بصیر فرمود: یا ابا محمّد، به خدا سوگند خدا اوصیای هیچ یک از پیامبران و پیروان آنها را به جز امیر المؤمنین و شیعیان او را استثناء ننموده است. پس در قرآن فرموده: «یَوْمَ لا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئاً وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ» منظور علی و شیعیان اوست.(6)

1- . در مصدر «أعقابکم» آمده است.
2- . در مصدر «عن غیر ما یعلم» است.
3- . آل عمران / 105
4- . الاحتجاج : 67 و 68
5- . تفسیر قمی : 617
6- . روضه کافی : 33 و 35

باب پنجاه و پنجم: آیات قرآنی که حاکی از دوستی ملائکه با ائمه علیهم السّلام و استغفار برای شیعیان آنها است

1. کنز الفوائد: جابر بن یزید گفت: از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم: «اَلَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ» {کسانی که عرش [خدا] را حمل می کنند و آنها که پیرامون آنند} فرمود: یعنی ملائکه «یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ، وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا» {به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده اند طلب آمرزش می کنند} یعنی پیروان محمّد و آل محمّد صلی اللّه علیه و آله «رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَةً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تابُوا» {پروردگارا رحمت و دانش [تو بر] هر چیز احاطه دارد، کسانی را که توبه کرده ببخش} از حکومت طاغوت های سه گانه و بنی امیه «وَ اتَّبَعُوا سَبِیلَکَ»(1)، {و راه تو را دنبال کرده اند.} یعنی ولایت علی بن ابی طالب که راه واقعی است.

«وَ قِهِمُ السَّیِّئاتِ» {و آنان را از بدیها نگاه دار} یعنی از شر آن سه نفر «وَ مَنْ تَقِ السَّیِّئاتِ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ» {و هر که را در آن روز از بدیها حفظ کنی البته رحمتش کرده ای.} و این آیه «إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا» یعنی بنی امیه «یُنادَوْنَ لَمَقْتُ اللّهِ أَکْبَرُ مِنْ مَقْتِکُمْ أَنْفُسَکُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَی الْإِیمانِ» {مورد ندا قرار می گیرند که قطعا دشمنی خدا از دشمنی شما نسبت به همدیگر سخت تر است، آنگاه که به سوی ایمان

1- . غافر / 7

فرا خوانده می شدید} یعنی به ولایت علی که همان ایمان است «فَتَکْفُرُونَ»(1)،

{و انکار می ورزیدید.}(2)

2. کنز الفوائد: ابن نباته از امیر المؤمنین علیه السّلام نقل کرد که فرمود: بر پیامبر اکرم فضل من از آسمان نازل شد و آن این آیه است: «الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا» آن زمان در روی زمین کسی جز پیامبر اکرم و من ایمان نداشت.(3)

توضیح: از این خبر چنین معلوم می شود که سوره مؤمن از سوره های اولی است که بر پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله در مکه نازل شد. شکی در مکی بودن سوره نیست ولی بعضی گفته اند جزء سوره هایی است که در اواسط سوره ها نازل شده و در مکه بوده ولی حرف آنها مورد توجه نیست با اینکه همین قول هم منافات با خبر ندارد، زیرا بیشتر کسانی که آنها را جزء سابقین در ایمان شمرده اند، بعداً منافق شدند.

3. کنز الفوائد: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که علی علیه السّلام فرمود: ملائکه مدت هفت سال و چند ماه فقط برای پیامبر اکرم و من استغفار میکردند و در باره ما این آیات نازل شده: «الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ» تا «رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّیَّاتِهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ»(4) ، {پروردگارا آنان را در باغهای جاوید که وعده شان داده ای، با هر که از پدران و همسران و فرزندانشان که به صلاح آمده اند، داخل کن زیرا تو خود ارجمند و حکیمی.}

بعضی از منافقین گفتند، پدر علی علیه السّلام و ذریه او کسانی هستند که این آیه در باره آنها نازل شده است.

1- . همان / 9 و 10
2- . کنز الفوائد : 278
3- . همان : 276 و 277

4- . غافر / 8

علی علیه السّلام فرمود: سبحان اللَّه، آیا ابراهیم و اسماعیل پدران ما نیستند. آباء ما ابراهیم و اسماعیل هستند.(1)

توضیح: شاید آن منافقین راجع به نزول آیه در مورد علی علیه السّلام که آباء و اجداد نزدیک او مشرک بوده اند اعتراض کردند، چون گمان میکردند ابو طالب و عبد المطلب و اکثر اجداد آنها ایمان نداشته اند.

امام بر سبیل مماشات جواب میدهد به اینکه خداوند فرمود: کسانی که از آباء و اجداد صلاحیت دارند و قید نکرده که آباء و اجداد نزدیک باشند. و بر فرض قبول حرف شما، ممکن است مراد آباء و اجداد دور باشد مانند ابراهیم و اسماعیل.

4. کنز الفوائد: عبد اللَّه بن عبد الرحمن از پدر خود نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله فرمود: ملائکه دو سال بر من و علی علیه السّلام درود فرستادند زیرا ما دو نفر نماز میخواندیم و دیگری با ما نبود.(2)

5. کنز الفوائد: ابو بصیر گفت: حضرت صادق علیه السّلام به من فرمود: یا ابا محمّد، خدا را فرشتگانی است که را گناه از پشت شیعیان ما میریزند مانند ریزش برگ از درختان هنگام پائیز، و این تفسیر آیه شریفه است: «وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا» به خدا قسم، استغفار ملائکه اختصاص به شما شیعیان دارد و نه دیگران. آیا موجب سرور تو شد؟ عرض کرد: آری.(3)

6. در حدیث دیگری با همین اسناد آیه: «وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا» را تا «عَذابَ الْجَحِیمِ»(4) نقل میکند و میفرماید: راه خدا علی است و مؤمنین در آیه شما هستید و جز شما دیگری را منظور نکرده است.(5)

7. تفسیر قمی: حماد نقل کرد که از حضرت صادق علیه السّلام سؤال کردند: آیا ملائکه بیشترند یا بنی آدم؟

1- . کنز الفوائد : 276 و 277
2- . همان
3- . کنز الفوائد : 276 و 277
4- . غافر / 7

5- . كنز الفوائد : 276 و 277

فرمود: به خدایی که جانم در دست اوست، ملائکه خدا در آسمانها بیشتر از تعداد خاکهای زمین ها هستند. در آسمان محل قدمی نیست مگر اینکه ملکی تسبیح و تقدیس میکند و نه در زمین درخت و نه گل و لایی است مگر اینکه در آنجا فرشته ای مأموریت دارد که هر روز گزارش کار خود را به خدا برساند با اینکه خدای از او داناتر است، و تمام آنها هر روز به سوی خدا به ولایت ما خانواده تقرب می جویند و برای محبین ما استغفار میکنند و دشمنان ما را لعنت مینمایند و درخواست میکنند که بر آنها عذابی دردناک نازل کند.(1)

8. تفسیر قمی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ کَذلِکَ حَقَّتْ کَلِمَهُ رَبِّکَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحابُ النّارِ»(2)، {و بدین سان فرمان پروردگارت در باره کسانی که کفر ورزیده بودند به حقیقت پیوست که ایشان همدمان آتش خواهند بود.} یعنی بنی امیه «الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ» یعنی رسول اللّه و اوصیاء بعد از او که حامل علم خدایند «وَ مَنْ حَوْلَهُ» یعنی ملائکه «یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا» یعنی شیعه آل محمّد «رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تابُوا» یعنی از ولایت فلان و فلان و بنی امیه «وَ اتَّبَعُوا سَبِیلَکَ» پیرو ولایت علی شده اند: «وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحِیمِ * رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّیّاتِهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ» یعنی کسانی که علی را دوست دارند، همین است معنی صلاح و خوبی آنها «وَ قِهِمُ السَّیِّئاتِ وَ مَنْ تَقِ السَّیِّئاتِ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ» یعنی روز قیامت «وَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ» این رستگاری بزرگی است برای کسی که خدا او را از ولایت فلان و فلان نجات داده است. سپس می فرماید: «إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا» یعنی بنی امیه «یُنادَوْنَ لَمَقْتُ اللّهِ أَکْبَرُ مِنْ مَقْتِکُمْ أَنْفُسَکُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَی الْإِیمانِ» یعنی به ولایت علی علیه السّلام «فَتَکْفُرُونَ».(3)

1- . تفسیر قمی : 583

2- . غافر / 6

3- . تفسیر قمی : 583

باب پنجاه و ششم: ائمه علیهم السّلام حزب اللَّه و بقیه اللَّه و کعبه و قبله، و باقی مانده از علم، همان علم اوصیاء است

1. مناقب آل ابی طالب: حضرت صادق علیه السّلام در خبری می فرماید: ما کعبه خدا و قبله خدا هستیم و این آیه: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ»(1) ، {باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است.} در باره ما نازل شده.

توضیح: بیشتر مفسرین گفته اند: بقیه اللَّه عبارت است از آنچه خداوند برای مردم از حلال باقی گذاشته، بعد از آنکه ایشان را از کم فروشی و تقلب بر حذر داشته؛ یا نعمتی که خدا بر آنها باقی گذارده؛ یا منظور ثواب باقی آخرت است.

اما منظور از خبر، کسانی است که خداوند در برای هدایت مردم زمین باقی گذارده، از انبیاء و اوصیاء علیهم السّلام یا اوصیاء و ائمه علیهم السّلام که یادگار انبیاء در میان امت هستند. اخبار در این مورد زیاد است که در جاهای خود نقل کرده ایم.

از آن جمله خبری است که در احتجاج از کافری که مدعی تناقض قرآن بود نقل شده است. (و خبری که) امیر المؤمنین علیه السّلام دلائل و کنایاتی را که در باره آنها در قرآن نازل شده ذکر نموده، می فرماید: ایشان «بَقِيَّتُ اللَّهِ» هستند، یعنی مهدی علیه السلام که پس از انقضاء مهلت می آید و زمین را پر از عدل و داد می کند، چنانچه پر از جور شده. و از آن جمله خبری است که ان شاء اللَّه خواهد آمد، به نقل از کافی، از حضرت صادق علیه السّلام، که مردی میپرسد: آیا به حضرت قائم به عنوان امیر المؤمنین سلام میکنند؟ فرمود: نه، این نام اختصاص به امیر المؤمنین

1- . هود / 86

علی دارد و کسی قبل از او به این نام نامیده نشده است و هر کس بعد از او به این نام نامیده شود کافر است. عرض کردم فدایت شوم، پس چگونه بر او سلام می کنند؟ فرمود: می گویند: «السلام علیک یا بقیه اللَّه» و سپس همین آیه را خواند.

از آن جمله خبری است که در کتاب غیبت خواهد آمد که حضرت قائم علیه السّلام می فرماید: من بقیه اللَّه در زمینم. و در خبر دیگری است که وقتی امام علیه السّلام ظهور کرد، می فرماید: «انا بقیه اللّه و حجته». تا اینکه می فرماید: هر کس بر او سلام می کند می گوید: «السلام علیک یا بقیه اللَّه فی أرضه».

و در حدیث ولادت حضرت رضا علیه السّلام است که حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام او را به مادرش نجمه سپرد و فرمود: بگیر او را که بقیه اللَّه است در زمین.

و به زودی ان شاء اللَّه در باب رفتن حضرت باقر علیه السّلام به شام با سندهای زیادی خواهد آمد که وقتی اهالی مدین در را به روی امام بستند، بر فراز کوه بالا رفت و با صدای بلند فرمود: ای اهالی شهر ستمگران، من بقیه اللَّه هستم، خداوند می فرماید: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». تمام آنها در محل خود خواهد آمد.

2. تفسیر قمی: «أُولئِكَ حِزْبُ اللَّهِ» {اینانند حزب خدا} یعنی ائمه علیهم السّلام یاوران خدایند «أَلا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(1)، {آری حزب خداست که رستگارانند}(2)

3. بصائر الدرجات: ابو عبیده گفت: از حضرت باقر علیه السّلام راجع به این آیه پرسیدم: «ائْتُونِی بِكِتابٍ مِنْ قَبْلِ هذا أَوْ أَثارَهٍ مِنْ عِلْمٍ» { کتابی پیش از این [قرآن] یا بازمانده ای از دانش نزد من آورید} منظور علم اوصیاء و انبیا است: «إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ»(3)، {اگر راست می گویید.}(4)

1- . مجادله / 22
2- . تفسیر قمی : 671
3- . احقاف / 4

4- . بصائر الدرجات : 151

4. اصول کافی: ابو عبیده گفت: از حضرت باقر علیه السّلام راجع به این آیه پرسیدم: «ائْتُونِی بِکِتابٍ مِنْ قَبْلِ هذا أَوْ أَثارَةٍ مِنْ عِلْمٍ» فرمود: منظور از کتاب تورات و انجیل است اما باقی مانده دانش (پیشینیان) منظور از آن علم اوصیاء و انبیاء است.(1)

توضیح: مرحوم طبرسی در تفسیر: «أَوْ أَثارَةٍ مِنْ عِلْمٍ» می نویسد: یعنی باقی مانده از علمی که از کتاب های پیشینیان انتخاب شده و شاهد بر آن است که آنها شریک خدا بوده اند.(2)

5. کنز الفوائد: عیسی بن عبد الله بن عبید الله بن عمر بن علی بن ابی طالب از پدرش از جدش از علی علیه السّلام نقل کرد که فرمود: سلمان فارسی به من گفت: هر وقت خدمت پیامبر اکرم میرسیدم، دست بر شانه من میزد و می فرمود: سلمان! این و پیروانش رستگارند (اشاره به علی ابن ابی طالب علیه السّلام داشت).(3)

6. الاحتجاج: در خبر کافری که مدعی تناقض قرآن است، امیر المؤمنین علیه السّلام میفرماید: هدایت همان ولایت است، چنانچه در قرآن میفرماید: «وَ مَنْ یَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ»(4)،

{و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده اند ولی خود بداند [پیروز است چرا که] حزب خدا همان پیروزمندانند.} مؤمنین در این آیه کسانی هستند که مورد اعتماد خلایق از حجج و اوصیاء در هر زمان هستند.(5)

7. توحید صدوق: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده که فرموده است: ما و شیعیانمان حزب خدائیم و حزب خدا پیروزند، تا آخر خبر.

1- . اصول کافی 1 : 426
2- . مجمع البیان 9 : 802
3- . کنز الفوائد : 335 و 336
4- . مائده / 56
5- . الاحتجاج : 130

باب پنجاه و هفتم: آنچه در باره ائمه علیهم السّلام نازل شده، شامل تعبیرهایی مانند حق و صبر و رباط و عسر و یسر

1. اکمال الدین: محمّد بن سنان از مفضل نقل کرد که از حضرت صادق علیه السّلام تفسیر آیه: «وَ الْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ» {سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل]} را پرسیدم، فرمود: عصر خروج قائم است: «إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ» یعنی دشمنان ما در زیانکاری هستند «إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا» جز کسانی که به آیات ما ایمان دارند «وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» یعنی همراهی و کمک به برادران «وَ تَواصَوْا بِالْحَقِ» {و همدیگر را به حق سفارش} یکدیگر را سفارش به امامت می کنند «وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ»(1)، {و به شکیبایی توصیه کرده اند.} سفارش به فترت نمایند.(2)

توضیح: عبارت أعدائنا یعنی کسانی که بعد از استثناء در آیه باقی میمانند، دشمنان ما هستند و منافاتی با استثناء متصل ندارد. عبارت «وَ تَواصَوْا» یعنی بعضی بعض دیگر را سفارش می کنند، منظور از فترت این است که بر آنچه به ایشان میرسد، از شبهه ها و فتنه ها و حیرت و شدت در غیبت امام علیه السّلام، صبر کنند.

2. تفسیر قمی: حضرت باقر علیه السّلام از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله در خطبه غدیر نقل کرده که سوره و العصر در باره علی علیه السّلام نازل شده. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَ الْعَصْرِ» تا آخر سوره.(3)

1- . عصر / 1 - 3

2- . اکمال الدین : 368 و 369

3- . در تفسیر قمی این روایت را نیافتیم و از نسخه مخطوط ساقط شده ولکن در الاحتجاج : 39 موجود است.

3. تفسیر قمی: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند در مورد آیه: «إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ» فرمود: برگزیدگان از مردم را استثناء نموده زیرا می فرماید: «إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا» می گوید: مگر کسانی که ایمان به ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام آورده اند «وَ تَواصَوْا بِالْحَقِ» و فرزندان و و بازماندگان بعد از ایشان را به ولایت «وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ» سفارش کنند و بر آن صبر نمایند.(1)

4. کنز الفوائد: محمد بن علی از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ» نقل میکند که فرمود: خدای سبحان برگزیدگان از مردم را استثناء نموده زیرا می فرماید: «إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا» به ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام «وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» یعنی ادای فرائض نمایند «وَ تَواصَوْا بِالْحَقِ» یعنی سفارش کنند به ولایت «وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ» فرزندان و بازماندگان خود را سفارش به ولایت و صبر بر آن کنند.(2)

تفسیر فرات: همین روایت را مرسلاً از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است.(3)

5. معانی الاخبار: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام این آیه را: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا» {ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید} پرسیدم، فرمود: یعنی بر مصائب صبر کنید و با تقیه در مورد سختگیریهایی که مخالفین می کنند شکیبا باشید و ارتباط خود را با پیشوایان برقرار داشته باشید «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»(4) ، {و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.}(5)

ص: 248

1- . تفسیر قمی : 738 و 739
2- . کنز الفوائد : 406
3- . تفسیر فرات : 230
4- . آل عمران / 200
5- . معانی الاخبار : 105

توضیح: ضمیر در صابِروهُم به مخالفین برمیگردد و آوردن به این شکل یا برای مبالغه و بیان لزوم تحمل مشقت در آن و اهتمام به آن است، زیرا اهتمام به آنچه که در مقابل دشمن است بیشتر است، یا آنها بر آنچه که از گروهی از شیعه می بینند، در مخالفت با دین، صبر می کنند و فرصت در انتقام از آنها را غنیمت می شمرند و مرحوم طبرسی می نویسد: یعنی در دین خود تحمل و صبر داشته باشید و ثبات به خرج دهید و با کفار به شکیبایی رفتار کنید و در راه انجام وظیفه با آنها مدارا کنید. و یا صبر بر جهاد کنید و انتظار وعده مرا داشته باشید و انتظار نمازها را یکی پس از دیگری داشته باشید.

6. از امام باقر علیه السّلام روایت شده است که در باره همین آیه فرمود: معنایش این است که بر مصائب صبور باشید و در برابر دشمنتان شکیبا باشید و مراقب دشمنتان باشید.(1)

7. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در آیه: «أُولئِکَ یُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَیْنِ بِما صَبَرُوا» {آنانند که به [پاس] آنکه صبر کردند، دو بار پاداش خواهند یافت} فرمود: آنها ائمه هستند.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ما شکیبایان هستیم و شیعیان ما از ما شکیبا ترند زیرا ما صبر و شکیبایی بر چیزی میکنیم که آن را میدانیم اما شیعیان ما بر چیزی که اطلاع از آن ندارند شکیبایند.

در آیه: «وَ یَدْرَؤُنَ بِالْحَسَنَهِ السَّیِّئَهَ»(2) {و [برای آنکه] بدی را با نیکی دفع می نمایند} یعنی با حسنات و نیکوکاری خود، گناه و بدی که دیگران نسبت به آنها روا می دارند را دفع میکنند.(3)

توضیح: عبارت علی ما تَعلَم یعنی اتفاقاتی که می افتد یا ثواب آخرت.

8. تفسیر عیاشی: مسعده بن صدقه از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «اصْبِرُوا» یعنی در انجام گناه شکیبایی کنید «وَ صابِرُوا» یعنی در انجام فرائض و

1- . مجمع البیان 2 : 562

2- . قصص / 54
3- . تفسیر قمی : 481

واجبات تحمل به خرج دهید «وَ اتَّقُوا اللَّهَ» می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ سپس اضافه نمود: چه کار زشتی بالاتر از ستم بر ما خانواده و کشتن ما است؟ «وَ رابِطُوا» می فرماید: در راه خدا مرزبانی کنید، مرز بین مردم و خدا ما هستیم و ما مرزهای نزدیکیم، هر کس از ما دفاع کند از پیامبر و شریعت او دفاع نموده «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» می فرماید: شاید در صورت انجام دادن اینها، بهشت برای شما لازم گردد. نظیر این آیه در قرآن آیه: «وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صالِحاً وَ قالَ إِنَّنِی مِنَ الْمُسْلِمِینَ»(1) {و کیست خوش گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید من [در برابر خدا] از تسلیم شدگانم} است. اگر این آیه در باره مرزداران و نگهبانان سرحد باشد، قدریه و بدعت گذاران از مخالفین نیز رستگار شده اند، چنانچه مفسرین تفسیر کرده اند.(2)

توضیح: شاید منظور از مؤذنین مرزدارانی هستند که برای رساندن احوال مشرکان به مسلمانان در مرزها منتظرند. یعنی اگر مراد از رباط این معنا باشد، لازمه اش رستگاری قدریه از مخالفان و بدعت گزاران است زیرا این مرزداری از آنها نیز برمیآید، پس نتیجه مترتب شدن رستگاری بر آن، رستگاری آنها نیز است.

9. تفسیر عیاشی: ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا» نقل می کند که فرمود: «اِصْبِرُوا» بر فرائض صبر کنید «وَ صابِرُوا» بر مصائب شکیبا باشید «وَ رابِطُوا» ارتباط خود را با ائمه علیهم السّلام داشته باشید.(3)

10. تفسیر عیاشی: یعقوب سراج گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم، ممکن است زمین بدون عالمی از شما خانواده باشد که مردم به او پناه برند؟ فرمود: در این صورت خدا پرستش نخواهد شد. ای ابا یوسف! زمین هرگز خالی از عالمی از ما خانواده نیست که مردم در حلال و حرام خود به او پناه برند؛ این مطلب در قرآن آشکارا بیان شده، خداوند می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا

1- . فصلت / 32
2- . تفسیر عیاشی 1 : 212

3- . همان

وَ رابِطُوا» «اصْبِرُوا» یعنی در دین شکیبا باشید «وَ صابِرُوا» یعنی با دشمنان خود از مخالفین تحمل به خرج دهید «وَ رابِطُوا» ارتباط با امام خود داشته باشید «وَ اتَّقُوا اللَّهَ» یعنی در آنچه به شما دستور داده شد و واجبات، از خدا بترسید.(1)

11. در روایت دیگری از امام صادق علیه السّلام است: «اصْبِرُوا» صبر کنید بر اذیت در راه ما. گفتم: «وَ صابِرُوا» فرمود: یعنی تحمل داشته باشید بر دشمنان با دوستان. گفتم: «رابِطُوا» فرمود: یعنی ارتباط با امام خود داشته باشید «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». گفتم: این معنی صریح آیه است یا تأویل آن؟ فرمود: معنی صریح آیه است.(2)

توضیح: شاید این نقل به گونه دیگر بوده که نساخ آن را طبق قرآن تصحیح نموده اند یا اینکه منظور از تنزیل، معنای ظاهر آیه است.

12. تفسیر عیاشی: ابو الطفیل از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که این آیه در باره ما نازل شده و منظور از آیه آن مرزداریی نیست که ما مأمور به آن شدهایم؛ و این خلافت خواهد آمد؛ هم از نسل ما و هم از نسل ابن ناتل.(3)

توضیح: ابن ناتل کنایه از ابن عباس است. ناتل یعنی متقدم و مانع. اگر با ثاء (ابن ناثل) باشد، کنایه از ام عباس نثیله است: در اشعار سروده شده در ذم آنها، این صفت به ام عباس نسبت داده شده است و معنا این می شود: کسانی از نسل ما انتظار خلافت را دارند و از نسل ابن عباس نیز همین انتظار را دارند، ولی حکومت ما ثابت و پایدار است و حکومت آنها از بین رفتنی است.

13. تفسیر عیاشی: برید از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در باره «اصْبِرُوا» فرمود: یعنی صبر از انجام گناهان کنید «وَ صابِرُوا» یعنی تقیه «وَ رابِطُوا» یعنی ارتباط با ائمه علیهم السّلام؛ سپس فرمود: معنی «البدوا ما لبدنا» چیست؟ یعنی هرگاه ما حرکت کردیم شما حرکت کنید. پس تقوا پیشه کنید مادامی که ما در راه خدا خروج نکردهایم، شاید رستگار شوید. گفتم: فدایت شوم، ما «وَ اتَّقُوا اللَّهَ

1- . همان 1 : 212 و 213
2- . همان
3- . همان

[لعلکم تفلحون]» میخوانیم. فرمود: شما این طور می خوانید و ما آن طور. [امام فرمودند: واتقوا الله ما لبدنا ربکم لعلکم تفلحون] (1)

توضیح: فیروز آبادی گفته است: لبد یعنی ایستادن و چسبیدن و معنا این می شود که عجله در خروج بر مخالفین نکنید و در خانه های خود باشید تا وقتی علائمی که نشانه خروج است از قبیل صیحه آسمانی و علامات ظهور قائم بروز کند. و ظاهر این است که این اضافات داخل در آیه است و شاید تفسیری برای مرابطه و مصابره باشد، البته با وجود مجاز در قول امام که فرمود «ما این طور می خوانیم» و شاید لفظ جلاله به وسیله نسخه برداران اضافه شده است و در اصل بوده «وَ اتَّقوا ما لبدنا ربکم» که سخن راوی شاهد این مطلب است.

14. غیبه نعمانی: برید از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا» نقل می کند که فرمود: بر انجام فرائض صبر کنید و بر دشمنانتان شکیبا باشید و با امامتان ارتباط داشته باشید. (2)

15. غیبه نعمانی: ابو الطفیل از حضرت باقر علیه السّلام از پدر خود زین العابدین علیه السّلام نقل می کند که ابن عباس شخصی را فرستاد تا از آن جناب تفسیر این آیه را بپرسد: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا» زین العابدین علیه السّلام خشمناک شده فرمود: مایل بودم کسی که تو را فرستاده که از معنی این آیه بپرسی با من روبرو می شد؛ (سپس) فرمود: آیه در باره پدرم و ما است، معنی آیه ارتباطی به مرزداریی که مأمور به آن هستیم ندارد. گروهی از نسل ما انتظار خلافت را دارند.

آنگاه فرمود: در نژاد ابن عباس فرزندانی نهاده شده که طعمه آتش جهنمند و مردم را از دین خدا فوج فوج خارج می کنند و زمین را از خون جگرگوشگان پیامبر اکرم رنگین می نمایند، آن جگرگوشگانی که در غیر موقع قیام می کنند و در جستجوی چیزی هستند که به چنگ نخواهند آورد. مؤمنین ارتباط خود را با امام

1- . همان 1 : 213 و 214
2- . غیبه نعمانی : 106

برقرار میدارند و شکیبایند و به مدارا رفتار می کنند تا خداوند بین آنها و ستمگران داوری کند، او بهترین داور است.(1)

16. کنز الفوائد: داود نجار از موسی بن جعفر علیهما السّلام از پدرش نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام را جمع کرد و درب را بر روی آنها بست و فرمود:

ای اهل من و اهل خدا! پروردگار به شما سلام میرساند. اینک جبرئیل با شما در خانه است و می گوید: من دشمنان شما را موجب آزمایش شما قرار داده ام، چه می گویید؟

فرمودند: ما برای فرمان خدا و قضای پروردگار صبر می کنیم تا به پیشگاه مقدسش برویم و از او پاداش کامل را دریابیم. شنیده ایم که شکیبایان را وعده بسیار خوبی داده. پیامبر اکرم شروع به گریه کرد به طوری که صدای گریه اش در خارج خانه شنیده می شد؛ آنگاه این آیه نازل گردید: «وَ جَعَلْنا بَعْضَکُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَ تَصْبِرُونَ وَ کانَ رَبُّکَ بَصِیراً»(2)، {و برخی از شما را برای برخی دیگر [وسیله] آزمایش قرار دادیم، آیا شکیبایی می کنید؟ و پروردگار تو همواره بیناست. } که آنها صبر می کنند، یعنی همان طور که گفتند صبر می کنند.(3)

17. کنز الفوائد: جابر بن یزید از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ»(4) ، {قطعا در این [یادآوری] برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرتهاست. } فرمود: بر مودت ما و بر ناراحتی ها و گرفتاریها یا بر نعمت و آسایش بسیار صبر میکند. بر آزاری که در راه ما می بیند صبر می کند و خدا را بر ولایت ما اهل بیت شکرگزار است.(5)

1- . همان
2- . فرقان / 20
3- . کنز الفوائد : 190
4- . ابراهیم / 5
5- . کنز الفوائد : 247

18. محاسن: بعضی اصحاب در باره آیه: «یُرِیدُ اللَّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لا یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ»(1) ، {خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد. } نقل می کنند که یسر و آسایش یعنی ولایت و عسر و سختی یعنی مخالفت با امام و دوستی با دشمنان ائمه علیهم السّلام است.(2)

19. کنز الفوائد: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «اصْبِرْ عَلی ما یَقُولُونَ»(3)، {بر آنچه می گویند صبر کن. } یعنی یا محمّد، بر تکذیب نمودن آنها تو را صبر کن، من به وسیله مردی از نسل تو انتقام خواهم گرفت و او همان قائم من است که او را بر خون ستمگران مسلط نموده ام.(4)

20. تفسیر قمی: ابن مسکان از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که فرمود: بر مصائب صبر کنید و در انجام فرائض شکیبا باشید و با امامان خود ارتباط داشته باشید.(5)

21. اصول کافی: داود بن کثیر رقی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: وقتی خداوند پیامبر و وصی و دختر و دو فرزندش و جمیع ائمه و شیعیان آنها را آفرید از ایشان پیمان گرفت که شکیبا باشند و مدارا کنند و ارتباط خود را با ائمه قطع نکنند و از خدا بترسند، تا آخر روایت.(6)

22. اصول کافی: ابو السفاتج از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا» نقل می کند که فرمود: بر واجبات صبر کنید و در مصائب شکیبا باشید و پیوند خود را با ائمه برقرار داشته باشید.(7)

1- . بقره / 185
2- . المحاسن : 186
3- . ص / 17
4- . کنز الفوائد : 283 نسخه رضویه
5- . تفسیر قمی : 118
6- . اصول کافی 1 : 451
7- . همان 2 : 81

باب پنجاه و هشتم: ائمه علیهم السّلام مظلوم هستند.

آیاتی که شاهد ظلم به آنها است

1. مناقب آل ابی طالب: محمّد بن مسلم از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه «الَّذِینَ أُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ»(1)، {همان کسانی که به ناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند.} نقل می کند که فرمود: در باره ما نازل شده.(2)

2. ابن عباس: در باره آیه: «وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ مِنْ قَبْلِکُمْ وَ مِنَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا أَذیً کَثِیراً»(3) ، {و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [نیز] از کسانی که به شرک گراییده اند [سخنان دل]آزار بسیاری خواهید شنید.} می گوید: فقط در باره پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و اهل بیت او نازل شد.(4)

3. تفسیر عیاشی: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که این آیه را جبرئیل بر محمد صلی اللّه علیه و آله این گونه(5) آورده «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنا لِلظَّالِمِینَ» - بر حق آل محمّد - «ناراً»(6) {و بگو، حق از پروردگارتان [رسیده] است، پس هر که بخواهد بگرود و هر که بخواهد انکار کند، که ما برای ستمگران آتشی آماده کرده ایم.}(7)

1- . حج / 40 و حشر / 8
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 314
3- . آل عمران / 186
4- . مناقب آل ابی طالب 3 : 170
5- . شاید منظور این است که به این معنی نازل شده نه اینکه با این الفاظ آمده است.
6- . کهف / 29
7- . تفسیر عیاشی 2 : 326

اصول کافی: به اسناد خود از ابو حمزه همین روایت را نقل کرده است. (1)

4. مناقب آل ابی طالب: ابو الحسن علیه السّلام در باره آیه «وَ ما ظَلَمُونا وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (2)، {و[لی آنان] بر ما ستم نکردند بلکه بر خویشتن ستم روا می داشتند.} فرمود: خداوند عزیزتر و پر قدرت تر از این است که به او ستم شود و یا به خود ظلم نسبت دهد، ولی ما را با خود قرین قرار داده، ظلم به ما را ظلم به خود به حساب آورده و ولایت ما ولایت او است. (3)

5. کنز الفوائد: عیسی بن داود از موسی بن جعفر علیها السّلام از پدر خود نقل کرد که آیه: «وَ قَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً لآل محمّد» (4) {و آن کس که ظلمی بر دوش دارد نومید می ماند.} چنین نازل شده است. (5)

6. کنز الفوائد: سلیم بن قیس هلالی از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام در باره آیه «وَ ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ - و ظلم آل محمّد - إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ» (6)

{آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.} از خدا در باره ظلم بر آل محمّد بترسید. (7)

7. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در باره آیه «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ» {و بگو حق از پروردگارتان [رسیده] است} از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که فرمود: این آیه این گونه نازل شده است: «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ» یعنی ولایت علی بن ابی طالب «فَمَنْ شاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنا لِلظّالِمِينَ - بر آل محمد

1- . اصول کافی 1 : 425، بعد از «مِن رَبّكُم» عبارت «فی وِلايَه علی» آمده است.
2- . بقره / 57 و اعراف / 160
3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 404
4- . طه / 111

5- . كنز الفوائد : 159
6- . حشر / 7
7- . كنز الفوائد : 336

- نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا»(1) ، {پس هر که بخواهد بگرود و هر که بخواهد انکار کند، که ما برای ستمگران آتشی آماده کرده ایم که سراپرده هایش آنان را در بر می گیرد. }(2)

8. تفسیر عیاشی: زید شحام: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: جبرئیل این آیه(3) را آورد «فَبَدَّلَ الَّذِینَ ظَلَمُوا - آل محمّد حقّهم - غَیْرَ الَّذِی قِیلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنا عَلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا - آل محمّد حقّهم - رِجْزاً مِنَ السَّماءِ بِما کانُوا یَفْسُقُونَ»(4) ، {اما کسانی که ستم کرده بودند و [آن سخن را] به سخن دیگری غیر از آنچه به ایشان گفته شده بود تبدیل کردند، و ما [نیز] بر آنان که ستم کردند، به سزای اینکه نافرمانی پیشه کرده بودند عذابی از آسمان فرو فرستادیم. }(5)

9. تفسیر قمی: «احْشُرُوا الَّذِینَ ظَلَمُوا وَ أَزْواجَهُمْ»(6) {کسانی را که ستم کرده اند، با همردیفانشان گرد آورید. } فرمود: یعنی کسانی را که به آل محمّد ستم روا داشته اند بیاورید و «وَ أَزْواجَهُمْ» فرمود: اشخاصی که شبیه آنهایند.(7)

10. تفسیر قمی: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «ما أَصابَ مِنْ مُصِیبَهٍ فِی الْأَرْضِ وَ لا فِی أَنْفُسِکُمْ إِلَّا فِی کِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها» فرمود: راست فرموده ! خداوند و پیامبرانش تبلیغ کرده اند و کتاب خدا در آسمان، علم خدا است به آن و کتاب خدا در زمین، اعلام خدا است به ما در شب قدر و در غیر شب قدر «إِنَّ ذلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیرٌ»(8)،

{هیچ مصیبتی نه در زمین و نه

1- . کهف / 29
2- . تفسیر قمی : 396
3- . منظور این است که این آیه به این معنا نازل شده نه اینکه با این الفاظ نازل شده است و آیه این است: «فَبَدَّلَ الَّذِینَ ظَلَمُوا قولا غَیْرَ الَّذِی قِیلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنا عَلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا رِجْزاً مِنَ السَّماءِ بِما کانُوا یَفْسُقُونَ».
4- . بقره / 59
5- . تفسیر عیاشی 1 : 45

6- . صافات / 22
7- . تفسير قمى : 555
8- . حديد / 22

در نفسهای شما [= به شما] نرسد مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این [کار] بر خدا آسان است} (1)

11. حسن بن عباس حریش از ابو جعفر ثانی علیه السّلام در آیه: «لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلى ما فاتَكُمْ» {تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید} فرمود: حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که مردی از پدرم راجع به این آیه پرسید، فرمود: در باره ابو بکر و یارانش نازل شده، یک قسمت جلو و یک قسمت بعد خواهد بود «لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلى ما فاتَكُمْ» که عبارت است از امتیازاتی که به علی بن ابی طالب بخشیده شده: «وَ لا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ» (2) ، {و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید.} از فتنه و آشوبی که برای آزمایش شما پس از پیامبر اکرم پدید می آید.

آن مرد گفت: گواهی میدهم شما از داورانی هستید که در حکم شما اختلافی نیست. از جای حرکت کرده رفت و دیگر او را ندیدم. (3)

توضیح: شرح این خبر در بخش ارواح ائمه علیهم السّلام خواهد آمد.

12. تفسیر قمی: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ.... لَقَدِيرٌ» (4) ، {به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت [جهاد] داده شده است چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست.} فرمود: آیه در باره علی و جعفر و حمزه نازل شده و سپس در مورد حضرت حسین علیه السّلام نیز جاری است و این آیه «الَّذِينَ أُخْرِجُوا» (5) {همان کسانی که به ناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند} تا آخر آیه، در باره حضرت حسین است. زمانی که یزید در پی او فرستاد تا او را به شام بیاورند، آن جناب از مدینه به سمت کوفه رفت و در کربلا شهید شد. (6)

1- . تفسیر قمی : 665
2- . حدید / 23
3- . تفسیر قمی : 665
4- . حج / 39
5- . همان / 40
6- . تفسیر قمی : 440 و 441

13. ابن مسکان از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «أُذِنَ لِلَّذِینَ یُقاتَلُونَ» نقل کرد که فرمود: عامه (اهل سنت) میگویند، آیه در باره پیامبر اکرم نازل شده هنگامی که قریش آن جناب را از مکه اخراج کردند، اما مربوط به قائم است، زمانی که برای انتقام خون حسین ظهور کند و این است معنی فرمایش او که ما اولیای مقتول و خون بها گیرانیم.(1)

14. کنز الفوائد: داود بن سلیمان از حضرت رضا از آباء گرام خود علیهم السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: خداوند بهشت را بر ستمگران بر اهل بیت من و کشندگان و ناسزاگویان و همکاران ایشان حرام نموده، آنگاه این آیه را تلاوت نمود: «أُولئِکَ لا خَلاقَ لَهُمْ فِی الْآخِرَهِ وَ لا یُکَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَ لا یَنْظُرُ إِلَیْهِمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَ لا یُزَکِّیهِمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ»(2)، {آنان را در آخرت بهره ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و به ایشان نمی نگرد و پاکشان نمی گرداند و عذابی دردناک خواهند داشت.}(3)

15. اصول کافی: ابو حمزه: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: جبرئیل این آیه را چنین برای پیامبر اکرم آورد: «فَبَدَّلَ الَّذِینَ ظَلَمُوا - آل محمّد حقهم - قَوْلاً غَیْرَ الَّذِی قِیلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنا عَلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا - آل محمّد حقهم - رِجْزاً مِنَ السَّماءِ بِما کانُوا یَفْسُقُونَ»(4) {اما کسانی که ستم کرده بودند [آن سخن را] به سخن دیگری غیر از آنچه به ایشان گفته شده بود تبدیل کردند و ما [نیز] بر آنان که ستم کردند، به سزای اینکه نافرمانی پیشه کرده بودند، عذابی از آسمان فرو فرستادیم.}

و فرمود: جبرئیل این آیه را چنین آورد: «إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ ظَلَمُوا - آل محمّد حقهم - لَمْ یَکُنِ اللَّهُ لِیَغْفِرَ لَهُمْ وَ لا لِیَهْدِیَهُمْ طَرِیقاً * إِلَّا طَرِیقَ جَهَنَّمَ خالِدِینَ فِیها أَبَداً وَ کانَ ذلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیراً»(5) ، {کسانی که کفر ورزیدند و ستم کردند، خدا بر آن

1- . همان

2- . آل عمران / 77

3- . کنز الفوائد : 54

4- . بقره / 59

5- . نساء / 168 و 169

نیست که آنان را بیامرزد و به راهی هدایت کند مگر راه جهنم که همیشه در آن جاودانند و این [کار] برای خدا آسان است. }

سپس فرمود: «یا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَکُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّکُمْ - راجع به ولایت علی - فَآمِنُوا خَیْراً لَکُمْ وَ إِنْ تَکْفُرُوا - به ولایت علی - فَإِنَّ لِلَّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ»(1)، {ای مردم، آن پیامبر [موعود] حقیقت را از سوی پروردگارتان برای شما آورده است پس ایمان بیاورید که برای شما بهتر است و اگر کافر شوید، [بدانید که] آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. }(2)

توضیح: در مورد آیه: «فَبَدَّلَ الَّذِینَ ظَلَمُوا قَوْلاً غَیْرَ الَّذِی قِیلَ لَهُمْ» شاید منظور این است که ولایت آل محمّد در این آیه نظیر باب حطه بنی اسرائیل است. چنانچه در اخبار زیادی نقل شده که پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمود: مثل اهل بیت من مانند باب حطه بنی اسرائیل است.

و یا منظور این است که این معنی یکی از بطون آیه است، به این معنا که مقصود از آیه این است. زیرا خداوند در قرآن کریم قصه پیامبران و امت های پیشین را برای توجه و تذکر که نظیر آن در این امت نیز هست آورده، با اینکه در تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام و غیر آن وارد شده که بر در حطه بنی اسرائیل اسماء پیامبر اکرم و ائمه نوشته شده بود و مأمور بودند که نسبت به آنها ابراز کوچکی کرده و به فضل و مقامشان اقرار نمایند ولی ایشان امتناع ورزیدند، به همین جهت بر آنها عذاب نازل شد. دیگر جای اشکالی نیست. اما آیه دوم در قرآن چنین است: «إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ یَکُنِ اللَّهُ لِیَغْفِرَ لَهُمْ وَ لا لِیَهْدِیَهُمْ طَرِیقاً» تا آخر آیه.

16. اصول کافی: علی بن جعفر گفت: از حضرت ابو الحسن علیه السّلام شنیدم می فرمود، وقتی پیامبر اکرم دید تیم و عدی و بنی امیه بر منبر او بالا رفتند ناراحت شد. خداوند این آیه را به پیامبر اکرم نازل کرد تا تأسّی به آن کند: «وَ إِذْ

1- . همان / 170

2- . اصول کافی 1 : 423 و 424

قُلْنا لِلْمَلائِکَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِیسَ أَبی»(1)

{و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید، پس جز ابلیس که سر باز زد [همه] سجده کردند.} سپس وحی کرد یا محمّد، من دستور دادم ولی شیطان اطاعت نکرد تو نیز ناراحت نباش که دستور دادی ولی وصیتت را نپذیرفتند.(2)

17. کنز الفوائد: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که آیه: «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ لا یَزِیدُ - ستمگران حق آل محمّد را - إِلَّا خَساراً»(3)، {و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم و[لی] ستمگران را جز زیان نمی افزاید.}(4) (این چنین نازل شده).

18. کنز الفوائد: عیسی بن داود از موسی بن جعفر علیهما السّلام از پدرش نقل می کند که فرمود: این آیه را «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ لا یَزِیدُ الظّالِمِینَ - بر آل محمّد - إِلَّا خَساراً».(5)

19. کنز الفوائد: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ» نقل میکند، یعنی ولایت علی، پس هر کس بخواهد ایمان می آورد و هر کس خواست کافر می گردد. ما برای ظالمان حق آل محمد «نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا» را آماده کردهایم.(6)

20. کنز الفوائد: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ أَسَرُّوا النَّجْوَی الَّذِینَ ظَلَمُوا»(7)، {و آنانکه ستم کردند، پنهانی به نجوا برخاستند.} فرمود: ستمگران حق آل محمّد.(8)

1- . طه / 116
2- . اصول کافی 1 : 426
3- . إسراء / 82
4- . کنز الفوائد : 140
5- . همان
6- . همان : 141
7- . انبیاء / 3

8- . كنز الفوائد : 162

21. كنز الفوائد: عيسى بن داود از موسى بن جعفر از پدرش از جدش عليهم السّلام نقل كرد كه اين آيه فقط در باره آل محمّد نازل شده: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ، الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ» تا اين قسمت: «وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ».(1)

22. كنز الفوائد: با همين اسناد از حضرت صادق عليه السّلام نقل ميكند، در باره آيه: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍ» فرمود: فقط در باره ما نازل شده، از

امير المؤمنين و فرزندانش و آنچه در باره اولاد فاطمه عليها السّلام مرتكب شدند.(2)

23. كنز الفوائد: ضريس از حضرت صادق عليه السّلام نقل ميكند، شنيدم كه مى فرمود: آيه: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» در باره حسن و حسين عليهما السّلام نازل شده.(3)

24. كنز الفوائد: از عبد اللَّه بن عجلان از حضرت باقر عليه السّلام نقل ميكند كه آيه: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» در باره حضرت قائم عليه السّلام و اصحابش نازل شده.(4)

توضيح: مرحوم طبرسى مينويسد: اين اولين آيه ايست كه در باره قتال نازل شده و تقرير آن چنين است: به مؤمنين اجازه داده شده كه به واسطه ستمى كه بر آنها روا داشته شده و از شهر و منزل خود آنها را اخراج كرده اند و اهانت و آزار بر آنها روا داشته اند، پيكار كنند. خداوند بر يارى ايشان قادر است. اين خود وعده اى است كه ايشان را يارى خواهد نمود. حضرت باقر عليه السّلام فرموده: در باره مهاجرين است و آل محمّد كه از ديار خود اخراج شدند و آنهايى را كه در ترس و وحشت قرار دادند را هم در بر ميگيرد.(5)

1- . همان : 172
2- . همان : 172 و 173
3- . همان

4- . همان : 172
5- . مجمع البيان 7 : 78

25. کنز الفوائد: محمد بن زید نقل می کند که از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «الَّذِینَ أُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ یَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ» پرسیدم، فرمود: در باره رسول خدا و علی و حمزه و جعفر نازل شده و حضرت حسین علیه السّلام را هم فرا می گیرد.(1)

26. روضه کافی: از سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(2)

27. کنز الفوائد: عبد اللَّه بن حسین از پدر خود از جدش از حسین بن علی از پدر بزرگوار خود نقل کرد که چون این آیه نازل شد: «الم * أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ یُتْرَکُوا أَنْ یَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا یُفْتَنُونَ»(3)، {آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند}، من به پیامبر اکرم عرض کردم، این آزمایش چیست؟ فرمود: یا علی، تو گرفتار خواهی شد و در آینده به دادخواهی میایستی؛ خود را آماده دشمنی(ها) نما.(4)

28. کنز الفوائد: سماعه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که شبی پیامبر اکرم در مسجد بود. نزدیک صبح امیر المؤمنین علیه السّلام آمد. پیامبر اکرم او را صدا زد و پاسخ داد: بلی. فرمود: پیش من بیا. همین که نزدیک شد، فرمود: علی جان امشب جایی بخواب که مرا مشاهده کنی، از خداوند هزار حاجت خواستم که برایم برآورد، برای تو نیز مانند آنها را خواستم، پذیرفت. درخواست کردم که امتم بر امامت تو اجتماع و توافق نمایند. خداوند این را نپذیرفت و فرمود: «الم * أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ یُتْرَکُوا أَنْ یَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا یُفْتَنُونَ»(5).

29. کنز الفوائد: سدی در باره آیه «الم * أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ یُتْرَکُوا أَنْ یَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا یُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَیَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِینَ صَدَقُوا» گفت:

1- . کنز الفوائد : 172
2- . روضه کافی : 337 و 338
3- . عنکبوت / 1 و 2
4- . کنز الفوائد : 220

5- . همان : 220 و 221

راستگویان علی و اصحاب اویند «وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكاذِبِينَ»(1)، {و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد. } دشمنان علی را.(2)

30. کنز الفوائد: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولئِکَ ما عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ»(3)،

{و هر که پس از ستم [دیدن] خود یاری جوید [و انتقام گیرد] راه [نکوهشی] بر ایشان نیست. } فرمود: آیه در باره حضرت قائم علیه السّلام است. وقتی قیام کند، از بنی امیه و مکذبین و ناصبیان (دشمنان علی) انتقام خواهد گرفت.(4)

31. کنز الفوائد: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که ایشان خواند:(5)

و تری ظالمی آل محمّد حقهم لما رأوا العذاب. می بینی ستمگران حق آل محمّد را که چون چشمشان به عذاب بیافتد. و فرمود: عذاب آنها علی علیه السّلام است: «يَقُولُونَ هَلْ إِلى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ»(6)، {می گویند آیا راهی برای برگشتن [به دنیا] هست؟ }(7)

32. با همین اسناد از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه: «إِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا - حق آل محمّد - عَذاباً دُونَ ذلِکَ»(8) {و در حقیقت غیر از این [مجازات] عذابی [دیگر] برای کسانی که ظلم کرده اند خواهد بود. }(9)

-1 . عنکبوت / 3
-2 . کنز الفوائد : 220
-3 . شوری / 41
-4 . کنز الفوائد : 287
-5 . یعنی آیه را این گونه تفسیر کرد.
-6 . شوری / 44
-7 . کنز الفوائد : 287، آیه در قرآن این گونه است: «وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ».
-8 . طور / 47

9- . كنز الفوائد : 312

33. کنز الفوائد: با همین اسناد از جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند، در باره آیه: «خاشِعِینَ مِنَ الذُّلِّ یَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِیٍ»(1)،

{از [شدت] زبونی فروتن شده اند زیرچشمی می نگرند. } فرمود: یعنی به حضرت قائم عجل اللّه فرجه.(2)

34. با همین اسناد در باره آیه: «وَ لَنْ یَنْفَعَکُمُ الْیَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ» ستم به آل محمّد روا داشتید «أَنَّکُمْ فِی الْعَذابِ مُشْتَرِکُونَ»(3) {و امروز هرگز [پشیمانی] برای شما سود نمی بخشد چون ستم کردید. در حقیقت شما در عذاب مشترک خواهید بود. }(4)

35. با همین اسناد از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لکِنْ کانُوا هُمُ الظّالِمِینَ»(5)، {و ما بر ایشان ستم نکردیم بلکه خود ستمکار بودند. } فرمود: ما به آنها ستم روا نداشتیم که ولایت اهل بیت ترا واگذاردند، ولی آنها خود ستم را پیشه کردند.(6)

36. کنز الفوائد: اسحاق بن محمّد از پدر خود از حضرت صادق از آباء گرام خود علیهم السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم به فاطمه علیها السّلام فرمود: شوهرت بعد از من چنین و چنان خواهد دید و جریانهای پس از خود را به فاطمه علیها السلام اطلاع داد. گفت: یا رسول اللّه، از خدا درخواست نمی کنید این ناراحتی ها را از او رفع کند؟ فرمود: چرا درخواست کردم ولی (خداوند) فرمود: او گرفتار خواهد شد و گروهی به واسطه او آزمایش می شوند. جبرئیل این آیه را آورد: «قَدْ سَمِعَ اللّهُ قَوْلَ الَّتِی تُجادِلُکَ فِی زَوْجِها وَ تَشْتَکِی إِلَی اللّهِ وَ اللّهُ یَسْمَعُ تَحاوُرَکُما إِنَّ اللّهَ سَمِیعٌ بَصِیرٌ»(7)، {خدا

گفتار [زنی] را که در باره شوهرش با تو گفتگو و به خدا شکایت می کرد شنید و خدا گفتگوی شما را می شنود زیرا خدا شنوای بیناست. } البته

1- . شوری / 45
2- . کنز الفوائد : 287
3- . زخرف / 39
4- . کنز الفوائد : 290 و 291
5- . زخرف / 76

6- . كنز الفوائد : 297
7- . مجادله / 1

شکایت حضرت فاطمه علیها السلام از ناراحتیهایی بود که علی خواهد دید نه اینکه از او شکایت داشته باشد.(1)

توضیح: بنا بر این تأویل، حکم ظهار مربوط به این آیه نمی شود. از این قبیل در آیات زیاد است.

37. کنز الفوائد: روایت شده وقتی که کار برای ابو بکر درست شد و مردم با او بیعت کردند، در حالی که امیر المؤمنین علیه السّلام بیلی در دست داشت و خاک بر قبر پیامبر اکرم میریخت، مردی خدمت ایشان آمد و گفت: مردم با ابو بکر بیعت کردند خواری و ذلت در انصار به خاطر اختلافشان آشکار شد و طلقاء با عجله به سوی بیعت با ابو بکر شتافتند که مبادا این مقام به شما برسد.

علی علیه السّلام سر بیل را در زمین فرو برد و دسته آن را به دست گرفت، آنگاه این آیات را خواند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الم * أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ یُتْرَکُوا أَنْ یَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا یُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَیَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِینَ صَدَقُوا وَ لَیَعْلَمَنَّ الْکاذِبِینَ * أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ یَعْمَلُونَ السَّیِّئاتِ أَنْ یَسْبِقُونا ساءَ ما یَحْکُمُونَ»(2)، {آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟ و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد. آیا کسانی که کارهای بد می کنند می پندارند که بر ما پیشی خواهند جست؟ چه بد داوری می کنند.} (3)

38. تفسیر عیاشی: جابر گفت: به حضرت باقر علیه السّلام عرض کردم، این آیه را که خدا به پیامبر می فرماید: «لَیْسَ لَکَ مِنَ الْأَمْرِ شَیْ ءٌ»(4) ، {هیچ یک از این کارها در اختیار تو نیست.} برایم تفسیر فرمایید.

1- . کنز الفوائد : 335
2- . عنکبوت / 1 - 4
3- . روایت را در کنز الفوائد نیافتیم. نسخه خطی آن نیز موجود نیست و ظاهرا از کتاب دیگری نقل شده است.
4- . آل عمران / 128

فرمود:(1)

جابر! پیامبر اکرم خیلی میل داشت که علی پس از او فرمانروای مردم شود ولی خدا میدانست چنین نخواهد شد.

عرض کردم، پس معنی آیه چیست؟ فرمود: بلی، منظور این است که می فرماید: یا محمّد، این کار - در مورد علی - بسته به میل تو نیست، زمام و اختیار علی و دیگران در دست من است. مگر در آیات قرآن بر تو نازل نکردم آیه: «الم * أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ * تا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكاذِبِينَ» وفرمود: پیامبر اکرم کار را به خدا واگذاشت.(2)

مولف: در خطبه قاصعه، حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام توضیح داده و تأویل این آیه را آشکار نموده است.

ص: 267

1- . در مصدر این طور است: ای جابر، خدا چیزی را گفته و چیزی را اراده کرده است! تا آخر روایت.

2- . تفسیر عیاشی 1 : 197 و 198

1. الاحتجاج: ابو حمزه ثمالی گفت: حسن بصری خدمت حضرت باقر علیه السّلام رسیده گفت، آمده ام چند سؤال از شما راجع به کتاب خدا نمایم. حضرت باقر علیه السّلام به او فرمود: مگر تو فقیه اهل بصره نیستی؟! گفت چنین میگویند، فرمود آیا در بصره کسی هست که تو از او استفاده کنی؟ گفت: نه.

فرمود: پس تمام اهالی بصره از معلومات تو استفاده میکنند؟ گفت بلی. فرمود: سبحان اللّه، عهده دار کار بزرگی شده ای. از تو مطلبی را شنیده ام، نمیدانم راست گفته اند یا دروغ. پرسید چه مطلبی؟ فرمود: گمان می کنند تو مدعی هستی خداوند مردم را آفریده و کارهای آنها را به خودشان واگذارده است. حسن بصری ساکت شد.

فرمود: آیا کسی را دیدهای که خدا در کتاب خود به او بگوید، تو در امانی. آیا برای او خوف و وحشتی بعد از این گفتار هست؟ حسن بصری گفت نه. حضرت باقر فرمود: اینک من یک آیه از قرآن را برای تو میخوانم و میدانم تو بر خلاف واقع آن را تفسیر خواهی کرد. اگر چنین کنی خود و دیگران را به هلاکت انداخته ای. پرسید کدام آیه؟ فرمود: بگو ببینم، معنی این آیه چیست: «وَ جَعَلْنا بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقُرَی الَّتِی بارَکْنا فِیها قُریً ظاهِرَةً وَ قَدَّرْنا فِیهَا السَّیْرَ سِیرُوا فِیها لَیالِیَ وَ أَیّاماً آمِنِینَ»(1)، {و میان آنان و میان آبادانیهایی که در آنها برکت نهاده بودیم، شهرهای متصل به هم قرار داده بودیم و در میان آنها مسافت را به اندازه مقرر داشته بودیم. در این [راه]ها شبان و روزان آسوده خاطر بگردید. }

1- . سبأ / 18

شنیده ام تو به مردم گفته ای آن قریه مکه است. فرمود: آیا کسانی که قصد حج داشته اند، در بین راه مکه، آنها را تاکنون دزد زده است؟ و آیا اهل مکه ترس و وحشتی ندارند و اموال آنها را (دزدان) نمی برند، پس چطور در امان هستند؟

این مثال را خدا در قرآن در باره ما فرموده، ما آن قریه هایی هستیم که خداوند برکت در آنها قرار داده و این است معنی فرموده خدا. هر کس به مقام ما اقرار داشته باشد و همان طوری که خداوند آنها را امر کرده، به جانب ما رو آورند. و فرموده: «وَ جَعَلْنا بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقُرَی الَّتِی بارَکْنا فِیها» یعنی قرار دادیم بین آنها و شیعیانشان، قریه هایی که در آنها برکت قرار داده ایم «قُریً ظاهِرَهً» قریه های آشکار پیکها و ناقلین علوم از ما به شیعیانمان هستند و دانشمندان شیعه کسانی هستند که به شیعیان تعلیم میدهند «وَ قَدَّرْنا فِیهَا السَّیْرَ» سیر و حرکت مثلی است برای علم که ببرید آن را «لَیالِیَ وَ أَیَّاماً» این هم مثلی است از علم که در شبها و روزها از جانب ما به سوی آنها میرسد در حلال و حرام و فرائض و احکام، «آمِنِینَ» زمانی که از معدن دانش که دستور استفاده از آن داده شده استفاده کنند، در امانند. البته از شک و گمراهی و افتادن از حرام به حلال ایمن هستند.

زیرا علم را از کسانی گرفتهاند که با این استفاده، شایسته مغفرت(1) و آمرزش میشوند، چون آنها اهل میراث علم از آدم تا جایی که به ایشان منتهی شده میباشند. نژادی برگزیده که به یکدیگر پیوسته اند. این برگزیدگی به شما نرسیده و مختص به ما است، ما همان نژاد هستیم نه تو و اشخاصی شبیه تو حسن!

اگر با این مقامی که شایسته آن نیستی و ادعا می کنی، به تو بگویم ای نادان اهل بصره! چیزی جز یک واقعیت نگفته ام و این مطلب آشکار است. دیگر مبادا قائل به تفویض گردی! هرگز خداوند کار را از روی ضعف و ناتوانی به مردم وانگذاشته و هرگز آنها را از روی ستم مجبور به معصیت ننموده است... خبر طولانی بود که مقدار مورد احتیاج را استفاده کردیم.(2)

1- . در مصدر «المعرفه» آمده است.
2- . الاحتجاج : 178

2. مناقب آل ابی طالب، الاحتجاج: ثمالی گفت: یکی از قاضیان کوفه خدمت علی بن الحسین علیهما السّلام رسیده گفت، فدایت شوم این آیه را برایم تفسیر بفرمائید: «وَ جَعَلْنا بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقُرَی الَّتِی بارَکْنا فِیها قُریً ظاهِرَهً وَ قَدَّرْنا فِیهَا السَّیْرَ سِیرُوا فِیها لَیالِیَ وَ أَیَّاماً آمِنِینَ».

فرمود: اهل عراق در باره آیه چه میگویند؟ گفت، میگویند مکه است. فرمود: آیا در جایی بیشتر از مکه دزدی دیده ای؟ گفت پس چیست؟

فرمود: منظور مردان معینی است. گفت، از آیات قرآن چه دلیل دارید؟ فرمود: مگر نشنیده ای که خداوند میفرماید: «وَ کَأَیِّنْ مِنْ قَرْیَهٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّها وَ رُسُلِهِ»، (1) {و چه بسیار شهرها که از فرمان پروردگار خود و پیامبرانش سر پیچیدند.} و فرموده: «وَ تِلْکَ الْقُری أَهْلَکْناهُمْ»(2)، {و [مردم] آن شهرها هلاکشان کردیم.} و فرموده: «وَ اسْئَلِ الْقَرْیَهَ الَّتِی کُنَّا فِیها وَ الْعِیرَ الَّتِی أَقْبَلْنا فِیها»(3)، {و از [مردم] شهری که در آن بودیم و کاروانی که در میان آن آمدیم جویا شو.} آیا سؤال از قریه است یا مردان و قافله؟ و چند آیه در این خصوص قرائت نمود. پرسید فدایت شوم، پس منظور کیانند؟ فرمود: ما آنها هستیم. فرمود: «سِیرُوا فِیها لَیالِیَ وَ أَیَّاماً آمِنِینَ» و فرمود: ایمن از گمراهی هستند.(4)

3. کنز الفوائد: عبد اللَّه رمانی از حضرت رضا از پدرش از جدش حضرت صادق علیهم السّلام نقل میکند که فرمود: کسی که قرآن تفسیر میکرد پیش من آمد. امام به او فرمود: تو فلانی نیستی؟ (نامش را برد) گفت چرا. فرمود: تو قرآن تفسیر میکنی؟ گفت آری. پرسید: این آیه را چگونه تفسیر میکنی؟ «وَ جَعَلْنا بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقُرَی الَّتِی بارَکْنا فِیها قُریً ظاهِرَهً وَ قَدَّرْنا فِیهَا السَّیْرَ سِیرُوا فِیها لَیالِیَ وَ أَیَّاماً آمِنِینَ». گفت، منظور بین مکه و منی است.

ص: 270

1- . طلاق / 8
2- . کهف / 59
3- . یوسف / 82
4- . مناقب آل ابی طالب 3 : 273 و 274، الاحتجاج : 171

حضرت صادق علیه السّلام به او فرمود: آیا در آنجا ترس و دزدی هست؟ گفت: آری. فرمود چگونه خداوند میفرماید محلی امن است ولی ترس و دزدی در آن وجود دارد؟ ! عرض کرد پس چیست؟ فرمود: منظور از آیه ما خانواده هستیم. شما را به ناس تعبیر کرده و ما را به قریه. گفت فدایت شوم، آیه ای در قرآن به من نشان دهید که منظور از قریه مردم باشند.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: مگر خداوند نمیفرماید: «وَ اسْئَلِ الْقَرْیَةَ الَّتِی کُنَّا فِیها وَ الْعِیرَ الَّتِی أَقْبَلْنا فِیها» بگو ببینم، آیا باید از در و دیوارها بپرسد یا از مردم؟ و خداوند می فرماید: «وَ إِنْ مِنْ قَرْیَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِکُوها قَبْلَ یَوْمِ الْقِیامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوها عَذاباً شَدِیداً»(1)، {و هیچ شهری نیست مگر اینکه ما آن را [در صورت نافرمانی] پیش از روز رستاخیز به هلاکت می رسانیم یا آن را سخت عذاب می کنیم. } آیا عذاب شوندگان مردم هستند یا در و دیوارها؟(2)

4. کنز الفوائد: عبد الله بن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که حسن بصری خدمت امام باقر علیه السّلام آمد. به او فرمود ای برادر بصری! به من خبر دادهاند که آیهای از قرآن را بر خلاف واقع آن تفسیر کردهای که اگر چنین کنی خود و دیگران را به هلاکت انداخته ای. پرسید کدام آیه، فدایت شوم؟ گفت آیه «وَ جَعَلْنا بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقُرَی الَّتِی بارَکْنا فِیها قُریً ظاهِرَةً وَ قَدَّرْنا فِیهَا السَّیْرَ سِیرُوا فِیها لَیالِیَ وَ أَیَّاماً آمِنِینَ» فرمود: وای بر تو، چگونه خدا قومی را وعده امان می دهد درحالی که کالای آنها در مکه و مدینه و ما بین آن دو به سرقت می رود و چه بسا بنده ای گرفته یا کشته شود و جانش را از دست بدهد. سپس مکث زیادی کرد و با دست خود به سینه اش اشاره کرد و فرمود: ما همان قریه هایی هستیم که خدا به آنها برکت داده. عرض کرد فدایت شوم، آیه ای در قرآن به من نشان دهید که منظور از قریه مردم باشند. فرمود: بله آیه «وَ کَأَیِّن مِّن قَرْیَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَاباً شَدِیدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَاباً نُّکْرًا»(3) ، {و چه بسیار شهرها که از فرمان

1- . إسراء / 58
2- . کنز الفوائد : 245 و 246
3- . طلاق / 8

پروردگار خود و پیامبرانش سر پیچیدند و از آنها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی [بس] زشت عذاب کردیم. } سرپیچی کننده از خدا کیست؟ دیوارها و خانه ها یا مردم؟ گفت مردم. سپس عرض کرد فدایت شوم، بیشتر بگویید. فرمود: خدا در سوره یوسف می فرماید «وَ اسْئَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِی کُنَّا فِيها وَ الْعِيرَ الَّتِی أَقْبَلْنا فِيها» پس به چه کسی امر کرده که بپرسد؛ قریه یا قافله یا مردم؟ گفت فدایت شوم، تو از «قُرىً ظاهِرَةً» به من خبر بده. فرمود آنها شیعیان ما هستند، یعنی علمای از آنها.(1)

5. مناقب آل ابی طالب: روزی ابو حنیفه خدمت حضرت صادق علیه السّلام رسیده و از چند مسأله که جواب آن را نمیدانست سؤال کرد؛ از آن جمله پرسید، تفسیر این آیه چیست: «وَ قَدَّرْنا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيها لَيالِیَ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ» منظور کدام سرزمین است، آیا بین مکه و مدینه است؟

فرمود: تو را به خدا سوگند، مگر در بین راه مدینه و مکه شما امنیت از جان و مال خود دارید؟ و فرمود: این آیه را توضیح بده: «وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً»(2)

، {و هر که در آن درآید در امان است. } چه محلی است که هر که داخل شد ایمن است؟ ابو حنیفه جواب داد، منظور بیت اللّٰه است.

فرمود: تو را به خدا سوگند، مگر خبر ندارید که عبد اللّٰه بن زبیر و سعید بن جبیر داخل خانه خدا شدند و از کشته شدن ایمن نبودند؟ ابو حنیفه گفت، مرا معذور دار یابن رسول اللّٰه.(3)

توضیح: تأویل در این اخبار از تأویلهای بعید است و شاید وجه در این تأویلها همان مطلبی است که بارها به آن اشاره کرده ایم که داستان های قرآن برای آن است که این امت متوجه شوند و اعمال آنها را انجام ندهند و بترسند که مشمول کیفرهای آنها شوند.

چیزی در امت های پیش وقوع نیافته مگر اینکه نظیر آن در این امت نیز واقع شده، مانند داستان هارون و گوساله سامری، و آنچه برای امیر المؤمنین علیه السّلام

1- . كنز الفوائد : 246 و 247
2- . آل عمران / 97
3- . مناقب آل ابى طالب 3 : 377

با ابو بکر و عمر پیش آمد، و قارون و عثمان، و صفورا و عایشه، و نظایر این وقایع که در کتاب نبوت به آن اشاره کردیم که بعضی از آنها آشکار بر هم انطباق دارند و بعضی دیگر باید با توجیه منطبق گردد. این وقایع از قسم دوم است.

از آن جمله قوم سبا که خداوند به واسطه کفران نعمت ایشان را محروم نمود و به جای آن میوه تلخ و ترش و درخت سخت بی بار به آنها داد. شبیه آن در این امت آن است که خداوند میوه های پرثمر باغستان های حقیقت را به برکت ائمه طاهرین علیهم السّلام، آنقدر که بیان از توصیفش عاجز است، ارزانی داشت با اینکه از آشوب جهل و نادانی و گمراهی در امان بودند. وقتی این نعمت را کفران نمودند، خداوند (این نعمت را) از آنها گرفت یا غائب شدند و یا پنهان. راویان و حاملان اخبار نیز از میان ایشان رخت بربستند؛ در نتیجه گرفتار رأیها و قیاس شدند و امر بر ایشان مشتبه گردید. دیگر بسیار کم میتوانستند به اخبار ائمه علیهم السّلام تمسک نمایند و دامنه شک و شبهه از طرف پیشوایان و رهبران گمراه گسترش پیدا کرد؛ آنها نیز مصداق این آیه شدند: «وَ بَدَّلْناهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَواتَىْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَ أَثْلٍ وَ شَىْ ءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ»(1)، {و دو باغستان آنها را به دو باغ که میوه های تلخ و شوره گز و نوعی از کنار تنک داشت تبدیل کردیم.}

این توضیحی بود برای فهم و درک چنین اخبار. خداوند راهنمای راه راست است.

6. روضه کافی: زید شحام گفت: قتاده بن دعامه خدمت حضرت باقر علیه السّلام رسید. امام به او فرمود: قتاده، تو فقیه اهل بصره هستی؟ عرض کرد مردم چنین می پندارند. فرمود: شنیده ام تو قرآن تفسیر میکنی. جواب داد: آری.

فرمود از روی علم تفسیر مینمایی یا جهل؟ گفت نه، از روی علم. حضرت باقر علیه السّلام فرمود: اگر از روی علم تفسیر کنی بسیار خوب، اینک من یک سؤال از تو می کنم. گفت بپرس. فرمود: این آیه را توضیح بده: «وَ قَدَّرْنا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيها لَيالِيَ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ»

1- . سبأ / 16

قتاده گفت: منظور کسی است که از خانه خود با زاد و توشه و وسیله سواری که همه را از راه حلال تهیه نموده تصمیم به سفر خانه خدا بگیرد و در امان است تا به خانه خود برگردد. حضرت باقر علیه السّلام فرمود: تو را به خدا قسم قتاده، نشنیده ای کسی از خانه خود به قصد خانه خدا با زاد و توشه و وسیله سواری حلال خارج شود و سر راه بر او بگیرند و اموال او را به سرقت ببرند و او را تا حد مرگ بزنند؟

قتاده گفت چرا چنین اتفاقی افتاده. حضرت باقر علیه السّلام فرمود: وای بر تو قتاده! اگر قرآن را از پیش خود تفسیر کنی، خویشتن و دیگران را به هلاکت افکنده ای. و اگر از دیگران گرفته باشی، خود و دیگران را در معرض هلاکت قرار داده ای. وای بر تو قتاده، این آیه کسی را می گوید که با شناخت حق ما از خانه خود با زاد و توشه و وسیله سواری حلال خارج شود و قصد این خانه را نماید و با قلب ما را دوست داشته باشد؛ چنانچه خداوند در این آیه می فرماید: «فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْهِمْ»(1)، {پس دلهای برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده.} منظورش علاقه مردم به خانه خدا نبود و گر نه باید می گفت دلهای مردم را متوجه آن کن نه اینکه بگوید دلهای مردم را متوجه آنها کن. به خدا قسم ما مشمول دعای ابراهیم هستیم که هر کس ما را دوست داشته باشد حج او قبول است و گر نه مقبول نیست. در صورتی که چنین باشد، از عذاب جهنم در روز قیامت ایمن است.

قتاده گفت: به خدا قسم بعد از این چنین تفسیر خواهم کرد. حضرت باقر علیه السّلام فرمود: وای بر تو، قرآن را کسانی میفهمند که خطاب به آنها نازل شده.(2)

توضیح: یعنی تفسیر نمی کنم مگر همان طور که شما فرمودید.

1- . ابراهیم / 37
2- . روضه کافی : 311 و 312

1. الخصال: صقر بن ابی دلف کرخی گفت: وقتی متوکل مولایمان امام هادی علیه السّلام را تبعید نمود، من رفتم تا از حال آن جناب اطلاع حاصل کنم. به زندان رفتم. زراقی زندانبان وقتی چشمش به من افتاد، دستور داد مرا پیش او ببرند. وقتی رفتم گفت: صقر چکار داشتی؟ گفتم خیر است ای استاد! گفت بنشین.

وحشت مرا فراگرفت، با خود گفتم با آمدن به اینجا مرتکب اشتباه شدم. مردم را متفرق نموده(1) و سپس به من گفت برای چه کار آمده ای؟ گفتم برای کار خیری. گفت شاید آمده ای از حال مولایت مطلع شوی؟ گفتم مولایم کیست؟ مولای من امیر المؤمنین است.

گفت ساکت باش! مولای تو بر حق است از من مترس، من هم بر مذهب تو هستم. گفتم الحمد للّه، پرسید مایلی او را ملاقات کنی؟ گفتم: آری. گفت صبر کن تا نگهبان از خدمتش خارج شود، من نشستم. مأمور که خارج شد به غلامی گفت دست صقر را بگیر و به آن اطاقی ببر که مرد علوی زندانی است و آنها را تنها بگذار.

مرد مرا به اطاقی برده و اشاره کرد، همین اطاق است. داخل شدم. چشمم به امام علیه السّلام افتاد که روی حصیری نشسته و جلوی آن جناب قبری کنده شده است. سلام کردم و جواب داد، سپس فرمود بنشین. فرمود: ای صقر، برای چه آمده ای؟ عرض کردم آمدهام از حال شما مطلع شوم. چشمم به قبر افتاد، گریه ام گرفت.

1- . به جای «وحی» در مصدر «وخی» آمده و شاید صحیح «أوجی» باشد به معنی این است که مردم را دور کرد.

امام علیه السّلام رو به من نموده فرمود: ناراحت نباش، نمیتوانند حالا به من آسیبی برسانند. گفتم الحمد للّه. آنگاه عرض کردم، حدیثی از پیامبر اکرم صلّی اللہ علیه و آله نقل شده که من معنی آن را نمیدانم. فرمود: چه حدیثی؟ گفتم: «لا تعادوا الایام فتعادیکم» با روزها دشمنی نورزید که به دشمنی با شما برمیخیزند.

فرمود: ایام و روزها تا آسمانها و زمین پایدار است ما هستیم؛ شنبه اسم پیامبر است، یک شنبه اشاره به امیر المؤمنین علیه السّلام، و دوشنبه حسن و حسین علیهما السّلام، سه شنبه علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد، و چهارشنبه موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و من هستیم، پنجشنبه فرزندم حسن بن علی، و جمعه پسر پسرم که تمام حق جویان بر او اجتماع خواهند نمود. او زمین را پر از عدل و داد میکند چنانچه پر از ظلم و جور شده، این ست معنی ایام. در دنیا با آنها دشمنی نورزید که در آخرت با شما دشمنی میکنند. فرمود: اینک وداع کن و خارج شو که اطمینان ندارم به تو گزندی نرسانند.

صدوق رضوان اللّه علیه مینویسد: ایام، ائمه علیهم السّلام نیستند ولی به نام روزها کنایه از ائمه علیهم السّلام آورده شده تا معنی آن را غیر از اهل حق درک نکنند، چنانچه در قرآن کریم کنایه به «التین و الزیتون * وَ طُورِ سِينِينَ * وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»(1) ، {سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و این شهر امن [و امان]} از پیامبر اکرم و علی و حسن و حسین علیهم السّلام آورده شده و همان طور که لفظ نعاج، بنا به روایتی که در داستان داود و دو شاکی که برای شکایت آمده بودند، زنان از کنایه است. و چنانچه سیر در ارض، کنایه از نظر در قرآن است.

از حضرت صادق علیه السّلام تفسیر این آیه سؤال شد: «أَ وَ لَمْ يَسِيرُوا فِى الْأَرْضِ»(2)

{آیا در زمین نگردیده اند} فرمود: یعنی آیا در قرآن نگاه نمی کنید و مثل اینکه از ازدواج در این آیه «وَ لكِنْ لا تُواعِدُوهُنَّ سِرًّا»(3)، {ولی با آنان قول و قرار پنهانی مگذارید} کنایه به سرّ شده، و چنانچه غذا خوردن را در مورد عیسی و

1- . تین / 1 - 3
2- . روم / 9، فاطر / 44، غافر / 21
3- . بقره / 235

مادرش در این آیه «کانا یَأْکُلانِ الطَّعامَ»(1) {هر دو غذا می خوردند.} کنایه از تغوط (مدفوع) آورده و معنی آن این است که این دو تغوط میکردند، و از پیامبر اکرم به نحل کنایه آورده شده: «وَ أَوْحی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ»(2)، {و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [=الهام غریزی] کرد.} و از این قبیل زیاد است.(3)

2. غیبه طوسی: جابر جعفی گفت: از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر آیه «إِنَّ عِدَّهَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فِی کِتابِ اللَّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ مِنْها أَرْبَعَهٌ حُرُمٌ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ فَلا تَظْلِمُوا فِیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ»(4)، {در حقیقت شماره ماه ها نزد خدا از روزی که آسمانها و زمین را آفریده، در کتاب [علم] خدا دوازده ماه است. از این [دوازده ماه] چهار ماه [ماه] حرام است. این است آیین استوار، پس در این [چهار ماه] بر خود ستم مکنید.}را پرسیدم.

امام علیه السّلام آهی سرد کشید و فرمود: جابر، اما سال، جد بزرگوارم پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله است. ماهها که دوازده ماه است، امیر المؤمنین و یکایک از امامان است تا به من منتهی می شود و بعد از من پسرم جعفر و پسرش موسی و پسرش علی و پسرش محمّد و پسرش علی و به پسرش حسن رسیده و از او به پسرش محمّد هادی و مهدی دوازده امام و حجت خدا بر خلق که امین وحی و علم خدایند. چهار ماه حرام که دین پایدارند، آن چهار نفری هستند که دارای یک نام میباشند: علی امیر المؤمنین و پدرم علی بن الحسین و علی بن موسی و علی بن محمّد؛ اقرار به اینها، دین پایدار است «فَلا تَظْلِمُوا فِیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ» یعنی معتقد به همه آنها شوید، هدایت می یابید.(5)

مناقب آل ابی طالب: همین روایت را نقل کرده است.

1- . مائده / 75
2- . نحل / 68
3- . الخصال 2 : 32 و 33
4- . توبه / 36
5- . غیبه طوسی : 104

3. در خبر دیگری، چهار ماه حرام را علی و حسن و حسین و قائم علیهم السّلام نام برده

است به دلیل آیه: «ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ»(1)

4. غیبه نعمانی: ابو حمزه ثمالی گفت: روزی خدمت حضرت امام باقر علیه السّلام بودم، وقتی اطرافیان متفرق شدند فرمود: یا ابا حمزه، از مقدرات محتوم و غیر قابل برگشت که خداوند آن را حتمی نموده، قیام قائم ما است. هر کس در این مطلب شک نماید خدا را در حال کفر و انکار او ملاقات خواهد کرد. سپس فرمود: پدر و مادرم فدایش باد که هم نام من و هم کنیه من است. هفتمین نفری است که بعد از من خواهد آمد، کسی که دنیا را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از ظلم و جور شده. ای ابو حمزه، هر کس او را درک کرد باید تسلیم او بشود چنانچه تسلیم محمد شده(2) و هر که تسلیم او نشود، خداوند بهشت را بر او حرام نموده و جایگاهش جهنم است. ستمگران بد جایگاهی خواهند داشت.

اینک به حمد و سپاس خدا آیه «إِنَّ عِدَّهَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فِی کِتابِ اللَّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ مِنْها أَرْبَعَهٌ حُرُمٌ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ فَلا تَظْلِمُوا فِیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ» را توضیح میدهم و روشن بیان می کنم برای کسی که خدا او را هدایت کرده است؛ ماهها عبارتند از: محرم، صفر، ربیع الأول تا آخر آن و چهار ماه حرام: رجب و ذی قعده و ذی حجه و محرم است. مسلم است که این ماهها نمیتواند دین قیم باشند چون یهود و نصاری و مجوس و سایر مردم از موافق و مخالف این ماه را میشناسند و نام آنها را میبرند، با اینکه چنین نیست و منظور ائمه طاهرین هستند که پایه های پایدار دین خدایند. ماههای حرام عبارتند از: امیر المؤمنین علی که خدا نامش را از نام خود جدا نموده (العلی) همان طور که نام حضرت رسول را نیز از یکی از نامهای خود جدا نمود (المحمود) و سه نفر از فرزندانش که نامهایشان مانند نام خود علی است: علی بن الحسین و علی بن موسی

1- . مناقب آل ابی طالب 1 : 244

2- . در نسخه خطی این گونه آمده است «چنانچه تسلیم محمد و علی شده، پس بهشت بر او واجب میشود» و در مصدر این گونه آمده است که

«هر کس او را درک کند و تسلیم او نشود، تسلیم محمد و علی نشده و خدا بهشت را بر او حرام کرده است».

و علی بن محمد. برای این نامهایی که از اسم خدا مشتق شده، به واسطه امیر المؤمنین علیه السّلام احترامی مخصوص لازم شد(1)

توضیح: ظاهرا از «اوضح» (توضیح می دهم) تا آخر، کلام نعمانی است که از اخبار آن را استخراج کرده است و احتمال دارد که تتمه روایت باشد.

5. غیبه نعمانی: داود بن کثیر رقی گفت: بر حضرت صادق علیه السّلام در مدینه وارد شدم. فرمود: چه باعث شده که مدتی است ترا ندیده ایم؟ گفتم کاری در کوفه داشتم. فرمود: در کوفه که بود؟ عرض کردم عمویت زید آنجا بود، او را دیدم که سوار بر اسبی است و قرآن بر گردن آویخته و با صدای بلند فریاد میزند: «سلونی قبل أن تفقدونی فبین جوانحی علم جم» از من بپرسید قبل از اینکه مرا نیابید، در این سینه من علم زیادی است، ناسخ و منسوخ و مثانی و قرآن عظیم را میدانم؛ من راهنمای بین شما و خدایم.

فرمود: داود، این طریقهها از میان رفته. سماعه بن مهران را صدا زده فرمود: ظرف خرما را بیاور؛ همین که سبد خرما را آورد یک دانه خرما برداشت، میل کرد و هسته آن را خارج نمود. بعد همان هسته را در زمین کاشت، شکافته شد و روئید و شکوفه و خوشه داد. با دست خود به یک قسمت از خوشه زد و آن را شکافت؛ از میان آن تکه پوستی سفید خارج نمود، آن را باز کرده و به من داد و فرمود: بخوان. دیدم دو سطر در آن نوشته است: اولی «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» سطر دوم «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فِي كِتابِ اللَّهِ، يَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ مِنْها أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذلِکَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»: «امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن حسین، محمّد بن علی، جعفر بن محمّد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمّد بن علی، علی بن محمّد، حسن بن علی، الخلف الحجه».

سپس فرمود: داود! میدانی چه وقت این جملات در این نوشته شده؟ عرض کردم خدا و پیامبر و شما بهتر میدانید. فرمود: دو هزار سال قبل از آفرینش آدم.(2)

1- . غیبه نعمانی : 41 و 42

2- . همان : 42

1. اصول کافی: عبد اللَّه بن عجلان از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَکُوا وَ لَمَّا یَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِینَ جاهَدُوا مِنْکُمْ وَ لَمْ یَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِینَ وَلِیجَةً»(1)، {آیا پنداشته اید که به خود واگذار می شوید و خداوند کسانی را که از میان شما جهاد کرده و غیر از خدا و فرستاده او و مؤمنان محرم اسراری نگرفته اند معلوم نمی دارد؟ } منظور از مؤمنین در آیه ائمه علیهم السّلام هستند؛ یعنی به جز آنها پشت و پناهی نگیرید.(2)

مناقب آل ابی طالب: از عبد الرحمان بن عجلان همین روایت را نقل کرده است.(3)

توضیح: ولیجه شخص یعنی پشتیبان و دوستان و رفقای نزدیک و کسانی که مورد اعتماد اویند، از غیر خویشاوندان.

بیضاوی: گفته است: خطاب «أَمْ حَسِبْتُمْ» به مؤمنین است، موقعی که از جنگ ناراحت بودند. بعضی گفته اند مربوط به منافقین می باشد و أم منقطعه است. معنی همزه آن توبیخ بر گمان است «وَ لَمَّا یَعْلَمِ اللَّهُ» یعنی مخلصین از شما را بیان نکرده است و آنها کسانی هستند که از میان دیگران، جهاد کردهاند و منظور از نفی علم،

1- . توبه / 16
2- . اصول کافی 1 : 415
3- . مناقب آل ابی طالب 3 : 523

نفی معلوم است برای مبالغه؛ زیرا برهانی است بر آن، چون تعلق علم به خدا مستلزم وقوع آن است و عبارت «وَ لَمْ یَتَّخِذُوا» عطف بر «جاهَدُوا» است. پایان کلام(1)

مولف: تأویل امام علیه السّلام با ظاهر آیه سازگارتر است زیرا مؤمنین را به پیامبر صلّی الله علیه و آله و خدا ضمیمه نموده. از این فهمیده می شود که ولیجه کسی است که عهده دار کار بزرگی از امور دین باشد و شایسته کمال در امور دین و لایق این مقام بزرگ جز ائمه علیهم السّلام نیستند.

2. اصول کافی: محمّد ضبعی گفت: نامه ای برای حضرت عسکری علیه السّلام نوشته، تقاضا کردم ولیجه را در این آیه: «وَ لَمْ یَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَ لا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِینَ وَلِیجَهً» توضیح دهد، ولی در دل با خود گفتم، منظور از مؤمنین در آیه چیست؟ این سؤال را در نامه ننوشته بودم.

جواب آمد: ولیجه کسی است که مقامش پائین تر از امام است. تو در دل چنین فکر کردی که مؤمنین در این آیه کیانند؛ آنها ائمه هستند که از طرف خدا امان می دهند و خداوند امان ایشان را امضا نموده است.(2)

3. اصول کافی: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: به جز خدا پشت و پناهی نگیرید که مؤمن نخواهید بود. هر نسبت و پیوند و خویشاوندی و پشت و پناه و بدعت و شبهه ای منقطع و نابود است؛ آنچنان که گرد و غبار بر روی سنگ سخت صاف، اگر بارانی تند بر آن ببارد، از بین میرود و نابود می شود، جز آنچه قرآن آن را ثابت نموده.(3)

توضیح: الصلد با فتحه و کسره، سخت صیقل داده شده و الجود با فتحه یعنی باران زیاد یا بارانی که بیش از آن نمی آید.

4. کنز الفوائد:(4) ابو العباس از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که مرد اعرابی خدمت پیامبر اکرم رسید و گفت با من بیعت بفرمایید.(5)

فرمود: بیعت کنم بر

1- . انوار التنزیل 1 : 492 و 493
2- . اصول کافی 1 : 508

3- . همان
4- . در نسخه خطی «تفسیر عیاشی» آمده است و صحیح همین است زیرا حدیث را در کنز الفوائد نیافتیم، ولی در تفسیر عیاشی موجود است.
5- . در مصدر «بایعنی یا رسول الله علی الإسلام» آمده است.

اینکه پدر خود را بکشی. آن مرد دست پیامبر را در دست گرفت و باز گفت با من بیعت کنید. فرمود: بیعت کنم که پدرت را بکشی. مرد در جواب گفت آری، بر اینکه پدرم را بکشم.

پیامبر اکرم فرمود: اینک نباید به جز خدا و پیامبر و مؤمنین پشت و پناهی بگیری. ما هرگز ترا امر نمی کنیم که پدر و مادرت را بکشی ولی دستور میدهیم آنها را احترام کنی.

المحاسن و تفسیر عیاشی: از داود بن فرقد از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(1)

5. تفسیر عیاشی: ابان گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم می فرمود: جوانان، از خدا بترسید. اطراف رؤسا جمع نشوید، آنها را رها کنید تا بی موقعیت شوند. دیگران را در مقابل خدا پشت و پناه نگیرید. به خدا قسم، به خدا قسم ما برای شما بهتر از آنها هستیم، در این موقع با دست به سینه خود اشاره نمود.(2)

6. تفسیر عیاشی: ابو الصباح کنانی گفت: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: ابو الصباح! بپرهیزید از پشت و پناه گرفتنها: «فان کل ولیجه دوننا فهی طاغوت او قال ند» هر پشت و پناهی جز ما طاغوت است، یا رقیب و مخالف خدا است.(3)

7. تفسیر عیاشی: جابر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ»(4)،

{اینان دانشمندان و راهبان خود را به جای خدا به الوهیت گرفتند.} نقل کرد که فرمود: به خدا سوگند به خاطر کشیشها و رهبانهای خود روزه نگرفتند و نماز نخواندند، بلکه آنها (رهبانها) چیزی را حلال کردند و اینها پیروی نمودند و چیزی را حرام نمودند و اینان قبول کردند.(5)

8. در خبر دیگر آمده است: از آنها در معصیت خدا اطاعت کردند.(6)

1- . المحاسن : 248، تفسیر عیاشی 2 : 83
2- . تفسیر عیاشی 2 : 83

3- . همان
4- . توبه / 31
5- . تفسیر عیاشی 2 : 83
6- . همان

9. تفسیر عیاشی: جابر از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که در باره آیه «اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» پرسیدم، فرمود: آنها را خدای خود قرار ندادند، بلکه هر حلالی را که آنها حلال کردند، ایشان پیروی نمودند و هر حرامی را که حرام نمودند ایشان قبول کردند و در برابر خدا، خدایان آنها شدند.(1)

10. ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که فرمود: آنها را به عبادت خود دعوت نکردند که اگر چنین دعوتی می کردند نمی پذیرفتند ولی چیزی را حلال و چیزی را حرام نمودند، ایشان (مردم) از راهی که توجه نداشتند، عبادت آنها را می کردند.(2)

11. تفسیر عیاشی: حزیفه نقل می کند که از آیه «اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» پرسیده شد، گفت: یعنی آنها را عبادت نمی کردند و هر چه را برایشان حلال می کردند، حلال می شمردند و هر چه را که حرام می کردند، حرام می شمردند.(3)

12. تفسیر قمی: ابو الجارود از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً» نقل می کند که فرمود: یعنی به مومنین آل محمد. ولیجه یعنی بطانه (ولی)(4)

توضیح: مرحوم طبرسی می نویسد: ولیجه شخص کسی است که در امور داخلی او دخالت دارد؛ بعد می گوید، یعنی بطانه و ولی که آنها را دوست دارند و اسرار خود را به ایشان میسپارند.(5)

1- . همان، در مصدر این گونه آمده است: «هر حرامی را که آنها حلال کردند، ایشان پیروی نمودند و هر حلالی را که حرام نمودند، ایشان قبول کردند.»
2- . همان 2 : 87، در مصدر این گونه آمده است: «حرام را حلال کردند و حلال را حرام.»
3- . همان
4- . تفسیر قمی : 259
5- . مجمع البیان 5 : 12

باب شصت و دوم : ائمه علیهم السّلام اهل اعراف هستند که خدا در قرآن فرموده داخل بهشت نمی شود مگر کسی که آنها را بشناسد و آنها او را بشناسند

1. تفسیر قمی: برید از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: (اعراف) یک تل و بلندی است بین بهشت و جهنم. (رجال) که در آیه است، ائمه علیهم السّلام هستند که با شیعیان خود در اعراف میایستند، در حالی که مؤمنین بدون حساب وارد بهشت شده اند ائمه علیهم السّلام به شیعیان گنهکار خود می گویند: نگاه کنید برادرانتان چگونه بدون حساب به بهشت سبقت گرفته اند. این است معنی آیه: «سَلامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوها وَ هُمْ يَطْمَعُونَ» {و بهشتیان را که هنوز وارد آن نشده و[لی] [بدان] امید دارند آواز می دهند که سلام بر شما.}

سپس به آنها میگویند: دشمنان خود را در آتش ببینید. این آیه همان معنی را می فرماید: «وَ إِذا صُرِفَتْ أَبْصارُهُمْ تِلْقاءَ أَصْحابِ النَّارِ قالُوا رَبَّنا لا تَجْعَلْنا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَ نادى أَصْحابُ الْأَعْرافِ رِجالاً يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيماهُمْ» فی النار «قالُوا ما أَغْنى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ» فی الدنیا «وَ ما كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ»(1) ، {و چون چشمانشان به سوی دوزخیان گردانیده شود می گویند: پروردگارا ما را در زمره گروه ستمکاران قرار مده، و اهل اعراف مردانی را که آنان را از سیمایشان می شناسند ندا می دهند [و] می گویند: جمعیت شما و آن [همه] گردنکشی که می کردید به حال شما سودی نداشت.}

1- . اعراف / 46 - 48

آنگاه به دشمنان خود در آتش می گویند: تماشا کنید! اینها برادران و شیعیان ما هستند که شما در دنیا قسم می خوردید از رحمت خدا محروم خواهند بود. آنگاه ائمه علیهم السّلام به شیعیان خود می گویند: «ادْخُلُوا الْجَنَّهَ لا خَوْفٌ عَلَیْکُمْ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ»(1) {[اینک] به بهشت درآیید، نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می شوید. }(2)

توضیح: بنا بر تفسیر امام علیه السّلام، مراد از «أَصْحابَ الْجَنَّهِ» شیعیانی هستند که به واسطه شفاعت ائمه علیهم السّلام به بهشت میروند و برای تسلی به آنها، بر ایشان سلام میگویند و به سلامتی از عذاب بشارت می دهند. معنی: «وَ هُمْ یَطْمَعُونَ» حال است از اصحاب، «ما أَغْنی عَنْکُمْ جَمْعُکُمْ» یعنی کثرت و زیادی شما نجاتتان نداد یا جمع کردن مال «وَ ما کُنْتُمْ تَسْتَکْبِرُونَ» و کبری که نسبت به حق و اهل حق می ورزیدید و فرمایش امام که میفرماید: «هؤلاء شیعتی» اینها شیعیان ما هستند، تفسیر این آیه است: «أَ هؤُلاءِ الَّذِینَ أَقْسَمْتُمْ لا یَنالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَهٍ ادْخُلُوا الْجَنَّهَ»(3)، {آیا اینان همان کسان نبودند که سوگند یاد می کردید که خدا آنان را به رحمتی نخواهد رسانید، [اینک] به بهشت درآیید. }

بیضاوی مینویسد: رو به بهشتیان میکنند و به آنها می گویند: داخل بهشت شوید.(4)

مولف: این موافق تفسیر امام است و ظاهراً منظور از شیعیان، پیروان گنهکارند و لفظ هؤلاء اشاره به آنها است، این سخن تکذیب و رد بر قسم دشمنان است. این آشکارترین وجهی است که در باره آیه ذکر شده.

2. الاحتجاج: اصبغ بن نباته گفت: خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام نشسته بودم که ابن کوّاء وارد شد. عرض کرد یا امیر المؤمنین، معنی این آیه چیست: «وَ لَیْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقی وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ

1- . همان / 49
2- . تفسیر قمی : 216 و 217
3- . اعراف / 49
4- . انوار التنزیل 1 : 424

أَبْوابِها»(1)، {و نیکی آن نیست که از پشت خانه ها درآیید بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند و به خانه ها از در [ورودی] آنها درآیید.} فرمود: ما همان خانه هایی هستیم که خداوند دستور داده از درب آن وارد شوید. ما باب اللّٰه و بیوت خداییم که از اینجا باید به سوی او رفت. هر کس با ما بیعت کند و اقرار به ولایت ما نماید، از درب خانه وارد شده و هر که مخالف ما باشد و دیگری را بر ما مقدم دارد، از پشت وارد خانه شده است. گفت، یا امیر المؤمنین، معنی این آیه چیست: «وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسِیماهُمْ»(2)، {و بر اعراف مردانی هستند که هر یک [از آن دو دسته] را از سیمایشان می شناسند.} فرمود: ما اعراف هستیم و یاران خود را از چهره آنها میشناسیم.

ما اعراف هستیم و عرفان به خدا حاصل نمیشود مگر از راه معرفت ما و ما اعراف هستیم در روز قیامت بین بهشت و جهنم. داخل بهشت نمی شود مگر کسی که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم، و داخل جهنم نمیشود مگر کسی که منکر ما و ما منکر او باشیم؛ و جریان چنین است که اگر خدا بخواهد، میتواند خود را به مردم معرفی کند تا او را بشناسند و به در خانهاش بیایند، ولی ما را ابواب و راه و گذرگاه به در خانه خود قرار داده که از آن درب و گذرگاه باید بیایند. هر کس از ولایت ما اعراض کند و دیگری را بر ما مقدم دارد، آنهایند: «عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ»(3) ، {از راه [درست] سخت منحرفند.}(4)

3. منتخب البصائر، بصائر الدرجات: از ابن نباته نقل می کند که گفت: خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام نشسته بودم که مردی وارد شد. عرض کرد یا امیر المؤمنین، معنی این آیه چیست: «وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ» تا و بابه الذی یؤتی منه.(5)

1- . بقره / 189
2- . اعراف / 46
3- . مؤمنون / 74
4- . الاحتجاج : 121
5- . مختصر بصائر الدرجات : 52 و 53، بصائر الدرجات : 143

4. تفسیر فرات: از ابن نباته همین خبر را ذکر کرده تا «عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ» آنگاه اضافه مینماید که امیر المؤمنین فرمود: برابر نیست آنچه که متسمکان به آن تمسک جسته اند، و برابر نیست آنچه مردم به آن چنگ زده اند، و برابر نیست راهی که مردم رفته اند، و مردم آلوده به چشمه ای کدر و تیره پناه بردند که درهم آمیخته است؛ اما کسانی که رو به ما آوردند، رو به چشمه ای صاف آورده اند که آب گوارایی برای آنها میجوشد، بی آنکه تمام شود و پایان پذیرد، به اذن خدا.(1)

5. منتخب البصائر، بصائر الدرجات: هلقام از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند در باره آیه: «وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسِیماهُمْ» فرمود ما همان مردانیم، ائمه از ما خانواده میشناسند چه کسی داخل آتش می شود و چه کسی داخل بهشت؛ چنانچه شما میان قبیله میشناسید کدام شخص خوب و کدام بد است.(2)

6. منتخب البصائر، بصائر الدرجات: اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسِیماهُمْ» فرمود: ائمه علیهم السّلام هستند.(3)

7. بصائر الدرجات: هلقام میگوید: از امام باقر علیه السّلام معنی آیه «وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسِیماهُمْ» را پرسیدم که منظور از «عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ» چیست؟

فرمود: شما مگر یک مرد وارد(خبره) در قبائل خود ندارید که اشخاص خوب یا بد را میشناسد؟ گفتم چرا. فرمود: ما همان مردانی هستیم که از چهره اشخاص را میشناسیم.(4)

8. منتخب البصائر، بصائر الدرجات: سعد بن طریف از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که من از این آیه «وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسِیماهُمْ» پرسیدم، فرمود: ای سعد! اعراف آل محمّدند که داخل بهشت نمیشود مگر کسی که

1- . تفسیر فرات : 45 و 46
2- . مختصر بصائر الدرجات : 52، بصائر الدرجات : 146

3- . همان
4- . بصائر الدرجات : 146

آنها را بشناسد و آنها او را بشناسند، و داخل جهنم نمیگردد مگر کسی که منکر آنها باشند و آنها او را انکار کنند. اعراف آنهایند که خدا، مگر به واسطه معرفت ایشان، شناخته نمیشود.(1)

9. بصائر الدرجات: نصر عطار گفت: پیامبر اکرم به علی علیه السّلام فرمود: قسم یاد میکنم که سه چیز واقعیت دارد: تو و اوصیاء عرفایی هستید که خدا شناخته نمیشود مگر از راه معرفت شما، و داخل بهشت نمیشود مگر کسی که شما را بشناسد و شما او را بشناسید، و داخل آتش نمیگردد مگر کسی که منکر شما باشد و شما منکر او.(2)

10. بصائر الدرجات: ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه «عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ» پرسیدم، فرمود: ما اصحاب اعرافیم، کسی که ما را بشناسد از ماست و هر که از ما باشد داخل در بهشت می شود و هر کس را انکار کنیم، در جهنم است.(3)

11. بصائر الدرجات: سعد گفت: از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه «عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ» پرسیدم، فرمود: ای سعد! منظور ائمه از آل محمد هستند.(4)

12. بصائر الدرجات: اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(5)

بصائر الدرجات: عباد بن سلیمان از سعد همین روایت را نقل کرده است.(6)

13. بصائر الدرجات: جابر نقل کرد که از حضرت باقر علیه السّلام پرسیدم، اعراف کیانند؟ فرمود: گرامی ترین مردم در نزد خدا.(7)

1- . مختصر بصائر الدرجات : 52، بصائر الدرجات : 146
2- . بصائر الدرجات : 147
3- . همان
4- . همان
5- . همان

6- . همان
7- . همان

14. کتاب المقتضب نوشته احمد بن محمد بن عیاش: از ابان بن عمر داماد آل میثم نقل میکند که گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم که سفیان بن مصعب عبدی وارد شد. عرض کرد فدایت شوم، چه میفرمایید در باره آیه: «وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ» تا آخر آیه. فرمود: آنها اوصیاء از آل محمّد، ائمه دوازده گانه هستند. عرفان به خدا ندارد مگر کسی که آنها را بشناسد و آنها او را بشناسند. عرض کرد، فدایت شوم، پس اعراف چیست؟ فرمود: تلهایی از مشک است که پیامبر و اوصیاء بر آنها هستند، همه را از چهره شان میشناسند. سفیان گفت، در این مورد چیزی نمیگویم. یک قسمت از قصیده که سرود این بود:

ای منزلگاه خاندان نبوت، آیا من نیز میتوانم از شما بهره مند شوم و آیا در شبهای تار مرا پناه میدهید؟ شما فرمانروای روز قیامت و جزا هستید و در هول و هراس قیامت پناه گاهید. شما بر اعراف که تلهایی از مشک است و بوی آن ساطع است هستید؛ هشت نفر که حامل علم خدا و بعد از آنها نیز چهار نفر در زمین، هدایت کننده اید.

توضیح: الربع یعنی خانه و محله و منزل و مکانی که در بهار در آن منزل می کنند، مثل منزلگاه. و الریا یعنی بوی خشک.

15. منتخب البصائر، بصائر الدرجات: اصبغ بن نباته از سلمان فارسی نقل می کند که گفت: به خدا سوگند، شنیدم از پیامبر صلّی الله علیه و آله که به علی علیه السّلام می فرمود: تو و اوصیاء بعد از من یا بعد از تو، اعراف هستید که خدا به سبب معرفت شما شناخته می شود، و داخل در بهشت نمی شود مگر کسی که شما را بشناسد و شما او را بشناسید، و داخل جهنم نمیگردد مگر کسی که منکر شما باشد یا شما او را انکار کنید.(1)

16. منتخب البصائر، بصائر الدرجات: مقرن گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم فرمود: ابن کواء خدمت امیر المؤمنین آمد و گفت ای امیر المؤمنین، منظور از آیه «وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ» چیست؟ فرمود: ما اعرافیم که یارانمان را از صورتشان می شناسیم، و ما اعراف هستیم که عرفان به خدا حاصل

1- . مختصر بصائر الدرجات : 54، بصائر الدرجات : 146

نمیشود مگر از راه معرفت ما، و ما اعراف هستیم که خدا در روز قیامت ما را در صراط معرفی می کند و داخل بهشت نمیشود مگر کسی که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم، و داخل جهنم نمیشود مگر کسی که منکر ما و ما منکر او باشیم؛ و همانا اگر خدا بخواهد، میتواند خود را به مردم معرفی کند تا او را بشناسند ولی ما را ابواب و راه و گذرگاه و وجهی قرار داده که (مردم) باید از آن (راه) بیایند. هر کس از ولایت ما اعراض کند یا دیگری را بر ما مقدم دارد، «عَنِ الصِّراطِ لَناكِبُونَ» هستند، و برابر نیست کسی که مردم به او چنگ زدهاند، و برابر نیست کسی که راهی را برود که مردم رفته اند، و مردم آلوده به چشمه های کدر و تیره پناه آوردند که درهم آمیخته است؛ اما کسانی که رو به ما آوردند، رو به چشمه ای صاف آورده اند که آب گوارایی برای آنها میجوشد بی آنکه تمام شود و پایان پذیرد، به اذن خدا.(1)

توضیح: عبارت «و برابر نیست کسی که مردم به او چنگ زدهاند» یعنی ما و منظور از ناس (مردم) مخالفان یا تمام مردم هستند؛ یعنی کسانی که مردم به آنها چنگ می زنند مساوی نیستند. سپس امام علیه السّلام علت عدم برابری آنها را این گونه بیان می کند که مردم به سوی چشمه های کدر و تیره، به شک و شبههها و جهلها روی آوردند. «یفرغ» یعنی بعضی در بعضی دیگر می ریزد که کنایه از این است که هر کدام از آنها در آنچه که نمی داند به دیگری رجوع می کند و در میان ایشان کسی نیست که بی نیاز از دیگری بوده و علم کامل داشته باشد.

17. تفسیر فرات: ابن عباس گفت: علی علیه السّلام دارای اسمهایی است از کتاب خدا که مردم نمیدانند. گفتیم کدام اسمها؟ گفت، خدا او را در قرآن مؤذن و اذان نامیده. در آیه «فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»(2)، {پس

آوازدهنده ای میان آنان آواز درمی دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد.} مؤذن در این آیه علی است. میگوید، لعنت خدا بر کسانی که ولایت مرا تکذیب کردند و حق مرا سبک شمردند.(3)

1- . مختصر بصائر الدرجات : 55، بصائر الدرجات : 146
2- . اعراف / 44

3- . تفسير فرات : 45

18. تفسیر فرات: حبه عرنی گفت: ابن کوّاء خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام آمده گفت، دو آیه در قرآن مرا عاجز نموده و در دین مشکوکم کرده. پرسید، کدام آیه ها؟ گفت: «وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسِیماهُمْ». پرسید: تاکنون معنی این آیه را نفهمیده ای؟ عرض کرد نه. فرمود: اعراف ما هستیم. کسی که ما را بشناسد، داخل بهشت می شود و کسی که منکر ما باشد، داخل جهنم میگردد.

گفت، این آیه دیگر «وَ الطَّیْرُ صَافَّاتٍ کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبِیحَهُ»(1)، {و پرندگان [نیز] در حالی که در آسمان پر گشوده اند [تسبیح او می گویند] همه ستایش و نیایش خود را می دانند.}

فرمود: معنی این آیه را نیز تا کنون نفهمیده ای؟ گفت نه.

فرمود: خداوند ملائکه را به صورت های مختلفی آفریده است. بعضی را به صورت شیر و بعضی به صورت عقاب(2). خدا را فرشته ای است به صورت خروس که پنجههای او در زیر زمین هفتم سفلی است و تاج او در دو طرف زیر عرش است. نیمی از خروس از آتش و نیم دیگر از یخ است. آنچه از آتش است موجب آب شدن یخ نمیگردد و نه یخ آتش را خاموش میکند. در هر سحرگاه با دو بال خود پر میزند و فریاد میکشد، «سبوح قدوس رب الملائکه و الروح محمّد خیر البشر و علی خیر الوصیین» {بسیار منزه است، منزه از هر عیب و نقص، پروردگار ملائکه و روح. محمّد بهترین افراد بشر و علی بهترین اوصیاء است.} پس از آن خروس به صدا در می آید.(3)

19. تفسیر فرات: حسین بن سعید: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: احدی در تورات و انجیل و زبور نیست مگر اینکه اسم او و پدرش در نزد ما است و در تورات نوشته است: أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَی الظَّالِمِینَ.(4)

1- . نور / 41

2- . در مصدر «به شکل اسب» آمده است.

3- . تفسیر فرات : 46

4- . همان

20. تفسیر فرات: ابن عباس در آیه: «وَ عَلَی الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسِیماهُمْ» گفت: پیامبر اکرم و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم هستند که در فاصله بین بهشت و جهنم قرار دارند و دوستان خود را از چهره های درخشان آنها میشناسند و دشمنان را از چهره های سیاه آنان.(1)

21. کنز الفوائد: شیخ طوسی با اسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که راجع به این آیه از ایشان سؤال شد: «بَیْنَهُما حِجابٌ»(2)، {و میان آن دو [گروه] حایلی است.} فرمود: فاصله ای که بین بهشت و جهنم است و حضرت محمّد و علی و حسن و حسین و فاطمه و خدیجه علیهم السلام در آنجایند و فریاد میزنند: کجایند محبین ما، کجایند شیعیان ما؟

و دوستان و شیعیان به سوی ایشان رو می آورند و آنها را به نام و نام پدرانشان میشناسند. این است تفسیر آیه «یَعْرِفُونَ کُلًّا بِسِیماهُمْ». (سپس) دست آنها را میگیرند و از صراط رد میکنند و داخل بهشت میشوند.(3)

22. نهج البلاغه: امیر المؤمنین علیه السّلام میفرماید: ائمه پایه های استوار دین خدایند بر خلق و عرفاء بر مردمند. داخل بهشت نمیشود مگر کسی که آنها را بشناسد و آنها او را بشناسند، و داخل جهنم نمیگردد مگر کسی که منکر ائمه باشد و ائمه منکر او باشند.(4)

دنباله بخش و تفصیل: اخبار این بخش در بخش سؤال قبر گذشت و بیشتر این اخبار در بخش اعراف از معاد گذشت و در آنجا مقداری توضیح دادیم. خلاصه آن گفتار چنین است که مفسرین در مورد اعراف و اصحاب آن نظرهای مختلفی دارند. در باره اعراف دو قول است: اولی، یک دیوار یا یک بلندی است یا راهی است بین بهشت و جهنم و دومی، مردانی برای شناختن اهل بهشت و جهنم هستند.

1- . همان : 47
2- . اعراف / 46
3- . کنز الفوائد : 89
4- . نهج البلاغه 1 : 275 و 276

از اخبار گذشته هر دو معنی فهمیده میشد. از بعض اخبار چنین درک می شود که اعراف جمع عریف است، مانند شریف که جمع آن اشراف است.

پس تقدیر چنین است که مردانی بر روش و طریق اعراف هستند، یا بر اعراف مردانی هستند. آنها که قائل به معنی اول هستند، اختلاف دارند که چه کسانی بر اعرافند؟ بعضی میگویند، اشراف از اهل طاعت و ثوابند. بعضی نیز گفته اند، آنها گروهی هستند که در درجه پائین اهل ثواب قرار گرفته اند. کسانی که قول اول را پذیرفته اند میگویند، آنها ملائکه هستند که اهل جهنم و بهشت را میشناسند، و بعضی قائلند که انبیاء هستند که خداوند آنها را بر بالای این دیوار قرار داده تا در میان اهل محشر مشخص باشند، و بعضی میگویند شهداء هستند.

در قائلین به معنی دوم، بعضی میگویند، گروهی هستند که حسنات و سیئات آنها مساوی است. و بعضی میگویند، گروهی هستند که بدون اجازه امام به جنگ رفته اند. و بعضی میگویند، مسکین های اهل بهشتند. و بعضی میگویند، فساق نماز خوانند.

مولف: از اخبار گذشته متوجه شدی که جمع بین هر دو قول می شود. ائمه علیهم السّلام بر اعراف هستند تا شیعیان را از مخالفین تمیز دهند و برای گنه کاران از دوستان خود شفاعت کنند و گروهی از گنه کاران نیز در آنجایند تا اینکه برای آنها شفاعت شود.

ص: 293

باب شصت و سوم : آیاتی که دلالت بر مقام ائمه علیهم السّلام و نجات شیعیان در آخرت و سؤال از ولایت ایشان دارد

1. مناقب آل ابی طالب: از حضرت کاظم علیه السّلام در باره آیه: «إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ»(1) ، {مگر کسی که [خدای] رحمان به او رخصت دهد. } تا آخر آیه نقل شده که فرمود: به خدا سوگند ما هستیم که روز قیامت اجازه داریم و سخن گویانی هستیم که واقعیت را میگوییم.(2)

2. عبد اللّٰه بن خلیل از علی علیه السّلام نقل میکند که آیه «وَ نَزَعْنا ما فِی صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ»(3) ، {و هر گونه کینه ای را از سینه هایشان می زداییم } تا آخر آیه در باره ما نازل شده.(4)

3. زید شحام گفت: حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «إِنَّ یَوْمَ الْفَصْلِ مِیقاتُهُمْ أَجْمَعِینَ * یَوْمَ لا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئاً وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللّٰهُ»(5) {در حقیقت موعد همه آنها روز جدا سازی است، همان روزی که هیچ دوستی از هیچ دوستی نمی تواند حمایتی کند و آنان یاری نمی شوند، مگر کسی را که

1- . نبأ / 38
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 404
3- . اعراف / 43 و حجر / 47
4- . مناقب آل ابی طالب 3 : 443
5- . دخان / 40 - 42

خدا رحمت کرده است.} فرمود: شیعیان ما مورد رحمت خدایند و به خدا سوگند، ما هستیم که در این آیه استثناء شده ایم، ولی ما از ایشان حمایت میکنیم.(1)

4. کنز الفوائد: عیسی بن داود از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام نقل کرد که فرمود: از پدرم شنیدم که مردی از آن جناب معنی این آیه را پرسید: «يَوْمَئِذٍ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلاً»(2)

، {در آن روز شفاعت [به کسی] سود نبخشد مگر کسی را که [خدای] رحمان اجازه دهد و سخنش او را پسند آید.} فرمود: روز قیامت به شفاعت آل محمّد نمیرسد، مگر کسی که به او اجازه داده اند به فرمانبرداری آل محمّد و از نظر گفتار و کردار در راه آنها پسندیده باشد و بر مودت آنها زندگی کند و بر همان طریق بمیرد. خدا از کردار و گفتار آنها راضی باشد. سپس فرمود: «وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً»(3) لآل محمّد {و چهره ها برای آن [خدای] زنده پاینده خضوع می کنند و آن کس که ظلمی بر دوش دارد نومید می ماند} چنین نازل شده(4)

که هر کس به آل محمّد ستم روا دارد، نا امید می شود. سپس فرمود: «وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلا يَخافُ ظُلْماً وَ لا هَضْماً»(5)

، {و هر کس کارهای شایسته کند در حالی که مؤمن باشد، نه از ستمی می هراسد و نه از کاسته شدن [حقش]} فرمود: مؤمن به محبت آل محمّد باشد و دشمن با دشمنانشان.(6)

5. با همین اسناد از پدر بزرگوارش از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که از پدرم پرسیدم: «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوازِينُهُ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(7)،

{پس کسانی که کفه میزان [اعمال] آنان سنگین باشد ایشان رستگارانند.} فرمود: در باره ما نازل

1- . مناقب آل ابی طالب 3 : 504

2- . طه / 109

3- . همان / 111
4- . این و امثال این، تطبیق مصادیق است و تفسیر آن به مصداق آشکار است و مراد این نیست که آیه به این الفاظ نازل شده است.
5- . طه / 112
6- . کنز الفوائد : 159 و 160
7- . مؤمنون / 102

شده؛ سپس فرمود: آیه «أَ لَمْ تَکُنْ آیاتِی تُتْلی عَلَیْکُمْ» در باره علی علیه السّلام است: «فَکُنْتُمْ بِها تُکَذِّبُونَ» (1) {آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد و [همواره] آن را مورد تکذیب قرار نمی دادید؟} (2)

6. کنز الفوائد: عیسی بن عبد الله از پدرش از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که فرمود: این آیه در باره ما و شیعیان ما نازل شده، زیرا خداوند ما و شیعیانمان را فضیلت بخشیده که ما شفاعت می کنیم و آنها نیز شفاعت میکنند؛ وقتی مخالفین ما این جریان را مشاهده میکنند، میگویند: «فَما لَنا مِنْ شافِعِینَ * وَ لا صَدِیقٍ حَمِیمٍ» (3) ، {در نتیجه شفاعتگرانی نداریم و نه دوستی نزدیک. } (4)

7. کنز الفوائد: سلیمان بن خالد گفت: از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «فَما لَنا مِنْ شافِعِینَ * وَ لا صَدِیقٍ حَمِیمٍ» پرسیدم، فرمود: منظور از صدیق معرفت است و حمیم خویشاوند؛ یعنی وقتی مخالفین می بینند که شفاعت کنندگان در باره گنهکاران شفاعت میکنند: آنها میگویند، ما را شافعی نیست و نه آشنا و خویشاوندی. (5)

8. کنز الفوائد: ثمالی از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که خداوند عذر و بهانه کسی را نمی پذیرد که میگوید، خدایا من نمیدانستم فرمانروا و پیشوا اولاد فاطمه هستند، یا اینکه این آیه فقط در باره این خاندان نازل شده است: «یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ» (6) ، {ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید، از رحمت خدا نومید مشوید؛ در حقیقت خدا همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است. } (7)

1- . همان / 105
2- . کنز الفوائد : 182
3- . شعراء / 100 و 101
4- . کنز الفوائد : 200
5- . همان
6- . زمر / 53
7- . کنز الفوائد : 272

9. کنز الفوائد: سلیمان دیلمی گفت: حضرت صادق علیه السّلام به ابو بصیر فرمود: خداوند در قرآن شما را یاد نموده زیرا حکایت از سخن دشمنانتان که در آتشند می کند: «وَ قالُوا ما لَنا لا نَری رِجالاً کُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرارِ»(1) ، {و می گویند، ما را چه شده است که مردانی را که ما آنان را از [زمره] اشرار می شمردیم نمی بینیم.} به خدا قسم در این آیه جز شما را در نظر نگرفته زیرا در دنیا شکیبایی و تحمل کردید بر شرار و بدترین مردم، با اینکه بهترین مردم بودید. به خدا سوگند، دشمنان شما را در آتش جستجو می کنند با اینکه به خدا سوگند شما در بهشت مشمول نعمت های خدایید.(2)

10. شیخ در امالی نقل می کند که سماعه بن مهران به خدمت حضرت صادق علیه السّلام رسید. امام علیه السّلام از او پرسید: بدترین مردم در نظر مردم کیست؟ عرض کرد ما هستیم. چنان خشم بر امام علیه السّلام مستولی گشت که گونه هایش قرمز شد، سپس راست نشست (قبلاً تکیه کرده بود) و باز پرسید: سماعه! بدترین مردم در نظر مردم کیست؟ گفت: به خدا به شما دروغ نگفتم. ما بدترین مردم در نظر مردم هستیم، زیرا آنها ما را به نام کفار و رافضه می نامند.

امام علیه السّلام به من نگاه کرده فرمود: خواهید دید چگونه شما را به طرف بهشت و آنها را به طرف جهنم می برند. به شما نگاه می کنند و می گویند: «ما لَنا لا نَری رِجالاً کُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرارِ» و فرمود: سماعه، هر کدام از شما خطایی انجام دهد، با پای خود به پیشگاه پروردگار میرویم و در باره او شفاعت می کنیم و شفاعت ما پذیرفته می شود.

به خدا قسم، از شما ده نفر(3) داخل آتش نمیشود. به خدا قسم، از شما سه نفر وارد آتش نمی شود. به خدا سوگند، از شما یک نفر وارد آتش نمی شود. اینک

1- . ص / 62
2- . کنز الفوائد : 266
3- . در مصدر بعد از این عبارت آمده است: «به خدا قسم، از شما پنج نفر وارد آتش نمی شود ».

کوشش کنید در به دست آوردن درجات عالی و با ورع و پرهیزگاری، دشمنان خود را گرفتار غم و اندوه نمایید.(1)

توضیح: الکمد یعنی تغییر رنگ و حزن شدید که مرض قلبی حاصل آن است. در قاموس گفته شده است «کمد» مثل «فرح» و «أکمده فهو مکمود».

مرحوم طبرسی در مورد آیه: «وَ قالُوا ما لَنا لا نَری رِجالاً کُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرارِ» مینویسد: این حرف را موقعی می گویند که مخالفین خود (مؤمنین) را در آتش نمی یابند. گفته اند آیه در باره ابو جهل و ولید بن مغیره و دوستان آنها است که می گویند، چطور شده که عمار و خباب و صهیب و بلال را در آتش نمی بینیم.

11. عیاشی به اسناد خود از جابر از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که اهل آتش می گویند: «ما لَنا لا نَری رِجالاً کُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرارِ» منظورشان شما هستید و شما را در آتش نمی بینند. به خدا سوگند یک نفر از شما را در آتش نخواهند دید.(2)

12. کنز الفوائد: سلیمان دیلمی از پدرش از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که به ابو بصیر فرمود: خداوند در قرآن کریم شما را یادآوری کرده زیرا میفرماید: «یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ». به خدا قسم جز شما را اراده نکرده یا ابا محمّد! آیا ترا مسرور نمودم؟ عرض کرد: آری.(3)

13. کنز الفوائد: ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که در باره آیه «لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً» فرمود: خدا تمام گناهان شما را میبخشد! عرض کردم، ما این گونه نمیخوانیم. فرمود: ای ابا محمد! اگر همه گناهان را میبخشد، پس عذاب برای چه کسی است؟ به خدا سوگند از بندگانش

1- . کنز الفوائد : 266
2- . مجمع البیان 8 : 484

3- . كنز الفوائد : 272

غیر از ما و شیعیانمان را اراده نکرده، و این گونه نازل شده است: إنَّ الله یغفِرُ لکُم الذُّنوبَ جمیعاً.(1)

14. کنز الفوائد: اصحاب ما با اسناد خود از امیر المؤمنین علیه السّلام نقل می کنند که فرمود: پیامبر این آیه را خواند: «لا یَسْتَوِی أَصْحابُ النَّارِ وَ أَصْحابُ الْجَنَّهِ»،(2) {دوزخیان با بهشتیان یکسان نیستند.} و فرمود: اصحاب بهشت کسانی هستند که از من اطاعت کنند و بعد از من تسلیم علی بن ابی طالب باشند و اقرار به ولایتش کنند. و اصحاب جهنم کسانی هستند که ولایت او را انکار کرده و بعد از من عهد را بشکنند.(3)

15. شیخ طوسی در امالی از مجروح بن زید که با وفدی از قومش بود، نقل میکند که پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله این آیه را تلاوت نمود: «لا یَسْتَوِی أَصْحابُ النَّارِ وَ أَصْحابُ الْجَنَّهِ». گفتیم ای رسول خدا! اصحاب بهشت چه کسانی هستند؟ فرمود: بهشتیان کسانی هستند که از من اطاعت کنند و بعد از من تسلیم علی بن ابی طالب باشند، و دست علی علیه السّلام را که در کنارش بود گرفت و بلند نمود و فرمود: علی از من و من از علی هستم، هر که با او مخالفت کند با من مخالفت کرده و هر که با من مخالفت کند خدا را به خشم آورده. سپس فرمود: یا علی! جنگ با تو جنگ با من و سازش با تو سازش با من است و تو راهنمای بین من و امت منی.(4)

16. کنز الفوائد: هاشم بن صیداوی گفت: حضرت صادق علیه السّلام به من فرمود: هاشم، پدرم که از من بهتر بود، برایم از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود: بر هیچ یک از فقرای شیعه ما تبعه نیست؟ عرض کردم فدایت شوم، تبعه چه معنی دارد؟ فرمود: سختی گزاردن پنجاه و یک رکعت نماز و روزه سه روز در ماه. روز قیامت که می شود، (اینان) از قبرهای خود با صورتی درخشان چون ماه شب چهارده خارج

1- . همان

2- . حشر / 20

3- . کنز الفوائد : 395 نسخه رضویه

4- . همان

میشوند. به آنها میگویند، بخواه تا به تو عطا شود. میگوید، از خدا درخواست دارم که برایم میسر فرماید به صورت حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله نگاه کنم.

خداوند به بهشتیان اجازه می دهد به زیارت حضرت محمّد بروند. در این هنگام برای پیامبر اکرم بر روی فرشی از فرشهای بهشت منبری می گذارند، دارای هزار پله که بین هر پله تا پله دیگر به اندازه یک دویدن اسب است. حضرت محمّد و امیر المؤمنین علیهما السّلام بر منبر بالا میروند. اطراف منبر را شیعیان آل محمّد می گیرند، خداوند به آنها توجه میفرماید. این است معنی آیه: «وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ ناضِرَةٌ * إِلى رَبِّها ناظِرَةٌ»(1)، {آری در آن روز صورتهایی شاداب و مسرور است و به پروردگارش می نگرد.} بعد به هر کدام از آنها آنقدر نور می بخشد که حوریه نمی تواند دقیق آنها را تماشا کند. بعد فرمود: هاشم، برای چنین مقام و موقعیتی باید عمل کنندگان عمل کنند.(2)

توضیح: درنوک نوعی فرش کرک دار است.

17. کنز الفوائد: معاویه بن وهب گفت: از حضرت صادق علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم: «إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ قالَ صَواباً». فرمود: به خدا قسم ما هستیم که در روز قیامت اجازه سخن داریم و سخن درست میگوییم. عرض کردم چه میگویید؟ فرمود: خدا را ستایش میکنیم و بر پیامبر اکرم درود میفرستیم و در باره شیعیان شفاعت میکنیم، پس خدای عزیز شفاعت ما را می پذیرد.

از امام کاظم علیه السّلام همین روایت نقل شده است و علی بن ابراهیم نیز آن را نقل کرده است.(3)

18. کنز الفوائد: ابو خالد قماط از حضرت صادق علیه السّلام از پدر بزرگوارش نقل کرد که فرمود: روز قیامت خداوند تمام مردم را از اولین و آخرین در یک زمین جمع میکند. در این هنگام لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ گفتن از همه مردم گسیخته می شود مگر کسی که اقرار به ولایت علی علیه السّلام داشته باشد.

1- . قيامت / 22 و 23
2- . كنز الفوائد : 359
3- . همان : 369

این آیه اشاره به همان است: «یَوْمَ یَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلائِکَهُ صَفًّا لا یَتَکَلَّمُونَ إِلّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ قالَ صَواباً»(1) ، {روزی که روح و فرشتگان به صف می ایستند و [مردم] سخن نگویند مگر کسی که [خدای] رحمان به او رخصت دهد و سخن راست گوید. }(2)

19. کنز الفوائد: سعید سمان نقل کرد از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «یَوْمَ یَنْظُرُ الْمَرْءُ ما قَدَّمَتْ یَداهُ وَ یَقُولُ الْکافِرُ یا لَیْتَنِی کُنْتُ تُراباً»(3)، {روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید، کاش من خاک بودم. } فرمود: یعنی کافر می گوید، ای کاش علوی بودم و ابو تراب را دوست میداشتم.

محمد بن خالد برقی از یحیی حلبی از هارون بن خارجه و خلف بن حماد از ابو بصیر همین روایت را نقل کردهاند.

20. در تفسیر باطن از اهل بیت خبر رسیده که مؤید همین معنی است در تأویل آیه: «أَمّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ یُرَدُّ إِلی رَبِّهِ فَیُعَذِّبُهُ عَذاباً نُکْراً»(4)، {اما هر که ستم ورزد عذابش خواهیم کرد سپس به سوی پروردگارش بازگردانیده می شود، آنگاه او را عذابی سخت خواهد کرد. } فرمود: او را به جانب علی بن ابی طالب برمیگردانند و آن جناب او را عذابی سخت می کند، به طوری که می گوید: «یا لَیْتَنِی کُنْتُ تُراباً» یعنی ای کاش از پیروان ابو تراب بودم.(5)

توضیح: ممکن است (این قسمت از) آیه که میفرماید: سپس او را به سوی رب برمیگردانند، یعنی به سوی کسی که خدا او را در روز قیامت برای رسیدگی به حساب خلایق قرار داده و این استعمال مجازی معمول است. و ممکن است تعبیر به رب در مورد امیر المؤمنین علیه السّلام از آن جهت باشد که خدا او را تربیت کننده

1- . نبأ / 38
2- . کنز الفوائد : 369
3- . نبأ / 40
4- . کهف / 87
5- . کنز الفوائد : 369

مردم در علم و کمالات قرار داده و آن جناب در دنیا و آخرت فرمانروا و حاکم بر آنها است.

21. کنز الفوائد: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: بازگشت نافع و مبارک در روز قیامت، ولایت من و پیروی از دستورات من است و ولایت علی و اوصیای بعد از او و پیروی امر آنها. خداوند به واسطه آن ایشان را با من و علی و اوصیای بعد از او داخل در بهشت می نماید. بازگشت زیان آلود، دشمنی با من و ترک دستورم و دشمنی با علی و اوصیای پس از او است. به واسطه همین کار، خداوند آنها را به پایین ترین جایگاه های جهنم می برد.(1)

22. کنز الفوائد: ابو حمزه ثمالی از حضرت باقر علیه السّلام از جابر بن عبد اللّه (رضی اللّه عنه) نقل کرد که پیامبر اکرم در آن بیماری که از دنیا رفت، به فاطمه فرمود: دخترم، پدر و مادرم فدایت، بفرست از پی شوهرت بیاید. حضرت فاطمه به امام حسن فرمود: از پی پدرت برو و بگو جدم شما را می خواهد. امام حسن علیه السّلام مأموریت را انجام داد.

امیر المؤمنین علیه السّلام خدمت پیامبر اکرم رسید، فاطمه نیز حضور داشت و از ناراحتی پدر خود اظهار ناراحتی می کرد. پیامبر اکرم فرمود: دخترم، پدرت از امروز به بعد ناراحتی نخواهد داشت.

فاطمه جان، گریبان برای پیامبر چاک نمی زنند و صورت نمی خراشند و وا ویلا نمی گویند، ولی همان حرفی که پدرت برای فوت ابراهیم گفت را بگو: اشک جاری می شود و دل می سوزد ولی چیزی نمی گویم که موجب خشم خدا گردد، ما بر فوت تو ای ابراهیم اندوهگین هستیم. اگر ابراهیم زنده میماند، شایسته نبوت بود.(2)

بعد فرمود: علی جان نزدیک بیا. آن جناب نزدیک شد. فرمود: گوش خود را نزدیک دهانم بیاور. این کار را کرد. فرمود: برادرم، این فرموده خدا را در کتابش

1- . همان : 370، این روایت تفسیر این آیه است: «قَالُوا تِلْکَ إِذًا کَرَّةٌ خَاسِرَةٌ» {[و با خود] گویند، در این صورت این برگشتی زیان آور است}.

2- . یعنی اگر مانع دیگری در کار نبود، صلاحیت برای پیامبری داشت. پس منافاتی با مسأله خاتمیت ندارد.

نشنیده ای: «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ»(1) ، {در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، آنانند که بهترین آفریدگانند.} عرض کرد چرا. فرمود: آنها تو و شیعیانت هستید. با چهره ای درخشان، سیر و سیراب می آیید. این آیه را نشنیده ای: «إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ الْمُشْرِکِینَ فِی نارِ جَهَنَّمَ خالِدِینَ فِیها أُولئِکَ هُمْ شَرُّ الْبَرِیَّهِ»(2)، {کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند [و] در آن همواره می مانند، اینانند که بدترین آفریدگانند.} گفت: چرا یا رسول اللّه.

فرمود: آنها دشمنان تو و دشمنان شیعیانت هستند. روز قیامت با چهره ای سیاه، گرسنه و تشنه، بدبخت و معذب می آیند؛ در حالی که کافر و منافقند. آن آیه اختصاص به تو و شیعیانت دارد و این آیه برای دشمن تو و پیروان آنهاست.(3)

23. العمده: ابو موسی از امام حسن بن علی علیه السّلام نقل می کند که فرمود: آیه «وَنَزَعْنَا مَا فِی صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَی سُرُرٍ مُّتَقَابِلِینَ»(4)

، {و آنچه کینه [و شائبه های نفسانی] در سینه های آنان است برکنیم. برادرانه بر تختهایی روبروی یکدیگر نشسته اند.} در باره ما نازل شده است.(5)

24. عیون اخبار الرضا علیه السّلام: حضرت رضا از آباء گرام خود علیهم السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم در مورد آیه: «یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ»(6)

{[یاد کن] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم} فرمود: هر گروهی با امام زمان آنها و کتاب پروردگارشان و سنت پیامبرشان فراخوانده می شوند.(7)

1- . بیّنه / 7
2- . همان / 6
3- . کنز الفوائد : 400 و 401
4- . حجر / 47

5- . العمده ابن بطريق
6- . إسراء 71
7- . عيون اخبار الرضا عليه السّلام : 201

صحیفه الرضا علیه السّلام: حضرت رضا از آباء گرام خود علیهم السّلام همین روایت را نقل می کند.(1)

25. تفسیر قمی: فضیل: امام باقر علیه السّلام در باره آیه «یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ» فرمود: پیامبر با گروه خود و علی با گروه خود و امام حسن با گروه خود و حسین علیه السّلام با گروه خود می آیند و هر کسی که مرده باشد، پیش روی آنها، با ایشان می آید.(2)

26. علی بن ابراهیم در باره آیه «یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ» گفت: در روز قیامت است که منادی فریاد می زند: ابو بکر با پیروان خود و عمر و پیروانش و عثمان و پیروانش و علی علیه السّلام با پیروانش(3)

بیایند.(4)

27. محاسن: بشیر عطار از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ» نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم فرمود: علی امام شما است. بسیاری از امامها هستند که روز قیامت می آیند در حالی که پیروان خود را لعنت میکنند و پیروانشان آنها را لعن میکنند.

ما ذریه پیامبریم و مادرمان فاطمه علیها السّلام است، هر چه خداوند به تمام مرسلین داده است، به حضرت محمّد نیز بخشیده، چنانچه به پیامبران قبل نیز داده است، سپس این آیه را خواند: «وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلاً مِنْ قَبْلِکَ وَ جَعَلْنا لَهُمْ أَزْواجاً وَ ذُرِّیَّةً»(5) ، {و قطعا پیش از تو [نیز] رسولانی فرستادیم و برای آنان زنان و فرزندانی قرار دادیم. }(6)

28. محاسن: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد: وقتی آیه: «یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ» نازل شد، مسلمانان گفتند: یا رسول اللّه، مگر شما

1- . صحیفه الرضا علیه السّلام : 8
2- . تفسیر قمی : 385
3- . در مصدر «علی و پیروانش» نیامده است.
4- . تفسیر قمی : 385

5- . رعد / 38
6- . المحاسن : 155

امام مردم نیستی؟ فرمود: من پیامبرم برای تمام مردم ولی بعد از من امامانی از اهل بیتم از جانب خدا برای مردم خواهند بود که در میان مردم بپا میخیزند، اما آنها را تکذیب میکنند و پیشوایان کفر و گمراهی و پیروانشان به آنها ستم روا میدارند. هر کس آنها را دوست بدارد و پیروی کند و تصدیق نماید از من است و با من خواهد بود و مرا خواهد دید و هر کس به آنها ستم روا دارد و یا با ستمگران به آنها همکاری کند و ایشان را تکذیب کند، از من نیست و با من نخواهد بود و من از او بیزارم.(1)

مولف: بسیاری از این نوع روایات در ابواب معاد گذشت.

29. حسن بن سلیمان در کتاب مختصر از تفسیر محمد بن عباس از ابو الورد از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که تسنیم بهترین نوشابه های بهشتیان است که محمّد و آل محمّد صلی اللّٰه علیه و آله خالص آن را می نوشند و برای اصحاب یمین و سایر بهشتیان مخلوط می شود.

30. تفسیر فرات: ابو سعید مدائنی گفت: به حضرت صادق علیه السّلام گفتم: معنی این آیه چیست: «وَ ما کُنْتَ بِجانِبِ الطُّورِ إِذْ نادَیْنا»(2) ، {و آن دم که [موسی را] ندا دردادیم، تو در جانب طور نبودی. }

فرمود: نوشته ایست که خدا آن را در برگ موردی، دو هزار سال قبل از آفرینش مردم، نوشته است، سپس آن را در عرش یا زیر عرش قرار داد. در آن نوشته بود: ای پیرو محمّد، پیش از درخواست به شما بخشیدم و قبل از اینکه تقاضای آمرزش کنید، شما را آمرزیدم. هر کس با ولایت محمّد پیش من آید، او را به رحمت خود در بهشت جای خواهم داد.(3)

-1 . همان

-2 . قصص / 46

-3 . تفسیر فرات : 117

کنز الفوائد: شیخ طوسی با اسناد خود از سلیمان دیلمی از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است.(1)

کنز الفوائد: از ابو سعید مدائنی همین روایت را نقل کرده است.(2)

31. کتاب الروضه، الفضائل: ابو تمامه گفت: در شب جمعه ای خدمت امام صادق علیه السّلام بودم، فرمود: قرآن بخوان. پس خواندم تا به آیه «یَوْمَ لا یُغْنِی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئاً وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ» رسیدم، فرمود: ما کسانی هستیم که مورد رحمت خداییم و کسانی هستیم که خدا در این آیه استثناء می کند.(3)

32. کنز الفوائد: عبد اللّه بن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که فرمود: وقتی قیامت برپا شود، خداوند اختیار و حساب شیعیان ما را به ما میسپارد. آنچه مربوط به خدا است، از خدا درخواست میکنیم به ما ببخشد و آنچه مربوط به مردم است، تقاضا می کنیم در مقابل حقی که دارند به ایشان عوض بدهد و شیعیان رهایی یابند، و آنچه مربوط به خود ما است، به ایشان می بخشیم؛ سپس این آیه را قرائت نمود: «إِنَّ إِلَیْنا إِیابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنا حِسابَهُمْ»(4) ، {در حقیقت بازگشت آنان به سوی ماست، آنگاه حساب [خواستن از] آنان به عهده ماست. }(5)

33. کنز الفوائد: محمد بن جعفر بن محمد از پدرش از جدش نقل می کند: در باره آیه «إِنَّ إِلَیْنا إِیابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنا حِسابَهُمْ» فرمود: وقتی قیامت برپا شود، خداوند اختیار حساب شیعیان ما را به ما میسپارد. آنچه مربوط به خدا است، از خدا درخواست میکنیم به ما ببخشد و آنچه مربوط به مخالفین آنهاست، تقاضا

1- . کنز الفوائد : 215، با این اختلاف: «غفرت لکم قبل أن تعصونی و عفوت عنکم قبل أن تذنبونی» شما را بخشیدم پیش از آن که عصیانم کنید و مورد عفو خود قرار دادم قبل از اینکه مرتکب گناه شوید.
2- . همان
3- . الروضه : 139، الفضائل ...
4- . غاشیه / 25 و 26
5- . کنز الفوائد : 383

می کنیم به ایشان ببخشد و آنچه مربوط به خود ما است، به ایشان می بخشیم؛ سپس فرمود: شیعیان ما با ما هستند، هر جا که باشیم.(1)

34. کنز الفوائد: جمیل بن دراج گفت: به حضرت ابو الحسن علیه السّلام عرض کردم، آیا حدیث جابر را به مردم بگویم؟ فرمود: آن حدیث را به نادانان مسپار که موجب انتشار آن می شوند؛ مگر این آیه را نخوانده ای: «إِنَّ إِلَيْنا إِيابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنا حِسابَهُمْ». عرض کردم چرا. فرمود: روز قیامت که خداوند تمام جهانیان را جمع میکند، حساب شیعیانمان را به ما میسپارد. آنچه بین آنها و خداست، ما به نفع آنها حکومت(داوری) میکنیم، خدا نیز حکومت ما را می پذیرد و آنچه بین آنها و مردم است، تقاضای بخشش میکنیم آنها نیز به ما میبخشند، و آنچه بین ما و آنها است، که ما شایسته تر به گذشت و بخشش هستیم.(2)

توضیح: این تعبیر در زبان عرب معمول و شایع است و در بیشتر آیات جاری است. سلاطین و فرمانروایان نیز همین کار را میکنند و اعمالی را که به دستور آنها توسط خدمتکاران انجام شود، به خود نسبت میدهند. بیشتر آیه هایی که به صیغه جمع آمده و ضمیر آن چنین است: إِنَّ إِلَيْنا مشمول همین استعمال مجازی است، چنانچه بر متتبع پوشیده نیست.

35. تفسیر عیاشی: ابن ظبیان گفت: از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر آیه: «وَ ما لِلظّالِمِينَ مِنْ أَنْصارٍ»(3) ، {و برای ستمکاران یاورانی نیست. } را پرسیدم، فرمود: آنها را امامی نیست که به نام او را بخوانند.(4)

36. اصول کافی: زراره از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه: «فَلَمّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ قِيلَ هذَا الَّذِی كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ»(5) ، {و آنگاه که آن [لحظه موعود] را نزدیک ببینند، چهره های کسانی که کافر شده اند در هم رود و گفته

1- . همان

2- . همان : 456 نسخه رضویه

3- . آل عمران / 192

4- . تفسیر عیاشی 1 : 211

5- . ملک / 27

شود، این است همان چیزی که آن را فرا می خواندید. } فرمود: این آیه در باره امیر المؤمنین علیه السّلام و اصحابش نازل شده. کسانی که آن کارها را کردند، حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام را در بهترین مقام ها مشاهده میکنند، چهره های ایشان درهم کشیده می شود و از ناراحتی به آنها گفته می شود: «هذَا الَّذِی کُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ» این همان کسی است که ادعای مقامش را کردید و جای او را غصب نمودید.(1)

توضیح: «فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَهً» یعنی قریب و نزدیک و اکثر مفسرین، ضمیر را به وعد یا عذاب جنگ بدر یا عذاب در قیامت برگردانده اند. «سِیئَتْ» یعنی سیاه شد یا آثار غم و حسرت در او آشکار شد. «وَ قِیلَ» به ایشان «هذَا الَّذِی کُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ» یعنی دعایی که طلب می کنید و در اجابت آن تعجیل دارید، یا اینکه ادعا می کردید برانگیختنی وجود ندارد. «فی اغبط الاماکن» یعنی بهترین مکانهایی که مردم نسبت به آن غبطه می خورند و آرزوی آن را دارند. «الانتهال» یعنی ادعای چیزی که ندارد و مراد از «اسم»، امیر المؤمنین علیه السّلام است یعنی به سبب امیر المؤمنین علیه السّلام، نام و منزلت او را ادعا می کنید.

37. مرحوم طبرسی می نویسد: حسکانی با سندهای صحیح از شریک از اعمش معنی آیه را نقل کرده که، چون ببینند، آنچه را به علی بن ابی طالب علیه السّلام از قرب و منزلت اختصاص داده شده، چهره کافران درهم کشیده می شود.(2)

38. اصول کافی: احمد بن عمر الحلال گفت: از حضرت ابو الحسن علیه السّلام راجع به آیه: «فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَیْنَهُمْ أَنْ لَعْنَهُ اللَّهِ عَلَی الظَّالِمِینَ»(3)، {پس

آوازدهنده ای میان آنان آواز درمی دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد. } پرسیدم، فرمود: مؤذن امیر المؤمنین است.(4)

39. کنز الفوائد: هیثم بن عبد اللَّه گفت: مولای من علی بن موسی الرضا علیه السّلام از آباء گرام خود از امیر المؤمنین علیه السّلام نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم

1- . اصول كافى 1 : 525
2- . مجمع البيان 10 : 330
3- . اعراف / 44
4- . اصول كافى 1 : 426

فرمود: جبرئیل از جانب پروردگار عزیز آمده، میگوید: پروردگارت سلام میرساند و میگوید یا محمّد! مؤمنینی را که عمل صالح انجام می دهند و به تو و اهل بیتت ایمان دارند، به بهشت بشارت ده. (آنان) در نزد من بهترین جزا و پاداش را دارند و داخل بهشت می شوند.(1)

40. کنز الفوائد: عیسی بن داود نجار از موسی بن جعفر علیهما السّلام نقل کرد که از این آیه سؤال کردم: «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ کانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلاً * خالِدِینَ فِیها لا یَبْغُونَ عَنْها حِوَلاً»(2)،

{بی گمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، باغهای فردوس جایگاه پذیرایی آنان است. جاودانه در آن خواهند بود و از آنجا درخواست انتقال نمی کنند. } فرمود: در باره آل محمّد نازل شده.(3)

41. کنز الفوائد: حارث از علی علیه السّلام نقل می کند که فرمود: هر چیزی دارای محل بهتر و عالی است و عالی ترین محل بهشت فردوس است که متعلق به محمّد و آل محمّد صلوات اللّه علیهم است.(4)

42. کنز الفوائد: عمر بن رشید از حضرت باقر علیه السّلام در حدیثی نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: علی و شیعیانش روز قیامت بر تلّی از مشک اذفر هستند. مردم در وحشتند اما آنها وحشتی ندارند. دیگران اندوهگینند ولی آنها اندوهی ندارند. و این آیه همین مطلب را میفرماید: «لا یَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَکْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلائِکَهُ هذا یَوْمُکُمُ الَّذِی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ»(5) {دلهره بزرگ آنان را غمگین نمی کند و فرشتگان از آنها استقبال می کنند [و به آنان می گویند]، این همان روزی است که به شما وعده می دادند. }(6)

1- . کنز الفوائد : 146
2- . کهف / 107 و 108
3- . کنز الفوائد : 146 و 147
4- . همان : 137
5- . أنبياء / 103
6- . کنز الفوائد : 168

43. امالی طوسی: کثیر بن طارق گفت: از زید بن علی راجع به آیه: «لا تَدْعُوا الْیَوْمَ ثُبُوراً واحِداً وَ ادْعُوا ثُبُوراً کَثِیراً»(1) {امروز یک بار هلاک [خود] را مخواهید و بسیار هلاک [خود] را بخواهید.} پرسیدم. زید گفت: کثیر! تو مردی صالح هستی و گمان بد در باره ات برده نمی شود، من میترسم هلاک شوی. روز قیامت خداوند دستور می دهد، اشخاصی که پیرو پیشوایان ستمگر بوده اند، به طرف جهنم رهسپار شوند، فریاد وا ویلا و مرگ بر این زندگی آنها بلند می شود، به امام و پیشوای خود میگویند: تو که ما را به هلاکت رساندی، اینک بیا و ما را از این گرفتاری نجات ده در این موقع به آنها گفته می شود: «لا تَدْعُوا الْیَوْمَ ثُبُوراً واحِداً وَ ادْعُوا ثُبُوراً کَثِیراً»

زید گفت: پدرم از پدر خود حسین بن علی علیهم السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: علی، تو و اصحابت در بهشت هستید؛ تو و اصحابت در بهشت هستید.(2)

44. کنز الفوائد: ابن عباس در باره آیه: «وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ»(3)، {و

بازداشتشان نمایید که آنها مسؤولند.} گفت: از ولایت علی بن ابی طالب. مانند همین روایت از طریق اهل سنت از ابی نعیم از ابن عباس نقل شده و مانند آن از ابو سعید خدری و شبیه آن نیز از سعید بن جبیر؛ همه از پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله نقل کرده اند.(4)

45. تفسیر فرات: از ابن عباس، در باره آیه «وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ» گفت: از ولایت علی بن ابی طالب.(5)

46. مناقب آل ابی طالب: محمد بن اسحاق و شعبی و اعمش و سعید بن جبیر و ابن عباس و ابو نعیم اصفهانی و حاکم حسکانی و نطنزی و جماعت اهل بیت

1- . فرقان / 14
2- . امالی طوسی : 36
3- . صافات / 24
4- . کنز الفوائد : 258

5- . تفسير فرات : 131

عليهم السّلام: «وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ» از ولايت على بن ابى طالب و حب اهل بيت.(1)

47. حضرت رضا عليه السّلام فرمود: پيامبر اكرم اين آيه را قرائت نمود: «إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ كُلُّ أُولئِكَ كانَ عَنْهُ مَسْؤُلاً»(2)، {گوش

و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد.} از آيه سؤال شد، اشاره به آن سه نفر كردند كه آنهايند سمع و بصر و فؤاد و به زودى در باره وصى من بازخواست خواهد شد، اشاره كرد به على بن ابى طالب عليه السّلام.

سپس فرمود: به عزت پروردگارم قسم، تمام امت مرا در روز قيامت نگه مى دارند و از ولايت على بازخواست خواهند شد. اين است تفسير آيه: «وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ» تا آخر آيه.(3)

48. تفسير وكيع بن سفيان از سدى در باره آيه: «فَوَ رَبِّكَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» {پس سوگند به پروردگارت كه از همه آنان خواهيم پرسيد}، از ولايت على بن ابى طالب عليه السّلام؛ سپس فرمود: «عَمَّا كانُوا يَعْمَلُون»(4) {از آنچه انجام مى دادند} از اعمال آنها در دنيا، در صحيفه(5) اهل بيت است.(6)

49. امير المؤمنين عليه السّلام فرمود: اين آيه در باره من نازل شده است «إِنَّ إِلَيْنا إِيابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنا حِسابَهُمْ».(7)

50. امام صادق عليه السّلام فرمود: وقتى قيامت برپا شود، خداوند اختيار حساب شيعيان ما را به ما ميسپارد، آنچه مربوط به خدا است از خدا درخواست

1- . مناقب آل ابى طالب 2 : 4 و 5
2- . إسراء / 36
3- . مناقب آل ابى طالب 2 : 4 و 5
4- . حجر / 92 و 93

5- . شاید صحیفه اسم کتابی باشد، یعنی این تفسیر در صحیفه اهل بیت علیهم السّلام است.

6- . مناقب آل ابی طالب 2 : 4 و 5

7- . همان

میکنیم به ما ببخشد و آنچه مربوط به خود ما است به ایشان می بخشیم؛ سپس این آیه را خواند.(1)

51. تفسیر فرات: صفوان گفت: از ابو الحسن علیه السّلام شنیدم که می فرماید: بازگشت این مردم به سوی ماست و حسابشان با ماست.(2)

52. تفسیر فرات: قبیصه(3)

جعفی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام آیه «إِنَّ إِلَيْنا إِيابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنا حِسابَهُمْ» را پرسیدم، فرمود: در باره ما نازل شده، عرض کردم من از تفسیر آن میپرسم. فرمود: بسیار خوب قبیصه! روز قیامت که می شود، خدا حساب شیعیان را به ما می سپارد. آنچه بین آنها و خدا است، حضرت محمّد صلی اللّٰه علیه و آله از خدا تقاضای بخشش میکند و آنچه از مظالم، بین آنها و مردم است، پیامبر اکرم از طرف آنها پرداخت می کنند و آنچه بین ما و آنها است به آنها می بخشیم تا بدون حساب وارد بهشت شوند.(4)

53. مولف: برسی در المشارق: به اسناد خود از مفضل در مورد آیه: «إِنَّ إِلَيْنا إِيابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنا حِسابَهُمْ» نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام فرمود: خیال میکنی اینها کیانند که حساب مردم به آنها واگذار می شود؟ به خدا قسم ما هستیم. به سوی ما بر میگردند و بر ما عرضه می شوند و نزد ما حکومت می شوند و از محبت ما سؤال خواهند شد.

54. گفت: برقی در کتاب الآیات از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: یا علی! تو دادخواه این امتی و عهده دار حساب آنها و تو رکن اعظم خدایی در روز قیامت. بازگشت به سوی تو است و حساب با تو است و راه راه تو است و میزان و سنجش سنجش تو است و موقف موقف تو است.

1- . همان
2- . تفسیر فرات : 207 و 208
3- . در مصدر: فیضه بن یزید.
4- . تفسیر فرات : 207 و 208

55. و از محمد بن سنان از ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: خداوند شفاعت را به حضرت محمّد در امتش عطا فرمود و به ما شفاعت در باره شیعیانمان عطا کرد و شیعیان ما می توانند در باره خویشاوندان خود شفاعت کنند. به همین مطلب اشاره دارد، آیه شریفه: «فَما لَنا مِنْ شافِعِینَ». به خدا سوگند، ما در باره شیعیان خود شفاعت میکنیم به طوری که دشمنان میگویند: «فَما لَنا مِنْ شافِعِینَ».

سپس فرمود: به خدا سوگند، شیعیان ما در باره وابستگان خود شفاعت میکنند بطوری که دشمنان میگویند «وَ لا صَدِیقٍ حَمِیمٍ»(1).

56. کنز الفوائد: شیخ طوسی در مصباح الانوار به اسناد خود از ابن عباس نقل میکند که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: روز قیامت من و علی بر صراط میایستیم. به دست هر یک از ما شمشیری است؛ احدی از مردم نمیگذرند مگر اینکه از ولایت علی میپرسیم؛ هر کس از ولایت بهره ای داشته باشد نجات یافته و رستگار است و گر نه گردنش را میزنیم و او را در آتش میافکنیم؛ سپس این آیه را تلاوت نمود: «وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ * ما لَکُمْ لا تَناصَرُونَ * بَلْ هُمُ الْیَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ»(2)، {و بازداشتشان نمایید که آنها مسؤولند. شما را چه شده است که همدیگر را یاری نمی کنید[نه] بلکه امروز آنان از در تسلیم درآمدگانند. }(3)

57. کنز الفوائد: روایت شده که از ابو الحسن حضرت امام علی النقی راجع به آیه: «لِیَغْفِرَ لَکَ اللّٰهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِکَ وَ ما تَأَخَّرَ»(4) ، {تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد. } پرسیدند، فرمود: پیامبر اکرم در گذشته و آینده چه گناهی داشت؟ خداوند گناه شیعیان علی را از گذشته و آینده بر او حمل کرد، سپس همه را آمرزید.(5)

1- . مشارق الانوار
2- . صافات / 24 - 26
3- . کنز الفوائد : 259
4- . فتح / 2
5- . کنز الفوائد : 34

58. کنزالفوائد: عبد اللَّه بن حماد از شریک نقل کرد که گفت: اعمش از پی ما فرستاد، دچار بیماری سختی بود. ما رفتیم. گروهی از اهل کوفه از آن جمله ابو حنیفه و پسر قیس ماصر جمع بودند.

اعمش به فرزند خود گفت مرا بنشان. پسرش او را نشاند، آنگاه رو بجمعیت نموده گفت: اهالی کوفه! ابوحنیفه و پسر قیس ماصر پیش من آمده، گفتند تو در باره علی بن ابی طالب حدیثهایی نقل کرده ای، از آنها رجوع کن و برگرد، تا وقتی روح در بدن باشد توبه پذیرفته است. به آنها گفتم، مانند شما چنین حرفی را به مثل من میگویید؟!

اینک شما اهالی کوفه را گواه میگیرم. من آخرین روز زندگی خود را میگذرانم و به سوی اولین روز آخرت رهسپارم. من از عطاء بن رباح شنیدم میگفت: از پیامبر اکرم تفسیر آیه «أَلْقِيا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِيدٍ»(1) ، {[به آن دو فرشته خطاب می شود] هر کافر سرسختی را در جهنم فروافکنید} را پرسیدم، فرمود: من و علی هر کس ما را دشمن بدارد، در جهنم میاندازیم.

ابو حنیفه به قیس گفت، حرکت کن برویم که حدیثی از این بزرگتر برای ما نقل میکند. از جای حرکت کرده، رفتند.(2)

59. کنز الفوائد: زید بن جذعان از عموی خود علی بن زید نقل کرد که گفت: ما پیش عبد اللَّه بن عمر بودیم و فضائل و مزایای یکدیگر را بر میشمردیم. میگفتیم ابو بکر و عمر و عثمان، دیگران میگفتند فلانی و فلانی. مردی گفت، پس در باره علی چه میگوئید؟ ابو عبد الرحمن گفت: علی از خانواده ای است که با هیچ یک از مردم قابل مقایسه نیستند، علی با پیامبر است و در درجه او. خداوند در این آیه میفرماید: «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ»(3)،

{و کسانی که گرویده و فرزندانشان آنها را در ایمان پیروی کرده اند، فرزندانشان را به

1- . ق / 24
2- . کنز الفوائد : 350 و 351 نسخه رضویه

3- . طور / 21

آنان ملحق خواهیم کرد} فاطمه علیها السّلام ذریه پیامبر است و با او در درجه اش خواهد بود و علی نیز با فاطمه علیها السّلام است.(1)

60. کنز الفوائد: کلبی از جعفر بن محمّد از پدر بزرگوارش علیهم السّلام نقل کرد که روز قیامت یک منادی از عرش فریاد میزنند: مردم! چشمهای خود را ببندید تا فاطمه دختر محمّد صلی اللّه علیه و آله بگذرد. او اول کسی است که لباس می پوشد. دوازده هزار حوریه که همراه آنها پنجاه هزار فرشته است بر اسبهایی نجیب از یاقوت که بالهای آنها از زبرجد است و افسار آنها از لؤلؤ تازه است بر هر یک از آنها زینی از درّ است و بر روی هر زین، بالشی از سندس قرار دارد که از فردوس به استقبال فاطمه زهرا علیها السّلام می آیند و او را از صراط میگذرانند و به فردوس میرسند. اهل بهشت به یکدیگر مژده میدهند و فاطمه علیها السّلام بر تختی از نور مینشیند و این حوران و فرشتگان اطرافش هستند.

در بطنان عرش دو قصر است، قصری سفید و قصری زرد، از مرواریدی از یک جنس. در قصر سفید هفتاد هزار خانه است که مسکن محمّد و آل محمد است و در قصر زرد هفتاد هزار مسکن است که خانه های ابراهیم و آل ابراهیم است. خداوند فرشته ای را به سوی فاطمه زهرا علیها السّلام میفرستد که به سوی احدی قبل از او و بعد از او نفرستاده است، پس میگوید، پروردگارت سلام میرساند و میفرماید، از من بخواه تا به تو عطا کنم.

فاطمه علیها السّلام میگوید: خداوند نعمتش را بر من تمام کرده، بهشت را بمن ارزانی داشته و مرا مورد لطف خویش قرار داده و مرا بر تمام زنان عالم برتری بخشیده، از خدا تقاضا دارم مرا شفیع فرزندان و ذریه ام و دوستداران آنها بعد از من و کسانی که ایشان را پس از من حفظ کرده اند بنماید. خداوند به این فرشته وحی میکند، قبل از اینکه از جای خود حرکت کند به فاطمه علیها السّلام بگوید، او را در باره فرزندان و ذریه و دوستداران آنها و کسانی که در حفظ خاندان او کوشا بوده اند شفیع نمودم. آنگاه زهرا علیها السّلام میگوید: خدا را سپاس که اندوه را از من زدود

1- . کنز الفوائد : 355 نسخه رضویه

و دو چشم مرا روشن کرد. آنگاه حضرت صادق علیه السّلام فرمود: وقتی پدرم این حدیث را نقل میکرد، این آیه را نیز تلاوت مینمود: «وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُمْ بِإِیمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ ما أَلَتْناهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَیْ ءٍ کُلُّ امْرِئٍ بِما کَسَبَ رَهِینٌ»،(1)

{و کسانی که گرویده و فرزندانشان آنها را در ایمان پیروی کرده اند، فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی از کار[ها]شان را نمی کاهیم. هر کسی در گرو دستاورد خویش است.}(2)

61. کنز الفوائد: صدوق به اسناد خود از میسره نقل کرد که گفت: از حضرت رضا علیه السّلام شنیدم میفرمود: به خدا قسم، دو نفر از شما در آتش دیده نمیشوید، نه به خدا یک نفر دیده نمیشود. عرض کردم آقا، چه دلیلی بر این مطلب از قرآن دارید؟ یک سال تمام در باره جواب سؤال من سکوت کرد تا اینکه پس از یک سال، روزی در خدمتش طواف می کردم، به من فرمود: میسره! اجازه جواب دادن به تو را در مورد فلان سؤال دادند. عرض کردم کدام آیه از قرآن؟

فرمود: این آیه: «فَیَوْمَئِذٍ لا یُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ - مِنکُم - إِنْسٌ وَ لا جَانٌّ»(3)،

{در آن روز هیچ انس و جنی از گناهش پرسیده نشود.} عرض کردم، در آیه (منکم) نیست. فرمود: اولین کسی که آن را تغییر داد، ابن اروی بود چون این بودن (منکم) بر ضرر او و یارانش بود. اگر (منکم) در آیه نباشد، عقاب و کیفر خدا از همه مردم برداشته می شود زیرا وقتی از گناه هیچ کس از جن و انس سؤال نشود، دیگر چه کسی در روز قیامت عقاب خواهد شد؟(4)

62. کنز الفوائد: سلام بن مستنیر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام تفسیر این آیه را پرسیدم: «فَضُرِبَ بَیْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بابٌ باطِنُهُ فِیهِ الرَّحْمَةُ وَ ظاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذابُ * یُنادُونَهُمْ أَ لَمْ نَکُنْ مَعَکُمْ»(5) ، {آنگاه میان آنها دیواری زده می شود که آن را

1- . طور / 21
2- . کنز الفوائد : 355 و 356 نسخه رضویه

3- . الرحمن / 39
4- . كنز الفوائد : 320
5- . حديد / 13 و 14

دروازه ای است، باطنش رحمت است و ظاهرش روی به عذاب دارد [دو رویان] آنان را ندا درمی دهند، آیا ما با شما نبودیم؟} فرمود: این آیه در باره ما و شیعیانمان و در باره کفار نازل شده، روز قیامت خداوند جهانیان را در راه محشر نگه میدارد و دیواری از تاریکی میزند که دارای دربی است که داخلش رحمت است (یعنی نور) و ظاهرش از جلو، عذاب است یعنی ظلمت و تاریکی است. خداوند شیعیان ما را داخل (پشت) دیوار تاریک که رحمت و نور است قرار میدهد و دشمنان ما و کفار را در جلوی دیوار که در آن تاریکی است قرار میدهند. دشمنان ما و شما از همان دربی که در دیوار ظلمت است فریاد میزنند: مگر ما در دنیا با شما نبودیم؟ پیامبر هر دومان یک نفر بود. نماز ما و روزه ما و حج ما یکی بود.

فرشته ای از جانب خدا ندا میکند: «بَلی وَ لکِنَّکُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَکُمْ» {چرا ولی شما خودتان را در بلا افکندید} بعد از پیامبرتان، و رها کردید پیروی از کسی را که پیامبر دستور پیروی از او را داده بود «وَ تَرَبَّصْتُمْ» {و امروز و فردا کردید}، انتظار مصیبت و ناراحتی را برای او داشتید «وَارْتَبْتُمْ» {و تردید آوردید تا فرمان خدا آمد و [شیطان]} و در آنچه پیامبر گفته بود شک کردید «وَغَرَّتْکُمُ الْأَمَانِیُّ» {و آرزوها شما را غره کرد} و گول جمعیتی که گرد هم آمده بودید و بر خلاف اهل حق تبانی کردید را خوردید. از حلم و شکیبائی خدا سوء استفاده نمودید تا علی بن ابی طالب و سایر ائمه ای که بر حق بودند، پس از او ظاهر شدند و «وَ غَرَّکُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ»(1) {مغرورکننده شما را در باره خدا بفریفت} یعنی شیطان «فَالْیَوْمَ لَا یُؤْخَذُ مِنکُمْ فِدْیَهٌ وَلَا مِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا» {پس امروز نه از شما و نه از کسانی که کافر شده اند عوضی پذیرفته نمی شود} یعنی کار خوبی ندارید که موجب نجات شما شود «مَأْواکُمُ النَّارُ هِیَ مَوْلاکُمْ وَ بِئْسَ الْمَصِیرُ»(2) ، {جایگاهتان آتش است. آن سزاوار شماست و چه بد سرانجامی است.}(3)

1- . همان / 14
2- . همان / 15
3- . کنز الفوائد : 330 و 331

63. کنز الفوائد: ابن عباس گفت: از پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله معنی «فَضُرِبَ بَیْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بابٌ باطِنُهُ فِیهِ الرَّحْمَهُ وَ ظاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذابُ» را پرسیدم، فرمود: من آن دیوارم و علی درب آن است.(1)

64. کنز الفوائد: ابن جبیر گفت: از پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله در باره آیه پرسیده شد، فرمود: من دیوار و علی درب آن است؛ وارد محلی که دارای دیوار است نمیتوان شد مگر از درب آن.(2)

توضیح: شاید دیوار و درب در آخرت، صورت همان شهر علم و درب آن است در دنیا. هر که در دنیا از درب شهر علم وارد مدینه شود، در آخرت از کسانی خواهد بود که از درب دیوار وارد رحمت خدا می شود؛ هر که در دنیا از درب آن وارد نشود و ایمان به وصی نیاورد، در آخرت در دیوار، یعنی عذاب خدا خواهد بود.

1- . همان

2- . همان : 382 نسخه رضویه

باب شصت و چهارم : آیاتی که در باره پیوند با ائمه علیهم السلام و ادای حقوق ایشان نازل شده است

1. تفسیر قمی: «وَ لا یَحُضُّ عَلی طَعامِ الْمِسْکِینِ»(1) ، {و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی کند. } منظور حقوق آل محمّد است که آن را غصب کرده اند.(2)

2. کافی: از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام در باره آیه: «مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ کَرِیمٌ»(3) ، {کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد. } فرمود: این قرض، رسیدگی به امام علیه السّلام است در هنگام دولت تبهکاران.

3. تفسیر قمی: «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّی تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»(4) ، {هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید. } یعنی به ثواب نخواهید رسید مگر اینکه حق آل محمّد را که عبارت است از انفال و خمس و غنیمت، رد کنید.(5)

4. مناقب آل ابی طالب: حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «لَقَدْ سَمِعَ اللّهُ قَوْلَ الَّذِینَ قالُوا»(6) ، {مسلما خداوند سخن کسانی را که گفتند شنید} تا آخر آیه، فرمود: آنها خیال میکردند که امام محتاج اموالی است که ایشان می آورند.(7)

1- . ماعون / 3
2- . تفسیر قمی : 740
3- .[3] حدید / 11
4- . آل عمران / 92
5- . تفسیر قمی : 97
6- . آل عمران / 181
7- . مناقب آل ابی طالب 2 : 207

توضیح: آنها فقر را به خدا نسبت نمیدادند ولی چون به ائمه و حجت خدا نسبت می دادند، مثل این بود که به خدا نسبت داده اند.

5. اصول کافی: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی»(1)، {و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] است. } فرمود: امیر المؤمنین و ائمه علیهم السّلام هستند.(2)

6. کنز الفوائد: معاویه بن عمار گفت: از حضرت صادق این آیه را پرسیدم: «مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً» فرمود: این مربوط به صله رحم است و رحم فقط خویشاوندان آل محمّد علیهم السّلام هستند.(3)

7. اصول کافی: مفضل از خیبری و از ابن ظبیان نقل کرد که از حضرت صادق علیه السّلام شنیدیم میفرمود: چیزی در نظر خدا محبوبتر از پول دادن به امام نیست، خداوند درهمی را که به امام می دهند، در بهشت مانند کوه احد قرار میدهد. سپس گفت، خداوند میفرماید: «مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ کَرِیمٌ» فرمود: به خدا قسم، این اختصاص به رسیدگی و پیوند با امام دارد.(4)

مولف: اخبار زیادی در این زمینه در کتاب خمس خواهد آمد، ان شاء الله.

8. کنز الفوائد: عیسی بن داود از موسی بن جعفر علیهما السّلام از پدر خود نقل کرد که مردی از پدر آن جناب حضرت باقر علیهما السّلام تفسیر این آیه را پرسید: «وَ الَّذِینَ فِی أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ»(5)، {و همانان که در اموالشان حقی معلوم است برای سائل و محروم. }

پدرم فرمود: دقت کن من چه میگویم و مواظب باش چگونه از من نقل میکنی! سائل و محروم در این آیه خیلی دارای مقام هستند، سائل پیامبر اکرم است که

1- . انفال / 41

2- . اصول کافی 1 : 414
3- . کنز الفوائد : 379 نسخه رضویه
4- . اصول کافی 1 : 537
5- . معارج / 24 و 25

از خداوند درخواست حق خود را از مردم نمود و محروم هر کسی که علی بن ابی طالب و فرزندان او از ائمه طاهرین علیهم السّلام را محروم از خمس نماید. شنیدی و فهمیدی؟! آن طور که مردم میگویند نیست.(1)

توضیح: یعنی منحصر به معنی ظاهری آیه که مردم میگویند نیست.

9. کنز الفوائد: عبد اللَّه بن بکیر سند به حضرت صادق علیه السّلام میرساند که در باره آیه: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ» {وای بر کم فروشان} فرمود: منظور کسانی هستند که خمس تو را کم میدهند یا محمّد! «الَّذِينَ إِذَا اكْتالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ» {که چون از مردم پیمانه ستانند تمام ستانند} یعنی وقتی حقوق خود را از غنائم میخواهند، کامل میگیرند «وَ إِذا كالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ»(2) ، {و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند.} یعنی وقتی خمس آل محمّد را از آنها بخواهند، کم میدهند. این آیه «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ»(3)

، {وای بر تکذیب کنندگان در آن هنگام.} وای بر کسانی که وصی تو را تکذیب میکنند «إِذا تُتْلى عَلَيْهِ آياتُنا قالَ أَساطِيرُ الْأَوَّلِينَ»(4)، {[همان که] چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید [اینها] افسانه های پیشینیان است.} یعنی تکذیب آنها نسبت به حضرت قائم است زیرا به او میگویند ما تو را نمیشناسیم و تو از اولاد فاطمه نیستی، همان طوری که مشرکین به حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله میگفتند.(5)

ص: 321

1- . کنز الفوائد : 419 و 420 نسخه رضویه
2- . مطففین / 1 - 3
3- . همان / 10
4- . همان / 13
5- . کنز الفوائد : 373

1. کنز الفوائد: ابو یعقوب اسدی از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «أَ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَیْنَیْنِ * وَ لِساناً وَ شَفَتَیْنِ» {آیا دو چشمش نداده ایم و زبانی و دو لب} فرمود: دو چشم پیامبر اکرم است و لسان امیر المؤمنین علیه السّلام و دو لب حسن و حسین هستند «وَ هَدَیْناهُ النَّجْدَیْنِ»(1) {و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم} آنها را به ولایت تمام ائمه و به برائت و بیزاری از تمام دشمنانشان هدایت نمود.(2)

2. کنز الفوائد: ابان گفت: از حضرت صادق علیه السّلام معنی این آیه را: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَهَ»(3) {و[لی] نخواست از گردنه [عاقبت نگری] بالا رود} پرسیدم، فرمود: ابان، آیا در این مورد از کسی چیزی شنیده ای؟ گفتم نه. فرمود: ما عقبه و گردنه هستیم، بالا نمیرود به جانب ما مگر کسی که از ما باشد. سپس فرمود: ابان! یک حرف در این مورد برایت اضافه نکنم که بهتر از دنیا و آنچه در دنیا است باشد؟ گفتم: چرا.

فرمود: «فَکُّ رَقَبَهٍ»(4) ، {بنده ای را آزادکردن.} آزادی بندگان، تمام مردم مملوک و در خور آتشند، غیر تو و یارانت که خداوند آنها را از آتش جدا نموده است. عرض کردم، به چه سبب ما را از آتش آزاد نموده؟ فرمود: به واسطه ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام.(5)

1- . بلد / 8 - 10
2- . کنز الفوائد : 388
3- . بلد / 11
4- . همان / 13
5- . کنز الفوائد : 388

تفسیر فرات: یونس بن نصیر از ابان همین روایت را نقل می کند.(1)

تفسیر فرات: جعفر بن احمد به اسناد خود از ابان مانند همین روایت را نقل کرده است.(2)

3. کنز الفوائد: ابو بکر حضرمی از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند، در مورد آیه: «فَکُّ رَقَبَهٍ» فرمود: مردم همه بنده آتشند مگر کسی که داخل در فرمانبرداری و ولایت ما شود که در این صورت از قید آتش آزاد شده و عقبه، ولایت ما است.(3)

4. کنز الفوائد: ابان بن تغلب گفت: از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَهَ» پرسیدم، دستش را به سینه اش زد و فرمود: ما همان عقبه ای هستیم که هر کس از آن بالا رود نجات می یابد. سپس سکوت کرد و بعد فرمود: یک کلمه در این مورد برایت اضافه نکنم که بهتر از دنیا و آنچه در دنیا است باشد؟ گفتم: چرا. سپس مانند آنچه در بالا بیان شد، ذکر نمود.(4)

تفسیر فرات: عبد الرحمان بن محمد حسنی در روایتی که آن را به امام باقر علیه السّلام می رساند، مانند این روایت را تا عبارت «نجا» نقل کرده است.(5)

5. کنز الفوائد: ابان بن تغلب از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَهَ» نقل می کند که فرمود: ما عقبه هستیم، هر کس از آن بالا رود نجات می یابد و به واسطه ماست که خدا شما را از قید آتش آزاد می کند.(6)

6. تفسیر قمی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «فَکُّ رَقَبَهٍ» نقل کرد که فرمود: به وسیله ما و به معرفت ما از قید بندگی آزاد میشوند و ما در روز گرسنگی که همان مسغبه است، اطعام میکنیم.(7)

1- . تفسیر فرات : 211

2- . همان

3- . کنز الفوائد : 388

4- . همان
5- . تفسیر فرات : 211
6- . کنز الفوائد : 388
7- . تفسیر قمی : 726

7. تفسیر قمی: «وَ ما أَدْراکَ مَا الْعَقَبَةُ» {و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست؟} عقبه ائمه علیهم السّلام هستند، هر کس بر آن صعود کند از قید آتش رهایی می یابد: «أَوْ مِسْکِیناً ذا مَتْرَبَةٍ» {یا بینوایی خاک نشین} فرمود: چیزی او را از خاک نگه نمی دارد.

«أَصْحابُ الْمَیْمَنَةِ» {ایناند خجستگان} اصحاب امیر المؤمنین علیه السّلام هستند: «وَ الَّذِینَ کَفَرُوا بِآیاتِنا» {و کسانی که به انکار نشانه های ما پرداخته اند} یعنی کسانی که مخالف امیر المؤمنین علیه السّلام بودند: «هُمْ أَصْحابُ الْمَشْئَمَةِ» {آنانند ناخجستگان شوم} مشأمه دشمنان آل محمّدند «عَلَیْهِمْ نارٌ مُؤْصَدَةٌ»(1) ، {بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد.} آنها را آتشی همه گیر فرا می گیرد.

8. ابو یعقوب از بعضی اصحاب از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «أَ یَحْسَبُ أَنْ لَنْ یَقْدِرَ عَلَیْهِ أَحَدٌ» {آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت} فرمود: منظور نعثل است که دختر پیامبر اکرم را کشت. او که میگوید: «أَهْلَکْتُ مالاً لُبَداً» {مال فراوانی تباه کردم} یعنی آن پولهایی را میگوید که در جنگ عسرت و تنگدستی پیامبر اکرم صرف سپاه مسلمانان نمود. «أَ یَحْسَبُ أَنْ لَمْ یَرَهُ أَحَدٌ»(2) {آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟} فرمود: چه خبث طینتی دارد.

«أَ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَیْنَیْنِ» مراد پیامبر است «وَ لِساناً» امیر المؤمنین «وَ شَفَتَیْنِ» یعنی حسن و حسین علیهما السّلام «وَ هَدَیْناهُ النَّجْدَیْنِ» به ولایت آن دو «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَ ما أَدْراکَ مَا الْعَقَبَةُ»(3)

یعنی از کجا دانستی و حال اینکه هر چیزی در قرآن هست «یَتِیماً ذا مَقْرَبَةٍ» {به یتیمی خویشاوند} یعنی پیامبر اکرم و مقربه،

1- . بلد / 18 - 20
2- . همان / 5 - 7
3- . همان / 8 - 12

خویشاوندان پیامبر است «أَوْ مِسْکِیناً ذا مَتْرَبَهٍ»(1) یعنی امیر المؤمنین علیه السّلام که بی نیاز از علم است.(2)

توضیح: بالا رفتن بر گردنه کنایه از وارد شدن در کار سخت است. از ولایت به واسطه سختی آن بر منافقین، تعبیر به گردنه شده و حمل ما بعد آیه بر ولایت، بنا بر مبالغه است که حمل مسبب را بر سبب میکنند؛ سببیت در فک و آزادی که ظاهر است؛ و اما در اطعام نیز بنا بر خبری که یتیم و مسکین پیامبر اکرم و علی مرتضی علیهما السّلام باشند نیز ظاهر است.

و اما بنا بر سایر اخبار به این جهت است که ولایت سبب تسلط امام است و مردم را هدایت می کند و آنها را از قید آتش آزاد می کند و فقرا و مساکین را اطعام و حقوق آنها را ادا می کند، مؤید این مطلب است آنچه در روایت ابا بصیر است که فرمود: ما در روز گرسنگی اطعام میکنیم.

و احتمال دارد بنا بر بعضی از اخبار: «یَوْمٍ ذِی مَسْغَبَهٍ»(3) {در روز گرسنگی} روز قیامت باشد و یتیمان عبارتند از شیعیانی که از امامشان دور افتاده اند و مساکین شیعیان فقیر هستند و همانا ولایت سبب اطعام آنها در آخرت می شود. فیروز آبادی گفته است: نعثل یعنی شیخ احمق و یهودی و مردی لحیانی در مدینه بود که عثمان زمانی که دشنام داده می شد به او تشبیه می شد و منظور از نعثل در اینجا عثمان است، و جیش العسره یعنی جنگ تبوک و مترب بالعلم یعنی بی نیاز در آن چیز از غیر. جوهری گفته است، أترب الرجل یعنی بی نیاز شد، مثل اینکه مال در نظر او خاک شد.

9. تفسیر فرات: ابان بن تغلب از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که عرض کردم، فدایت شوم معنای «فَکُّ رَقَبَهٍ» چیست؟ فرمود: مردم همه بندگان

1- . همان / 15 - 16
2-
3- . همان / 14

آتشند غیر از تو و یارانت. همانا خدا شما را به سبب ولایت ما اهل بیت از قید آتش آزاد کرده است.(1)

10. تفسیر فرات: ابراهیم بن ابی یحیی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ»(2)، {سوگند به این شهر و حال آنکه تو در این شهر جای داری. } پرسیدند، فرمود: قریش مکه را بلد حرام میدانستند و پوست درخت را به گردن خود می آویختند (حماد گفت، شاخه های درخت را) وقتی با این حال از حرم خارج میشدند، ناسزا گفتن و تکذیب پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله را حلال می شمردند.

فرمود: «لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ» آنها مکه را احترام می گذاشتند و آنچه خدا حرام کرده بود حلال می دانستند.(3)

توضیح: مرحوم طبرسی در مورد آیه: «لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ» می نویسد: تمام مفسرین اتفاق دارند که این آیه قسمی است که خداوند به شهر مکه می خورد: «وَ أَنْتَ حِلٌ بِهذَا الْبَلَدِ» یعنی تو مقیم در مکه هستی یا محل تو مکه است. این اشاره به شرافت مکه است به واسطه پیامبر که ساکن آنجا است.

بعضی گفته اند: «أنت محل بهذا البلد و هو ضد المحرم» یعنی کشتن هر کافری را که در مکه ببینی برایت حلال است. این مربوط به زمان فتح مکه است که دستور قتل داد؛ بعضی نیز گفته اند که معنی آیه این است: قسم نمی خورم به این شهر در حالی که هتک حرمت تو در آن حلال است؛ در صورتی که هتک حرمت تو نموده اند و احترام تو را نگه نمیدارند، دیگر برای مکه نیز حرمتی نمیماند. (این معنی) از ابو مسلم است و همین معنی از حضرت صادق علیه السّلام نیز روایت شده، فرمود: قریش احترام مکه را نگه میداشتند اما تکذیب و آزار حضرت محمّد صلی اللّٰه علیه و آله را حلال میشمردند. فرمود: «لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ» یعنی تو را دشنام میدادند و تکذیب میکردند (ولی) طوری برای مکه احترام قائل بودند

1- . تفسیر فرات : 211

2- . بلد / 1 و 2
3- . تفسير فرات : 211

که شخص، قاتل پدر خود را در حرم تعقیب نمیکرد؛ و اگر شاخه درخت مکه را بر خود می آویختند، با این کار در امان بودند؛ ولی حرمت پیامبر را نگه نداشتند و آنچه خدا حرام نموده بود حلال میدانستند. خداوند آنها را بر این کار سرزنش میکند.(1)

11. اصول کافی: یونس گفت: کسی که سند را به امام صادق علیه السّلام می رساند به من خبر داد که در باره آیه «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَهَ * وَ ما أَدْراکَ مَا الْعَقَبَهُ * فَکُّ رَقَبَهٍ» فرمود: منظور از «فَکُّ رَقَبَهٍ» ولایت امیر المؤمنین است زیرا آن آزادی از قید است.(2)

12. اصول کافی: ابان بن تغلب از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که گفتم فدایت شوم، معنی آیه: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَهَ» چیست؟

فرمود: هر کس خداوند او را به ولایت ما خاندان گرامی داشته، از گردنه رد شده، ما همان عقبه و گردنه ای هستیم که هر کس از آن بگذرد نجات یافته؛ در این موقع سکوت نمود.

سپس فرمود: نمیخواهی یک سخن دیگر برایت بگویم که از دنیا و آنچه در اوست برایت بهتر باشد؟ گفتم چرا فدایت شوم. فرمود: «فَکُّ رَقَبَهٍ» تمام مردم گرفتار آتشند مگر تو و یارانت، زیرا خداوند شما را به ولایت ما اهل بیت از گرفتاری آتش رهایی بخشیده است.(3)

13. اصول کافی: محمّد بن عبد اللّه سند به امام علیه السّلام میرساند که در باره آیه: «لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ * وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ»(4)، {سوگند به این شهر و حال آنکه تو در این شهر جای داری. سوگند به پدری [چنان] و آن کسی را که به وجود آورد.} فرمود: امیر المؤمنین والد است و ما ولد. ائمه از فرزندان اویند، علیهم السّلام.(5)

1- . مجمع البیان 10 : 492 و 493
2- . اصول کافی 1 : 422
3- . همان 1 : 430 و 431
4- . بلد / 1 - 3
5- . همان 1 : 414

توضیح: (لا) در «لا أُقْسِمُ» برای نفی است، یعنی مطلب واضح تر از این است که قسم یاد کنم، یا رد بر چیزی که بر خلاف مقسم علیه است، یا لا زائده است برای تأکید، یا در اصل (لأنا اقسم) بوده که مبتدا حذف شده و فتحه لام ابتدا به الف اشباع گردیده.

گفته اند والد آدم است. بعضی ابراهیم و بعضی حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله را گفته اند. اینکه نکره آمده برای تعظیم است و «ما» به جای «من» آورده شد برای تعجب است، چنانچه در آیه: «وَ اللّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ»(1) {و خدا به آنچه او زایید داناتر بود} چنین است.

1- . آل عمران / 36

باب شصت و ششم : ائمه علیهم السّلام در باطن قران نماز و زکات و حج و روزه و سایر طاعات هستند و دشمنانشان فواحش و معاصی میباشند و در آن بعضی غرائب و تأویل آن است.

1. بصائر الدرجات: مفضل گفت: نامه ای برای حضرت صادق علیه السّلام نوشت. در جواب نامه این جواب از طرف حضرت صادق علیه السّلام آمد: من تو و خود را به تقوی و فرمانبرداری خدا سفارش میکنم. ورع و تواضع برای خدا و آرامش و کوشش و مطیع بودن و خیر خواهی برای فرستادگان خدا و سرعت در کارهای نیک و پرهیز از گناهان، از تقوی محسوب می شود.

هر کس تقوی را پیشه خود کند، جان خویش را از آتش جهنم به لطف خدا رهانیده و به تمام خیر دنیا و آخرت رسیده و هر که امر به تقوی کند، در پند و اندرز مبالغه نموده؛ خداوند به رحمت خود ما را از متقین قرار دهد.(1) نامه تو رسید و آن را خواندم و متوجه شدم چه نوشته بودی. خدا را بر سلامتی و عافیت تو سپاسگزارم. خداوند من و تو را لباس عافیت دنیا و آخرت بپوشاند. در نامه خود نوشته بودی، راه و روش گروهی که من آنها را میشناسم، موجب تعجب تو شده و کارهایی از آنها برایت نقل شده که ناخوش میداشتی با اینکه خیال میکردی مردمانی پرهیزگار و اهل خشوع هستند.

شنیده ای که آنها می گویند، دین عبارت است از شناختن مردانی، وقتی آن اشخاص را شناختی، دیگر هر کار مایلی بکن. - در نامه یادآور شده بودی که من

1- . در مختصر بصائر الدرجات «خداوند به رحمت خود ما و شما را از متقین قرار دهد» آمده است.

میدانم اصل دین شناختن مردانی است؛ خدا تو را موفق کند - و آنها میگویند، نماز، زکات، روزه ماه رمضان، حج و عمره و مسجد الحرام و خانه خدا و مشعر الحرام و ماه حرام، همه اینها مردی است، طهارت و غسل جنابت نیز مردی است، و هر واجبی که خدا برای بندگان معین کرده، مردی است.

آنها به گمان خود گفته اند، هر کس آن مرد را بشناسد، همان شناختن او را کافی است و احتیاج به عمل ندارد. نماز خوانده و زکات داده و حج و عمره و غسل جنابت و طهارت یافته و تمام کارهای بد را مراعات نموده و ماه حرام و مسجد الحرام(1) همه را (انجام داده)؛ می گویند هر کس آن مرد را کاملاً با مشخصات بشناسد و در قلبش ثابت شود، میتواند دیگر عملی انجام ندهد و کوشش در کارها ننماید؛ اگر او را بشناسد، همه این اعمال بدون انجام دادن از او قبول شده است (در وقت خود آن عمل).

آنها می گویند، کارهای بدی که خدا نهی نموده از قبیل شراب، قمار، ربا و خون و مردار و گوشت خوک، مردی است. میگویند آنچه خدا حرام نموده از ازدواج با مادران و دختران(2)

و عمه ها و خاله ها و دختران برادر و دختران خواهر و آنچه بر مؤمنین ازدواج آنها را حرام نموده (منظورش ازدواج با زنان پیامبر است) بقیه هم حلال هستند. شنیده ای که آنها چند نفری، پیاپی با یک زن همبستر میشوند و شهادت به دروغ می دهند.

آنها می گویند، برای محرمات دین یک ظاهری است و یک باطن که آن را می دانند، ظاهر همان است که از آن خودداری می شود و به واسطه دفاع از خویش ظاهر را انجام میدهند، اما باطن همان چیزی است که آنها جویا هستند و به گمان خودشان، به همان نیز مأمورند.(3)

1- . در مختصر بصائر الدرجات بیت الحرام هم آمده است.
2- . در مختصر بصائر الدرجات «أخوات» (خواهران) نیز آمده است.
3- . این گفتار شبیه گفتار باطنی ها و ملحدین است کسانی که دین خدا را به بازی و سخره گرفته اند؛ احکام خدا را ترک و از حدود او تجاوز نمودند، پس گمراه شده و بسیاری از مردم را گمراه نمودند. در ابتدای ظهور

اسلام، گروهی بودند که کلمات را از مواضع خود برمیگرداندند و به خاطر ریاست و تفرقه بین مسلمانان، به دنبال متشابهات کلام خدا و پیامبر و ائمه علیهم السّلام بودند و گروهی از آنان خطابیه نامیده میشدند که معتقد به امثال این گمراهیها بوده و مردم را از راه راست خارج می کردند.

بالاخره در نامه خود از اعتقاد آنها بسیار در شگفت شده بودی و سؤال کرده بودی: آیا حلال است یا حرام و جویای تفسیر این مرام شده بودی. اینک برای تو توضیح میدهم تا رفع شک و شبهه شود.! درست دقت کن برایت در این نامه تفسیر میکنم، چنانچه خداوند میفرماید: «وَ تَعِیَها أُذُنٌ واعِیَهٌ»(1)،

{و گوشهای شنوا آن را نگاه دارد. } حرام و حلال آن را بیان خواهم کرد و کاملا معرفی میکنم تا دیگر در این مورد اشکالی برایت باقی نماند، ان شاء اللّه لا قوه الا باللّه و القوه للّه جمیعا.

آنچه سؤال کرده بودی، کسی که چنین اعتقادی داشته باشد، در نزد من مشرک به خدا است و شکی در شرک او نیست. این اعتقاد از گروهی سرچشمه گرفت که نفهمیدند رهبر آنها چه می گوید و شعور درک آن را نداشتند و متوجه نشدند میزان سخن چیست. این دستورات را با عقل و درک خویش حد و اندازه گیری کردند و از روی افترا و کذب بر خدا و پیامبرش و جرأت در تبهکاری و گناه، مطابق دستور و فرمان خدا قرار ندادند. همین در اثبات جهل و نادانی آنها کافی است. اگر در همان حدودی که برای ایشان قرار داده شده بود، قبول می کردند، اشکالی پیش نمی آمد.

به تو گوشزد میکنم که خداوند برای این مقررات حدودی قرار داده تا کسی از آن تجاوز نکند. اگر سخن آنها صحیح باشد مردم معذور خواهند بود. در اطلاع نداشتن از مقررات دین، مقصر و متجاوز هر دو معذورند اما چنین نیست؛ مقررات دارای حد و حدودی است که هر کس تجاوز نماید مشرک و کافر است. در این آیه میفرماید: «تِلْکَ حُدُودُ اللَّهِ فَلا تَعْتَدُوها وَ مَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ»(2)، {این

است حدود احکام الهی پس از آن تجاوز مکنید و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند، آنان همان ستمکارانند. } اینک برای تو حقایق آنها را بازگو میکنم.

1- . حاقه / 12
2- . بقره / 229

خداوند اسلام را به عنوان دین برای خود و مردم پذیرفت. جز این راه از کسی چیزی نمی پذیرد. بر همین آئین، انبیا و پیامبران را فرستاده، سپس فرمود: «وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلَ»(1) ، {و آن [قرآن] را به حق فرود آوردیم و به حق فرود آمد.} و بر آن و به آن پیامبران و فرستادگان و پیامبرش، محمد را مبعوث کرد. مهمترین قسمت دین(2) شناخت انبیا و ولایت آنها است، در ضمن خداوند کارهایی را حلال و کارهایی را تا ادامه قیامت حرام نموده؛ شناخت پیامبران و اطاعت و ولایت آنها حلال است. حلال چیزی است که آنها جایز بدانند و حرام چیزی است که آنها حرام بدانند. پایه های اصلی آنهایند. از ایشان شاخه حلال به وجود آمده، این است کوشش آنها و از مأموریت های ایشا،ن یکی آن است که پیروان و اهل ولایت خود را امر به کارهای حلال میکنند، مثل نماز خواندن، زکات دادن، روزه ماه رمضان، و حج و عمره، تعظیم دستورات و مشاعر و احترام به خانه خدا و مسجد الحرام و ماه حرام و طهارت و غسل جنابت و تمام کارهای پسندیده و اخلاق نیکو.

خداوند در قرآن کریم میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى وَ يَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»(3) ، {در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد. به شما اندرز می دهد، باشد که پند گیرید.} دشمنان پیامبر همان حرام واقعی هستند و پیروان آنها داخل در امرشان هستند تا روز قیامت، و آنها فواحش و کارهای ناپسند پنهان و آشکارند: شراب و قمار، زنا و ربا، خون، مردار و گوشت خوک.

آنها حرام واقعی و اصل هر حرامی و شر واقعی و اصل هر شری هستند؛ از آنها تمام بدیها جوانه زده است. از همین شاخه است، حرام ها و حلال شمردن کارهای ناشایست از جمله تکذیب انبیاء و انکار اوصیا و انجام کارهای زشت

1- . إسراء / 105
2- . در مختصر بصائر الدرجات «اصل دین» آمده است.
3- . نحل / 90

چون: زنا و دزدی و شراب خمر و مُسکر(1) و خوردن مال یتیم و ربا و نیرنگ و خیانت و انجام تمام کارهای حرام و تبهکاری. با اینکه خداوند امر به عدل و احسان و پیوند خویشاوندی - که منظور خویشاوندان پیامبر و پیروی از آنها است - و نهی از کارهای زشت و منکر و ستمکاری میکند. آنها دشمنان انبیاء و جانشینان انبیایند؛ دوستی و اطاعت از آنها را حرام نموده، خداوند این پند را به شما میدهد شاید متوجه شوید.

اگر من به تو میگویم، کار زشت و شرابخواری و قمار بازی و زنا و مردار و خون و گوشت خوک مردی است، با اینکه من توجه دارم که خداوند این ریشه و شاخه اش را حرام نموده و نهی کرده، و ارتباط با او را مانند بت پرستی و کفر دانسته و هر کس مردم را دعوت به اطاعت خود نماید، مانند فرعون است که گفت: «أَنَا رَبُّکُمُ الْأَعْلی»(2)، {پروردگار

بزرگتر شما منم.} تمام اینها بنا بر یک وجه است. من میگویم او چون شخصی است و با پیروانش رهسپار جهنم مي شود. آنها مصداق این آیه هستند: «إِنَّما حَرَّمَ عَلَیْکُمُ الْمَیْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِیرِ»(3)، {جز این نیست که [خدا] مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را حرام گردانیده است.} راست است و همه آنچه گفته ام صحیح و درست است، حتی اگر معرفی کنم که فلان کس است (و بگویم) فلانی معبودی است که تجاوز از حدود خدا که ممنوع است نموده، باز درست گفته ام.

به تو گوشزد میکنم که ریشه دین و پایه آن، مردی است، یک نفر است و آن یک نفر یقین و ایمان است. او پیشوای مردم و اهل زمان است. هر که او را بشناسد خدا و دینش را شناخته و هر که منکر او شود منکر خدا و دینش گردیده؛ و جاهل به امام، جاهل به خدا و دین اوست. دین و آئین و حدود پروردگار شناخته نمی شود مگر به وسیله آن امام.

1- . در مصدر به جای «المسکر»، «المنکر» آمده است.
2- . نازعات / 24
3- . نحل / 115 و بقره / 173

به همین جهت میگویم، شناختن مردانی معین و مشخص، دین خدا است. این شناختن دو نوع است: نوع اول، شناخت واقعی با بصیرت که به وسیله این معرفت راه خدا را تشخیص دهد و به معرفت خدا برسد. این معرفت که ثابت است و عارف به این اوصاف، موجب ستایش است و باید خدا را بر این عرفان که یک موهبت الهی است که با معرفت ظاهری به هر کس بخواهد میدهد، سپاس گوید.

نوع دوم، معرفت ظاهری است. اینها کسانی هستند که ما را بر حق میدانند اما دارای بصیرت اهل معرفت باطن نیستند و هرگز با آن معرفت ظاهری به شناخت واقعی خدا نمیرسند، چنانچه در این آیه میفرماید: «وَ لا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ»(1)، {و کسانی که به جای او می خوانند [و می پرستند] اختیار شفاعت ندارند مگر آن کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند. } پس کسی که به ظاهر گواه بر حق باشد ولی قلب او چنین گواهی را ندهد و بصیرت در مورد گفته خود نداشته باشد، هرگز به او پاداشی مانند کسی که دارای ایمان قلبی و بصیرت است نمیدهند. همین طور است کسی که سخن به جور و ستم بگوید ولی از اعماق قلبش نباشد، عقاب و کیفر او مانند کسی که همین سخن را از روی اعتقاد میگوید و بر آن عقیده قلبی دارد، نیست. اینک وضع اشخاصی را که دارای معرفت ظاهری هستند و اقرار به حق دارند، اما نه از روی علم، در گذشته و آینده تا زمان به پیامبر اکرم و پس از او را فهمیدی تا ببینی معرفت آنها به چه کسی منتهی میشود؟! چنین اشخاصی از اعمال و دیانتشان شناخته میشوند؛ نیکوکار به وسیله نیکوکاری و تبهکار با تبهکاریش. گفته اند هر کس بدون بصیرت و یقین داخل در امر ولایت شود، همان طور نیز خارج خواهد شد.

خداوند به من و تو معرفت با بصیرت ارزانی فرماید.

توجه داشته باش که اگر گفتم نماز و زکات و روزه ماه رمضان و حج و عمره و مسجد الحرام و خانه خدا و مشعر الحرام و طهارت و غسل جنابت و هر واجبی پیامبر است که این دستورات را از جانب خدا آورده، حرف صحیحی زده ام زیرا تمام این دستورات به وسیله پیامبر شناخته شده است. اگر معرفت پیامبر و ایمان به او و

1- . زخرف / 86

تسلیم نسبت به فرمانش نباشد، این دستورات شناخته نخواهد شد؛ این منتی است از خدا که بر هر کسی که بر او منت گذارده، عطا کرده و اگر آن نبود، چیزی از آن شناخته نمی شد.

پس تمام اینها (اصل و فرع او) پیامبر است. مرا دعوت به دین نمود و راهنمایی کرد و شناساند و امر به این دستورات نمود و فرمانبرداری را به من واجب کرد و شناختن او برایم لازم شد. چگونه ممکن است کسی را که واسطه بین من و خدا است، نشناسم؟چگونه میتوانم بگویم دین غیر از پیامبر است، با اینکه او دین را از جانب خدا برایم آورده، و چطور این شناختن شخص نیست با اینکه همان شخص دین را از جانب خدا آورده است. منکر دین کسی است که منکر پیغمبر باشد. گفتند: «أَ بَعَثَ اللَّهُ بَشَراً رَسُولاً»(1)

، {آیا خدا بشری را به سمت رسول مبعوث کرده است؟} باز گفتند: «أَ بَشَرٌ یَهْدُونَنا»(2)،

{آیا بشری ما را هدایت می کند؟} منکر او شدند و تکذیب نموده، گفتند: «لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ مَلَکٌ»(3)، {چرا فرشته ای بر او نازل نشده است؟} خداوند فرمود: «قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْکِتابَ الَّذِی جاءَ بِهِ مُوسی نُوراً وَ هُدیً لِلنَّاسِ»(4) ، {بگو چه کسی آن کتابی را که موسی آورده است نازل کرده [همان کتابی که] برای مردم روشنایی و رهنمود است.} سپس در آیه دیگر میفرماید: «وَ لَوْ أَنْزَلْنا مَلَکاً لَقُضِیَ الْأَمْرُ ثُمَّ لا یُنْظَرُونَ * وَ لَوْ جَعَلْناهُ مَلَکاً لَجَعَلْناهُ رَجُلاً»(5)، {و اگر فرشته ای فرود می آوردیم قطعا کار تمام شده بود، سپس مهلت نمی یافتند و اگر او را فرشته ای قرار می دادیم، حتما وی را [به صورت] مردی در می آوردیم.} خداوند میخواهد به وسیله مردان شناخته شود و با پیروی از آنها، اطاعت او را کرده باشند و راه آن مردان را راه خویش و وجهش قرار داده که از آن به جانب خدا می روند. به جز این

1- . إسراء / 94
2- . تغابن / 6
3- . انعام / 8
4- . همان / 91

5- . همان / 8 و 9

از کسی نمی پذیرد و از او نمیتوان بازخواست کرد، و مردم مورد بازخواست قرار میگیرند.

خداوند در این آیه علاقه خود را به پیروی از پیامبر بیان میکند: «مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّی فَما أَرْسَلْناکَ عَلَیْهِمْ حَفِیظاً»(1)، {هر

کس از پیامبر فرمان برد، در حقیقت خدا را فرمان برده و هر کس روی گردان شود، ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده ایم. }

کسی که معتقد باشد تمام این واجبات شخص است و بفهمد منظور از این حرف چیست، راست گفته، اما کسی که این سخن را بدون پیروی از دستورات میگوید و چنگ به اصل میزند اما فروع را ترک میکند، اشتباه کرده و بهره ای نمی برد؛ چنانچه تنها شهادت به لا اله الا اللّه بدون شهادت به رسالت محمّد مصطفی کافی نیست. خداوند هر پیامبری را که مبعوث کرده، مأمور به کار نیک و دادگری و اخلاق پسندیده و اعمال نیکو و خودداری از کار زشت پنهان و آشکارا نموده است و فواحش پنهان، ولایت پیشوایان ستمگر و فواحش آشکارا، شاخه های این ولایت و پیروی است و هرگز پیامبری را مبعوث نکرده که دارای امر و نهی نباشد. خداوند از بندگان عبادتها و فرائض را با حدودی که دارد، به شرط شناخت کسی که اینها را آورده و دعوت به سوی خدا میکند، میپذیرد. اولین واجب، شناختن او است، بعد پیروی از دستوراتش. هر که بشناسد اطاعت میکند و هر که اطاعت کرد، حرام ظاهری و باطنی را میشناسد و نمی تواند باطن را حرام بداند و ظاهر را حلال. ظاهر که حرام شده، به واسطه باطن بوده و باطن نیز با ظاهر؛ هر دو حرام است. نمی تواند اصل و شاخه هایش با باطن حرام، حرام باشد ولی ظاهرش حلال؛ هرگز ظاهر حلال، باطن را حرام نمی کند. همین طور ممکن نیست نماز باطنی را بشناسد ولی نماز ظاهر را نشناسد، و نه زکات و روزه و حج و عمره و مسجد الحرام و تمام دستورات و شعائر مذهبی و نه اینکه ترک معرفت باطن کند، زیرا باطن همان ظاهر است. صحیح نیست هیچ کدام ترک شود. اگر باطن حرام و ناپاک باشد، ظاهر نیز شبیه آن است.

1- . نساء / 80

هر کس خیال کند فقط معرفت و شناخت لازم است و پس از شناخت احتیاج به عمل ندارد، دروغ گفته و مشرک است. چنین شخصی نه عرفان دارد و نه اطاعت کرده، گفته اند: إعرف و اعمل ما شئت من الخیر، زیرا کار نیک بدون معرفت پذیرفته نمیشود. وقتی عرفان پیدا کردی، هر چه مایلی برای خود از اطاعت و فرمانبرداری انجام ده، کم یا زیاد پذیرفته می شود.

دقت کن! هر کس عارف باشد مطیع است. وقتی عرفان یافت نماز میخواند، روزه میگیرد، عمره انجام می دهد و تمام دستورات را احترام میگذارد و ترک هیچ کدام را نمیکند. تمام کارهای نیک و مکارم اخلاق را انجام میدهد و از بدیها پرهیز میکند. پایه تمام اینها پیامبر است، زیرا او آورده و راهنمایی کرده و از کسی نمی پذیرد مگر با شناخت او؛ و هر که او را بشناسد، از کبائر اجتناب میورزد و فواحش را حرام میداند. ظاهر و باطن تمام محرمات را حرام میداند زیرا با شناختن پیامبر و اطاعت او وارد دستورات دین شده و از چیزهای حرام اطلاع یافته است. هر کس چیزی را بدون معرفت پیامبر حلال یا حرام بداند، هرگز در راه خدا نه حلالی را حلال و نه حرامی را حرام دانسته. هر کس نماز، زکات، حج و عمره و تمام این دستورات را بدون معرفت کسی که آنها را واجب کرده انجام دهد، ذره ای از او قبول نمیکنند؛ نه نماز خوانده و نه زکات داده و نه حج رفته و نه عمره و نه غسل جنابت کرده و نه طهارت، نه حرامی را برای خدا مراعات نموده و نه حلالی را، او اهل نماز نیست گر چه رکوع و سجود کرده باشد و اهل پرداخت زکات نیست گر چه از هر چهل درهم یک درهم داده باشد.(1) هر که پیامبر را بشناسد و مطیع او باشد، از خدا اطاعت کرده است.

اما آنچه نقل کردی که آنها ازدواج با خویشاوندی را که خدا در قرآن حرام نموده حلال می دانند، آنها چنین گمان میکنند که خداوند به خاطر حرمت ازدواج با خویشاوندان، ازدواج با زنان پیامبر را نیز حرام نموده و شایسته ترین کاری که انجام

1- . در مختصر بصائر الدرجات این کلمات اضافه شده است: «و نه حجی دارد و نه عمره ای و خداوند تمام اینها را به معرفت آن مرد میپذیرد و آن مرد کسی است که خدا مردم را به اطاعت و تبعیت از او امر کرده است.

میدهد، بزرگداشت حق خدا و احترام پیامبر و مقام او است. و آنچه بر پیروان خود و ازدواج با زنان پیامبر حرام نموده، در این آیه است: «وَ ما کانَ لَکُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لا أَنْ تَنْکِحُوا أَزْواجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَداً إِنَّ ذلِکُمْ کانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِیماً»(1)، {و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید و مطلقا [نباید] زنانش را پس از [مرگ] او به نکاح خود درآورید چرا که این [کار] نزد خدا همواره [گناهی] بزرگ است.} و در این آیه فرموده: «النَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَزْواجُهُ أُمَّهاتُهُمْ»(2)، {پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است و همسرانش مادران ایشانند.} پس پیامبر به منزله پدر آنها است، بعد میفرماید: «وَ لا تَنْکِحُوا ما نَکَحَ آباؤُکُمْ مِنَ النِّساءِ إِلَّا ما قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ کانَ فاحِشَةً وَ مَقْتاً وَ ساءَ سَبِیلاً»(3)، {و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده اند نکاح مکنید مگر آنچه که پیشتر رخ داده است، چرا که آن زشتکاری و [مایه] دشمنی و بد راهی بوده است.}

پس هر کس ازدواج با زنان پیامبر را حرام بداند، ازدواج با کسانی را که خدا در قرآن حرام فرموده، حرام دانسته است که آنها عبارتند از مادران و دختران و خواهران و عمه ها و خاله ها و دختران برادر و دختران خواهر و آنچه از راه شیرخوارگی حرام شده، زیرا حرمت اینها مانند حرمت زنان پیامبر است.

کسی که ازدواج با مادران و دختران و خواهران و عمه ها را به خاطر حرمت ازدواج با زنان پیامبر حرام بداند و بقیه زنانی را که خداوند حرام کرده حلال بداند، مشرک است زیرا از خود دین ساخته است.

اما آنچه تذکر داده بودی که شیعه چند نفری با یک زن همبستر میشوند! به خدا پناه میبرم که چنین کاری راه و روش خدا و پیامبر باشد. دین خدا آن است که حلال را حلال بدانی و حرام را حرام بدانی. از جمله چیزهایی که خداوند حلال نمود، متعه زنان در قرآن و متعه در حج است این دو را که حلال نموده و بعداً نیز تحریم نکرده است. وقتی شخص مسلمانی تصمیم بگیرد زنی را صیغه کند، مطابق

1- . احزاب / 53
2- . همان / 6
3- . نساء / 22

دستور خدا و سنت پیامبر رفتار کرده، این یک ازدواج است نه زنا، وقتی هر دو راضی به مبلغ و مدت گردند؛ چنانچه خداوند در این آیه می فرماید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَ لا جُناحَ عَلَيْكُمْ فِيما تَراضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ»(1) {و زنانی را که متعه کرده اید، مهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید و بر شما گناهی نیست که پس از مدت مقرر با یکدیگر توافق کنید. }

اگر هر دو مایل بودند به همان مبلغ مدت را طولانی کنند، روز آخر قبل از غروب آفتاب، هر چه مایلند به مدت می افزایند، اما در صورتی که روز آخر سپری شد، دیگر نمی توانند اضافه کنند مگر با صیغه جدیدی. بین آن دو عده نیست مگر مرد دیگری بخواهد با او همبستر شود که در این صورت چهل و پنج روز عدّه نگه میدارد. در چنین ازدواجی میراث نیست. و سپس اگر خواست، با مرد دیگری ازدواج میکند و این کار برای آنها تا روز قیامت حلال است؛ با هفت نفر یا با بیست نفر تا وقتی زنده بود(2) تمام اینها برای هر دو ، طبق حدودی که خدا معین نموده، حلال است.

اگر خواستی در حج متعه انجام دهی، از عقیق احرام ببند و نیت متعه کن. هر وقت وارد مکه شدی، طواف خانه را میکنی و استلام حجر الاسود می نمایی و با هفت دور تمام، طواف میکنی؛ پس دو رکعت نماز در مقام ابراهیم میگزاری، بعد از خانه خدا خارج میشوی و سعی بین صفا و مروه را انجام میدهی، هفت مرتبه از صفا شروع و بمروه ختم مینمایی؛ پس از انجام این کار تقصیر میکنی تا روز هشتم که روز ترویه است. آنگاه همان کاری را که در عقیق انجام دادی تکرار میکنی و بعد بین رکن و مقام احرام حج می بندی، همین طور محرم هستی تا به موقف برسی. سپس رمی جمره و قربانی میکنی و سر میتراشی، آنگاه از احرام خارج می شوی؛ سپس غسل میکنی و به زیارت خانه خدا میروی. وقتی چنین کاری را کردی از

1- . همان / 24
2- . در مختصر بصائر الدرجات این گونه آمده است: «اگر آن زن خواست، از او برای همیشه، تمتع میجوید و اگر خواست، از بیست نفر، بعد از اینکه عده هر کدام را نگه داشت، چهل و پنج روز جدا می شود و برای اوست تا زمانی که زنده است».

احرام خارج شده ای. این است آیه: «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَهِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ»(1) {پس هر کس از [اعمال] عمره به حج پرداخت، [باید] آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند]} ذبح کند.}

اما آنچه نوشته بودی که آنها گواهی دادن به نفع یکدیگر را به ضرر دیگری حلال میدانند، این صحیح نیست مگر این آیه: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهادَهُ بَيْنِكُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّهِ اثْنانِ ذَوا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِی الْأَرْضِ فَأَصابَتْكُمْ مُصِيبَهُ الْمَوْتِ» {ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که یکی از شما را [نشانه های] مرگ دررسید، باید از میان خود دو عادل را در موقع وصیت به شهادت میان خود فرا خوانید؛ یا اگر در سفر بودید و مصیبت مرگ شما را فرا رسید} وقتی در سفر بود و مشرف به مرگ شد، دو نفر عادل از هم کیشان خود را شاهد میگیرد، اگر نیافت، دو نفر قاری قرآن گرچه هم مذهب با او نباشند: «تَحْبِسُونَهُما مِنْ بَعْدِ الصَّلاهِ فَيُقْسِمانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لا نَشْتَرِی بِهِ ثَمَناً قليلا وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبى وَ لا نَكْتُمُ شَهادَهَ اللَّهِ إِنَّا إِذاً لَمِنَ الْآثِمِينَ * فَإِنْ عُثِرَ عَلى أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْماً فَآخَرانِ يَقُومانِ مَقامَهُما مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلَيانِ - از هم کیشانش - فَيُقْسِمانِ بِاللَّهِ لَشَهادَتُنا أَحَقُّ مِنْ شَهادَتِهِما وَ مَا اعْتَدَيْنا إِنَّا إِذاً لَمِنَ الظَّالِمِينَ * ذلِكَ أَدْنى أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهادَهِ عَلى وَجْهِها أَوْ يَخافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمانٌ بَعْدَ أَيْمانِهِمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْمَعُوا»،(2)

{[و شاهد مسلمان نبود] دو تن از غیر [همکیشان] خود را [به شهادت بطلبید] و اگر [در صداقت آنان] شک کردید، پس از نماز آن دو را نگاه می دارید، پس به خدا سوگند یاد می کنند که ما این [حق] را به هیچ قیمتی نمی فروشیم هر چند [پای] خویشاوند [در کار] باشد و شهادت الهی را کتمان نمی کنیم که [اگر کتمان حق کنیم] در این صورت از گناهکاران خواهیم بود؛ و اگر معلوم شد که آن دو دستخوش گناه شده اند، دو تن دیگر از کسانی که بر آنان ستم رفته است و هر دو [به میت] نزدیکترند به جای آن دو [شاهد قبلی] قیام کنند، پس به خدا سوگند یاد می کنند که گواهی ما قطعا از گواهی آن دو درست تر است و [از حق] تجاوز نکرده ایم چرا که

1- . بقره / 196

2- . مائده / 106 - 108

[اگر چنین کنیم] از ستمکاران خواهیم بود. این [روش] برای اینکه شهادت را به صورت درست ادا کنند یا بترسند که بعد از سوگندخوردنشان سوگندهایی [به وارثان میت] برگردانده شود [به صواب] نزدیکتر است و از خدا پروا دارید و [این پندها را] بشنوید و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند.} پیامبر اکرم با شهادت یک نفر و قسم مدعی حکومت میکرد و حق مسلمانی را از بین نمیبرد و شهادت مؤمن را رد نمیکرد. وقتی شهادت یک نفر با قسم مدعی همراه میشد، به نفع او قضاوت می نمود. ولی (آنها) به این قضاوت پیامبر عمل نمیکنند.(1)

اگر مردی مسلمان حقی بر کسی داشته باشد و جز یک شاهد نداشته باشد، در صورتی که شکایت به قاضیان جور کند، حقش را باطل میکنند و طبق قضاوت پیغمبر رفتار نمیکنند. صحیح این است که حق یک مسلمان از میان نرود و خداوند به دست او حق آن مرد مسلمان را خارج کند، که پاداش خواهد برد و احیای عدالت کرده، و پیامبر همین طور عمل میکرد.

اما آنچه در آخر نامه خود ذکر نموده ای که آنها خیال میکنند خداوند همان پیامبر است و تو گفتار آنها را شبیه گفتار عیسویان در باره حضرت عیسی دانسته ای! میدانی که سنت ها و امثال همیشه هست؛ هر چه در گذشته بود، در آینده نیز به وقوع خواهد پیوست، حتی اگر گوسفندی به ریسمانی بسته شده بوده، عین آن اتفاق خواهد افتاد. بدان که گروهی به واسطه گمراهی کسانی که جلوتر از آنها گمراه شده اند، گمراه خواهند شد.

خواسته بودی این مطلب را برایت توضیح بدهم که منظور چیست. دقت کن!

خداوند جهانیان را آفرید و شریکی هم ندارد. آفرینش و امر و دنیا و آخرت در اختیار او است. او آفریننده هر چیز است. خواست مردم او را به وسیله انبیاء بشناسند و به وسیله ایشان نیز حجت را بر آنها تمام کرد.

پیامبر اکرم که راهنمای به سوی خداست، بنده ای مخلوق و دارای پروردگار است. خداوند او را به رسالت خویش برگزیده و اکرام کرده و خلیفه خویش در میان

1- . یعنی به این قضاوت پیامبر عمل نمی کنند و بنا بر این، ما بعد آن، تفسیر آن است و محال است که عبارت «یعمل بهذا» صحیح باشد یعنی پیامبر به این قضاوت عمل می کند.

مردم قرار داده و زبان گویای خدا در بین مردم و امین خدا بر آنها و نگهبان او در آسمانها و زمین است. گفتار او گفتار خداست. در باره خدا جز حقیقت نمیگوید. هر که مطیع او باشد از خدا اطاعت کرده، و نافرمان او نافرمان خداست. او مولای هر کسی است که خدا پروردگار اوست. هر که به اطاعت پیامبر اقرار ندارد، از اطاعت خدا و بندگی او امتناع ورزیده، و هر که اقرار به اطاعت پیامبر کند، از خدا اطاعت نموده و هدایت یافته است. پیامبر اکرم مولای جهانیان است، چه او را بشناسند و چه انکار کنند و پدر مهربان است. هر که مطیع و دوستدار او باشد فرزندی نیکوکار و پرهیزگار از گناهان است.

آنچه سؤال کرده بودی توضیح دادم. من میدانم گروهی این امتیازات ما را شنیده اند ولی درک نکرده اند و آنها را تغییر داده و بر غیر حدود اصلی قرار داده اند، مانند آنچه تو شنیده ای. خدا و پیامبرش از گروهی که اعمال زشت خود را به وسیله ما حلال میشمارند، بیزارند. مردم کارهای آنها را سبب خرده گیری بر ما قرار داده اند. خداوند بین ما و آنها حکومت خواهد کرد. او در قرآن کریم میفرماید: «الَّذِینَ یَرْمُونَ الْمُحْصَناتِ الْغافِلاتِ الْمُؤْمِناتِ لُعِنُوا فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ * یَوْمَ تَشْهَدُ عَلَیْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ أَیْدِیهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ بِما کانُوا یَعْمَلُونَ * یَوْمَئِذٍ یُوَفِّیهِمُ اللَّهُ - اعمالهم السیئه(1)- دِینَهُمُ الْحَقَّ وَ یَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِینُ»(2) {کسانی که به زنان پاکدامن بی خبر [از همه جا] و با ایمان نسبت زنا می دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده اند و برای آنها عذابی سخت خواهد بود، در روزی که زبان و دستها و پاهایشان بر ضد آنان برای آنچه انجام می دادند شهادت می دهند، آن روز خدا جزای شایسته آنان را به طور کامل می دهد و خواهند دانست که خدا همان حقیقت آشکار است.}

1- . آیه این گونه است: «یَوْمَئِذٍ یُوَفِّیهِمُ اللَّهُ دِینَهُمُ الْحَقَّ» پس عبارت «اعمالهم السییئه» تفسیر برای دین است، یا به تنهایی یا با تقدیر گرفتن یک مضاف یعنی جزاء اعمالهم السیئه و ظاهرا این تصحیفی از سوی نساخ است و در مختصر بصائر الدرجات، مانند قرآن ذکر شده است.
2- . نور / 22 - 25

اما نوشته تو و امثال آن که میترسیدی که صفات آنها از صفات او گرفته شده باشد، پروردگار عزیز او را از انتساب به چنین صفاتی گرامی داشته. خدا برتر از آن چیزی است که آنها می گویند. صفت «مَن» صفت صاحبمان است که برایش توصیف نمودم، ما از او استفاده کرده ایم. خدا بهترین پاداش را به او عنایت کند، پاداش او بر خدا است. در این نامه دقت کن. قدرت و نیرو در اختیار خدا است.(1)

توضیح: فیروز آبادی گفته است: ردفت النجوم یعنی توالت (در پی هم بودن)؛ ترادفا: تعاون و انضمام به یکدیگر و تتابع (پی در پی). عبارت «هو الحلال المحلل ما احلوا» یعنی شناختن آنها حلال را، که سبب حلال شمردن تمام حلالها و حرام شمردن تمام حرامها است. «و ذلک سعیهم» یعنی فروع حلال که از سعی آنها حاصل و از بیانشان شناخته می شوند و شاید «من شعبهم» باشد. «فهم الواحش» آنها خمر و قمار و فواحش غیر از این ها آشکارا و پنهان که خمر و قمار و غیر آن آشکارند و آنها پنهانند. «و انا اعلم» جمله حالیه است و «لصدقت» جواب شرط است و بعضی از جمله معترضه است و در بعضی از نسخ «و لصدقت» آمده است و عبارت «فهذا» تمامش جزای شرط است. «انما عرفوا» یعنی اهل معرفت و اوصیاء و «کیف یستقیم لی» یعنی صحیح نیست که من بگویم، دین غیر از نبی است مگر اینکه بگویم، دین من آن است که پیامبر برایم آورده است و تا زمانی که دینم را منسوب به نبی نکنم، دینم صحیح نیست. پس بنابر این، صحیح است که گفته شود، دین و اصل آن، همان مرد است؛ همچنان که هر کسی دین را انکار کند، اولا پیامبر را انکار کرده و بعد دینش را. ضمیر در «هو یعرف» به موصول برمیگردد، یعنی این کلام را بر وجهی که ما گفتیم، میگوید. و «باطن الحرام حرام» جمله حالیه است یعنی اصل و فروع با این قول نیست. و عبارت «یستحل الظاهر» نیز جمله حالیه است. عبارت «هو أب لهم» در قرائت اهل بیت این گونه آمده است، همانطور که خواهد آمد. عبارت «فمن حرم نساء النبی» یعنی حرمت زنان پیامبر، به خاطر حرام کردن خدا آن را، مستلزم تحریم سایر زنان است زیرا همان طور که خدا در قرآن زنان پیامبر را حرام کرده، سایر محرمات را نیز تحریم نموده است؛ پس هر کس فقط

1- . بصائر الدرجات : 154 تا 157

قائل به تحریم زنان پیامبر شود، شرک ورزیده و قرآن را انکار کرده است. شرح سایر فقرات روایت، در باب خودش خواهد آمد و این خبر خالی از تشویش نیست و نسخه هایی که نزد ماست، صحیح نمی باشد؛ همانطور که یافتیم، آوردیم و مقصود از حدیث، برای تأمل کننده، روشن است.

2. منتخب البصائر: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که گفتم: این آیه را شما بهتر میدانید: «فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً»(1)، {در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم. }

فرمود: فرمانبرداری خدا و معرفت پیامبر و ولایت آنها حلال است. حلال چیزی است که آنها حلال بدانند، تا آخر خبر.(2)

3. رجال کشی: بشیر دهان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام به ابو الخطاب نوشت: شنیده ام تو عقیده داری، زنا مردی و شراب مردی و نماز مردی و روزه مردی است و فواحش مردی است؛ آن طور که تو میگویی نیست. من ریشه و اصل حق هستم، فروع و شاخه های آن فرمانبرداری از خداست؛ دشمن ما نیز ریشه شر است و شاخه هایش کارهای بد است.

چگونه میتوان از کسی که او را نمیشناسی فرمانبرداری کرد و از کجا، کسی که اطاعت از او نمیشود، شناخته می شود ؟ !(3)

توضیح: مرحوم سید داماد فرموده است: دو وجه در آن است؛ اول اینکه طاعه جمع طائع یا طیّع است همان طور که ساده جمع سید است و قاده جمع قائد و ساقه جمع سائق، بنا بر این شاخه های حق شیعه است و معنی کلام این است که من ریشه حق هستم و فروع حق، شیعیان ما؛ همانا آنها طیعون و طائعون و مطیعون خدایند. دوم اینکه اسم جنس باشد که منظور جنس طاعات و حسنات است یا مصدر باشد یعنی اطاعت خدا و تعبد او در عباداتی که دستور داده و نهی از معاصی؛

1- .[1] نساء / 54
2- . مختصر بصائر الدرجات : 78 و 88

3- . رجال کشی : 188

در این صورت مضاف به ضمیر در اسم «إنّ» مقدر است و تقدیرش این است که شناخت حق ما و داخل شدن در ولایت ما، ریشه حق و پایه دین است و فروع حق و متممات دین، انواع طاعات و عبادات و امتثال اوامر خدا و ترک نواهی اوست. فواحش نیز همین طور است؛ یا به معنی طواغی جمع طاغیه (با هاء برای مبالغه است نه با تاء تأنیث) است، پس هر عمل زشتی و هر طغیانی که از حد تجاوز کند، این از باب مبالغه، فاحشه و طاغیه است. پس معنا این می شود که دشمنان ما ریشه شر و پایه گمراهیند و فروع آنها (فواحش و طواغی) از اصحاب گمراهی و ضلالت هستند؛ و یا به معنی فاحشات از گناهان و سیئات از معاصی است؛ یعنی داخل شدن در دشمنان ما و به سلک آنها درآمدن، ریشه شر و گمراهی در دین است و فروع آنها، اعمال زشت و گناهان هلاک کننده است. و عبارت «و کیف یطاع من لا یعرف» به صورت مجهول، یعنی معرفت خدا و اطاعت از او بدون دیگری حاصل نمی شود؛ همان طوری که کسی که عزت و جلال او را نشناسند، او را اطاعت نکرده و کبریا و مجد و عظمت کسی که اطاعت نشود، شناخته نمی گردد. پایان کلام مرحوم سید داماد.

مولف: چون روایت گذشته، شرح این روایت است، ما متعرض شرح آن نشدیم.

4. رجال کشی: حمادی سند به حضرت صادق علیه السّلام میرساند که به ایشان عرض شد: روایت شده که شراب و قمار و آنچه به نام بتها قربانی میکردند و ازلام (1)،

مردانی هستند. فرمود: هرگز خدا به طوری که نفهمند، صحبت نمی کند. (2)

5. مناقب آل ابی طالب: ادریس بن عبد اللّٰه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد: در باره آیه: «ما سَلَکَکُمْ فِی سَقَرَ * قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ»(3)

{چه چیز ،

ص: 345

1- . در جاهلیت ده نفر جمع می شدند و شتری را میکشتند و روی ده چوبه که داخل یک کیسه بود قرعه کشی می کردند. چوب به نام الفذ یک سهم داشت، التوام دو سهم، رقیب سه سهم، حلس چهار سهم، نافس پنج سهم، مسبل شش سهم، معلی هفت سهم، و سه چوب دیگر به نامهای مختلف سهمی نداشتند. پس از قرعه کشی، هر کس سهمی را که نامش به وسیله چوب در آمده بود، برمیداشت. قیمت و پول شتر را آن سه نفری می دادند که چوبهای بدون سهم به نام آنها در آمده بود.

2- . رجال کشی : 188

3- . مدثر / 42 و 43

شما را در آتش [سقر] درآورد؟ گویند از نمازگزاران نبودیم.} فرمود: منظور این است که ما پیرو ائمه ای نبودیم که خدا در باره آنها فرموده: «وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ»،(1) {و سبقت گیرندگان مقدمند.} مگر نشنیده ای به کسی که پشت سر شخص سابق و برنده مسابقه در اسب دوانی(2) می آید، مصلی میگویند. (در اینجا) همین معنی را منظور کرده و گفته، از پیروان سابقین نبودیم.(3)

6. حضرت باقر و صادق علیهما السّلام فرمودند: «الَّذِینَ یَجْتَنِبُونَ کَبائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَواحِشَ»(4)، {آنان که از گناهان بزرگ و زشتکاریها خودداری می ورزند.} در باره آل محمّد علیهم السلام نازل شده.(5)

توضیح: شاید معنی این است که اثم و فواحش دشمنان آنهایند، یا این که ائمه علیهم السّلام از همه گناه ها و فواحش پرهیز میکنند که این لازمه عصمت است. مراد از (لمم) که در دنبال آیه است، مکروهات است.

7. بصائر الدرجات: محمّد بن منصور گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام این آیه را پرسیدم: «إِنَّما حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ»،(6)

{پروردگار من فقط زشتکاریها را چه آشکارش [باشد] و چه پنهان را حرام گردانیده است.} فرمود: قرآن دارای ظاهر و باطنی است. آنچه خدا حرام کرده، همان معنی ظاهر است ولی باطن حرامها، پیشوایان جور هستند؛ و آنچه خدا در کتاب خود حلال کرده، ظاهر آن است؛ باطنش ائمه واقعی هستند.(7)

تفسیر عیاشی: محمد بن منصور همین روایت را نقل می کند.(8)

ص: 346

1- . واقعه / 10
2- . در متن روایت کلمه «حلبه» آمده، یعنی گروهی از اسب ها که مخصوص شرط بندی است و برای مسابقه آماده می شوند.
3- . مناقب آل ابی طالب 2 : 443
4- . نجم / 32
5- . مناقب آل ابی طالب 2 : 443

6- . اعراف / 33
7- . بصائر الدرجات : 157
8- . تفسیر عیاشی 2 : 16

8. بصائر الدرجات: حفص مؤذن گفت: امام صادق علیه السّلام به ابو الخطاب نوشت: شنیده ام تو عقیده داری شراب مردی و زنا مردی و نماز مردی و روزه مردی است. آن طور که تو میگویی نیست. ما ریشه و اصل خیر هستیم. فروع و شاخه های آن فرمانبرداری از خداست؛ دشمن ما نیز ریشه شر است و شاخه هایش معصیت خدا است. سپس نوشت: چگونه میتوان از کسی که او را نمیشناسی فرمانبرداری کرد و از کجا کسی که اطاعت از او نمیشود، شناخته می شود ؟ !(1)

9. بصائر الدرجات: داود بن فرقد گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: برای هر آیه نگویید، این مردی است و این مردی. بعضی از قرآن حلال است و بعضی حرام؛ بعضی داستان پیشینیان و بعضی احکام بین شما است، و برخی خبرهای آینده است. قرآن چنین است.(2)

توضیح: یعنی به همین مقدار اکتفا نکنید، بطوری که ظاهر آن را نفی نمایید. چنانچه قبلاً گذشت، همین توصیه در باره سایر اخبار نیز هست.

10. بصائر الدرجات: حبیب خثعمی گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم، ابو الخطاب چه میگوید؟ فرمود: بعضی از گفتار او را نقل کن. گفتم در باره آیه: «إِذا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ» {و چون خدا به تنهایی یاد شود، دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند منزجر می گردد} تا آخر آیه میگوید، معنی: «إِذا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ» امیر المؤمنین است «وَ إِذا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ»(3)

، {و چون کسانی غیر از او یاد شوند، بناگاه آنان شادمانی می کنند.} فلانی و فلانی است.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: هر کس چنین حرفی بزند مشرک است و سه مرتبه تکرار کرد. و سه مرتبه تکرار کرد، من از او بیزارم. خداوند خود را در این آیه منظور نموده، منظورش خود خداست نه دیگری.

1- . بصائر الدرجات : 157
2- . همان
3- . زمر / 45

به آن جناب آیه سوره حم: «ذلِکُمْ بِأَنَّهُ إِذا دُعِیَ اللَّهُ وَحْدَهُ کَفَرْتُمْ»(1)، {این [کیفر] از آن روی برای شماست که چون خدا به تنهایی خوانده می شد کفر می ورزیدید.} را یادآوری کردم که میگوید، منظور امیر المؤمنین است.

فرمود: گوینده این حرف مشرک است و سه مرتبه تکرار نمود. و سه مرتبه فرمود: من از او بیزارم و دو مرتبه فرمود: خدا خود را در نظر داشته است.(2)

11. بصائر الدرجات: هیثم تمیمی گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: گروهی به ظاهر ایمان آورده و در باطن کافرند و بهره ای نمی برند. بعضی پس از آنها آمدند و به باطن ایمان آوردند و به ظاهر قرآن کافر شدند؛ آنها نیز بهره ای نمی برند. ایمان به ظاهر صحیح نیست مگر با باطن، و به باطن نیز درست نیست مگر با ظاهر.(3)

12. تفسیر عیاشي: عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «حافِظُوا عَلَی الصَّلَواتِ وَ الصَّلاهِ الْوُسْطی وَ قُومُوا لِلَّهِ قانِتِینَ»(4) ، {بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید و خاضعانه برای خدا به پا خیزید.} فرمود: یعنی در راه اطاعت ائمه علیهم السّلام بپا خیزید.(5)

13. تفسیر قمی: «حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ»

فرمود: ائمه جور از آنهایند.(6)

14. کنز الفوائد: داود بن کثیر گفت: به حضرت صادق علیه السّلام گفتم، شما در قرآن نماز هستید و شما زکات و حج هستید؟

فرمود: داود، ما در قرآن نماز و زکات، روزه، حج، ماه حرام و شهر حرام و کعبه و قبله و وجه اللّه هستیم. خداوند فرموده: «فَأَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»(7) ، {پس

1- . غافر / 12
2- . بصائر الدرجات : 157
3- . همان

4- . بقره / 238
5- . تفسیر عیاشی 1 : 128
6- . تفسیر قمی : 215
7- . بقره / 115

به هر سو رو کنید، آنجا روی [به] خداست.} ما آیات و بینات هستیم و دشمن ما در قرآن، فحشاء و منکر و بغی و خمر و میسر و انصاب و ازلام و اصنام و اوثان و جبت و طاغوت و مردار و خون و لحم خنزیرند.

خداوند ما را آفرید و به ما امتیاز بخشید. ما را امناء و نگهبانان و خزینه داران آسمانها و زمین قرار داد. برای ما دشمنان و مخالفینی قرار داد. ما را در کتاب خود نام برد و از نامهای ما به بهترین نامها که دوست داشت کنایه آورد، و دشمنان و مخالفین ما را نیز در کتاب خود به بدترین نام ها در نزد خودش و بندگان پرهیزگارش به کنایه نام برد و ایشان را به عنوان مثلی در قرآن آورد.(1)

15. شیخ طوسی به اسناد خود از فضل و او به اسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: ما اصل هر خوبی هستیم و هر نیکی از ما جوانه میزند، و از جمله خوبیها است: توحید و نماز و روزه و فرو بردن خشم و گذشت از گناهکار و رحم به تهیدست و تجسس از همسایه و اعتراف به فضل برای اشخاص اهل فضل.

دشمن ما نیز ریشه هر بدی است و هر کار زشت و قبیحی از آنها جوانه میزند، از جمله آنها: دروغگویی و سخن چینی و بخل و قطع خویشاوندی و ربا خواری و خوردن مال یتیم به غیر حق و تجاوز از حدی که خدا امر کرده و انجام فواحش ظاهر و پنهان که زنا و دزدی و هر کار زشت دیگر است. دروغ گفته کسی که مدعی است به ما محبت میورزد، با اینکه به کارهای دشمنان ما چنگ زده است.(2)

16. کنز الفوائد: اسماعیل بن عبد الرحمن جعفی گفت: من و عمویم حصین بن عبد الرحمن خدمت حضرت صادق علیه السّلام رسیدیم، سلام کرد، امام جوابش را داد و او را نزدیک خود نشاند و پرسید: این پسر همراه تو کیست؟

گفت: پسر برادرم اسماعیل است. فرمود: خدا رحمتش کند و از کردار بدش درگذرد، حال بازماندگانش چطور است؟ عمویم گفت، ما همه تا وقتی پایدار بر

1- . كنز الفوائد : 2 و 3
2- . همان

محبت و ولایت شما باشیم، حالمان خوبست. فرمود: حصین! مبادا مودت و محبت ما را سبک شماری که از باقیات الصالحات است. عرض کرد، یابن رسول اللّٰه! کوچک نمی شمارم بلکه خدا را بر این نعمت سپاسگزارم.(1)

17. کنز الفوائد: سعدان بن مسلم از ابان بن تغلب نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام این آیه را تلاوت نمود: «وَ وَیْلٌ لِلْمُشْرِکِینَ * الَّذِینَ لا یُؤْتُونَ الزَّکاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ کافِرُونَ»(2) ، {و وای بر مشرکان؛ همان کسانی که زکات نمی دهند و آنان که به آخرت نا باورند. }

فرمود: ابان! آیا خیال میکنی خداوند از مشرکین که خدای دیگری را با خدا میپرستند، درخواست زکات اموالشان را میکند؟

عرض کردم، پس منظور چه اشخاصی است؟ فرمود: وای بر مشرکین، آنهایی که به امام اول شرک آوردند و برنگرداندند به امام دیگر آنچه را که در این باره امام اول گفته بود، و آنها به او کافرند.

محمد بن بشار نیز به اسناد خود از ابان بن تغلب همین روایت را نقل کرده است.(3)

توضیح: بنا بر این تأویل، منظور از زکات، انجام چیزی است که موجب طهارت نفس از شرک و نفاق می شود و به اعمال ارزش میدهد و آنها را مقبول میگرداند که عبارت است از ولایت اهل بیت علیهم السّلام و فرمانبرداری از آنها.

1- . همان : 146
2- . فصلت / 6 و 7
3- . کنز الفوائد : 279

1. كنز الفوائد: عامه و خاصه از ابن عباس نقل كرده اند كه گفت: امير المؤمنين عليه السّلام فرمود: قرآن به چهار قسمت نازل شده؛ يک چهارم در باره ما است و يک چهارم در باره دشمنان ما، يک چهارم سنت ها و امثال است و يک چهارم فرائض و احكام؛ و عالى ترين قسمت قرآن به ما اختصاص دارد.(1)

2. تفسير فرات: ابن نباته از امير المؤمنين عليه السّلام همين روايت را نقل كرده است.(2)

3. تفسير فرات: ابن نباته از امير المؤمنين عليه السّلام نقل مى كند كه فرمود: قرآن به چهار قسمت نازل شده؛ يک چهارم در باره ما است و يک چهارم در باره دشمنان ما، و يک چهارم فرائض و احكام و يک چهارم حلال و حرام؛ و عالى ترين قسمت قرآن به ما اختصاص دارد.(3)

4. تفسير قمى: احمد بن محمد بن سيارى از شخصى نقل كرد كه از جانب حضرت ابو الحسن عليه السّلام اين نامه رسيد: خداوند دلهاى ائمه را محل اراده خويش قرار داده، هر گاه خداوند چيزى را بخواهد، آنها خواهند خواست. اين است تفسير آيه: «وَ ما تَشاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِينَ»(4) ، {و تا خدا پروردگار جهانها نخواهد، [شما نيز] نخواهيد خواست. }

-1 . همان : 2
-2 . تفسير فرات : 2
-3 . همان : 1
-4 . تكوير / 29

توضیح: این توجیه، بهترین تفسیر در مورد این آیات است که اختصاص به ائمه علیهم السّلام داشته باشد؛ به دو صورت:

1- در راه تسلیم و رضا چنان خدایی شده اند که از اراده و خواست خود صرف نظر نموده اند. هرگز چیزی را نمیخواهند مگر اینکه می دانند خدا خواستار آن است.

2- وجه دوم دقیق تر و عالی تر از اولی است، به این معنی که وقتی ائمه علیهم السّلام به این مرتبه از خداشناسی رسیدند، دیگر خداوند برای آنها انتخاب می کند و اراده می نماید. کاری را انجام نمی دهند مگر اینکه خداوند بر آنها مشیت و اراده آن را الهام و افاضه نماید؛ این یکی از معانی فرموده خدا است: «کنت سمعه و بصره و یده و لسانه» من گوش و چشم و دست و زبان بنده ام هستم. و توضیح بیشتر در کتاب مکارم الاخلاق خواهد آمد، ان شاء الله.

5. تفسیر قمی: هاشم بن عمار در مورد آیه: «وَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ ما بَلَغُوا مِعْشارَ ما آتَيْناهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِی فَكَيْفَ كانَ نَكِيرِ»(1) ، {و کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] تکذیب کردند، در حالی که اینان به ده یک آنچه بدیشان داده بودیم نرسیده اند. [آری] فرستادگان مرا دروغ شمردند، پس چگونه بود کیفر من!} سند را به امام علیه السّلام می رساند که فرمود: پیشینیان پیامبران خود را تکذیب کردند. ما به اندازه یک دهم از آنچه به محمّد و آل محمّد صلوات اللّٰه علیهم داده ایم، به آن پیامبران نداده بودیم.(2)

توضیح: ظاهر این است که آیه در باره آنها نازل شده، ممکن است، با برگشت ضمیر جمع به رسل، تأویل آیه باشد.

بیضاوی گفته است: یعنی به اینها به اندازه یک دهم نیرو و طول عمر و کثرت اموال آنها داده نشده است، یا معنی آن است که یک دهم از دلائل و بینات و هدایت آنها را ندارند.(3)

1- . سبأ / 45
2- . تفسیر قمی : 541

3- . تفسیر بیضاوی 2 : 293

6. تفسیر عیاشی: جابر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام در باره تفسیر این آیه: «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ»(1)، {و هر امتی را پیامبری است، پس چون پیامبرشان بیاید، میانشان به عدالت داوری شود و بر آنان ستم نرود.} پرسیدم، فرمود: تفسیر این آیه در باطن آن است که در هر قرنی، این امت را رسولی از آل محمّد صلی اللّه علیه و آله است که مأموریت دارد برای همان قرن، و آنها اولیاء و رسل نیستند. اما معنی این قسمت آیه «فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ» این است که پیامبران قضاوت به عدل و دادگری میکنند و ستم روا نمی دارند.(2)

توضیح: شاید منظور از تأویل باطن که رسل را به ائمه علیهم السّلام تأویل می کند، معنی لغوی رسول است که شامل امام نیز می شود؛ یا منظور این است که ائمه علیهم السّلام به منزله انبیاء گذشته هستند. در هر قرنی، به وسیله آنها حجت تمام می شود، چنانچه در خبر آمده: «علماء أمتی كأنبياء بنی إسرائيل» دانشمندان امت من مانند انبیای بنی اسرائیل هستند و منظور، ائمه علیهم السّلام است.

اما تفسیری که در باره: «وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ» کرد، وجه نیکویی است که مفسران ذکر نکرده اند. آنها میگویند: پس از تکذیب کردن امت پیامبران را، خداوند بین مردم و پیامبران، به نجات دادن پیامبر و هلاک کردن آنها، به عدل حکم میکند. و بیان حال ایشان در قیامت و شهادت پیامبران علیه ایشان و عدالت خدا در باره ایشان گفته شده است.

7. اصول کافی: جابر از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه «أَ فَكُلَّما جاءَكُمْ رَسُولٌ» فرمود: منظور محمد است «بِما لا تَهْوى أَنْفُسُكُمُ» یعنی موالات علی «اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا» از آل محمد «كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ»(3)، {پس چرا هر گاه پیامبری

1- . یونس / 47
2- . تفسیر عیاشی 2 : 123
3- . بقره / 87

چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد، کبر ورزیدید؛ گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید. }(1)

8. تفسیر عیاشی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل میکند که در باره آیه: «أَ فَكُلَّما جاءَكُمْ رَسُولٌ بِما لا تَهْوى أَنْفُسُكُمُ .... يَعْمَلُونَ»(2)،

فرمود: این مثل به موسی و پیامبران بعد از او و عیسی صلوات اللّه علیهم است که برای امت محمّد زده شده است. خداوند به آنها میفرماید: اگر محمّد چیزی را آورده که مخالف میل شما بود، از موالات علی علیه السّلام تکبر ورزیدید؛ گروهی از آل محمّد را تکذیب کردید و گروهی را کشتید. این تفسیر باطن آیه است.(3)

توضیح: بنا بر این تأویل، خطاب در ابتدای آیه تماماً متوجه کافران و تکذیب کنندگان پیامبران است. اما این قسمت آیه: «فَفَرِيقاً» مربوط به این امت است؛ یعنی شما ای امت محمّد! گروهی از آل او را تکذیب کردید. ممکن است خطاب بر تمام آیه عمومیت داشته باشد و در این صورت، تحقق این معنی در باره امت پیامبر اسلام در ضمن قتل اهل بیتش، یا به تعمیم معنی رسل است مجازاً و یا تعمیم قتل به طور مجازی به پیامبر اکرم است. زیرا کشته شدن اهل بیت آن جناب، کشته شدن خود اوست. این معنی استبعاد دارد و ممکن است خطاب مربوط به یهود باشد، چنانچه ظاهر آیه شاهد است. چون هر چه در امتهای گذشته انجام شده، در این امت نیز انجام می شود؛ قتل در این امت همان کشتن اهل بیت پیامبر علیهم السّلام است. چنانچه روایت رسیده که فرموده اند: خداوند کشته شدن را از پیامبر اکرم برطرف نموده و متوجه ما کرده است.

9. تفسیر عیاشی: خالد بن زید از بعضی اصحاب از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ حَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ»(4)، {و پنداشتند کیفری در کار نیست. } فرمود: وقتی پیامبر اکرم میان آنها بود، کور و کر شدند تا وقتی از دنیا رفت. سپس

1- . اصول کافی 1 : 418
2- . بقره / 87 - 96
3- . تفسیر عیاشی 1 : 49

4- . مائده / 71

هنگامی که امیر المؤمنین علیه السّلام قیام نمود، خداوند توبه ایشان را پذیرفت. فرمود: باز کور و کر شدند تا روز قیامت.(1)

10. تفسیر عیاشی: محمّد بن حمران گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم؛ مردی خدمت ایشان رسیده گفت، شما تعجب نمی کنید از عیسی بن زید بن علی که مدعی است حضرت علی که عهده دار مقام خلافت نبود مگر همان مدتی که در ظاهر خلافت داشت. او نمیداند، شاید جز خدای یکتا هفتاد خدا را بپرستد! فرمود: من چه کنم؟! خداوند میفرماید: «فَإِنْ یَکْفُرْ بِها هؤُلاءِ فَقَدْ وَکَّلْنا بِها قَوْماً لَیْسُوا بِها بِکافِرِینَ»(2)، {و اگر اینان [=مشرکان] بدان کفر ورزند، بی گمان گروهی [دیگر] را بر آن گماریم که بدان کافر نباشند.} امام علیه السّلام با دست خود به جانب ما اشاره نمود. عرض کردم، ما به این مقام اعتراف داریم.(3)

توضیح: مرحوم طبرسی می نویسد: «فَإِنْ یَکْفُرْ بِها» یعنی اگر کافر به کتاب و نبوت و حکم شوند. هولاء منظور کفاری هستند که نسبت به نبوت حضرت محمّد کافر شدند. «فَقَدْ وَکَّلْنا بِها» یعنی گروهی را قرار داده ایم که مراعات مقام نبوت را میکنند و احترام آن را نگه می دارند و از هدایت پیامبران استفاده میکنند «قَوْماً لَیْسُوا بِها بِکافِرِینَ» یعنی انبیا و پیامبرانی که نام برده شدند، به آنچه پیامبر اکرم آورده، قبل از بعثت او ایمان آورده اند. بعضی گفته اند، یعنی ملائکه؛ و بعضی مؤمنین بعد از بعثت را نام برده اند.(4)

مولف: قوم در آیه منظور شیعه هستند یا فرزندان عجم، چنانچه در خبر دیگری رسیده است. اما سخن عیسی بن زید که گفت شاید او هفتاد خدا بپرستد، منظورش امیر المؤمنین علیه السّلام است که میگوید: ما از باطن او اطلاع نداریم که مشرک است یا مؤمن، ما به ظاهرش او را دوست میداریم. عبارت «نعقلها و الله» یعنی ما در باطن او را مؤمن میدانیم ،چون خدا و پیامبر به ایمان او گواهی داده اند.

1- .تفسیر عیاشی 1 : 334
2- . انعام / 89
3- . تفسیر عیاشی 1 : 367 و 368
4- . مجمع البیان 1 : 331 و 332

11. تفسیر عیاشی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «کُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ»(1) ، {هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند خدا آن را خاموش ساخت.} فرمود: هر یک از ستمگران که بخواهد به کشتار آل محمّد دست بزند، خدا او را نابود می کند.(2)

12. کنز الفوائد: داود رقی گفت: از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» {خورشید و ماه بر حسابی [روان]اند} پرسیدم، فرمود: از چیزی پرسیدی، به آنچه به تو وارد شده، کفایت کن. همانا خورشید و ماه دو نشانه از نشانه های خدایند که به امر او در گردشند. سپس خدا این را به عنوان مثلی برای کسی که به ما حمله کرده و حرمت ما را هتک نموده و در حق ما ستم روا داشته، زده است. فرمود: «هما بحسبان» یعنی خورشید و ماه در عذاب من هستند. عرض کردم، «وَ النَّجْمُ وَالشَّجَرُ یَسْجُدَانِ» {و بوته و درخت چهره سایانند} فرمود: نجم پیامبر و شجر امیر المؤمنین و ائمه هستند که حتی لحظه ای خدا را نافرمانی نکردند. عرض کردم، «وَ السَّمَاء رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِیزَانَ» {و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت} فرمود: سماء رسول خداست که جان او را گرفت و او را به سوی خود برد و «وَ وَضَعَ الْمِیزَانَ» میزان امیر المؤمنین است که او را بعد از پیامبر برای مردم منصوب کرد. عرض کردم، «أَلَّا تَطْغَوْا فِی الْمِیزَانِ» {تا مبادا از اندازه درگذرید} فرمود: با عصیان و مخالفت، علیه امام طغیان نکنید. عرض کردم، «وَ أَقِیمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِیزَانَ»(3)، {و

وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید.} فرمود: یعنی از امام اطاعت کنید و از حق او کم نگذارید. عرض کردم، «فَبِأَیِّ آلاء رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ»(4)

، {پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید.}

1- . مائده / 64
2- . تفسیر عیاشی 1 : 330
3- . الرحمن / 5 - 9
4- . همان / 16

فرمود: یعنی کدام نعمت را تکذیب می کنید؟ محمد یا به علی را؟ به سبب این دو است که به بندگانم نعمت داده ام.(1)

13. کنز الفوائد: محمّد بن سلیمان از پدرش نقل کرد که به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم، معنی این آیه چیست؟ «وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ»(2) ، {وای بر هر بدگوی عیبجویی.} فرمود: یعنی وای بر کسانی که از حق آل محمّد صلی اللّه علیه و آله جلوگیری کردند و بر آنها خرده گرفته، مقامی را که متعلق به آنها بود، صاحب شدند.(3)

توضیح: فیروز آبادی گفته است: «الهمز» یعنی غمز (اشاره با چشم و مثل آن)، و فشار و نخس (تحریک کردن و از جا کندن)، و دفع (دفع کردن)، و ضرب (زدن)، و عض (گاز گرفتن)، و کسر (شکستن). «الهمزه» یعنی غمّاز. «اللمز» یعنی عیب و اشاره به چشم و ماندن آن و زدن و دفع کردن و مانند همزه است یعنی عیب کننده مردم یا کسی که عیب تو را در حضورت می گوید؛ و همزه یعنی کسی که عیب تو را پشت سرت می گوید. آنچه که امام علیه السّلام فرموده اند، نزدیک به یکی از این معانی است.

14. کنز الفوائد: محمّد بن نعمان گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم میفرمود: خداوند ما را به خودمان وانگذاشته است. اگر ما را به خودمان وامیگذاشت، مانند سایر مردم بودیم؛ ولی ما کسانی هستیم که خداوند در باره آنها فرموده: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»(4)، {مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.}(5)

15. تفسیر فرات: عبید بن کثیر به اسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»(6)، {خودتان را مکشید.} فرمود: یعنی اهل بیت پیامبرتان را نکشید.(7)

1- . کنز الفوائد : 319 و 320
2- . همزه / 1
3- . کنز الفوائد : 406
4- . غافر / 60
5- . کنز الفوائد : 278

6- . نساء / 29
7- . تفسير فرات : 29

توضیح: امام علیه السّلام خودکشی را تأویل به کشتن اهل بیت نموده، زیرا آنها سبب حیات جسمی و روحی هستند و در این صورت به منزله جان مردمند؛ یا به جهت این که کشتن آنها موجب هلاکت ظاهری و معنوی است، پس گویا خودکشی کرده اند.

16. روضه کافی: محمّد بن سلیمان از پدر خود نقل کرد که گفت: این آیه را برای حضرت صادق علیه السّلام خواندم: «هَلْ أَتاکَ حَدِیثُ الْغاشِیَهِ» {آیا خبر غاشیه به تو رسیده است} فرمود: حضرت قائم با شمشیر آنها را فرا میگیرد. گفتم: «وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ خاشِعَهٌ» {در آن روز چهره هایی زبونند} فرمود: آری گروهی خاضع و خوارند که قدرت جلوگیری (از عذاب) ندارند. گفتم: «عامِلَهٌ» {که تلاش کرده} چیست؟ فرمود: عمل به غیر دستور خدا کرده اند. گفتم معنی «ناصِبَهٌ» {رنج [بیهوده] برده اند} چیست؟ فرمود: غیر از فرمانروایان تعیین شده از جانب خدا را به منصب فرمانروایی قرار دادند. گفتم: «تَصْلی ناراً حامِیَهً»(1)، {[ناچار]

در آتشی سوزان درآیند.} فرمود: در دنیا در زمان قائم گرفتار آتش جنگ می شوند و در آخرت گرفتار آتش جهنم.(2)

17. روضه کافی: ابو حمزه گفت: به حضرت باقر علیه السّلام گفتم: بعضی از دوستان ما به مخالفین افترا میزنند و به آنها نسبت بد میدهند. فرمود: خودداری از چنین کارها بهتر است؛ سپس فرمود: به خدا قسم ابو حمزه، تمام مردم زنازاده هستند به جز شیعیان ما. عرض کردم، چگونه این مطلب را می توانم به دیگران اثبات کنم؟ فرمود: قرآن خدا بر این مطلب شاهد است، زیرا خداوند از تمام فی ء سه سهم برای ما اهل بیت قرار داده، سپس در این آیه میفرماید: «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَ ابْنِ السَّبِیلِ»(3)، {و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای

1- . غاشیه / 1 - 4

2- . روضه کافی : 50

3- . انفال / 41

خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است. } ابو حمزه ! به خدا قسم هر زمینی که فتح شود و هر مالی که خمس آن پرداخت شود، پس مانع رسیدن بخشی از آن [به ما] شود، نصیب هر کس بشود حرام است، چه به صورت زن و همسر در آید و یا به صورت مال و ثروت. اگر دولت حق ظاهر شود، هر کس از چنین اموالی به وجود آمده را در معرض فروش قرار میدهند، به طوری که شخص حاضر است تمام ثروت خود را بدهد و از این گرفتاری نجات یابد ولی برایش مقدور نیست.

اینها جلوی حق ما و شیعیانمان را بدون عذر و بهانه و دلیلی گرفتند. گفتم معنی این آیه چیست: «هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ» {آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می برید؟ }

فرمود: یعنی یا مرگ در راه بندگی خدا و یا درک ظهور امام، و ما برای آنها با شدت گرفتاری که از طرف آنها داریم، منتظریم که خداوند ایشان را گرفتار عذاب کند. و فرمود: آن (عذاب) یا مسخ است و یا به دست ما گرفتار میشوند که نتیجهاش کشته شدن است. خداوند به پیامبرش میفرماید: «فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ»(1)، {پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم. } تربص یعنی انتظار بلاء و گرفتاری برای دشمنان.(2)

توضیح: «یفترون» یعنی افتراء بر آنها می بندند و به آنها نسبت زنازادگی می دهند. امام علیه السّلام پاسخ داد که ترک تقیه برای ایشان سزاوار نیست ولی برای سخن آنها مصداق صحیح دارد. عبارت «کیف لی بالمخرج» یعنی به چه چیزی استدلال و احتجاج کنم؟ بر منکر این مطلب !. عبارت «فیضرب علی شیء منه» احتمال دارد که از قسم «ضربت علیه خراجا» باشد یعنی زمانی که آن را وظیفه قرار دهی، یعنی خراجی بر چیزی از زمین های به دست آمده تعیین می شود، چه آنها را به عنوان خمس گرفته باشند و چه غیر آن؛ و یا احتمال دارد که از قسم «ضرب بالقداح» باشد، زمانی که مشارکت می کند و خراج می گیرد. پس کنایه از تقسیم

1- . توبه / 52
2- . روضه کافی : 285 و 287

کردن است. عبارت «لقد بیع الرجل» به صیغه مجهول، رجل مرفوع است و کریمه صفت آن؛ یعنی امام یا کسی که از جانب او اجازه دارد، از اصحاب خمس و خراج و غنایم، مخالفی را

که از این اموال به وجود آمده است، میفروشد، با اینکه به خودی خود عزیز است و در بازار مزایده، با ارزش است، کسی به خاطر کم ارزشی و حقارت در نزد آنها، بر قیمت آن نمی افزاید. این وجه زمانی است که «یزید» را با زاء بخوانیم همان طور که در اکثر نسخه ها است و اگر «یرید» با راء بخوانیم، بازگشت به همین معنی دارد. بعضی از فضلا «بیّع» به صیغه معلوم و از باب تفعیل خوانده اند، در این صورت کریمه مفعول آن و «نفسه» عطف بیان یا بدل از آن است، پس معنی این می شود که مخالف، خودش را به خاطر فدیه می فروشد؛ ولی آن چه که ما گفتیم اظهر است. عبارت «لیفتدی بجمیع ماله» یعنی (با بخشیدن تمام مالش) تا از بند بردگی آزاد شود، ولی به خاطر عدم پذیرش امام از او، برایش مقدور نیست. آیه «هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا» آیا انتظار می کشید «إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ» یعنی یکی از دو عاقبتی که بهترین عاقبت ها هستند. مفسرین گفته اند: مراد از آن دو، پیروزی و شهادت است و شاید خبر بر این حمل شود که ظاهر آیه متوجه این هاست و باطن آن متوجه شیعه در زمانی که حق مستولی نشده است؛ زیرا آنها در میان إحدی الحسنین هستند، یا مردن بر حق و یا درک ظهور امام و پیروزی ایشان. و احتمال دارد که منظور این باشد که نظیر این آیه و شبیه آن درباره شیعه و سختیهایی که از جانب مخالفین تحمل می کردند جاری است. «وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ» {در حالی که ما انتظار می کشیم} یعنی ما نیز منتظر یکی از این دو عاقبت بد برای شما هستیم. «أَن يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِندِهِ» {که خدا از جانب خود عذابی به شما برساند} یعنی به حادثه ای کوبنده و فرود آینده از آسمان و بنا بر تأویل امام علیه السّلام، مسخ است «أَوْ بِأَيْدِينَا»(1)،

{یا به دست ما.} یعنی همان کشتن در زمان مستولی شدن حق است.

18. روضه کافی: حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ * إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعالَمِينَ» {بگو مزدی بر این

1- . توبه / 52

[رسالت] از شما طلب نمی کنم و من از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم و به خدا نسبت دهم این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست } فرمود: یعنی امیر المؤمنین علیه السّلام «وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِینٍ»(1) ، {و قطعا پس از چندی خبر آن را خواهید دانست.} فرمود: در موقع ظهور حضرت ولی عصر علیه السّلام و در باره آیه: «وَ لَقَدْ آتَیْنا مُوسَی الْکِتابَ فَاخْتُلِفَ فِیهِ»(2)، {و به راستی موسی را کتاب [تورات] دادیم پس در آن اختلاف واقع شد.} فرمود: اختلاف کردند همان طوری که این امت در باره کتاب خدا اختلاف نمودند و در آینده در باره کتابی که با حضرت ولی عصر علیه السّلام است اختلاف خواهند نمود؛ بطوری که گروهی زیاد منکر آن می شوند، آنها را پیش آورده و گردن میزنند.

اما این آیه: «وَ لَوْ لا کَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَ إِنَّ الظّالِمِینَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ»(3)، {و اگر فرمان قاطع [در باره تاخیر عذاب در کار] نبود، مسلما میانشان داوری می شد و برای ستمکاران شکنجه ای پر درد است.} فرمود: اگر تصمیمی که خداوند در باره آنها گرفته نبود، حضرت قائم یک نفر را باقی نمیگذاشت؛ و در باره آیه: «وَ الَّذِینَ یُصَدِّقُونَ بِیَوْمِ الدِّینِ»(4) ، {کسانی که روز جزا را باور دارند.} فرمود: یعنی خروج قائم و آیه: «وَ اللّهِ رَبِّنا ما کُنّا مُشْرِکِینَ»(5)، {به خدا پروردگارمان سوگند که ما مشرک نبودیم.} یعنی به ولایت علی علیه السلام و آیه: «وَ قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ»(6)، {و بگو حق آمد و باطل نابود شد، آری باطل همواره نابودشدنی است.} فرمود: وقتی قائم قیام کند، دولت باطل از میان میرود.(7)

توضیح: آیه «قُلْ ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ» یعنی بر قرآن یا بر تبلیغ وحی و آیه «وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفِینَ» یعنی بنا بر آنچه که شما از حال من دانستید، تظاهر به آنچه که

1- . ص / 86 - 88
2- . فصلت / 45
3- . شوری / 21
4- . معارج / 26
5- . انعام / 23
6- . إسراء / 81

7- . روضه کافی : 288

اهلش نیستم، نمی کنم که به خود نسبت پیامبری دهم و به دروغ چیزی را به قرآن ببندم. و بنا بر این تفسیر، در باره امیر المؤمنین علیه السّلام چیزی را بگویم که بر من وحی نشده است «إِنْ هُوَ» یعنی قرآن بنا بر تفسیر امام علیه السّلام، امیر المؤمنین یا آنچه که از قرآن در باره او نازل شده است «إِلَّا ذِکْرٌ» یعنی تذکر دهنده و موعظه «لِلْعالَمِینَ» یعنی برای ثقلین «وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ» یعنی خبر قرآن و آنچه که از وعده و وعید در آن است یا صدقش و یا خبر پیامبر و درستی آنچه که می آورد، و بنا بر تفسیر امام علیه السّلام، خبر امیر المؤمنین علیه السّلام و صدق او و بلند مرتبگی شأن اوست یا خبر قرآن و صدق آن، در آنچه که از فضل امیر المؤمنین علیه السّلام و جلالت شأن او آورده است. «بَعْدَ حِینٍ» یعنی بعد از مرگ یا روز قیامت یا زمان ظهور اسلام و بنا بر تفسیر امام علیه السّلام، هنگام قیام قائم علیه السّلام. در باره آیه «وَ لَوْلَا کَلِمَهُ الْفَصْلِ» بیضاوی گفته است: قضاوت سابق به تأخیر جزا یا وعده به اینکه «فصل» روز قیامت است. و «لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ» بین کافرین و مؤمنین یا مشرکین و شرکایشان. عبارت «لو لا ما تقدم فیهم» یعنی یا خدا روز قیامت ایشان را جزا میدهد، یا فرزندان مومنی از آنها متولد می شوند؛ و الا قائم علیه السّلام تمامشان را می کشت و شاید عبارت «ما أبقی القائم» بیان برای «ما تقدم فیهم» باشد، یعنی اگر خدا مقدر نکرده بود که کشتن ایشان به دست قائم باشد، خدا قبل از این، ایشان را هلاک و عذاب می نمود و به آنها مهلت نمی داد و این احتمال بعید است. عبارت «بخروج القائم»، بیشتر آیاتی که در باره قیامت وارد شده، در باطن خود دلالت بر رجعت می کنند و چون در زمان قائم علیه السّلام بعضی از مشرکین و منافقین و مخالفین را بر میگرداند و جزای بعضی از اعمال آنها را میدهد، یوم الدین نامیده شده است. منظور از یوم، مقداری از زمان است نه یک روز، اگر چه روزهای زیادی باشد و شاید منظور، روز رجعتشان است. و ماضی آوردن فعل در عبارت «ذهبت دوله الباطل» به خاطر تأکید بر وقوع آن است و اینکه شکی در وقوع آن نیست، کأنّ واقع شده است.

19. روضه کافی: فضیل گفت: خدمت حضرت باقر علیه السّلام بودم، در حالی که به من تکیه نموده بود، وارد مسجد الحرام شد. ما جلوی درب بنی شیبه

بودیم. امام نگاهی به مردم نموده، فرمود: فضیل، در جاهلیت نیز همین طور طواف میکردند؛ نه عارف به حق بودند و نه پیرو دینی. فضیل، نگاه کن چگونه به رو افتاده اند! خدا لعنت کند این گروه مسخره را؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود: «أَ فَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلى وَجْهِهِ أَهْدى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ»(1) ، {پس آیا آن کس که نگونسار راه می پیماید هدایت یافته تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می رود؟ } فرمود: به خدا قسم منظور علی بن ابی طالب و اوصیا هستند، بعد این آیه را خواند: «فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ قِيلَ هذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ»(2) ، {و آنگاه که آن [لحظه موعود] را نزدیک ببینند، چهره های کسانی که کافر شده اند در هم رود و گفته شود، این است همان چیزی که آن را فرا می خواندید. } یعنی امیر المؤمنین.

فرمود: فضیل! تا روز قیامت، هر کس جز علی علیه السّلام نام امیر المؤمنین را بر خود بگذارد، افترا بسته و به دروغ ادعا نموده. فضیل! به خدا قسم اعمال حج از غیر شما پذیرفته نیست، و گناه غیر شما بخشیده نمی شود، و عملی از غیر شما نمی پذیرند. این آیه در باره شما است: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبائِرَ ما تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيماً»(3)، {اگر از گناهان بزرگی که از آن[ها] نهی شده اید دوری گزینید، بدیهای شما را از شما می زداییم و شما را در جایگاهی ارجمند درمی آوریم. }

فضیل! مگر راضی نیستید که نماز به پا دارید، زکات بدهید و جلوی زبان خود را نگهدارید و وارد بهشت شوید؟ بعد این آیه را خواند: «أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ»(4)،

{آیا ندیدی کسانی را که به آنان

1- . ملک / 22
2- . همان / 27
3- . نساء / 31
4- . همان / 77

گفته شد [فعلا] دست [از جنگ] بدارید و نماز را برپا کنید و زکات بدهید.} به خدا قسم، شما اهل این آیه هستید.(1)

توضیح: «فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَهً» مفسرین گفته اند: یعنی صاحب نزدیکی و قرب و آیه «وَ قِیلَ هذَا الَّذِی کُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ» یعنی طلب میکنید و عجله دارید، آرزو دارید یا مدعی هستید که قیامتی نیست و بنا بر تعبیر امام علیه السّلام، ضمیر در همه موارد به امیر المؤمنین علیه السّلام بر میگردد؛ یعنی وقتی در قیامت دیدند که امیر المؤمنین علیه السّلام نزد پروردگارش دارای قرب و منزلت است، در چهرههایشان آثار شکستگی و حزن و افسردگی ظاهر می شود. ملائکه به آنها می گویند: این همان کسی است که ادعای مقام و منزلت او را می کردید و خود را امیر المؤمنین نامیدید در حالی که این نام مخصوص او بود. عبارت «أنتم و الله اهل هذه الآیه» یعنی شما به ابتدای آیه عمل نموده اید نه انتهای آن. یا اینکه این دستور متوجه شما است، ابتدای آیه را عمل کنید و از انتهای آن بپرهیزید.

20. اعتقادات صدوق: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: هیچ آیه ای در قرآن نیست که اول آن: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» باشد جز اینکه علی بن ابی طالب علیه السّلام امیر و پیشوا و شریف و اولین مؤمن در آن آیه است؛ و هر آیه ای که راهنمایی به سوی بهشت است، در باره پیامبر و اهل بیت آن جناب و شیعیان و پیروان آنها است. و در هر آیه ای که سخن از جهنم است، در باره دشمنان ایشان و مخالفین آنها است، اگر چه آیه در باره پیشینیان باشد؛ هر آیه که مربوط به نیکوکاران است، در باره نیکان این امت نیز جاری است؛ و هر آیه که در باره شری است، در باره اهل شر (این امت) نیز است.(2)

21. مناقب آل ابی طالب: محمّد بن حنفیه از حسن بن علی علیه السّلام در باره آیه: «فِی أَیِّ صُورَهٍ ما شاءَ رَکَّبَکَ»(3) ،{و به هر صورتی که خواست تو را ترکیب کرد.} فرمود: خداوند علی بن ابی طالب را در نهاد پدرش ابو طالب به صورت

1- . روضه کافی : 288 و 289
2- . اعتقادات صدوق : 104
3- . انفطار / 8

حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله ترکیب نمود، به همین جهت آن جناب از همه بیشتر شباهت به پیامبر داشت و حضرت حسین علیه السّلام از همه شبیه تر به فاطمه علیها السّلام بود و من از همه شبیه تر به خدیجه کبری هستم.

و

گفتند: ندا از جانب خدا سه نوع است: یک ندا از خدا به خلق است مانند:

«ناداهُما رَبُّهُما»(1)، {و پروردگارشان بر آن دو بانگ بر زد.} «وَ نادَیْناهُ أَنْ یا إِبْراهِیمُ»(2)

، {او را ندا دادیم که ای ابراهیم.} «وَ نادَیْناهُ مِنْ جانِبِ الطُّورِ»(3)، {و از جانب راست طور او را ندا دادیم.}

دوم، ندای خلق است به خدا مانند: «وَ لَقَدْ نادانا نُوحٌ»(4)، «فَنادی فِی الظُّلُماتِ»(5) ، «وَ زَکَرِیَّا إِذْ نادی رَبَّهُ»(6) ، «وَ أَیُّوبَ إِذْ نادی رَبَّهُ»(7)، {و بنده ما ایوب را به یاد آور آنگاه که پروردگارش را ندا داد}

سوم، ندای مخلوق یکدیگر را است، مانند: «فَنادَتْهُ الْمَلائِکَهُ»(8)،

{فرشتگان او را ندا دردادند} «فَناداها مِنْ تَحْتِها»(9)، {پس از زیر [پای] او [فرشته] وی را ندا داد} «یُنادُونَهُمْ أَ لَمْ نَکُنْ مَعَکُمْ»(10)،

{آنان را ندا درمی دهند آیا ما با شما نبودیم} «وَ نادی أَصْحابُ الْجَنَّهِ»(11)،

{و بهشتیان آواز می دهند} «وَ نُودُوا أَنْ تِلْکُمُ الْجَنَّهُ»(12)، {و به آنان ندا داده می شود که این همان بهشتی است} «وَ نادَوْا یا مالِکُ»(13)، {و فریاد

1- . اعراف / 22
2- . صافات / 104
3- . مریم / 52

4- . صافات / 75
5- . انبیاء 87
6- . همان / 89
7- . ص / 41
8- . آل عمران / 39
9- . مریم / 24
10- . حدید / 14
11- . اعراف / 44
12- . همان / 43
13- . زخرف / 77

کشند ای مالک} و ندای پیامبر اکرم ذریه خود راست: «رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادِي لِلْإِيمانِ» (1) ، {پروردگارا ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می خواند.} (2)

22. کنز الفوائد: در باره آیه: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئاتِ أَنْ يَسْبِقُونا ساءَ ما يَحْكُمُونَ» (3) {آیا کسانی که کارهای بد می کنند می پندارند که بر ما پیشی خواهند جست، چه بد داوری می کنند.}

ابن عباس گفت: این آیه در باره عتبه و شیبه و ولید بن عتبه که با علی بن ابی طالب علیه السّلام و حمزه علیه السّلام و عبیده مبارزه کردند، نازل شده و آیه: «مَنْ كانَ يَرْجُوا لِقاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * وَ مَنْ جاهَدَ فَإِنَّما يُجاهِدُ لِنَفْسِهِ» (4) ، {کسی که به دیدار خدا امید دارد [بداند که] ا جل [او از سوی] خدا آمدنی است و اوست شنوای دانا و هر که بکوشد، تنها برای خود می کوشد.} در باره علی علیه السّلام و دو تن از یارانش نازل شده. (5)

23. کنز الفوائد: ابو الجارود از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» (6)، {خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است.} از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرد که فرمود: هر بنده ای را که خدا قلبش را برای ایمان آزمایش کند ، محبت ما را در قلب خود می یابد و ما را دوست میدارد و هر بنده ای را که مورد خشم خدا باشد، دشمنی با ما را در قلب خود می یابد و با ما دشمنی میورزد. ما به دوستی دوستان شادیم و متوجه دشمنی دشمنان هستیم. دوست ما به رحمت خدا می نگرد، پس درهای رحمت خدا به روی او باز است؛ و دشمن ما در پرتگاهی از آتش قرار گرفته و در حال سقوط در آتش جهنم است. گوارا باد اهل رحمت را رحمت پروردگار. مرگ بر جهنمیان، جایگاه

1- . آل عمران / 193
2- . مناقب آل ابی طالب 3 : 170 و 171
3- . عنکبوت / 4 تا 6
4- . عنکبوت / 4 - 6
5- . کنز الفوائد : 221

6- . احزاب / 4

آنان جهنم است. خداوند میفرماید: «فَلَبِئْسَ مَثْوَی الْمُتَکَبِّرِینَ»(1)، {و حقا که چه بد است جایگاه متکبران.}

و هرگز کسی که خدا خیر و خوبی که در او قرار داده باشد، در راه محبت ما کوتاهی ندارد؛ زیرا دوست و دشمن ما با یکدیگر مساوی نیستند و محبت و دشمنی ما در قلب یک نفر جای نمیگیرد؛ زیرا برای یک فرد خدا دو قلب قرار نداده که با یکی دوست بدارد و با دیگری دشمن. دوست ما محبتش خالص است همان طور که آتش طلا را پاک و خالص میکند و دشمن ما نیز همان طور است. مائیم نجبا و فرزندان ما فرزندان پیامبرند، و من وصی اوصیایم و گروه ستم پیشه از طرفداران شیطانند و شیطان از آنها است. هر که میخواهد بداند ما را دوست دارد یا نه، به قلب خود نگاه کند، اگر در محبت ما دشمن ما را شریک قرار میدهد از ما نیست و ما نیز با او ارتباطی نداریم. خداوند، جبرئیل و میکائیل با او دشمنند. خدا دشمن کافران است.

24. علی علیه السّلام فرمود: محبت ما و محبت دشمنان ما در قلب یک انسان جمع نمی شود. خدا می فرماید: «ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَیْنِ فِی جَوْفِهِ».(2)

25. کنز الفوائد: ابو بصیر و کنانی گفتند: به حضرت صادق علیه السّلام گفتیم فدایت شویم، منظور از روح در این آیه چیست: «وَ کَذلِکَ أَوْحَیْنا إِلَیْکَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنا ما کُنْتَ تَدْرِی مَا الْکِتابُ وَ لَا الْإِیمانُ وَ لکِنْ جَعَلْناهُ نُوراً نَهْدِی بِهِ مَنْ نَشاءُ مِنْ عِبادِنا وَ إِنَّکَ لَتَهْدِی إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ»(3) ، {وهمین گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم. تو نمی دانستی کتاب چیست و نه ایمان [کدام است] ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می نماییم و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می کنی.}

1- . نحل 29
2- . کنز الفوائد : 23
3- . شوری / 52

فرمود: ای ابا محمد! روح مخلوقی است بزرگتر از جبرئیل و میکائیل که پیوسته با پیامبر اکرم بود. (به او) اطلاع میداد و محافظ آن جناب بود. او نیز در خدمت ائمه علیهم السّلام است، اطلاع میدهد و محافظ آنها است. (1)

26. کنز الفوائد: عمرو بن شمر گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: پیامبر اکرم به ابو بکر و عمر و علی علیه السّلام فرمود: به جانب غار اصحاب کهف بروند.

ابتدا ابو بکر وضو بگیرد و به پا ایستد و دو رکعت نماز بخواند، سپس سه مرتبه صدا بزند، اگر جواب ندادند عمر این کار را بکند، اگر جواب ندادند علی بن ابی طالب علیه السّلام این کار را بکند. به جانب غار رفتند و آنچه پیامبر دستور داده بود انجام دادند، اما جواب ابو بکر و عمر را ندادند. علی علیه السّلام از جای حرکت نموده دستور را انجام داد. جواب آن جناب را دادند و صدای لبیک لبیک را تا سه مرتبه شنیدند. فرمود: چرا به صدای اولی و دومی جواب ندادید و جواب شخص سوم را دادید؟ گفتند به ما دستور داده اند که فقط جواب پیامبران و اوصیای آنها را بدهیم.

هر سه به خدمت پیامبر اکرم بازگشتند و جریان را عرض کردند. پیامبر اکرم صفحه ای قرمز بیرون آورد و فرمود: گواهی خود را با خط خویش راجع به آنچه مشاهده کردید و شنیدید، بنویسید. خداوند این آیه را فرستاد: «سَتُكْتَبُ شَهادَتُهُمْ وَ يُسْئَلُونَ» (2)

، {گواهی ایشان به زودی نوشته می شود و [از آن] پرسیده خواهند شد.} روز قیامت. (3)

27. کنز الفوائد: ابو بصیر گفت: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: پیمان نامه ای که در کعبه نوشتند و به آن شهادت دادند و آن را مهر کردند، خداوند قبل از نوشتن این پیمان نامه به پیامبر اطلاع داد و در این مورد آیه ای فرستاد. پرسیدم، خداوند

1- . کنز الفوائد : 287
2- . زخرف / 19

3- . كنز الفوائد : 289

آیهای نازل کرد؟ فرمود: آری، مگر این آیه را نشنیده ای: «سَتُكْتَبُ شَهادَتُهُمْ وَ يُسْئَلُونَ».(1)

28. کافی: یعقوب بن جعفر بن ابراهیم گفت: خدمت حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام بودم که مردی نصرانی آمد و چند سؤال کرد، از آن جمله پرسید:

«حم * وَ الْكِتابِ الْمُبِينِ * إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةٍ مُبارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ * فِيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»(2) ، {سوگند به کتاب روشنگر [که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم [زیرا] که ما هشداردهنده بودیم. در آن [شب] هر [گونه] کاری [به نحوی] استوار فیصله می یابد. } تفسیر این آیه چیست؟ فرمود: حم حضرت محمّد صلی اللّٰه علیه و آله است در کتاب حضرت هود که بر او نازل شده، بعضی از حروف آن حذف شده. «الْكِتابِ» مبین حضرت امیر المؤمنین است. اما «لَيْلَةٍ» فاطمه علیها السلام است. اما این قسمت آیه: «فِيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» از نژاد او خیر زیادی به وجود می آید. پیاپی مردی حکیم یکی پس از دیگری از نژاد او خواهند بود، تا آخر روایت.(3)

29. تفسیر قمی: ابن عباس در باره آیه: «مَنْ عَمِلَ صالِحاً فَلِنَفْسِهِ» گفت: منظور مؤمنین هستند، «وَ مَنْ أَساءَ فَعَلَيْها» منظور منافقان و مشرکان هستند، «ثُمَّ إِلى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ»(4)، {هر که کاری شایسته کند به سود خود اوست و هر که بدی کند به زیانش باشد. سپس به سوی پروردگارتان برگردانیده می شوید. }(5)

30. کنز الفوائد: ابو مریم سند را به حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السّلام رسانده، نقل می کند که فرمودند: وقتی این آیه بر پیامبر اکرم نازل شد: «قُلْ ما كُنْتُ بِدْعاً مِنَ الرُّسُلِ وَ ما أَدْرِي ما يُفْعَلُ بِي وَ لا بِكُمْ»(6)

، {بگو من از [میان] پیامبران نودرآمدی نبودم و نمی دانم با من و با شما چه معامله ای خواهد شد. } یعنی قریش

1- . همان

2- . دخان / 1 - 4
3- . کافی 1 : 478
4- . جاثیه / 15
5- . تفسیر قمی : 618
6- . احقاف / 9

در جنگ ها گفتند: چگونه پیروی این پیامبر را بکنیم با اینکه نمیداند با او و با ما چه خواهند کرد. خداوند این آیه را بر پیامبر نازل فرمود: «إِنَّا فَتَحْنا لَکَ فَتْحاً مُبِیناً»(1) {ما تو را پیروزی بخشیدیم [چه] پیروزی درخشانی.}

در باره آیه: «إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا ما یُوحی إِلَیَ - فی علی -»(2) {جز آنچه را که به من وحی می شود پیروی نمی کنم.} حضرت باقر و صادق علیهما السّلام فرمودند: آیه این طور(3) نازل شده است.(4)

31. کنز الفوائد: حماد از حلبی گفت: حضرت صادق علیه السّلام این آیه را خواند: «فَهَلْ عَسَیْتُمْ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ» در صورتی که به سلطنت و فرمانروایی رسیدید «أَنْ تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا أَرْحامَکُمْ» {پس [ای منافقان] آیا امید بستید که چون [از خدا] برگشتید [یا سرپرست مردم شدید] در [روی] زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگسلید.}

سپس فرمود: این آیه در باره پسر عموهای ما بنی عباس و بنی امیه نازل شده سپس این قسمت را خواند: «أُولئِکَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ» از شنیدن مطالب دینی «وَ أَعْمی أَبْصارَهُمْ»(5) ، {اینان همان کسانند که خدا آنان را لعنت نموده و [گوش دل] ایشان را ناشنوا و چشمهایشان را نابینا کرده است.} از دیدن وصی. سپس این آیه را خواند: «إِنَّ الَّذِینَ ارْتَدُّوا عَلی أَدْبارِهِمْ» پس از ولایت علی علیه السّلام «مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی الشَّیْطانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمْلی لَهُمْ»(6) ، {بی گمان کسانی که پس از آنکه [راه] هدایت بر آنان روشن شد [به حقیقت] پشت کردند. شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت.}

1- . فتح / 1
2- . احقاف / 9
3- . یعنی معنای آیه این است نه اینکه با این الفاظ نازل شده است.
4- . کنز الفوائد : 300 و 301
5- . محمد / 22 و 23
6- . همان / 25

بعد خواند: «وَ الَّذِینَ اهْتَدَوْا» به ولایت علی «زادَهُمْ هُدیً» به شناسایی امامان بعد از علی و قائم آل محمّد صلی اللّه علیه و آله «وَ آتاهُمْ تَقْواهُمْ»(1) ، {و[لی] آنان که به هدایت گراییدند [خدا] آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید و [توفیق] پرهیزگاری شان داد. } ثواب پرهیزکاری ایشان، امان از آتش است.

در باره آیه: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِکَ وَ لِلْمُؤْمِنِینَ» منظور از مؤمنین علی و یاران او هستند «وَ الْمُؤْمِناتِ»(2)

، {پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان [طلب مغفرت کن] } خدیجه و یارانش.

آیه:«وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ آمَنُوا بِما نُزِّلَ عَلی مُحَمَّدٍ فی علی وَ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ کَفَّرَ عَنْهُمْ سَیِّئاتِهِمْ وَ أَصْلَحَ بالَهُمْ»(3)، {و آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند و به آنچه بر محمد [ص] نازل آمده گرویده اند [که] آن خود حق [و] از جانب پروردگارشان است. [خدا نیز] بدیهایشان را زدود و حال [و روز]شان را بهبود بخشید. } فرمود: «وَ الَّذِینَ کَفَرُوا» کسانی که به ولایت علی کافر شدند «یَتَمَتَّعُونَ» از دنیای خود «وَ یَأْکُلُونَ کَما تَأْکُلُ الْأَنْعامُ وَ النَّارُ مَثْویً لَهُمْ»(4)، {و [حال آنکه] کسانی که کافر شده اند [در ظاهر] بهره می برند و همان گونه که چارپایان می خورند و[لی] جایگاه آنها آتش است. }

سپس فرمود: «مَثَلُ الْجَنَّهِ الَّتِی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ» آنها آل محمّد و پیروان ایشانند. حضرت باقر علیه السّلام فرمود: این قسمت آیه: «فِیها أَنهارٌ»، منظور از انهار مردهایی هستند و این قسمت آیه: «ماءٍ غَیْرِ آسِنٍ» {مثل بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [چون باغی است که] در آن نهرهایی است از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته }، منظور در باطن علی علیه السّلام است.

1- . محمد / 17
2- . همان / 19
3- . همان / 2
4- . همان / 12

«وَ أنهارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ» منظور امام است. اما این آیه «وَ أنهارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِینَ» {و جویهایی از شیری که مزه اش دگرگون نشود و رودهایی از باده ای که برای نوشندگان لذتی است} علم آنهاست که پیروانشان(1) از آن بهره مند میگردند.

اما این قسمت آیه: «وَ مَغْفِرَهٌ مِنْ رَبِّهِمْ» منظور ولایت امیر المؤمنین است.(2)

اما این آیه: «کَمَنْ هُوَ خالِدٌ فِی النَّارِ» {و [از همه بالاتر] آمرزش پروردگار آنهاست [آیا چنین کسی در چنین باغی دل انگیز] مانند کسی است که جاودانه در آتش است} یعنی آیا پرهیزگاران مانند کسانی هستند که پیوسته در ولایت دشمن آل محمّدند که همان آتشی است که هر کس داخل شد داخل در جهنم شده؟ آن وقت خداوند میفرماید چه خواهند دید: «وَ سُقُوا ماءً حَمِیماً فَقَطَّعَ أَمْعاءَهُمْ»(3)، {و آبی جوشان به خوردشان داده می شود [تا] روده هایشان را از هم فرو پاشد.} جابر گفت سپس حضرت باقر علیه السّلام فرمود: این آیه را جبرئیل برای پیامبر اکرم چنین آورد:

«ذلِکَ بِأَنَّهُمْ کَرِهُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ - فی علی - فَأَحْبَطَ أَعْمالَهُمْ» {این بدان سبب است که آنان آنچه را خدا نازل کرده است خوش نداشتند و [خدا نیز] کارهایشان را باطل کرد.}

جابر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام راجع باین آیه پرسیدم: «أَ فَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ»(4)، {مگر در زمین نگشته اند} حضرت باقر علیه السّلام این آیه را خواند: «وَ الَّذِینَ کَفَرُوا»(5) تا رسید به: «أَ فَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ» فرمود: میخواهی به تو

1- . در مصدر بعد از این عبارت، این گونه آمده است: «کنایه از مردان به آنهار مجازی است یعنی اصحاب آنهارند و مانند آن این آیه است: «وَاسْأَلِ الْقَرْیَهَ» و ائمه علیهم السّلام اصحاب بهشت و ملاک آنند.
2- . در مصدر چنین آمده است که هرکس امیر المؤمنین را دوست بدارد، مورد مغفرت قرار می گیرد.
3- . محمد / 15
4- . همان / 9 و 10

5- . همان / 8

شخصی را معرفی کنم که قدرت داشت در یک روز تو را از مشرق به مغرب برساند؟ گفتم یابن رسول خدا! فدایت شویم؛ چنین کسی کیست؟

فرمود: امیر المؤمنین. مگر فرمایش پیامبر اکرم را نشنیده ای: «لتبلغن الاسباب و اللّه لترکبن السحاب و اللّه لتؤتن عصا موسی و اللّه لتعطن خاتم سلیمان» خطاب به امیرالمؤمنین است: به اسباب خواهی رسید، و به خدا سوار ابر میشوی، و به خدا سوگند عصای موسی و انگشتر سلیمان را به تو خواهند داد. به خدا قسم این فرموده پیامبر است.(1)

32. کنز الفوائد: ابن عباس در باره آیه: «کَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوی عَلی سُوقِهِ یُعْجِبُ الزُّرّاعَ لِیَغِیظَ بِهِمُ الْکُفّارَ»(2)، {چون کشته ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد.} گفت: اصل، کشت و زرع عبد المطلب است و سبزههای نو رسته که از آن سر بر آورده، محمّد صلی اللّه علیه و آله است. منظور از «یُعْجِبُ الزُّرّاعَ» علی بن ابی طالب علیه السلام است.(3)

توضیح: «شَطْأَهُ» یعنی سبزههای نو رسته. «فَآزَرَهُ» یعنی آن را تقویت کرد. «فَاسْتَغْلَظَ» یعنی از حالت نرمی به سختی و سفتی تبدیل شد. «فَاسْتَوی عَلی سُوقِهِ» یعنی بر ساقهاش ایستاد. سوق جمع ساق است. «یُعْجِبُ الزُّرّاعَ» یعنی به قوت و غلظت و حسن منظر آن. مفسران گفته اند، این آیه مثلی است برای صحابه پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله که در ابتدای اسلام کم بودند، سپس زیاد شدند و نیرو یافتند و به طوری ترقی کردند که مردم در شگفت شدند. اما بنا بر تفسیر ابن عباس، مثال است برای پیامبر اکرم و اهل بیت آن جناب صلوات الله علیهم که ابتدای امرشان از عبد المطلب بود و نیرو و قدرتشان به وسیله علی علیه السّلام کامل شد.

1- . کنز الفوائد : 338 و 339 نسخه رضویه
2- . فتح / 29
3- . کنز الفوائد : 344 و 345 نسخه رضویه

33. کنز الفوائد: غیاث بن ابراهیم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: من بهترین فرد مردم هستم ولی فخر نمیکنم و علی بن ابی طالب بهترین فرد مؤمنین است بی آنکه فخر کند. خدایا دوستش را دوست بدار و دشمنش را دشمن بدار.

مردی از قریش گفت، پیوسته پسر عموی خود را بالا می برد و میستاید. خداوند این آیه را نازل فرمود: «وَ النَّجْمِ إِذا هَوی * ما ضَلَّ صاحِبُکُمْ وَ ما غَوی * وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی» که منظور این است، این حرفی که در باره پسر عمویش میگوید از روی هوای نفس نیست، «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ یُوحی»(1)، {سوگند به اختر [= قرآن] چون فرود می آید [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده و از سر هوس سخن نمی گوید. این سخن به جز وحیی که وحی می شود، نیست.}(2)

34. کنز الفوائد: جابر: امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ النَّجْمِ إِذا هَوی» فرمود: زمانی که محمد از دنیا رفت آزمایش نشدید مگر به دشمنی آل محمد «ما ضَلَّ صاحِبُکُمْ» به برتری دادن اهل بیتش بر شما تا «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ یُوحی».(3)

توضیح: ظاهر «ما فُتِنتم» این است که تنزیل است و احتمال دارد که تأویل باشد به این صورت که «نجم» کنایه از پیامبر صلّی الله علیه و آله و «هویّه» کنایه از وفات اوست و در آن به قرینه ما بعدش، اشاره به امتحان ایشان به آن است.

35. کنز الفوائد: فضل بن عبد الملک از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: وقتی پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله، علی بن ابی طالب را در روز غدیر خم بلند نمود، مردم سه دسته شدند. گروهی گفتند محمّد گمراه شده و بعضی مدعی شدند به باطل گراییده و دسته دیگری گفتند، این از روی خواست دل خود او در باره اهل بیت و پسر عمویش است. خداوند این آیه را نازل نمود: «وَ النَّجْمِ إِذا هَوی» تا آخر آیات.(4)

1- . نجم / 1 - 4
2- . کنز الفوائد : 314
3- . همان : 358 و 359 نسخه رضویه

4- . همان

36. کنز الفوائد: محمّد بن عبد اللّه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود: شبی که به معراج رفتم، به سدره المنتهی رسیدم. جبرئیل گفت: به اندازه یک میدان دید جلو برو. جلو رفتم. («الدنوه» یعنی «مد البصر»)؛ نوری درخشان چشم مرا خیره کرد، برای خدا به سجده افتادم. خطاب رسید یا محمّد! چه کس را در زمین به جای خود گماشته ای؟ عرض کردم، عادلترین و راستگوترین و نیکوکارترین و شامل ترین مردم، علی بن ابی طالب را وصی و وارث و جانشین خود در خویشاوندانم قرار داده ام.

خداوند فرمود: سلام مرا به او برسان و بگو: خشمش عزت و سرافرازی دین است و خشنودیش از کسی، نشانه ایمان آن شخص است. یا محمّد! من پروردگاری هستم که جز من خدایی نیست، علی اعلایم؛ یکی از نامهای خود را به برادر تو بخشیدم و او را علی نامیدم.

یا محمّد! من علی اعلایم. من خدایی هستم که جز من خدایی نیست. فاطر آسمانها و زمینم، یک نام خود را به دخترت بخشیدم او را فاطمه نامیدم. یا محمّد! من به وجود آورنده هر چیزم. جز من خدایی نیست و من حسن البلا هستم (خوب آزمایش می کنم). به دو نوهات دو نام از نامهای خود را بخشیدم و آنها را حسن و حسین نامیدم و من حسن البلا هستم.

وقتی پیامبر اکرم این حدیث را برای قریش نقل کرد، گروهی گفتند خداوند چیزی به محمّد وحی نکرده و این حرفها را از خود می زند. خداوند این آیات را برای روشن کردن آن نازل نمود: «وَ النَّجْمِ إِذا هَوی * ما ضَلَّ صاحِبُکُمْ وَ ما غَوی» تا آخر آیات.(1)

توضیح: «غضبه عزّ» یعنی سبب عزت و پیروزی دین است و «رضاه عن أحد حکم» یعنی حکم به ایمان او یا حکمت است، پس او عزیز حکیم است.

1- . همان : 314 و 315

37. کنز الفوائد: شعیب از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد: در باره آیه: «سَنَفْرُغُ لَکُمْ أَیُّهَ الثَّقَلانِ»(1)، {ای جن و انس زودا که به شما بپردازیم } فرمود: ثقلان(2) ما و قرآن هستیم.(3)

38. کنز الفوائد: زراره گفت: از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «سَنَفْرُغُ لَکُمْ أَیُّهَ الثَّقَلانِ» پرسیدم، فرمود: منظور قرآن و ماییم.(4)

توضیح: بین مفسران مشهور این است که ثقلین در این آیه یعنی جن و انس و معنی آیه این است که ما خود را برای حساب و جزای شما دو گروه در قیامت آماده میکنیم. اما بنا بر تأویل امام علیه السّلام، قرآن و اهل بیت است چنانچه گذشت، و معنی آیه این است که ما خود را برای باز خواست از مردم و انتقام از کسانی که حق شما را رعایت نکرده اند، آماده می کنیم.

39. کنز الفوائد: سلام بن مستنیر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها»(5) ، {بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند } نقل کرد که فرمود: منظور از مردن زمین، کفر اهل آن است، کافر مرده است.

خداوند آن را به وسیله قائم علیه السّلام زنده می کند و در روی زمین عدالت (برقرار) می کند. زمین زنده می شود و اهل زمین نیز پس از مرگ زنده میشوند.(6)

40. کنز الفوائد: زبیر بن بکار از یکی از اصحاب نقل نمود که مردی به امام حسن(7)

علیه السّلام گفت: در شما مقداری کبر وجود دارد. فرمود: هرگز. کبر اختصاص به خدای یکتا دارد ولی در من عزت نفس است که خداوند در قرآن

1- . الرحمن / 31
2- . ثقل یعنی هر چیز با ارزش. پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن و عترتش را در روایت «إنی تارک فیکم الثقلین» به خاطر بزرگی و عظمت شأن و

ارزش ایشان ثقلین نامید.

3- . کنز الفوائد : 367 نسخه رضویه

4- . همان

5- . حدید / 17

6- . کنز الفوائد : 382

7- . در مصدر امام حسین علیه السّلام آمده است.

می فرماید: «وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»، (1) {و[لی] عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.} (2)

41. کنز الفوائد: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «ذَرْنِی وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِیداً» {مرا با آنکه [او را] تنها آفریدم واگذار} نقل کرد که منظور از این آیه شیطان است که او را تنها و بدون پدر و مادر آفرید «وَ جَعَلْتُ لَهُ مالاً مَمْدُوداً» {و دارایی بسیار به او بخشیدم} منظور همان قدرت او است که تا مدتی معین ادامه دارد، تا وقتی قائم آل محمّد قیام کند «وَ بَنِینَ شُهُوداً» {و پسرانی آماده [به خدمت دادم]} تا «کَلَّا إِنَّهُ کانَ لِآیاتِنا عَنِیداً» {زیرا او دشمن آیات ما بود} که او دشمن ائمه علیهم السّلام است و دعوت به غیر راه آنها می کند و مردم را از راه آنها باز میدارد، آنها که آیات خدا هستند. تا این قسمت آیه: «سَأُرْهِقُهُ صَعُوداً» (3) ، {به زودی او را به بالارفتن از گردنه [عذاب] وادار می کنم.} حضرت صادق علیه السلام فرمود: صعود کوهی است در جهنم از مس که ابو بکر را وادار می کنند بر آن بالا رود. وقتی دستش را بر روی کوه میگذارد کوه ذوب می شود به طوری که دستهایش به زانو می رسد؛ تا دست بر می دارد، کوه به حالت اول بر میگردد و همین طور تا وقتی خدا بخواهد.

این قسمت آیه: «إِنَّهُ فَکَّرَ وَ قَدَّرَ * فَقُتِلَ کَیْفَ قَدَّرَ» {آری [آن دشمن حق] اندیشید و سنجید. کشته بادا چگونه [او] سنجید} تا «إِنْ هذا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ» (4) ، {این غیر از سخن بشر نیست.} منظور تدبیر و فکر و اندیشه او است و تکبرش که مقامی را مدعی شد که شایسته آن نبود.

بعد خداوند میفرماید: «سَأُصْلِیهِ سَقَرَ» {زودا که او را به سقر در آورم} تا «لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ»، (5) {پوستها را سیاه می گرداند.} یعنی آن موقعی که در جهنم است، او

1- . منافقون / 8
2- . کنز الفوائد : 341
3- . مدثر / 11 - 17
4- . همان / 19 - 25
5- . همان / 26 - 29

را اهل شرق و غرب مشاهده می کنند و حال او برای مردم آشکار می شود. منظور از تمام این آیات ابو بکر است.

«عَلَیْها تِسْعَةَ عَشَرَ» یعنی نوزده نفر از مردم هستند که همه در شرق و غربند.

این آیه: «وَ ما جَعَلْنا أَصْحابَ النّارِ إِلاّ مَلائِکَةً» {و ما موکلان آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم} منظور از نار حضرت قائم است که نور او میدرخشد و قیامش شرق و غرب را میگیرد و ملائکه کسانی هستند که علم آل محمّد را دارند.

این آیه: «وَ ما جَعَلْنا عِدَّتَهُمْ إِلاّ فِتْنَةً لِلَّذِینَ کَفَرُوا» {و شماره آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده اند قرار ندادیم} منظور گروه مرجئه هستند و این آیه «لِیَسْتَیْقِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ» {تا آنان که اهل کتابند، یقین به هم رسانند} یعنی شیعیان که اهل کتابند و آنها هستند که به ایشان کتاب و نبوت و حکمت ارزانی شده «وَ یَزْدادَ الَّذِینَ آمَنُوا إِیماناً وَ لا یَرْتابَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ» {و ایمان کسانی که ایمان آورده اند افزون گردد و آنان که کتاب به ایشان داده شده به شک نیفتند} یعنی شیعیان در چیزی از کار حضرت مهدی شک ندارند.

«وَ لِیَقُولَ الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» {تا کسانی که در دلهایشان بیماری است} منظور ضعفای شیعه هستند «وَ الْکافِرُونَ ما ذا أَرادَ اللّهُ بِهذا مَثَلاً» {و کافران بگویند، خدا از این وصف کردن، چه چیزی را اراده کرده است؟} خداوند به آنها میفرماید: «کَذلِکَ یُضِلُّ اللّهُ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدِی مَنْ یَشاءُ» {این گونه خدا هر که را بخواهد بیراه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند} مؤمن تسلیم می شود و کافر شک میکند «وَ ما یَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّکَ إِلاّ هُوَ» {و [شماره] سپاهیان پروردگارت را جز او نمی داند} منظور از جنود و سپاه خدا، شیعیان هستند که تعداد آنها را فقط خدا میداند و آنها گواهان روی زمینند «وَ ما هِیَ إِلاّ ذِکْری لِلْبَشَرِ»(1) {و این [آیات] جز تذکاری برای بشر نیست.} «لِمَنْ شاءَ مِنْکُمْ أَنْ یَتَقَدَّمَ أَوْ یَتَأَخَّرَ» {هر که از شما را که بخواهد پیشی جوید یا بازایستد} یعنی در ایام پیش از ظهور حضرت مهدی، هر که مایل است، حق را بپذیرد و به جانب حق رود و هر که میخواهد، از حق کناره گیری

1- . همان / 30 و 31

کند «كُلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحابَ الْيَمِينِ»(1)

{هر کسی در گرو دستاورد خویش است به جز یاران دست راست} که آنها اطفال مؤمنین هستند که خداوند میفرماید: «وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ»(2) ، {و فرزندانشان آنها را در ایمان پیروی کرده اند. فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد} که منظور این است که آنها در روز میثاق ایمان آورده اند «وَ كُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ»(3)، {و روز جزا را دروغ می شمردیم.} منظور روز قیام حضرت قائم است «فَما لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَهِ مُعْرِضِينَ» {چرا آنها از تذکر روی گردانند} منظور از تذکره و آیه، امیر المؤمنین علیه السّلام است.

«كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَهٌ * فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَهٍ» {گویی گورخرانی رمیده اند که از مقابل شیری فرار کرده اند} یعنی آنها مانند الاغهای وحشی هستند که از دیدن شیر فرار میکنند. دشمنان آل محمّد نیز همین طورند، وقتی یکی از فضایل آل محمّد را میشنوند، از حق فرار میکنند.

«بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتى صُحُفاً مُنَشَّرَهً» {بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد نامه جداگانهای از سوی خدا برای او فرستاده شود} هر یک از مخالفین مایلند برای آنها کتابی از آسمان نازل شود «كَلَّا بَلْ لا يَخافُونَ الْآخِرَهَ» {چنین نیست که آنان می گویند، بلکه آنها از آخرت نمی ترسند} منظور دولت حضرت قائم است.

آنگاه خداوند پس از معرفی تذکره که منظور همان ولایت آل محمّد است میفرماید: «كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَهٌ * فَمَنْ شاءَ ذَكَرَهُ * وَ ما يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ»(4) {چنین

نیست که آنها می گویند. آن قرآن یک تذکر و یادآوری است. هر کس بخواهد از آن پند می گیرد و هیچ کس پند نمی گیرد مگر

ص: 379

1- . همان / 37 - 39
2- . طور / 21
3- . مدثر / 46
4- . همان / 49 - 56

اینکه خدا بخواهد، او اهل تقوا و اهل آمرزش است.} تقوی در این آیه پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و مغفرت، امیر المؤمنین علیه السّلام است.(1)

42. کنز الفوائد: حلبی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم این آیه را میخواند: «بَلْ یُرِیدُ الْإِنْسانُ لِیَفْجُرَ أَمامَهُ»(2)، {انسان شک در معاد ندارد بلکه او می خواهد آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت در تمام عمر گناه کند.} یعنی امام خود را تکذیب کند.(3)

43. بعضی اصحاب از ائمه علیهم السّلام نقل کرده اند که منظور از «یُرِیدُ الْإِنْسانُ لِیَفْجُرَ أَمامَهُ» این است که می خواهد در باره امیر المؤمنین علیه السّلام حیله و مکری به کار برد.(4)

توضیح: شاید بنا بر این تفسیر، «أَمامَه» بکسر همزه است یا «یَفْجُرَ» بنا بر قرائت مشهور باشد یا از باب افعال یا تفعیل. فیروز آبادی گفته است، «فجر» یعنی فسق کرد و دروغ گفت و تکذیب کرد و عصیان نمود و مخالفت کرد. «و أمرهم» یعنی فاسد شد و «و الراکب فجورا» یعنی از زین منحرف شد «و عن الحق» یعنی عدول کرد و بنا بر قرائت مشهور گفتهاند، یعنی خواست تا در آینده بر فسق و فجورش باقی بماند.

44. کنز الفوائد: سعید بن عثمان خزاز گفت: از ابو سعید مدائنی شنیدم میگفت: «کَلَّا إِنَّ کِتابَ الْأَبْرارِ لَفِی عِلِّیِّینَ * وَ ما أَدْراکَ ما عِلِّیُّونَ * کِتابٌ مَرْقُومٌ»(5) ، {نه چنین است. در حقیقت کتاب نیکان در علیون است و تو چه دانی که علیون چیست؟ کتابی است نوشته شده.} یعنی کتابی که به نیکی رقم زده شده، رقم به حب محمّد و آل محمّد.(6)

1- . کنز الفوائد : 357 و 358
2- . قیامت / 5
3- . کنز الفوائد : 359
4- . همان
5- . مطففین / 18 - 20
6- . کنز الفوائد : 375

45. تفسیر فرات: جابر گفت: حضرت باقر علیه السّلام راجع به آیه «فَلَمَّا نَسُوا ما ذُکِّرُوا بِهِ فَتَحْنا عَلَیْهِمْ أَبْوابَ کُلِّ شَیْ ءٍ» {پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمتها] را بر آنان گشودیم} تا «رَبِّ الْعالَمِینَ»(1)، فرمود: معنی «فَلَمَّا نَسُوا ما ذُکِّرُوا» یعنی وقتی ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام را رها کردند، با اینکه به این عقیده مأمور بودند.(2)

46. تفسیر فرات: خیثمه گفت: حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه «یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانها»(3)، {روزی

که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید، کسی که ایمان آوردنش سود نمی بخشد} تا آخر آیه. فرمود: منظور دوستی و یاری ما خانواده است. گفتم، به مقداری که خداوند مرا توفیق دهد، با زبان و دست و قلب در راه شما کوشش میکنم.

فرمود: خیثمه! یاری با زبان مانند یاری با شمشیر است و یاری با دو دست بهتر است.(4)

قرآن به سه قسمت تقسیم شده؛ یک سوم آن در باره ما خانواده است و یک سوم در باره دشمنان ما و یک سوم دستور و احکام است. اگر آیه ای در باره گروهی نازل شده باشد که آنها از دنیا رفته اند، در صورتی که منظور و مفاد آیه نیز از بین برود، دیگر از قرآن چیزی(5) باقی نمی ماند. تمام قرآن تا وقتی آسمان و زمین پایدار باشد قابل انطباق است. هر گروهی آیه ای دارند که آن را میخوانند.

یا خیثمه! اسلام ابتدایش غریب(6) بود و در آینده نیز غریب خواهد شد. خوشا به حال غریبان.(7)

1- . انعام / 44 و 45
2- . تفسیر فرات : 44
3- . انعام / 158
4- . در مصدر این گونه آمده است: «آیا یاری ما با زبان مانند یاری ما با شمشیر است؟ و یاری ما با دو دست بهتر است و قیام در آن است.»

5- . بلکه آیات دائما بر اقوام صدق می کنند زیرا صدق بر یک قوم خاص در زمان خاص، از قبیل صدق کلی بر فرد است نه از باب صدق جزیی بر مسمای خود.

6- . زیرا مردم حق آن را نشناختند و آنچه را که تشریع کرده بود، نمی دانستند و در آینده غریب خواهد شد زیرا مردم در آینده نیز آن را نمی شناسند و مردم دشمن آنچه که نمی دانند، هستند. با اینکه دین برای تأمین سعادت و پیشرفت جوامع بشری است و آزادی آنها از بندهای عبودیتی که بر آنهاست و برداشتن سختی های زندگی از ایشان. خداوند در قرآن پیامبرش را این گونه توصیف کرده است: «يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَآئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلاَلَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» {[همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد و از کار ناپسند باز می دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی دارد}.

7- . در مصدر این مطلب اضافه است: «و این در دست مردم است و همه آنها بر آنند».

خیثمه! روزی بر مردم خواهد آمد که خدا و توحید را نشناسند، تا ظهور دجال و تا موقعی که عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و خداوند دجال را به دست او بکشد و یکی از ما خانواده بر آنها امامت کند و نماز بخواند، نمی بینی عیسی با اینکه پیامبر است پشت سر ما نماز میخواند؟ ما از او برتر و بالاتریم.(1)

47. تفسیر فرات: زید بن علی علیه السّلام در باره آیه: «فَلَوْ لا کانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِکُمْ أُولُوا بَقِیَّهٍ یَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسادِ فِی الْأَرْضِ»(2)

، {پس چرا از نسلهای پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند} تا آخر آیه. فرمود: گروهی از ما خانواده قیام خواهد کرد. کسانی که پیش از ما زندگی میکردند، آنها نیز مانند ما بودند. بعضی کشته میشوند و گروهی باقی میمانند تا این امر را بالاخره روزی زنده کنند.(3)

48. زید بن علی از آباء خود: علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: این آیه در باره ما نازل شده است.(4)

49. تفسیر عیاشی: ثعلبه: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: خداوند میفرماید: «لَقَدْ جاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِکُمْ» خطاب به ما است «عَزِیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ» این هم در باره ما است «حَرِیصٌ عَلَیْکُمْ» در باره ما است «بِالْمُؤْمِنِینَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ»،(5) {قطعا برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید. به

1- . تفسیر فرات : 44
2- . هود / 116
3- . تفسیر فرات : 63
4- . همان
5- . توبه / 128

[هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است.} در این قسمت چهارم، مؤمنین با ما شریک شده اند. آن سه قسمت اول اختصاص به ما دارد.(1)

50. تفسیر عیاشی: عبد اللّه بن سلیمان از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: «لَقَدْ جاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِکُمْ» از ما است «عَزِیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ» آنچه ما را میرنجاند «حَرِیصٌ عَلَیْکُمْ» یعنی بر ما «بِالْمُؤْمِنِینَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ» به شیعیان ما رئوف و مهربان است. سه قسمت مال ما است و یک چهارم شیعیان ما.(2)

توضیح: این تأویل امام علیه السّلام، انطباقش با آیه بسیار بیشتر است از تفسیری که مفسران در مورد «مِنْ أَنْفُسِکُمْ» یعنی از میان شما خانواده، نموده اند. به دلیل اینکه در مورد سایر مردم اسلوب را تغییر داده، میفرماید: «بِالْمُؤْمِنِینَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ».

51. تفسیر عیاشی: خطاب بن سلمه(3) گفت: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: خداوند هیچ پیامبری را بر نیانگیخت مگر با ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان. این آیه اشاره به همان است: «وَ لَقَدْ بَعَثْنا فِی کُلِّ أُمَّهٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَی اللّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَیْهِ الضَّلالَهُ» {و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را بپرستید و از طاغوت [=فریبگر] بپرهیزید. پس از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است} آنها که به واسطه تکذیب آل محمّد صلی اللّه علیه و آله گمراه شدند. بعد میفرماید: «فَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَهُ الْمُکَذِّبِینَ»(4)، {بنابراین در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است.}(5)

1- . تفسیر عیاشی 2 : 118
2- . همان
3- . در مصدر «خطاب بن مسلمه» است.
4- . نحل / 36
5- . تفسیر عیاشی 2 : 258

52. کنز الفوائد: نوفلی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: من آن تجارت سود بخشی هستم که موجب نجات از عذاب دردناکم که در این آیه میفرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلی تِجارَهٍ تُنْجِیکُمْ مِنْ عَذابٍ أَلِیمٍ»(1)، {ای کسانی که ایمان آورده اید، آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می رهاند؟ }(2)

53. کنز الفوائد: سلیم بن قیس از علی علیه السّلام نقل کرد که فرمود: ما آن خانواده ای هستیم که خداوند پیامبرش را در میان ما فرستاد تا آیاتش را بر ما بخواند و ما را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد.(3)

54. تفسیر قمی: ابو الصامت گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: شب و روز دوازده ساعت است. علی بن ابی طالب علیه السّلام بهترین ساعت از این دوازده ساعت است(4)

و این آیه اشاره به همان است: «بَلْ کَذَّبُوا بِالسَّاعَهِ وَ أَعْتَدْنا لِمَنْ کَذَّبَ بِالسَّاعَهِ سَعِیراً»(5) ، {[نه] بلکه [آنها] رستاخیز را دروغ خواندند و برای هر کس که رستاخیز را دروغ خواند، آتش سوزان آماده کرده ایم. }(6)

55. تفسیر قمی: حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه «إِنّها لَإِحْدَی الْکُبَرِ * نَذِیراً لِلْبَشَرِ»(7) ، {که آیات [قرآن] از پدیده های بزرگ است، بشر را هشداردهنده است. } فرمود: یعنی فاطمه علیها السّلام.(8)

توضیح: ضمیرهای آیات قبل از این آیه، به جهنم و شراره آن برمیگردد. گفته اند در این آیه: «وَ ما هِیَ إِلَّا ذِکْری لِلْبَشَرِ»(9)،

{و این [آیات] جز تذکاری برای

1- . صف / 10
2- . کنز الفوائد : 340
3- . همان : 400 نسخه رضویه
4- . در مصدر آمده است: «علی بن ابی طالب ساعتی از این دوازده ساعت است».

5- . فرقان / 11
6- . تفسیر قمی : 464
7- . مدثر / 35 و 36
8- . تفسیر قمی : 704
9- . مدثر / 31

بشر نیست.} ضمیر یا به جهنم برمیگردد یا به تعداد خازنان جهنم و یا به سوره. با احتمال برگشت ضمیر به سوره، ممکن است به صاحب سوره برگردد و امکان نیز دارد که تمام این تهدیدها به عذاب، در باره کسی باشد که به آن حضرت ظلم نموده و حقش را غصب کرده است.

56. اصول کافی: سالم حناط گفت: به حضرت باقر(1) علیه السّلام عرض کردم، منظور از این آیه را بفرمایید: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ * عَلی قَلْبِکَ لِتَکُونَ مِنَ الْمُنْذِرِینَ * بِلِسانٍ عَرَبِیٍّ مُبِینٍ»(2) {روح الامین آن را بر دلت نازل کرد تا از [جمله] هشداردهندگان باشی، به زبان عربی روشن.} فرمود: منظور ولایت امیر المؤمنین است.(3)

57. اصول کافی: فضیل از حضرت ابو الحسن علیه السّلام در باره آیه: «یُوفُونَ بِالنَّذْرِ»(4) ، {[همان بندگانی که] به نذر خود وفا می کردند} نقل کرد که فرمود: به پیمانی که از آنها در مورد ولایت ما گرفته شده، وفا میکنند.(5)

توضیح: در القاموس: «نذر علی نفسه ینذِر و ینذُر نذرا و نذورا» یعنی آن را واجب کرد، و نذر عبارت است از وعده ای که مشروط به شرطی باشد. این تفسیری که امام علیه السّلام میفرماید که وفای به نذر در عالم اجساد به آنچه که بر خود واجب کرده، عبارت از وفا به ولایت پیامبر و ائمه علیهم السّلام در میثاق است، این بطن یکی از بطون آیه است و منافات ندارد که ظاهر آیه بر وفا به نذرها و پیمانهای شرعی دلالت کند و همچنین با آنچه در باره نزول سوره هل أتی خواهد آمد که مربوط به نذر اهل بیت علیهم السّلام است که برای شفای امام حسین علیه السّلام روزه بگیرند. و شاید مراد از نذر، مطلق پیمان با خدا یا با مردم باشد. این مسلم است که سبب نزول، موجب اختصاص حکم و مفاد آیه نمیشود. اینجا امام علیه

1- . در نسخه دیگری «امام صادق علیه السّلام» آمده است.
2- . شعراء / 193 - 195
3- . اصول کافی 1 : 412
4- . انسان / 7
5- . اصول کافی 1 : 412

السّلام فقط از ولايت نام برد چون يک نوع از پيمان است که بيشتر مخفى شده و اين مطلب را تأييد ميکند که آيات سابق به طور کلى مربوط به نيکان است، گرچه مقصود اصلى، ائمه اطهار عليهم السّلام باشند.

مولف: در روايت ديگرى از محمد بن فضيل در باره آيه «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ» آمده که فرمود: براى خدا به نذر وفا مى کنند. و اين اظهر است که در اين جا ساقط شده است.

58. اصول کافى: ابو بصير از حضرت صادق عليه السّلام در باره آيه: «وَ إِذا تُتْلى عَلَيْهِمْ آياتُنا بَيِّناتٍ قالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقاماً وَ أَحْسَنُ نَدِيًّا»(1)، {و چون آيات روشن ما بر آنان خوانده شود، کسانى که کفر ورزيده اند به آنان که ايمان آورده اند مى گويند، کدام يک از [ما] دو گروه جايگاهش بهتر و محفلش آراسته تر است؟} فرمود: حضرت رسول صلى اللّه عليه و آله قريش را به ولايت ما دعوت کرد. آنها با تنفر منکر شدند. کفار از قريش به آنها که اقرار به ولايت امير المؤمنين و ائمه داشتند، به خاطر سرزنش ايشان گفتند، کدام يک از ما دو گروه بهتر و خوش بزم تريم.

خداوند در مقام رد آنها فرمود: «وَ كَمْ أَهْلَكْنا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ» از امت هاى گذشته: «هُمْ أَحْسَنُ أَثاثاً وَ رِءْياً»، {و چه بسيار نسلها را پيش از آنان نابود کرديم که اثاثى بهتر و ظاهرى فريباتر داشتند.}

عرض کردم، اين آيه را بفرماييد: «مَنْ كانَ فِي الضَّلالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمنُ مَدًّا» {هر که در گمراهى است [خداى] رحمان به او تا زمانى مهلت مى دهد.} فرمود: همه آنها در ضلالت بودند و به ولايت امير المؤمنين و ما ايمان نداشتند، گمراه و گمراه کننده بودند. خداوند گمراهى و سرکشى آنها را گسترش داد تا بميرند و بدون يار و ياور به بدترين جايگاه منتقل شوند. گفتم اين آيه: «حَتَّى إِذا رَأَوْا ما يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذابَ وَ إِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكاناً وَ أَضْعَفُ جُنْداً»(2) ، {تا وقتى

1- . مريم / 73
2- . همان / 74 و 75

آنچه به آنان وعده داده می شود، یا عذاب یا روز رستاخیز، را ببینند. پس به زودی خواهند دانست جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان تر است. }

فرمود: اما این قسمت آیه: «حَتَّی إِذا رَأَوْا ما یُوعَدُونَ» منظور خروج قائم علیه السّلام است و همین معنی ساعت است، آن روز خواهند فهمید که از جانب خدا به وسیله حضرت مهدی چه بر سر آنها نازل شده، این است معنی آیه: «مَنْ هُوَ شَرٌّ مَکاناً» یعنی نزد قائم «وَ أَضْعَفُ جُنْداً».

گفتم این آیه: «وَ یَزِیدُ اللَّهُ الَّذِینَ اهْتَدَوْا هُدیً»(1)، {و

خداوند کسانی را که هدایت یافته اند، بر هدایتشان می افزاید. } فرمود: یعنی در آن روز خداوند بر هدایت هدایت یافتگان به واسطه پیروی از قائم که منکر او نشده اند، می افزاید.

گفتم: «لا یَمْلِکُونَ الشَّفاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمنِ عَهْداً»(2)

، {[آنان] اختیار شفاعت را ندارند جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است. } فرمود: یعنی مالک شفاعت نیستند مگر کسانی که ولایت امیر المؤمنین و ائمه را پذیرفته اند و همین معنی پذیرش پیمان خدا در آیه است.

گفتم: «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا» {کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می دهد. } فرمود: ولایت امیر المؤمنین همان ود و محبتی است که خدا در این آیه فرموده است.

گفتم: «فَإِنَّما یَسَّرْناهُ بِلِسانِکَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِینَ وَ تُنْذِرَ بِهِ قَوْماً لُدًّا»(3)، {در حقیقت ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان نوید و مردم ستیزه جو را بدان بیم دهی. } فرمود: این را بر زبانش(زبان پیامبر) جاری کرد. موقعی که امیر المؤمنین را به جانشینی خود تعیین نمود، خداوند مؤمنین را بشارت داد و کافران را تهدید نمود. کافران همان کسانی هستند که در این آیه (به لدا) نام برده شده اند، یعنی بسیار ستیزه جو.

1- . همان 76
2- . همان / 87
3- . همان / 96 و 97

از این آیه سؤال کردم: «لِتُنْذِرَ قَوْماً ما أُنْذِرَ آباؤُهُمْ فَهُمْ غافِلُونَ» {تا قومی را که پدرانشان بیم داده نشدند و در غفلت ماندند بیم دهی.} فرمود: یعنی گروهی را که در میان آنها هستی بترسانی، چنانچه پدران آنها نیز مورد انذار قرار گرفتند. آنها از خدا و پیامبر و تهدید غافلند: «لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلی أَكْثَرِهِمْ» {آری گفته [خدا] در باره بیشترشان محقق گردیده است.} برای بیشتر آنهایی که اقرار به ولایت امیر المؤمنین و ائمه ندارند، چون اقرار و ایمان به ولایت ائمه و امیر المؤمنین ندارند. عذاب و کیفر ایشان در این آیه توضیح داده شده: «إِنَّا جَعَلْنا فِی أَعْناقِهِمْ أَغْلالاً فَهِیَ إِلَی الْأَذْقانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ» {ما در گردنهای آنان تا چانه هایشان غلهایی نهاده ایم به طوری که سرهایشان را بالا نگاه داشته و دیده فرو هشته اند} در آتش جهنم. سپس فرمود: «وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ» {و [ما] فراروی آنها سدی و پشت سرشان سدی نهاده و پرده ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند،} این عقوبتی است برای آنها در دنیا؛ چون منکر ولایت امیر المؤمنین و ائمه بعد از او شده اند. و در آخرت در آتش جهنم به طوری که سرهایشان بالا نگاه داشته شده است.

سپس میفرماید: «وَ سَواءٌ عَلَیْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا یُؤْمِنُونَ» {و آنان را چه بیم دهی [و] چه بیم ندهی به حالشان تفاوت نمی کند، نخواهند گروید} ایمان به خدا و ولایت علی و ائمه بعد از او نخواهند آورد. آنگاه میفرماید: «إِنَّما تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ» یعنی علی «وَ خَشِیَ الرَّحْمنَ بِالْغَیْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَ أَجْرٍ كَرِیمٍ»(1)، {بیم دادن تو تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نهان بترسد [چنین کسی را] به آمرزش و پاداشی پر ارزش مژده ده.}(2)

توضیح: جوهری گفته است: «الندیّ» بر وزن فعیل یعنی جایی که در آن می نشینند و گفتگو می کنند. «الأثاث» یعنی کالای خانه و در باره آیه «هُمْ أَحْسَنُ أَثاثاً وَ رِءْیاً» گفته است، هر کس «رِءْیاً» با همزه بخواند، آن را منظر قرار داده که از «رأیت» ساخته شده و یعنی آنچه که چشم آن را در حالتی نیکو و پوشش ظاهری

1- . یس / 6 - 11
2- . اصول کافی 1 : 431 و 432

می بیند و اگر بدون همزه بخواند، یا با تخفیف همزه است یا از «رَوَیت ألوانهم و جلودهم ریّا» یعنی پر شد و نیکو شد، گرفته شده. آیه «فَلْیَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمنُ مَدًّا»: قاضی گفته است، او را با طول عمر و بهره بردن از آن مهلت می دهد و به صورت امر آورده، به خاطر اینکه اعلام کند که مهلت دادن او از چیزهایی است که شایسته است به صورت تدریجی انجام دهد و برای اینکه عذرها و بهانهها را از بین ببرد. عبارت «حتی یموتوا» امام علیه السّلام عذاب را به عذاب نازل بر آنها بعد از مرگ و «الساعه» را به رجعت در زمان قائم علیه السّلام یا به رسیدن ایشان تا زمان قائم علیه السّلام یا اعم از این دو تفسیر کرد، زیرا «الساعه» ظاهرش قیامت است و باطنش رجعت؛ چنانچه خواهد آمد. و چون خدا آنچه را که وعده کرده، بین «عذاب» و «الساعه» مردد نموده و این آیه را فرع بر این دو قرار داده «فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَکاناً وَ أَضْعَفُ جُنْداً» امام تفریع بر هر کدام از این دو را مفصلا بیان کرده است. در تفریع آن بر عذاب فرمود: «حتی یموتوا فیصیّرهم الله» تا آخر؛ و چون قسم دیگر آن را ذکر نفرمود، سؤال کننده، آیه را دوباره تکرار نمود و امام علیه السّلام «الساعه» را با این عبارت توضیح داد: «حتی إذا رأوا» تا آخر. یعنی یکی از این دو چیزی که وعده داده شده بود که خروج قائم است، زیرا قسم دیگر را قبلا بیان فرمود. لذا امام علیه السّلام فرمود: او ساعت است، سپس فرع بر این قسم را با این عبارت «فسَیَعلَمون ذلکَ الیَوم وَ ما نَزَل» بیان کرد. و شاید «واو» از جانب نساخ اضافه شده است کما اینکه در کتاب تأویل الآیات الباهره به نقل از کلینی این گونه است و نیز در بسیاری از نسخه های دیگر. عبارت «ذلک الیوم» مفعول است نه ظرف، یعنی حقیقت آن روز، و «وَ ما نَزَل» عطف تفسیری است. امام فرمود: «یزیدهم»، شاید بنا بر این تفسیر، «یَزیدُ» عطف بر «فَسَیَعْلَمُونَ» باشد یعنی «فَسَیَزید الله» نه عطف بر شرط بعد از قول و نه عطف بر «فَلْیَمْدُدْ» همان طور که مفسران گفته اند. «إلاّ مَن دانَ» شاید استثنای از شافعین یا شفاعت شوندگان یا اعم از این دو باشد زیرا در آیه «لا یَمْلِکُونَ الشَّفاعَهَ» سه وجه است و مرحوم طبرسی آن را بر معنای آخر حمل کرده است زیرا گفته است، شفاعت غیر کفار شامل کفار نمی شود

و نه شفاعت کفار برای دیگران.(1) «هی الودّ» ظاهرش این است که امام علیه السّلام «الَّذِینَ آمَنُوا» را به شیعیان تفسیر فرموده است زیرا خدا مودت امیر المؤمنین علیه السّلام را برای ایشان قرار داده است و شاید منظور از «الَّذِینَ آمَنُوا» امیر المؤمنین و ائمه از فرزندانش علیهم السّلام باشد زیرا خدا مودت آنها را بر مردم واجب کرده است، چنانچه علی بن ابراهیم از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: سبب نزول این آیه این است که امیر المؤمنین نزد پیامبر نشسته بود. به او فرمود: یا علی! بگو خدایا، برای من در قلوب مؤمنین محبت قرار بده. و خدا این آیه را نازل کرد. پایان(2)

ضمیر در عبارت «إنما یسّره الله»، به اعتبار آیات نازل شده در باره امام، به قرآن برمیگردد یا به «ودّ» برمیگردد که به ولایت تفسیر شده است و «لدّ» به کفار تفسیر شد، برای بیان اینکه شدت دشمنی با ولایت علی علیه السّلام کفر است و «لدّ» جمع «ألدّ» است به معنی بسیار ستیزه جو. در «لِتُنْذِرَ قَوْماً ما أُنْذِرَ» بیضاوی گفته است، یا قومی که پدرانشان انذار نشده بودند؛ یعنی پدران نزدیکشان به خاطر طولانی بودن فاصله زمانیشان. یا آنچه که به آن انذار شده بودند، یا چیزی که پدران دورشان به آن انذار شده بودند، یا انذار پدرانشان بنا بر معنای مصدری. پایان(3)

ظاهر خبر مصدریت است و شاید موصوله و یا موصوفه نیز باشد که احتمال بعیدی است. «لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ» بنا بر تأویل امام، وعید به کشتن در دنیا به دست قائم علیه السّلام و عقوبت به آتش در آخرت است. «الإقماح» یعنی بالا گرفتن سر و بستن چشم «أقمحه الغلّ» زمانی که از روی فشار سرش را بالا بگیرد. در عبارت «عقوبه منه لهم»، شاید امام علیه السّلام ندیدن را به ندیدن حقر و ترک نظر و تفکر در دلائل تفسیر کرده است، همان طور که مشهور بین مفسران است و اکثر ایشان آیه اول را نیز همینطور تفسیر کردهاند. امام ذکر را از باب مثال به امیر المؤمنین علیه السّلام تفسیر نمود و منظور تمام ائمه علیهم السّلام است زیرا ایشان آنچه را که

1- . مجمع البیان 6 : 531
2- . تفسیر قمی : 416
3- . تفسیر البیضاوی 2 : 306

صلاح مردم در آن است، از علوم توحید و معاد و سایر معارف و شرایع و احکام، به ایشان تذکر می دهند.

59. اصول کافی: محمّد بن فضیل از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام نقل میکند که این آیه را از ایشان پرسیدم: «یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ» {می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند} فرمود: یعنی میخواهند نور ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام را با زبانهای خود خاموش کنند.

گفتم معنی: «وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»(1) ، {و حال آنکه خدا نور خود را کامل خواهد گردانید.} فرمود: یعنی خداوند امامت را تکمیل میکند، به دلیل این آیه: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنا»(2)، {پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید.} نور، امام است.

گفتم: «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِ» فرمود: یعنی اوست که پیامبرش را به ولایت وصیش امر کرده؛ ولایت همان دین حق است. گفتم: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ»(3)، {اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند.} فرمود: تا او را بر تمام دینها در هنگام قیام قائم پیروز کند.

آنگاه امام علیه السّلام فرمود «وَ اللَّهُ مُتِمُ - ولایه القائم - وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ - بولایه علی -».

عرض کردم، آیه همین طور نازل شده؟ فرمود: اصل این مطلب تنزیل و از جانب خدا است اما الفاظ دیگری که زائد بر «مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ» است تأویل آیه است.(4)

1- . صف / 8
2- . تغابن / 8
3- . صف / 9
4- . شاید منظور از حرف، آیه الکافرون باشد و یا آنچه که امام علیه السّلام فرموده، به عنوان تفسیر آیات اضافه کرده است.

عرض کردم، تفسیر این آیه «ذلِکَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا»(1) ، {این بدان سبب است که آنان ایمان آورده سپس به انکار پرداخته اند. }را. فرمود: خداوند کسانی را که از پیامبر در مورد وصی و جانشینش پیروی نکنند منافق نامیده و هر کس منکر امامت وصی او شود مانند کسی است که منکر محمد شده باشد و در این مورد آیه نازل نمود: «إِذا جاءَکَ الْمُنافِقُونَ» یعنی به وصی تو «قالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ وَ اللَّهُ یَشْهَدُ إِنَّ الْمُنافِقِینَ» به ولایت علی «لَکاذِبُونَ» {چون منافقان نزد تو آیند گویند، گواهی می دهیم که تو واقعاً پیامبر خدایی. و خدا [هم] می داند که تو واقعاً پیامبر او هستی و خدا گواهی می دهد که مردم دوچهره سخت دروغگویند} «اتَّخَذُوا أَیْمانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ» و سبیل وصی است «إِنَّهُمْ ساءَ ما کانُوا یَعْمَلُونَ» {سوگندهای خود را [چون] سپری بر خود گرفته و [مردم را] از راه خدا بازداشته اند؛ راستی که آنان چه بد می کنند} «ذلِکَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا» به رسالت تو «ثُمَّ کَفَرُوا» به ولایت وصی و جانشینت «فَطُبِعَ» به وسیله خدا «عَلی قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لا یَفْقَهُونَ»(2)، {این بدان سبب است که آنان ایمان آورده سپس به انکار پرداخته اند و در نتیجه بر دلهایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی فهمند. {

عرض کردم، معنی «لا یَفْقَهُونَ» چیست؟ فرمود: نبوت تو را درک نمیکنند.

گفتم: «وَ إِذا قِیلَ لَهُمْ تَعالَوْا یَسْتَغْفِرْ لَکُمْ رَسُولُ اللَّهِ» فرمود: یعنی وقتی به آنها گفته می شود به ولایت علی برگردید تا پیامبر اکرم طلب آمرزش گناهان شما را بنماید: «لَوَّوْا رُؤُسَهُمْ وَ رَأَیْتَهُمْ یَصُدُّونَ» از ولایت علی «وَ هُمْ مُسْتَکْبِرُونَ» {و چون بدیشان گفته شود بیایید تا پیامبر خدا برای شما آمرزش بخواهد، سرهای خود را بر می گردانند و آنان را می بینی که تکبرکنان روی برمی تابند} از آن.

آنگاه خداوند سخن را به این مطلب میکشاند که اینها چگونه اشخاصی هستند: «سَواءٌ عَلَیْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ یَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقِینَ»(3)

، {برای آنان یکسان است؛ چه برایشان آمرزش بخواهی یا برایشان

1- . منافقون / 3

2- . همان / 1 - 3
3- . همان / 5 و 6

آمرزش نخواهی، خدا هرگز بر ایشان نخواهد بخشود. خدا فاسقان را راهنمایی نمی کند. } می گوید، ظالمین به وصی تو.

عرض کردم، «أَ فَمَنْ یَمْشِی مُکِبًّا عَلی وَجْهِهِ أَهْدی أَمَّنْ یَمْشِی سَوِیًّا عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ»(1) ، {پس آیا آن کس که نگونسار راه می پیماید هدایت یافته تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می رود؟ } فرمود: خداوند کسی را که با ولایت علی مخالفت نموده، به شخصی مثال زده که روی زمین افتاده و نمیداند به کجا برود؛ و هر کس پیرو علی شد مانند کسی است که در راه راست و درست مستقیم به راه خود ادامه دهد، که راه مستقیم همان امیر المؤمنین است.

عرض کردم، این آیه «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ کَرِیمٍ» {که [قرآن] قطعا گفتار فرستاده ای بزرگوار است} فرمود: یعنی جبرئیل از جانب خدا در مورد ولایت علی. گفتم: «وَ ما هُوَ بِقَوْلِ شاعِرٍ قَلِیلاً ما تُؤْمِنُونَ»(2) {و آن گفتار شاعری نیست [که] کمتر [به آن] ایمان دارید. } فرمود: قریش میگفتند، محمّد بر خدا دروغ می بندد، خدا در مورد علی چنین دستوری به او نداده. خداوند آیه بر آن جناب نازل کرد که ولایت علی علیه السّلام «تَنْزِیلٌ مِنْ رَبِّ الْعالَمِینَ * وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَیْنا» محمد «بَعْضَ الْأَقاوِیلِ * لَأَخَذْنا مِنْهُ بِالْیَمِینِ * ثُمَّ لَقَطَعْنا مِنْهُ الْوَتِینَ»(3) {[پیام] فرودآمده ای است از جانب پروردگار جهانیان و اگر [او] پاره ای گفته ها بر ما بسته بود، دست راستش را سخت می گرفتیم سپس رگ قلبش را پاره می کردیم. }

باز سخن را به ولایت برمی گرداند و می فرماید: «وَ إِنَّهُ» ولایت علی «لَتَذْکِرَةٌ لِلْمُتَّقِینَ» {و در حقیقت [قرآن] تذکاری برای پرهیزگاران است} برای عالمان «وَ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْکُمْ مُکَذِّبِینَ * وَ إِنَّهُ» علی «لَحَسْرَةٌ عَلَی الْکافِرِینَ * وَ إِنَّهُ» ولایت علی «لَحَقُّ الْیَقِینِ * فَسَبِّحْ» ای محمد «بِاسْمِ رَبِّکَ الْعَظِیمِ»(4)، {و ما به راستی می دانیم که از [میان] شما تکذیب کنندگانی هستند و آن (ولایت علی) واقعاً بر کافران حسرتی

1- . ملک / 22
2- . حاقه / 40 و 41
3- . همان / 43 - 46
4- . همان / 48 - 52

است و این [قرآن] بی شبهه حقیقتی یقینی است، پس به [پاس] نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی} یعنی پروردگارت را سپاسگزاری کن که به تو این نعمت را عنایت کرده است.

گفتم: «لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدی آمَنَّا بِهِ» فرمود: هدایت در آیه ولایت است، یعنی به مولایمان ایمان آوردیم. هر کس به مولای خود ایمان آورد «فَلَا یَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا»(1)، {چون هدایت را شنیدیم بدان گرویدیم، پس کسی که به پروردگار خود ایمان آورد، از کمی [پاداش] و سختی بیم ندارد.} گفتم این طور نازل شده؟ فرمود: نه این تأویل آیه است.

عرض کردم: «إِنِّی لا أَمْلِکُ لَکُمْ ضَرًّا وَ لا رَشَداً» فرمود: پیامبر اکرم مردم را به ولایت علی علیه السّلام دعوت کرد. قریش اجتماع نموده گفتند: یا محمّد، ما را از این تکلیف معذور دار. فرمود: این بستگی به دستور خدا دارد، از طرف من نیست. به پیامبر تهمت زدند و خارج شدند.

خداوند این آیه را نازل کرد: «قُلْ إِنِّی لا أَمْلِکُ لَکُمْ ضَرًّا وَ لا رَشَداً * قُلْ إِنِّی لَنْ یُجِیرَنِی مِنَ اللَّهِ» اگر معصیت کنم او را «أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً * إِلَّا بَلاغاً مِنَ اللَّهِ وَ رِسالاتِهِ» { بگو من برای شما اختیار زیان و هدایتی را ندارم. بگو هرگز کسی مرا در برابر خدا پناه نمی دهد و هرگز پناهگاهی غیر از او نمی یابم [وظیفه من] تنها ابلاغی از خدا و [رساندن] پیامهای اوست} در باره علی.

عرض کردم، آیه همین طور نازل شده است؟

فرمود: آری. بعد فرمود: از جهت تأکید و اثبات مطلب میفرماید: «وَ مَنْ یَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» در باره ولایت علی «فَإِنَّ لَهُ نارَ جَهَنَّمَ خالِدِینَ فِیها أَبَداً» {و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند، قطعا آتش دوزخ برای اوست و جاودانه در آن خواهند ماند.}

1- . جن / 13

گفتم: تفسیر آیه: «حَتَّی إِذا رَأَوْا ما یُوعَدُونَ فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِراً وَ أَقَلُّ عَدَداً»(1) ، {[باش] تا آنچه را وعده داده می شوند ببینند آنگاه دریابند که یاور چه کسی ضعیف تر و کدام یک شماره اش کمتر است. }

فرمود: منظور حضرت قائم و یاران اوست.

گفتم: «فَاصْبِرْ عَلی ما یَقُولُونَ» فرمود: در باره تو میگویند؛ «واهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِیلاً * وَ ذَرْنِی» ای محمد «وَ الْمُکَذِّبِینَ» به وصی تو «أُولِی النَّعْمَهِ وَ مَهِّلْهُمْ قَلِیلاً»،(2) {و بر آنچه می گویند شکیبا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر و مرا با تکذیب کنندگان توانگر واگذار و اندکی مهلتشان ده. } گفتم این طور نازل شده؟ فرمود: آری.

گفتم: «لِیَسْتَیْقِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ» {تا آنان که اهل کتابند یقین به هم رسانند. } فرمود: یقین پیدا می کنند که خدا و پیامبر و وصی او حق است.

گفتم: «وَ یَزْدادَ الَّذِینَ آمَنُوا إِیماناً» {و ایمان کسانی که ایمان آورده اند افزون گردد. } فرمود: به واسطه اعتقاد به ولایت علی، ایمانشان افزوده می شود.

گفتم: «وَ لا یَرْتابَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ» {و آنان که کتاب به ایشان داده شده و [نیز] مؤمنان به شک نیفتند} فرمود: به ولایت علی. پرسیدم این شک و شبهه چیست؟ فرمود: منظور این است که اهل کتاب و مؤمنین در باره ولایت به شک نخواهند افتاد.

از این آیه پرسیدم: «وَ ما هِیَ إِلَّا ذِکْری لِلْبَشَرِ»(3)، {و

این [آیات] جز تذکاری برای بشر نیست. } فرمود: آری همان ولایت علی است.

گفتم: «إِنّها لَإِحْدَی الْکُبَرِ»(4)، {که آیات [قرآن] از پدیده های بزرگ است. } فرمود: ولایت است.

1- . همان / 21 - 24
2- . مزمل / 10 و 11

3- . مدثر / 31
4- . همان / 35

گفتم: «لِمَنْ شاءَ مِنْکُمْ أَنْ یَتَقَدَّمَ أَوْ یَتَأَخَّرَ»(1)، {هر

که از شما را که بخواهد پیشی جوید یا بازایستد.} فرمود: یعنی هر کس به سوی ولایت ما سبقت جوید از او دور شده و هر که از ولایت کناره گیری کند به جهنم نزدیک شده: «إِلَّا أَصْحابَ الْیَمِینِ»(2) فرمود: به خدا قسم آنها شیعیان مایند.

گفتم معنی: «لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ»(3) {از نمازگزاران نبودیم.} فرمود: یعنی ما علاقه ای به وصی محمّد و جانشینان او نداشتیم و بر آنها صلوات نمی فرستادیم.

گفتم: «فَما لَهُمْ عَنِ التَّذْکِرَهِ مُعْرِضِینَ»(4)، {چراآنها

از تذکر روی گردانند؟} فرمود: یعنی چه شده که آنها از ولایت اعراض دارند.

گفتم: «کَلَّا إِنّها تَذْکِرَهٌ»(5)، {چنین نیست که آنها می گویند، آن قرآن یک تذکر و یادآوری است.} فرمود: منظور ولایت است. گفتم معنی: «یُوفُونَ بِالنَّذْرِ»(6) {[همان بندگانی که] به نذر خود وفا می کردند.} فرمود: به پیمانی وفا میکنند که خداوند در زمان میثاق از آنها راجع به ولایت ما گرفته است.

گفتم: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْقُرْآنَ تَنْزِیلاً»(7) ، {در حقیقت ما قرآن را بر تو به تدریج فرو فرستادیم.} بولایت علی. فرمود: معنی این است که قرآن را همدوش با ولایت علی بر تو فرستادیم. پرسیدم آیا (بولایه علی) جزء آیه است؟ فرمود: نه این تأویل آیه است.

گفتم: «إِنَّ هذِهِ تَذْکِرَهٌ»(8)، {این [آیات] پندنامه ای است.} فرمود: یعنی ولایت. گفتم: «یُدْخِلُ مَنْ یَشاءُ فِی رَحْمَتِهِ»، {هر که را خواهد به رحمت خویش در می آورد} فرمود: یعنی در ولایت ما.

1- . همان / 37
2- . همان / 39
3- . همان / 43

4- . همان / 49

5- . همان / 54، در مصحف شریف «كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ» است مراجعه کن به سوره مدثر.

6- . انسان / 7

7- . همان / 23

8- . همان / 29

گفتم: «وَ الظّالِمِینَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذاباً أَلِیماً»(1)، {و برای ظالمان عذابی پردرد آماده کرده است.} فرمود: مگر در این آیه دقت نکرده ای: «وَ ما ظَلَمُونا وَ لکِنْ کانُوا أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ»(2) {و[لی آنان] بر ما ستم نکردند بلکه بر خویشتن ستم روا می داشتند.} خداوند عزیزتر و قویتر است از اینکه به او ستم روا شود یا اینکه به خود نسبت ظلم دهد، اما در این آیات که می فرماید به ما ستم روا نداشته اند، ما را با نفس خود قرین و همراه قرار داده و به همین جهت ظلم به ما را ظلم به خود نسبت داده و ولایت ما را ولایت خود محسوب نموده، سپس در این مورد بر پیامبرش آیه نازل کرده است: «وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لکِنْ کانُوا أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ»(3)، {و ما بر آنان ستم نکردیم بلکه آنها به خود ستم می کردند.} گفتم آیه همین طور نازل شده؟ فرمود: آری.

گفتم: «وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ» {آن روز وای بر تکذیب کنندگان} فرمود: یعنی وای بر تکذیب کنندگان نسبت به آنچه بر تو در مورد ولایت علی وحی نمودم «أَ لَمْ نُهْلِکِ الْأَوَّلِینَ * ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِینَ» {مگر پیشینیان را هلاک نکردیم سپس از پی آنان پسینیان را می بریم} پیشینیان کسانی هستند که تکذیب پیامبران را در اطاعت اوصیاء نمودند «کَذلِکَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِینَ»(4)

، {با مجرمان چنین می کنیم.} یعنی همین کار را نسبت به کسانی که در مورد آل محمّد خیانت روا داشتند و نسبت به وصی او آن کارها را نمودند انجام خواهیم داد.

گفتم: «إِنَّ الْمُتَّقِینَ»(5)، فرمود: به خدا قسم، منظور از متقین ما و شیعیانمان هستیم که پیرو ملت و روش ابراهیم جز ما کس دیگری نیست؛ دیگران از پیروی ابراهیم فاصله دارند.

1- . همان / 31
2- . بقره / 57
3- . نحل / 118
4- . مرسلات / 15 - 18
5- . همان / 41

گفتم: «يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلائِكَةُ صَفًّا لا يَتَكَلَّمُونَ»(1)

، {روزی که روح و فرشتگان به صف می ایستند و [مردم] سخن نگویند } تا آخر آیه. فرمود: به خدا سوگند به ما روز قیامت اجازه داده می شود و ما به صواب سخن می گوییم، (همانطور) که در آیه ذکر شده. عرض کردم چه می گویید؟ فرمود: پروردگارمان را تمجید می کنیم و بر پیامبر اکرم صلوات می فرستیم، آنگاه برای شیعیان خود شفاعت می نماییم. خداوند درخواست ما را رد نخواهد کرد.

گفتم: «كَلَّا إِنَّ كِتابَ الفُجَّارِ لَفِی سِجِّينٍ»(2)، {نه چنین است [که می پندارند] که کارنامه بدکاران در سجین است. } فرمود : آنها کسانی هستند که در حق ائمه جنایت روا داشتند و به آنها ستم کردند.

گفتم، پس از آن گفته می شود: «هذَا الَّذِی كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ»(3)، {این همان است که آن را به دروغ می گرفتید. } فرمود: یعنی این امیر المؤمنین، همان کسی است که مقامش را تکذیب می کردید. گفتم آیه همین طور نازل شده؟ فرمود: آری.(4)

توضیح: عبارت «لیطفئوا ولایه امیر المؤمنین»: مفسران نور را به ایمان و اسلام تفسیر کرده اند و امام علیه السّلام آن را به ولایت تفسیر نموده زیرا ولایت در ایمان و اسلام اصل است و به وسیله ولایت سایر ارکان ایمان و اسلام تبیین می شود. عبارت «متم الإمامه» یعنی منصوب شدن امام در هر عصری و تبیین حجیت او برای مردم، اگرچه آن را انکار کرده اند یا اتمام امامت در زمان قائم علیه السّلام. سپس امام علیه السّلام برای اینکه منظور از نور امام است، به آیه دیگری در سوره تغابن استشهاد نموده است و آیه این است: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ»(5)

و تغییر یا از راویان و نساخ است یا از امام علیه السّلام که نقل به معنا کرده است و مفسرین نور را به قرآن تفسیر کرده اند و امام علیه السّلام آن را به امام تأویل برده است، به خاطر

1- . نبأ / 38
2- . مطففین / 7

3- . همان / 17
4- . اصول کافی 1 : 432 و 435
5- . تغابن / 8

قرین بودن او به پیامبر صلّی الله علیه و آله در سایر آیاتی که در قرآن آمده مانند آیه «إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللّهُ»(1)

و آیه «أُوْلِی الأَمْرِ»(2)

و غیر این دو؛ و شأن نزول آیه منافاتی با آن ندارد زیرا در شأن پیامبر صلّی الله علیه و آله نیز این آیه نازل شده است «قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَیْکُمْ ذِکْرًا * رَّسُولاً»(3)، {راستی که خدا سوی شما تذکاری فرو فرستاده است پیامبری که آیات روشنگر خدا را بر شما تلاوت می کند.} پس نور پیامبر صلّی الله علیه و آله و علی علیه السّلام از صلب آدم به صلب های پاک منتقل شد تا به صلب عبد المطلب وارد شد و به دو نیمه تقسیم شد، نصف آن به صلب عبد الله و نصف دیگر به صلب ابو طالب رفت، چنانچه گذشت. خداوند فرموده است: «النُّورَ الَّذِیَ أُنزِلَ مَعَهُ»(4)،

که به علی علیه السّلام تفسیر شده است و شاید «انزال» اشاره به این است که پس از بالا رفتن ائمه علیهم السّلام به بالاترین درجات قرب و تقدس و عزت و کرامت، آنها را برای معاشرت با مردم و هدایت ایشان پایین آورد تا علوم را با تقدس و طهارتشان از آنها اخذ کنند و این علوم را با ظاهر بشریشان به مردم برسانند؛ پس انزال ایشان اشاره به این معنی است، چنانچه در جای دیگری بیان کردیم. و شاید مبنی باشد بنا بر اینکه مراد از ایمان به قرآن، اذعان اجمالی به آن نیست بلکه منظور فهم معانی آن و تصدیق آن است و این میسر نمی شود مگر به معرفت امام و ولایتش؛ زیرا او حافظ لفظ و معنی و ظاهر و باطن قرآن است بلکه قرآن حقیقی اوست، چنانچه در کتاب قرآن و غیر آن، تحقیق آن خواهد آمد، ان شاء الله.

در آیه «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ»(5)

می گویم: این مضمون در سه جای قرآن آمده است: اول در سوره توبه «یُرِیدُونَ أَن یُطْفِؤُواْ نُورَ اللّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَیَأْبَی اللّهُ إِلاَّ أَن یُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ * هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی

1- . مائده / 55

2- . نساء / 59
3- . طلاق / 10 و 11
4- . اعراف / 157
5- توبه / 33

الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»(1)

، {می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند ولی خداوند نمی گذارد تا نور خود را کامل کند هر چند کافران را خوش نیاید. او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.} و دومی در سوره فتح: «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَکَفَی بِاللَّهِ شَهِیدًا»(2)،

{اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می کند.} و سومی در سوره صف: «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»(3) ، {اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند هر چند مشرکان را ناخوش آید.} ظاهراً آنچه که در خبر آمده، تأویل آیه سوره صف است و عبارت «وَ الله مُتِمّ» یعنی ولایت قائم علیه السّلام، بازگشت به تأویل انتهای آیه اولی است زیرا سؤال کننده عجله نموده و از تفسیر آیه دوم قبل از تمام شدن تفسیر آیه اول پرسیده و امام علیه السّلام تفسیر آیه اول را بیان فرمود و آیه «وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ» را به خاطر نزدیک بودن مفهوم آخر دو آیه تفسیر نفرمود. و شاید «وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ» تفسیر آیه «وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ» باشد یا نقل به معنا شده و احتمال اولی اظهر است. عبارت «أما هذا الحرف» یعنی گفته او به ولایت علی علیه السّلام در آخر آیه یا از عبارت «و الله» تا «علیّ». عبارت «بولایه وصیّک» یعنی به سبب آن، زیرا نفاق آنها به خاطر انکار ولایت بود یا در ولایت، زیرا ایشان در ظاهر قبول می کردند ولی در باطن سعی در از بین بردن آن داشتند. «لکاذبون» یعنی ادعای ایشان در اذعان به نبوت، زیرا تکذیب ولایت مستلزم تکذیب نبوت است و «سبیل» همان وصی است زیرا او رساننده به راه نجات است و دعوت کننده به راه خیر و هیچ عملی پذیرفته نمی شود مگر به ولایت او. «لا یعقلون بنبوتک» یعنی حق بودن و حقیقت آن را

1- . همان / 32 و 33
2- . فتح / 28

3- . صف / 9

درک نمی کنند و نمی فهمند که انکار وصی، تکذیب پیامبر صلّی الله علیه و آله است و معنی نبوت و فایده و نفع آن تمام نمی شود مگر به تعیین وصی معصومی که حافظ شریعت او باشد. پس هر کس که ایمان به وصی نیاورد، معنای نبوت را درک نکرده است و تصدیق آن بنا بر فرض وقوعش، تصدیق بدون تصور است. «لَوَّوْا رُؤُوسَهُمْ» یعنی سرش را از روی اعراض و تکبر نسبت به آن برگرداند. «وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ» یعنی اعراض می کنند. عبارت «ثمّ عطف القول» به صیغه مجهول است و «باء» در عبارت «بمعرفته» به معنی «إلی» است یعنی خدای متعال کلام را از بیان حال آنها به بیان علم خود به سرانجام ایشان برگرداند و اینکه انذار نفعی برای ایشان ندارد. شاید «باء» سببیه باشد که برگشت به معنی اولیه می کند.

اگر گفته شود مشهور بین مفسرین این است که این آیات در باره ابن اُبی منافق و یارانش نازل شده است و این با آن چه که در خبر آمده است، منافات دارد، مولف: خصوصیت سبب، باعث سببیت برای خصوص آن حکم نمی شود و آنچه از احکام و هر حکمی که در باره گروهی وارد شده، در باره هم نوعانشان تا روز قیامت هم می شود، با اینکه آیات دو بار در دو قضیه به خاطر تشابه آن دو نازل شده است. و نیز اعتمادی بر بیشتر آنچه که در باره شأن نزول ها گفته شده، نیست. در کل، شاید معنی این است که آیات نفاق شامل جماعتی می شود که اظهار ایمان به پیامبر صلّی الله علیه و آله می کنند ولی امامت وصیش را انکار می کنند و در واقع به آن کفر حقیقی ورزیده اند. «أَفَمَن يَمْشِی مُكِبًّا»، گفته می شود «کَببتُه فأكبّ» یعنی او را به زمین زدم پس به زمین خورد و تفسیر آیه گذشت. «مَن حاد» یعنی مایل شد و منحرف گردید و نتیجه این می شود که شیعه علی علیه السّلام، در عقاید و اعمالش تابع اوست؛ بر صراط مستقیم می رود و از حق منحرف نمی شود و راه بر او مشتبه نمی گردد و در شبهاتی که موجب لغزش او می شود و خروج از آن سخت است، قرار نمی گیرد؛ ولی مخالف او کور و سرگردان است و مقصد خود و سرانجام کار خود را نمی داند، پس راه های صعب العبوری را طی می کند که او را به اشتباه میاندازد و نمیداند که به کجا منتهی میشود و در گودال و تنگناها و شبهاتی واقع

میشود که راه نجات از آن را نمیداند و «الصراط المستقیم أمیر المؤمنین» یعنی ولایت و پیروی از او، یا در آیه، مضافی در تقدیر گرفته میشود.

«إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ کَرِیمٍ»: مفسران گفته اند ضمیر آن به قرآن برمیگردد و بناً بر آنچه که امام علیه السّلام تفسیر نموده نیز به قرآن برمیگردد، اما به اعتبار آیاتی که در باره ولایت نازل شده است یا اینکه معنی این است که آیات در ولایت جاری است بلکه ولایت، اصل در آیات است. عبارت «قالوا إنّ محمدا» تفسیر برای شاعر است زیرا منظور از آن کسی است که دروغ را به لطایف الحیل ترویج می کند و مبنای کلام او بر تخیلات شعری است زیرا شعر نبودن قرآن چیزی است که کسی در آن شک نمی کند. عبارت «إنّ ولایه علیّ» منافاتی با رجوع ضمیر به قرآن ندارد زیرا منظور از آن آیاتی است که در باره ولایت نازل شده است، چنانچه دانستی. «لَأَخَذْنا مِنْهُ بِالْیَمِینِ» کنایه از شدت گرفتن است زیرا گرفتن با دست راست، شدیدتر و قویتر از گرفتن با دست چپ است و «الْوَتِینَ» رگی است در قلب که زمانی که بریده شود، صاحب آن می میرد. عبارت «ثمّ عطف» به صیغه معلوم است و ضمیر آن به خدا برمیگردد یعنی کلام را به ولایت برگرداند. عبارت «إنّ ولایه علیّ» تفسیر آیه «وَ إِنَّهُ لَتَذْکِرَهٌ لِلْمُتَّقِینَ» است یعنی آیات نازل شده در باره ولایت و متقین، به عالمان به ولایت تفسیر شده است. «أَنَّ مِنْکُمْ مُکَذِّبِینَ» یعنی به ولایت و عبارت «إنّ علیّا لحسره» تفسیر برای مرجع ضمیر در «وَ إِنَّهُ» است و بیان نتیجه معنا؛ زیرا آیات نازل شده در باره ولایت و عمل نکردن، چون وبال و حسرتی بر کافرین در روز قیامت است، گویا علی علیه السّلام حسرتی برای ایشان است؛ همچنین است کلام در عبارت «و إنّ ولایته» زیرا تمام ضمیرها به یک چیز برمیگردد ولی با عبارات مختلف به جهت تفنن و توضیح از آن تعبیر شده است.

در «لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدی»، هدی را به قرآن تفسیر کرده اند و چون بیشتر آن در ولایت است، چه تصریحاً، چه تلویحاً، چه ظاهراً و چه باطناً، امام علیه السّلام «هدی» را به ولایت تفسیر نمود و چون ایمان به ولایت، برگشت ایمان به صاحب آن است و کسی که اولی به هر نفسی از خودش است. ضمیر در «بِهِ» را برای بیان نتیجه معنا به مولی برگرداند و شاید «هدی» مصدری است به معنی اسم فاعل به

خاطر مبالغه؛ پس منظور از «هدی» هادی است که او مولی است، و امام علیه السّلام آیه «فَمَن يُؤْمِن بِرَبِّهِ»(1) را به ایمان به ولایت تأویل کرده است، برای دلالت بر اینکه هر کس ایمان به ولایت نیاورد، به خدایش ایمان نیاورده، پس ولایت شرط ایمان به خداست.

«فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا» بیضاوی گفته است: یعنی کمی پاداش و نه اینکه او را به ذلت بیندازد یا پاداش کمی به او بدهد، زیرا او از حق کم نگذاشته و به او ستم نکرده است؛.(2) در قاموس آمده «البخس» یعنی نقص و ظلم و «رَهَق» یعنی آمیزش با محارم.

«قُلْ إِنِّی لَا أَمْلِکُ لَکُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا» بیضاوی گفته است، یعنی نه نفع و نه گمراهی و نه هدایتی. از دو تای از این ها به اسم خودش تعبیر آورده و از دیگری به اسم سبب یا مسببش، که برای فهماندن هر دو معنا باشد. «قُلْ إِنِّی لَن يُجِيرَنِی مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ - اگر قصد سویی نسبت به من داشته باشد - وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا» یعنی پناهگاه. «إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ» استثنا از «لَا أَمْلِکُ» زیرا تبلیغ، هدایت و نفع رساندن است و آنچه بین این دو است، معترضه است که برای تأکید نفی استطاعت آمده است یا استثنا از «مُلْتَحَدًا» یا اینکه به معنای آن است که پیامی را نمی رسانم و آنچه قبل از آن است، دلیل جواب است. «وَرِسَالَاتِهِ» عطف بر «بَلَاغًا» است و «مِنَ اللَّهِ» صفت آن زیرا «بلغ» با «عن» به کار می رود مثل گفته پیامبر صلّی الله علیه و آله «أبلغوا عنّی و لو آيه» پایان.(3)

عبارت «أعفنا»: گفته می شود «أعفاه عن الأمر» یعنی هنگامی که به او تکلیف نکند، او را از آن کار معاف کرد، که منظور قائم علیه السّلام است زیرا از چیزهایی است که به آن وعده داده شده است و منافاتی با شمول آن برای قیامت و عقوبات آن نیز ندارد. «فاصبر عَلَى مَا يَقُولُونَ» در سوره مزمل «وَ اصْبِرْ» است و این تغییر ظاهرا از جانب نساخ است یا اینکه «فاء» برای فهماندن این است که «وَ

1- . جن / 13
2- . تفسیر البیضاوی 2 : 555
3- . همان 2 : 556

اصْبِرْ» عطف بر «ما إتخذ» است و آن از تتمه تفریع است. عبارت «یقولون فیک» یعنی او شاعر و کاهن است، یا اینکه آنچه که در باره پسر عمویش می گوید از جانب خودش است «وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِیلاً» یعنی در کنارشان باشی و با ایشان مدارا کنی و مجازاتشان نکنی و امر آنها را به خدا واگذار کنی «وَ ذَرْنِی» یعنی من و آنها را رها کنی، خودم مجازاتشان می نمایم. «أُولِی النَّعْمَهِ» یعنی صاحبان نعمت «وَمَهِّلْهُمْ قَلِیلاً» یعنی زمان یا مهلت کمی. عبارت «إنّ هذا تنزیل» یعنی عبارت «بوصیک» این گونه نازل شده است یا اینکه مدلول تضمنی آن است زیرا تکذیب پیامبر صلّی الله علیه و آله در باره امر به وصی، تکذیب وصی است. «لِیَسْتَیْقِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ»، قبل از آن در سوره مدثر این آیات است «ذَرْنِی وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِیدًا * وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا»(1) {مرا با آنکه [او را] تنها آفریدم واگذار و دارایی بسیار به او بخشیدم} تا «سَأُصْلِیهِ سَقَرَ * وَمَا أَدْرَاکَ مَا سَقَرُ * لَا تُبْقِی وَلَا تَذَرُ *لَوَّاحَهٌ لِّلْبَشَرِ * عَلَیْهَا تِسْعَهَ عَشَرَ * وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِکَهً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَهً لِّلَّذِینَ کَفَرُوا لِیَسْتَیْقِنَ»(2)

تا آخر {زودا که او را به سقر در آورم و تو چه دانی که آن سقر چیست؟ نه باقی می گذارد و نه رها می کند. پوستها را سیاه می گرداند [و] بر آن [دوزخ] نوزده [نگهبان] است و ما موکلان آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم و شماره آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده اند قرار ندادیم تا آنان که اهل کتابند یقین به هم رسانند}. مفسران گفته اند وحید، ولید بن مغیره است و یقین آوردن اهل کتاب به موافقت عدد آتشبانان (دوزخ) با آنچه که در کتابهایشان آمده است و افزوده شدن ایمان مومنین با ایمان آوردن به آن یا به تصدیق اهل کتاب «وَ لا یَرْتابَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ» تاکید برای یقین آوردن و زیادی ایمان است و نفی آنچه که بر یقین آورنده عارض می شود در جایی که شبههای برای او پیش می آید و در روایات ما وارد شده است که منظور از وحید، ولد الزنا است که عمر است و همچنین تتمه آیات نیز درباره اوست، چنانچه در جای دیگری آن را آوردیم. و چون که تهدید خدا به عذاب سقر به خاطر انکار ولایت بود، ولایت را در

1- . مدثر / 11 و 12
2- . همان / 26 - 31

این آیات به همین جهت ذکر نمود. و توضیحش این است که مکررا دانستی، آیه ای که در باره گروهی نازل می شود، در امثال آنان نیز تا روز قیامت جاری است. پس ظاهر آیات درباره ولید است و باطن آن درباره زنازاده ستیزه جو، همانطور که اولی معارض در نبوت بود ،دومی نیز معارض در ولایت بود و این دو متلازمند و نفی هر کدام مستلزم نفی دیگری است؛ پس این تاویل منافاتی با مکی بودن سوره ندارد علاوه بر اینکه پیامبر صلّی اللّه علیه و اله، همانطور که گذشت، امامت وصیش را در آغاز بعثت آشکار نمود. پس شاید کافر و منافق به خاطر اظهار ولایت با هم به او نسبت سحر داده اند و نیز نفی قرآن به هر وجهی مستلزم نفی ولایت، و اثبات آن مستلزم اثبات ولایت است.

عبارت «ما هذا الارتیاب»: شاید سؤال کننده عبارت «بولایه علی» را متعلق به مؤمنین قرار داده، پس نمی داند که متعلق ارتیابی که نفی شده است چیست، به همین خاطر از امام سؤال کرد.

عبارت «نعم ولایه علی» گویا یاد آوری برای ولایت اوست و شاید در معنای باطنی قرآن، ضمیر به ولایت برگردد به جهت اینکه آیات درباره ولایت نازل شده است و همچنین در عبارت «الولایه»، در کلام امام علیه السلام این دو وجه جاری است. در عبارت «من تقدم الی ولایتنا» چند وجه وجود دارد، احتمال اول: منظور از تقدم، تقدم به ولایت و منظور از تأخر، تأخر از سقر باشد و این تردید فقط به حسب لفظ است. احتمال دوم: هردوی آنها ناظر به ولایتند و یا برای تقسیم، مانند گفتار نحویون که می گویند، کلمه یا اسم است، یا فعل است، یا حرف. احتمال سوم: به حسب ظاهر و باطن آیه، منظور هر دوی آنهاست؛ به این صورت که در ظاهر یعنی پیشی گرفتن به سقر و باز ایستادن از ولایت، و در باطن یعنی پیشی گرفتن به ولایت و باز ایستادن از سقر.

«کَلَّا - إنّها - تَذْکِرَهٌ»: در سوره مدثر «إِنَّه» است، گویا در قرائت اهل بیت علیهم السلام «إنّها» بوده و یا اینکه این تغییر از جانب نساخ است. اما در سوره عبس «کَلَّا إنها تَذْکِرَهٌ»(1)

آمده و شاید سؤال کننده درباره این آیه پرسیده است.

1- . عبس / 11

عبارت «بولايه علىّ»: منظور از قرآن يعنى آنچه كه از آن درباره ولايت نازل شده است يا اينكه منظور اين است كه اصل ولايت در قرآن است. عبارت «نعم» در بعضى نسخ نيست و اظهر نيز همين است. و نويسنده كتاب «تأويل الايات الباهره» به نقل از كافى اينگونه نقل كرده است: «لاتأويل» يعنى بدون «نعم». و بنابر آنچه كه در بيشتر نسخ موجود است كه با لفظ «نعم» است، شايد سؤال كننده به صورت استفهام انكارى و استبعاد سؤال كرده و امام عليه السلام «نعم» را براى تصديق انكار او بيان كرده است و يا اينكه «نعم» فقط جواب سؤال است و «ذا» اشاره به آن چيزى است كه امام عليه السلام در آيه گذشته بيان كرد.

«إِنَّ هذِهِ تَذْكِرَةٌ»: مى گويم، مفسران ضمير را به سوره يا آيات نزديك برگردانده اند و چون كه روايات خاص و عام، مؤيّد نزول اين سوره در شأن اهل بيت عليهم السلام است، پس تفسير اسم اشاره به ولايت، منافاتى با آنچه كه مفسران گفته اند ندارد؛ زيرا سوره از جهت نزولش در باره اهل بيت عليهم السلام، پند و ياد آورى براى ولايتشان و اعتقاد به جلالت و مقام آنها است، بلكه شايد بنا بر تفسير امام عليه السلام، «هذِهِ» اشاره به سوره يا آيات است و ولايت، تفسير براى متعلق تذكره است يعنى آنچه كه به آن تذكر داده ميشود، پس اصلا تكلفى وجود ندارد. «فى ولايتنا»: شكى نيست كه ولايت از بزرگترين رحمت هاى دنيوى و اخروى است و ظلم بر اهل بيت عليهم السّلام بزرگترين ستم هاست، پس اگر آيه مخصوص به ايشان نباشد، قطعا به قرينه شأن نزول، داخل در آيه هستند. سپس ظاهر از كلام امام عليه السّلام اين است كه مراد از «ظالمين» كسانى هستند كه ظلم به خدا كردند يعنى كسانى كه ظلم به ائمه عليهم السّلام كردند و اين تعبير را براى بيان اينكه ظلم به ايشان، به منزله ظلم به خداى متعال است آورده، حاصل اينكه خداى متعال اجلّ از آن است كه كسى به او نسبت ظلم دهد، چه او را ظالم بداند و چه مظلوم، تا اينكه احتياج پيدا كند كه آن را از خودش نفى كند؛ بلكه خداى سبحان، انبيا و اوصيا را قرين خودش قرار داده و هر كارى (ظلم) كه بر سر ايشان آمده يا به ايشان نسبت داده شده را براى بيان كرامت ايشان در نزد خود، به خود نسبت مى دهد. پس غرض از آيه «وَ ما ظَلَمْناهُمْ» نفى ظلم از خودش نيست بلكه نفى ظلم از حجت هايش

است به اینکه ایشان به مردم، با کشتن آنها یا اجبارشان بر مسلمان شدن و استقامت بر حق، ظلم نمی کنند، بلکه مردم با ترک پیروی از انبیا و اوصیا صلوات الله علیهم، به خودشان ظلم می کنند. سپس این آیات در چند جای از قرآن وارد شده است: در سوره بقره «وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَى كُلُواْ مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِن كَانُواْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»(1)، {و بر شما ابر را سایه گستر کردیم و بر شما گزانگبین و بلدرچین فرو فرستادیم [و گفتیم] از خوراکیهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید و[لی آنان] بر ما ستم نکردند بلکه بر خویشتن ستم روا می داشتند.} و در سوره اعراف «وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُواْ مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُواْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»(2)

، {و ابر را بر فراز آنان سایبان کردیم و گزانگبین و بلدرچین بر ایشان فرو فرستادیم. از چیزهای پاکیزه ای که روزیتان کرده ایم بخورید. و بر ما ستم نکردند لیکن بر خودشان ستم می کردند.} و در سوره هود «وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَ لَكِن ظَلَمُواْ أَنفُسَهُمْ»(3)

، {و ما به آنان ستم نکردیم ولی آنان به خودشان ستم کردند.} و در سوره نحل «وَ عَلَى الَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْکَ مِن قَبْلُ وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَ لَكِن كَانُواْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»(4)، {و بر کسانی که یهودی شدند، آنچه را قبلا بر تو حکایت کردیم حرام گردانیدیم و ما بر آنان ستم نکردیم بلکه آنها به خود ستم می کردند.} پس آیه اولی در اینجا، آیه در سوره بقره و سوره اعراف است و آیه دوم در سوره نحل. پس عبارت «نعم» در جواب «هذا تنزیل» مشکل است، زیرا اینکه ولایت به جای رحمت باشد جدّاً بعید است. و اینکه منظور در آیه، ستمگران آل محمد باشند همان طور که گفته شده، با آن چه که امام علیه السّلام فرمود که ما را با نفس خود قرین و همراه قرار داده تا آخر، منافات دارد؛ مگر اینکه گفته شود منظور از تنزیل مدلول مطابقی و تضمنی است نه التزامی، یا اینکه این را جبرییل هنگام نازل شدن آیه گفته

1- . بقره / 57
2- . اعراف / 160
3- . هود / 101

4- . نحل / 118

است و در بعضی نسخه ها در آیه سوره نحل «وَ ما ظَلَموناهُم» است، دلالت دارد بر اینکه در سوره نحل نیز همین گونه بوده است. پس ضمیر «هم» تأکید است و مضمون آیه مطابق با آیات سوره بقره و اعراف است و این اظهر می باشد. اگر گفته شود: این قرائت با صدر آیه منافات دارد زیرا ظاهر آن، استدراک برای آن چیزی است که خیال می شود که عبارت است از اینکه تحریم، ظلم بر آنهاست، پس این جزای ظلمشان است.

مولف: خداوند در سوره نساء فرموده است «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللّهِ كَثِيرًا»(1)، {پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه [مردم را] بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود، حرام گردانیدیم.} شاید برای بیان این است که ظلم ایشان که سبب تحریم طیبات شده، بر خودشان است نه بر ما یعنی انبیا و حجت های ما، بلکه ظلم بر خودشان است به خاطر اینکه طیبات دنیا و آخرت را حرام کرده اند و شاید منظور همین است.

آیه «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ» در سوره مرسلات بعد از آیه «لِيَوْمِ الْفَصْلِ * وَ مَا أَدْرَاکَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ»(2)،

{برای روز داوری و تو چه دانی که روز داوری چیست؟} یعنی روز قیامت و تفسیر «المکذّبین» یعنی کسانی که پیامبر صلّی الله علیه و آله را در باره ولایتی که به او وحی شده بود، تکذیب کردند. این یا شأن نزول آیه است یا اینکه تکذیب ولایت، داخل در شأن نزول است بلکه ولایت، عمده آن و کامل ترین مصداق آن است و همچنین در آیات بعد، این دو وجه جاری است. سپس در این آیه فرموده است: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِی ظِلَالٍ وَعُيُونٍ»(3) ، {اهل تقوا در زیر سایه ها و بر کنار چشمه سارانند.} پس متقین را به ائمه علیهم السّلام و شیعیانشان تفسیر نموده زیرا در مقابل تکذیب کنندگان و منکرین ولایت است و شکی نیست که اقرار به ولایت، داخل در تقواست بلکه داخل در ایمان است که اعم از تقوا می باشد. و «مله

1- . نساء / 160
2- . مرسلات / 13 و 14

3- . همان / 41

ابراهیم» توحید خالصی است که متضمن اقرار به تمام چیزهایی است که پیامبران آورده اند و اصل و عمده آن ولایت است و شأن نزول آیه «یَوْمَ یَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِکَهُ صَفًّا لَّا یَتَکَلَّمُونَ» در باره شفاعت پیامبر و ائمه صلوات الله علیهم، در کتاب معاد گذشت.

60. اصول کافی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَهً ضَنْکاً» {و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت}، فرمود: منظور از ذکر، ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام است.

گفتم: «وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ أَعْمی» {و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم}، فرمود: یعنی در آخرت با چشم نابینا خواهد آمد. در دنیا از ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام کور دل بود. و فرمود: او در روز قیامت سرگردان است و می گوید: «رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِی أَعْمی وَ قَدْ کُنْتُ بَصِیراً * قالَ کَذلِکَ أَتَتْکَ آیاتُنا فَنَسِیتَها» {پروردگارا چرا مرا نابینا محشور کردی با آنکه بینا بودم، می فرماید همان طور که نشانه های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی.}

فرمود: آیات، ائمه علیهم السّلام هستند: «وَ کَذلِکَ الْیَوْمَ تُنْسی» {امروز همان گونه فراموش می شوی}، یعنی دست از ائمه کشیدی، امروز نیز ما تو را در آتش رها می کنیم، چنانچه اطاعت امر و فرمان آنها را نکردی و دستور ایشان را نشنیدی.

گفتم: «وَ کَذلِکَ نَجْزِی مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ یُؤْمِنْ بِآیاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذابُ الْآخِرَهِ أَشَدُّ وَ أَبْقی»(1) ، {و این گونه هر که را به افراط گراییده و به نشانه های پروردگارش نگرویده است سزا می دهیم و قطعا شکنجه آخرت سخت تر و پایدارتر است.} فرمود: منظور کسی است که دیگری را در ولایت علی شریک کند و به آیات پروردگار ایمان نیاورد و از روی دشمنی ائمه را ترک کند و آنها را دوست نداشته باشد.

1- . طه / 124 - 127

گفتم: «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ» {خدا نسبت به بندگانش مهربان است، هر که را بخواهد روزی می دهد}، فرمود: منظور از رزق در آیه، ولایت امیر المؤمنین است.

گفتم: «مَنْ كانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَهِ» فرمود: کشت آخرت معرفت امیر المؤمنین و ائمه است «نَزِدْ لَهُ فِی حَرْثِهِ» {کسی که کشت آخرت بخواهد، برای وی در کشته اش می افزاییم}، فرمود: در معرفتش می افزائیم تا بهره کامل از دولت ائمه ببرد.

گفتم: «وَ مَنْ كانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيا نُؤْتِهِ مِنْها وَ ما لَهُ فِی الْآخِرَهِ مِنْ نَصِيبٍ»(1)، {و کسی که کشت این دنیا را بخواهد به او از آن می دهیم و[لی] در آخرت او را نصیبی نیست.} فرمود: او را در دولت حق با حضرت قائم نصیب و بهره ای نیست.(2)

توضیح: «الضنک» یعنی تنگنایی. مصدری است که با آن توصیف می شود و مذکر و مؤنث در آن یکسان است. امام علیه السّلام، ذکر را به ولایت تفسیر نمود به خاطر اینکه ذکر، ولایت را دربرمی گیرد و ولایت مهمترین سبب ذکر خداست و ذکر در آیه شامل تمام انبیا و ولایت و متابعت و شرایع ایشان و آنچه که آورده اند، است؛ زیرا خطاب در آیه، به آدم و حوا و فرزندانشان است چون تتمه آیه «اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا»(3)،

{فرمود همگی از آن [مقام] فرود آیید در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است. پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد، هر کس از هدایتم پیروی کند نه گمراه می شود و نه تیره بخت} است ولی پیامبر ما اشرف انبیا و اوصیا او گرامی ترین اوصیا و شریعت او برترین شرایع است و تخصیص امیر المؤمنین علیه السّلام به خاطر شریف تر بودن و مورد تنازع واقع شدن در این امت است. عبارت «الآیات الائمه» یعنی آنها آیات خدا هستند، یا اینکه مراد این است که آیات در باره ایشان نازل شده، یا اینکه این آیات عمده آیاتی است که در باره ایشان نازل شده است. و اکثر «الاسراف» را به شرک به خدا تفسیر کرده اند و امام علیه السّلام آن را به شرک در ولایت تفسیر کرده اند زیرا متضمن شرک به خداست. و امام علیه السّلام

1- . شوری / 19 و 20
2- . اصول کافی 1 : 435 و 436
3- . طه / 123

«الرزق» را به ولایت تفسیر نمود زیرا رزق روحانی و معنوی است یا اعم از آن، و فقط شریف ترین رزق را که ولایت است ذکر نمود زیرا آن اصل و ریشه برای سایر علوم و معارف است. و زیادی «حرث» را به منافع دنیوی یا اعم از آن و علوم و معارفی که ایشان القاء می کنند، تفسیر کرد و آخرت را به رجعت و دولت قائم علیه السّلام تفسیر نمود زیرا همان طور که دانستی، اکثر آیات قیامت به رجعت و دولت قائم تعبیر شده است.

61. تفسیر قمی: «وَ الشَّفْعِ» مینویسد یعنی دو رکعت «وَ الْوَتْرِ»(1) {و به جفت و تاق} یک رکعت. در حدیث دیگری است که شفع حسن و حسین هستند و وتر امیر المؤمنین صلوات اللّٰه علیه.(2)

62. تفسیر قمی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه: «یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ»(3)

تا آخر آیه نقل کرد که فرمود: منظور حسین بن علی علیه السّلام است.(4)

63. کنز الفوائد: یونس بن یعقوب از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد: شفع پیامبر اکرم و علی است و وتر خدای یکتای بیهمتا است.(5)

64. اصول کافی: زراره از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «لَتَرْکَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ»(6)، {که قطعا از حالی به حالی برخواهید نشست.} نقل کرد که فرمود: زراره! مگر این امت پس از پیامبر اکرم در مورد خلافت فلان و فلان و فلان، مطابق کردار امت های گذشته عمل نکردند؟.(7)

1- . فجر / 3
2- . تفسیر قمی : 723
3- . فجر / 27
4- . تفسیر قمی : 725
5- . کنز الفوائد : 385
6- . انشقاق / 19
7- . اصول کافی 1 : 415

توضیح: یعنی گمراهی آنها پس از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله مانند کارهایی بود که امتهای گذشته کردند، از قبیل رها کردن جانشین پیغمبر خود و پیروی از گوساله و سامری و نظایر آن.

چنانچه علی بن ابراهیم در تفسیر همین آیه مینویسد: «طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ» یعنی حالی بعد از حال دیگر، و میگوید، رسول خدا فرمود: شما امت اسلام رفتار پیشینیان را طوری در پیش می گیرید که کمترین اختلافی با آنها ندارید. قدم جای قدم ایشان و کاملا در راه هدف آنها بدون تفاوتی حتی در یک وجب یا نیم متر یا یک متر، به طوری که اگر یکی از پیشینیان داخل سوراخ سوسماری شده باشد، شما هم داخل می شوید. عرض کردند یا رسول اللّٰه! منظور شما یهود و نصاری است؟ فرمود: پس چه کس را میگویم؟! دستاویز و پایه های اسلام را یکی پس از دیگری میشکنید و از بین می برید؛ اول چیزی که از بین می برید امانت داری و آخرین چیزها نماز است.(1)

و شاید معنا تطابق احوال خلفای ستمگر در شدت و فساد است. بیضاوی گفته است، «طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ» یعنی حالی بعد از حال دیگر، شبیه مثلش در شدت یا مراتب شدت بعد از مراتب.

65. اصول کافی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ لَقَدْ عَهِدْنا إِلى آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً»(2) ، {و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم و[لی آن را] فراموش کرد و برای او عزمی [استوار] نیافتیم.} فرمود: یعنی در باره محمّد و ائمه بعد از او، از آدم پیمان گرفتیم. فراموش کرد و آن را ترک نمود و عقیده ای در اینکه آنها دارای این مقامند، نداشت.

پیامبران اولوا العزم را به این لقب (صاحبان عزم) اختصاص داده اند زیرا خداوند با آنها راجع به حضرت محمّد و ائمه علیهم السّلام و حضرت مهدی علیه

1- . تفسیر قمی : 718
2- . طه / 115

السّلام و روش آنها عهد بست. این پیمبران پذیرفتند و معتقد شدند که آنها همین طورند و به مقامشان اقرار نمودند.(1)

66. اصول کافی : عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ لَقَدْ عَهِدْنا إِلی آدَمَ مِنْ قَبْلُ» نقل کرد که فرمود: منظور کلماتی در باره محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه از ذریه ایشان است «فَنَسِیَ». به خدا سوگند آیه این گونه بر محمد نازل شده است.(2) و (3)

67. کنز الفوائد: حسین بن جبیر در نخب المناقب به اسناد خود از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه: «وَ یَسْتَنْبِئُونَکَ أَ حَقٌّ هُوَ قُلْ إِی وَ رَبِّی إِنَّهُ لَحَقٌّ وَ ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزِینَ»(4)

، {و از تو خبر می گیرند آیا آن راست است؟ بگو آری سوگند به پروردگارم که آن قطعا راست است و شما نمی توانید [خدا را] درمانده کنید.} فرمود: از تو سؤال میکنند، آیا علی وصی تو است؟ بگو آری. به خدا قسم او وصی من است.(5)

68. اصول کافی: قاسم بن محمد از بعضی اصحاب از امام صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ یَسْتَنْبِئُونَکَ أَ حَقٌّ هُوَ» نقل می کند که فرمود: آنچه در باره علی می گویی «قُلْ إِی وَ رَبِّی إِنَّهُ لَحَقٌّ وَ ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزِینَ».(6)

توضیح: مشهور بین مفسران این است که ضمیر به عذاب یا به آنچه پیامبر اکرم ادعا میکند و یا به قرآن برمیگردد.

69. تفسیر قمی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: «الم» و هر حرفی از حروف مقطعه قرآن، اسم اعظم خدا است که پیامبر و امام آنها را به هم پیوند می دهد و دعا مینماید، دعایش مستجاب می شود. عرض کردم، معنی «ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ» {این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست}

1- . اصول کافی 1 : 416
2- . یعنی به این معنی نازل شده نه اینکه با این الفاظ نازل گردیده است.
3- . اصول کافی 1 : 416

4- . یونس / 53
5- . کنز الفوائد : 109
6- . اصول کافی 1 : 430

چیست؟ فرمود: کتاب امیر المؤمنین است و شکی در امامت او نیست «هُدیً لِلْمُتَّقِینَ» {[و] مایه هدایت تقواپیشگان است} این دو آیه مربوط به شیعیان ما است که متقین آنهایند «الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ» که ایمان به غیب دارند و غیب عبارت است از قیامت و حشر و نشر و قیام قائم و رجعت «وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ»(1) ، {و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند. } یعنی آنچه به آنها از قرآن آموخته ایم را تلاوت میکنند.(2)

مولف: این خبر به این صورت در بعضی نسخه های تفسیر آمده است.

70. کنز الفوائد: فرج بن ابی شیبه گفت: از حضرت صادق علیه السّلام پس از تلاوت این آیه شنیدم «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِیثاقَ النَّبِیِّینَ لَما آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتابٍ وَ حِکْمَهٍ ثُمَّ جاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ» یعنی به پیامبر اکرم بیاورید «وَ لَتَنْصُرُنَّهُ»،(3) {و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم سپس شما را فرستاده ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و حتما یاریش کنید. } یعنی وصی و جانشینش امیر المؤمنین را. و فرمود: خداوند هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد مگر اینکه از او به رسالت حضرت محمّد و امامت حضرت علی علیه السّلام پیمان گرفت.(4)

71. اصول کافی: عبد اللَّه بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «عَمَّ یَتَساءَلُونَ * عَنِ النَّبَإِ الْعَظِیمِ»(5) ، {درباره چه چیز از یکدیگر می پرسند؟ از آن خبر بزرگ. } فرمود: نبأ عظیم ولایت است. از این آیه: «هُنالِکَ الْوَلایَهُ لِلَّهِ الْحَقِ»،(6) {در آنجا [آشکار شد که] یاری به خدای حق تعلق دارد. } سؤال کردم، فرمود: ولایت امیر المؤمنین است.(7)

1- . بقره / 2 و 3
2- . تفسیر قمی : 27
3- . آل عمران / 81
4- . کنز الفوائد : 54 و 55
5- . نبأ / 1 و 2
6- . کهف / 44
7- . اصول کافی 1 : 418

توضیح: شاید معنی این است که ولایت خالص برای خدا، ولایتی است که همراه با ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام باشد.

72. اصول کافی: ابراهیم همدانی سند را به حضرت صادق علیه السّلام می رساند که در باره آیه: «وَ نَضَعُ الْمَوازِینَ الْقِسْطَ لِیَوْمِ الْقِیامَهِ»(1) ، {و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می نهیم.} فرمود: انبیاء و اوصیاء هستند.(2)

73. اصول کافی: ابو عبیده حذاء گفت: از حضرت باقر علیه السّلام راجع به استطاعت (اختیار و جبر) و اختلاف مردم در باره آن سؤال کردم. امام علیه السّلام پس از خواندن این آیه: «وَ لا یَزالُونَ مُخْتَلِفِینَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ»،(3)

{در حالی که پیوسته در اختلافند مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است.} فرمود: مردم در ادعای خود راجع به این مسأله اختلاف دارند. همه آنها در اشتباهند و هلاک شده اند. عرض کردم، در آیه استثناء شده «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ». فرمود: آری آنها شیعیان ما هستند و به خاطر رحمتش ایشان را آفرید و این است معنای آیه «وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ». می گوید، برای پیروی و اطاعت امام. رحمتی که خدا در باره آن می فرماید: «وَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ» {و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است} یعنی علم امام که از علم خدا است، همه چیز را فرا گرفته؛ منظور شیعیان هستند. آنگاه فرمود: «فَسَأَکْتُبُها لِلَّذِینَ یَتَّقُونَ»،(4)

{و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می کنند مقرر می دارم.} یعنی پرهیز از فرمانبرداری و پیروی از غیر امام.

باز فرمود: «یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِنْدَهُمْ فِی التَّوْراهِ وَ الْإِنْجِیلِ» {[نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند} یعنی پیامبر اکرم و وصی او و حضرت قائم را «یَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ» که وقتی حضرت قائم قیام کند، آنها را امر به معروف می

1- . انبیاء / 47
2- . اصول کافی 1 : 419

3- . هود / 118 و 119
4- . اعراف / 156

نماید «وَ یَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ» و منکر کسی است که فضل امام را انکار کند و از پیروی او امتناع ورزد.

«وَ یُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّباتِ» یعنی گرفتن علم را از اهلش «وَ یُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبائِثَ» یعنی گرفتن و پیروی از عقیده مخالفین «وَ یَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ» گناهانی که قبل از معرفت فضل امام مرتکب شده اند «وَ الْأَغْلالَ الَّتِی کانَتْ عَلَیْهِمْ» {و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی دارد.} اغلال در آیه عبارت است از اعتقادهایی که راجع به فاصله گرفتن از امام و ترک اعتقاد به مقام امام داشته اند، وقتی اعتراف به مقام امام پیدا کردند، گناه از آنها برداشته می شود. «اصر» یعنی گناه و جمع آن «آصار». آنگاه خداوند در آیه شروع به توصیف شیعیان مینماید:

«فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ» یعنی به امام «وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(1)، {پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند.}

یعنی کسانی که از اطاعت جبت و طاغوت و پرستش آنها پرهیز می کنند، جبت و طاغوت فلان و فلان است و عبادت عبارت است از اطاعت آنها. سپس این آیه را قرائت نمود: «وَ أَنِیبُوا إِلی رَبِّکُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ»(2)، {به

سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم او شوید.}

سپس خداوند پاداش و جزای ایشان را بیان می کند: «لَهُمُ الْبُشْری فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ فِی الْآخِرَهِ»(3) ، {در زندگی دنیا و در آخرت مژده برای آنان است} یعنی امام آنها را به قیام قائم و ظهور آن جناب و کشتن دشمنانشان و نجات در آخرت و رسیدن به خدمت حضرت محمّد و ائمه علیهم السّلام در حوض کوثر بشارت میدهد.(4)

ص: 416

1- . همان / 157
2- . زمر / 54
3- . یونس / 64

4- . اصول کافی 1 : 429 و 430

توضیح: «عن الإستطاعه» یعنی آیا عبد استطاعت دارد که افعالش را انجام دهد یا نه؟ «و قول النّاس» یعنی اختلاف مردم در این مسئله، چنانچه در کتاب عدل گذشت. واو در «و تلا» حالیه است و عبارت «یا با عبیده» مفعول است. فرمود: مراد از مردم مخالفان و مراد از «الإصابه» وجدان و ادراک است و آیه در سوره هود این گونه است «وَ لَوْ شَاء رَبُّکَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّهً وَاحِدَهً وَ لاَ یَزَالُونَ» و بنا بر تفسیر امام علیه السّلام، مشار الیه «وَ لذلک» رحمت یا رَحِم است و مرجع ضمیر «هُم» موصول در «إِلَّا مَنْ» است. عبارت «لطاعه الإمام» تفسیر رحمت است و معنی این است که: جز کسی که پروردگار تو به او رحم کرده، به اینکه او را موفق به اطاعت از امام نموده، و به خاطر همین اطاعت ایشان را خلق کرده است؛ پس رحمت حقیقتا امام است، از این جهت که اطاعت از او موجب نجات است و او به سبب علم کاملی که تمام شیعیان از آن بهره میبرند رحمت است که ایشان و همه امورشان را در برمیگیرد ؛ و این دو به جهت تلازمشان به یک معنی برمیگردند. عبارت «الرحمه» بدل از «لطاعه الإمام» یا «للإمام» است. پس طاعت را به علم، به خاطر تلازمشان، تفسیر نموده یا امام را به رحمت، به جهت اینکه علم او شیعه را در برمیگیرد و کفایتشان می کند. عبارت «الرحمه التی یقول» یعنی امام رحمتی است که خداوند در این آیه می گوید: «وَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ». می گوید، علم امام تفسیر رحمت است برای بیان اینکه رحمت بودنش به جهت علم اوست و شاید «عَلِمَ» فعل ماضی باشد و «وسع علمه» یعنی علم امام که از علم خداست. «شیء» را به شیعه تفسیر نموده زیرا آنها از آن نفع می برند و رحمتی برای ایشان است اما سایر مردم نیز اگرچه مشمول رحمتند، ولی به خاطر بهره نبردن از آن، برای آنها غضب و گرفتاری شده است. و مراد از «کل شیء» یا هر ظرفی است که قابلیت دارد که آنها شیعیانند، یا عام است و تخصیص برای آنچه که ذکر شده، یا اینکه اگر خواص شیعه نبودند، رحمت بر غیر آنها اصلا افاضه نمی شد؛ چنانچه در روایات زیادی وارد شده است که اگر امام و شیعیان خاص او نبودند، آسمان نمی بارید و زمین نمی رویاند. پس رحمت به مختص به امام است زیرا او عمدهترین رحمت های خاصه و اصل آن است و محل رحمت مختص به شیعه است زیرا ایشان مقصود بالذات از آن هستند و

ص: 417

شاید منظور از دربرگیری علم او برای ایشان، یعنی اینکه شیعه خود را از غیر او می شناسد که کنایه از علم او به حقائق و احوال همه اشیا است ولی در این، بُعد وجود دارد. عبارت «یعنی ولایه غیر الإمام» برای بیان مفعول محذوف «یَتَّقُونَ» است یعنی کسانی که از ولایت غیر امام که منصوب از جانب خداست خودداری می کنند. شاید در ضمن توصیفی که برای پیامبر صلّی الله علیه و آله در تورات و انجیل آمده، ذکر شده که برای او اوصیایی است که اولین آنها علی علیه السّلام و آخرین ایشان قائم علیه السّلام است که برای اعلای کلمه ایشان قیام می کند؛ پس این بیان برای وجدان است یعنی او را با این اوصاف می یابید و ضمیر «یَأْمُرُهُمْ» به قائم علیه السّلام برمیگردد و منظور این است که صدور امر و نهی از جانب پیامبر صلّی الله علیه و آله مخصوص به ایشان نیست بلکه شامل امر و نهی صادره از اوصیا و آن کسی که صدور امر و نهی بر وجه کامل، به خاطر نافذ بودن حکم و جاری بودن امرش از جانب اوست - قائم علیه السّلام - نیز می شود. و «المنکَر» به فتح کاف از «أنکر» یعنی انکار کردن است نظیر آیه «وَلَکِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَی»(1)، {بلکه

نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند. } و کسره آن تصحیف است و چون معروف هر امری است که عقل سلیم حسن آن را می داند و منکر ضد آن است، پس ولایت امام و اطاعت او، مهمترین و اعظم معروف هاست و اختیار ولایت غیر امام، قبیح ترین و شنیع ترین منکرهاست؛ و همچنین منظور از طیبات، هر چیزی است که عقول سلیمه آن را پاک می داند و منظور از خبائث آن چیزی است که آن را پلید می داند؛ پس طیبات شامل علوم حقه اخذ شده از اهل بیت علیهم السّلام می شود و خبائث شامل علوم باطل و شبهات واهی گرفته شده از ائمه گمراهی و پیروانشان می شود، با اینکه هر آن چه که از اغذیه جسمانی و نعمت های ظاهری وارد شده، در بطن قرآن به غذاهای روحانی و نعمت های باطنی تأویل می شود، چنانچه مکررا فهمیدی و آن گناهانی است که در آن بودند، یعنی گناه ترک ولایت و به تبع آن، اشتباهاتی در کردار آنان؛ و «الأغلال» خطای در عقاید و گفتار است و نظرات برخاسته از گمراهیشان به اغلال تشبیه شده است زیرا گمراهی ایشان را در بند کرده و از هدایت

1- . بقره / 189

به حق محبوس نموده است. یا اینکه گمراهی با سنگینی اش بر ایشان، مانند همراهی زنجیر، بر او چیره شده است و «من» در عبارت «من ترک» برای تعلیل است.

فیروز آبادی گفته است: «الأَصر» یعنی شکستن و حبس، و با کسره یعنی پیمان و گناه و فشار. و با ضمه و فتحه هم می توان خواند و جمع آن «آصار» است. و «إصار» بر وزن کتاب، ریسمان کوچکی است که پایین خیمه با آن به میخ طناب بسته می شود. عبارت «و هی الآصار» یا جمع است که منظورش این است که قرائت اهل بیت علیهم السّلام این گونه است و موافق با قرائت ابن عامر است، یا اینکه مفرد است ولی منظور از آن در اینجا جمع است؛ یا اینکه غل و زنجیرها عمده گناهانشان است زیرا گناهان متعلق به عقاید است، یا مفرد است که منظور این است که إصر از إصار اخذ شده که خیمه با آن بسته می شود. ضمیر در «ثم نسبهم» به شیعه در ابتدای حدیث برمیگردد، یعنی صفت و حال و ثواب آنها را ذکر کرده است. «الَّذِینَ آمَنُوا» در قرآن «فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ» است که به امام نقل به معنا شده و منظور این است که ایمان به امام، داخل در ایمان به پیامبر صلّی الله علیه و آله است و گذشت که مراد از نور، امیر المؤمنین علیه السّلام است. عبارت «یعنی الذین إجتنبوا» گویا تفسیر برای آیه «وَ اتَّبَعُوا النُّورَ» است زیرا پیروی از قرآن یا امام تمام نمی شود مگر با برائت از پیشوایان گمراهی؛ یا اینکه مؤمنینی که در این آیه ذکر شده اند، همان کسانی هستند که در آیات دیگر ذکر شده اند و در این آیات به ایشان بشارت داده شده. زیرا آیات گذشته در سوره اعراف است و در زمر «وَ الَّذِینَ اجْتَنَبُوا الطّاغُوتَ أَن یَعْبُدُوهَا وَ أَنَابُوا إِلَی اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَی فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»(1)

، {و[لی] آنان که خود را از طاغوت به دور می دارند تا مبادا او را بپرستند و به سوی خدا بازگشته اند، آنان را مژده باد. پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند.} و در چند آیه بعد «وَ أَنِیبُوا إِلَی رَبِّکُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن یَأْتِیَکُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»(2)

، {و پیش از آنکه شما را عذاب در رسد و دیگر یاری نشوید، به سوی پروردگارتان بازگردید

1- . زمر / 17 و 18
2- . همان / 54

و تسلیم او شوید.} و در سوره یونس «الَّذِینَ آمَنُواْ وَ کَانُواْ یَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَی فِی الْحَیاهِ الدُّنْیَا وَ فِی الآخِرَهِ»(1)، {همانان که ایمان آورده و در زندگی دنیا پرهیزگاری ورزیده اند، و در آخرت مژده برای آنان است.} پس امام علیه السّلام مضامین آیات را به خاطر یکی بودن موارد و مصادیق آنها و ارتباط معنوی بعضی با بعض دیگر جمع نموده است. آیه ای که در زمر است، شرط بشارت در آن، دوری از عبادت طاغوت است و طاغوت، هر رئیس باطلی است و عبادت در آنها را به طاعت تفسیر کرده مانند آیه «لَّا تَعْبُدُوا الشَّیْطَانَ»(2) و ضمیمه کردن «الجبت» به آن به خاطر قرابت مضمون آن و نزدیکی آن دو در سایر آیات است و اشاره به این است که آن (جبت) در سایر آیات نیز اشاره به این منافقین است و گویا امام علیه السّلام، بازگشت به سوی خدا و تسلیم او بودن را به پذیرش ولایت تفسیر کرده است زیرا کسی که ولایت را نپذیرد، خدا را انکار نموده و تسلیم او نشده است. عبارت «ثُمَّ جزاهم» یعنی پاداش ایشان را بیان کرد و ظاهر خبر این است که بشارت از سوی امام علیه السّلام است، و دو ظرف یعنی دنیا و آخرت، برای متعلق بشارت (یعنی فی الحیاه) است نه خود بشارت، یعنی آنها را به آنچه که برای ایشان در دنیا در زمان قائم علیه السّلام و در آخرت است، بشارت می دهد. و در کتاب معاد تأویلات دیگری برای آن گذشت.

74. اصول کافی: سلام گفت: از حضرت باقر علیه السّلام این آیه را پرسیدم: «الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً»(3)، {کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند.} فرمود: آنها اوصیاء و ائمه هستند که از ترس دشمن خود چنین حرکت میکنند.(4)

1- . یونس / 63 و 64
2- . یس / 60
3- . فرقان / 63
4- . اصول کافی 1 : 427

75. اصول کافی: عمار اسدي از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»(1) ، {سخنان پاکیزه به سوی او بالا می رود و کار شایسته به آن رفعت می بخشد. } فرمود: عمل صالح ولایت ما خانواده است - و اشاره به سینه خود نمود - هر که ما را دوست نداشته باشد، عملی از او پذیرفته نمی شود.(2)

توضیح: ظاهرا عبارت «ولایتنا» تفسیر برای عمل صالح است و ضمیر مستتر در «یرفعه» به آن برمیگردد و ضمیر بارز به «کلم» و مراد از آن، کلمه اخلاص و تمام اذکار است، و صعود آن و رسیدنش به محل رضا و قبول؛ یعنی عمل صالح که ولایت است، سخنان پاکیزه را بالا می برد و آن را به حد قبول می رساند. و شاید «ولایتنا» تفسیر برای «کلم طیب» باشد و اشاره به اینکه مراد از آن، ولایت و اقرار به آن است و دو ضمیری که گذشت، در این جا بر عکس قبلی است و این مناسب تر است از آخر خبر و آنچه که علی بن ابراهیم در باره «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» گفته است که کلمه اخلاص و اقرار به فرائضی که از جانب خدا آورده است و ولایت، عمل صالح را به سوی خدا بالا می برد.

76. از حضرت رضا علیه السّلام روایت شده که فرمود: کلم طیب لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، علی ولی اللّه و خلیفه واقعی پیامبر است. جانشینان علی نیز خلفای خدایند و عمل صالح دلیل این گفتار می شود.

پس عمل صالح همان اعتقاد او است و این که در قلب معتقد است، آنچه با زبان گفتم واقعیت دارد و صحیح است.(3)

77. اصول کافی: سماعه از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «وَ أَوْفُوا بِعَهْدِی» نقل کرد که فرمود: یعنی به ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام «أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»(4)

برای شما وفای به بهشت میکنم.(5)

ص: 421

1- . فاطر / 10

2- . اصول کافی 1 : 430

3- . تفسیر قمی : 544

4- . بقره / 40
5- . اصول کافی 1 : 431

78. کنز الفوائد: ابو الورد از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه:

«أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ» فرمود: ایشان آل محمّد صلوات اللّه علیهم هستند.(1)

79. کنز الفوائد: ابو صادق گفت: از حضرت باقر علیه السّلام راجع به این آیه پرسیدم: «وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ» تا آخر آیه. فرمود: ما همان خاندانیم. گفتم: «إِنَّ فِی هذا لَبَلاغاً لِقَوْمٍ عابِدِینَ»(2) ، {به راستی در این [امور] برای مردم عبادت پیشه ابلاغی [حقیقی] است. } فرمود: آنها شیعیان مایند.(3)

80. کنز الفوائد: عیسی بن داود از امام کاظم علیه السّلام در باره آیه «وَلَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ»(4) {و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد} نقل می کند که فرمود: عباد صالحون در این آیه آل محمّدند و هر که پیرو ایشان باشد مانند آنها است و زمین که در آیه ذکر شده، زمین بهشت است.(5)

81. کنز الفوائد: به همین اسناد از امام کاظم از پدرش از جدش حضرت باقر علیهم السّلام نقل کرد که روزی پیامبر اکرم فرمود: خدا به من وعده نصرت داد که با ملائکه مرا مدد کند، بعد به وسیله ملائکه و تنها به وسیله علی از بین خویشاوندان، مرا نصرت فرمود.

این سخن پیامبر اکرم بر قریش گران آمد و خشمگین شدند که نصرت را اختصاص به علی علیه السّلام داد. خداوند این آیه را نازل کرد: «مَنْ کانَ یَظُنُّ أَنْ لَنْ یَنْصُرَهُ اللَّهُ» محمّد را به علی «فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ فَلْیَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَی السَّماءِ ثُمَّ لْیَقْطَعْ

1- . کنز الفوائد : 168 و 169
2- . انبیاء / 105 و 106
3- . کنز الفوائد : 168 و 169
4- . انبیاء / 105

5- . كنز الفوائد : 168 و 169

فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ ما يَغِيظُ»(1)، {هر كه مى پندارد، خدا [پيامبرش] را در دنيا و آخرت هرگز يارى نخواهد كرد، [بگو] تا طنابى به سوى سقف كشد [و خود را حلق آويز كند] سپس [آن را] ببرد، آنگاه بنگرد كه آيا نيرنگش چيزى را كه مايه خشم او شده از ميان خواهد برد. }

فرمود: يعنى (هر كس خيال ميكند خداوند پيامبر را به وسيله على در دنيا و آخرت نصرت نداده) ريسمانى از سقف خانه خود بياويزد و خود را بآن ريسمان حلق آويز كند، آنگاه توجه كند كه اين ريسمان موجب از بين رفتن خشمش مى شود؟(2)

82. كنز الفوائد: با همين سند از حضرت باقر عليه السّلام در باره آيه: «وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطّائِفِينَ وَ الْقائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ»(3)، {و

خانهام را براى طواف كنندگان و قيام كنندگان و ركوع كنندگان [و] سجده كنندگان پاكيزه دار. } فرمود: منظورش آل محمّد صلى اللّه عليه و آله است.(4)

83. كنز الفوائد: با همين سند از آن جناب در باره آيه: «وَ لَوْ لا دَفْعُ اللّهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللّهِ كَثِيراً» {و اگر خدا بعضى از مردم را با بعض ديگر دفع نمى كرد، صومعه ها و كليساها و كنيسه ها و مساجدى كه نام خدا در آنها بسيار برده مى شود، سخت ويران مى شد. } فرمود: آنها ائمه عليهم السّلام هستند. آنهايند برگزيدگان؛ اگر صبر و انتظار فرج از جانب خدا را نداشتند، مردم همه كشته ميشدند. خداوند مى فرمايد: «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»(5) {و قطعا خدا به كسى كه [دين] او را يارى مى كند، يارى مى دهد. }(6)

1- . حج / 15
2- . كنز الفوائد : 169
3- . حج / 26
4- . كنز الفوائد : 170
5- . حج / 40
6- . كنز الفوائد : 173

توضیح: منظور این است که اگر ائمه علیهم السّلام که مأمور به صبر و ترک خروج و انتظار فرج بودند، خروج می کردند، با بسیاری از مردم کشته می شدند. در نتیجه معابد تمام اهل کتاب تعطیل میشد و شرایع از میان میرفت؛ پس به واسطه آنها و صبرشان، خداوند شر کفار و مخالفین را از مؤمنین دفع نمود. و شاید نظیر این آیه در باره ائمه علیهم السّلام جاری است.

84. کنز الفوائد: ذریح محاربی گفت: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم آیه «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ»(1) ، {سپس باید آلودگی خود را بزدایند و به نذرهای خود وفا کنند. } فرمود: منظور دیدار امام است.(2)

توضیح: شاید مراد، تفسیر وفای به نذرها به دیدار امام باشد چنانچه در روایات زیادی در باره آیه «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ» وارد شده است که نذر عهدی است که در میثاق به ولایت از ایشان گرفته شده، و شاید منظور، تأویل زدودن آلودگی به وسیله آن است زیرا تفسیر به از بین بردن آلودگی ها مثل کوتاه کردن ناخن ها و شارب و زدن موهای زائد عانه، شده است و بدترین کثافات و نجس ترین پلیدیها، جهل و نادانی و اخلاق ناپسند است که با دیدن امام و بهره مندی از خدمتش برطرف می شود. و مؤید این روایت است، آنچه که کلینی به اسناد خود از عبد اللّه بن سنان از ذریح نقل میکند که به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم، خداوند در قرآن به من دستوری داده، میخواهم بدانم منظورش از آن دستور چیست؟ فرمود: کدام آیه؟

گفتم آیه: «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ»، فرمود: «لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» یعنی دیدار امام «وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ» انجام همین اعمال حج است.

عبد اللّه بن سنان راوی خبر می گوید: پس از شنیدن این خبر توسط ذریح، خدمت حضرت صادق علیه السّلام رسیدم، گفتم فدایت شوم، معنی این آیه چیست:

«ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ». فرمود: یعنی کوتاه کردن شارب و ناخن گرفتن و تمیزی هایی از این قبیل.

1- . حج / 29
2- . كنز الفوائد : 170 و 171

عرض کردم فدایت شوم، شما به ذریح فرموده اید: «لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» یعنی دیدار امام «وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ» عبارت از این مناسک است. فرمود ذریح راست می گوید. من نیز درست میگویم. قرآن دارای ظاهر و باطن است. چه کسی توان ذریح را دارد؟ ![(1)]

85. کنز الفوائد: حمران از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که سؤال کردم از آیه: «وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» تا آخر. آیه فرمود: گروهی صالح از اشخاص بد کناره گیری می کردند تا مبادا موجب فساد و تباهی دین ایشان شود. خداوند به وسیله همان مردم شرور[(2)] از صالحین دفاع میکند، اما آن بدکاران که موجب حفظ صالحین میشوند، پاداشی نخواهند داشت. این جریان در مورد ما ائمه نیز جاری است.[(3)]

توضیح: یعنی قوم نیکوکاری بودند که از قوم بدکار به خاطر ترس از فاسد شدن دینشان، دور شدند. پس خدای متعال به سبب این قوم بدکار، شر کفار را از صالحین دفع می کند، چنانچه خلفای سه گانه و بنی امیه و امثالشان با مشرکین می جنگیدند و شر آنها را از مؤمنینی که به خاطر ترس از فاسد شدن دینشان و نفاق و فسق و فجور با آنها همراه نمی شدند و کمکشان نمی کردند، دفع می نمودند و خداوند به خاطر این دفع شر، منافقین را پاداش نمی دهد زیرا هدف آنها جز سلطنت و حکومت و تسلط بر مؤمنان و امامشان نیست. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند این دین را به واسطه گروههایی تأیید می کند که بهره ای از خوبی ندارند. اما عبارت «و فینا مثلهم» یعنی ما نیز از مخالفین به خاطر کردار بدشان دور می شویم، پس خدا ضرر کافران و شرشان را از ما به وسیله آنها دفع می کند.

ص: 425

1- . فروع کافی 1 : 315

2- . در مصدر «فیدفع الله أیدیهم عن الصالحین فهاجر أولئک بما یدفع بهم» آمده است. یعنی خداوند دستشان را از صالحین کوتاه می کند پس صالحان به سبب آنچه که به وسیله ایشان دفع میشود، از ایشان کناره گیری میکنند

3- . کنز الفوائد : 173

86. کنز الفوائد: عیسی بن داود نجار از موسی بن جعفر علیهما السّلام و آن جناب از پدر خود نقل کرد که فرمود: این آیه: «وَ الَّذِینَ هاجَرُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ ماتُوا» {و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده اند و آنگاه کشته شده یا مرده اند} تا «إِنَّ اللَّهَ لَعَلِیمٌ حَلِیمٌ» در باره امیر المؤمنین نازل شده. فرمود از پدرم حضرت باقر علیه السّلام پیوسته میشنیدم که این آیه را تکرار میکرد: «وَ مَنْ عاقَبَ بِمِثْلِ ما عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِیَ عَلَیْهِ لَیَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ»(1)، {و هر کس نظیر آنچه بر او عقوبت رفته است دست به عقوبت زند سپس مورد ستم قرار گیرد، قطعا خدا او را یاری خواهد کرد.} عرض کردم پدر جان فدایت شوم، گمانم این است که این آیه فقط در باره امیر المؤمنین علیه السّلام نازل شده. فرمود: آری.(2)

87. با همین سند از حضرت موسی بن جعفر از پدر بزرگوارش علیه السّلام نقل شده که وقتی این آیه نازل شد: «لِکُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنا مَنْسَکاً هُمْ ناسِکُوهُ» {برای هر امتی مناسکی قرار دادیم که آنها بدان عمل می کنند} پیامبر اکرم مردم را جمع نموده فرمود: مهاجرین و انصار! خداوند می فرماید: «لِکُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنا مَنْسَکاً هُمْ ناسِکُوهُ» منسک همان امام است که برای هر امتی پس از پیامبرشان تا آمدن پیامبر دیگر هست. باید توجه داشته باشید که اطاعت از امام و پیروی از او، دین و منسک است و آن امام علی بن ابی طالب است، امام شما بعد از من. دستور می دهم از راهنمایی او استفاده کنید که او رهبری درست و در راه مستقیم است.

مردم از شنیدن سخنان پیامبر در شگفت شدند و از جای حرکت کرده می گفتند، به خدا قسم با او پیکار می کنیم و هرگز به فرمانروایی او تن در نمی دهیم.

خداوند این آیه را نازل کرد: «ادْعُ إِلی رَبِّکَ إِنَّکَ لَعَلی هُدیً مُسْتَقِیمٍ * وَ إِنْ جادَلُوکَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما تَعْمَلُونَ * اللَّهُ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ یَوْمَ الْقِیامَةِ فِیما کُنْتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ * أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ ما فِی السَّماءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّ ذلِکَ فِی کِتابٍ إِنَّ ذلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیرٌ»(3)

، {به راه پروردگارت دعوت کن زیرا تو بر راهی راست قرار داری

1- . حج / 58 - 60

2- . كنز الفوائد : 178
3- . حج / 67 - 80

و اگر با تو مجادله کردند بگو: خدا به آنچه می کنید داناتر است. خدا روز قیامت در مورد آنچه با یکدیگر در آن اختلاف می کردید داوری خواهد کرد. آیا ندانسته ای که خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می داند. اینها [همه] در کتابی [مندرج] است. قطعا این بر خدا آسان است}(1)

88. و با همین سند، امام کاظم علیه السّلام از پدر خود در مورد آیه: «وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا بَیِّناتٍ تَعْرِفُ فِی وُجُوهِ الَّذِینَ کَفَرُوا الْمُنْکَرَ یَکادُونَ یَسْطُونَ بِالَّذِینَ یَتْلُونَ عَلَیْهِمْ آیاتِنا»(2)

، {و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود در چهره کسانی که کفر ورزیده اند [اثر] انکار را تشخیص می دهی. چیزی نمانده که بر کسانی که آیات ما را برایشان تلاوت می کنند حمله ور شوند} تا آخر آیه، نقل میکند که فرمود: هر وقت آیه ای در باره امیر المؤمنین علیه السّلام نازل میشد که در آن آیه اطاعت او را واجب نموده بود یا متضمن فضیلتی برای آن جناب یا خانواده اش بود، در خشم می شدند و ناراحت بودند، به طوری که گاهی تصمیم های بدی در باره خود پیغمبر نیز میگرفتند. در لیله العقبه شدت خشم و کینه و حسادت خود را به کار بردند، تا این آیه نازل شد.

و امام علیه السّلام در باره این آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَ اسْجُدُوا» تا آخر آیه فرمود: خداوند دستور رکوع و سجده و عبادتش را داده و (آن را) بر مردم واجب نموده، اما کار نیک، اطاعت از امام است: امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام بعد از پیامبر.

«وَ جاهِدُوا فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ هُوَ اجْتَباکُمْ» {و در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید. اوست که شما را [برای خود] برگزیده} ای پیروان آل محمّد «وَ ما جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ» {و در دین بر شما سختی قرار نداده است} فرمود: از سختی و فشار «مِلَّةَ أَبِیکُمْ إِبْراهِیمَ هُوَ سَمَّاکُمُ الْمُسْلِمِینَ مِنْ قَبْلُ وَ فِی هذا لِیَکُونَ الرَّسُولُ شَهِیداً عَلَیْکُمْ» {آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلا شما را مسلمان نامید و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این

1- . کنز الفوائد : 178 و 179
2- . حج / 72

پیامبر بر شما گواه باشد } ای آل محمّد که مسلمانان را به شما سپرده و اطاعت شما را بر آنها واجب نموده «وَ تَكُونُوا» شما «شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ» {و شما بر مردم گواه باشید } در مورد قطع رابطه ای که با شما نموده اند و حقوقی که از شما نابود کرده اند و بی احترامی که به کتاب خدا نموده اند و حکم و دستور شما را با دیگران برابر قرار داده اند، پایدار باشید «فَأَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ» ای آل محمّد و اهل بیتش «هُوَ مَوْلاكُمْ» مولای شما و شیعیان شما «فَنِعْمَ الْمَوْلى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ»(1)، {پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه خدا روید. او مولای شماست. چه نیکو مولایی و چه نیکو یاوری. }(2)

89. کنز الفوائد: ابن عباس گفت: وقتی پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله وارد مدینه شد به علی علیه السّلام و عثمان زمینی داد که قسمت بالای آن متعلق به عثمان بود و پائین آن متعلق به علی علیه السّلام.

حضرت علی علیه السّلام به عثمان فرمود: زمین من برای کارهای کشاورزی خوب نیست مگر اینکه به زمین تو ضمیمه شود، یا از من بخر و یا زمینت را بفروش. عثمان گفت میفروشم.

علی علیه السّلام از او خرید. دوستانش گفتند چکار کردی؟ زمین خود را به او فروختی؟ اگر از آب جلوگیری میکردی یک گیاه در زمین او نمیرویید و مجبور بود به هر قیمتی که تو بگویی، زمین خود را بفروشد. عثمان پیش علی علیه السّلام آمده گفت، من معامله را قبول ندارم.

علی علیه السّلام در جواب او فرمود: معامله تمام شده و با رضایت فروختی، دیگر نمیتوانی برگردی.

عثمان گفت: یک نفر را تعیین کن بین ما قضاوت کند. فرمود پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله. عثمان گفت او پسر عموی توست شخص دیگری را معرفی کن. فرمود: من در اختلاف خود با تو، به غیر پیغمبر مراجعه نخواهم کرد، او گواه بر ما است. عثمان نپذیرفت. خداوند این آیه را نازل کرد «وَ يَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ

1- . همان / 77 و 78

2- . كنز الفوائد : 179 و 180

أَطَعْنا ثُمَّ يَتَوَلّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِکَ وَ ما أُولئِکَ بِالْمُؤْمِنِینَ * وَ إِذا دُعُوا إِلَی اللّهِ وَ رَسُولِهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ إِذا فَرِیقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ» {و می گویند به خدا و پیامبر [او] گرویدیم و اطاعت کردیم آنگاه دسته ای از ایشان پس از این [اقرار] روی برمی گردانند و آنان مؤمن نیستند و چون به سوی خدا و پیامبر او خوانده شوند تا میان آنان داوری کند، بناگاه دسته ای از آنها روی برمی تابند } تا «وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(1) ، { اینانند که رستگارند. }(2)

90. کنز الفوائد: ابو الجارود از امام باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ یَقُولُونَ آمَنّا بِاللّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنا» تا آخر آیات نقل می کند که فرمود: در باره مردی نازل شده که از علی بن ابی طالب زمینی خرید سپس پشیمان شد و یارانش او را پشیمان کردند. به علی علیه السّلام گفت، من نیازی به زمین ندارم. علی فرمود تو خریدی در حالی که راضی بودی. گفت من شکایتت را به پیامبر می کنم. یارانش به او گفتند، به پیامبر شکایتش را نکن. پس گفت: شکایتت را به ابو بکر و عمر می کنم، هر کدام را که خواستی، بین من و تو قضاوت کند. علی علیه السّلام فرمود: نه، به خدا سوگند فقط رسول خدا قضاوت کند و به غیر او راضی نمی شوم. پس خدا این آیات را نازل نمود: «وَ یَقُولُونَ آمَنّا بِاللّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنا» تا «وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».(3)

91. روضه کافی: محمّد کناسی با واسطه از حضرت صادق علیه السّلام نقل میکند در مورد آیه «وَ مَنْ یَتَّقِ اللّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لا یَحْتَسِبُ»(4)، {و هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد و از جایی که حسابش را نمی کند به او روزی می رساند.} فرمود: اینها گروهی از شیعیان ضعیف مایند که قدرت مالی ندارند به سوی ما سفر کنند و روایت ما را می شنوند و از انوار علم ما بهره میگیرند؛ اما گروهی که توانایی دارند، این سفر را طی

1- . نور / 47 - 51
2- . کنز الفوائد : 187 و 188
3- . همان : 188
4- . طلاق / 2 و 3

میکنند و مخارجی را متحمل میشوند، احادیث ما را میشنوند و برمیگردند. این دوستان احادیث ما را حفظ میکنند و برای آنها نقل میکنند اما آنها ضایع می نمایند. اینها کسانی هستند که خداوند برای آنها راهی قرار داده و از جایی که گمان ندارند روزی داده می شوند. و در باره آیه «هَلْ أَتاکَ حَدِیثُ الْغاشِیَهِ» {آیا خبر غاشیه به تو رسیده است} فرمود: کسانی که خدمت امام می رسند اما ولایت ندارند تا این قسمت آیه «لا یُسْمِنُ وَ لا یُغْنِی مِنْ جُوعٍ»(1)، {[که] نه فربه کند و نه گرسنگی را باز دارد.} فرمود: این رفت و آمد با امام موجب سودی برای آنها نمی شود و نه رفتن پیش امام و نه برگشتن، هیچ کدام برای آنها فایده ای ندارد.(2)

توضیح: امام علیه السّلام رزق در آیه را بر رزق روحانی حمل کرد که علم است و عبارت «یغشّون الإمام» یعنی خدمت امام می رسند، اما ولایت ندارند. پس نفعی از وارد شدن بر امام نمی برند و به خاطر جهلشان نمی توانند سؤال نکنند. یا شاید منظور، زمان حضرت ولی عصر علیه السّلام است که اگر در خانه باشند یا پیش امام بیایند، نفعی به آنها نمیرساند، چون امام علیه السّلام از دل ایشان خبر دارد و امام علیه السّلام هم پاسخگوی ایشان نیست.

92. روضه کافی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «ما یَکُونُ مِنْ نَجْوی ثَلاثَهٍ إِلَّا هُوَ رابِعُهُمْ وَ لا خَمْسَهٍ إِلَّا هُوَ سادِسُهُمْ وَ لا أَدْنی مِنْ ذلِکَ وَ لا أَکْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَیْنَ ما کانُوا ثُمَّ یُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا یَوْمَ الْقِیامَهِ إِنَّ اللَّهَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ»(3) ، {هیچ گفتگوی محرمانهای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آنهاست و نه میان پنج تن مگر اینکه او ششمین آنهاست و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر مگر اینکه هر کجا باشند او با آنهاست، آنگاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده اند آگاه خواهد گردانید زیرا خدا به هر چیزی داناست.} فرمود: این آیه در باره فلان و فلان و ابو عبیده جراح و عبد الرحمن بن عوف و سالم مولی ابی حذیفه و مغیره بن شعبه نازل شده چون اینها پیمانی نوشتند و قرار گذاشتند که وقتی محمّد از

1- . غاشیه / 1 - 7
2- . روضه کافی : 178 و 179
3- . مجادله / 7

دنیا رفت، نباید خلافت و نبوت هر دو در بنی هاشم باشد. خداوند این آیه را در باره آنها نازل نمود.

گفتم: «أَمْ أَبْرَمُوا أَمْراً فَإِنَّا مُبْرِمُونَ * أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْواهُمْ بَلى وَ رُسُلُنا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ»(1)، {یا در کاری ابرام ورزیده اند ما [نیز] ابرام می ورزیم آیا می پندارند که ما راز آنها و نجوایشان را نمی شنویم. چرا و فرشتگان ما پیش آنان [حاضرند و] ثبت می کنند.}

فرمود: این دو آیه در باره آنها در همین روز نازل شد. امام صادق علیه السّلام فرمود: آیا تو روزی را جز روز شهادت حضرت حسین علیه السّلام شبیه این روز می دانی؟ در علم خدا نیز همین طور بوده که به پیامبر اطلاع داده که این قرارداد موجب کشته شدن حضرت حسین علیه السّلام و خروج ملک از بنی هاشم شد و اینها همه اتفاق افتاد.

گفتم: «وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى فَقاتِلُوا الَّتِى تَبْغِى حَتَّى تَفِى ءَ إِلى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ»(2)، {و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طایفه ای] که تعدی می کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر باز گشت میان آنها را دادگرانه سازش دهید.}

فرمود: تأویل این آیه در جنگ جمل به وقوع پیوست. آنها اهل این آیه هستند. آنهایی که بر علی علیه السّلام شوریدند و بر او واجب بود که با آنها جنگ کند و ایشان را بکشد تا به فرمان خدا برگردند، اگر برنگشتند، طبق آیه شریفه و دستور خدا باید شمشیر از آنها برندارد تا برگردند و از عقیده خود دست بکشند، چون آنها به میل خود بیعت کرده بودند. اینهایند شورشگران، چنانچه خداوند می فرماید.

1- . زخرف / 79 و 80
2- . حجرات / 9

پس بر امیر المؤمنین علیه السّلام لازم بود وقتی بر آنها پیروز شد، عدالت بورزد چنانچه پیامبر اکرم نسبت به اهل مکه کاملاً شبیه همان را روا داشت.

عرض کردم: «وَ الْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوى»(1) ، {و شهرها [یسدوم و عاموره] را فرو افکند.} فرمود: آنها اهل بصره هستند، آنجا محلی است که زیر و رو شده.

گفتم: «وَ الْمُؤْتَفِكاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ»(2) ، {و شهرهای زیر و رو شده، پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند.} فرمود: آنها قوم لوط بودند که سرزمین ایشان زیرورو شد.(3)

توضیح: زیر و رو شدن بصره یا واقعی است مانند قریه های قوم لوط و یا مجازی است از قبیل غرق و بلاهایی که بر آنها نازل شده. دلیل اینکه واقعی است این روایت است که علی بن ابراهیم می گوید: دو مرتبه بصره بر سر اهلش فرو ریخته، اینک با خدا است که مرتبه سوم کی خواهد شد؛ سومین مرتبه در رجعت است.

93. تفسیر فرات: محمّد بن علی بن حنفیه این آیه را خواند: «إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ»(4)، {و آنگاه که جانها به هم درپیوندند.} و گفت: سوگند به آن کسی که جانم در اختیار اوست، اگر شخصی بین رکن و مقام آنقدر خدا را پرستش کند که استخوانهای ترقوهاش به هم بچسبد، خداوند او را با کسی که دوستش دارد محشور خواهد کرد.(5)

توضیح: مرحوم طبرسی در تفسیر آیه می نویسد: هر کسی قرین و همنشین کسی خواهد شد که شبیه خود اوست، از اهل جهنم باشد یا اهل بهشت. بعضی گفته اند، منظور برگشت ارواح است به بدنها که در نتیجه زنده می شوند و بعضی گفته اند، گمراه شده به کسی که او را گمراه کرده ملحق می شود، چه انسان باشد و چه

1- . نجم / 53
2- . توبه / 70
3- . روضه کافی : 179 و 181

4- . تكوير / 7
5- . تفسير فرات : 203

شیطان. این تفسیر نیز شده که اشخاص نیکوکار و صالح، همنشین حوران بهشتی می شوند و کافران همنشین شیاطین.(1)

94. روضه کافی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه شریفه: «وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً»(2) ، {و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود. } نقل کرد که فرمود: هر کس اوصیاء آل محمّد صلی اللّه علیه و آله را دوست بدارد و از ایشان پیروی کند، آن سبب می شود که دوستی و ولایت پیامبران و مؤمنین گذشته تا آدم نیز نصیب او شود. این است تفسیر آیه: «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنْها»(3) ، {هر کس نیکی به میان آورد پاداشی بهتر از آن خواهد داشت. } که موجب وارد شدن در بهشت می گردد و این آیه اشاره به همان است: «قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ»(4) ، {بگو هر مزدی که از شما خواستم از آن خودتان. } می فرماید: اجرِ دوستی و محبتی که نسبت به خویشاوندان خود جز آن را نخواستم، به خود شما برگشت دارد که به وسیله آن هدایت می شوید و از عذاب قیامت نجات می یابید.

اما به کسانی که دشمن خدا و پیرو شیطانند و تکذیب و انکار میکنند می فرماید: «قُلْ ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفِینَ»(5)، {بگو مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی کنم و من از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم و به خدا نسبت دهم. } یعنی هرگز چیزی را که شایسته آن نیستید، در مورد پاداش رسالت، از شما با مشقت تقاضا نمیکنم.

گروهی از منافقین به یکدیگر گفتند، بس نبود محمّد را که بیست سال بر دوش ما سوار شد، حالا تصمیم دارد بستگان خود را بر ما تحمیل کند. چنین دستوری را خدا به او نداده، او از خودش می سازد و می خواهد خویشاوندان خود را

1- . مجمع البیان 10 : 444
2- . شوری / 23
3- . نمل / 89
4- . سبأ / 47
5- . ص / 86

بر ما مزیت دهد. اگر کشته شود یا بمیرد، این فرمانروایی را از خاندان او خواهیم گرفت و دیگر نخواهم گذاشت بر ما حکومت کنند.

خداوند خواست به پیامبر خود اطلاع دهد که آنها چه گفته اند و چه تصمیمی دارند. در این آیه فرمود: «أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً فَإِنْ یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ» {آیا می گویند بر خدا دروغی بسته است؟ پس اگر خدا بخواهد، بر دلت مهر می نهد.} می فرماید: اگر بخواهم، وحی را از تو قطع می کنم تا در مورد فضائل خاندان خود سخن نگویی و مردم را به محبت آنها وادار نکنی: «یَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ وَ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ» {خدا باطل را محو و حقیقت را با کلمات خویش پا برجا می کند} ولی خداوند واقعیت را می گوید که ولایت اختصاص به اهل بیت تو دارد.

«إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ»(1) ، {اوست که به راز دلها داناست.} نسبت به همه چیز و آن کینه هایی که در دل از اهل بیت پیامبر پنهان کرده اند و ظلم بعد از تو. این آیه اشاره به همان است: «وَ أَسَرُّوا النَّجْوَی الَّذِینَ ظَلَمُوا هَلْ هذا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ أَ فَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ»(2) ، {و آنانکه ستم کردند، پنهانی به نجوا برخاستند که آیا این [مرد] جز بشری مانند شماست؟ آیا دیده و دانسته به سوی سحر می روید؟} و در آیه: «وَ النَّجْمِ إِذا هَوی» {سوگند به اختر [= قرآن] چون فرود می آید} سوگند به قبر محمّد صلی الله علیه و آله وقتی از دنیا رود: «ما ضَلَّ صاحِبُکُمْ» {[که] یار شما نه گمراه شده} به سبب برتری دادن اهل بیتش «وَ ما غَوی * وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی» {و نه در نادانی مانده و از سر هوس سخن نمی گوید.} در باره فضیلت خاندان خود از روی خواسته نفس خود سخن نمی گوید و این است معنی آیه «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ یُوحی»(3) {این سخن به جز وحیی که وحی می شود نیست.} خدا به محمد می گوید: «قُل لَّوْ أَنَّ عِندِی مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِیَ الأَمْرُ بَیْنِی وَ بَیْنَکُمْ»(4)

، {بگو اگر آنچه را با شتاب خواستار آنید نزد من بود، قطعا میان من و شما کار به

1- . شوری / 24
2- . انبیاء / 3
3- . نجم / 1 - 4

4- . انعام / 58

انجام رسیده بود.} فرمود: اگر من مأمور بودم آنچه که در سینه هایتان پنهان کرده اید، از آرزوی مرگ زود هنگام من برای اینکه به اهل بیتم پس از من ظلم کنید، را اعلام کنم، مثل شما همان است که خدا در آیه «کَمَثَلِ الَّذِی اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءتْ مَا حَوْلَهُ»(1) ، {همچون مثل کسانی است که آتشی افروختند و چون پیرامون آنان را روشنایی داد.} آورده است. می گوید، زمین به نور محمد روشن می شود همان طور که خورشید روشن می کند. مثل محمد مثل خورشید است و مثل وصی مثل ماه است و این است معنی آیه «جَعَلَ الشَّمْسَ ضِیَاء وَالْقَمَرَ نُورًا»(2) ، {خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد.} و آیه «وَ آیَةٌ لَّهُمْ اللَّیْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ»(3) ، {و نشانهای [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] از آن برمی کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می روند.} و آیه «ذَهَبَ اللّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَکَهُمْ فِی ظُلُمَاتٍ لاَّ یُبْصِرُونَ»(4) ، {خدا نورشان را برد و در میان تاریکیهایی که نمی بینند رهایشان کرد.} یعنی محمد را قبض روح کرد و ظلمت آشکار گردید و فضل اهل بیتش را ندیدند، و این است معنای آیه «وَ إِن تَدْعُوهُمْ إِلَی الْهُدَی لاَ یَسْمَعُواْ وَتَرَاهُمْ یَنظُرُونَ إِلَیْکَ وَ هُمْ لاَ یُبْصِرُونَ»(5)، {و اگر آنها را به [راه] هدایت فرا خوانید نمی شنوند و آنها را می بینی که به سوی تو می نگرند در حالی که نمی بینند.} سپس رسول خدا علمی را که داشت به وصیش داد و این است معنی آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»(6)، می گوید من هادی آسمانها و زمین هستم، مثل علمی که آن را عطا کردم و آن نوری است که به سبب آن هدایت می شود، مثل چراغدانی است که در آن چراغی است. مشکاه قلب محمد است و مصباح نوری که علم در آن است و آیه «الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجَهٍ»(7)، {و آن چراغ در شیشه ای است.} می گوید، من می

1- . بقره / 17
2- . یونس / 5
3- . یس / 37
4- . بقره / 17
5- . اعراف / 198
6- . نور / 35
7- . همان

خواهم

که تو را قبض روح کنم، آنچه در نزد توست به وصیت بسپار همان طور که چراغ در شیشه قرار دارد. «كَأنّها كَوْكَبٌ دُرِّیٌّ»(1)، {آن شیشه گویی اختری درخشان است.} فضل وصی را به آنها اعلام کن «يُوقَدُ مِن شَجَرَهٍ مُّبَارَكَهٍ»(2) ، {که از درخت خجسته زیتونی افروخته می شود.} اصل درخت مبارک ابراهیم است و این است معنی آیه «رَحْمَتُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ»(3)، {رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان [رسالت] باد. بی گمان او ستوده ای بزرگوار است.} و این است معنی آیه «إِنَّ اللّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ وَ اللّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»(4)، {به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است، فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست.}

«لَّا شَرْقِيَّهٍ وَ لَا غَرْبِيَّهٍ»(5)، {نه شرقی است و نه غربی} می گوید، یهودی نیستید تا به سمت مغرب نماز بخوانید و نصرانی هم نیستید تا به سمت مشرق نماز بگزارید؛ شما بر آیین ابراهیم هستید. خداوند می فرماید: «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَ لاَ نَصْرَانِيًّا وَ لَكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»(6) ، {ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه حق گرایی فرمانبردار بود و از مشرکان نبود.} و آیه «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ»(7)، {نزدیک است که روغنش هر چند بدان آتشی نرسیده باشد روشنی بخشد، روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند.} می گوید: مثل فرزندانتان که از شما متولد می شوند مانند روغنی است که از زیتون گرفته می شود

1- . همان
2- . همان
3- . هود / 73
4- . آل عمران / 33 و 34
5- . نور / 35
6- . آل عمران / 67

7- . نور / 35

«يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِى اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ» نزدیک است که ادعای نبوت کنند، حتی اگر فرشته ای بر آنها نازل نشده باشد.(1)

توضیح: عبارت «فذاک یزیده» یعنی مودت اوصیا مستلزم مودت انبیا و مؤمنین گذشته است، یا اینکه مودت انبیا و مؤمنین گذشته پذیرفته نمی شود مگر به مودت ایشان. عبارت «و هو قول الله» یعنی منظور از حسنه در آن نیز مودت اوصیا است یعنی در باره آن نازل شده است؛ یعنی مصداق کامل از حسنه ای که شرط قبول سایر حسنات است، گویا که منحصر در آن است. عبارت «أجر الموده» اضافه بیانیه است و آنچه را که امام علیه السّلام ذکر نموده، وجه نیکوی تامی در جمع بین آیاتی است که در باره اجر رسالت وارد شده است، زیرا خدا در این آیه می فرماید: «قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِى الْقُرْبَى»(2) ، {بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی در باره خویشاوندان.} آیه دلالت می کند بر اینکه مودت اجر رسالت است. و در آیه دیگری می فرماید: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»(3)، یعنی پاداشی که از شما خواستم، نفعش به خودتان برمی گردد و در آیه دیگری فرموده است: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاء أَن يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلاً»(4) {بگو بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی کنم جز اینکه هر کس بخواهد، راهی به سوی پروردگارش [در پیش] گیرد.} بنا بر این از تفسیر امام علیه السّلام آشکار می شود که منظور این است که پاداش رسالت را از کسی طلب می کنم که حرف مرا بپذیرد و مرا اطاعت نماید و به سوی خدای خود راهی برگزیند و در آیه دیگری فرموده است: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ»(5) {بگو مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی کنم} پس این بنا بر تفسیر امام علیه السّلام متوجه کافرین و منکرین و منافقین است. در عبارت «یقول الحق» منظور از حق، ولایت است.

1- . روضه کافی : 379 و 381

2- . شوری / 23

3- . سبأ / 47

4- . فرقان / 57

5- . ص / 86

عبارت «یقول بما ألقوه» تفسیر «بِذَاتِ الصُّدُورِ»(1) است. عبارت «أقسم بقبر محمد» یعنی منظور از «نجم» پیامبر صلّی الله علیه و آله است چنانچه در باب جداگانه ای بیان کردیم و منظور از «بهویّه» یعنی سقوط و هبوط و غروب او یا صعود و مرگ و پنهان شدنش در خاک یا بالا رفتن روح پاکش به سوی رب الارباب. عبارت «لو إنّی أمرت» شاید بنا بر تأویل امام علیه السّلام، در کلام تقدیری باشد یعنی اگر اخباری را که با شتاب خواستار آنید نزد من باشد. و جزا را به خاطر روشن بودنش تفسیر نکرد، یعنی قطعا میان من و شما به خاطر آشکار بودن کفر و نفاق و وجوب قتلتان، کار به انجام رسیده بود و عبارت «فکان مثلکم» برای بیان اثراتی است که بر رفتن پیامبر صلّی الله علیه و آله از میان ایشان که ضلالت و گمراهی است مترتب می شود و امام علیه السّلام با همین به تأویل نیکویی برای آیه دیگری اشاره کرده است و تشبیه کاملی در این آیه و آیه دیگری است که خدای متعال در وصف منافقین گفته است: «مَثَلُهُمْ کَمَثَلِ الَّذِی اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءتْ مَا حَوْلَهُ» که منظور روشن شدن زمین به نور علم و هدایت محمد است و بر این استدلال کرده که منظور از نور در اینجا نور محمد است که خدا در تمام قرآن پیامبر صلّی الله علیه و آله را به خورشید مثال زده و روشنی (ضیاء) را به خورشید نسبت داده است و وصی را به ماه مثل زده و نور را به آن نسبت داده، پس نور (ضوء) برای رسالت است و نور برای امامت. و این است معنی آیه «جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاء وَ الْقَمَرَ نُورًا» و چه بسا الفت بین معانی برقرار شود با آنچه که ذکر کرده اند که ضیاء بر نوری که خودش بالذات روشن کننده است اطلاق می شود و نور بر نوری که روشن کننده بالغیر است، به همین خاطر نور به قمر نسبت داده شده زیرا نور را از خورشید می گیرد و چون نور اوصیا علیهم السّلام از نور پیامبر صلّی الله علیه و آله و علمشان از علم او گرفته شده، از علم و کمال آنها به نور تعبیر شده است و از علم پیامبر صلّی الله علیه و آله به ضیاء. امام علیه السّلام به تعبیر آیه «وَ آيَةٌ لَّهُمْ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ» اشاره فرموده که منظور مرگ پیامبر صلّی الله علیه و آله و غروب خورشید رسالت است؛ پس مردم در تاریکی هستند مگر اینکه به نور ماه که وصی است، روشنی بگیرند. سپس تتمه آیه

1- . شوری / 24

گذشته را بعد از بیان اینکه منظور از «إضاءه» نور افشانی خورشید رسالت است، فرمود: منظور از بردن نور ایشان به وسیله خدا، یعنی قبض روح پیامبر صلّی الله علیه و آله است. پس «ظُلمه» یا «ظَلَمه» آشکار شدند و در نتیجه مردم فضل اهل بیتش علیهم السّلام را ندیدند و شاید منظور کلام امام علیه السّلام بعد از آیه ««وَ إِن تَدْعُوهُمْ» این است که آیه در شأن ائمه علیهم السّلام بعد از وفات پیامبر صلّی الله علیه و آله و رفتن نور ایشان نازل شده است، پس مردم مانند کسی شده اند که در تاریکی ها نگاه می کند ولی چیزی را نمی بیند؛ و شاید از باب مثال زدن باشد یعنی همان طور که در زمان پیامبر صلّی الله علیه و آله خداوند از حال گروهی که حق را ترک کردند و گمراهی را اختیار نمودند، خبر داده، پس نور هدایت را از گوش ها و چشم هایشان برد و به گونه ای شدند که با اینکه (صدای) هدایت را می شنیدند، گویا آن را نمی شنیدند و با اینکه حق را می دیدند، گویا آن را نمی دیدند. اینان نیز همین گونه اند که با رفتن نور رسالت از میان ایشان، حق را نمی بینند، اگر چه به آن می نگرند. عبارت «النور الذی فیه العلم» عطف بیان برای نور است.

95. کنز الفوائد: ابو محمّد حناط گفت: به ابو جعفر علیه السّلام گفتم منظور از این آیه چیست: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ * عَلی قَلْبِکَ لِتَکُونَ مِنَ الْمُنْذِرِینَ(1) * بِلِسانٍ عَرَبِیٍّ مُبِینٍ * وَ إِنَّهُ لَفِی زُبُرِ الْأَوَّلِینَ»(2)،

{روح الامین آن را بر دلت نازل کرد تا از [جمله] هشداردهندگان باشی به زبان عربی روشن و [وصف] آن در کتابهای پیشینیان آمده است. } فرمود: یعنی ولایت علی علیه السّلام.(3)

96. کنز الفوائد: معلی بن خنیس از حضرت صادق علیه السّلام در باره این آیه نقل کرد: «أَ فَرَأَیْتَ إِنْ مَتَّعْناهُمْ سِنِینَ * ثُمَّ جاءَهُمْ ما کانُوا یُوعَدُونَ» {مگر

1- . در مصدر این گونه آمده است: «مِنَ الْمُنْذِرِینَ» یعنی به سبب آن از ترسانندگان قومت باشی. «وَ إِنَّهُ لَفِی زُبُرِ الْأَوَّلِینَ» یعنی کتابهای نازل شده بر پیامبران. یعنی آنچه که نازل شده بر تو در باره ولایت علی علیه السّلام، در کتابهای انبیا گذشته نیز نازل شده است چنانچه در قرآن آمده است. پایان. می گویم: ظاهرا عبارت «ولایه علی علیه السّلام» از نسخه ساقط

شده است و شاید عبارت «الکتب الی آخره» کلام صاحب کنز الفوائد است.

2- . شعراء / 193 - 196

3- . کنز الفوائد : 201 و 202

نمی دانی که اگر سالها آنان را برخوردار کنیم و آنگاه آنچه که [بدان] بیم داده می شوند بدیشان برسد} فرمود: منظور خروج قائم است. «ما أَغْنی عَنْهُمْ ما کانُوا یُمَتَّعُونَ»(1)، {آنچه از آن برخوردار می شدند به کارشان نمی آید [و عذاب را از آنان دفع نمی کند]. } فرمود: اینها بنی امیه هستند که از نظر دنیایی بهره مند شدند.(2)

97. کنز الفوائد: ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه: «وَ تَقَلُّبَکَ فِی السَّاجِدِینَ»(3)، {و حرکت تو را در میان سجده کنندگان [می نگرد]. } فرمود: در باره علی و فاطمه و حسن و حسین و اهل بیت خود.(4)

98. کنز الفوائد: از طریق اهل سنت، ابن عباس گفت: در باره آیه: «وَ ما یَسْتَوِی الْأَعْمی وَ الْبَصِیرُ» {و نابینا و بینا یکسان نیستند} کور ابو جهل و بینا امیر المؤمنین علیه السّلام است «وَ لَا الظُّلُماتُ وَ لَا النُّورُ» {و نه تیرگیها و روشنایی} ظلمات ابو جهل و نور امیر المؤمنین علیه السّلام «وَ لَا الظِّلُّ وَ لَا الْحَرُورُ» {و نه سایه و گرمای آفتاب} سایه منظور سایه امیر المؤمنین است در بهشت و حرور یعنی جهنم که برای ابی جهل است، بعد به صورت جمع فرموده: «وَ ما یَسْتَوِی الْأَحْیاءُ وَ لَا الْأَمْواتُ»(5)، {و زندگان و مردگان یکسان نیستند. } احیاء علی و حمزه و جعفر و حسن و حسین و فاطمه و خدیجه اند و اموات کفار مکه هستند.(6)

99. کنز الفوائد: ابو صالح از ابن عباس نقل کرد که گفت: «حم» یکی از اسماء خدا است. «عسق»(7) علم و دانش علی علیه السّلام نسبت به فسق و فجور هر گروه و نفاق هر دسته.(8)

1- . شعراء / 205 - 207
2- . کنز الفوائد : 202
3- . شعراء / 219
4- . کنز الفوائد : 204
5- . فاطر / 19 - 22
6- . کنز الفوائد : 251
7- . شوری / 1 و 2
8- . کنز الفوائد : 283

100. با حذف سند از ابن جمهور از سکونی از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که «حم» حتم(1)

است و عین عذاب و سین سالهایی مانند سالهای یوسف. قاف غرق شدن و فرو رفتن و تغییر شکل دادن (مسخ) است که در آخر الزمان با سفیانی و یاران انجام می شود و گروهی از قبیله کلب - سی میلیون نفر(2)- با او قیام می کنند، همان موقعی که حضرت قائم در مکه خروج می نماید. او مهدی این امت است.(3)

101. کنز الفوائد: عیسی بن داود نجار گفت: حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام فرمود: روزی خدمت پدرم نشسته بودم. مردی وارد شد و ایستاد و گفت: در میان شما باقر العلم و زینت بخش دانش محمّد بن علی هست؟

یک نفر به او گفت آری. مدتی طولانی نشست، بعد از جای حرکت کرده و گفت: یابن رسول اللّه، این آیه را در داستان زکریا برای من توضیح بفرمایید: «وَ إِنِّی خِفْتُ الْمَوالِیَ مِنْ وَرائِی وَ کانَتِ امْرَأَتِی عاقِراً»(4)، {و من پس از خویشتن از بستگانم بیمناکم و زنم نازاست. }

فرمود: منظور از موالی پسر عموها هستند. خداوند خواست به او از نژاد و صلبش فرزند عنایت کند، و چون زکریا از مقام و منزلت حضرت محمّد اطلاع داشت گفت: خدایا، با این مقام و شرافتی که به محمّد عنایت کرده ای و نام او را قرین و ردیف نام خود قرار داده ای، چه شد که به او فرزندی از صلب خودش ندادی که نبوت به او برسد؟

فرمود: یا زکریا! چنین کاری نیز در باره محمّد انجام داده ام. پس از او پیامبری نیست، او آخرین پیامبر است ولی امامت متعلق به پسر عمو و برادرش علی بن ابی طالب است که بعد از او، نژادش را از صلب علی به رحم فاطمه دختر محمّد قرار دادم و آنها را به یکدیگر پیوستم و از همین نژاد امام ها و حجت های خود را بر

1- . در مصدر «حمیم» آمده است.

2- . در مصدر «و ناس من كليب ثلاثون الفا» (سى هزار نفر از كليب) آمده است.
3- . كنز الفوائد : 283
4- . مريم / 5

خلقم برگزیدم. میخواهم از صلب تو نیز فرزندی خارج کنم که وارث تو و آل یعقوب باشد، خداوند به او یحیی را عنایت فرمود.(1)

102. کنز الفوائد: عیسی بن داود نجار از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام نقل کرد که از این آیه پرسیدم: «أُولئِکَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ مِنْ ذُرِّیَّهِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنا مَعَ نُوحٍ» {آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند بر ایشان نعمت ارزانی داشت. از فرزندان آدم بودند و از کسانی که همراه نوح [بر کشتی] سوار کردیم و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل.} فرمود: ما ذریه ابراهیم هستیم و کسانی هستیم که با نوح حمل شدیم و برگزیده خداییم. اما این قسمت آیه: «وَ مِمَّنْ هَدَیْنا وَ اجْتَبَیْنا» {و از کسانی که [آنان را] هدایت نمودیم و برگزیدیم} به خدا قسم آنها شیعیان مایند که خداوند آنها را به محبت ما هدایت نموده و برای دین ما برگزیده که بر این اعتقاد زنده اند و بر همان می میرند. خداوند آنها را به عبادت و خشوع و رقت قلب در این آیه ستوده و فرموده: «إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُ الرَّحْمنِ خَرُّوا سُجَّداً وَ بُکِیًّا» {[و] هر گاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می شد، سجده کنان و گریان به خاک می افتادند} خداوند میفرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضاعُوا الصَّلاهَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَواتِ فَسَوْفَ یَلْقَوْنَ غَیًّا» {آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید} به زودی در کوهی از مس در وسط جهنم خواهند افتاد. سپس میفرماید: «إِلَّا مَنْ تابَ» {مگر آنان که توبه کرده} از خیانت به آل محمّد «وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَأُولئِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ وَ لا یُظْلَمُونَ شَیْئاً» {و ایمان آورده و کار شایسته انجام دادند که آنان به بهشت درمی آیند و ستمی بر ایشان نخواهد رفت} تا «مَنْ کانَ تَقِیًّا»(2)،

{بندگان ما که پرهیزگار باشند.}(3)

103. تفسیر قمی: ابو الطفیل از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: مردی خدمت علی بن الحسین علیهما السّلام آمد و گفت، ابن عباس چنین خیال

1- . کنز الفوائد : 150 و 151
2- . مریم / 58 - 63

3- . كنز الفوائد : 152 و 153

می کند که هر آیهای را که در قرآن هست میداند در چه روز نازل شده و در باره کیست.

پدرم فرمود: از او بپرس، این آیه در باره چه کسی نازل شده: «وَ مَنْ کانَ فِی هذِهِ أَعْمی فَهُوَ فِی الْآخِرَهِ أَعْمی وَ أَضَلُّ سَبِیلاً»(1)، {و هر که در این [دنیا] کور[دل] باشد در آخرت [هم] کور[دل] و گمراهتر خواهد بود.} و این آیه: «وَ لا یَنْفَعُکُمْ نُصْحِی إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَکُمْ إِنْ کانَ اللَّهُ یُرِیدُ أَنْ یُغْوِیَکُمْ»(2) ، {و اگر بخواهم شما را اندرز دهم، در صورتی که خدا بخواهد شما را بیراه گذارد، اندرز من شما را سودی نمی بخشد.} و این آیه در باره چه کس: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا»(3)، {ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید.}

آن مرد پیش ابن عباس آمد و سؤال کرد. ابن عباس گفت: مایل بودم کسی که به تو این مأموریت را داده با خودم روبرو شود تا از او بپرسم، عرش را خدا از چه آفریده و کی آفریده و چقدر است و چگونه است.

آن مرد به خدمت پدرم برگشت. ایشان پرسیدند: جواب آیات را داد. عرض کرد نه. پدرم فرمود: ولی من با علم و بینش، بی آنکه ادعایی کنم، می گویم. اما آیه: «وَ مَنْ کانَ فِی هذِهِ أَعْمی فَهُوَ فِی الْآخِرَهِ أَعْمی وَ أَضَلُّ سَبِیلاً» در باره او و پدرش نازل شده، اما آیه: «وَ لا یَنْفَعُکُمْ نُصْحِی إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَکُمْ» در باره پدرش نازل شده، و اما آیه دیگر در باره فرزندان او و ما نازل شده است. این آن رباط و مرزداری نیست که به آن مأمور هستیم، ولی در آینده گروهی از فرزندان ما و فرزندان آنها در انتظار به دست آوردن فرمانروایی هستند.

اما راجع به عرش که پرسیده بود، خدا از چه آن را آفریده، عرش چهارمین چیزی است که آفریده است. قبل از آن هوا و قلم و نور را آفریده بود، سپس عرش را از نورهای رنگارنگ آفرید، از آن جمله نور سبز که سبزی از آن پدید آمده و نور

1- . إسراء / 72
2- . هود / 34

3- . آل عمران / 200

زرد که زردیها از اوست و نور قرمز که قرمزیها از اوست و نور سفید که آن نور نورها است و از همان، روشنی روز است. بعد آن را هفتاد هزار طبقه قرار داد که ضخامت هر طبقه ای به اندازه فاصله عرش تا اسفل السافلین است. هر طبقه با صداهای گوناگون که با یکدیگر اشتباه نمی شوند، او را تقدیس و تسبیح میکنند. اگر یکی از آن صداها آشکار شود و صدا را به آنچه که در زیر آن قرار دارد، برساند، تمام کوهها و شهرها و دیوارها خراب می شود، دریاها میشکافد و هر چه غیر آن است هلاک میگردد.

عرش دارای هشت رکن است که هر رکن را گروهی از ملائکه حمل میکنند که در شب و روز بدون خستگی خدا را تسبیح می کنند و جز خدا کسی عدد آنها را نمیداند. اگر یکی از صداها که بالای عرش است حس شود، یک لحظه دوام نمی آورد. اما بین آن صداها و حواس، جبروت و کبریا و عظمت و قدس و رحمت و علم فاصله است و پس از این گفتاری نیست.

فرمود: بیچاره سرگردان چه طمعی دارد که اسرار را بداند. در نهاد او فرزندانی است که برای جهنم ساخته شده اند. گروهی را از دین خدا خارج می کنند و به زودی زمین آشفته به خون فرزندان آل محمّد خواهد شد که در غیر موقع قیام می کنند و چیزی که بآن نخواهند رسید را می جویند. اما ما ائمه ایمان داریم و صابر و شکیبابییم تا خداوند اجازه قیام دهد و بین ما و آنها حکومت کند.(1)

توضیح: گفته امام علیه السّلام «در باره پدرش نازل شده است» یعنی او از کسانی است که مصداق آیه در این امت هستند و برای تهدیدشان و تذکر دادن به ایشان نازل گردیده است و با وقوع آیه در سیاق قصه نوح علیه السّلام و اینکه حکایت از قول او باشد منافات ندارد، عبارت «در باره فرزندان او و ما نازل شده» یعنی در باره ما نازل شده که در دولت فرزندان او صبر کنیم و مراقب باشیم تا امر ما ظاهر شود. و در اکثر نسخه ها «إبنه» آمده بنا بر اراده اسم جنس یا اولین کسی که از فرزندانش خروج می کند، سپس بیان می کند که از نسل او کسانی هستند که

1- . تفسیر قمی : 385 و 386

مراقبند و منتظر غلبه بر دولت بنی امیه و از نسل ما نیز کسانی مراقبند و منتظر فرج در دولت بنی امیه و دولت خودشان.

عبارت «و لو أحسّ» یعنی اگر احساس کنندهای حس کند یا ابن عباس چیزی را حس کند - صدای چیزی از بالای سرش - قادر نیست که لحظه ای چشم بر هم زند بلکه هلاک می شود. و در بعضی نسخه ها «شیئاً» آمده یعنی اگر یکی از حواس چیزی از آن صداها را حس کند، حسش از بین رفته و طاقت آن را ندارد و در بعضی نسخه ها این طور آمده «اگر حس شود چیزی از آنچه که بالای سرش است» بنا بر مجهول بودن فعل یا عبارت «ممّا فوقه» مفعول «أحسّ» است یعنی چیزی از بالای سرش را. عبارت «بینه» بین آن شخص و ابن عباس یا بین ملک و شخص حس کننده و «بین الأحساس» با فتحه جمع حس است یعنی صداها، و احتمال کسره نیز هست. «الجبروت» به معنی پرده های جبروت و کبریا و عظمت و غیر آن که مانع رسیدن صداها به خلق است. «طمع الحائر» یعنی ابن عباس که جاهل و سرگردان است در علم غیبی که برای او سهمی در آن نیست. عبارت «تنهض تلک الفراخ فی غیر وقت» یعنی در زمان استقرار دولت بنی عباس و پایداری ملکشان خروج می کنند و پیروزی بر آنها را که نمی توانند به آن دست یابند، طلب می کنند. اما ائمه علیه السّلام و شیعیانشان عجله نمی کنند و صبر می کنند تا به آنها اذن داده شود. در باره تحقیق «أنوار و حجب» در کتاب «سماء و عالم» صحبت کردیم.

104. تفسیر قمی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه: «إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ» {من هم مثل شما بشری هستم} فرمود: یعنی من از جهت خلق و آفرینش مثل شما هستم «یُوحی إِلَیَّ أَنَّما إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَمَنْ کانَ یَرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلاً صالِحاً وَ لا یُشْرِکْ بِعِبادَهِ رَبِّهِ أَحَداً» (1) ، {و[لی] به من وحی می شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.} فرمود: با ولایت آل محمّد ولایت دیگری را نپذیرید. ولایت این خاندان عمل صالح است.

1- . کهف / 110

هر کس برای عبادت خدا شریک بگیرد، برای ولایت ما شریک گرفته و به آن کافر شده و منکر حق امیر المؤمنین و ولایت اوست.

گفتم: «الَّذِینَ کانَتْ أَعْیُنُهُمْ فِی غِطاءٍ عَنْ ذِکْرِی» {[به] همان کسانی که چشمان [بصیرت]شان از یاد من در پرده بود} فرمود: منظور از ذکر، ولایت علی است و این است معنای «ذِکْرِی» در آیه. گفتم «لا یَسْتَطِیعُونَ سَمْعاً» {و توانایی شنیدن [حق] نداشتند} فرمود: وقتی پیش آنها سخن از علی به میان میآمد، به واسطه شدت کینه و دشمنی با او و خاندانش. تاب شنیدن آن را نداشتند

گفتم: «أَ فَحَسِبَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنْ یَتَّخِذُوا عِبادِی مِنْ دُونِی أَوْلِیاءَ إِنَّا أَعْتَدْنا جَهَنَّمَ لِلْکافِرِینَ نُزُلاً»(1) ،{آیا کسانی که کفر ورزیده اند پنداشته اند که [می توانند] به جای من بندگانم را سرپرست بگیرند. ما جهنم را آماده کرده ایم تا جایگاه پذیرایی کافران باشد.}

فرمود: منظور از آیه، آن دو نفر و پیروان آنها است که ایشان را در مقابل خدا رهبر خویش گرفته اند و گمان می کنند که دوست داشتن آن دو سبب نجاتشان می شود و با محبت این دو کافر شدند.

گفتم: «إِنَّا أَعْتَدْنا جَهَنَّمَ لِلْکافِرِینَ نُزُلاً» و پرسیدم «نُزُلاً» یعنی چه؟ فرمود: منزل و مأوی که برای آن دو و پیروانشان در نزد خدا مهیا شده است.(2)

توضیح: عبارت «فَمن أَشرک بِعباده رَبّه» از باب قلب است و مفسرین «النزل» را به آنچه که برای مهمان آماده می شود تفسیر کرده اند؛ ولی در لغت به معنای منزل است چنانچه امام علیه السّلام این گونه تفسیر نمود. فیروز آبادی گفته است: «النُزُل» یعنی منزل و آنچه که برای مهمان قبل از آمدنش آماده می شود.

105. تفسیر عیاشی: ابو طفیل از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: مردی خدمت پدرم آمد و گفت، ابن عباس گمان می کند که هر آیه ای که در قرآن نازل شده را می داند که در چه روزی و در باره چه کسی نازل شده است. پدرم فرمود: از او بپرس این آیه در باره چه کسی نازل شده است «وَ مَن کَانَ فِی هَذِهِ

1- . همان / 101 و 102
2- . تفسیر قمی : 407 و 408

أَعْمَى فَهُوَ فِى الآخِرَهِ أَعْمَى وَ أَضَلُّ سَبِيلاً» و این آیه «وَ لا یَنْفَعُکُمْ نُصْحِی إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَکُمْ» و این آیه «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اصْبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ». آن شخص پیش ابن عباس رفت. ابن عباس غضب نمود و گفت، دوست دارم مرا با آن کسی که این ها را به تو گفته است رو به رو کنی تا از او بپرسم. ولی از او بپرس که عرش از چه و چگونه خلق شده است. آن شخص خدمت پدرم آمد و آنچه که به او گفته شده بود را گفت. پدرم فرمود: در آیاتی که پرسیدم، جوابت را داد؟ گفت نه. فرمود ولی من پاسخ آنها را با نور و علمی که ادعای آن را نمی کنم، می گویم. اما دو آیه اول در باره او و پدرش نازل شده است و آیه سوم در باه ما و پدرم نازل شده است و آن مرزداریی که مأمور به آن هستیم، این نیست، ولی از نسل ما و از نسل او حاکمانی خواهند آمد.(1)

106. تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام: «یا أَیُّهَا النَّاسُ کُلُوا مِمَّا فِی الْأَرْضِ حَلالاً طَیِّباً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبِینٌ * إِنَّما یَأْمُرُکُمْ بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَی اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ»(2) ، {ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه را بخورید و از گامهای شیطان پیروی مکنید که او دشمن آشکار شماست [او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می دهد و [وامی دارد] تا بر خدا چیزی را که نمی دانید ربربندید.}

فرمود: خداوند می فرماید: مردم! از آنچه در زمین است بخورید. انواع میوها و غذاها برای شما حلال و پاک است (تا) وقتی خدا را در مورد احترام به کسی که باید او را احترام کرد و سبک شمردن کسانی را که خدا کوچک شمرده و خوار کرده اطاعت کنید و از شیطان در راهی که شما را می برد پیروی نکنید؛ راه مخالفت با بهترین انبیا و یا بهترین اوصیاء که پیامبر او را وصی قرار داده و سایر خلفا و اولیای پیامبر. شیطان دشمنی آشکار است برای شما و شما را وادار به مخالفت با بهترین پیامبران و وصی او میکند. او شما را به اعتقاد و مذهب زشتی در مورد بهترین آفریده خدا حضرت محمّد و انکار ولایت بهترین اولیا پس از پیامبر اکرم وادار می

1- . تفسیر عیاشی 2 : 305 و 306
2- . بقره / 168 و 169

کند و شما را تشویق میکند به اینکه آنچه را که نمی دانید بر خدا ببندید، امامت کسی را که خداوند برای او بهره ای در امامت قرار نداده و از بدترین دشمنان خدا هستند و از همه بیشتر کفر می ورزند.

حضرت علی بن الحسین نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: من از تمام مردم ممتازترم و بر تمام انبیا برتری دارم و قرآن را به من اختصاص داده اند و مرا به ولایت و جانشینی علی بهترین اوصیاء گرامی داشته اند و مرا به بهترین پیروان که از پیروان تمام پیمبران و اوصیاء بهترند مفتخر نموده اند. (خداوند) به من گفت یا محمّد! در مقابل این نعمتهای من شکر و سپاسی بگزار که موجب افزایش نعمت شود. عرض کردم خدایا، چه شکری بهترین شکر تو است؟

فرمود: یا محمّد! بهترین شکر، انتشار فضل برادرت علی است و وادار نمودن سایر بندگانم به احترام او و شیعیانش، و دستور دهی که محبت و علاقه به یکدیگر را فقط در راه خدا قرار دهند، همچنین بغض و دشمنی را. نه دوست بدارند و نه دشمن بدارند مگر در راه من، و آماده جنگ با شیطان و پیروان او که دعوت به مخالفت با من می نمایند باشند، و سپر خویش را در این مبارزه، دشمنی با دشمنان محمّد و علی قرار دهند، و بهترین اسلحه در راه مبارزه با شیطان و سپاهش، برتری دادن محمّد است بر تمام پیمبران و برتری دادن علی بر سایر امت، و اعتقاد به اینکه پیامبر هرگز دروغ نمی گوید و بردباری است که نادانی او را فرا نمی گیرد و پیوسته کارهای او صحیح است و غفلت ندارد. او کسی است که محبتش موجب سنگینی ترازوی مؤمنین می شود و مخالفتش باعث سبکی ترازوی دشمنان می گردد. وقتی چنین کاری را کنند، شیطان پیروان و او از همه خوارتر و ذلیل تر می شوند.(1)

توضیح: «إمتری الشیء» یعنی خارج کرد آن را.

107. تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام: «وَ إِذا قِیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللّٰهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَیْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْقِلُونَ شَیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ»(2)، {و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید،

1- . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام : 242 و 243
2- . بقره / 170

می گویند نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند [باز هم در خور پیروی هستند]. } فرمود: خداوند مشخصات پیروان شیطان را در این آیه بیان کرده، وقتی به آنها گفته شد، بیایید تا برای شما توضیح دهیم، آنچه را خداوند در کتاب خود بیان نموده از صفات حضرت محمّد و آراستگی علی و فضائل و مناقب او. و به آنچه پیامبر دستور می دهد گوش فرا دهید تا بپذیرید. گفتند، ما به روشی که پدرانمان برایمان گذاشته اند کفایت می کنیم. و در مخالفت پیامبر اکرم و دشمنی با علی ولی اللّه پیرو دین و مذهب پدران خویش می شوند. خداوند میفرماید: «أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْقِلُونَ شَیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ» اگر چه پدران آنها علم و اطلاع درستی نداشته باشند؟.

حضرت علی بن الحسین نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: مردم! طبق دستور خدا، پیرو برادر و وصی من علی بن ابی طالب باشید و مانند آنها که جز خدا دیگران را ارباب خویش دانستند نباشید که تقلید از پدران نادان و کافر خود کردند. کسی که از شخصی پیروی می کند که اطلاع دینی ندارد، موجب خشم خدا می شود و در بند شیطان واقع شده.

بدانید که خداوند برادرم علی را برجسته ترین افراد عترت من قرار داده، - خداوند فرمود:- هر که او را دوست بدارد و دوستانش را نیز دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد، او را بهترین زینت بهشت و شریفترین دوستان خود و بندگان مخلص خویش قرار می دهم. هر که در دوستی و محبت ما خانواده پایدار باشد، خداوند هشت درب بهشت را برایش می گشاید که از هر کدام مایل است وارد شود و تمام درب ها او را این طور صدا می زنند: ای دوست خدا، از ما وارد نمی شوی؟ این امتیاز را به ما ارزانی نمی داری؟ ! (1)

توضیح: آیه ای که در ابتدای روایت است مطابق با سوره بقره است، اما آنچه در تفسیر ذکر نموده با آیه سوره مائده تطبیق می کند و آن این است «وَ إِذا قِیلَ لَهُمْ تَعالَوْا إِلی ما أَنْزَلَ اللّهُ وَ إِلَی الرَّسُولِ قالُوا: حَسْبُنا ما وَجَدْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ

1- . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام : 243

آباؤُهُمْ لا یَعْلَمُونَ شَیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ»(1) ، {و چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر[ش] بیایید، می گویند آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی دانسته و هدایت نیافته بودند!} شاید راویان چنین کرده اند و یا امام علیه السّلام خواسته بفهماند که مضمون دو آیه یکی است.

108. تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام: «لَیْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلائِکَهِ وَ الْکِتابِ وَ النَّبِیِّینَ وَ آتَی الْمالَ عَلی حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ وَ السّائِلِینَ وَ فِی الرِّقابِ وَ أَقامَ الصَّلاهَ وَ آتَی الزَّکاهَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصّابِرِینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرّاءِ وَ حِینَ الْبَأْسِ أُولئِکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»(2) {نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارانند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند، آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند.}

امام علیه السّلام فرمود: حضرت علی بن الحسین در مورد آیه «لَیْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا» تا آخر آیه نقل کرد که پیامبر اکرم وقتی علی بن ابی طالب را گرامی داشت و مقام او را در نزد خدا بیان کرد و مقام شیعیان و یاران او را توضیح داد و یهودیان و نصرانیان را سرزنش کرد که چگونه کفر ورزیدند و فضل و شخصیت محمّد و علی را که در کتابهای آنها ذکر شده، کتمان کردند، نصرانیان و یهودیان از روی افتخار اعتراض نمودند. یهودیان گفتند، ما سالها است بر این قبله نماز می خوانیم، بعضی از ما به سمت همین قبله شب زنده داریها نموده اند، این همان قبله است که موسی به ما

1- . مائده / 104

2- . بقره / 177

دستور داده است. نصرانیان نیز همین ادعا را نمودند که ما سالها بر این قبله نماز خوانده ایم و بعضی از ما به سمت همین قبله شب زنده داریها نموده اند. این قبله را عیسی برای ما معین کرده، شما خیال میکنید خداوند این همه اعمال و شب زنده داریهای ما را چون پیروی از محمّد نکرده ایم و خواسته او را در باره برادرش نپذیرفتیم، نخواهد پذیرفت. خداوند این آیه را نازل نمود که بگو: نیکی که موجب بهشت شود و آمرزش و خشنودی خدا را باعث گردد این نیست که صورت خود را در نماز به جانب مشرق کنید (نصرانیان) یا به طرف مغرب (یهودیان)، شما با فرمان خدا مخالفت کرده اید و کینه ولی خدا را در دل دارید؛ نیکوکار کسی است که به یکتایی خدا ایمان آورد؛ بی نیاز است خدایی که هر کس را بخواهد عزیز و گرامی میدارد و هر که را بخواهد خوار و ذلیل می کند. هرگز کسی را یارای تغییر دادن فرمان او و تأخیر انداختن حکمش نیست، و به روز قیامت ایمان آورد، آن قیامتی که بهترین فرد در آن روز، محمّد سرور انبیا و بعد از او برادرش سرور اوصیا است؛ آن قیامتی که هر کدام از شیعیان محمّد وارد آن شوند، نور از چهره آنها میدرخشد و با برادران و همسران و فرزندان و کسانی که به او نیکی کرده اند و هم کسانی که در دنیا از او دفاع نموده اند، رهسپار بهشت برین می شوند.

و هر کس از دشمنان محمّد در آن روز در تاریکی ها قرار می گیرد و به شریک های خود در دین و مذهب و کسانی که با آنها بی آنکه تقیه ای لازم باشد نزدیک می شدند، به سوی عذابی دردناک رهسپار می شود.

آن قیامتی که در آن روز، بهشت فریاد می زند، دوستان محمّد و علی و پیروان آن دو! به سمت ما بیایید. ای دشمنان محمّد و علی و مخالفین آنها! از ما فاصله بگیرید. و جهنم فریاد می زند، ای دوستان محمّد و علی و شیعیان آنها! دور شوید و از ما فاصله بگیرید. و ای دشمنان محمّد و علی! به سوی ما بیایید.

بهشت فریاد می زند، ای محمّد و علی! خداوند به ما دستور داده از شما اطاعت کنیم و اجازه داده که هر که را شما داخل کنید، وارد ما شود. اینک ما را از پیروان خود پر کنید. آفرین بر آنها! خوش آمدند و با صفا آمدند.

جهنم می گوید، یا محمّد و علی! خداوند مرا دستور داده مطیع شما باشم و هر کس را شما دستور سوختش را دهید، بسوزانم. مرا از دشمنان خود پر کنید.

«وَ الْمَلائِکَهِ» و هر کس به ملائکه ایمان آورد که آنها بندگان معصوم هستند و گناهی نمی کنند و پیرو دستور خدایند. بهترین مأموریت آنها در هر مرتبه ای از زمین تا عرش خدا هستند، این است که صلوات بر محمّد و آل پاکش بفرستند و تقاضای رحمت و مغفرت برای شیعیان پرهیزگار آنها نمایند، و بر پیروان دشمنان آنها، کسانی که آشکار پیرو آنها بودند، و منافقین لعنت کنند.

«وَ الْکِتابِ» ایمان به کتابی آورد که مشتمل بر فضل محمّد سید المرسلین و علی - که امتیازهایی دارد که احدی از جهانیان ندارد - و مشتمل بر فضل پیروان او و از مؤمنین و بغض مخالفین آنها از دشمنان و منافقان است.

«وَ النَّبِیِّینَ» و ایمان به پیامبران آورد که بهترین خلق خدایند و اینکه تمام آنها به فضیلت حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله ارشاد نموده اند و به فضل علی بر سایر اوصیاء و برتری شیعیان آنها بر سایر مؤمنان دیگر پیغمبران، اعتراف کرده اند و امتیازات آنها را قبول دارند.

خداوند مقامی به محمّد صلی اللَّه علیه و آله عنایت کرده که هر یک از پیغمبران که توقع چنین مقامی را نموده، مورد نهی و زجر قرار گرفته و به او امر کرده اند، در مقابل فضل و مقام محمّد و علی و خاندان آنها تسلیم شود.

و اینکه خداوند به پیامبر اکرم به عنایت کردن سوره حمد به آن جناب فضیلت بخشید که به هیچ یک از پیمبران پیشین (این فضل را) نداده مگر به سلیمان بن داود که فقط «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» را از این سوره داد و این آیه را از تمام سلطنت و قدرتی که خدا به او عنایت کرده برتر شمرد و گفت: خدایا چه کلمات عالی و با ارزشی است، من این کلمات را از تمام مملکتی که عنایت کرده ای با ارزشتر می دانم. خداوند به او خطاب کرد ای سلیمان! چگونه با ارزشتر نباشد و حال اینکه هر بنده من از زن و مرد، مرا با این کلمات بخواند، ثوابی به او عنایت می کنم هزار برابر بیشتر از کسی که تمام مملکت تو را صدقه بدهد. این یک هفتم از تمام آن سوره ایست که به محمّد سرور انبیاء داده ام (سوره فاتحه الکتاب).

سلیمان گفت: اجازه می فرمایی همه آن سوره را درخواست کنم؟ خداوند فرمود: به آنچه داده ام قانع باش. تو به مقام محمّد نمی رسی، از درخواست مقام او خودداری کن که این مقام را از تو می گیرم، چنانچه آدم را از بهشت خارج کردم. چون (آدم) مقام محمّد و علی را در مورد درختی که به او دستور داده بودم نزدیک آن نشود درخواست کرد. او مایل بود مقام آن دو را داشته باشد. آن درختی بود که ریشه اش محمّد صلی اللّه علیه و آله است و بزرگترین شاخه آن علی است و سایر شاخه هایش آل محمّدند، به ترتیب مقام و موقعیتشان، و شاخه های جدا شده آن درخت، شیعیان و امت او به ترتیب مراتب و احوالشان هستند؛ هیچ کس دارای درجات و مقام محمّد صلی اللّه علیه و آله نیست.

سلیمان گفت: خدایا مرا به آنچه عنایت کرده ای قانع فرما. خداوند او را قانع نمود. عرض کرد تسلیم شدم و راضیم و قانعم و اعتراف می کنم که احدی درجات محمّد صلی اللّه علیه و آله را ندارد.

«وَ آتَی الْمالَ عَلی حُبِّهِ» مال را به مؤمنین و مستحقین می بخشد، با وجود علاقه ای که به آن دارد و شدت احتیاجش، چون آرزوی زندگی دارد و از فقر و تنگدستی می ترسد و چون سالم است و آزمند. «ذَوِی الْقُرْبی» به خویشاوندان پیامبر که فقیر هستند، به بعنوان هدیه و نیکوکاری نه به عنوان صدقه، می بخشد، زیرا خداوند مقام آنها را از گرفتن صدقه گرامی داشته است. و به خویشاوندان خود به هر نوع و به هر راهی، چه صدقه و چه نیکوکاری، می بخشد.

«وَ الْیَتامی» به یتیمان بنی هاشم که فقیرند، به عنوان نیکوکاری و نه صدقه و به سایر یتیمان به عنوان صدقه و سرپرستی می دهد.

«وَ الْمَساکِینَ» مردم فقیر و مستمند «وَ ابْنَ السَّبِیلِ» کسی که از وطن دور است و احتیاج پیدا کرده.

«وَ السَّائِلِینَ» کسانی که از روی احتیاج تقاضای کمک می کنند و درخواست صدقه دارند.

«وَ فِی الرِّقابِ» بنده های زرخرید که با صاحب خود قرار دارند مبلغی بپردازند تا آزاد شوند، به آنها کمک مالی می کند تا از قید بندگی رها شوند.

فرمود: اگر مال و ثروتی نداشته باشد که مواسات و برابری را از پیش گیرد، پیوسته اقرار به وحدانیت خدا و نبوت حضرت محمّد صلی اللّٰه علیه و آله می کند و آشکارا ما را بر دیگران فضیلت می دهد و به حقوق واجب ما خانواده و برتری ما بر سایر پیامبران و برتری حضرت محمّد بر سایر پیامبران و دوستی با دوستان ما و دشمنی با دشمنان ما و بیزاری از آنها، هر که باشند پدر و مادر و خویشاوند یا دوست او، اعتراف می نماید؛ زیرا به ولایت خدا نمی توان رسید مگر با ولایت اولیای خدا و دشمنی با دشمنان خدا.

«وَ أَقامَ الصَّلاةَ» فرمود: نیکو کار کسی است که نماز را با حدود و شرایط آن انجام دهد و بداند که مهمترین شرط نماز، شروع و تمام کردن آن است با اعتراف به فضل محمّد صلی اللّٰه علیه و آله بر تمام انبیاء و بندگان و دوستی علی سرور اوصیاء و بهترین اتقیا سرور خوبان و رهبر نیکان و بهترین ساکنان بهشت بعد از پیامبر پاک اکرم مختار.

«وَ آتَی الزَّکاةَ» و زکات واجب را به برادران مؤمن خود بدهد. در صورتی که مالی نداشته باشد که زکاتش را بدهد، زکات بدن خود و عقل و دانش خویش را به دهد به این صورت که فضل علی و اولاد پاکش را هر وقت قدرت داشت آشکار کند و در شدت گرفتاریها و زمانی که مبتلا به رنج و ناراحتی شد و زمانی که دشمنان ما چیره شدند، تقیه را به کار برد. یا با بندگان خدا طوری که ضرر به دین و حیثیت او نخورد و دین و دنیایش سالم بماند، معاشرت کند. تقیه در جایی است که جان خویش را که خداوند برای پایداری دین و آبرو و جانش در اختیار او قرار داده، در راه اطاعت مولا حفظ کند و کسانی را که مورد خشم خدایند و دارای زشت ترین صفات و بدترین عاداتند لعنت کند، چون مانع از رسیدن حق به صاحبان آن می شوند و حکومت و فرمانداری ها را به کسانی که شایسته آن نیستند می سپارند.

بعد فرمود: «وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا»، از بزرگترین پیمانها که باید به آن وفا کنند آن است که آنچه را که می دانند، از مقام کسانی که خداوند آنها را برتری بخشیده و فضیلت عنایت کرده، پنهان نکنند؛ و اسم های شریف آنها را (از قبیل امیر المؤمنین، خلیفه پیغمبر، اولی الامر، و امام) بر روی اشخاصی که شایسته

نیستند نگذارند، از قبیل ستمکاران و افسار گسیختگان گمراه که از راه ائمه و پیشوایانی که خداوند آنها را معرفی نموده و امتیازها به ایشان بخشیده، منحرف شده اند و آنها را به صفاتی که زیبنده ایشان نیست متصف کرده اند و منکر مقام و شخصیت ایشان شده اند و نام های آنها را بر کسانی که شباهتی با ایشان ندارند، از قبیل مقصرین و متمردین گذاشته اند.

آنگاه فرمود: «وَ الصَّابِرِينَ فِی الْبَأْساءِ» یعنی شکیبایان در پیکار با دشمنان و دشمنی بالاتر از شیطان و پیروان او نیست که پیوسته آنها را با درود و صلوات بر محمّد و آل پاکش علیهم السّلام دفع می کند و از خویش دور می نماید «وَ الضَّرَّاءِ» فقر و تنگدستی است. فقری بالاتر از این نیست که مؤمن به تقاضا کردن از دشمنان آل محمّد وادار شود و بر این گرفتاری صبر کند و عقیده اش این است که هر چه از اموال آنها استفاده می نماید، غنیمتی است که به کمک آن مال، ایشان را لعنت می کند و با آن، بر ترویج مقام ولایت ائمه طاهرین علیهم السّلام قدرت پیدا می کند.

«وَ حِينَ الْبَأْسِ» هنگام شدت جنگ خدا را به یاد می آورد و صلوات بر محمّد و علی ولی خدا می فرستد. او با دل و زبان دوستان خدا را دوست می دارد و با دشمنان خدا دشمن است. خداوند می فرماید: «أُولئِکَ» کسانی که دارای این صفات هستند «الَّذِينَ صَدَقُوا» ایمان واقعی دارند و گفتار خود را با کردار ثابت کرده اند «وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» اینهایند که از آتش جهنم و از شر دشمنان آل محمّد و کفار پرهیز می کنند.(1)

109. بصائر الدرجات: فضیل از حضرت باقر علیه السلام در باره آیه: «يا أَهْلَ الْكِتابِ لَسْتُمْ عَلى شَيْ ءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ»(2)، {بگو

ای اهل کتاب، تا [هنگامی که] به تورات و انجیل و آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است عمل نکرده اید، بر هیچ [آیین بر حقی] نیستید.} فرمود: یعنی ولایت آل محمّد علیه السلام؛ و این آیه نیز همان معنی را

1- . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام : 248 و 251

2- . مائده / 68

دارد: «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»(1) ، {ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی، پیامش را نرسانده ای. } فرمود: این دستور، همان ولایت است.(2)

110. بصائر الدرجات: محمّد بن مسلم از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد در باره آیه «وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقامُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجِیلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ»(3)، {و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارشان به سویشان نازل شده است عمل می کردند. } فرمود: منظور ولایت است.(4)

تفسیر عیاشی: از محمد بن مسلم همین روایت را نقل کرده است.(5)

اصول کافی: از حماد همین روایت را نقل کرده است.(6)

توضیح: شاید منظور این است که ولایت مهمترین چیزی است که بر آنها نازل شده.

111. محاسن: سلیمان بن خالد گفت: درون محملی مشغول خواندن قرآن بودم و آیات آخر سوره تبارک را می خواندم که حضرت صادق علیه السّلام مرا صدا زد و فرمود: سلیمان ادامه بده. این آیات را می خواندم: «وَ الَّذِینَ لا یَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ وَ لا یَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لا یَزْنُونَ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ یَلْقَ أَثاماً * یُضاعَفْ» {و کسانی اند که با خدا معبودی دیگر نمی خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است، جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند و هر کس اینها را انجام دهد، سزایش را دریافت خواهد کرد و برای او در روز قیامت، عذاب دو چندان می شود } فرمود: این آیات در باره ما است. به خدا قسم ما را پند می دهد و گر نه می داند که ما زنا نمی کنیم. ادامه بده سلیمان! خواندم تا رسیدم به این آیه:

1- . همان / 67
2- . بصائر الدرجات : 151
3- . مائده / 66

4- . بصائر الدرجات : 22
5- . تفسیر عیاشی 1 : 330
6- . اصول کافی 1 : 413

«إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صالِحاً فَأُوْلئِکَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ»(1) ، {مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند. پس خداوند بدیهایشان را به نیکیها تبدیل می کند. } فرمود: صبر کن ! این قسمت در باره شما است. فرمود: مؤمن گنه کار را روز قیامت به پیشگاه پروردگار می آورند؛ او خود عهده دار حساب مؤمن می شود. بر یک یک اعمال زشتش او را واقف می کند که در فلان روز و فلان ساعت چنین کردی. می گوید، می دانم خدایا. تا تمام گناهانش را ذکر می کند و او اعتراف می نماید. خداوند می فرماید: در دنیا این گناهان را بر تو پوشاندم و امروز آنها را می بخشم. گناهان این بنده ما را تبدیل به ثواب کنید.

نامه عملی برای مردم بلند می شود. تعجب نموده می گویند: سبحان اللّه، این شخص یک گناه نداشته. این آیه همان مطلب است «فَأُوْلئِکَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ» باز خواندم تا به این آیه رسیدم: «الَّذِينَ لا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَ إِذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا کِراماً» {و کسانی اند که گواهی دروغ نمی دهند و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می گذرند} فرمود: این آیه در باره ما است. باز خواندم: «وَ الَّذِينَ إِذا ذُکِّرُوا بِآياتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْها صُمًّا وَ عُمْياناً» {و کسانی اند که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور روی آن نمی افتند} فرمود: این در باره شما است، وقتی فضائل ما را یادآوری می کنید، در آن شک نمی کنید. باز خواندم: «وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيَّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ»(2)

، {و کسانی اند که می گویند، پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد} تا آخر سوره. فرمود: اینها در باره ما است.(3)

112. تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام: «إِنَّ اللَّهَ لا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا ما بَعُوضَةً فَما فَوْقَها فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ أَمَّا الَّذِينَ کَفَرُوا فَيَقُولُونَ ماذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ کَثِيراً وَ يَهْدِي بِهِ کَثِيراً وَ ما يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفاسِقِينَ * الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ

1- . فرقان / 68 - 70
2- . همان / 72 - 74

3- . المحاسن : 170

وَ يُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ»(1) ، {خدای را از اینکه به پشه ای یا فروتر [یا فراتر] از آن مثل زند، شرم نکند، پس کسانی که ایمان آورده اند می دانند که آن [مثل] از جانب پروردگارشان بجاست، ولی کسانی که به کفر گراییده اند می گویند، خدا از این مثل چه قصد داشته است؟! [خدا] بسیاری را با آن گمراه و بسیاری را با آن راهنمایی می کند و[لی] جز نافرمانان را با آن گمراه نمی کند، همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می شکنند و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می گسلند و در زمین به فساد می پردازند، آنانند که زیانکارانند. }

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: وقتی خداوند فرمود «یا أَیُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ» اسم مگس را در این آیه برد: «إِنَّ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ یَخْلُقُوا ذُباباً»(2) {کسانی را که جز خدا می خوانید هرگز [حتی] مگسی نمی آفرینند} تا آخر آیه و فرمود: «مَثَلُ الَّذِینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِیاءَ کَمَثَلِ الْعَنْکَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَیْتاً وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُیُوتِ لَبَیْتُ الْعَنکَبُوتِ لَوْ کَانُوا یَعْلَمُونَ »،(3) {داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده اند همچون عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانهای برای خویش ساخته و در حقیقت اگر می دانستند، سست ترین خانه ها همان خانه عنکبوت است. } و در این سوره مثل زد به کسی که آتشی افروزد و یا به بارانی که از آسمان فرو ریزد. ناصبیان و کفار گفتند، این چه مثل هایی است؟ بدین وسیله بر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله خرده می گرفتند. خداوند فرمود: یا محمّد، «إِنَّ اللَّهَ لا یَسْتَحْیِی» خداوند از خجالت نمی کشد «أَنْ یَضْرِبَ مَثَلًا» جهت توضیح حق برای مؤمنین «ما بَعُوضَةً» چه مثل به پشه باشد «فَما فَوْقَها» یا بالاتر از پشه که مگس است. وقتی صلاح و نفع بندگان در آن باشد، این مثلها را می زند، «فَأَمَّا الَّذِینَ آمَنُوا» کسانی که به خدا و ولایت محمّد و علی و آل پاک او ایمان دارند و تسلیم پیامبر و ائمه و احکام و اخبار و احوال آنهایند، زبان به اعتراض نمی گشایند و در رموز و اسرار آنها کنجکاوی نمیکنند و آنها را فاش نمینمایند مگر با اجازه ایشان «فَیَعْلَمُونَ» مومنینی

1- . بقره / 26 و 27
2- . حج / 73
3- . عنکبوت / 41

که این چنین صفتی دارند می دانند که «أَنَّهُ» مثال زده شده، «الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ» منظور حق و توضیح یک واقعیت است.

«وَ أَمَّا الَّذِینَ کَفَرُوا» کسانی که به محمد صلی الله علیه و آله به سبب اعتراض به او در مورد علی علیه السّلام که چرا و چگونه به او این مقام داده شده کافر شدند، و از آنچه باید پیروی کنند پیروی نمی کنند، «فَیَقُولُونَ ماذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلًا یُضِلُّ بِهِ کَثِیراً وَ یَهْدِی بِهِ کَثِیراً» میگویند: با این مثل خدا گروهی را گمراه و گروهی را هدایت میکند، پس این مثل فایده ای ندارد زیرا اگرچه کسی که هدایت می یابد نفع می برد ولی کسی که گمراه می شود زیان می بیند. خداوند سخن آنها را رد میکند و می فرماید: «وَ ما یُضِلُّ بِهِ» یعنی خدا با مثل گمراه نمی کند «إِلَّا الْفاسِقِینَ» جز فاسقانی را که به خاطر عدم تأمل در مثل و استفاده از آن بر خلاف آنچه که خدا دستور داده است، بر خود جنایت می کنند.

آنگاه شروع به توضیح مشخصات فاسقان از ایشان که از دین خدا و اطاعت او خارج شدهاند، می کند: «الَّذِینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ» کسانی که پیمان خدا را که از ایشان به ربوبیت و رسالت محمّد و امامت علی و محبت و مقام شیعیان آن دو گرفته می شکنند «مِنْ بَعْدِ مِیثاقِهِ» با اینکه پیمانی بسیار شدید و محکم بود.

«وَ یَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ» و قطع رابطه خویشاوندی (با کسانی) که باید به آن توجه داشته باشند و حقوقشان را ادا کنند، می نمایند. مهمترین خویشاوند و لازمترین حق خویشاوندان، محمّد صلی اللّه علیه و آله هستند زیرا حق آنها به واسطه حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله است.

چنانچه حق خویشاوندان به واسطه پدر و مادر لازم می شود و حق محمّد گرامی تر از حق پدر و مادر شخص است، همین طور حق خویشاوندانش و قطع آن، بدتر و نارواتر است.

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: «وَ یُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ» با دشمنی نسبت به کسانی که امامت آنها از جانب خدا تعیین شده و اعتقاد به امامت کسانی که خداوند مخالفت با آنها را لازم شمرده: «أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ» چون رهسپار جهنم می شوند

و از بهشت محرومند. وای چه زیانی که برای همیشه انسان را در عذاب قرار دهد و برای همیشه از نعمت محروم نماید.

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: بدانید، هر کس در مورد چیزهایی که وارد نیست و از ما به او می رسد تسلیم می شود، با این اعتماد که ما بر حق هستیم و هرگز او را جز به راه حق و حقیقت نمی بریم، خداوند در مقابل به او از قصرهای بهشتی آنقدر عنایت می کند که نمی تواند اندازه و ارزش آن را بفهمد و جز خدا که بخشنده آن قصرها است، کسی مقدارش را نمی داند.

و در ضمن، کسانی که بحث و مجادله را رها کنند و تسلیم ما شوند و دست از آزار (ما) بردارند، موقعی که بر صراط می آیند، ملائکه با آنها در باره اعمال و رفتارشان به بحث و مجادله می پردازند؛ در این موقع از جانب خدا ندا می رسد که ای ملائکه من! این بنده من مجادله نکرد و تسلیم ائمه خود شد، شما نیز با او مجادله نکنید و او را به بهشت برین، خدمت ائمه و پیشوایانش ببرید تا از همنشینی آنها بهره مند گردد، چنانچه در دنیا تسلیم ایشان بود.

اما کسانی که اعتراض کنند که چرا و چگونه و پیوسته پرس وجو نمایند، ملائکه در صراط به آنها می گویند، باید تو را نگه داریم و با تو در مورد اعمالت مجادله کنیم، چنانچه در دنیا با پیشوایان خود مجادله میکردی. به ملائکه ندا می شود: راست می گویید، با او همان معامله ای بکنید که میکرده؛ او را نگه می دارند. میایستد و حسابش بسیار طولانی می شود و در این محاسبه، عذابی شدید میبیند. چقدر آنجا پشیمان می شود و حسرت میخورد (ولی) هیچ چیز نمی تواند او را نجات بخشد مگر رحمت خدا، در صورتی که دین خود را از دست نداده باشد، و گر نه برای همیشه در جهنم خواهد بود.

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: برای کسی که در دنیا به عهد و پیمان و قسم ها و وعده های خود وفا نموده، به ملائکه می گویند، این بنده در دنیا به عهد و پیمان خود وفادار بوده، اینک به وعده ای که به او داده ایم وفا کنید و با او به مسامحه رفتار کنید و اشکال تراشی نکنید. آن زمان ملائکه او را به جانب بهشت می برند.

اما کسی که قطع رحم نموده، اگر پیوند خویشاوندان محمّد صلی اللَّه علیه و آله را رعایت کرده باشد، اولاد پیامبر برای او شفاعت می کنند و به خویشاوندانش می گویند، هر چه مایلید از حسنات و کردار نیک ما بردارید و فلان کس را ببخشید. هر چه بخواهد می دهند و او را می بخشند. خداوند به خویشاوندان پیامبر که چنین شفاعتی را نموده اند عوض می دهد و از اعمال نیک آنها کم نمی کند. اما اگر مراعات خویشاوندان خود را نموده ولی حقوق خویشاوندان پیامبر را مراعات نکرده، منکر آنها شده و یا حق واجب ایشان را پایمال نموده و یا دیگران را به لقب و اسم های اختصاصی ایشان نامیده و مخالفین خود را از همشهریان به لقب های ناشایست ملقب نموده، به او می گویند، بنده خدا! دشمنی آل پاک پیامبر و ائمه خود را خریدی به واسطه اینکه خیال کردی دشمنان آنها راست میگویند. اینک از آنها کمک بخواه تا از این بدبختی نجاتت بخشند. هیچ یار و یاوری پیدا نمی کند و رهسپار عذاب دردناک و بیچاره کننده می شود.

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: اما کسی که ما را به نامها و لقب های خودمان بنامد و دشمنان ما را به این نامها و لقبها نخواند مگر در موارد ضروری - که در این موارد ما نیز خودمان آنها را به همین نامها و لقب ها می نامیدیم - خداوند کریم در روز قیامت به ما می فرماید: اینک برای این دوستان خود هر چه مایلید درخواست کنید که بی نیاز شوند. ما برای آنها از خدا چیزهایی را درخواست می کنیم که ارزش دنیا در مقابل ارزش آنها به اندازه یک دانه خردل است در مقابل آسمانها و زمین. خداوند به آنها عطا می کند و چندین چند برابر به ایشان می دهد.

به امام باقر علیه السّلام عرض کردند: بعضی از کسانی که ادعای دوستی شما را دارند گمان می کنند که منظور از پشه، علی علیه السّلام و منظور از «فَما فَوْقَها» که مگس است، پیامبر اکرم است.

حضرت باقر علیه السّلام در جواب او فرمود: اینها حرفی را شنیده اند، ولی آن طور که باید، در جای خود پیاده نکرده اند.

روزی پیامبر اکرم با علی علیه السّلام نشسته بود، شنید یک نفر می گوید: «ما شاء اللّه و شاء محمّد» آنچه خدا و محمّد بخواهند. دیگری میگفت: «ما شاء اللّه و شاء علی» آنچه خدا و علی بخواهد.

حضرت رسول فرمود: محمّد و علی را با خدا قرین و هم طراز قرار ندهید، ولی بگویید آنچه خدا بخواهد، محمّد و علی نیز همان را میخواهند. مشیت و خواست خدا از همه بالاتر است و کسی را قدرت برابری و مقابله و نزدیک شدن به آن نیست.

محمّد پیامبر خدا در مقابل دین خدا و قدرتش، مانند مگسی است که در این دنیای وسیع پرواز می کند، و علی نیز در مقابل دین و قدرت خدا چون پشه ای است در مقابل این دنیای وسیع، با اینکه لطف و فضل خدا بر محمّد و علی بیشتر است از فضل و عنایتی که بر تمام مردم از ابتدای پیدایش جهان تاکنون نموده است.

این است فرمایش پیامبر اکرم در مورد مگس و پشه در این مورد، پس مربوط به آیه: «إِنَّ اللَّهَ لا یَسْتَحْیِی أَنْ یَضْرِبَ مَثَلاً ما بَعُوضَةً»(1) نیست

توضیح: در عبارت «ما هو بعوضه المثل» شاید در قرائت اهل بیت علیهم السّلام «بعوضةٌ» به رفع باشد همان طور که در قرائت شاذ خوانده شده. بیضاوی بعد از موجه دانستن قرائت نصب و بودن «ما» برای زیادی تنکیر و ابهام یا تأکید گفته است، به رفع خوانده شده بنا بر اینکه خبر مبتدا باشد، بنا بر این در «ما» وجوه دیگری نیز هست. یکی اینکه موصول باشد که ابتدای صله آن حذف شده است یا موصوف به صفت این چنینی باشد و بنا بر هر دو وجه، محل آن نصب است به عنوان بدل و استفهامیه که مبتداست. پایان(2)

سپس امام علیه السّلام آیه «یُضِلُّ بِهِ کَثِیراً» را از تتمه کلام منافقین قرار داده است و بعضی مفسرین نیز همین را گفته اند. اما آنچه را که امام علیه السّلام در باره نزول آیه در باره محمد و علی صلوات الله علیهما رد کرده است، ظاهرا با آنچه که علی بن ابراهیم از معلی بن خنیس از امام صادق علیه السّلام نقل می کند منافات

1- . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام : 81 تا 84
2- . انوار التنزیل 1 : 57

دارد. این روایت: خدا این مثل را برای امیر المؤمنین زده، پس بعوضه امیر المؤمنین و مافوق آن رسول خداست و دلیل بر آن، آیه «فَأَمَّا الَّذِینَ آمَنُوا فَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ» است یعنی امیر المؤمنین؛ چنانچه رسول خدا برای او از مردم پیمان گرفت «وَ أَمَّا الَّذِینَ کَفَرُوا فَیَقُولُونَ ماذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلًا یُضِلُّ بِهِ کَثِیراً وَ یَهْدِی بِهِ کَثِیراً» خدا بر آنها رد کرده و فرموده «وَ ما یُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفاسِقِینَ * الَّذِینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِیثاقِهِ وَ یَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ» یعنی از پیوند امیر المؤمنین و ائمه صلوات الله علیهما «وَ یُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ». پایان

مولف: شاید بین این دو جمع نمود، به این صورت که امام علیه السّلام نفی کرده است که این معنای ظاهری آیه باشد نه باطن آن، و در بطن آن اشاره ای است به آنچه که امام علیه السّلام فرموده است (و آن) بیان علت این قول است یا آنچه که خدا به ایشان برای ذات خود در این آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»(1) مثال زده است و امثال آن، تا باعث توهم کسی نشود که برای ایشان در کنار عظمت خدا قدر و منزلتی است، یا ایشان با خدا در کنه ذات و صفاتش شریکند، یا حلول و اتحاد است، که خدا از همه اینها برتر است و خدا هم با آن، تذکر داده بر اینکه، ایشان اگرچه اعظم و اشرف مخلوقاتند، ولی آنها در کنار عظمت او مانند پشه و نظایر آنند و خدای تعالی عالم به حقایق کلام خود و حججش است.

113. تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام: «وَ آمِنُوا بِما أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ وَ لا تَکُونُوا أَوَّلَ کافِرٍ بِهِ وَ لا تَشْتَرُوا بِآیاتِی ثَمَناً قَلِیلًا وَ إِیَّایَ فَاتَّقُونِ»(2)، {و بدانچه نازل کرده ام که مؤید همان چیزی است که با شماست ایمان آرید و نخستین منکر آن نباشید و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید و تنها از من پروا کنید.} امام علیه السّلام فرمود: خداوند به یهودان می فرماید: «آمِنُوا بِما أَنْزَلْتُ» به محمّد که عبارت است از نبوت او و امامت برادرش علی و عترت پاکش «مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ» این مطلب در کتاب خود شما نیز هست که محمّد پیامبر خدا، سرور جهانیان از

1- . نور / 35
2- . بقره / 41

گذشته و آینده است و او به بهترین اوصیاء و جانشین خدا، حَکَم این امت و درب شهر علم و جانشین پیامبر خدای رحیم، تقویت می شود.

«وَ لا تَشْتَرُوا بِآیاتِی»، آیاتی را که در باره نبوت محمّد و امامت علی و پاکان از عترتش نازل کرده ام معامله نکنید «ثَمَناً قَلِیلاً» با مبلغی بی ارزش از مال دنیا به این که منکر نبوت پیامبر و امامت علی شوید، گرچه آن مال اگر زیاد هم باشد، فانی و زودگذر و نابودشونده است.

بعد می فرماید: «وَ إِیَّایَ فَاتَّقُونِ» در مورد کتمان امر محمّد و وصی او راجع به نبوت پیامبر و امامت علی، اگر پرهیز نکنید، هرگز شما را رها نخواهیم نمود زیرا حجت و دلیل بر شما لازم و ثابت شد و بسیار واضح و آشکار است و دیگر جای بهانه و عذری باقی نمی گذارد و نیرنگتان باطل شد.

یهودیان مدینه منکر نبوت حضرت محمّد شدند و به او خیانت کردند. گفتند ما می دانیم محمّد پیامبر است و علی وصی اوست، ولی تو آن محمّد نیستی و علی این شخص نیست.

خداوند لباسها و کفشهای آنها را که در تن داشتند به سخن در آورد که به صاحب خود گفتند، دروغ می گویی دشمن خدا! آن محمّد که پیامبر است همین شخص است و علی که وصی اوست نیز همین مرد است. اگر به ما اجازه دهند، چنان شما را می فشاریم تا کشته شوید.

پیامبر اکرم فرمود: خداوند آنها را مهلت داده، چون می داند از صلب ایشان فرزندانی پاک و مؤمن به وجود خواهد آمد. اگر فرزندانشان از آنها جدا شده بودند، خداوند بر آنها عذابی دردناک میفرستاد. کسی در کیفر عجله میکند که از فوت و از دست رفتن مجرم بترسد.(1)

114. تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام: «وَ أَقِیمُوا الصَّلاهَ وَ آتُوا الزَّکاهَ وَ ارْکَعُوا مَعَ الرَّاکِعِینَ»(2)، {و

نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید. } فرمود: یعنی نمازهای واجبی را که محمّد صلی اللَّه علیه و آله آورده

1- . تفسير منسوب به امام حسن عسكرى عليه السّلام : 92
2- . بقره / 43

است بپا دارید و نیز بپا دارید صلوات بر محمّد و آل پاکش را که علی سرور و بهترین آنها است.

«وَ آتُوا الزَّکاةَ» زکات اموال خود را وقتی واجب شد بدهید و زکات بدن را نیز در موقع لزوم بپردازید و هر گاه از شما کمک درخواست شد، کمک کنید.

«وَ ارْکَعُوا مَعَ الرَّاکِعِینَ» با فروتنان فروتنی کنید، برای عظمت خدا و پیروی از اولیای او محمّد مصطفی و علی ولی اللّه و بعد از آن دو، ائمه علیهم السّلام که سرور اصفیا هستند.(1)

115. تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام: خداوند به یهودیان و کافران و مشرکین فرمود: «وَ اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ» {از شکیبایی و نماز یاری جویید} با صبر و خودداری از حرام، برای باز پس دادن امانت ها کمک بگیرید؛ و با خودداری از ریاست های باطل، برای اعتراف به نبوت حضرت محمّد و وصایت حضرت علی کمک بگیرید؛ و با صبر، برای خدمت کردن به پیامبر و علی و کسانی که این دو، دستور خدمت به آنها را می دهند، کمک بگیرید تا با بهره مندی از نظر به عترت محمّد سرور جهانیان و علی علیهم السلام سرور نیکان برگزیده، شایسته بهشت و آمرزش و نعمت های جاوید در پناه خدا و رفاقت مؤمنین شوید.

این نظر بیشتر موجب خوشحالی شما و روشنی چشمتان می گردد و بهره وری شما را از سایر نعمت های بهشت کاملتر میکند و به وسیله نمازهای پنجگانه و نیز صلوات فرستادن بر محمّد و آل پاکش، برای رسیدن به بهشت برین کمک بگیرید.

«وَ إنّها» این نمازهای پنجگانه و صلوات بر محمّد و آلش با مطیع بودن نسبت به دستورات آنها و ایمان به آشکار و پنهان ایشان و ترک اعتراض و بهانه جویی که چرا و چگونه «لَکَبِیرَهٌ» بسیار بزرگ است «إِلَّا عَلَی الْخاشِعِینَ»(2)

و} ،

1- . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام : 93
2- . بقره / 45

به راستی این [کار] گران است مگر بر فروتنان. } (اینان) در باره مخالفت دستورش راجع به مهمترین فرایض از خدا می ترسند.(1)

116. منتخب البصائر، بصائر الدرجات: سعد از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که ما هشت نفر در خدمت آن جناب بودیم، صحبت رمضان شد. فرمود: نگویید این رمضان است، و نگویید رمضان رفت، و نگویید رمضان آمد.

زیرا رمضان یکی از نامهای خدا است و نمی توان نسبت رفتن و آمدن به ذاتش داد. رفتن و آمدن مربوط به اشیاء زائل است ولی بگویید ماه رمضان. ماه را به رمضان اضافه کنید، نام نام خدا است. ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده، خداوند آن را مَثلی برای اهل بیت و عید مؤمنین قرار داد. بدانید، هر کس در ماه رمضان از خانه خود خارج شود و رهسپار راه خدا گردد - ما همان راه خدا هستیم - هر کس وارد این راه شد، به دور دژی محکم می گردد و دژ محکم امام است و با دیدن امام تکبیر بگوید، در کفه حسنات او سنگی نهاده می شود، سنگین تر از آسمانها و زمین های هفت گانه و آنچه در آنها و بین آنها و زیر آنها است.

عرض کردم: آقا میزان چیست؟

فرمود: تو نیرو و نظر بیشتری پیدا کردی. سنگ پیامبر اکرم و ما میزان هستیم. اشاره به همین مطلب است فرموده خدا در این آیه: «لِیَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ»(2) ، {تا مردم به انصاف برخیزند. } فرمود: هر کس در مقابل امام تکبیر بگوید و بگوید: «لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ» وحده لا شریک له، خداوند رضوان اکبرش را برای او لازم می شمارد و هر کس مشمول رضوان اکبر خدا شود، در خدمت ابراهیم و محمّد و پیمبران در دار الجلال خواهد بود.

عرض کردم: دار الجلال چیست؟

فرمود: ما دار هستیم و این آیه همان است: «تِلْکَ الدّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُها لِلَّذِینَ لا یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الْأَرْضِ وَ لا فَساداً وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ»(3)،

{آن سرای آخرت را

1- . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام : 95 و 96
2- . حدید / 25
3- . قصص / 83

برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است.} عاقبت در این آیه ما هستیم ای سعد، اما مودت و دوستی ما متعلق به متقین است.

خداوند می فرماید: «تَبارَکَ اسْمُ رَبِّکَ ذِی الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ»(1)، {خجسته باد نام پروردگار شکوهمند و بزرگوارت.} ما جلال اللّه و کرامت او هستیم که بندگانش را به وسیله اطاعت از ما گرامی داشته.(2)

توضیح: «مثلا» یعنی حجت و شرف و فضل برای امت و یا مثلی است برای اهل بیت علیهم السّلام و عید برای مومنین، به احسانهای خدا بر آنها یا به احسان او بر آنها به رحمت و رضوان (اشاره دارد). «لِیَقُومَ النَّاسُ» اشاره به این آیه است «لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَ الْمِیزانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»(3)، {به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.} و در خبر رمزها و تأویلاتی است و گویا خبر خالی از تصحیف نباشد.

117. تفسیر عیاشی: محمّد حلبی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به این آیه پرسیدم: «یا بَنِی إِسْرائِیلَ»(4)،

فرمود: آنها فقط ما هستیم.(5)

118. تفسیر عیاشی: محمد بن علی از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که در باره آیه «یا بَنِی إِسْرائِیلَ» پرسیدم، فرمود: این آیه اختصاص به آل محمد دارد.(6)

119. تفسیر عیاشی: ابو داود از کسی که از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله شنیده است نقل می کند که فرمود: من عبد اللّٰه هستم، نامم احمد. و من عبد اللّٰه

1- . الرحمن / 78
2- . مختصر بصائر الدرجات : 56 و 57، بصائر الدرجات : 90
3- . حدید / 25

4- . بقره / 40 و 47 و122، مائده / 72، طه / 80، صف / 6
5- . تفسیر عیاشی 1 : 44
6- . همان

هستم، اسمم اسرائیل. هر چه به او امر کند به من امر کرده، و هر چه به او نسبت دهد به من نسبت داده شده.(1)

توضیح: شاید منظور از این آیه «یا بَنِی إِسْرائِیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ أَنِّی فَضَّلْتُکُمْ عَلَی الْعالَمِینَ»(2)، {ای فرزندان اسرائیل، از نعمتهایم که بر شما ارزانی داشتم و [از] اینکه من شما را بر جهانیان برتری دادم یاد کنید.} این باشد که باطن آیه مربوط به آل محمّد است زیرا اسرائیل یعنی عبد اللّٰه و من فرزند عبد اللّٰه هستم و من عبد الله هستم به دلیل این آیه: «سُبْحانَ الَّذِی أَسْری بِعَبْدِهِ»(3)، {منزه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی سیر داد.} هر خطاب خوبی که در ظاهر به بنی اسرائیل می شود، باطن آن متوجه من و اهل بیت من است.

120. کنز الفوائد: جابر از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشی» {سوگند به شب چون پرده افکند} فرمود: دولت ابلیس تا روز قیامت است که آن روز قیام قائم است. «وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّی»(4) ، {سوگند به روز چون جلوه گری آغازد} و آن حضرت قائم است وقتی قیام کند. «فَأَمَّا مَنْ أَعْطی وَ اتَّقی»(5) ، {اما آنکه [حق خدا را] داد و پروا داشت.} هر کس در مورد خود حق را رعایت کند و از باطل بپرهیزد «فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْیُسْری»(6)، {به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت.} او را بهشتی خواهم نمود.

«وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنی» {و اما آنکه بخل ورزید و خود را بی نیاز دید} در باره خود از حق مضایقه کند و به باطل گراید «وَ کَذَّبَ بِالْحُسْنی» {و [پاداش] نیکوتر را به دروغ گرفت} ولایت علی بن ابی طالب و أئمه «فَسَنُیَسِّرُهُ لِلْعُسْری»،(7) {به زودی راه دشواری به او خواهیم نمود.} یعنی جهنم «إِنَّ عَلَیْنا لَلْهُدی» {همانا

1- . همان
2- . بقره / 47
3- . إسراء / 1
4- . لیل / 1 و 2
5- . همان / 5
6- . همان / 7

7- . همان / 8 - 10

هدایت بر ماست} یعنی علی همان هدایت است «وَ إِنَّ لَنا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولی * فَأَنْذَرْتُکُمْ ناراً تَلَظّی» {و در حقیقت دنیا و آخرت از آن ماست پس شما را به آتشی که زبانه می کشد هشدار دادم} فرمود: منظور حضرت قائم است که وقتی با خشم قیام کند، از هر هزار نفر، نهصد و نود و نه نفر را می کشد «لا یَصْلاها إِلَّا الْأَشْقَی»(1)،

{جز نگون بخت تر[ین مردم] در آن درنیاید.} فرمود: او دشمن آل محمّد است «وَ سَیُجَنَّبُهَا الْأَتْقَی»(2)، {و پاک رفتارتر[ین مردم] از آن دور داشته خواهد شد.} منظور امیر المؤمنین و شیعه اوست.

121. سماعه بن مهران گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود: «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشی * وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّی الله - خالق الزوجین الذکر و الانثی و لعَلیٌّ الآخره و الاولی -»

122. فیض بن مختار: از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که ایشان آیه را چنین قرائت نمود :«إن علیّا للهدی و إن له الآخره و الاولی». چون از امام راجع به قرآن پرسیده بودند، فرمود: در آن عجائبی است که «وَ کَفَی اللَّهُ الْمُؤْمِنِینَ الْقِتالَ (3)

- بعلی -» {و خدا [زحمت] جنگ را از مؤمنان برداشت} و در آن است «إن علیّا للهدی و إن له الآخره و الاولی».

123. این خبر را روایتی که یونس بن ظبیان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده که خواند: «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشی * وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّی * - اللّه خالق - الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثی - و لعلیّ الآخره و الاولی -» تأیید می کند.

124. این خبر را آنچه که سماعه از امام صادق علیه السّلام نقل می کند تأیید می کند. آنجا که فرمود: به خدا سوگند این آیه این گونه نازل شده است «اللّه خالق الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثی و لعلیّ الآخره و الاولی» و تأیید می کند آن را، آنچه که در دعا وارد شده است: «سبحان من خلق الدنیا و الآخره و ما سکن فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ

1- . همان / 12 - 15

2- . همان / 17
3- . احزاب / 25

لمحمّد و آل محمّد».(1) به احتمال قوى اين روايات براى تفسير آيات آمده نه اينكه به اين الفاظ نازل شده است.

125. مولف: علامه در كشف الحق در باره آيه «لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كانَ بِكُمْ رَحِيماً»(2) ، {و خودتان را مكشيد زيرا خدا همواره با شما مهربان است. } از ابن عباس نقل كرده، يعنى اهل بيت پيامبرتان را نكشيد.(3)

توضيح: يعنى اهل بيت پيغمبر صلى اللّه عليه و آله به منزله جان شما هستند، بايد همان طور كه به جان خود علاقه داريد، به آنها نيز احترام نماييد بلكه آنها از جان شما بايد در نظرتان بالاتر باشند.

126. الاختصاص: جابر جعفى گفت: حضرت باقر عليه السّلام فرمود: چرا جمعه را به اين نام ناميده اند؟ گفتم فدايت شوم، علت آن را نمى فرماييد؟ فرمود: برايت تأويل و تفسير اعظم آن را نگويم؟! عرض كردم، چرا فدايت شوم.

فرمود: جابر! اين روز را جمعه ناميده اند چون در اين روز خدا تمام جهانيان را از اولين و آخرين و هر چه آفريده، از جن و انس و تمام مخلوقات آسمانها و زمين و درياها و بهشت و جهنم و هر چه را به وجود آورده، در ميثاق جمع كرد.

از تمام آنها براى خود به ربوبيت و براى محمّد به نبوت و براى على به ولايت پيمان گرفت. در همين روز خداوند به آسمانها و زمين فرمود: «ائْتِيا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قالَتا أَتَيْنا طائِعِينَ»(4) {خواه يا ناخواه بياييد. آن دو گفتند فرمان پذير آمديم. } اين روز را جمعه ناميد چون همه جهانيان را جمع كرد. بعد ميفرمايد: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا نُودِىَ لِلصَّلاهِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَهِ» {اى كسانى كه ايمان آورده ايد، چون براى نماز جمعه ندا درداده شد } در روز جمعه، همين روزى كه شما را در آن جمع نمود. منظور از صلاه امير المؤمنين است يعنى ولايت و آن ولايت كبرى است. در همين روز انبياء و رسل و ملائكه و هر چه آفريده و جن و انس، آسمانها و زمينها و

1- . كنز الفوائد : 390 و 391
2- . نساء / 29

3- . احقاق الحق 3 : 460 و 461
4- . فصلت / 11

مؤمنین لبیک گویان آمدند. «فامضوا الی ذکر اللّه»(1) به سوی ذکر خدا بروید. ذکر خدا امیر المؤمنین است.

«وَ ذَرُوا الْبَيْعَ» {و داد و ستد را واگذارید} یعنی اولی «ذلِکُمْ» یعنی بیعت امیر المؤمنین و ولایت او «خَيْرٌ لَكُمْ» از بیعت اولی و ولایتش «إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * فَإِذا قُضِيَتِ الصَّلاةُ» {اگر بدانید این برای شما بهتر است. و چون نماز گزارده شد} یعنی بیعت امیر المؤمنین «فَانْتَشِرُوا فِی الْأَرْضِ» {در [روی] زمین پراکنده گردید} منظور از ارض، اوصیاء است که خدا امر به اطاعت و ولایت آنها می کند، همچنان که دستور اطاعت پیامبر و علی را داده و به جای نام آنها کنایه آورده و آنها را «ارض» نامید «وَ ابْتَغُوا - فَضْلَ - اللَّهِ». جابر گفت، عرض کردم: «وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» {و فضل خدا را جویا شوید} است. فرمود: تغییر داده شده، چنین نازل شده است: «و ابتغوا - فضل اللّه علی الاوصیاء - وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيراً لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» {و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید} از این جا خداوند خطاب به حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله مینماید. پس فرمود: ای محمّد، «وَ إِذا رَأَوْا» شکاکان و منکران «تِجارَةً» یعنی اولی «أَوْ لَهْواً» دومی «إنصرفوا إليها»؛ گفتم «انْفَضُّوا إِلَيْها» {و چون داد و ستد یا سرگرمیای ببینند به سوی آن روی آور می شوند} است. فرمود: تحریف است! این طور نازل شده.

«وَ تَرَكُوكَ» با علی «قائِماً قُلْ» ای محمّد «ما عِنْدَ اللَّهِ» از ولایت علی و اوصیاء بهتر است از لهو و تجارت، یعنی بیعت اولی و دومی، «لِلَّذِينَ اتَّقَوْا» عرض کردم این قسمت در قرآن نیست. فرمود: چرا، این طور نازل شده و پرهیزگاران شما هستید «وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»(2) ، {و تو را در حالی که ایستاده ای ترک می کنند. بگو آنچه نزد خداست از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است و خدا بهترین روزی دهندگان است.}(3)

1- . تفسیر «فَاسْعَوْا إِلى ذِكْرِ اللَّهِ» {به سوی ذکر خدا بشتابید} است.
2- . جمعه / 9 - 11
3- . الاختصاص : 129

127. تفسیر قمی: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَکَّاها» {که هر کس آن را پاک گردانید، قطعا رستگار شد.} حضرت صادق علیه السّلام فرمود: امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب است که پیامبر اکرم او را تزکیه نمود.(1)

توضیح: بنا بر این تأویل، مراد از نفس در آیه، نفس امیر المؤمنین است که خدا به او خیر و شر را الهام نموده و منظور از «مَنْ دَسَّاها»(2)،

{و هر که آلوده اش ساخت.} کسی است که فضل و مقام او را پنهان کرده.

128. اصول کافی: هشام بن حکم از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمانها خَیْراً»(3) ، {کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد.} فرمود: منظور اقرار به انبیاء و اوصیاء و مخصوصا به امیر المؤمنین میباشد. فرمود: ایمانش سود نمیدهد، چون از او گرفته شده است.(4)

توضیح: شاید کسب خیر را به اقرار نسبت به انبیاء و اوصیاء در دنیا تفسیر نموده. وقتی این کار را نکردند، ایمان در میثاق آنها سودی نخواهد داشت چون (آن را) از دست داده اند.

129. اصول کافی: ابو حمزه از حضرت باقر یا صادق علیهما السّلام نقل کرده در باره آیه «بَلی مَنْ کَسَبَ سَیِّئَةً وَ أَحاطَتْ بِهِ خَطِیئَتُهُ» فرمود: وقتی امامت امیر المؤمنین را انکار کنند «فَأُولئِکَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فِیها خالِدُونَ»(5)، {آری کسی که بدی به دست آورد و گناهش او را در میان گیرد، پس چنین کسانی اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.}(6)

130. کنز الفوائد: ابو الورد از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه «أَ فَمَنْ یَعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ الْحَقُّ» {پس آیا کسی که می داند آنچه از جانب

1- . تفسیر قمی : 727
2- . شمس / 9

3- . انعام / 158
4- . اصول کافی 1 : 428
5- . بقره / 81
6- . اصول کافی 1 : 429

پروردگارت به تو نازل شده حقیقت دارد } فرمود: یعنی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب؛ و اعمی و کور در آیه دشمن اوست و اولو الالباب (خردمندان) شیعیان علی هستند که چنین توصیف شده اند: «الَّذِینَ یُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لا یَنْقُضُونَ الْمِیثاقَ»(1)، {همانان

که به پیمان خدا وفادارند و عهد [او] را نمی شکنند. } میثاقی که در عالم ذر و در روز غدیر نسبت به ولایت علی از آنها گرفته شده.(2)

131. کنز الفوائد: عیسی بن داود گفت: موسی بن جعفر علیهما السّلام فرمود: از پدرم راجع به این آیه پرسیدم: «وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِینَ»(3)، {و فروتنان را بشارت ده } تا آخر آیه. فرمود: فقط در باره ما نازل شده.(4)

132. اصول کافی: حفص از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده که در باره آیه «وَ الَّذِینَ یُؤْتُونَ ما آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَهٌ أَنَّهُمْ إِلی رَبِّهِمْ راجِعُونَ»(5)، {و کسانی که آنچه را دادند، [در راه خدا] می دهند، در حالی که دلهایشان ترسان است [و می دانند] که به سوی پروردگارشان بازخواهند گشت. } فرمود: چه آوردند؟ به خدا قسم، اطاعت خدا با محبت و ولایت را آوردند، با تمام اینها بیمناکند؛ نه این که ترس آنها ترس شک و تردید باشد؛ میترسند که مبادا در اطاعت و ولایت ما کوتاهی کرده باشند.(6)

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

1- . رعد / 19 و 20
2- . کنز الفوائد : 117
3- . حج / 34
4- . کنز الفوائد : 171
5- . مؤمنون / 60
6- . اصول کافی ...

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109